



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق الرحیم

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

۱۳

علم مفاهیم شناسی
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصغرنانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد سیزدهم - حرف ز
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۲۴	زبان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۹	زبور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۶	زخم زبان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۱	زشتی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۸	زکات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۷۷	زلزله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۹۸	زلیخاه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۶۴	زمان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۰۵	زمین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۵۷	زن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۵۶	زنا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۳۲	زنان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۶۲	زنبور عسل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۷۴	زندان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۹۲	زندگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۸۵	زنده از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۹۹	زوجیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۲۳	زهد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۴۶	زیاده طلبی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۵۰	زیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

- ۱۵۳۸ زیبایی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۶۱۷ زیتون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۶۲۸ زید بن حارثه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۶۳۷ زیرکی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۶۴۶ زینب بنت جحش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۶۵۰ زینت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۶۹۶ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد سیزدهم - حرف ز/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د ۵۷۷۴ آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است . که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف، هدف، فایده،

پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: (۱) مبانی تفسیر؛ (۲) قواعد تفسیر؛ (۳) منابع تفسیر؛ (۴) شرایط مفسر؛ (۵) سنجه‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ (۶) روش‌های تفسیری؛ (۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می‌باشد. زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبان‌شناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک و متودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را بر اساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن بر اساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متأسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلاً به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این زمینه مراکز

قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصور است اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن را در منظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مینا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن و صداها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانی که خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است

و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر موج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبانی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآوردند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلامی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف بر ایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فرو بسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهاى معرفتى او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه هاى درونى آدمى است. ثانياً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به ديگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمى به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایى لفظى را که نمایانگر آن معنى باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتى است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. يعنى علامتى است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه اى بیش نیست و فقط هنگام رویاروىى با ديگران بکار می رود. اما آدمى مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته هاى خود را به مکانهاى دور دست و به آیندگان و كسانى که با او رویاروى نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و يك سلسله علايم ديگر نیز وضع کرده که همان خط یا علايم مکتوب یا الفباست. علايمى به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، اين علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علايم مکتوب یا خط یا وجود کتبى دلالت بر حفظ، يعنى اصوات معين ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبى دال بر وجود لفظى است ، همانطور که وجود لفظى دال بر معنای ذهنى است و معنای ذهنى دال بر شىء خارجى.

وجود کتبى (علايم کتبى یا خطى) - وجود لفظى

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مباحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر خواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانی که

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند و یا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

زبان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

زبان

آثار تعلیم زبان عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۱۰

۱۰ - فهم تفصیلی و روشن آیات قرآن، نیازمند آشنایی با زبان عربی و ظرافت های آن

کتب ... عربیاً لقوم یعلمون

برخی از مفسران فعل <یعلمون> را در آیه شریفه را، به منزله فعل لازم می دانند و لذا مفعولی برای آن نمی گیرند. بر این اساس <لقوم یعلمون>؛ یعنی، برای مردمی که دانا هستند. برخی دیگر بر آنند که <یعلمون> متعدی است و مفعول آن به قرینه <عربیاً> زبان و لغت عربی است؛ یعنی، <یعلمون هذه اللغة و اللسان>. برداشت بالا با توجه به مبنای دوم است.

آثار زخم زبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۱۸

۱۸ - تأثیر گزندگی زبان، به حدی است که ممکن است حریف را، کاملاً مغلوب کند.

سَلَقُوا كَمَ بِالْسَنَةِ حَدَاد

آثار گواهی اخروی زبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۴

۴ - کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره آنان ، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح (زبان ، دست و پای) خود آنها خواهد بود .

يوم تشهد عليهم ألسنتهم .. یومئذ یوفیهم الله دینهم الحقّ

جمله < یومئذ یوفیهم الله > استتاف بیانی است و پاسخ به این سؤال است که گواهی زبان، دست و پا بر اعمال

انسان ها، برای چه منظوری است؟ پاسخ آیه شریفه این است که این گواهی، به منظور اعطای جزای کامل و عادلانه می باشد و این جزا بر پایه همین گواهی استوار است.

بلاغت زبان عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۲،۳

۲ - غنا و توانمندی زبان عربی برای بیان روشن مفاهیم بلند وحی

نزل .. بلسان عربی مبین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <مبین> صفت توضیحی برای <لسان عربی> باشد. بر این اساس قید <مبین> ستایشی از جانب خدا نسبت به زبان عربی است، از آن جهت که این زبان می تواند محتوای بلند وحی را به روشنی برساند.

۳ - انتخاب گویاترین و روشن ترین واژه ها و شیوه های گویش عرب برای بیان وحی

بلسان عربی مبین

در برداشت یاد شده <مبین> به عنوان صفت احترازی اخذ شده است. بر این اساس زبان عربی به دو دسته (مبین و غیرمبین) تقسیم می شود و خداوند قسم اول را برای بیان مفاهیم وحی برگزیده است.

تفاوت زبان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۳ - ۵

۵- مردم منطقه شمالی در عصر ذوالقرنین ، دارای زبانی دور از زبان های زنده آن روز بودند .

قومًا لایکادون یفقهون قولاً

نفی درک همه زبان ها، حاکی از این است که زبان مادری کوه نشینان عصر ذی القرنین، زبانی منحط و غیر قابل ذکر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۲ - ۱،۳،۵

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و گوناگونی زبان

ها و رنگ های آدمیان ، از آیات الهی است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألستکم و ألونکم

۳ - اختلاف مردمان در آهنگ گفتار ، از آیات الهی است .

و من ءایته ... و اختلف ألستکم

بنابراین که مراد از اختلاف در زبان، تفاوت ادای کلمات از سوی انسان ها، حتی اهل یک زبان و لهجه باشد، نکته بالا قابل استفاده است.

۵ - آیه بودن آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگ های مردم ، برای دانشمندان قابل درک است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألستکم و ألونکم إنّ فی ذلک لأیت للعل

راز تفاوت زبان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۲ - ۷

۷ - شکوفایی علم و آگاهی ، راهنمای آدمی به راز های نهفته در گوناگونی زبان ها و رنگ ها است .

و اختلف ألستکم و ألونکم إنّ فی ذلک لأیت للعلمین

مراد از <عالمین> به تناسب موضوع که سخن از تفاوت لهجه ها و رنگ ها است ممکن است دانشمندان زبان شناس و زیست شناس باشد.

زبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۳

۳ زبان پیامبران مظهري برای تجلی نطق خداوند *

لعن الذین کفروا .. علی لسان داود و عیسی ابن مریم

زبان حورالعین

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۵

۵ - > عن جعفر بن محمد عن أبيه (رضي الله عنه) قال رسول الله

فی قوله < عرباً > قال : کلامهٔ عربیّ ؛

از امام صادق(ع) از پدرش(ع) از رسول خدا(ص) روایت شده که درباره < عرباً > در کلام خدا فرمود: [یعنی] سخن گفتن آنان عربی است <.

زبان عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۵

۵ - > عن جعفر بن محمد عن أبيه (رضی الله عنه) قال رسول الله فی قوله < عرباً > قال : کلامهٔ عربیّ ؛

از امام صادق(ع) از پدرش(ع) از رسول خدا(ص) روایت شده که درباره < عرباً > در کلام خدا فرمود: [یعنی] سخن گفتن آنان عربی است <.

زبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۹ - ۱

۱ - ایمان نیاوردن عرب به قرآن و پیامبر (ص) در صورت نزول آن بر فردی غیر عرب و با زبان غیر عربی

و لو نزلناه .. ما كانوا به مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۲

۲ - قرآن ، در قالب زبان عربی نازل شد .

قرءاً عربیّاً

زبان مردم دوران ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۳ - ۳،۵

۳- مردم اقصای مشرق و مغرب زمین ، در لغت با ذوالقرنین ، قرابت داشتند .

لایکادون یفقهون قولاً

در بین سه گروهی که ذوالقرنین با آنان برخورد کرد، تنها، در باره گروه شمالی تعبیر <لایکادون..> صورت گرفته است، ولی در باره آن دو قوم دیگر، چنین مشکلی مطرح نشده است.

۵- مردم منطقه شمالی در عصر ذوالقرنین ، دارای زبانی

دور از زبان های زنده آن روز بودند .

قومًا لایکادون یفقهون قولاً

نفی درک همه زبان ها، حاکی از این است که زبان مادری کوه نشینان عصر ذی القرنین، زبانی منحط و غیر قابل ذکر بوده است.

زبان مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۳ - ۵

۵- مردم منطقه شمالی در عصر ذوالقرنین ، دارای زبانی دور از زبان های زنده آن روز بودند .

قومًا لایکادون یفقهون قولاً

نفی درک همه زبان ها، حاکی از این است که زبان مادری کوه نشینان عصر ذی القرنین، زبانی منحط و غیر قابل ذکر بوده است.

زبان مردم مشرق سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۳ - ۳

۳- مردم اقصای مشرق و مغرب زمین ، در لغت با ذوالقرنین ، قرابت داشتند .

لایکادون یفقهون قولاً

در بین سه گروهی که ذوالقرنین با آنان برخورد کرد، تنها، در باره گروه شمالی تعبیر <لایکادون..> صورت گرفته است، ولی در باره آن دو قوم دیگر، چنین مشکلی مطرح نشده است.

زبان مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۳ - ۳

۳- مردم اقصای مشرق و مغرب زمین ، در لغت با ذوالقرنین ، قرابت داشتند .

لایکادون یفقهون قولاً

در بین سه گروهی که ذوالقرنین با آنان برخورد کرد، تنها، در باره گروه شمالی تعبیر <لایکادون..> صورت گرفته است، ولی در باره آن دو قوم دیگر، چنین مشکلی مطرح نشده است.

زبان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸ - ۷

۷ - شیاطین ، آشنا به زبان فرشتگان

لايَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى

گوش فرا دادن شیاطین به سخنان فرشتگان و رانده شدن آنها از آسمان، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

زبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۱،۳

۱ - نزول مفاهیم وحی در قالب الفاظ عربی بر قلب پیامبر (ص)

نزل .. علی قلبک ... بلسان عربی

۳ - انتخاب گویاترین و روشن ترین واژه ها و شیوه های گویش عرب برای بیان وحی

بلسان عربی مبین

در برداشت یاد شده <مبین> به عنوان صفت احترازی اخذ شده است. براین اساس زبان عربی به دو دسته (مبین و غیرمبین) تقسیم می شود و خداوند قسم اول را برای بیان مفاهیم وحی برگزیده است.

زخم زبان به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۳

۳ پیامبر اکرم(ص) مورد تکذیب و زخم زبان و آزار کافران بود.

قد نعلم إنه ليحزنك الذي يقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۶

۶ - خداوند ، حامی پیامبر (ص) در برابر زخم زبان دشمنان

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ

آن گونه که از ذیل این سوره استفاده می شود، عطای کوثر به پیامبر(ص) کاری است که خداوند در برابر طعنه ها و سخنان نیشدار دشمن انجام داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۳ - ۱،۷

۱ - یکی از دشمنان پیامبر (ص) ، آن

حضرت را نسل بریده و آینده او را خالی از ذکر خیر خواند .

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

<شائئک>؛ یعنی، کسی که با تو بغض و دشمنی دارد (تاج العروس). بیشتر مفسران، او را پدر عمرو عاص دانسته اند که پس از فوت پسران پیامبر(ص)، آن حضرت را <ابتر> خواند. <أبتر> به معنای کسی است که از او به خیر و نیکی یاد نشود. <بتر> (ریشه <أبتر>) در بریدن دُم به کار می رود و به همین جهت شخصی را که نسل او قطع شده است، <ابتر> گویند (مفردات)؛ زیرا نسلی که نام نیک او را زنده نگه دارد، وجود ندارد.

۷- > تَكَلَّمَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) فَقَالَ: قَالَ الْعَاصُ بْنُ وَائِلٍ: إِنَّ مُحَمَّدًا رَجُلٌ أَبْتَرٌ لَا وَلَدَ لَهُ فَلَوْ قَدِمَتْ مَاتَ انْقِطَعَتْ ذِكْرُهُ ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى > إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ > ;

امام حسن(ع) [در مجلس مباحثه با معاویه و یاران او] سخن گفت و فرمود: عاص بن وائل گفت: محمد(ص) مردی ابتر است که برای او فرزندی نیست و اگر بمیرد [نام و] یاد او تمام می شود. پس خدای تبارک و تعالی [خطاب به رسول خدا این آیه را] نازل فرمود: إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ > .

زخم زبان دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۶

۶ - خداوند ، حامی پیامبر (ص) در برابر زخم زبان دشمنان

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ

آن گونه که از ذیل این سوره استفاده می شود، عطای کوثر به پیامبر(ص) کاری است که خداوند در برابر طعنه ها و سخنان نیشدار دشمن انجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۳ - ۱

۱ - یکی از دشمنان پیامبر (ص)، آن حضرت را نسل بریده و آینده او را خالی از ذکر خیر خواند.

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

<شائئک>؛ یعنی، کسی که با تو بغض و دشمنی دارد (تاج العروس). بیشتر مفسران، او را پدر عمرو عاص دانسته اند که پس از فوت پسران پیامبر (ص)، آن حضرت را <ابتر> خواند. <أبتر> به معنای کسی است که از او به خیر و نیکی یاد نشود. <بتر> (ریشه <أبتر>) در بریدن دم به کار می رود و به همین جهت شخصی را که نسل او قطع شده است، <ابتر> گویند (مفردات)؛ زیرا نسلی که نام نیک او را زنده نگه دارد، وجود ندارد.

زخم زبان عاص بن وائل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۳ - ۷

۷ - <تکلم أبو محمد الحسن بن علی (ع) فقال: قال العاص بن وائل: إنَّ محمداً رجل أبتراً لا ولد له فلو قد مات انقطع ذكره، فأَنْزَلَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى > إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ >؛

امام حسن (ع) [در مجلس مباحثه با معاویه و یاران او] سخن گفت و فرمود: عاص بن وائل گفت: محمد (ص) مردی ابتر است که برای او فرزندی نیست و اگر بمیرد [نام و] یاد او تمام می شود. پس خدای تبارک و تعالی [خطاب به رسول خدا این آیه را] نازل فرمود: إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ.

زمینه زخم زبان به محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۹

۹ - تأخیر وحی در برهه ای از دوران نزول قرآن ، پیامبر (ص) را نگران ساخته ، در معرض زخم زبان دشمن قرار داد .

ما ودّعك ربّك و ما قلی

لحن آیه شریفه و همراه بودن آن با سوگندهای خداوند، بیانگر اضطراب و رنجیدگی پیامبر(ص) و در صدد آرامش بخشیدن و تسلای خاطر دادن به آن حضرت است.

زمینه زخم زبان دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۹

۹ - تأخیر وحی در برهه ای از دوران نزول قرآن ، پیامبر (ص) را نگران ساخته ، در معرض زخم زبان دشمن قرار داد .

ما ودّعك ربّك و ما قلی

لحن آیه شریفه و همراه بودن آن با سوگندهای خداوند، بیانگر اضطراب و رنجیدگی پیامبر(ص) و در صدد آرامش بخشیدن و تسلای خاطر دادن به آن حضرت است.

فصاحت زبان عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۷

۷ - قابلیت و گنجایش زبان عربی ، برای ارائه مفاهیم وحی و بیان معارف الهی

کتب فصلت ءآیته قرءاناً عربیّاً

خداوند پس از بیان این حقیقت که قرآن به روشنی بیان گشته (فصلت آیاته) آن را به عربی بودن توصیف کرده تا به این معنا اشاره کند که لغت عرب آن قابلیت را داشت که بتواند زبان وحی باشد و معارف الهی را در خود جای دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۵

۵ - زبان قرآن

، زبانی گویا ، روشن و به دور از ابهام

و لو جعلنه قرءاناً أعجمياً لقالوا لولا فصلت آياته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۶

۱۶- ظرفیت زبان عربی ، برای رساندن پیام خدا و ابلاغ بیم ها و بشارت های الهی به خلق *

و هذا كتب مصدق لساناً عربياً لينذر الذين ظلموا و بشرى للمحسنين

از ارتباط میان <لساناً عربياً> و <لينذر>، استفاده می شود که عربی بودن قرآن، دارای تأثیری مهم در ابلاغ انذار و تبشیر الهی به خلق است.

گواهی اخروی زبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۱،۲

۱ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

يوم تشهد عليهم ألسنتهم و أيدیهم و أرجلهم

۲ - اعضا و جوارح (زبان ، دست و پای) گنه کاران ، تمامی گفته ها و کرده های آنان را باز گفته و از هیچ عمل خلافی ، فروگذار نخواهند کرد .

يوم تشهد عليهم ألسنتهم . . . بما كانوا يعملون

گواهی اخروی زبان قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۳

۳ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای قذف کنندگان و تهمت زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، بر اعمال ناروایشان در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ . . . يَوْمَ تُشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

لَكُنْتُ زَبَانَ مُوسَى (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۷ - ۱،۲

- ۱

موسی (ع) قبل از رسالت خویش ، لکنت زبان داشت .

واحلل عقده من لسانی

۲ - موسی (ع) در وادی طوی از خداوند خواست از لکنت زبان او بکاهد و گفتار او را واضح تر سازد .

واحلل عقده من لسانی

<عقده> نکره است و بر هر مقدار از لکنت صادق است <من> در <من لسانی> می تواند برای تبعیض باشد؛ یعنی عقده کائنه من عقده لسانی، حاکی از این که مطلوب موسی(ع) برطرف شدن بخشی از گرفتگی های زبان او بوده است. آیه بعد نیز قرینه بر این است که هدف او زوال مقداری بوده که به فهم کلامش کمک کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۸ - ۱

۱ - هدف موسی (ع) از دعا به درگاه خداوند برای بهبود لکنت زبان خویش ، مفهوم بودن سخنانش برای مردم بوده است .

واحلل عقده من لسانی. یفقهوا قولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۳

۳ - لکنت زبان و نقص گفتاری موسی (ع) ، به هنگام طرح دعوت در برابر فرعون *

و لایکاد یبین

نعمت زبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۱

۱ - زبان و دو لب انسان ، عطای الهی و نعمت هایی بزرگ است .

و لساناً و شفقتین

نقش زبان عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۴،۵

۴- نقش اساسی زبان عربی ، در تسهیل بیان معارف و

محتوای بلند قرآن

فَاتْمَا يَسْرَنه بلسانك

۵- پیامبر (ص) و زبان گویای آن حضرت، واسطه آسان شدن محتوای بسیار عالی قرآن برای درک همگان

فَاتْمَا يَسْرَنه بلسانك

مراد از <لسانك> علاوه بر عربی بودن قرآن، جاری شدن آن بر زبان مبارک پیامبر(ص) نیز می باشد؛ که در تأثیر گذاری بر شنوندگان، نقش بسزایی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۸ - ۱

۱ - زبان عربی، برخوردار از جاذبه و اتقان

و لو نزلنه علی بعض الأعجمین

<أعجمین> می تواند جمع <أعجم> و یا جمع <أعجمی> باشد. در صورت دوم اصل آن <أعجمین> است که یاء نسبت حذف گردیده است. به هر حال <اعجم> به کسی گفته می شود که در زبانش عجمه (ابهام و گنگی) باشد (مفردات راغب) و این حکایت از اتقان، روشنی و گویایی و در نتیجه جاذبه زبان عربی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۳

۳ - زبان عربی، دارای جایگاهی ویژه در انتقال مفاهیم بلند و معارف نیازمند اندیشه و تعقل

إِنَّا جَعَلْنَه قَرَاءَنَا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱

۱- تسهیل معارف والای قرآن از سوی خداوند برای خلق، در پرتو ویژگی های خاص زبان عربی

فَاتْمَا يَسْرَنه بلسانك

مراد از <لسانك>، می تواند زبان عربی باشد که زبان پیامبر(ص) بوده است.

ویژگیهای زبان عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۲،۳

۲ - غنا و توانمندی زبان عربی برای

بیان روشنِ مفاهیم بلند وحی

نزل .. بلسان عربیِ مبین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <مبین> صفت توضیحی برای <لسان عربی> باشد. بر این اساس قید <مبین> ستایشی از جانب خدا نسبت به زبان عربی است؛ از آن جهت که این زبان می تواند محتوای بلند وحی را به روشنی برساند.

۳- انتخاب گویاترین و روشن ترین واژه ها و شیوه های گویش عرب برای بیان وحی

بلسان عربیِ مبین

در برداشت یاد شده <مبین> به عنوان صفت احترازی اخذ شده است. بر این اساس زبان عربی به دو دسته (مبین و غیرمبین) تقسیم می شود و خداوند قسم اول را برای بیان مفاهیم وحی برگزیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۷

۷- قابلیت و گنجایش زبان عربی ، برای ارائه مفاهیم وحی و بیان معارف الهی

کتاب فصلت آیته قرءاناً عربیاً

خداوند پس از بیان این حقیقت که قرآن به روشنی بیان گشته (فصلت آیات) آن را به عربی بودن توصیف کرده تا به این معنا اشاره کند که لغت عرب آن قابلیت را داشت که بتواند زبان وحی باشد و معارف الهی را در خود جای دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۵

۵- زبان قرآن ، زبانی گویا ، روشن و به دور از ابهام

و لو جعلنه قرءاناً أعجمیاً لقالوا لولا فصلت آیته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۳

۳- زبان عربی ، دارای جایگاهی ویژه در انتقال مفاهیم بلند و معارف

نیازمند اندیشه و تعقل

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۶

۱۶- ظرفیت زبان عربی، برای رساندن پیام خدا و ابلاغ بیم ها و بشارت های الهی به خلق *

و هذا كتب مصدق لساناً عربياً لينذر الذين ظلموا و بشرى للمحسنين

از ارتباط میان <لساناً عربياً> و <لينذر>، استفاده می شود که عربی بودن قرآن، دارای تأثیری مهم در ابلاغ انذار و تبشیر الهی به خلق است.

زبان ها

تفاوت زبان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۳ - ۵

۵- مردم منطقه شمالی در عصر ذوالقرنین، دارای زبانی دور از زبان های زنده آن روز بودند .

قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا

نفی درك همه زبان ها، حاکی از این است که زبان مادری کوه نشینان عصر ذی القرنین، زبانی منحط و غیر قابل ذکر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۲ - ۱،۳،۵

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و گوناگونی زبان ها و رنگ های آدمیان، از آیات الهی است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألستکم و ألونکم

۳ - اختلاف مردمان در آهنگ گفتار، از آیات الهی است .

و من آیته . . . و اختلف ألسنتکم

بنابراین که مراد از اختلاف در زبان، تفاوت ادای کلمات از سوی انسان ها، حتی اهل یک زبان و لهجه باشد، نکته بالا قابل استفاده است.

۵- آیه بودن آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگ های مردم

، برای دانشمندان قابل درک است .

و من آياته خلق السموت و الأرض و اختلف ألسنتكم و ألونكم إنّ في ذلك لآيت للعل

راز تفاوت زبان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۲ - ۷

۷- شکوفایی علم و آگاهی ، راهنمای آدمی به راز های نهفته در گوناگونی زبان ها و رنگ ها است .

و اختلف ألسنتكم و ألونكم إنّ في ذلك لآيت للعلمين

مراد از <عالمین> به تناسب موضوع که سخن از تفاوت لهجه ها و رنگ ها است ممکن است دانشمندان زبان شناس و زیست شناس باشد.

زبور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

زبور

ارزش زبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۱۵

۱۵ زبور ، کتابی ارزشمند و دارای اهمیتی خاص

و آتینا داود زبوراً

اهمیت زبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۱۵

۱۵ زبور ، کتابی ارزشمند و دارای اهمیتی خاص

و ءاتینا داود زبوراً

پیشگوییهای زبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۲

۲- پیش گویی پیروزی و حاکمیت انسان های صالح در سطح زمین در کتاب زبور

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <من بعد الذکر> متعلق به <کائن> باشد در نتیجه شامل پیش گویی در تورات نمی شود.

تاریخ زبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۳

۳- زبور ، کتاب آسمانی نازل شده بعد از تورات

و لقد کتبنا

فی الزبور من بعد الذکر

تذکرات زبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- قرآن و کتاب های آسمانی (تورات ، زبور و انجیل) ، مایه احیای فطرت خفته و یادآور دانستنی های فراموش شده انسان ها

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

<ذکر> از نظر معنا، مانند <حفظ> است؛ با این تفاوت که حفظ شیء به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و ذکر شیء به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و دیگر کتاب های آسمانی به <ذکر>، ممکن است به این اعتبار باشد. که یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسان غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۴

۴- زبور کتابی که حاوی پند ها و موعظه ها و یاد و یادآوری ها است .

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر

برخی از مفسران <الذکر> را به یکی از معانی لغوی آن (تذکیر، موعظه، یاد و یادآوری) گرفته اند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: در کتاب زبور پس از یک سلسله تذکرات و موعظه ها و یاد و یادآوری ها نوشتیم....

تعالم زبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱،۴

۱- به ارث بردن زمین و تسلط بر منافع آن به وسیله بندگان صالح ، امری ثبت شده در کتاب تورات و زبور

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصلحون

بر این است که: ۱ الف و لام <الزبور> برای عهد و مقصود از آن کتاب آسمانی داوود(ع) باشد؛ چنان که در آیه ۱۶۳، سوره <نساء> آمده است (و آتینا داوود زبوراً)؛ ۲ مقصود از <الذکر> تورات باشد؛ چنان که این نام در قرآن بر تورات اطلاق شده است (انبیاء، آیه ۴۸)؛ ۳ <من بعد الذکر> متعلق به <کتبنا> باشد.

۴- زبور کتابی که حاوی پند ها و موعظه ها و یاد و یادآوری ها است .

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر

برخی از مفسران <الذکر> را به یکی از معانی لغوی آن (تذکیر، موعظه، یاد و یادآوری) گرفته اند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: در کتاب زبور پس از یک سلسله تذکرات و موعظه ها و یاد و یادآوری ها نوشتیم....

زبور از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۱۴

۱۴ حضرت داود (ع) از پیامبران پس از نوح (ع) و دارای کتابی از جانب خدا به نام زبور

و آتینا داود زبوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۵ - ۹

۹- خداوند ، به داوود (ع) کتاب آسمانی < زبور > را اعطا کرد .

و آتینا داود زبوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۳

۳- زبور ، کتاب آسمانی نازل شده بعد از تورات

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر

محمد(ص) در زبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام

۱۳ عن أبي عبد الله (ع) قال: هذه الآيه نزلت في اليهود و النصارى يقول الله تبارك و تعالى: <الذين آتيناهم الكتاب يعنى التوراه و الإنجيل يعرفونه يعنى رسول الله (ص) .. لأن الله عز و جل قد أنزل عليهم فى التوراه و الإنجيل و الزبور صفه محمّد (ص) ... و مبعثه

مراد از زبور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳- < عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله (ع) انه سأله عن قول الله عزّوجلّ : < و لقد كتبنا فى الزبور من بعد الذكر > ما الزبور و ما الذكر ؟ قال : الذكر عند الله ، و الزبور الذى أنزل على داود ;

از عبد الله بن سنان نقل شده که از امام صادق (ع) در باره قول خدای عزّوجلّ < و لقد كتبنا فى الزبور من بعد الذكر > پرسید زبور چیست ذکر کدام است؟ فرمود: ذکر نزد خدا است و زبور آن است که بر داوود نازل شده است < .

مواعظ زبور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۴

۴- زبور کتابی که حاوی پند ها و موعظه ها و یاد و یادآوری ها است .

و لقد كتبنا فى الزبور من بعد الذكر

برخی از مفسران <الذكر> را به یکی از معانی لغوی آن (تذکیر، موعظه، یاد و یادآوری) گرفته اند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: در کتاب زبور پس از یک سلسله تذکرات و موعظه ها و یاد و یادآوری ها نوشتیم....

نقش زبور

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- قرآن و کتاب های آسمانی (تورات ، زبور و انجیل) ، مایه احیای فطرت خفته و یادآور دانستنی های فراموش شده انسان ها

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

<ذکر> از نظر معنا، مانند <حفظ> است؛ با این تفاوت که حفظ شیء به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و ذکر شیء به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و دیگر کتاب های آسمانی به <ذکر>، ممکن است به این اعتبار باشد. که یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسان غافل است.

وقت نزول زبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۵ - ۱۲

۱۲- > [النبي (ص)] قال : ... أما العشرون : أنزل الزبور علی داود فی عشرين يوماً خلون من شهر رمضان و ذلك قوله فی القرآن : > و آتینا داود زبوراً < ... ;

پیامبر(ص)[فرمود: ... اما بیست ... مقصود بیستم ماه رمضان است که در آن زبور بر داوود نازل شد و این سخن خدا در قرآن است که می فرماید: و آتینا داود زبوراً...<.

زخم زبان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

زخم زبان

آثار زخم زبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۱۸

۱۸ - تأثیر گزندگی زبان ، به حدی است که ممکن است حریف را ، کاملاً مغلوب کند .

سَلْقُوكُمْ بِاللِّسَانِ حَدَادٍ

زخم زبان به محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۳

۳ پیامبر اکرم (ص) مورد تکذیب و زخم زبان و آزار کافران بود.

قد نعلم إنه ليحزنك الذي يقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۶

۶ - خداوند ، حامی پیامبر (ص) در برابر زخم زبان دشمنان

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ

آن گونه که از ذیل این سوره استفاده می شود، عطای کوثر به پیامبر (ص) کاری است که خداوند در برابر طعنه ها و سخنان نیشدار دشمن انجام داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۳ - ۱،۷

۱ - یکی از دشمنان پیامبر (ص) ، آن حضرت را نسل بریده و آینده او را خالی از ذکر خیر خواند .

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

<شائئک>؛ یعنی، کسی که با تو بغض و دشمنی دارد (تاج العروس). بیشتر مفسران، او را پدر عمرو عاص دانسته اند که پس از فوت پسران پیامبر (ص)، آن حضرت را <ابتر> خواند. <ابتر> به معنای کسی است که از او به خیر و نیکی یاد نشود. <بتر> (ریشه <ابتر>) در بریدن دم به کار می رود و به همین جهت شخصی را که نسل او قطع شده است، <ابتر> گویند (مفردات)؛ زیرا نسلی که نام نیک او را زنده نگه دارد، وجود ندارد.

۷ - > تَكَلَّمَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) فَقَالَ: قَالَ الْعَاصُ بْنُ وَائِلٍ: إِنَّ مُحَمَّدًا رَجُلٌ أَبْتَرٌ لَا وَلَدَ لَهُ فَلَوْ قَدِمَتْ انْقِطَعَتْ ذِكْرُهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى > إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ <؛

امام

حسن(ع) [در مجلس مباحثه با معاویه و یاران او] سخن گفت و فرمود: عاص بنوائل گفت: محمد(ص) مردی ابتر است که برای او فرزندی نیست و اگر بمیرد [نام و] یاد او تمام می شود. پس خدای تبارک و تعالی [خطاب به رسول خدا این آیه را] نازل فرمود: إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ.

زخم زبان دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۶

۶ - خداوند ، حامی پیامبر (ص) در برابر زخم زبان دشمنان

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ

آن گونه که از ذیل این سوره استفاده می شود، عطای کوثر به پیامبر(ص) کاری است که خداوند در برابر طعنه ها و سخنان نیشدار دشمن انجام داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۳ - ۱

۱ - یکی از دشمنان پیامبر (ص) ، آن حضرت را نسل بریده و آینده او را خالی از ذکر خیر خواند .

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

<شائئک> یعنی، کسی که با تو بغض و دشمنی دارد (تاج العروس). بیشتر مفسران، او را پدر عمرو عاص دانسته اند که پس از فوت پسران پیامبر(ص)، آن حضرت را <ابتر> خواند. <أبتر> به معنای کسی است که از او به خیر و نیکی یاد نشود. <بتر> (ریشه <أبتر>) در بریدن دم به کار می رود و به همین جهت شخصی را که نسل او قطع شده است، <ابتر> گویند (مفردات) زیرا نسلی که نام نیک او را زنده نگه دارد، وجود ندارد.

زخم زبان عاص بن وائل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - > تکلم أبو محمد الحسن بن علی (ع) فقال: قال العاص بن وائل: إنَّ محمداً رجل أبتراً لا ولد له فلو قد مات انقطع ذكره ، فأَنْزَلَ اللهُ تبارك و تعالی > إنَّ شائئَكَ هو الأبتَر < ;

امام حسن(ع) [در مجلس مباحثه با معاویه و یاران او] سخن گفت و فرمود: عاص بن وائل گفت: محمد(ص) مردی ابتراست که برای او فرزندی نیست و اگر بمیرد [نام و] یاد او تمام می شود. پس خدای تبارک و تعالی [خطاب به رسول خدا این آیه را] نازل فرمود: إنَّ شائئَكَ هو الأبتَر < .

زمینه زخم زبان به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۹

۹ - تأخیر وحی در برهه ای از دوران نزول قرآن ، پیامبر (ص) را نگران ساخته ، در معرض زخم زبان دشمن قرار داد .

ما ودّعكَ ربّكَ و ما قلی

لحن آیه شریفه و همراه بودن آن با سوگندهای خداوند، بیانگر اضطراب و رنجیدگی پیامبر(ص) و در صدد آرامش بخشیدن و تسلای خاطر دادن به آن حضرت است.

زمینه زخم زبان دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۹

۹ - تأخیر وحی در برهه ای از دوران نزول قرآن ، پیامبر (ص) را نگران ساخته ، در معرض زخم زبان دشمن قرار داد .

ما ودّعكَ ربّكَ و ما قلی

لحن آیه شریفه و همراه بودن آن با سوگندهای خداوند، بیانگر اضطراب و رنجیدگی پیامبر(ص) و در صدد

آرامش بخشیدن و تسلای خاطر دادن به آن حضرت است.

زشتی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

زشتی

آثار زشتی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۹

۹- زشتی و قباحت زنا و بیراهه بودن آن در ارضای طبیعی غریزه جنسی ، ملاک حرمت آن است .

و لا تقربوا الزنی إنه کان فحشه و ساء سییلاً

جمله <إنه کان فاحشه و ساء سییلاً> به منزله تعلیل برای نهی است و می تواند مفید معنای یاد شده باشد.

اجتناب از زشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۲۲، ۱

۱ - پرهیز پیوسته و مستمر از زشتی ها و گناهان کبیره ، از ویژگی های بارز نیک کرداران

و یجزی الذین أحسنوا .. الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

استمرار، از فعل مضارع <یجتنبون> استفاده می شود.

۲۲ - مبادرت به نیکی و پرهیز از گناه و زشتی ، تجلی تقوای پیشگی است .

و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى . الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش ... هو أعلم بمن

ارتباط آیات شریفه، نشانگر آن است که مراد از <من اتقى> همان <الذین أحسنوا و ..> می باشد.

استتار زشتی بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ مستور داشتن شرمگاه و زشتیهای بدن، امری لازم و ضروری

قد أنزلنا علیکم لباسا یوری سوءتکم و ریشا و لباس التقوی ذلک خیر

توصیف کلمه <لباسا> به <یواری سوءاتکم> می رساند که از اهداف آفرینش لباس، پوشانیدن شرمگاه است. و این معنا با وجهی بلیغ حکایت از ضرورت پوشش شرمگاه دارد.

تحلیل زشتی عمل

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۴

۴ نقش جهانبینی در توجیه و تعیین زشتی و زیبایی عمل *

و كذلك زين لكثير من المشركين قتل اولدهم شركاؤهم

تنفر از زشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۵

۵- گرایش و تمایل انسان به زیبایی و گریز از زشتی

فزین لهم الشیطن أعملهم

از اینکه شیطان اعمال زشت مردم را تزئین کرد و آنان را به وسیله همان عمل گمراه ساخت، نشان دهنده نکته فوق است.

جایگاه درک زشتی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - قلب ، جایگاه ادراک و اساس زیبایی ایمان و زشتی کفر

و زینة فی قلوبکم و کره إلیکم الکفر

زشتی بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۷

۷ توجه به نقش فضل الهی در بهره مندی انسان از نعمت ها ، بیانگر زشتی بخل و پنهان ساختن داراییها

الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل و یکتُمون ما اتیهم الله من فضله

۱۶ عن أبي جعفر (ع) في قوله: <.. عذابا من فوقكم > هو الدخان و الصيحه <او من تحت ارجلكم > و هو الخسف <او يلبسكم شيئا > و هو اختلاف في الدين و طعن بعضكم على بعض <و يذيق بعضكم بأس بعض > و هو ان يقتل بعضكم بعضا و كل هذا في أهل القبلة

از امام باقر(ع) روایت شده است: مراد از <عذاباً من فوقکم>، دود و صیحه آسمانی و مراد از <أو من تحت أرجلکم>، فرو رفتن در زمین و مراد از <یلبسکم شیعا>، اختلاف در دین و بدگویی بعضی از شما نسبت به بعض دیگر می باشد، و مراد از <و یدیق بعضکم بأس بعض> این است که گروهی از شما گروه دیگر را بکشد و تمام اینها مربوط به اهل قبله است . . .

زشتی تجاوز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۹

۹ زشتی و ناروایی گناه ، تجاوز و حرام خواری

یسرعون فی الاثم و العدون و اكلهم السحت لبس ما كانوا يعملون

زشتی تهمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۴

۴ - زشتی و ناروایی بیهوده گویی و دادن نسبت های ناروا به دیگران

لا یسمعون فیها لغواً و لا تأثیماً

زشتی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۳

۳ - بدمنظری دوزخیان ، در نتیجه جمع شدن پوست صورت و لب های آنها و آشکار ماندن دندان هایشان

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> ظاهراً کنایه از زشت رویی و بدمنظری دوزخیان است.

زشتی حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۹

۹ زشتی و ناروایی گناه ، تجاوز و حرام خواری

يسرعون في الاثم والعدون واكلهم السحت لبس ما كانوا يعملون

زشتی خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۷

۷ پیامدهای شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت‌های جامعه، امری روشن و بی‌نیاز از برهان

لاتخونوا الله... و أنتم تعلمون

در اینکه مفعول <تعلمون> چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و شرع.

زشتی درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۲

۲ - درخت <زقوم>، درختی زشت منظر و وحشت آور

طلعها كأنه رءوس الشیطن

تشبیه درخت زقوم به سرهای شیطان‌ها، به خاطر ذهنیتی است که مردم به ویژه عرب‌ها از شیطان دارند. بدین صورت که آن را موجودی زشت و وحشت‌آور می‌دانند و هر چیز و فرد زشت را به چهره و سر شیطان تشبیه می‌کنند.

زشتی دشنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۴

۴ - زشتی و ناروایی بیهوده‌گویی و دادن نسبت‌های ناروا به دیگران

لا یسمعون فیها لغوًا و لا تأثیماً

زشتی روابط نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۵

۵ بشر از دیرباز به ناروایی رابطه زناشویی زن با غیر همسر خویش ، معتقد بود و بر آن تأکید می کرد .

واستغفری لذنبک إنک کنت من الخاطئين

زشتی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۱۹

۱۹ سئل علی بن الحسین (ع)

عن الفواحش ما ظهر منها و ما بطن قال: ما ظهر نکاح إمرأه الأب و ما بطن الزنا.

از امام سجاده (ع) درباره فواحش ظاهری و باطنی سؤال شد فرمود: فاحشه ظاهری، ازدواج با همسر پدر و فاحشه باطنی زناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۴

۴- زنا، عملی بس زشت و پلید و راهی بس ناشایست در ارضای غریزه جنسی

ینه کان فحشه و ساء سیلاً

<فاحشه> به سخن و رفتاری می گویند که زشتی آن بسیار است (مفردات راغب).

زشتی زنا در تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۶

۶- زشتی و پلیدی زنا، امری نهفته در وجدان همه انسان های طول تاریخ

ینه کان فحشه و ساء سیلاً

جمله اسمیه <ینه کان فاحشه و ساء سیلاً> دلالت بر ثبوت و استمرار دارد و در ضمن تعلیلی است برای نهی <لا-تقربوا الزنی>. افزودن این تعلیل، برای برانگیختن مردم و مخاطبان جهت عمل به <لا-تقربوا> است. چنین امری هم، وقتی تأثیربخش خواهد بود که خود مردم بدی آن را بفهمند و اطلاق تعلیل، بد بودن آن را در نزد مردم می رساند.

زشتی صورت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۱

۱ - زشت و کریه شدن چهره های کافران و منکران معاد، در لحظه مشاهده عذاب قیامت

فلما رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

واژه <سوء> مرادف <قیح> و <سیئه> مقابل <حسنه> است.

زشتی صورت مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک

۱ - زشت و کریه شدن چهره های کافران و منکران معاد ، در لحظه مشاهده عذاب قیامت

فلما رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

واژه <سوء> مرادف <قیح> و <سیئه> مقابل <حسنه> است.

زشتی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۸

۸ - مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

زشتی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۹

۹ زشتی و ناروایی گناه ، تجاوز و حرام خواری

یسرعون فی الاثم و العدون و اکلهم السحت لبئس ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۲

۲ لزوم اجتناب از همه گناهان، چه قبحش آشکار و چه نهان باشد.

و ذروا ظهر الاثم و باطنه

<ظاهر الاثم> می تواند صفت برای محذوف باشد. در این صورت معنی جمله چنین می شود: <ذروا عصیانا ظاهر الاثم و باطنه>.

زشتی گناه آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۶

۶ - ارتکاب علنی اعمال زشت ، دارای قباحت فزون تر

أتأتون الفحشه و أنتم تبصرون

لوط(ع)، در توییح قومش بر روی دو نکته تأکید کرده است: ۱ ارتکاب فحشا، ۲ انجام آن در منظر عموم. بنابراین مفاد پیام لوط چنین می شود: ای مردم! چرا به کار زشت آمیزش با مردان روی می آورید و بدتر از آن چرا آن را در برابر

چشم دیگران انجام می دهید.

زشتی لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۴

۴ - زشتی و ناروایی بیهوده گویی و دادن نسبت های ناروا به دیگران

لا یسمعون فیها لغوًا و لا تأثیماً

زشتی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۱

۱ قوم لوط ، مردمی مبتلا به عمل بسیار شنیع لواط

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

فعل مضارع <تأتون> حکایت از استمرار لواط دارد که در برداشت از آن به <ابتلا> تعبیر شد.

زشتی میوه درخت زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۱

۱ - میوه و ثمره درخت <زقوم> ، در زشتی همانند سرهای شیطان ها است .

طلعها کأنه رءوس الشیطین

<طلع> ، به معنای <ثمره> است.

عفو از زشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند، به گذشت از کسانی که به ایشان بدی کرده اند.

إِنْ تَبَدُّوا .. أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءِ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوَاً قَدِيراً

۸ نیکی به مردم در آشکار و نهان و گذشت از بدی های ایشان، در پی دارنده عفو الهی

إِنْ تَبَدُّوا خِيراً أَوْ تَخْفَوْهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءِ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوَاً قَدِيراً

از جمله مصادیق مورد نظر برای کلمه <خیر>، به قرینه <او تعفوا عن سوء> که بیانگر گذشت از خطاهای دیگران است، احسان و نیکی به مردم می باشد.

عوامل تزئین زشتی ها

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۱

۱- ابلیس، گمراه شدن خود از سوی خداوند را، عامل زیبا نمایاندن زشتی‌ها و به گمراهی کشاندن همه انسان‌ها معرفی کرد.

قال ربّ بما أغويتني لأزيننّ لهم في الأرض ولأغوينهم أجمعين

<با> در <بما> بای سببیه است.

فطرت زشتی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۶

۶- زشتی و پلیدی زنا، امری نهفته در وجدان همه انسان‌های طول تاریخ

إنه كان فحشه و ساء سيلاً

جمله اسمیه <إنه كان فحشه و ساء سيلاً> دلالت بر ثبوت و استمرار دارد و در ضمن تعلیلی است برای نهی <لا-تقربوا الزنی>. افزودن این تعلیل، برای برانگیختن مردم و مخاطبان جهت عمل به <لا-تقربوا> است. چنین امری هم، وقتی تأثیربخش خواهد بود که خود مردم بدی آن را بفهمند و اطلاق تعلیل، بد بودن آن را در نزد مردم می‌رساند.

ملاك زشتی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۸

۸ ظلم، معیار سنجش میزان زشتی گناهان و دارای مراتب است.

و من أظلم ممن افتری علی الله کذبا

گزینه‌ش واژه <أظلم> به جای <أذنب> و <أعصى> و مانند آن می‌تواند بدان جهت باشد که اولاً- ظلم بودن افترا را گوشزد کند و ثانیاً به ریشه گناه بودن افترا اشاره نماید. بنابراین ظلم معیاری برای شناخت گناه و مرتبه آن است.

نفرت از زشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۵

- گرایش و تمایل انسان به زیبایی و گریز وی از زشتی

أفمن زين له سوء عمله فرءاه حسناً

از این که شیطان برای گمراه کردن مردم، از راه زیبا جلوه دادن اعمال زشت آنان وارد می شود، می توان مطلب یاد شده را استنباط کرد.

زشتی ها

اجتناب از زشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱،۲۲

۱ - پرهیز پیوسته و مستمر از زشتی ها و گناهان کبیره ، از ویژگی های بارز نیک کرداران

و یجزی الذین أحسنوا .. الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

استمرار، از فعل مضارع <یجتنبون> استفاده می شود.

۲۲ - مبادرت به نیکی و پرهیز از گناه و زشتی ، تجلی تقوای پیشگی است .

و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى . الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش ... هو أعلم بمن

ارتباط آیات شریفه، نشانگر آن است که مراد از <من اتقى> همان <الذین أحسنوا و ..> می باشد.

عوامل تزئین زشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۱

۱- ابلیس ، گمراه شدن خود از سوی خداوند را ، عامل زیبا نمایاندن زشتی ها و به گمراهی کشاندن همه انسان ها معرفی کرد .

قال ربّ بما أغویتني لأزیننّ لهم فی الأرض و لأغوینهم أجمعین

<با> در <بما> بای سبیه است.

زکات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

زکات

آثار اجتماعی زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۴

۴ - برخورداری جامعه اسلامی از حمایت و نصرت خدا، در گرو اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از

منکر است .

الذین ان مکّتهم فی الأرض ... و نهوا عن المنکر

آثار اخروی زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴ - ۱

۱ - رسیدن به رستگاری اخروی ، در گرو پرداخت زکات است .

قد أفلح المؤمنون .. و الذین هم للزکوه فعلون

آثار ادای زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱۹، ۱۵

۱۵ خداوند نویدبخش موسی (ع) به استجابت دعایش برای سعادت بنی اسرائیل در دنیا و آخرت ، به شرط رعایت تقوا ، پرداخت زکات و ایمان به همه آیات الهی

فسأکتبها للذین یتقون و یؤتون الزکوه و الذین هم بایتنا یؤمنون

۱۹ تقوایشگی ، پرداخت زکات و ایمان به آیات الهی ، شرط برخوردار شدن همراهان موسی در میعادگاه مناجات ، از مغفرت و رحمت خاص الهی بود .

فاغفرلنا و ارحمنا و أنت خیر الغفرین .. فسأکتبها للذین یتقون

جمله <فسأکتبها .. > پاسخی است به درخواستهای موسی(ع) و از جمله آنهاست تقاضای رحمت و مغفرت برای همراهان خویش در میعادگاه مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۱۰

۱۰ - عبادت خداوند ، عقاید توحیدی ، ادای نماز و پرداخت زکات ، سامان دهنده امور انسان ها است .

ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الزكوه و ذلك دين التق

آثار اقتصادى زكات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٢ - مؤمنون - ٢٣ - ٤ - ٥

٥ - پرداخت زكات ، مايه

رشد سرمایه و ازدیاد ثروت

و الذین هم للزکوه فعلون

<زکات> از مصدر <زُکُوَ> مشتق است. <زکو> هم به معنای نمو و ازدیاد می آید و هم به معنای پاکی و طهارت. بنابراین می توان گفت: انفاق مال، بدان جهت که مایه رشد و ازدیاد سرمایه است و یا طهارت جان و سلامت نفس انفاق کننده را در پی دارد، زکات نامیده شده است.

آثار اهتمام به زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۲

۲ - پایبندی به نماز و زکات و باور به آخرت ، شرط بهرهوری از هدایت و بشارت قرآن

هدی و بشری للمؤمنین . الذین یقیمون الصلوه... و هم بالأخره هم یوقنون

فعل های <یقیمون> و <یؤتون> مضارع و مفید استمرار است ؛ یعنی ، <هدی و بشری للذین یستمرون علی اقامه الصلاه و إیتاء الزکاه>.

آثار پرداخت زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۹

۲۹ - اقامه نماز ، پرداخت زکات و اعتصام به خداوند ، زمینه ساز برخورداری از ولایت و جلب یاری و نصرت او

فاقیموا الصلوه .. فنعم المولی و نعم النصیر

برداشت فوق، بدان احتمال است که <فنعم المولی..> مترتب بر تکالیف پیشین باشد که انجام آن، موجب بهره مندی از ولایت ویژه و نصرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۹

۹- برپایی کامل نماز و پرداخت مدام زکات و یقین به عالم آخرت ، زمینه دستیابی به هدایت ویژه قرآن است .

هدی . . . للمحسنین . الذین یقیمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۳،۱۰

۳ - یقین به آخرت و برپایی نماز و پرداخت زکات ، زمینه ساز بهره مندی از هدایت های افزون الهی است .

الذین یقیمون . . . و هم بالأخره هم یوقنون . أولئک علی هدی من ربهم

۱۰ - رستگاری ، تنها در پرتو اقامه نماز و پرداخت زکات و یقین به آخرت است .

الذین یقیمون الصلوه و . . . و أولئک هم المفلحون

آثار پرداخت زکات فطره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۵

۵ - > و سئل الصادق (ع) عن قول الله عزوجل < قد أفلح من تزکی > قال من أخرج الفطره ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجل <قد أفلح من تزکی> سؤال شد، فرمود: [مقصود] کسی است که زکات فطره خود را بپردازد.

آثار ترک زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱۲

۱۲ کفر ، اعمال ناشایست ، ترک نماز و نداشتن ارتباط با خدا ، امتناع از پرداخت زکات و حقوق مالی ، موجب اضطراب و سلب آرامش درونی

ان الذین امنوا . . . و لا هم یحزنون

از مفهوم آیه برداشت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ دل‌بستگی به مال و عدم تمایل به پرداخت صدقه (زکات) نشانه آلودگی روح و عدم تکامل معنوی انسان

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزكیهم

از مفهوم آیه برداشت می

شود که: تطهیر و تزکیه مورد نظر تنها با پرداخت زکات حاصل خواهد شد. بنابراین آنان که در نتیجه دل‌بستگی، از پرداخت آن سرباز می‌زنند، آلوده‌اند و رشد نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴ - ۴۲

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - > عن أبي عبد الله (ع) أنه قال: من تمام الصوم اعطاء الزكاه... و من صام فلم يؤدّها فلاصوم له إذا تركها متعمداً...
إنّ الله عزّوجلّ بدأ بها قبل الصلاة فقال: > قد أفلح من تزكى. و ذکر اسم ربّه فصلی < ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: از [شرایط] تمام بودن روزه، دادن زکات است... و کسی که روزه بگیرد، ولی زکات را نپردازد، روزه برای او نیست در صورتی که ترک زکات از روی عمد باشد... خدای عزّوجلّ زکات را در ابتدا و قبل از نماز، آورده و فرموده است: قد أفلح من تزكى. و ذکر اسم ربّه فصلی <.

آثار روانی زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴ - ۶

۶ - پرداخت زکات، مایه طهارت جان و سلامت روان است.

و الذین هم للزکوه فعلون

آثار زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۴

۴ - برپایی نماز، پرداخت زکات و شرکت در نماز جماعت از جمله سبب‌های کارساز برای

دور ماندن از عذاب ها و مخاطرات روز قیامت

و أقيموا الصلوه .. و اتقوا يوماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۲،۳،۴

۲ - برپاداشتن نماز و پرداخت زکات ، دارای نقشی بسزا در آماده سازی مسلمانان برای برخورد با دشمنان

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی اللہ بأمره .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

چون وجوب نماز و زکات، پیش از نزول این آیه برای مسلمانان بیان شده بود، معلوم می شود: تأکید بر آن در این آیه، ارائه رهنمودی است برای تحقق امر یاد شده در آیه (فاعفوا و اصفحوا) و نیز فراهم آمدن زمینه جهاد و مبارزه که فراز <حتی یأتی اللہ بأمره> بدان اشاره دارد. در برداشت فوق <أقيموا الصلاه...> در ارتباط با <حتی یأتی...> معنا شده است.

۳ - اقامه نماز و ادای زکات ، عامل شکیبایی بر آزار های دشمنان و زمینه ساز مدارا کردن با ایشان است .

فاعفوا و اصفحوا .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

در برداشت فوق، جمله <أقيموا الصلاه...> در ارتباط با <فاعفوا و اصفحوا> ملاحظه شده است. در این لحاظ هدف از تأکید بر اقامه نماز و پرداخت زکات، ایجاد توان برای اطاعت امر خداوند (لزوم عفو و گذشت و مدارا کردن با دشمنان) است.

۴ - مسلمانان صدر اسلام ، موظف به تقویت بنیه اعتقادی و اقتصادی خویش با برپا کردن نماز و پرداخت زکات (برای مهیا شدن زمینه های جهاد و مبارزه)

حتی یأتی اللہ بأمره .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۹، ۱۱، ۱۳

۹ آرامش درونی ، دستاورد ایمان و عمل صالح به ویژه نماز و زکات

انّ الذّین امنوا و عملوا الصّالحات . . . و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

بنابراینکه نداشتن <خوف> و <حزن> (آرامش درونی) علاوه بر آخرت، مربوط به دنیا نیز باشد.

۱۱ ایمان ، عمل صالح ، نماز و زکات ، موجب آرامش خاطر

انّ الذّین امنوا . . . و لا هم یحزنون

۱۳ ایمان و عمل صالح به ویژه نماز و زکات زمینه نفی ربا در جامعه

یمحقّ الله الرّبوا . . امنوا و عملوا الصّالحات

ذکر این آیه پس از آیات قبل (در مورد ربا) رهنمودی است برای از بین بردن ربا در جامعه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۸

۸ نقش اقامه نماز و پرداخت زکات ، در خودسازی و آمادگی برای جهاد و فداکاری

الم تر الی الذّین قیل لهم کفّوا ایدیکم و اقیموا الصّلوه و اتوا الزکوه فلما کتب ع

فرمان خداوند به برپایی نماز و ادای زکات، پس از نهی از مبارزه مسلحانه، دلالت بر این دارد که تا اقامه نماز و ادای زکات جایگاه خویش را در جامعه نیابد، شرایط برای مبارزه و جهاد آماده نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۰، ۲۱

۲۰ اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و یاری آنان و انفاق در راه خدا ، موجب تکفیر (نادیده گرفتن) قطعی گناهان و دخول حتمی در بهشت

لئن اقمتم . . . لا کفرن

عنکم سیاتکم و لادخلنکم جنت

۲۱ تکفیر (نادیده گرفتن) گناهان بنی اسرائیل و دخول آنان به بهشت در گرو اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و یاری آنان و انفاق در راه خدا

لئن اقمتم الصلوه .. و لادخلنکم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۹

۹ اقامه نماز و پرداخت زکات ، شرط پذیرش اسلام مشرکان و کافران

فإن تابوا و أقاموا الصلوه و ءاتوا الزکوه فخلوا سبیلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۹

۹ ایمان به خدا و روز رستاخیز ، اقامه نماز و پرداخت زکات و نترسیدن از غیر خدا ، زمینه ساز ره یابی به صراط مستقیم و قرار گرفتن در زمره ره یافتگان

من ءامن بالله و الیوم الآخر .. فعسی أولئک أن یكونوا من المهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۱

۲۱ امر به معروف ، نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسولش ، عامل جلب رحمت ویژه الهی

یأمرون بالمعروف .. أولئک سیرحمهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۸،۱۱

۸ پرداخت صدقه و زکات ، مایه تطهیر (پاکی روح از آلودگی) و تزکیه (رشد معنوی) انسان است .

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

۱۱ پرداخت صدقه (زکات) ، تضمین کننده پاکی جامعه و شکوفایی

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزكهم

برداشت فوق بر این اساس است که تطهیر و رشد، صرفاً فردی نباشد و نظر به حیثیت اجتماعی آن نیز داشته باشد. به تعبیر دیگر، صدقه و زکات، از آن جهت که تعدیل ثروت را به دنبال دارد، عدالت اجتماعی را تضمین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۹

۹ انفاق و پرداخت صدقات از نشانه های اصلی و جلوه توبه راستین است .

أن الله هو يقبل التوبة عن عباده و يأخذ الصدقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰ - ۳

۳ خشوع در نماز ، اجتناب از لغو (گفتار بیهوده و کردار عبث) ، پرداخت زکات ، عفت و پاک دامنی ، امانت داری ، پایبندی به عهد و پیمان و اهمیت دادن به نماز و انجام به موقع آن ، تضمین کننده رستگاری اخروی و دستیابی مؤمنان به بهشت

قد أفلح المؤمنون . الذين هم ... أولئك هم الورثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، نماز به پا می دارند ، زکات می پردازند و از قیامت می ترسند ، از روزی فراوان و بی شمار برخوردارند .

رجال لاتلهيهم تجره و لا يبيع عن ذكر الله .. ليجزئهم الله أحسن ما عملوا و يزيد

<حساب> به معنای شمارش است و <بغیر حساب> (بی شمارش) می تواند کنایه از کثرت و فراوانی باشد.

جلد - نام سوره

۶ - مؤمنان نیکوکار در سایه برپایی نماز، پرداخت زکات و اطاعت از پیامبر (ص) مشمول رحمت خدا هستند.

وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصلحت.. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

۷ - برپایی نماز، پرداخت زکات و اطاعت از پیامبر (ص) و رهبران الهی، مایه جلب رحمت خدا است.

و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه و أطيعوا الرسول لعلکم ترحمون

۸ - امید به برخورداری از رحمت خدا در پرتو اقامه نماز، پرداخت زکات و اطاعت از پیامبر (ص) امیدی به جا و شایسته

و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه و أطيعوا الرسول لعلکم ترحمون

از این که خداوند پس از توصیه مؤمنان به اقامه نماز، پرداخت زکات و فرمان بری از پیامبر(ص)، آنان را به رحمت خویش امیدوار ساخته است به دست می آید که امید داشتن به رحمت خدا، پس از عمل به توصیه های الهی، امیدی به جا و شایسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - اقامه نماز و پرداخت زکات، دارای پیوندی عمیق با یقین به آخرت

الذين يقيمون الصلوه و يؤتون الزكوه و هم بالأخره هم يوقنون

جمله <و هم بالأخره..> حال معلله است؛ یعنی، یقین داشتن آنان به آخرت و کیفر و پاداش الهی، آنها را پایبند به اقامه نماز و پرداخت زکات می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

پرداخت زکات و انفاق مال در راه خدا، از نمود های بارز اعتقاد به توحید و جهان آخرت

و ویل للمشركين . الذين لا يؤتون الزكوه و هم بالأخره هم كفرون

از مفهوم مخالف آیه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۵

۵ - انفاق در راه خداوند (پرداخت زکات) ، نشانگر ایمان و نمونه گویای عمل صالح

و ویل للمشركين . الذين لا يؤتون الزكوه ... إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

آداب ادای زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۸

۸ حالت خضوع و فروتنی در پرداخت صدقه و زکات ، از شرایط لازم برای تصدی حکومت و ولایت بر اهل ایمان

انما وليکم الله .. الذين يقيمون الصلوه و يؤتون الزكوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

آداب زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۰

۳۰ - زکات ، باید به بهترین صورت و مناسب ترین چیز برای فقیران پرداخت شود .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا

اجبار بر زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۵ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: > يجبر الامام الناس على اخذ الزكوه من اموالهم لانّ الله عز و جل قال : >
خذ من اموالهم صدقه ... < ... ;

امام، مردم را

مجبور می کند که از اموال آنان زکات گرفته شود؛ زیرا خدای عز و جل فرموده: از اموال آنان صدقه بگیر . . . <

اجتناب از ادای زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۱۰

۱۰ ارتکاب گناهانی همچون شرابخواری، زنا و نپرداختن زکات، با اعتقاد به گناه بودن آنها، کفر است.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

ابو بصیر از معصوم (ع) روایت کرده است که پس از تلاوت <ان الذین ءامنوا ثم کفروا ثم ءامنوا ثم ازدادوا کفراً> امام فرمود: من زعم ان الخمر حرام ثم شربها، و من زعم ان الزنا حرام ثم زنی، و من زعم ان الزکوه حق و لم یؤدها.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۲۸۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۳، ح ۶۲۳.

احکام زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۳ - ۳

۳ - نماز و زکات، از واجبات دینی اسلام و از ارکان عملی آن است.

و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

دعوت به اقامه نماز و پرداخت زکات، پس از فراخواندن اهل کتاب به ایمان، بیانگر اهمیت خاص نماز و زکات در میان سایر تکالیف عملی اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۹، ۱۷، ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ خداوند حقی برای خود در محصولات کشاورزی قرار داده است.

و ءاتوا حقه یوم حصاده

مرجع ضمیر <حقه>، به قرینه صدر آیه، ممکن است <الله> باشد.

۱۱ لزوم پرداخت بخشی از محصولات کشاورزی به هنگام چیدن میوه ها و درو کردن غلات

و ءاتوا حقه یوم

۱۲ حکم زکات در مکه شامل همه محصولات کشاورزی می شده است. *

جنت ... و النخل و الزرع ... و الزيتون و الرمان ... و اءتوا حقه يوم حصاده

فرمان به ادای حق محصولات کشاورزی در روز چیدن اختصاص به محصولات خاصی، مانند غلات، ندارد. و چون در آیات مکی دیگر نیز فرمان زکات یاد شده، محتمل است فرمان به <ايتاء حق الحصاد> اشاره به همان حکم زکات باشد.

۱۷ عن أبي عبدالله(ع): لاتصرم بالليل و لاتحصد بالليل . . . و إن حصدت بالليل لم يأتك السؤال و هو قول الله تعالى: <و اءتوا حقه يوم حصاده> ... یعنی القبضه بعد القبضه إذا حصدته و إذا خرج فالحفنه بعد الحفنه ...

از امام صادق(ع) روایت شده است: میوه را در شب نچین و شبانه درو نکن . . . زیرا اگر در شب، درو کنی فقیران نزد تو نمی آیند و این سخن خداوند متعال است که می فرماید: <حق محصول را روز درو پردازید> ... یعنی هنگام درو، دسته دسته و هنگام جدا شدن دانه، مشت مشت پردازید ...

۱۹ عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله(ع) قال: سألته عن قوله: <و اءتوا حقه يوم حصاده> قال: اعط من حضرک من المسلمین و إن لم يحضرک إلا مشرک فاعطه.

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق(ع) درباره <و اءتوا حقه يوم حصاده> سؤال کردم، فرمود: اگر کسی از مسلمانان هنگام برداشت محصول حضور داشت، حق الحصاد را به او بده و اگر کسی غیر از مشرک نبود، به او پرداز.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ لزوم پرداخت صدقات و زکات به نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقة للفقراء و المسکین و العملین علیها

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقة ... و المؤلفة قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّٰه و ابن ال

۴ صرف صدقات (زکات) ، بجز در موارد هشتگانه (فقرا و ...) ممنوع است .

إنما الصدقة للفقراء ... و ابن السبیل

آیه شریفه در مقام بیان موارد صرف صدقات است. به کارگیری کلمه <إنما> که برای افاده حصر است بیانگر این است که صرف صدقات در غیر موارد هشتگانه ای که آیه شریفه متعرض آن شده، ممنوع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۲۷، ۲۵، ۲

۲ اموال و دارایی های گوناگون انسان ، متعلق صدقه (زکات) است .

خذ من أموالهم صدقه

<مال> (مفرد اموال) اسم جنس است و شامل هر آنچه را که آدمی به دست بیاورد می شود.

۵ تنها بخشی از اموال و دارایی ها به عنوان صدقه و زکات دریافت می شود ؛ نه تمامی آن .

خذ من أموالهم صدقه

برداشت فوق، با توجه به استعمال <مِنْ تبعیضیه> به دست آمده است ؛ یعنی، بخشی از اموال آنان را به عنوان صدقات اخذ کن.

۲۵ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: < یجبر الامام الناس علی اخذ الزکوة من أموالهم لأنّ اللّٰه عز و

جل قال : < خذ من اموالهم صدقه ... > ... ;

امام، مردم را مجبور می کند که از اموال آنان زکات گرفته شود؛ زیرا خدای عز و جل فرموده: از اموال آنان صدقه بگیر .
<..>

۲۷ عبدالله بن سنان گوید : امام صادق (ع) فرمود : < لما انزلت آیه الزکوه > خذ من اموالهم صدقه ... < .. فامر رسول
اللّه (ص) منادیه فنادی فی الناس ان اللّه فرض علیکم الزکوه ... ففرض اللّه عز و جل علیهم من الذهب و الفضة و فرض
الصدقه من الابل و البقر و الغنم و من الحنطه و الشعیر و التمر و الزبیب ... و عفا لهم عما سوی ذلك ... ;

چون آیه زکات نازل شد که <از اموال آنان صدقه بگیر ..> رسول خدا (ص) به منادی خود دستور داد و او در بین مردم
ندا داد که خداوند: بر شما زکات را واجب فرموده است؛ پس خداوند [زکات] را از طلا و نقره بر آنان واجب فرمود و نیز
صدقه را از شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش واجب کرد ... و غیر اینها را برای مردم گذشت نمود ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۱۲

۱۲- نماز و زکات ، در هیچ شرایطی نباید ترک شود .

و أوصنی بالصلوه والزکوه مادمت حیاً

گرچه <مادمت حیاً> مربوط به عیسی (ع) است، ولی به دلیل اشتراک تکالیف، دیگر مسیحیان نیز به تکالیف او موظف اند و

هر گاه قرآن از ادیان پیشین حکمی را نقل کرده و نسخ آن را گوشزد نکند، مسلمانان نیز باید آن را تکلیف خود بشمارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۴

۴ - پرداخت زکات ، فقط باید برای جلب رضای خدا و دستیابی به سعادت اخروی باشد .

و الذین یؤتون . . . و قلوبهم و جله أنّهم إلی ربّهم رجعون

احکام زکات فطره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۶ - ۹

۹ - > ابراهیم بن عبدالحمید عن أبی الحسن قال : سألته عن صدقه الفطر أواجبه هی بمنزله الزکاه فقال : هی ممّا قال الله : >
أقیموا الصلوه و آتوا الزکاه < هی واجبه . . . ;

ابراهیم بن عبدالحمید گوید: از امام رضا(ع) پرسیدم: آیا زکات فطره به منزله زکات واجب است؟ فرمود: زکات فطره، از همان زکاتی است که خداوند فرموده: <.. و آتوا الزکاه > و آن واجب است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۵۰

۵۰ - > ابراهیم بن عبدالحمید عن أبی الحسن (ع) قال : سألته عن صدقه الفطره أواجبه ، هی بمنزله الزکاه فقال : هی ممّا قال الله : أقیموا الصلاه و آتوا الزکاه هی واجبه ;

ابراهیم بن عبدالحمید گوید: از امام کاظم(ع) درباره صدقه فطره سؤال کردم که آیا این صدقه، واجب و به منزله زکات است؟ فرمود: صدقه فطره جزء زکاتی است که خداوند فرموده است: <أقیموا الصلاه و آتوا الزکات > [بلی] صدقه فطره، واجب است <.

اخلاص در زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۴

۴ - پرداخت زکات ، فقط باید برای جلب رضای خدا و دستیابی به سعادت اخروی باشد .

و الذین یؤتون . . . و قلوبهم و جله أنهم إلی ربهم رجعون

ادای زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۴

۴ ضرورت بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات

الم تر الی الذین قیل لهم کفوا یدیکم و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۲

۱۲ مؤمنان به خدا ، قیامت و قرآن ، بر پا دارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، از پاداش بزرگ الهی ، برخوردار خواهند شد .

أولئک سنؤتیهم أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۸،۳۳

۸ پیمان الهی از بنی اسرائیل بر اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و انفاق در راه خدا

و لقد اخذ الله ميثق بنی اسرئیل . . . و اقرضتم الله قرضاً حسناً

به نظر می رسد از جمله موارد میثاق و پیمان الهی با بنی اسرائیل، مسائلی است که جمله <لئن اقمتم . . . > آن را بیان می کند.

۳۳ اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و نصرت آنان ، انفاق در راه خدا و وفاداری به پیمان های او ، راه میانه است

لئن اقمتم الصلوه .. . سواء السبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱ تنها خدا، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان
انما وليکم الله و رسوله و الذين ءامنوا الذين... و يؤتون الزكوه و هم رکعون
در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۲ خداوند، معرف فردی از مؤمنان برپا دارنده نماز و ادا کننده زکات برای سرپرستی دیگران، با ذکر نشانی معین و مشخص
انما وليکم الله.. الذين يقيمون الصلوه و يؤتون الزكوه و هم رکعون

با توجه به اینکه جمله <و هم را کعون> جمله ای است حالیه و عامل آن فعل <یؤتون> است و نیز با توجه به ظهور
<رکوع> در معنای مصطلح آن یعنی رکوع نماز، معلوم می شود صفات شمرده شده، مخصوصاً آخرین صفت، عنوان مشیر
دارد؛ یعنی برای معرفی شخصی معین است.

۱۲ برپا داشتن نماز و پرداخت زکات، نشانه ایمان

الذين ءامنوا الذين يقيمون الصلوه و يؤتون الزكوه

<الذين يقيمون الصلوه> توصیف <الذين ءامنوا> است.

ارزش پرداخت زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۳

۳ - اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر، ارزش های محوری در جامعه اسلامی

من ينصره... الذين إن مكنهم فی الأرض... و نهوا عن المنکر

امیدواری به قبول زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۸

به توبه کردن از خطاهایشان و نیز دادن صدقه (زکات) در راه خدا و امیدوار بودن به پذیرفته شدن آن

أن الله هو يقبل التوبه عن عباده و يأخذ الصدقت

اهمیت ادای زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۶

۶ اهمیت بیشتر اقامه نماز و پرداخت زکات، نسبت به دیگر عبادات فردی و اجتماعی

قیل لهم کفوا ایدیکم و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه

چون در میان واجبات، تنها به نماز و زکات اشاره شده، با اینکه قطعاً در آن زمان مسائلی دیگر نیز واجب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۹،۱۰

۹ اهمیت ویژه اقامه نماز، پرداخت زکات و انفاق، از میان تکالیف الهی

لئن اقمتم الصلوه و ایتیم الزکوه ... و اقرضتم

بی تردید تکالیف بنی اسرائیل منحصر به آنچه ذکر شده نیست. بنابراین تصریح به آنها و نیز کافر خواندن ترک کنندگان آن تکالیف، دلیل اهمیت ویژه آنهاست.

۱۰ نصرت و یاری خدا به بنی اسرائیل، مشروط به اقامه نماز، پرداخت زکات، ایمان به پیامبران و انفاق در راه خدا

انی معکم لئن اقمتم الصلوه ... و اقرضتم الله قرضاً حسناً

در برداشت فوق جمله <انی معکم> به منزله جواب شرط و قسم در <لئن اقمتم> گرفته شده است. یعنی در واقع، جمله <لئن اقمتم>، دارای دو جزء است: یکی <انی معکم> و دیگری <لا کفرن...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۷

۷ پیاداشتن همواره

نماز با تمامی شرایط آن و کوتاهی نورزیدن در پرداخت زکات، شرط شایستگی برای ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما وليکم الله .. الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

اقامه نماز به معنای برپا داشتن آن با تمامی شرایط است و فعل مضارع <یقیمون> و <یؤتون>، حاکی از استمرار و تداوم اقامه نماز و پرداخت زکات است.

اهمیت پرداخت زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۳ - ۱

۱ - خداوند، بنی اسرائیل را به اقامه نماز و پرداخت زکات دعوت کرد.

یبنی اسرائیل اذکروا .. و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۷

۱۷ عن أبی عبدالله(ع): لا تصرم باللیل و لا تحصد باللیل .. و إن حصدت باللیل لم یأتک السؤال و هو قول الله تعالی: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> ... یعنی القبضه بعد القبضه إذا حصدته و إذا خرج فالحفنه بعد الحفنه ...

از امام صادق(ع) روایت شده است: میوه را در شب نچین و شبانه درو نکن ... زیرا اگر در شب، درو کنی فقیران نزد تو نمی آیند و این سخن خداوند متعال است که می فرماید: <حق محصول را روز درو پردازید> ... یعنی هنگام درو، دسته دسته و هنگام جدا شدن دانه، مشت مشت پردازید ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۲، ۲۰

۲۰ - لزوم برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

فأقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

۲۲ - برپاداشتن نماز

، پرداخت زکات و اعتصام به محور الهی ، اساسی ترین وظایف امت اسلامی

هو سمّیکم المسلمین .. فأقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه و اعتصموا باللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۴

۴ - ادای کامل و دائمی نماز و پرداخت دائم زکات ، از اعمال پسندیده و تکلیف های شایسته است .

للمحسنین . الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

اقامه چیزی، در لغت به معنای <ادای کامل حقوق آن> معنا شده است (مفردات راغب). مراد از ادای کامل حقّ نماز، اتیان آن، با رعایت شرایط اش است.

اهمیت زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱۳، ۱۷

۱ - ضرورت اقامه نماز و پرداخت زکات

و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

۷ - اقامه نماز و پرداخت زکات ، بهترین کار نیک و ارجمندترین توشه برای سرای آخرت

أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه و ما تقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه عنداللّٰه

<خیر> (کار نیک و پسندیده) شامل نماز نیز می شود. بنابراین نام بردن از آنها برای رساندن این معناست که: این دو فریضه، از بهترین کارهای نیک و سودمندترین توشه ها برای آخرت است.

۱۳ - خداوند ، بی نیاز از اعمال خیر بندگان (اقامه نماز ، پرداخت زکات و ...)

و ما تقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه عنداللّٰه

هدف از آوردن قید <لأنفسکم> (برای خودتان) توجه دادن انسانها به این حقیقت است که: آنچه انجام می دهید خود از آن بهره می گیرید. مبدا خیال کنید که خداوند به آنها نیازمند است و سودی عاید او می شود.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۶

۶ - برپایی نماز ، پرداخت زکات ، وفای به عهد ، صبر در مشکلات و استقامت در نبرد از وظایف اهل ایمان و از مسائل اساسی دین

ليس البر أن تولوا وجوهكم ... و لكن البر من ... و أقام الصلوه ... والصبرين في ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۳

۱۳ اهمیت والای نماز و زکات و عنایت ویژه الهی نسبت به اقامه کنندگان نماز

و المقيمین الصلوه و المؤتون الزکوه

منصوب آوردن <المقيمین> به تقدیر <امدح> و <اخص> برای تأکید بیشتر به اهمیت نماز و عنایت خاص خداوند به اقامه کنندگان آن است و ذکر زکات در بین دیگر عبادتها و واجبات، حکایت از اهمیت ویژه آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۴،۱۵

۱۴ اهمیت ویژه نماز ، زکات و انفاق ، در میان عبادات و فرایض دینی

الذین ءامنوا الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

۱۵ اهمیت ویژه نماز ، نسبت به زکات و انفاق

یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

تقدم ذکر اقامه نماز بر پرداخت زکات، حکایت از اهمیت والاتر نماز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۵،۱۶

۱۵ اقامه نماز و پرداخت زکات ، از نشانه های اصلی و ضروری مسلمان بودن است .

فاقتلوا المشركين . . . فإن تابوا و أقاموا الصلوه و ءاتوا الزكوه فخلوا سبيلهم

از اینکه خداوند در پذیرش توبه مشرکان و

اسلام آوردن آنان تنها دو عمل (نماز و زکات) را از آنان خواسته است، مطلب فوق استفاده می شود.

۱۶ اهمیت و جایگاه بلند نماز و زکات در میان سایر فرایض و تکالیف الهی

فإن تابوا و أقاموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۲،۶

۲ اقامه نماز و پرداخت زکات ، از نشانه های ضروری مسلمانی است .

فإن تابوا و أقاموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

۶ پذیرش اسلام کفار ، مشروط به اقامه نماز و پرداخت زکات است .

فإن تابوا و أقاموا الصلوه و ءاتوا الزكوه فإخونکم فی الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۶،۷،۸

۶ ایمان (اعتقاد به خدا و روز بازپسین) و عمل (اقامه نماز و پرداخت زکات) دو رکن اساسی و جدایی ناپذیر دین الهی

إنما یعمر مسجد اللّٰه من ءامن باللّٰه و الیوم الآخر و أقام الصلوه و ءاتی الزكوه

۷ اقامه نماز و پرداخت زکات از مهمترین تکالیف شریعت الهی

و أقام الصلوه و ءاتی الزكوه

از اینکه خداوند، پس از ذکر شرط ایمان، تنها نماز و زکات را از میان دیگر تکالیف شریعت بیان کرده است، برداشت فوق به دست می آید.

۸ اقامه نماز ، پرداخت زکات و بیم داشتن از خدا و نهرا سیدن از غیر او ، نشانه های ایمان راستین

من ءامن باللّٰه و الیوم الآخر و أقام الصلوه و ءاتی الزكوه و لم یخس إلا اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول ، از نشانه های بارز مؤمنان

و المؤمنون و المؤمنات .. و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

۱۱ ویژگی و اهمیت اقامه نماز و پرداخت زکات ، در میان سایر تکالیف دینی

و المؤمنون و المؤمنات .. و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

با توجه به اینکه جمله < یطیعون الله و رسوله > فراگیرنده تمامی تکالیف عبادی و غیر عبادی است؛ ذکر جداگانه اقامه نماز و پرداخت زکات، نشان از ویژگی و اهمیت والای آن دو، در میان سایر عبادات و وظایف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۵

۱۵ پرداخت زکات ، امری مهم و شایسته قدردانی از سوی مدیر جامعه اسلامی

خذ من أموالهم صدقه .. و صل علیهم إن صلوتک سکن لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۷

۷ اهمیت پرداخت زکات و صدقات ، و جایگاه ویژه آن در میان تکالیف دینی

و يأخذ الصدقت

از اینکه خداوند خود را به عنوان دریافت کننده صدقه معرفی کرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۹، ۱۲

۹- نماز و زکات ، (اظهار بندگی و انفاق) در بین تکالیف الهی ، از اهمیت ویژه ای برخوردار است .

و أوصنی بالصلوه والزکوه

سفارش مستقیم خداوند در مورد نماز و زکات، گویای اهمیت و نقش مهم آن دو در نیل به کمال است.

۱۲- نماز و زکات ،

در هیچ شرایطی نباید ترک شود .

و أوصنى بالصلوة والزكوة مادمت حيًا

گرچه <مادمت حیاً> مربوط به عیسی (ع) است، ولی به دلیل اشتراک تکالیف، دیگر مسیحیان نیز به تکالیف او موظف اند و هر گاه قرآن از ادیان پیشین حکمی را نقل کرده و نسخ آن را گوشزد نکند، مسلمانان نیز باید آن را تکلیف خود بشمارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۲،۴

۲- نماز ، زکات و انفاق ، دارای اهمیت ویژه در آیین اسماعیل صادق الوعد

و كان يأمر أهله بالصلوة والزكوة

اصرار حضرت اسماعیل (ع) بر نماز و زکات (انفاق)، نشان اهمیت آن دو، در آیین آن حضرت بود.

۴- تحقق فریضه های نماز و زکات ، نیازمند پی گیری و تبلیغ و ترویج مداوم

و كان يأمر أهله بالصلوة والزكوة

<كان يأمر .. >، یعنی اسماعیل (ع) به طور پیوسته بر انجام نماز و ادای زکات فرمان می داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إليهم فعل الخیرت و إقام الصلوة و إیتاء الزكوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۵

۵ - نماز ، زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، مهم ترین تکالیف دینی

أقاموا الصلوة .. و نهوا عن المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴ - ۳

۳ - پرداخت زکات ،

توصیه ای الهی به اهل ایمان

قد أفلح المؤمنون .. و الذين هم للزكوة فعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۶ - ۱،۲

۱ - مؤمنان ، وظیفه دار برپایی نماز و پرداخت زکات

وعد الله الذين ءامنوا. .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

۲ - نماز و زکات ، از مهم ترین و با ارزش ترین فریضه ها و احکام الهی

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

برداشت فوق با توجه به اختصاص به ذکر یافتن نماز و زکات، پس از بیان اعمال صالح که نماز و زکات نیز جزء آنها می باشد قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۵

۵ - اهمیت اقامه نماز و پرداخت زکات در مجموعه تکالیف دینی

الذين يقيمون الصلوه و يؤتون الزكوه

از آن جا که تکالیف دینی، منحصر در نماز و زکات نیست، بسنده کردن به آن دو بیانگر اهمیت بسیار آنها در میان تکالیف دینی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۲

۲ - نماز و زکات ، در میان اعمال عبادی و مالی ، جایگاه والا و ویژه ای دارند .

الذين يقيمون الصلوه و يؤتون الزكوه

ذکر نماز و زکات (صدقه) از میان سایر مسایل عبادی ، برای توصیف محسنان، نشان دهنده جایگاه ویژه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ - نماز و زکات ،

به عنوان دو وظیفه عبادی و مالی ، دارای اهمیتی خاص در میان تکلیف های دینی است .

و أقمن الصلوه و ءاتین الزكوه

ذکر نماز و زکات از میان سایر تکلیف ها، نشان از اهمیت والای آن دو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۷ - ۲

۲ - انفاق و رسیدگی به امور معیشتی نیازمندان (پرداخت زکات) ، از رکن های عملی شریعت

و ویل للمشرکین . الذین لایؤتون الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱۲ ، ۱۰ ، ۸

۸ - مسلمانان ، موظف به پرداخت زکات اند .

و ءاتوا الزکوه

۱۰ - اقامه نماز ، پرداخت زکات و فرمانبرداری از خدا و پیامبر اکرم (ص) ، ارکان عملی اسلام

فأقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه و أطیعوا الله و رسوله

۱۲ - مسلمانان ، باید بر اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول او ، پایبند بوده و از سهل انگاری درباره آنها کیداً پرهیز نمایند .

فأقیموا الصلوه ... و أطیعوا الله و رسوله

ارتباط صدر و ذیل آیه شریفه، بیانگر این حقیقت است که خداوند، هر چند درباره مسأله صدقه نجوا از کسانی که نسبت به آن کوتاهی نمودند، سخت گیری نکرد؛ لکن نسبت به اقامه نماز، پرداخت زکات و .. هرگز تسامح نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۵ - ۴

۴ - لزوم انفاق و کمک به سائلان و محرومان جامعه ، افزون بر پرداخت زکات و خمس

للسائل و المحروم

انفاق به سائلان و محرومان

جامعه همان گونه که مفسران یادآور شده اند پیش از واجب شدن زکات و خمس مقرر شده است. از آن جایی که دلیل قاطعی بر نفی این فریضه و یا تبدیل آن به زکات و خمس به دست نیامده است، می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - > عن أبي عبد الله (ع) أنه قال : من تمام الصوم اعطاء الزكاه . . . و من صام فلم يؤدّها فلاصوم له إذا تركها متعمداً . . .
إنّ الله عزّوجلّ بدأ بها قبل الصلاة فقال : > قد أفلح من تزكّى . و ذكر اسم ربّه فصلّى < ;

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: از [شرایط] تمام بودن روزه، دادن زکات است . . . و کسی که روزه بگیرد، ولی زکات را نپردازد، روزه برای او نیست در صورتی که ترک زکات از روی عمد باشد . . . خدای عزّوجلّ زکات را در ابتدا و قبل از نماز، آورده و فرموده است: قد أفلح من تزكّى . و ذكر اسم ربّه فصلّى < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۲

۲ - پرداخت زکات ، برترین مصداق تقوا است .

الأتقى . الذی یؤتی ماله یتزکّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۷

۷ - > قال أبو عبد الله (ع) . . . قوله عزّوجلّ > و یمنعون الماعون < قال : هو القرض یقرضه و

المعروف يصطنعه و متاع البيت يعيره و منه الزكاه ;

امام صادق(ع) [درباره] سخن خدای عزوجلّ <و يمنعون الماعون> فرمود: ماعون، قرضی است که [انسان] به دیگری می دهد و کار نیکی است که [درباره دیگران] انجام می دهد و وسایل خانه است که عاریه می دهد و از [مصادیق] ماعون، زکات است <.

اهمیت زکات فطره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۱۶

۱۶- < قال الصادق (ع) فی قوله > و أوصانی بالصلاه والزکاه < قال : زکاه الرؤوس ;

امام صادق(ع) در باره سخن عیسی(ع) <و أوصانی بالصلاه والزکاه> فرمود: مقصود زکات سرانه، (یعنی فطره) است <.

بادیه نشینان و زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۵،۱

۱ گروهی از بدویان بی فرهنگ در عصر بعثت ، انفاق (زکات و صدقات) را غرامت و تاوان تلقی می کردند .

و من الأعراب من یتخذ ما ینفق مغرمًا

۵ نارضایتی و خشم شدید برخی از بادیه نشینان از انفاق های مالی و پرداخت مالیات به پیامبر (ص) و حکومت اسلامی

و من الأعراب .. و یتربص بکم الدوائر

بنی اسرائیل و زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۳

۲۳ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان ، با مردمان معاشرت نیکو نداشتند ، نماز را اقامه نکردند و از پرداخت زکات طفره رفتند .

و قولوا للناس حسناً و أقيموا الصلوة و آتوا الزكوة ثم توليتهم إلا قليلا منكم

بی اعتنایی به

ادای زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۱۲

۱۲ - اهل کتاب ، به نماز و زکات در آیین خویش ، بی اعتنا بودند .

و ما تفرّق الذین أوتوا الکتب .. و ما أمروا إلا... و یقیموا الصلوه و یؤتوا

بی لیاقتی تارکان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۵

۵ کافران ، مشرکان و مسلمانان بی مبالاات و ناپایبند به نماز و زکات ، فاقد صلاحیت تعمیر و رسیدگی به امور مساجدند .

إنما یعمّر مسجد اللّٰه من ءامن باللّٰه و الیوم الآخر و أقام الصلوه و ءاتی الزکوه

پاداش زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به

معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون اللّٰه و رسوله ... وعد الل

پرداخت زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۱۸ ، ۷

۷ - بر پا داشتن نماز و پرداختن زکات ، از عهد ها و پیمان های خدا با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا ميثق بني إسرائيل . . . و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

۱۸ - معاشرت نیکو با مردم اقامه نماز و ادای زکات ، از مصداق

های اعمال شایسته است .

و عملوا الصلحت . . . و قولوا للناس حسناً و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۶

۲۶ - برپایی نماز ، پرداخت زکات ، پابندی به عهد ها و صبر و پایداری در تنگنا ها و شداید از ویژگی های نیکان

و لكن البر من . . . أقام الصلوه ... والصبيرين في البأساء والضراء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۱۱

۱۱ حسن پرداخت صدقات واجب (زکات) ، به صورت آشکار و پرداخت صدقات مستحب ، به صورت پنهان

ان تبدوا الصدقات

امام باقر (ع) درباره آیه <ان تبدوا...> فرمود: هی یعنی الزکاه المفروضه. و در پاسخ سؤال از <و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء> فرمود: یعنی النافله ...

کافی، ج ۴، ص ۶۰، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۱۱۴۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱،۳

۱ مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، بهره مندان از پاداش ویژه الهی

ان الذین امنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوه و اتوا الزكوه لهم اجرهم عند ربّه

کلمه <عند ربّهم> اشاره به پاداشی ویژه دارد.

۳ پاداش الهی برای مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، نتیجه عمل خیر آنها

لهم اجرهم عند ربهم

<اجر> به معنای مزد، در برابر عملکرد شخص به کار برده می شود؛ بنابراین پاداش آنان مزد و اجر عملشان

خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۲۳

۲۳ پرداخت زکات ، مصداق آزمایش در اموال و واداشتن خویش به صبر ، آزمایش در انفس است .

لتبلون فی اموالکم و انفسکم

امام رضا (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: <لتبلون فی اموالکم> باخراج الزکاه و <فی انفسکم> بتوطين الانفس علی الصبر.

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۸۹ ح ۱؛ نورالتقلین، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۴۷۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۱

۱ - پرداخت زکات ، یکی دیگر از لازمه های ایمان راستین

و الذین یؤتون ما اتوا .. آنهم إلی ربهم رجعون

<إیتاء> (مصدر <یؤتون>) به معنای دادن است. <ما> نیز کنایه از زکات و مفعول <یؤتون> می باشد. <و قلوبهم و جله> حال است برای ضمیر فاعل در <یؤتون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۱

۱ - اقامه همواره نماز ، و پرداخت مداوم زکات و یقین به آخرت ، از صفات محسنان است .

هدی و رحمه للمحسنین . الذین یقیمون ... و هم بالأخره هم یوقنون

فعل های مضارع <یقیمون> و <یؤتون> دلالت بر استمرار دارند. لازم به ذکر است که <زکات> در این آیه، به قرینه مکی بودن سوره، زکات اصطلاحی نیست، بلکه اعانه های مالی است. گفتنی است در صورتی که جمله <الذین یقیمون...>

جمله وصفی و یا بدلی باشد، مفید معنای یاد شده است.

تارکان جهاد و زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ اجازه خداوند به پیامبر (ص) در مورد گرفتن صدقه (زکات) از جهاد گریزانی که به گناه خویش معترف بودند.

و ءاخرون اعترفوا بذنوبهم .. خذ من أموالهم صدقه

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آیه است که برخی از متخلفان از جنگ تبوک، نادم شدند و در قبال خطای خویش، پیشنهاد کردند که تمام اموالشان را به عنوان صدقه بپردازند.

تارکان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۳

۲۳ - بنی اسرائیل، جز اندکی از آنان، با مردمان معاشرت نیکو نداشتند، نماز را اقامه نکردند و از پرداخت زکات طفره رفتند.

و قولوا للناس حسناً و أقيموا الصلوة و ءاتوا الزكوه ثم توليتم إلا قليلا منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۷ - ۱

۱ - پرداخت نکردن زکات، از ویژگی های مشرکان

و ويل للمشرکين . الذین لا يؤتون الزکوه

تاریخ تشریح زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۷ - ۳

۳ - انفاق و رسیدگی به نیازمندان (پرداخت زکات)، از احکام تشریح شده در اوایل بعثت

الذین لا يؤتون الزکوه

با توجه به نزول آیات در اوایل بعثت، مطلب بالا برداشت شده است.

تاریخ زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۴

۴ وجود مالیات و انفاق های مالی واجب در عصر پیامبر (ص)

و من الأعراب من يتخذ ما

ينفق مغرمًا و يتربص بكم الدوائر

جمله <تربص بكم الدوائر> دلالت می کند که بادیه نشینان در انتظار فرصتی برای شانه خالی کردن از انفاق هستند، بنابراین خود را در پرداخت آن مجبور می دیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۳

۳- نماز ، زکات و انفاق ، دارای سابقه ای دیرینه در ادیان الهی

و كان يأمر أهله بالصلوه و الزكوه

تداوم پرداخت زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ مداومت بر اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول از ویژگی های مؤمنان راستین

و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و یطیعون الله و رسوله

به کارگیری فعل مضارع (یقیمون، یؤتون و یطیعون) بیانگر تداوم و استمرار است.

تداوم زکات اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۲

۲ - هیچ داد و ستد و تجارتي ، مردمان والا مقام و الهی را از یاد خدا ، برپایی نماز و پرداخت زکات ، غافل نمی سازد .

رجال لاتلهیهم تجره و لایبع عن ذکر الله و اقام الصلوه و ایتاء الزکوه

والا مقامی و بزرگی در برداشت یاد شده، از تنوین <رجال> که برای تفخیم می باشد استفاده شده است و این که هیچ داد و ستدی از یاد خدا بازدارنده نیست، از نکره در سیاق نفی که مفید عموم می باشد به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - دستیازی به بهترین پاداش های خداوند ، هدف مردمانی که هیچ اشتغالی آنان را از تسبیح و ذکر دایم خدا ، بر پایی نماز و پرداخت زکات بازمی دارد .

یسَّبِح . . . رجال لاتلهیهم تجره و لایبع عن ذکر الله و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

برداشت فوق، بر این اساس است که لام <لیجزی> برای غایت باشد، یعنی، مردان الهی برای دستیابی به بهترین پاداش خداوند، همواره به یاد او هستند. و از نافرمانی او در هراس می باشند.

ترک زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۳۱

۳۱ انکار هر یک از رسولان الهی و ترک یاری آنان ، بر پانداختن نماز ، پرداختن زکات و خودداری از انفاق ، کفر و ضلالت است .

لئن اقمتم الصلوه . . . فمن کفر

ترک زکات اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۵

۵ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت خودداری از پذیرش اسلام ، از عبادت خالصانه خداوند محروم مانده و خود را از برکات نماز و زکات دور ساخته اند .

و ما أمرُوا إِلَّا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الز

ترک زکات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۵

۵- اهل کتاب و مشرکان ، در صورت خودداری از پذیرش اسلام ، از عبادت خالصانه خداوند محروم مانده و خود را از برکات نماز و زکات دور ساخته اند .

و

ما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الز

تشریح زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۷

۷ تقدّم تشریح نماز و زکات بر تشریح جهاد

الم تر الى الذين .. اقيموا الصلوه و اتوا الزكوه فلما كتب عليهم القتال

بنابر اینکه مراد از <فلما كتب> بیان اصل و جوب جهاد باشد، نه فراهم آمدن زمینه آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۳

۱۳ حکم پرداخت حقوق مالی (زکات یا حق الحصاد) از محصولات کشاورزی در مکه نازل شده است.

و اتوا حقه يوم حصاده

تشویق به زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۸

۸ ترغیب گنهکاران از سوی خدا به توبه کردن از خطاهایشان و نیز دادن صدقه (زکات) در راه خدا و امیدوار بودن به

پذیرفته شدن آن

أن الله هو يقبل التوبه عن عباده و يأخذ الصدقت

توصیه به زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۵،۶

۵- اقامه نماز و پرداخت زکات در تمامی عمر ، از توصیه های خداوند به عیسی (ع) در نخستین روز های زندگی او

و أوصنی بالصلوه والزكوه مادمت حيًا

۶- عیسی (ع) در معرفی خویش به مردم ، دریافت فرمان خداوند به نماز و زکات را از ویژگی های خویش برشمرد .

و أوصنی بالصلوه والزكوه مادمت حيًا

توصیه به زکات گیرنده

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۳

۱۳ توصیه خداوند به دعا کردن پیامبر (ص) و گیرندگان زکات، برای زکات دهنده، به هنگام دریافت آن

خذ من أموالهم ... و صل علیهم

حقیقت زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۹

۲۹ - زکات، قرض دادن به خداوند است.

و ءاتوا الزکوة و أقرضوا الله قرضًا حسنًا

مفسران احتمال هایی درباره قرض به خدا مطرح کرده اند؛ که یکی از آنها زکات است و مقصود این است که باید به بهترین وجهی پرداخت شود.

خدا و اخذ زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۳

۳ گیرنده زکات در حقیقت، خداست و پیامبر (ص) و حاکم اسلامی تنها وسایطند.

خذ من أموالهم صدقه ... و يأخذ الصدقت

خیریت زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۷

۳۷ - شب زنده داری، تلاوت قرآن، اقامه نماز، پرداخت زکات و انفاق، از مظاهر نیکوکاری و مصداق های بارز کار های

خیر

تقوم أدنى من ثلثي الليل .. فاقراءوا ما تيسر من القرآن ... و ما تقدّموا لأنفسك

دعا برای زکات دهنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۳

۱۳ توصیه خداوند به دعا کردن پیامبر (ص) و گیرندگان زکات ، برای زکات دهنده ، به هنگام دریافت آن

خذ من أموالهم .

.. و صل علیهم

دعوت به ادای زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۲،۸،۱۳

۲ - ادیان آسمانی ، از تعالیم انحرافی می‌را بوده و مردم را تنها به عبادت خداوند ، اخلاص ، اعتدال در دین ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، فرمان داده اند .

و ما تفرّق الذین أوتوا الكتب .. و ما أمرُوا إِلَّا ليعبدوا الله مخلصين له الد

حصر در <إِلَّا ليعبدوا الله> ، حصر اضافی و در مقایسه با تفرقه ای است که آیه قبل آن را گریبان گیر پیروان ادیان آسمانی دانسته بود. بنابراین مفاد آیه این است که خداوند، به تفرقه فرمان نداده است؛ بلکه خواسته او توحید، اعتدال، نماز و زکات است.

۸ - استواری و سامان بخشی ، ویژه دینی است که بدون پیرایه باشد و مردم را به عبادت خالصانه و معتدل ، اقامه نماز و پرداخت زکات فرمان دهد .

و ما أمرُوا إِلَّا .. و ذلك دين القیمه

۱۳ - اسلام ، دینی توحیدی و معتدل و فراخوان مردم به اقامه نماز و پرداخت زکات

و ما أمرُوا إِلَّا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الز

مراد از <الذین أوتوا الكتاب> که مرجع ضمیر <أمرُوا> است ممکن است آن دسته از اهل کتاب باشد که به اسلام کفر ورزیدند. در این مبنای <الذین کفروا> در آیه اول نیز، به همان گروه نظر دارد.

دعوت به زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۱

۱- اسماعیل صادق الوعد ، همواره خویشاوندان و خانواده

اش را به نماز و زکات فرمان می داد .

و كان يأمر أهله بالصلوة والزكوة

اهل هر مردی، قبیله و خویشاوندان او است (لسان العرب).

رستگاری مؤدیان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۷

۷ - تنها برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات و اهل یقین به آخرت ، رستگارند .

الذین یقیمون الصلوه .. و أولئک هم المفلحون

رفعت خانه مؤدیان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۴

۴ - به اذن خدا خانه مردمان تسبیح گو ، ذاکر ، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای مجد و عظمت است .

فی بیوت أذن الله أن ترفع ویذکر فیها اسمہ یسبح له فیها .. رجال لاتلهیهم تجر

روزی مؤدیان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، نماز به پا می دارند ، زکات می پردازند و از قیامت می ترسند ، از روزی فراوان و بی شمار برخوردارند .

رجال لاتلهیهم تجره ولا یبع عن ذکر الله .. لیجزیهم الله أحسن ما عملوا و یرید

<حساب> به معنای شمارش است و <بغیر حساب> (بی شمارش) می تواند کنایه از کثرت و فراوانی باشد.

رهبران دینی و اخذ زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۳

۳ پیامبر (ص) و حاکم اسلامی، موظف به گرفتن صدقه (مالیات شرعی

(از مردم و منتظر نماندن برای اقدام خود مردم به پرداخت آن

خذ من أموالهم صدقه

به کارگیری امر <خذ> (بگیر) به جای مثلا <تقبل> حکایت از آن دارد که حاکم اسلامی نباید در انتظار پرداخت صدقه باشد؛ بلکه باید خود اقدام به اخذ آن کند.

زکات ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

زکات اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

زکات اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱

۱ - مردمان الهی و والا-مقامی که تجارت و داد و ستد ، آنان را از ذکر خدا ، اقامه نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد ، همواره ترسان از روز قیامت اند .

رجال لاتلهیهم تجره و لایبع عن ذکر الله و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه یخافون یوم

برداشت یاد شده بر این اساس است که <رجال> مبتدا و <یخافون> خبر آن باشد.

زکات چهارپایان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱،۲

۱ قرار دادن سهمی از

زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی از آن برای شریکان موهوم او (مانند بت، جن و ..) از سنتهای مشرکان در عصر جاهلیت

و جعلو الله مما ذرأ .. فقالوا هذا لله

به قرینه آیه ۱۰۰ همین سوره (و جعلوا لله شركاء الجن)، از جمله عقاید موهوم مشرکان، شریک بودن جنیان با خداوند بوده است.

۲ سنت جاهلی مشرکان در قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی برای شریکان خیالی او، بی اساس و بر پایه گمان بوده است.

و جعلو الله مما ذرأ .. هذا لله بزعمهم

<زعم> به گمان و سخن بی اساس اطلاق می شود. (مصباح اللغه).

زکات خویشاوندان اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۸

۸- وفادار بودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندگی بستگانش به نماز، زکات و انفاق، مایه جلب رضایت خداوند

إنه كان صادق الوعد .. و كان يأمر أهله بالصلوة والزكوة و كان عند ربّه مرضياً

زکات در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۸

۸ پیمان الهی از بنی اسرائیل بر اقامه نماز، پرداخت زکات، ایمان به پیامبران و انفاق در راه خدا

و لقد اخذ الله ميثق بني اسرءيل .. و اقرضتم الله قرضاً حسناً

به نظر می رسد از جمله موارد میثاق و پیمان الهی با بنی اسرائیل، مسائلی است که جمله <لئن اقمتم ..> آن را بیان می کند.

۳- نماز ، زکات و انفاق ، دارای سابقه ای دیرینه در ادیان الهی

و کان یأمر أهله بالصلوه و الزکوه

زکات در ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۷

۷- اقامه نماز و پرداخت زکات ، فرمانی الهی برای پیروان تمام ادیان آسمانی

و ما أمرُوا إِلَّا .. و یقیموا الصلوه و یؤتوا الزکوه

زکات در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۷

۷ نماز ، زکات ، ایمان به همه انبیا و حمایت از آنان و انفاق ، از تکالیف بنی اسرائیل

لئن اقمتم الصلوه و ءاتیتم الزکوه .. و عززتموهم و اقرضتم الله

زکات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۳،۹

۳ قرار دادن سهم برای خداوند، از آنچه خود آفریده، از پندارهای پوچ مشرکان

و جعلو الله مما ذرأ من الحرث و الأنعم نصیباً فقالوا هذا لله بزعمهم

۹ مصرف سهم خداوند برای بتها و دیگر شریکان خیالی و مصرف نکردن سهم بتها برای خداوند، از داوریهای ناپسند مشرکان عصر جاهلی بوده است.

فما كان لشركائهم . . . ساء ما يحكمون

مراد از فعلهای <یصل> و <لا یصل>، آن گونه که مفسران گفته اند، در مقام خبر از انشای مشرکان است. یعنی مشرکان آنچه را سهم خداوند تلقی می نمودند، مصرفش را برای بتها (مانند مخارج بتکده و ...) مجاز می دانستند، ولی عکس آن را روا نمی شمردند.

زکات در دوران مریم(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۸

۸- مردمِ زمانِ مریم (س) ، با مفاهیم نماز و زکات آشنایی داشتند .

و أوصنی بالصلوه والزكوه

حضرت عیسی(ع) در گهواره برای مردم، از نماز و زکات سخن گفت، بنابراین، آنان با این مفاهیم از پیش آشنا بودند.

زکات در دین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲۰

۲۰ زکات از واجبات الهی در آیین یهود

و يؤتون الزكوه

زکات در شریعت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۴

۱۴- انجام کار های نیک ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، از تکالیف شریعت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع)

و أوحینا إليهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزكوه

زکات در شریعت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۴

۱۴- انجام کار های نیک ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، از تکالیف شریعت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع)

و أوحینا إليهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزكوه

زکات در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۴

۴ وجود مالیات و انفاق های مالی واجب در عصر پیامبر (ص)

و من الأعراب من يتخذ ما ينفق مغرمًا و يتربص بكم الدوائر

جمله <تربص بكم الدوائر> دلالت می کند که بادیه نشینان در انتظار فرصتی برای شانه خالی کردن از انفاق

هستند، بنابراین خود را در پرداخت آن مجبور می‌دیدند.

زکات در مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۷

۷- نماز و زکات ، از جمله تکالیف دینی در شریعت حضرت عیسی (ع) بود .

و أوصنی بالصلوه و الزکوه

زکات در یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲۰

۲۰ زکات از واجبات الهی در آیین یهود

و يؤتون الزکوه

زکات در شریعت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۴

۱۴- انجام کار های نیک ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، از تکالیف شریعت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع)

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

زکات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۴

۲۴ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به پرداخت زکات مأمور شدند .

و ءاتوا الزكوه

زكات غلات در جاهليت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱،۲

۱ قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی از آن برای شریکان موهوم او (مانند بت، جن و ..) از سنتهای مشرکان در عصر جاهلیت

و جعلو الله مما ذراً .. فقالوا هذا لله

به قرینه آیه ۱۰۰ همین سوره (و جعلوا لله شركاء الجن)، از جمله عقاید موهوم مشرکان، شریک بودن جنیان با خداوند بوده است.

۲ سنت جاهلی مشرکان در

قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی برای شریکان خیالی او، بی اساس و بر پایه گمان بوده است.

و جعلو الله مما ذراً .. هذا لله بزعمهم

<زعم> به گمان و سخن بی اساس اطلاق می شود. (مصباح اللغه).

زکات فطره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۳ - ۷

۷ - اسحاق بن مبارک گوید: < سألت أبا ابراهيم (ع) عن صدقه الفطره أهي مما قال الله تعالى > أقيموا الصلوه و آتوا الزكاه < فقال: نعم... ;

از امام کاظم (ع) سؤال کردم، آیا زکات فطره از مواردی است که خداوند فرموده: <و أقيموا الصلوه و آتوا الزكاه>؟ حضرت فرمود: آری... <.

زکات قبل از هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۲، ۱۳

۱۲ حکم زکات در مکه شامل همه محصولات کشاورزی می شده است. *

جنت .. و النخل و الزرع ... و الزيتون و الرمان ... و آتوا حقه يوم حصاده

فرمان به ادای حق محصولات کشاورزی در روز چیدن اختصاص به محصولات خاصی، مانند غلات، ندارد. و چون در آیات مکی دیگر نیز فرمان زکات یاد شده، محتمل است فرمان به <إيتاء حق الحصاد> اشاره به همان حکم زکات باشد.

۱۳ حکم پرداخت حقوق مالی (زکات یا حق الحصاد) از محصولات کشاورزی در مکه نازل شده است.

و آتوا حقه يوم حصاده

زکات گناهکاران پشیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۷

۷ گرفتن صدقه

(زکات) از خطاکاران نادم از سوی حاکم اسلامی باید به منظور تطهیر روح و تکامل معنوی آنان باشد .

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

زکات گیرنده واقعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۳

۳ گیرنده زکات در حقیقت ، خداست و پیامبر (ص) و حاکم اسلامی تنها وسایطند .

خذ من أموالهم صدقه . . . و يأخذ الصدقت

زکات مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۲

۲ - اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین
او

الذین إن مکنتهم . . . و نهوا عن المنکر

زکات محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ خداوند حقی برای خود در محصولات کشاورزی قرار داده است.

و ءاتوا حقه یوم حصاده

مرجع ضمیر < حقه >، به قرینه صدر آیه، ممکن است < الله > باشد.

۱۱ لزوم پرداخت بخشی از محصولات کشاورزی به هنگام چیدن میوه ها و درو کردن غلات

و ءاتوا حقه يوم حصاده

۱۲ حکم زکات در مکه شامل همه محصولات کشاورزی می شده است. *

جنت . . . و النخل و الزرع ... و الزيتون و الرمان ... و ءاتوا حقه يوم حصاده

فرمان به ادای حق محصولات کشاورزی در روز چیدن اختصاص به محصولات خاصی، مانند غلات، ندارد. و چون در آیات مکی دیگر نیز فرمان زکات یاد شده، محتمل است فرمان به <ايتاء حق الحصاد> اشاره

به همان حکم زکات باشد.

۱۳ حکم پرداخت حقوق مالی (زکات یا حق الحصاد) از محصولات کشاورزی در مکه نازل شده است.

و ءاتوا حقه يوم حصاده

زکات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴ - ۲

۲ - مؤمنان راستین ، آنانی اند که زکات مال را همواره می پردازند .

قد أفلح المؤمنون .. و الذين هم للزكوة فعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۲

۲ - دادن زکات ، برنامه همیشگی مؤمنان راستین

و الذين يؤتون ما ءاتوا

با توجه به، به کارگیری فعل مضارع (یؤتون) که مفید استمرار است برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۶ - ۶

۶ - مؤمنان نیکوکار در سایه برپایی نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از پیامبر (ص) مشمول رحمت خدا هستند .

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۱

۱ - اقامه نماز ، پرداخت زکات و یقین به آخرت از نشانه های مؤمنان راستین

هدى و بشرى للمؤمنين . الذين يقيمون الصلوه... و هم بالأخره هم يوقنون

<الذين> در برداشت یاد شده، وصف احترازی است، یعنی، آیات قرآن برای آن دسته از مؤمنان، هدایتگر و بشارت بخش است که پایبند به اقامه نماز و پرداخت زکات باشند و به جهان آخرت نیز باور قطعی داشته باشند.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۴

۲۴ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به پرداخت زکات مأمور شدند .

و ءاتوا الزکوه

زکات همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۹

۹ - همسران پیامبر ، وظیفه دار ادای وظیفه مالی خود و پرداخت زکات بودند .

و ءاتین الزکوه

زکات یاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۲

۲ - اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین او

الذین إن مکَّنهم ... و نهوا عن المنکر

زکات یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

شگفتی محرومیت از ادای زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۱۴

۱۴ - سرپیچی کافران اهل کتاب و مشرکان ، از پذیرش اسلام و محروم ساختن خویش از توحید ، اعتدال ، نماز و زکات ، شگفت آور است .

لم یکن الذین کفروا .. منفکین ... و ما أمرُوا إِلَّا ليعبدوا الله ... حنفاء و ی

چنانچه جمله <و ما أمرُوا ..>، ناظر به اوامر اسلامی باشد، مفاد آیه با توجه به ارتباط آن

با آغاز سوره این می شود که مگر اسلام، چه اوامری دارد که کافران، همچنان از مرام خود منفک نشده و به این دین روی نمی آورند؟! این دین که سراسر توحید و نماز و زکات است، چه فرمان نادرستی در آن است که آنان از پذیرش این دین، امتناع میورزند؟!.

صالحان و زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۳

۳ پرداخت زکات و صدقه ، از اعمال و نشانه های صالحین است .

لنصدقن ولنكونن من الصالحين

عذاب مانعان از زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۸

۸ از امام صادق (ع) [ضمن حدیثی در توضیح گناهان کبیره] روایت شده است: >... و منع الزکاه المفروضه لأن الله عز و جل يقول: يوم يحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم...؛

... از جمله گناهان کبیره، منع زکات واجب است؛ زیرا خدای عزوجل می فرماید: روزی که آن [زر و سیم] را با آتش دوزخ می گدازند و پیشانی، پهلو و پشت آنان را داغ می زنند و می گویند این است آنچه برای خود اندوختید ... <.

عوامل آرامش زکات دهنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۴

۱۴ دعای پیامبر (ص) و حاکم اسلامی برای زکات دهندگان ، مایه آرامش روحی آنان است .

و صل علیهم إن صلوتک سکین

فضایل مؤدیان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱۳

۱۳ رحمت خاص الهی تنها از آن تقوایندگان (پرهیزکنندگان از شرک و ...) و پرداخت کنندگان زکات است .

فسأکتبها للذین یتقون و یؤتون الزکوه

متعلق <یتقون> تخلف از فرمانهای خداوند است و مصداق مورد نظر آن، با توجه به آیات گذشته که درباره گرایشهای شرک آلود بنی اسرائیل بود، شرکوری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۴

۴ تنها تقوایندگان و پرداخت کنندگان زکات پیروان واقعی پیامبر (ص) هستند .

للذین یتقون و یؤتون الزکوه .. الذین یتبعون الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۶

۶ - محسنان ، برپادارنده نماز و پرداخت کننده زکات و اهل یقین به عالم آخرت و برخوردار از عنایت خاص خداوندند .

للمحسنین .. أولئک علی هدی من ربهم

اضافه <رب> به ضمیر <هم> که مرجع آن، محسنان است اشاره به نکته یاد شده می کند.

فضیلت پرداخت زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۳

۱۳- برپاداشتن نماز و پرداخت زکات ، در مقایسه با دیگر کار های نیک ، از جایگاهی ویژه و والا برخوردار است .

و أوحينا إليهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

با آن که نماز و زکات خود از مصادیق کارهای نیک است؛ اما خداوند آن دو فریضه را به طور جداگانه ذکر فرمود. بیان

اختصاصی آن دو، گویای برداشت یاد شده است.

فضیلت زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۸

۸ برپاداری نماز و پرداخت زکات از بهترین نمونه های عمل صالح

و عملوا الصّالحات و اقاموا الصّلوه و اتوا الزکوه

ذکر نماز و زکات پس از عمل صالح، در حالیکه خود عمل صالحند، بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ اهمیّت و ارزش برتر نماز، نسبت به زکات *

و اقیموا الصّلوه و اتوا الزکوه

تقدیم ذکر نماز بر زکات، می تواند اشاره به اهمیّت بیشتر نماز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۶

۶ - تسبیح و ذکر دایم خدا، بر پایی نماز و پرداخت زکات، دارای جایگاهی ویژه و ارزشمند در بین سایر اعمال و موجب بلند پایگی مقام و تکامل معنوی انسان

یسّبح له فیها .. رجال لاتلهیهم تجره و لایبع عن ذکر اللّٰه و إقام الصّلوه و إبتا

خداوند، در توصیف مردمان الهی و والا مقام تنها سه صفت را مطرح ساخته است: ۱ ذکر خدا، ۲ برپاداشتن نماز، ۳ پرداخت زکات. ذکر سه عمل یاد شده از میان صدها عمل نیک دیگر، حاکی از ارزش ویژه آنها و نیز تأثیر آنها در تکامل معنوی انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - نماز و زکات ، از مهم ترین و با ارزش ترین فریضه ها و احکام

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

برداشت فوق با توجه به اختصاص به ذکر یافتن نماز و زکات، پس از بیان اعمال صالح که نماز و زکات نیز جزء آنها می باشد قابل استفاده است.

فلسفه زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۷

۷ گرفتن صدقه (زکات) از خطاکاران نادم از سوی حاکم اسلامی باید به منظور تطهیر روح و تکامل معنوی آنان باشد .

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزكیهم

قبول زکات تائبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۴

۴ انفاق ها و صدقات گنهکاران توبه کننده ، مورد قبول و پذیرش پروردگار است .

و ءاخرن اعترفوا بذنوبهم .. خذ من أموالهم صدقه ... و يأخذ الصدقت

کیفر مانعان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱۸

۱۸ مشرکان ، مانعان زکات و منکران آیات الهی ، در خطر گرفتار شدن به عذاب خدا هستند .

قال عذابی أصیب به من أشاء و رحمتی .. فسأکتبها للذین ... بایتنا يؤمنون

گناه ممانعت از زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۸

۸ از امام صادق (ع) [ضمن حدیثی در توضیح گناهان کبیره] روایت شده است: >... و منع الزکاه المفروضه لأن الله عز و جل يقول: يوم یحیی علی

ها فی نار جهنم فتکوی بها جباهم و جنوبهم و ظهورهم ...

.. از جمله گناهان کبیره، منع زکات واجب است؛ زیرا خدای عزوجل می فرماید: روزی که آن [زر و سیم] را با آتش دوزخ می گذازند و پیشانی، پهلو و پشت آنان را داغ می زنند و می گویند این است آنچه برای خود اندوختید ...

متعلق زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۲۷، ۴، ۵، ۲

۲ اموال و دارایی های گوناگون انسان، متعلق صدقه (زکات) است.

خذ من أموالهم صدقه

<مال> (مفرد اموال) اسم جنس است و شامل هر آنچه را که آدمی به دست بیاورد می شود.

۴ تعیین اموال متعلق صدقه (زکات) و مقدار آن، بسته به نظر پیامبر (ص) و حاکم اسلامی است.

خذ من أموالهم صدقه

نکره آمدن <صدقه> و عدم تعیین مقداری خاص از آن، احتمالا اشاره به این دارد که موارد فوق، مبتنی بر صلاحدید پیامبر (ص) و حاکم اسلامی است.

۵ تنها بخشی از اموال و دارایی ها به عنوان صدقه و زکات دریافت می شود؛ نه تمامی آن.

خذ من أموالهم صدقه

برداشت فوق، با توجه به استعمال <مِنْ تبعیضیه> به دست آمده است؛ یعنی، بخشی از اموال آنان را به عنوان صدقات اخذ کن.

۲۷ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق (ع) فرمود: <لما انزلت آیه الزکوه> خذ من أموالهم صدقه ... <... فامر رسول الله (ص) منادیه فنادی فی الناس

ان الله فرض عليكم الزكوه . . . ففرض الله عز و جل عليهم من الذهب و الفضه و فرض الصدقه من الابل و البقر و الغنم و من الحنطه و الشعير و التمر و الزبيب . . . و عفا لهم عما سوى ذلك . . .

چون آیه زکات نازل شد که <از اموال آنان صدقه بگیر . . .> رسول خدا (ص) به منادی خود دستور داد و او در بین مردم ندا داد که خداوند: بر شما زکات را واجب فرموده است؛ پس خداوند [زکات] را از طلا و نقره بر آنان واجب فرمود و نیز صدقه را از شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش واجب کرد . . . و غیر اینها را برای مردم گذشت نمود . . .

محرومیت از برکات زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۵

۵ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت خودداری از پذیرش اسلام ، از عبادت خالصانه خداوند محروم مانده و خود را از برکات نماز و زکات دور ساخته اند .

و ما أمرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الز

محمد(ص) و اخذ زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱،۶

۱ فرمان خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر گرفتن صدقه (زکات) از اموال مردم

خذ من أموالهم صدقه

۶ اجازه خداوند به پیامبر (ص) در مورد گرفتن صدقه (زکات) از جهاد گریزانی که به گناه خویش معترف بودند

و ءآخرون اعترفوا بذنوبهم .. خذ من أموالهم صدقه

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آیه است که برخی از متخلفان از جنگ تبوک، نادم شدند و در قبال خطای خویش، پیشنهاد کردند که تمام اموالشان را به عنوان صدقه بپردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۳

۳ گیرنده زکات در حقیقت ، خداست و پیامبر (ص) و حاکم اسلامی تنها وسایطند .

خذ من أموالهم صدقه .. و يأخذ الصدقت

مصارف زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱،۲،۴

۱ لزوم پرداخت صدقات و زکات به نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقت للفقراء و المسکین و العملین علیها

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقت .. و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّٰه و ابن ال

۴ صرف صدقات (زکات) ، بجز در موارد هشتگانه (فقرا و ...) ممنوع است .

إنما الصدقت للفقراء .. و ابن السبیل

آیه شریفه در مقام بیان موارد صرف صدقات است. به کارگیری کلمه <إنما> که برای افاده حصر است بیانگر این است که صرف صدقات در غیر موارد هشتگانه ای که آیه شریفه متعرض آن شده، ممنوع است.

مصونیت مؤدیان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

موحدان ، پرداخت کنندگان زکات و مؤمنان به آیات الهی ، مصون از عذاب های الهی هستند .

عذابی أصیب به من أشاء و رحمتی .. فسأکتبها للذین ... بایتنا يؤمنون

جمله <سأکتبها> به منزله تفسیری است برای <من أشاء>. یعنی بیان می کند که چه کسانی مصون از عذاب الهی هستند و مشیت الهی بر عذاب نکردن آنان تعلق نمی گیرد و چه کسانی در خطر گرفتار شدن به عذاب الهی هستند. منطوق جمله <سأکتبها> بیانگر طایفه اول و مفهوم آن بیانگر طایفه دوم است.

منافقان و زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۱

۱ پیمان بستن برخی از منافقان صدر اسلام با خدا مبنی بر پرداخت زکات و صدقه و قرار گرفتن در صف صالحان ، در صورت برخورداری از مال و فضل الهی

و منهم من عهد الله .. و لنكونن من الصالحین

موانع زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۷ - ۹

۹ - دنیاطلبی و انکار معاد ، عامل بازدارنده از انفاق و زکات

لا يؤتون الزکوه و هم بالأخره هم کفرون

چنانچه جمله <هم بالأخره..> حالیه باشد می توان از ارتباط <هم بالأخره هم کفرون> با جمله قبل، مطلب بالا را برداشت کرد.

نجات زکات دهندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۳

۳ - کسانی که انفاق کرده و زکات مال خود را ادا کنند، انسان‌هایی صالح و نجات یافته‌اند.

قد أفلح من تزكى

برخی از لغت‌دانان، فعل <تزکی> را

به معنای <تصدق> می دانند. (لسان العرب)

نیت در زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۴

۴ - پرداخت زکات ، فقط باید برای جلب رضای خدا و دستیابی به سعادت اخروی باشد .

و الذین یؤتون . . . و قلوبهم و جله أنهم إلی ربهم رجعون

وجوب زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۳ - ۳

۳ - نماز و زکات ، از واجبات دینی اسلام و از ارکان عملی آن است .

و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

دعوت به اقامه نماز و پرداخت زکات، پس از فراخواندن اهل کتاب به ایمان، بیانگر اهمیت خاص نماز و زکات در میان سایر تکالیف عملی اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲۰

۲۰ زکات از واجبات الهی در آیین یهود

و یؤتون الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۴ - ۴

۴ - سیر کردن بینوایان ، از تکالیف ویژه مالی افزون بر زکات و . . . در اسلام

و لم نك نطعم المسكين

خداوند فرمود: به بینوایان دستگیری و کمک مالی کنید؛ بلکه فرمود: آنان را سیر نمایید. از این مطلب می توان استفاده کرد که این کار، فریضه ای جدا از زکات است؛ یعنی، اگر کسی زکات را پرداخت کند؛ ولی در جامعه گرسنه ای وجود داشته باشد، او باید باز هم انفاق کند تا گرسنگان سیر شوند.

وعدہ نجات به مؤدیان زکات

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۵

۵ - دوری از آتش دوزخ ، وعده خداوند به اهل زکات و انفاق

و سيجبها الأتقى . الذی یؤتی ماله یتزکی

هدایت مؤدیان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۵

۵ - مردمان تسبیح گو ، ذاکر ، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، از هدایت خاص خداوند به نور خویش برخوردارند .

یهدی الله لنوره من یشاء .. فی بیوت أذن الله ... یشیح له فیها ... رجال لاتله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۱

۱ - تنها برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات و اهل یقین به آخرت ، مشمول هدایت ویژه پروردگار خویش اند .

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم بالأخره هم یوقنون . أولئک علی هدی من

یهود و زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۰

۱۰ یهودیان پادارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لكن الرسخون .. و المقیمین الصلوه و المؤتون الزکوه

گفتنی است که <المقیمین> به وسیله فعلی همانند <امدح> و یا <اخص> منصوب شده و در اصل چنین بوده <و المقیمون الصلوه اخصهم و امدحهم> که بنابر قواعد ادبی المقیمون و فعل اخص و امدح حذف شده است و ضمیر در

<امدحهم> به صورت اسم ظاهر در آمده است.

زکات دهندگان

نجات زکات دهندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۳ - کسانی که انفاق کرده و زکات مال خود را ادا کنند ، انسان هایی صالح و نجات یافته اند .

قد أفلح من تزكى

برخی از لغت دانان، فعل <تزکی> را به معنای <تصدق> می دانند. (لسان العرب)

زلزله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

زلزله

آثار ترسناکی زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۳،۴

۳- با مشاهده ترس و دهشت ناشی از زلزله زمین در آستانه برپایی قیامت ، تمامی مادران ، کودکان شیرخوارشان را بی اختیار در دامن خود رها ساخته و از یاد خواهند برد .

تذهل کلّ مرضعه عمّا أرضعت

<ذهول> (مصدر <تذهل>) به فراموشی ای گفته می شود که از شدت دهشت بر انسان عارض شود. <مرضعه> نیز به زنی گفته می شود که در حال شیر دادن باشد؛ یعنی، هر زن شیر دهنده، به هنگام دیدن آن زلزله، از آن کسی که به او شیر می دهد غافل خواهد شد.

۴- زنان باردار با دیدن زلزله سهمگین زمین در آستانه برپایی قیامت ، از شدت بیم و اضطراب ، سقط جنین خواهند کرد .

و تضع کلّ ذات حمل حملها

<وضع> (مصدر <تضع>) به معنای نهادن و <ذات حمل> به معنای باردار است؛ یعنی، هر زن بارداری به هنگام دیدن آن زلزله، بارش را خواهد نهاد (جنینش را سقط خواهد کرد).

آثار دومین زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - هنگام پیدایش دومین لرزش در دوران برپایی قیامت ، قلب های فراوانی را لرزه و اضطرابی شدید فرا

خواهد گرفت .

قلوب یومئذ واجفه

<قلب واجف>، به قلبی گفته می شود که اضطراب شدیدی بر آن مستولی باشد (لسان العرب). <قلوب> نکره ای است که بر تکثیر دلالت دارد و به همین سبب با آن که نکره است مبتدا قرار گرفته است.

آثار زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۲ - ۳

۳ - زلزله زمین در آستانه قیامت ، انفجاری داخلی و پراکنده سازنده مواد درونی آن است .

و أخرجت الأرض أثقالها

زلزله به طور معمول، آنچه را که بر سطح زمین است، به کام آن فرو می برد و ولی در زلزله واپسین، عکس این صحنه اتفاق خواهد افتاد. عطف این آیه بر آیه قبل به قرینه سیاق آیات عطف مسبب بر سبب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۲،۳

۲ - زمین در قیامت ، پس از لرزش شدید و بیرون ریختن دینه های خویش ، اطلاعات ذخیره شده خود را برملا خواهد ساخت .

یومئذ تحدّث أخبارها

۳ - زمین پس از تحوّل-تی در سه مرحله (< لرزش ویرانگر در پایان عمر دنیا > ، < اخراج مردگان از درون خود در آغاز قیامت > و < اظهار اطلاعات بایگانی شده در خود >) ، مکان حسابرسی اعمال انسان ها خواهد شد .

إذا زلزلت . . . و أخرجت ... تحدّث أخبارها

آیات این سوره می تواند بیانگر حوادث آخرت باشد که از پایان نظام موجود، شروع می شود. تعبیر <یومئذ> در این احتمال نشانگر وقوع تمام آن حوادث، در

یک زمان گسترده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۲

۲ - زلزله زمین ، از مقدمات حشر مردم و حسابرسی اعمال آنان در قیامت است .

إذا زلزلت الأرض .. یومئذ یصدر الناس

اولین زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۷ - ۱،۲

۱ - در آستانه برپایی قیامت و در پی صیحه و لرزش نخستین ، صیحه و لرزشی دوباره پدیدار خواهد شد .

تتبعها الرادفه

<رادفه> یعنی، ملحق شونده و از پی در آینده. (مصباح) تطبیق آن بر نفخ صور دوم مفاد این آیه و آیه قبل را نظیر آیه ۶۸ سوره زمر می سازد.

۲ - دومین زلزله در مراحل برپایی قیامت ، تابع اولین لرزش و فرع بر پیدایش آن است .

تتبعها الرادفه

پرسش از زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۲

۲ - عوامل زلزله شدید زمین در آستانه قیامت ، ناشناخته برای انسان ها و زمینه پرسش تحیرآمیز آنان از اهداف و علل آن

و قال الإنسن ما لها

<ما> برای استفهام از انگیزه و اهداف است.

ترسناکی زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۷

۷- وقوع زلزله بسیار بزرگ و هولناک در جهان طبیعت (زمین و ...) ، در آستانه برپایی قیامت

إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱،۷

۱- زلزله زمین در آستانه

فروپاشی نظام طبیعت ، رخدادی بسیار سهمگین و دهشتناک

إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ .. يَوْمَ تَرَوْنَهَا... تَرَى النَّاسَ سُكَرَى

۷- شدت و هراس ناشی از زلزله زمین در آستانه برپایی رستاخیز ، هوش از سر تمامی مردم روی زمین خواهد ربود و آنان را مانند می زدگان مست ، بی خود خواهد ساخت .

إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ .. يَوْمَ تَرَوْنَهَا... و تَرَى النَّاسَ سُكَرَى

<سکاری> جمع <سکران> است. <سکران> نیز به کسی گفته می شود که در اثر خوردن شراب، عقلش را از دست بدهد (مست شود).

حتمیت زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۲

۲ - زلزله فراگیر زمین ، حادثه ای قطعی و تخلّف ناپذیر است .

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زَلْزَالَهَا

حرف <إِذَا> بر فعلی داخل می شود که تحقّق آن در آینده، حتمی خواهد بود.

دومین زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۷ - ۲، ۱

۱ - در آستانه برپایی قیامت و در پی صیحه و لرزش نخستین ، صیحه و لرزشی دوباره پدیدار خواهد شد .

تبعها الرادفه

<رادفه> یعنی، ملحق شونده و از پی در آینده. (مصباح) تطبیق آن بر نفخ صور دوم مفاد این آیه و آیه قبل را نظیر آیه ۶۸ سوره زمر می سازد.

۲ - دومین زلزله در مراحل برپایی قیامت ، تابع اولین لرزش و فرع بر پیدایش آن است .

تتبعها الرادفه

زلزله در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۴ - ۳

۳ - عذاب نازل شده بر قوم لوط ،

زلزله بود .

إِنَّا منزلون على أهل هذه القرية رجراً من السماء

<رجز> در لغت، به معنای <اضطراب> است. مراد از آن، در آیه، زلزله است (مفردات راغب).

زلزله در مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۷ - ۲،۴،۵

۲ - به دنبال تکذیب شعیب (ع) از سوی مردم مدین، زلزله ای هلاکت بار، آنان را فراگرفت و از پا درآورد .

فكذبوه فأخذتهم الرجفة فأصبحوا في دارهم جثمين

۴ - زلزله مدین، در شب رخ داد .

فأخذتهم الرجفة فأصبحوا في دارهم جثمين

احتمال دارد که <أصبحوا> به معنای <دخلوا في الصبح> باشد. بنابراین، زلزله، در شب اتفاق افتاده است.

۵ - زلزله مدین، به قدری شدید و هلاکت بار بود که مردم آن شهر، نتوانستند از خانه هایشان بیرون بروند و در داخل همان خانه ها، به زانو درآمدند .

فأخذتهم الرجفة فأصبحوا في دارهم جثمين

زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۰

۱۰ - زلزله ویرانگر و نابود کننده زمین در آستانه برپایی قیامت، جلوه ای از عذاب قهر خداوند

إِنَّ زلزله الساعه شیء عظیم.. و ما هم بسکری و لکن عذاب الله شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - وقوع زلزله ، در سراسر زمین در آستانه قیامت

إذا وقعت الواقعة .. إذا رجّت الأرض رجّاً

<رج> (مصدر مجهول <رجّت>) به معنای به شدت لرزانده شدن است. مراد از <الأرض> تمام زمین و نه منطقه ای خاص از آن

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۱

۱ - به لرزه در آمدن زمین و کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الأرض و الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۶ - ۱

۱ - پیدایش زلزله ای عظیم ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الراجفه

مراد از <یوم> به قرینه آیه بعد دورانی است که شامل هر دو نفخه صور باشد؛ نفخه اول که همگان می میرند و نفخه دوم که رستاخیز برپا می شود. <ترجف> یعنی، لرزش و اضطراب شدید. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۷ - ۳

۳ - قیامت ، به دنبال پیدایش زلزله ای بزرگ ، برپا خواهد شد .

یوم ترجف الراجفه . تتبعها الرادفه

ممکن است <رادفه>، ناظر بر زلزله ای دیگر نباشد؛ بلکه مفاد آیه شریفه این باشد که به دنبال زلزله ای که در آیه قبل مطرح بود، پیامد آن (قیامت) به وجود خواهد آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۳

۳ - < عن أبي جعفر (ع) فی قوله > **كَلَّا إِذَا دَكَتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا** < قال : هی الزَّلْزَلَةُ ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <كَلَّا إِذَا دَكَتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا> روایت شده که مراد زلزله است. <

سقط جنین در زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۴

۴- زنان باردار با دیدن

زلزله سهمگین زمین در آستانه برپایی قیامت، از شدت بیم و اضطراب، سقط جنین خواهند کرد.

و تضع کلّ ذات حمل حملها

<وضع> (مصدر <تضع>) به معنای نهادن و <ذات حمل> به معنای باردار است؛ یعنی، هر زن بارداری به هنگام دیدن آن زلزله، بارش را خواهد نهاد (جنینش را سقط خواهد کرد).

شدت زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۴

۴- زنان باردار با دیدن زلزله سهمگین زمین در آستانه برپایی قیامت، از شدت بیم و اضطراب، سقط جنین خواهند کرد.

و تضع کلّ ذات حمل حملها

<وضع> (مصدر <تضع>) به معنای نهادن و <ذات حمل> به معنای باردار است؛ یعنی، هر زن بارداری به هنگام دیدن آن زلزله، بارش را خواهد نهاد (جنینش را سقط خواهد کرد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۱،۲

۱ - حرکت و رانش کوه ها، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

إذا رَجَّتْ الْأَرْضُ رَجًّا . وَ بَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا

<بَسَّ> در دو معنا به کار می رود: ۱ به حرکت واداشتن (القاموس المحيط)؛ ۲ خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۲ - ذره ذره شدن کوه ها، بر اثر زلزله شدید زمین در آستانه قیامت

إذا رَجَّتْ الْأَرْضُ . . . وَ بَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۳

۳- لرزش زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار شدید و کوبنده است

و كانت الجبال كتيبا مهيلا

تبدیل شدن کوه های استوار به انبوهی از ریگ های روان، شدت و گوبندگی زمین لرزه را، در آستانه برپایی قیامت می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۱

۱ - لرزشی شدید در آینده ، تمام زمین را فراخواهد گرفت .

إذا زلزلت الأرض زلزالها

اضافه <زلزال> به ضمیر <الأرض>، بیانگر شدت آن است؛ زیرا از طرفی آن را به تمام زمین ارتباط می دهد و از طرفی دیگر، به این نکته اشاره دارد که ابعاد آن حادثه، به قدری بزرگ است که ویژگی های آن را نمی توان بر شمرد؛ بلکه در بیان آن تنها باید گفت: <زلزله زمین>.

عذاب با زلزله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۴ - ۳

۳ - عذاب نازل شده بر قوم لوط ، زلزله بود .

إننا منزلون علی أهل هذه القرية رجرا من السماء

<رجز> در لغت، به معنای <اضطراب> است. مراد از آن، در آیه، زلزله است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۷ - ۳،۴،۶

۳ - عذاب زلزله قوم شعیب ، چنان بود که با رخداد آن ، مردم مدین ، بی درنگ از پا درآمدند .

فكذبوه فأخذتهم الرجفة فأصبحوا

عطف <أصبحوا> با <فاء> که برای عدم تراخی است بر <أخذتهم> دلالت بر هلاکت بی درنگ می کند. گفتنی است. <أصبحوا> احتمال دارد به معنای <صاروا> باشد و احتمال دارد به معنای <دخلوا فی الصبح> باشد. بنا بر احتمال نخست، نکته یاد شده قابل استفاده است.

- زلزله مدین ، در شب رخ داد .

فأخذتهم الرجفة فأصبحوا في دارهم جثمين

احتمال دارد که <أصبحوا> به معنای <دخلوا في الصبح> باشد. بنابراین، زلزله، در شب اتفاق افتاده است.

۶- امکان دارد که زلزله و یا دیگر بلاهای طبیعی عذاب و کیفر الهی باشد .

فأخذتهم الرجفة فأصبحوا في دارهم جثمين

عظمت زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۷

۷- وقوع زلزله بسیار بزرگ و هولناک در جهان طبیعت (زمین و ...) ، در آستانه برپایی قیامت

إن زلزله الساعة شيء عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴ - ۳

۳- زلزله زمین در آستانه قیامت ، بسیار عظیم و غیر قابل توصیف

إذا رجَّت الأرض رجًّا

ذکر <رجًّا> به صورت نکره، بیانگر آن است که حرکت و لرزشی که بر زمین وارد می شود، چنان عظیم است که نمی توان هیچ وصفی را برای آن بیان کرد.

عوامل زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۲

۲- عوامل زلزله شدید زمین در آستانه قیامت ، ناشناخته برای انسان ها و زمینه پرسش تحیرآمیز آنان از اهداف و علل آن

و قال الإنسن ما لها

<ما> برای استفهام از انگیزه و اهداف است.

عوامل مصونیت از زلزله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۲۳

۲۳ > عن أبي عبدالله (ع) انه قال : لا تملّوا من قراءه إذا زلزلت الأرض زلزالها فإنه من

كانت قراءته بها في نوافله لم يصبه الله عزوجل بزلزله أبداً و لم يمت بها و لا بصاعقه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: از خواندن سوره <إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا> خسته نشوید ؛ زیرا کسی که آن را در نوافله های خود بخواند، خدای عزوجل هیچ گاه او را با زلزله آسیب نمی رساند و به وسیله زلزله و صاعقه به هلاکت نمی رساند.

فراموشی نوزادان در زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۳

۳- با مشاهده ترس و دهشت ناشی از زلزله زمین در آستانه برپایی قیامت ، تمامی مادران ، کودکان شیرخوارشان را بی اختیار در دامن خود رها ساخته و از یاد خواهند برد .

تذهل كل مرضعه عما أرضعت

<ذهول> (مصدر <تذهل>) به فراموشی ای گفته می شود که از شدت دهشت بر انسان عارض شود. <مرضعه> نیز به زنی گفته می شود که در حال شیر دادن باشد ؛ یعنی، هر زن شیر دهنده، به هنگام دیدن آن زلزله، از آن کسی که به او شیر می دهد غافل خواهد شد.

فلسفه زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۲

۲ - عوامل زلزله شدید زمین در آستانه قیامت ، ناشناخته برای انسان ها و زمینه پرسش تحیر آمیز آنان از اهداف و علل آن

و قال الإنسن ما لها

<ما> برای استفهام از انگیزه و اهداف است.

منشأ زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۴

در آستانه قیامت ، وابسته به عواملی زمینی و بازتاب تحولات درونی آن است .

إذا زلزلت الأرض زلزالها

مجهول بودن فعل <زلزلت>، بیانگر نقش عاملی در پیدایش زلزله است. اضافه شدن <زلزال> به ضمیری که به زمین برمی گردد، آن حوادث را به خود زمین مربوط می داند.

نقش زلزله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۷ - ۶

۶ - امکان دارد که زلزله و یا دیگر بلاهای طبیعی عذاب و کیفر الهی باشد .

فأخذتهم الرجفة فأصبحوا في دارهم جثمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱۶ - ۲

۲ - امکان نزول عذاب الهی ، با لرزش زمین و فرو رفتن کافران در درون آن

أن يخسف بكم الأرض فإذا هي تمور

<مور> (مصدر <تمور>) به معنای تحرك سریع است.

وسعت زلزله زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۳

۳ - لرزش گسترده زمین ، از مقدمات برپایی قیامت

إذا زلزلت الأرض زلزالها

به قرینه جمله <یومئذ یصدر الناس أشتاتاً> (در آیات بعد)، زلزله زمین در آستانه قیامت خواهد بود.

وسعت زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۲ - ۱

۱ - زمین ، بر اثر زلزله فراگیر خود همه مردگان را ، بیرون خواهد ریخت .

و أخرجت الأرض أثقالها

<أثقال> جمع <ثَقُل> و <ثَقَل> است ؛ نظیر <أمثال> که جمع <مِثْل> و <مَثَل> می باشد. <ثِقُل> به معنای بار سنگین است. <ثَقَل> نیز به همان معنا و یا به معنای <شیء نفیس> است

(لسان العرب). <بارهای سنگین زمین>، کنایه از ذخایر آن و نیز اجساد مردگان است. برداشت یاد شده، به مصداق دوم نظر دارد.

زلیخه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنا

زلیخا

اخفای مکر زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۱

۱ عزیز مصر از یوسف (ع) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا که مفاد عبارت <أعرض عن هذا> است در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است ، نه لب به شکایت ننگشودن ؛ زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف(ع) - که برده ای زرخریده بوده ناسازگار است.

استفاده از کاربرد در مهمانی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۶

۶ زلیخا به هر یک از زنان دعوت شده ، کاردی برای استفاده از خوردنی ها داد .

و ءات کل وحده منهنّ سکیناً

اقرار زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۲،۴

۲ زلیخا ، نزد زنان اشراف به تقاضای کام روایی از یوسف (ع) ، اقرار و اعتراف کرد .

لقد رودته عن نفسه

۴ زلیخا در حضور زنان اشراف ، تأکید کرد که هم چنان بر تقاضای وصال یوسف (ع) اصرار خواهد کرد .

و لئن لم يفعل ما امره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۹، ۱۸، ۱۶، ۱۳

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع)

را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزيز الثن حصحص الحق

<حصحصه> (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

۱۶ زلیخا در حضور پادشاه مصر به تقاضای کام روایی از یوسف (ع) اعتراف کرد و به استنکاف یوسف (ع) از پذیرش تقاضایش شهادت داد .

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصديقين

جمله <أنا رودته عن نفسه> به بیانی که در آیه ۲۶ ذیل برداشت شماره ۲ گذشت دلالت بر حصر دارد / یعنی ، من از او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر ، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد .

و إنه لمن الصديقين

۱۹ اعتراف زلیخا به دروغگویی خویش در متهم ساختن یوسف (ع) به درخواست کام جویی

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصديقين

بازجویی از مهمانان زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۷

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلى ربك فستله ما بال النسوة التي قطعن أيديهنّ

بینش زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ زلیخا، تسلیم نشدن یوسف (ع) در برابر خواسته اش را، ناسپاسی و قدرناشناسی می شمرد.

رودته التی هو

فی بیتها . . . إنه ربی أحسن مثوای

در برداشت فوق، <إنه ربی . . .> ناظر به مفهومی گرفته شده که از عبارت <التی هو فی بیتها> استفاده می شود / یعنی، زلیخا با اظهار اینکه مربی یوسف (ع) بوده و او را در خانه خویش سر و سامان بخشیده است، توقع داشت که یوسف (ع) در برابر تقاضایش تسلیم شود / ولی یوسف (ع) با جمله <إنه ربی . . .> بیان می دارد که خداوند، مربی و مدبر امور او بوده و هست، و سزاوار آن است که وی مطیع او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزیز الثن حصحص الحق

<حصحصه> (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

تبرئه زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ تلاش زلیخا برای تبرئه خویش نزد عزیز مصر

قالت ما جزاء من أراد بأهلک سوءاً

تصمیم زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۳

۱۳ <عن الرضا (ع) : . . . و أما قوله عزوجل فی یوسف : > و لقد همّت به و همّ بها < فإنها همّت بالمعصیه و همّ یوسف بقتلها إن أجبرته . . . فصرف الله عنه قتلها و الفاحشه و هو

قوله عزوجل : < كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء > یعنی القتل والزنا ... ;

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: ... قول خدای عزوجل درباره یوسف که فرموده: < و لقد هممت به و هم بها > مقصود این است که آن زن قصد معصیت کرد و یوسف قصد کرد که اگر بانو وی را مجبور به گناه کند، او را بکشد ... پس خداوند، قتل و عمل خلاف عفت را از او بگردانید و این است سخن خدای عزوجل: < كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء > ; یعنی، قتل و زنا

تعداد مهمانان زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۸

۸ تعداد زنانی که زلیخا آنان را برای دیدار یوسف (ع) دعوت کرد ، بیش از ده نفر نبودند .

و قال نسوه فی المدینه .. فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

ضمیر در < مکرهنّ .. > و < إلیهنّ > به < نسوه > در آیه قبل برمی گردد و از آن جا که < نسوه > از صیغه های جمع قله است ، معلوم می شود تعداد زنان دعوت شده بیش از ده نفر نبود.

تلاش زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۳

۳ زلیخا برای هموار ساختن نظر یوسف (ع) به منظور کام جویی ، اهتمامی مداوم و پی گیر داشت .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در <راد یروود> که مراد از آن است ، سعی و تلاش پی گیری برای رسیدن به مطلوب را قید

کرده اند. برداشت فوق بر این اساس است.

توطئه زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۶

۶ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و رسیدن به وصال او، درب های قصرش را قفل کرد و او را به سوی خویش فرا خواند.

رودته ... و غلقت الأبواب و قالت هیت لك

<تغلیق> (مصدر غلقت) به معنای قفل کردن است. <هیت لك> اسم فعل امر و به معنای <بیا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۴، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴

۴ زلیخا برای دستیابی به یوسف (ع) و جلوگیری از خروج وی، به تعقیب او پرداخت و با سرعت به سمت درب خروجی دوید.

واستبقا الباب

۵ یوسف (ع) در تعقیب و گریزش با زلیخا، زودتر از وی به درب خروجی رسید.

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۶ زلیخا برای جلوگیری از خروج یوسف (ع)، از پشت پیراهنش را چنگ زد و او را به شدت به سوی خود کشید.

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۷ زلیخا بر اثر چنگ زدن به پیراهن یوسف (ع)، پیراهن او را چاک زد و سرتاسر آن را پاره کرد.

و قدت قمیصه من دبر

<قد> (مصدر قدت) به معنای شکافتن و پاره کردن طولی و سراسری است (لسان العرب)؛ یعنی، آن گاه گفته می شود

<قدت القمیص> که پیراهن از طول پاره شود و سراسر آن شکافته گردد.

گشودن درب و فرار از چنگ زلیخا موفق شد .

و ألفتها سیدها لدا الباب

۱۴ تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف (ع)

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً إلا أن يسجن أو عذاب أليم

برداشت فوق ، از تصریح زلیخا به <أهلك> (همسر تو) استفاده می شود ؛ یعنی ، او با آوردن <أهلك> درصدد تحریک عزیز مصر برای مجازات یوسف(ع) بود.

توطئه علیه زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲

۲ عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر ، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه . . . فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از <مکر> نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق <مکر> به نقل آن ماجرا ، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه ، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

توقعات بیجای زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۹

۱۹ زلیخا به دلیل اکرام یوسف (ع) و خدمت به او ، توقع داشت که یوسف (ع) در برابر تقاضای نامشروعش ، تسلیم وی باشد .

رودته الی هو فی بیتها . . . قال ... إنه ربی

تهمتهای زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ زلیخا به هنگام برخورد با شوهرش ، عزیز مصر ، یوسف (ع) را به قصد تجاوز به خویش متهم کرد .

قال ما جزاء من

<جزاء> به معنای سزا و کیفر و <ما> در جمله فوق نافیه است. بنابراین <ما جزاء...> یعنی: نیست کیفر و سزای کسی که خواسته باشد به همسرت تجاوز کند، مگر زندان یا عذابی دردناک.

۱۲ پیشدستی زلیخا در طرح اتهام علیه یوسف (ع)

و ألفیا سیدها لدا الباب قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۴۸

۴ عزیز مصر شواهد ارائه شده از سوی داور ماجرای یوسف و زلیخا را، برای رفع اتهام از یوسف (ع) و اثبات بی گناهی او کافی دانست.

فلما رءا قمیصه قُذ من دُبر قال إنه من کیدکن

۸ عزیز مصر، پیشدستی زلیخا در متهم ساختن یوسف (ع) و تعیین کیفر برای او را، از مکرهای زلیخا شمرد.

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً .. إنه من کیدکن

برداشت فوق، ناظر به این احتمال است که ضمیر در <إنه...> به معنایی که از <قالت ما جزاء...> در آیه ۲۵ استفاده می شود، برگردد و آن معنا، پیشدستی کردن زلیخا برای محقق جلوه دادن خویش و گنه کار نشان دادن طرف مقابل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۷،۱۹

۱۷ زلیخا پیش از جلسه بازجویی و محکمه دادرسی، یوسف (ع) را مجرم معرفی می کرد و به کام جویی از وی متهم می ساخت.

قالت امرأت العزیز الثن حصحص الحق أنا رودته عن نفسه و

إنه لمن الصدقین

برداشت فوق از قید <الآن> استفاده می شود.

۱۹ اعتراف زلیخا به دروغگویی خویش در متهم ساختن یوسف (ع) به درخواست کام جویی

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

خواسته های زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۱، ۳۲

۲۱ یوسف (ع) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت، قدرشناسی و سپاس دانست.

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۳۲ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما راهق یوسف راودته إمرأه الملك عن نفسه . . . ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . چون حضرت یوسف در آستانه بلوغ جنسی قرار گرفت، همسر پادشاه از او درخواست کرد که تا با او درآمیزد . . . <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع)، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند.

و قالت اخرج علیهنّ

کلمه <خروج> به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین <اخرج علیهنّ> می رساند که یوسف (ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد؛ یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف (ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۱

(ع) فی قوله: < ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه حتى حين > فالآيات شهادة الصبي و القميص المخزق من دبر و استباقهما الباب حتی سمع مجاذبت ها إياه على الباب فلما عصاها فلم تزل ملحه بزوجه حتى حبسه ... ٦

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که فرمود: <ثم بدا لهم...> روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد ٦ پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد.<

دربهای کاخ زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۶،۷

٦ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و رسیدن به وصال او ، درب های قصرش را قفل کرد و او را به سوی خویش فرا خواند .

رودته ... و غلقت الأبواب و قالت هیت لك

<تغلیق> (مصدر غلقت) به معنای قفل کردن است. <هیت لك> اسم فعل امر و به معنای <بیا> می باشد.

٧ قصر زلیخا ، قصری مجلل و دارای درب های فراوان و متعدد بود .

و غلقت الأبواب

به کارگیری باب تفعیل ، برای بیان قفل زدن دربها (غلقت الأبواب) می تواند حاکی از شدت مبالغه باشد ٦ یعنی ، دربها را با قفلها و پشت بندها محکم بست ، و می تواند بر کثرت دربها دلالت داشته باشد. برداشت

فوق ، ناظر به دومین معناست.

دروغگویی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۹

۱۹ اعتراف زلیخا به دروغگویی خویش در متهم ساختن یوسف (ع) به درخواست کام جویی

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصديقين

دعوت زلیخا از زنان مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۳،۴

۳ زلیخا، پس از آگاهی به توطئه زنان و ملامت گری های ایشان، آنان را به منزل خویش دعوت کرد.

فلما سمعت بمكرهن أرسلت إليهنّ

مراد از <به سوی آنان فرستاد> که مفاد <أرسلت إليهنّ> است به قرینه جمله <و أعتدت لهنّ متكئاً و...> این است که آنان را به مهمانی دعوت کرد.

۴ زلیخا برای پاسخ گویی به زنان ملامت کننده، ضیافتی ترتیب داد و مجلس ویژه ای آراست.

أرسلت إليهنّ و أعتدت لهنّ متكئاً

دلایل دروغگویی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشت سر دانست.

و إن كان .. و هو من الصديقين

دلایل صداقت زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع)

از پیش رو دانست .

إِنَّ كَانُ قَمِيصَهُ قَدْ مِنْ قَبْلِ فَصَدَقَتْ وَ هُوَ مِنَ الْكَذِبِينَ

زلیخا در دربار مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۹

۹ زلیخا در دستگاه حکومتی و قضایی مصر ، نفوذی فراوان داشت .

و لئن لم يفعل ما ءامره لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

حذف فاعل از <لیسجنن> (او حتماً زندانی می شود) و آوردن فعل به صورت مجهول، حاوی این نکته است که حرف نشنوی یوسف(ع)، زندانی شدنش را در پی داشت ؛ یعنی، زلیخا آن چنان نفوذی داشت که گویا لازم نبود امر کند و اقدامی صورت دهد ؛ آن گاه که فردی امرش را اطاعت نمی کرد، به زندانش می انداختند.

زلیخا قبل از مجلس بازجویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۷

۱۷ زلیخا پیش از جلسه بازجویی و محکمه دادرسی ، یوسف (ع) را مجرم معرفی می کرد و به کام جویی از وی متهم می ساخت .

قالت امرأت العزیز الثن حصحص الحق أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

برداشت فوق از قید <الآن> استفاده می شود.

زلیخا و امتناع یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۵

۵ زلیخا، سوگند یاد کرد که در صورت استنکاف یوسف (ع) از آمیزش با او، وی را به زندان خواهد افکند و خوار و بی

مقدارش خواهد ساخت .

و لئن لم يفعل ما أمره ليسجنن و ليكونا من الصغرين

<لام> در <لئن> گویای قسم است.

<یکوناً= یکونن> فعل مضارع و مقرون به نون تأکید خفیفه است.

زلیخا و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۸

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر ، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد .

و إنه لمن الصدقین

زلیخا و حقانیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزیز الثن حصحص الحق

<حصحصه> (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

زلیخا و دعای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۳

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فصرف عنه کیدهن

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهن> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مرآوده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید

این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراوده شده باشد.

زلیخا و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۱،۲۹

۱۱ زلیخا، هنگامی که زنان بر جایگاه های خود تکیه زده و آماده استفاده از خوراکی ها شدند، از یوسف (ع) خواست بر آنان گذر کند.

و قالت اخرج علیهنّ

۲۹ > عن علی بن الحسین (ع) : ... فأرسلت إلیهنّ و هیأت لهنّ طعاماً و مجلساً ثم أتنهنّ باترج و > آت کل واحده منهنّ سکیناً ... < ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: ... پس همسر عزیز [پیکری] به سوی بانوان فرستاد و از آنان دعوت کرد و برایشان طعامی آماده کرد و مجلسی آراست و آن گاه برای بانوان ترنج آورد و به هر یک کاردی داد ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱،۲

۱ زلیخا، با ارائه یوسف (ع) به زنان اشراف، به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به یوسف (ع) ملامت کنند.

قالت فذلکنّ الذی لمتنی فیه

۲ زلیخا، نزد زنان اشراف به تقاضای کام روایی از یوسف (ع)، اقرار و اعتراف کرد.

لقد رودته عن نفسه

زلیخا و سرزنشهای زنان مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱،۳

۱ زلیخا سرزنش زنان مصر را به خاطر عشقش به یوسف (ع)، شنید و به آن آگاهی یافت.

فلما سمعت بمکرهنّ

فعل <سمع> متعدی است و نیازی به حرف <باء> برای تعدیه ندارد. بنابراین در <سمعت

بمکرهّن > معنای < علمت > اشراب شده است. از این رو مفاد آن چنین می شود: زلیخا به مکر زنان آگاه شد و این آگاهی از طریق خبرهایی بود که برای او نقل می شد.

۳ زلیخا، پس از آگاهی به توطئه زنان و ملامت گری های ایشان، آنان را به منزل خویش دعوت کرد.

فلما سمعت بمکرهّن أرسلت إلیهّن

مراد از < به سوی آنان فرستاد > که مفاد < أرسلت إلیهّن > است به قرینه جمله < و أعتدت لهّن متکناً و .. > این است که آنان را به مهمانی دعوت کرد.

زلیخا و عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۴، ۱۳، ۹

۹ یوسف (ع) و زلیخا، پس از تعقیب و گریز و باز شدن درب، با عزیز مصر در آستانه آن درب برخورد کردند.

و ألفیا سیدها لدا الباب

< إلفاء > (مصدر ألفیا) به معنای یافتن و مواجه شدن است. < سید > به معنای شریف و دارای مجد است، و مراد از آن در این جا، شوهر است.

۱۳ تلاش زلیخا برای تبرئه خویش نزد عزیز مصر

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

۱۴ تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف (ع)

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً إلا أن يسجن أو عذاب أليم

برداشت فوق، از تصریح زلیخا به < أهلك > (همسر تو) استفاده می شود، یعنی، او با آوردن < أهلك > در صدد تحریک عزیز مصر برای مجازات یوسف (ع) بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۴

مصر بود .

امرات العزیز

زلیخا و عفت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرات العزیز الثن حصحص الحق

<حصحصه> (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

زلیخا و کفران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۸

۱۸ زلیخا، تسلیم نشدن یوسف (ع) در برابر خواسته اش را، ناسپاسی و قدرناشناسی می شمرد .

رودته التی هو فی بیتها .. إنه ربی أحسن مثوای

در برداشت فوق، <إنه ربی ..> ناظر به مفهومی گرفته شده که از عبارت <التی هو فی بیتها> استفاده می شود ؛ یعنی، زلیخا با اظهار اینکه مربی یوسف(ع) بوده و او را در خانه خویش سر و سامان بخشیده است، توقع داشت که یوسف(ع) در برابر تقاضایش تسلیم شود ؛ ولی یوسف(ع) با جمله <إنه ربی ...> بیان می دارد که خداوند، مربی و مدیر امور او بوده و هست، و سزاوار آن است که وی مطیع او باشد.

زلیخا و گواهی زنان اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزیز الثن حصحص

<حصحصه> (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

زلیخا و مجازات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف (ع)

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

برداشت فوق، از تصریح زلیخا به <أهلك> (همسر تو) استفاده می شود؛ یعنی، او با آوردن <أهلك> درصدد تحریک عزیز مصر برای مجازات یوسف(ع) بود.

زلیخا و محاکمه زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ زلیخا نیز در جلسه محاکمه ای که برای کشف حقیقت ماجرای زنان با یوسف (ع) تشکیل شده بود، حضور داشت.

قالت امرأت العزيز الثن حصحص الحق

زلیخا و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۷۸

۷ عزیز مصر، یآوری یوسف (ع) و گزینش او به فرزندى را، در گرو علاقه مندى یوسف (ع) به وی و همسرش زلیخا می دانست.

أكرمي مثويه عسى أن ينفعنا أو نتخذه ولدًا

جمله <عسی..> تعلیل برای <أکرمی مشواه> است، و مفاد جمله چنین می شود: از آن رو از تو می خواهم او را گرامی بداری، تا علاقه او را به خودمان جلب کنی و در نتیجه بتوانیم به یاری او، دل ببندیم و یا به قبول فرزند خواندگیش، امیدوار باشیم.

عزیز مصر ، اداره امور یوسف (ع) را به همسرش زلیخا واگذار کرد ، و از او خواست تا یوسف (ع) را گرامی داشته و منزلش را پاس دارد .

لامرأته أكرمی مثویه

<مثوی> اسم مکان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت <أكرمی مثواه> ؛ یعنی ، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه ، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۳۲ ، ۱۹ ، ۱۸ ، ۶ ، ۵ ، ۳

۳ زلیخا برای هموار ساختن نظر یوسف (ع) به منظور کام جویی ، اهتمامی مداوم و پی گیر داشت .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در <راد یروود> که مراد از آن است ، سعی و تلاش پی گیری برای رسیدن به مطلوب را قید کرده اند. برداشت فوق بر این اساس است.

۵ زلیخا با سلطه ظاهریش بر یوسف (ع) ، برخوردار از زمینه ای مساعد و کارآمد برای واداشتن یوسف (ع) به خواسته های خویش

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

قرآن، زلیخا را با عبارت <التی هو فی بیتها> (آن زن که یوسف در خانه اش به سر می برد) توصیف می کند تا تسلط زلیخا بر یوسف (ع) را برساند.

۶ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و رسیدن به وصال او ، درب های قصرش را قفل کرد و او را به سوی خویش فرا خواند .

رودته ... و غلقت الأبواب و قالت هیت لك

<تغلیق> (مصدر غلقت) به

معنای قفل کردن است. <هیت لک> اسم فعل امر و به معنای <بیا> می باشد.

۸ زلیخا، همه شرایط و امکانات را برای کام جویی از یوسف (ع) فراهم کرده بود.

رودته ... و غلقت الأبواب و قالت هیت لک

۱۹ زلیخا به دلیل اکرام یوسف (ع) و خدمت به او، توقع داشت که یوسف (ع) در برابر تقاضای نامشروعش، تسلیم وی باشد.

رودته التی هو فی بیتها .. قال ... إنه ربی

۳۲ > عن علی بن الحسین (ع) : ... فلما راهق یوسف راودته إمرأه الملك عن نفسه ... ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: ... چون حضرت یوسف در آستانه بلوغ جنسی قرار گرفت، همسر پادشاه از او درخواست کرد که تا با او درآمیزد ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱

۱ زلیخا، پس از استنکاف یوسف (ع) از وصال او، بر آن شد تا با قهر و غلبه از وی کام بگیرد.

و لقد همّت به

کلمه <همّه> و مشتقات آن، اگر به وسیله حرف <باء> متعدی شود، به معنای قصد کردن است. بنابراین <و لقد همّت به> یعنی، همانا زلیخا قصد یوسف(ع) کرد تا از او کام گیرد، و چون زلیخا از پیش نیز چنین قصدی داشت (رودته التی ...)، معلوم می شود مراد از این قصد، عزمی دیگر است و آن به قرینه <استبقا...> در آیه بعد آهنگ انجام آن با قهر و غلبه است.

جلد -

۱ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و واداشتن او به آمیزش، درصدد برآمد تا با وی درآویزد.

واستبقا الباب

۴ زلیخا برای دستیابی به یوسف (ع) و جلوگیری از خروج وی، به تعقیب او پرداخت و با سرعت به سمت درب خروجی دوید.

واستبقا الباب

۶ زلیخا برای جلوگیری از خروج یوسف (ع)، از پشت پیراهنش را چنگ زد و او را به شدت به سوی خود کشید.

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۷ زلیخا بر اثر چنگ زدن به پیراهن یوسف (ع)، پیراهن او را چاک زد و سرتاسر آن را پاره کرد.

و قدت قمیصه من دبر

<قد> (مصدر قدت) به معنای شکافتن و پاره کردن طولی و سراسری است (لسان العرب)؛ یعنی، آن گاه گفته می شود <قد القمیص> که پیراهن از طول پاره شود و سراسر آن شکافته گردد.

۱۱ زلیخا به هنگام برخورد با شوهرش، عزیز مصر، یوسف (ع) را به قصد تجاوز به خویش متهم کرد.

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

<جزاء> به معنای سزا و کیفر و <ما> در جمله فوق نافیه است. بنابراین <ما جزاء...>؛ یعنی: نیست کیفر و سزای کسی که خواسته باشد به همسرت تجاوز کند، مگر زندان یا عذابی دردناک.

۱۲ پیشدستی زلیخا در طرح اتهام علیه یوسف (ع)

و ألفتها سیدها لدا الباب قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

۱۵ زلیخا در نزد عزیز مصر، یوسف

(ع) را به تحقق تجاوز، متهم نکرد.

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

برداشت فوق، از فعل <أراد> (قصد کرد) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۱

۱ عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای کام جویی وی از او، در شهر شایع شد.

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۳، ۱۰

۱۰ زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع)، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند.

و قالت اخرج عليهنّ

کلمه <خروج> به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین <اخرج عليهنّ> می رساند که یوسف (ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد؛ یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف (ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

۱۳ زلیخا تا قبل از برملا شدن عشقش به یوسف (ع)، او را از دید زنان اشراف مصر مخفی می کرد.

امرات العزیز ترود فتيها .. فلما رأينه أكبرنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۲

۲ زلیخا، نزد زنان اشراف به تقاضای کام روایی از یوسف (ع)، اقرار و اعتراف کرد.

لقد رودته عن نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ زندانی شدن یوسف (ع) ، به تحریک و درخواست زلیخا نبود . *

لئن لم يفعل ما أمره لیسجنن . . ثم بدا لهم ... لیسجننه

تعبیر <ثم بدا لهم> (پس از مدتی این رأی برای آنان هویدا شد و به ذهنشان خطور کرد که زندانیش کنند) حاکی است که این رأی و نظر به پیشنهاد زلیخا نبوده است علاوه بر این آیه قبل گویای آن است که خداوند، زلیخا و دیگر زنان را از یوسف منصرف کرد و داستان مراوده متروک شد لذا زلیخا دیگر درصدد نبود که با زندانی کردن یوسف وی را رام سازد.

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه حتى حين > فالآيات شهادة الصبي و القميص المخرق من دبر و استباقهما الباب حتى سمع مجاذبت ها إياه على الباب فلما عصاها فلم تزل ملتحه بزوجها حتى حبسه . ; ..

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که فرمود: <ثم بدا لهم ..> روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد ؛ پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۶

۱۶ زلیخا در حضور پادشاه مصر به تقاضای کام روایی از یوسف)

ع) اعتراف کرد و به استنکاف یوسف (ع) از پذیرش تقاضایش شهادت داد .

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

جمله <أنا رودته عن نفسه> به بیانی که در آیه ۲۶ ذیل برداشت شماره ۲ گذشت دلالت بر حصر دارد؛ یعنی، من از او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

زلیخا و ذلت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۵

۵ زلیخا، سوگند یاد کرد که در صورت استنکاف یوسف (ع) از آمیزش با او، وی را به زندان خواهد افکند و خوار و بی مقدارش خواهد ساخت .

و لئن لم يفعل ما ءامره لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

<لام> در <لئن> گویای قسم است. <یکوناً= یکونن> فعل مضارع و مقرون به نون تأکید خفیفه است.

زمینه کامجویی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۵،۸

۵ زلیخا با سلطه ظاهریش بر یوسف (ع)، برخوردار از زمینه ای مساعد و کارآمد برای واداشتن یوسف (ع) به خواسته های خویش

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

قرآن، زلیخا را با عبارت <التی هو فی بیتها> (آن زن که یوسف در خانه اش به سر می برد) توصیف می کند تا تسلط زلیخا بر یوسف (ع) را برساند.

۸ زلیخا، همه شرایط و امکانات را برای کام جویی از یوسف (ع) فراهم کرده بود .

رودته .. و غلقت الأبواب و قالت هیت لک

زنان اشراف مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۱

۱۱ ماجرای میهمانی زلیخا از زنان اشراف و بریدن آنان دست های خویش را ، گویاترین صحنه برای اثبات منزلت والا و عفت و پاکدامنی یوسف (ع)

فَسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

یوسف(ع) برای رسیدگی به پرونده خویش با عبارت <الّتی قطعن أیدیهنّ> داستان میهمانی زلیخا از زنان اشراف و اینکه آنان دستهای خویش را بریدند را مطرح می کند و از آن جا که یوسف(ع) درصدد اثبات بی گناهی خویش است، می توان گفت: داستان مذکور و مسائل پیرامون آن برای اثبات عفت، پاکدامنی و بی گناهی یوسف(ع) بهترین شاهد بوده است.

زنان اشراف مصر و زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۷،۹

۷ زنان اشراف ، تقاضای کام جویی زلیخا از برده خویش را ، امری نکوهیده دانسته و او را ملامت می کردند .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًّا

<فتا> به معنای برده و عبد ، و نیز به معنای جوان است. به نظر می رسد هر دو معنای <فتا> در <تراود فتاها> لحاظ شده باشد.

۹ عشق زلیخا به یوسف (ع) ، علی رغم همسری او برای عزیز مصر ، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد .

امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان <همسر عزیز مصر>، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست ، یعنی، مراوده با بردگان زشت است و از

همسر عزیز مصر ناپسندتر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲،۲۴

۲ عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه . . . فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از <مکر> نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق <مکر> به نقل آن ماجرا، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

۲۴ زنان ملامت کننده زلیخا، با مشاهده یوسف (ع)، زلیخا را در عشقش محق دانستند.

فلما رأیته أكبرنه . . . إن هذا إلا ملك كريم

زنان اشراف مصر و کامجویی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۲،۳

۲ زنان اشراف، عامل شیوع خبر ماجرای یوسف (ع) و زلیخا در پایتخت مصر

و قال نسوه فی المدینه

برداشت فوق، بر این اساس است که <فی المدینه> متعلق به <قال> باشد. بر این مبنا <قال نسوه فی المدینه...> یعنی: زنان مراوده زلیخا با یوسف (ع) را در آن شهر (پایتخت مصر) نشر دادند.

۳ عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای مکرر او برای کام روایی از وی، زبانه زنان اشراف شده بود.

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتيها عن نفسه

<فی المدینه> می تواند متعلق به <قال> باشد و نیز محتمل است صفت برای <نسوه> باشد. براساس احتمال دوم، مراد از <قال نسوه فی المدینه...> این است که: زنان شهر، داستان

زلیخا را برای یک دیگر بازگو می کردند.

زیرکی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ زلیخا، زنی زیرک، طراح و هوشیار بود.

فلما سمعت بمكرهنَّ أرسلت إليهنَّ .. وءاتت كل وحده منهنَّ سَكِينًا ... فلما رأينه

سرزنش زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۷،۹

۷ زنان اشراف، تقاضای کام جویی زلیخا از برده خویش را، امری نکوهیده دانسته و او را ملامت می کردند.

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتيها عن نفسه قد شغفها حبًا

<فتا> به معنای برده و عبد، و نیز به معنای جوان است. به نظر می رسد هر دو معنای <فتا> در <تراود فتاها> لحاظ شده باشد.

۹ عشق زلیخا به یوسف (ع)، علی رغم همسری او برای عزیز مصر، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد.

امرات العزیز ترود فتيها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان <همسر عزیز مصر>، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست / یعنی، مراوده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱،۱۱

۱ زلیخا، با ارائه یوسف (ع) به زنان اشراف، به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به یوسف (ع) ملامت کنند.

قالت فذلكَ الذي لمتنى فيه

١١ > عن على بن الحسين :

... فقالت لهِنَّ > فذلكنَّ الذی لمتننی فیهِ < یعنی فی حَبّه ۱

از امام سجاده (ع) روایت شده است: ... همسر عزیز [با اشاره به یوسف] خطاب به بانوان گفت: این است کسی که مرا دربارۀ او سرزنش می کردید ۱ یعنی، مرا در مورد عشق به او سرزنش می کردید <.

سلطه زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۵

۵ زلیخا با سلطه ظاهریش بر یوسف (ع)، برخوردار از زمینه ای مساعد و کارآمد برای واداشتن یوسف (ع) به خواسته های خویش

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

قرآن، زلیخا را با عبارت <التی هو فی بیتها> (آن زن که یوسف در خانه اش به سر می برد) توصیف می کند تا تسلط زلیخا بر یوسف (ع) را برساند.

سوگند زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۵

۵ زلیخا، سوگند یاد کرد که در صورت استنکاف یوسف (ع) از آمیزش با او، وی را به زندان خواهد افکند و خوار و بی مقدارش خواهد ساخت.

و لئن لم یفعل ما امره لیسجنن و لیکونن من الصغیرین

<لام> در <لئن> گویای قسم است. <یکونن = یکونن> فعل مضارع و مقرون به نون تأکید خفیفه است.

شیوع عشق زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۱،۳

۱ عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای کام جویی وی از او، در شهر شایع شد.

و قال نسوه فی المدینه

امرات العزیز ترود فتيها

۳ عشق زليخا به يوسف (ع) و تقاضای مکرر او برای کام روایی از وی ، زبانه زان اشراف شده بود .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتيها عن نفسه

<فی المدینه> می تواند متعلق به <قال> باشد و نیز محتمل است صفت برای <نسوه> باشد. براساس احتمال دوم، مراد از

<قال نسوه فی المدینه...> این است که: زنان شهر ، داستان زليخا را برای یک دیگر بازگو می کردند.

شیوع کامجویی زليخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۱،۳

۱ عشق زليخا به يوسف (ع) و تقاضای کام جویی وی از او ، در شهر شایع شد .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتيها

۳ عشق زليخا به يوسف (ع) و تقاضای مکرر او برای کام روایی از وی ، زبانه زان اشراف شده بود .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتيها عن نفسه

<فی المدینه> می تواند متعلق به <قال> باشد و نیز محتمل است صفت برای <نسوه> باشد. براساس احتمال دوم، مراد از

<قال نسوه فی المدینه...> این است که: زنان شهر ، داستان زليخا را برای یک دیگر بازگو می کردند.

صفات زليخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ زليخا ، زنی زیرک ، طراح و هوشیار بود .

فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ .. و آتت کل وحده منهنّ سکیناً ... فلما رأينه

عزیز مصر و زليخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ عزیز مصر با پی بردن به صداقت یوسف (ع)، زلیخا را محکوم کرد و به نفع یوسف (ع) رأی داد.

فلما رءا قميصه قُذ من دُبر قال إنه من كيد كن

۷ عزیز مصر، به دام انداختن یوسف (ع) را برای کام جویی، از مکر های زنانه زلیخا شمرد.

إنه من كيد كن

محتمل است ضمیر در <إنه> به حقیقتی که از جمله <عَلَّقت الأبواب ..> استفاده می شود، ارجاع داده شود. برداشت فوق، بر اساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۳

۳ عزیز مصر، پس از روشن شدن خطای زلیخا، از وی خواست استغفار کند و از گناه خویش پوزش بطلبد.

واستغفري لذنبك إنك كنت من الخاطئين

در جمله <استغفري لذنبك> (برای گناهت طلب آمرزش کن) بیان نشده که زلیخا باید از چه کسی آمرزش بخواهد. برخی از مفسران گفته اند: مراد، استغفار به درگاه خداوند است و برخی بر آنند که مقصود، پوزش خواستن از عزیز مصر می باشد.

عشق زلیخا به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱،۲

۱ زلیخا، شیفته و شیدای یوسف (ع) شد.

و رودته التي هو فی بیتها .. و عَلَّقت الأبواب

۲ زلیخا با اظهار عشق و شیفتگی به یوسف (ع)، او را به وصال خویش فرامی خواند.

و رودته التي هو فی بیتها عن نفسه

<مراوده> (مصدر راودت) به معنای درخواست کردن

با رفق و مداراست، و <عن نفسه> بیانگر مورد درخواست می باشد. بنابراین <راودته...> / یعنی، زلیخا با ملاحظت و اظهار عشق و علاقه از یوسف(ع) درخواست کرد که خودش را در اختیار او بگذارد و این کنایه از تقاضای وصال و آمیزش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۵،۶،۹،۱۱

۵ عشق یوسف (ع) تا درون قلب و دل زلیخا نفوذ کرده و آن را به تسخیر خویش درآورده بود .

قد شغفها حبًا

<شغاف> به جداره و یا هسته مرکزی قلب گفته می شود. <شغف> / یعنی، جداره قلب شد و یا به مرکز آن رسید. ضمیر فاعلی در <شغفها> به <فتیها> برمی گردد و <حبًا> تمیزی است مبدل از فاعل. بنابراین <شغفها حبًا> در اصل چنین بوده است: <شغف حبّ یوسف إياها> / یعنی، محبت یوسف جداره قلب زلیخا شد و آن را احاطه کرد، و یا عشق یوسف(ع) جداره قلب زلیخا را شکافت و به درون آن نفوذ کرد.

۶ شیفتگی زلیخا به یوسف (ع) و داستان مرادده او ، در عنفوان جوانی یوسف (ع) بود .

ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًا

۹ عشق زلیخا به یوسف (ع) ، علی رغم همسری او برای عزیز مصر ، مایه شکفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد .

امرات العزیز ترود فتیها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان <همسر عزیز مصر>، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست / یعنی، مرادده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) في قوله < قد شغفها حباً > يقول: قد حجبها حبه عن الناس فلا تعقل غيره ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <قد شغفها حباً> روایت شده که می فرمود: عشق یوسف پرده ای بر قلب همسر عزیز کشیده بود به گونه ای که او را از مردم جدا کرده بود و به هیچ کس غیر از یوسف نمی اندیشید.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲،۱۳

۲ عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر ، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه في المدينة . . . فلما سمعت بمكرهنّ

مراد از <مکر> نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق <مکر> به نقل آن ماجرا ، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه ، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

۱۳ زلیخا تا قبل از برملا شدن عشقش به یوسف (ع) ، او را از دید زنان اشراف مصر مخفی می کرد .

امرات العزيز ترود فتيها . . . فلما رأينه أكبرنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱،۱۱

۱ زلیخا ، با ارائه یوسف (ع) به زنان اشراف ، به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به یوسف (ع) ملامت کنند .

قالت فذلكنّ الذی لمتنی فیہ

۱۱ > عن علی بن الحسین : . . . فقالت لهنّ < فذلكنّ الذی لمتنی فیہ > یعنی فی حبه ;

از امام سجاد(ع)

روایت شده است: . . . همسر عزیز [با اشاره به یوسف] خطاب به بانوان گفت: این است کسی که مرا درباره او سرزنش می کردید؛ یعنی، مرا در مورد عشق به او سرزنش می کردید.

عقیمی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۹

۹ عزیز مصر و همسرش زلیخا، از نعمت داشتن فرزند محروم بودند . *

أوتخذ ولدًا

کسانی که فردی را به فرزند برمی گزینند، معمولاً اشخاصی هستند که فرزند نداشته و از فرزنددار شدن ناامیدند. بنابراین <تخذ ولدًا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. بیان گزینش یوسف (ع) به فرزند با کلمه <عسی>، تأیید کننده این احتمال است.

عوامل شیوع عشق زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۲

۲ زنان اشراف، عامل شیوع خبر ماجرای یوسف (ع) و زلیخا در پایتخت مصر

و قال نسوه فی المدینه

برداشت فوق، بر این اساس است که <فی المدینه> متعلق به <قال> باشد. بر این مبنا <قال نسوه فی المدینه...>؛ یعنی: زنان مراوده زلیخا با یوسف (ع) را در آن شهر (پایتخت مصر) نشر دادند.

فرجام زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۲۰

۲۰ > عن أبی الحسن الهادی (ع) : . . . لما مات العزیز . . . إفتقرت إمرأه العزیز و احتاجت حتی سألت الناس فقالوا : ما یضرك لو قعدت للعزیز و كان یوسف یسمى العزیز [خ. ل. و كل ملك كان لهم سمي بهذا الاسم]

... فقامت إليه وقالت : سبحان ... من جعل العبيد بالطاعة ملوكاً ... ;

از امام هادی (ع) روایت شده است: .. پس از مرگ عزیز مصر ... همسر وی [زلیخا] فقیر و نیازمند شد تا آن جا که از مردم درخواست کمک می کرد. پس مردم به او گفتند: چه ضرر دارد که بر سر راه عزیز بنشینی [وازاو کمک خواهی] و یوسف در آن زمان عزیز نامیده می شد [و هر پادشاهی که بر مصریان حکومت می کرد به این اسم نامیده می شد]... پس همسر عزیز بر سر راه یوسف ایستاد و گفت: ... منزه است خدایی که بردگان را در سایه اطاعت، به پادشاهی می رساند ... <.

قضاوت خویشاوندان زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۸،۹

۸ مردی از خویشان زلیخا، در ماجرای وی و یوسف (ع) دخالت کرد و میان آنان به داوری پرداخت .

و شهد شاهد من أهلها

۹ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، علی رغم خویشی او با زلیخا، بی طرفی کامل را رعایت کرد، و قضاوتی بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قد من قبل

کامجویی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵

۲ زلیخا با اظهار عشق و شیفتگی به یوسف (ع)، او را به وصال خویش فرامی خواند .

و رودته التي هو في بيتها عن نفسه

<مراوده> (مصدر راودت) به معنای درخواست

کردن با رفق و مداراست، و <عن نفسه> بیانگر مورد درخواست می باشد. بنابراین <راودته ...> یعنی، زلیخا با ملاطفت و اظهار عشق و علاقه از یوسف (ع) درخواست کرد که خودش را در اختیار او بگذارد و این کنایه از تقاضای وصال و آمیزش است.

۳ زلیخا برای هموار ساختن نظر یوسف (ع) به منظور کام جویی، اهتمامی مداوم و پی گیر داشت.

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در <راد یروود> که مرآوده از آن است، سعی و تلاش پی گیری برای رسیدن به مطلوب را قید کرده اند. برداشت فوق بر این اساس است.

۴ یوسف (ع)، همواره از پذیرش تقاضای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) امتناع میورزید.

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در معنای مرآوده، کشمکش و نزاع میان طرفین را قید کرده و گفته اند: <مرآوده> این است که یک طرف خواهان چیزی و دیگری غیر آن را خواهان است. برداشت فوق، براساس این معناست.

۶ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و رسیدن به وصال او، درب های قصرش را قفل کرد و او را به سوی خویش فرا خواند.

رودته .. و غلقت الأبواب و قالت هیت لک

<تغلیق> (مصدر غلقت) به معنای قفل کردن است. <هیت لک> اسم فعل امر و به معنای <بیا> می باشد.

۲۲ یوسف (ع)، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) را، کفران احسان های خداوند به خویش دانست.

إنه ربی أحسن مثنوی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱

۱ زلیخا، پس از استنکاف یوسف (ع) از وصال او، بر آن شد تا با قهر و غلبه از وی کام بگیرد.

و لقد همّت به

کلمه <همّه> و مشتقات آن، اگر به وسیله حرف <باء> متعدی شود، به معنای قصد کردن است. بنابراین <و لقد همّت به>؛ یعنی، همانا زلیخا قصد یوسف (ع) کرد تا از او کام بگیرد، و چون زلیخا از پیش نیز چنین قصدی داشت (رودته التی (...))، معلوم می شود مراد از این قصد، عزمی دیگر است و آن به قرینه <استبقا...> در آیه بعد آهنگ انجام آن با قهر و غلبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱

۱ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و واداشتن او به آمیزش، درصدد برآمد تا با وی درآویزد.

واستبقا الباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۲،۵

۲ یوسف (ع) در نزد عزیز مصر، تمنای نامشروع زلیخا و استنکاف خویش را فاش ساخت، و خود را از هر گونه اراده سوئی مبرا دانست.

قال هی رودتنی عن نفسی

ترکیبهایی نظیر <هی رودتنی> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. و از آن جا که یوسف (ع) در مقام رفع اتهام از خویش بود، معلوم

می شود او از جمله <هی رودتنی> معنای حصر را اراده کرده است. بنابراین <هی راودتنی> یعنی، او (زلیخا) از من درخواست کام جویی داشت و من چنین درخواستی نداشتم و استنکاف ورزیدم.

۵ یوسف (ع) مراوده زلیخا و وصال خواهی او را تا زمان دفاع از خویش، پنهان کرده و فاش نساخته بود.

قالت .. قال هی رودتنی عن نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۷

۷ عزیز مصر، به دام انداختن یوسف (ع) را برای کام جویی، از مکرهای زنانه زلیخا شمرد.

إنه من کیدکن

محتمل است ضمیر در <إنه> به حقیقتی که از جمله <عَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ ..> استفاده می شود، ارجاع داده شود. برداشت فوق، بر اساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۲،۴

۲ زلیخا، نزد زنان اشراف به تقاضای کام روایی از یوسف (ع)، اقرار و اعتراف کرد.

لقد رودته عن نفسه

۴ زلیخا در حضور زنان اشراف، تأکید کرد که هم چنان بر تقاضای وصال یوسف (ع) اصرار خواهد کرد.

و لئن لم يفعل ما ءامره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۶

۱۶ زلیخا در حضور پادشاه مصر به تقاضای کام روایی از یوسف (ع) اعتراف کرد و به استنکاف یوسف (ع) از پذیرش تقاضایش شهادت داد.

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

رودته عن نفسه > به بیانی که در آیه ۲۶ ذیل برداشت شماره ۲ گذشت دلالت بر حصر دارد / یعنی ، من از او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

گواهی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۳

۳ زلیخا نزد زنان اشراف ، به پاکدامنی و عفت یوسف (ع) و نپذیرفتن تقاضای او (درخواست وصال) شهادت داد .

لقد رودته عن نفسه فاستعصم

عصمت و استعصام ، هر دو گویای امتناع ورزیدن و نپذیرفتن می باشند / با این تفاوت که استعصام حاکی از مبالغه است. بنابراین <فاستعصم> / یعنی ، یوسف(ع) بشدت با تقاضای من مخالفت کرد و بر عفت خویش اصرار ورزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۶

۱۶ زلیخا در حضور پادشاه مصر به تقاضای کام روایی از یوسف (ع) اعتراف کرد و به استنکاف یوسف (ع) از پذیرش تقاضایش شهادت داد .

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

جمله <أنا رودته عن نفسه> به بیانی که در آیه ۲۶ ذیل برداشت شماره ۲ گذشت دلالت بر حصر دارد / یعنی ، من از او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

مجلس مهمانی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۹، ۱۰، ۷، ۶، ۵، ۴

۴ زلیخا برای پاسخ گویی به زنان ملامت کننده ، ضیافتی ترتیب داد و مجلس ویژه ای آراست .

أرسلت إليهنّ و أعدت لهنّ مآکلاً

مهمانی دعوت کرده بود، تکیه گاهی ویژه فراهم ساخت.

و أَعْتَدْتُ لَهُنَّ مَتَكْنًا

<اعتاد> (مصدر أعتدت) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن است. <مَتَكْنًا> به چیزی گفته می شود که به آن تکیه می دهند و نکره آوردن آن دلالت بر ویژگی آن دارد. قابل ذکر است که <مَتَكْنًا> به معنای طعام نیز آمده است. مفرد بودن آن و نیز آوردن جمله <آتت...> (به هر یک کاردی [برای استفاده از خوراکیها] داد) می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از <مَتَكْنًا> در آیه <طعام> است.

۶ زلیخا به هر یک از زنان دعوت شده، کاردی برای استفاده از خوردنی ها داد.

و آتت کل وحده منهنّ سَكِينًا

۷ زلیخا خود، آرایش دهنده مجلس ضیافت و پذیرایی کننده از زنان اشراف بود.

و أَعْتَدْتُ لَهُنَّ مَتَكْنًا و آتت کل وحده منهنّ سَكِينًا

ضمیر در <أَعْتَدْتُ> و <آتت> به <امرات العزیز> برمی گردد. بنابراین ظاهر این است که او خود به انجام آن کارها پرداخته بود و گرنه فعلهای مذکور به صورت مجهول (أُعْتِدْتُ) و (اوتیت) آورده می شد.

۱۰ زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع)، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند.

و قالت اخرج علیهنّ

کلمه <خروج> به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین <اخرج علیهنّ> می رساند که یوسف(ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد؛ یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف(ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

۲۹ > عن علی بن

الحسین (ع) : ... فأرسلت إليهنّ و هیأت لهنّ طعاماً و مجلساً ثم أتتهنّ بآترج و < آتت کل واحده منهنّ سکیناً ... > ;

از امام سجّاد(ع) روایت شده است: .. پس همسر عزیز [پیکری] به سوی بانوان فرستاد و از آنان دعوت کرد و برایشان طعامی آماده کرد و مجلسی آراست و آن گاه برای بانوان ترنج آورد و به هر یک کاردی داد ...< .

محکومیت زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۳

۳ عزیز مصر با پی بردن به صداقت یوسف (ع) ، زلیخا را محکوم کرد و به نفع یوسف (ع) رأی داد .

فلما رءا قمیصه قُد من دُبر قال إنه من کیدکنّ

مکر زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۷،۸

۷ عزیز مصر ، به دام انداختن یوسف (ع) را برای کام جویی ، از مکر های زنانه زلیخا شمرد .

إنه من کیدکنّ

محتمل است ضمیر در <إنه> به حقیقتی که از جمله <عَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ .. > استفاده می شود ، ارجاع داده شود. برداشت فوق ، بر اساس این احتمال است.

۸ عزیز مصر ، پیشدستی زلیخا در متهم ساختن یوسف (ع) و تعیین کیفر برای او را ، از مکر های زلیخا شمرد .

قالت ما جزاء من أراد بأهلک سوءاً .. إنه من کیدکنّ

برداشت فوق، ناظر به این احتمال است که ضمیر در <إنه .. > به معنایی که از <قالت ما جزاء ... > در

آیه ۲۵ استفاده می شود ، برگردد و آن معنا ، پیشدستی کردن زلیخا برای محقّ جلوه دادن خویش و گنه کار نشان دادن طرف مقابل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۹

۹ بیان قرآن درباره مکرها و توطئه های برادران یوسف ، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او ، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

جمله <و ما کنت لدیهم..> به منزله تعلیل برای <ذلک من أنباء الغیب...> است.

مهمانی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۴

۴ زلیخا برای پاسخ گویی به زنان ملامت کننده ، ضیافتی ترتیب داد و مجلس ویژه ای آراست .

أرسلت إلیهنّ و أعتدت لهنّ متکئا

نجات از مکر زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۶، ۲، ۱

۱ خداوند ، دعای یوسف (ع) (درخواست رهایی از کید زلیخا و همپالگی های وی) را اجابت کرد و او را از مکر آنان مصون داشت .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

<استجاب> (مصدر استجاب) به معنای پذیرفتن درخواست است.

۲ امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف (ع) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه كيدهنّ

۶ نجات یوسف (ع) از کید زلیخا و دیگر زنان ، جلوه ای از ربوبیت الهی بر آن حضرت

فاستجاب له ربه فصرف عنه كيدهنّ

ویژگیهای کاخ زلیخا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۷

۷ قصر زلیخا ، قصری مجلل و دارای درب های فراوان و متعدد بود .

و غلقت الأبواب

به کارگیری باب تفعیل ، برای بیان قفل زدن در بها (غلقت الأبواب) می تواند حاکی از شدت مبالغه باشد ؛ یعنی ، در بها را با قفلها و پشت بندها محکم بست ، و می تواند بر کثرت در بها دلالت داشته باشد. برداشت فوق ، ناظر به دومین معناست.

همسر پادشاه مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۴

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغب

بر این مبنا که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد ، از جمله <ذلک لیعلم ..> معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

همسر زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۴

۴ زلیخا ، همسر عزیز مصر بود .

امرات العزیز

هوشیاری زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ زلیخا، زنی زیرک، طراح و هوشیار بود.

فلما سمعت بمكرهنَّ أرسلت إليهنَّ .. وءاتت كلَّ وحده منهنَّ سكينًا ... فلما رأينه

يأس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۳

۳ زلیخا و زنان اشراف

، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر، علیه او منصرف شدند.

فصرف عنه کیدهن

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهن> دلالت می کند که پس از دعای یوسف (ع)، دیگر آن مراوده ها و تقاضاها از یوسف (ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراوده شده باشد.

یوسف (ع) در مهمانی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۴، ۱۲، ۱۱

۱۱ زلیخا، هنگامی که زنان بر جایگاه های خود تکیه زده و آماده استفاده از خوراکی ها شدند، از یوسف (ع) خواست بر آنان گذر کند.

و قالت اخرج علیهن

۱۲ یوسف (ع) پس از دستور زلیخا بدون درنگ در مجلس زنان اشراف حاضر شد.

قالت اخرج علیهن فلما رأينه

<فاء> در <فلما..> فصیحه است و گویای جمله هایی مقدر می باشد، یعنی: <فخرج علیهن فرأينه فلما رأينه...>. حذف این جمله ها برای رساندن این نکته است که دستور زلیخا همان و اطاعت یوسف (ع) همان.

۱۴ زنان اشراف مصر در مجلس ضیافت زلیخا، برای اولین بار یوسف (ع) را مشاهده کردند.

فلما رأينه أكبرنه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

یوسف (ع) و تهدیدهای زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱ یوسف (ع) حافظ عفت خویش و بی اعتنا به تهدید های زلیخا

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

یوسف(ع) و تهمتهای زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱

۱ دفاع یوسف (ع) از خویش ، در برابر اتهام زلیخا

قال هی رودتنی عن نفسی

یوسف(ع) و خدمات زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع) به پاس خدمات زلیخا به او ، شکایتی علیه وی به پادشاه نکرد .

فستله ما بال النسوه التي قطعن أیدیهنّ

با وجود اینکه زلیخا نیز همانند دیگر زنان اشراف در گرفتاریهای یوسف(ع) و متهم ساختن او نقشی بسزا داشت، ولی یوسف(ع) از او نام نمی برد و علیه او سخنی به پادشاه نمی گوید. به نظر می رسد دلیل این امر خدماتی است که زلیخا در عهد کودکی و نوجوانی یوسف(ع) برای وی انجام داده بود.

یوسف(ع) و خواسته های زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۸، ۱۰، ۹

۹ یوسف (ع) علی رغم فراهم بودن همه شرایط و سلطه ظاهری زلیخا بر او ، تمنای وی را نپذیرفت و به خواسته اش تن در نداد .

رودته ... و قالت هیت لك قال معاذ الله

<معاذ> مصدر و مفعول مطلق برای فعل مقدر <أعوذ> است ؛ یعنی ، <أعوذ بالله معاذاً>.

۱۰ یوسف (ع) در برابر صحنه های پر جاذبه شهوانی (تمنای زلیخا ، ابراز اشتیاق او

، خلوت بودن قصر و بسته بودن درب ها) به خدا پناه برد .

قال معاذ الله

۲۸ یوسف (ع) ، تسلیم شدن در برابر تمنای نامشروع زلیخا را ، مصداقی از ستم کاری می دانست .

إنه لا يفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۹، ۱۸

۱۸ یوسف (ع) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را ، سقوط به ورطه سفاهت و بی خردی می دانست .

و إلا تصرف .. أصب إليهنّ و أكن من الجهلين

جهل به معنای سفاهت در مقابل عقل ، و نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشد. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

۱۹ یوسف (ع) ، ارتکاب گناه و پذیرش تقاضای زلیخا و همپالگی های او را ، موجب از دست دادن علم و حکمت خدادادی خویش می دانست .

ءاتينه حكماً و علماً .. و إلا تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ و أكن من الجهلين

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از جهل نادانی باشد. بر این مبنا می توان گفت: مقصود یوسف(ع) از جاهل شدن ، سلب گشتن علم و حکمتی است که خداوند به او عطا کرده بود (ءاتينه حكماً و علماً) <آیه ۲۲>.

یوسف(ع) و زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۴

۴ یوسف (ع) ، همواره از پذیرش تقاضای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) امتناع میورزید .

و رودته التي هو في بيتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در معنای مرآوده

، کشمکش و نزاع میان طرفین را قید کرده و گفته اند: <مراوده> این است که یک طرف خواهان چیزی و دیگری غیر آن را خواهان است. برداشت فوق، براساس این معناست.

۲۰ یوسف (ع) در برابر زلیخا تصریح کرد که تنظیم جریان زندگی او، به عنایت و تدبیر خداوند بوده است.

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

ضمیر در <إنه> به <الله> باز می گردد و در برداشت فوق، جمله <إنه ربی> تعلیل برای <معاذ الله> گرفته شده است. بر این اساس مفاد جمله فوق، چنین می شود: من [از این امر فریبنده] به خدا پناه می برم و او مرا یاری خواهد کرد؛ زیرا او مدبر امور من و تربیت کننده من است.

۲۱ یوسف (ع) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت، قدرشناسی و سپاس دانست.

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۲۲ یوسف (ع)، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) را، کفران احسان های خداوند به خویش دانست.

إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۳،۵

۳ توانایی جسمی و جنسی یوسف (ع)، برای کام جویی از زلیخا

و لقد همّت به و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

قرآن، پس از بیان این که زلیخا تمام شرایط کام جویی را برای یوسف فراهم ساخته بود و موانع را برطرف کرده بود، با جمله <همّ بها لولا...> تنها مانع یوسف (ع) را، مشاهده برهان الهی معرفی کرد تا

گمان نشود که او گرایشی به امور جنسی نداشت و از آمیزش با زنان ناتوان بود.

۵ خداوند، با ارائه برهان به یوسف (ع)، او را از آمیزش با زلیخا (زنا) و نگاه های شهوانی به وی، حفظ کرد و مصون داشت.

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

<فحشاء> به گناه و معصیتی که بسیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). <سوء> به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با <فحشاء>، مراد از آن گناه کوچک است. <أل> در <السوء> و <الفحشاء> می تواند برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از <الفحشاء> آمیزش، و منظور از <السوء> نگاه شهوت آلود، قصد گناه و ... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسد که <أل> در این دو کلمه، برای جنس باشد. براین مبنا نیز گناهان یاد شده از مصداقهای مورد نظر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۲،۵،۹

۲ یوسف (ع) برای نجات خویش از درآویختن زلیخا با او، به طرف درب خروجی فرار کرد.

و لقد همّت به .. واستبقا الباب

معرفه آوردن <الباب>، اشاره به دربی خاص دارد که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن درب خروجی است.

۵ یوسف (ع) در تعقیب و گریزش با زلیخا، زودتر از وی به درب خروجی رسید.

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۹ یوسف (ع) و زلیخا، پس از تعقیب و گریز و باز شدن درب، با عزیز مصر

در آستانه آن درب برخورد کردند .

و أَلْفِيا سِيدها لدا الباب

<إِلْفاء> (مصدر أَلْفِيا) به معنای یافتن و مواجه شدن است. <سِيد> به معنای شریف و دارای مجد است ، و مراد از آن در این جا ، شوهر است.

یوسف(ع) و قصه مهمانان زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶

۶ یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

یوسف(ع) و مکر زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۷،۱۱

۷ یوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حيله زلیخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصیت

و إلاً تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

۱۱ یوسف (ع) ، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب .. و إلاً تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

<صبو> (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله <و إلاً تصرف ...> (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

زمان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{زمان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ -

۱۱ عدم درك انسان مرده از گذشت زمان

قال لبثتُ يوماً او بعض يوم

۱۲ تفاوت تلقی انسان از زمان ، در دو عالم دنیا و پس از مرگ

فاماته الله مائه عام .. قال لبثت يوماً او بعض يوم

احکام و مقتضیات زمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱،۴

۱ لزوم پایداری اهل ایمان در برابر لشکری با نیرویی ده برابر ، حکمی که پس از گذشت مدتی تخفیف داده شد .

الئن خفف الله عنکم

۴ بروز ضعف در جامعه ایمانی صدر اسلام ، موجب تخفیف حکم پایداری در برابر دشمنان شد .

الئن خفف الله عنکم و علم أن فیکم ضعفا

ارزش زمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۵

۵- تفاوت زمان ها ، از جهت ارزش و برکت

لیله مبرکه

اسلام و مقتضیات زمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۳

۳ انعطاف پذیری و تناسب با شرایط زمان و مکان ، ویژگی احکام اسلام

فليس عليكم جناح ان تقصروا من الصلوه ان خفتم ان يفتنكم الذين كفروا

اهمیت زمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- شناخت زمان و تنظیم آن ، برای زندگی انسان امری با اهمیت و حیاتی است .

لتعلموا عدد السنین و الحساب

برکت زمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۵

۵- تفاوت زمان ها ، از جهت

ارزش و برکت

لیله مبرکه

پیدایش زمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۷ - ۱،۳

۱ نوسان در مدّت شب و روز (تنظیم گردش ایّام) ، از مظاهر قدرت الهی

اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. تولج الیل فی النهار و تولج النهار فی الیل

<تولج النهار .. >، به معنای داخل کردن شب در روز و به عکس می باشد که بیانگر کاسته شدن از یکی و افزوده شدن به دیگری است. <تولج>، فعل مضارع است و دلالت بر استمرار این معنا دارد.

۳ تبدیل تدریجی شب و روز ، به یکدیگر (فاصله بین الطلوعین و غروب) به قدرت و حکمت الهی

اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. تولج الیل فی النهار

بنابراینکه <ولوج> به معنای تبدیل تدریجی باشد.

تفاوت زمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۵

۵- تفاوت زمان ها ، از جهت ارزش و برکت

لیله مبرکه

تفاوت زمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۳

۱۳- برخی از ایام در مقایسه با برخی دیگر ، دارای اهمیت و جایگاه ویژه ای است .

و ذکرهم بأیم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۵

۱۵- خصوصیت های زمانی ، در اجابت دعا و درخواست آمرزش و رحمت دخیل است .

سأستغفر لك ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۳ - ۲

۲ - اختلاف زمان ها ، در فضیلت

لیله

القدر خیر من ألف شهر

تورات و مقتضیات زمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۴

۴ الواح اهدا شده به موسی (ع) (تورات) تأمین کننده همه نیازهای هدایتی مردم عصر موسی (ع) با بیانی روشن

و کتبنا .. تفصیلاً لکل شیء

حقیقت زمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۸

۸ - تفاوت مقیاس زمان در بینش خدا و انسان

و إنَّ یوماً عند ربِّک کألف سنه ممّا تعدّون

<یوم> (مفرد <ایام>) به معنای یک روز است و <عند ربک> صفت <یوم> می باشد؛ یعنی، یک روز خدا، برابر است با هزار سال شما. مقصود این که گرچه از زمان وعده عذاب تاکنون مثلاً روزها، ماه ها و یا حتی سال ها گذشته است و این زمان به نظر شما زمانی طولانی می آید و به همین جهت پنداشته اید که آن تهدید، تهدیدی دروغین است. اما باید بدانید که همه آن فاصله طولانی، در نزد خداوند به اندازه چند لحظه است؛ زیرا یک روز خدا برابر است با هزار سال شما.

زمان اتهام دزدی به برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۷

۷ اتهام سرقت به فرزندان یعقوب پس از حرکت و دور شدنشان از محوطه بارگیری، به آنان اعلام شد. *

ثم أذن مؤذّن أیتها العیر إنکم لسرّون

حرف <ثم> و نیز جمله <أقبلوا علیهم> در آیه بعد می تواند گویای برداشت فوق باشد.

ارائه آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ ارائه آیت ها و معجزه ها ، هر کدام دارای وقتی مشخص و مختص به دوره و زمان خاص خود است .

ما کان لرسول أن يأتي بأية .. لكل أجل كتاب

در پی بیان این حقیقت که معجزه در اختیار پیامبر نیست بلکه در اختیار خداوند و به اذن اوست، این پرسش مطرح می شود که چرا خداوند اذن ارائه معجزه های درخواستی را به پیامبرش نمی دهد تا مردمان ایمان بیاورند؟ جمله <للكل أجل كتاب> در پاسخ سؤال مذکور بیان می دارد که انجام هر کاری و از جمله ارائه معجزات، زمانی مشخص دارد؛ این گونه نیست که هر کاری در هر زمان بتواند تحقق یابد.

زمان استراحت زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۵

۵- زنبور های عسل در شب هنگام در دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، به استراحت پرداخته و مأوای می گیرند . *

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و مما يعرشون

واژه <بیت> در اصل به معنای مأوای انسان در شب است (مفردات راغب). نام گذاری خانه زنبور عسل به <بیت>، می تواند مفید مطلب یاد شده باشد.

زمان انتقام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۱

۱- انتقام خداوند از ستمگران و عذاب کردن آنان در روزی است که این آسمان و زمین ،

به آسمان و زمین دیگری تبدیل شوند .

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم .. إن الله عزیز ذو انتقام . یوم تبدل الأَر

برداشت فوق مبتنی بر این است که <یوم تبدل .. > ظرف برای انتقام باشد.

زمان انشقاق آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۶

۶ - زمان شکافته شدن آسمان و گسترش زمین و تخلیه درون آن ، زمان حضور انسان ها در پیشگاه پروردگار است .

إذا السماء انشقت .. فمَلَقِیْهِ

<إذا> در <إذا السماء انشقت> ظرف است و مَظْرُوف آن به قرینه <فمَلَقِیْهِ> محذوف می باشد؛ بنابراین مراد چنین خواهد بود: <إذا السماء انشقت .. لاقی الإنسان ربّه> .

زمان بارداری مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۲ - ۶

۶- > عن أبي الحسن موسى (ع) : اليوم الذي حملت فيه مریم (س) يوم الجمعة للزوال ;

از امام کاظم(ع) روایت شده: .. روزی که مریم حامله شد، روز جمعه هنگام زوال بود.<

زمان بارگیری کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۳

۳ خداوند ، زمان بارگیری کشتی نوح و سوار شدن بر آن را تعیین کرد .

حتّٰی إذا جاء أمرنا و فار التّنور قلنا احمل فیها

زمان بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۲

۲ روز قیامت ، روز بازگشت انسان ها به خداوند است .

فإني أخاف عليكم عذاب يوم

كبير. إلى الله مرجعكم

زمان برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۱۲

۱۲ - خبر وقوع قطعی قیامت ، خبری غیبی و در اختیار خدا است .

قل بلی . . لتأتینکم علم الغیب

زمان بشارت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ زمان آگاهی ابراهیم (ع) به دارا شدن فرزند و نوه (اسحاق و یعقوب) اندکی پیش از به هلاکت رسیدن قوم لوط بود .

إنا أرسلنا إلى قوم لوط. وامرأته قائمه فضحكت فبشرنها بإسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۲ - ۱

۱ ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب ، پیر و کهنسال بودند .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخاً

زمان بشارت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ زمان آگاهی ابراهیم (ع) به دارا شدن فرزند و نوه (اسحاق و یعقوب) اندکی پیش از به هلاکت رسیدن قوم لوط بود .

إنا أرسلنا إلى قوم لوط. وامرأته قائمه فضحكت فبشرنها بإسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۲ - ۱

۱ ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب ، پیر و کهنسال بودند .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخاً

زمان بیداری اصحاب

کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۸،۲۱

۱۸- خداوند ، در روزگار اختلاف و نزاع مردم درباره معاد ، اصحاب کهف را از خواب بیدار کرد .

أعثرنا عليهم .. إذ يتزعون بينهم أمرهم

۲۱- بیداری اصحاب کهف با بروز مشاجره میان مردم ، درباره هویت و اهداف آنان ، هم زمان بود .

أعثرنا عليهم .. إذ يتزعون بينهم أمرهم

به قرینه <رَبِّهِمْ أَعْلَمَ بِهِمْ> می توان گفت که نزاع مردم، در باره اصحاب کهف بوده و به دلیل مضارع بودن <یتنازعون> این مشاجره دیرینه، حتی با مشاهده آنان نیز پایان نیافته بود، بلکه گروهی از مردم، شناخت حقیقی آنان را به خداوند، احاله کردند و از پی بردن به هویت واقعی آنان، اظهار عجز کردند. بر این اساس، ضمیر در <أمرهم> به اصحاب کهف مربوط می شود. حرف <فاء> در <فقالوا> این احتمال را تأیید می کند.

زمان تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۴

۱۴- قیامت ، زمان به وقوع پیوستن وعده های الهی است .

بل زعمتم ألن نجعل لكم موعدًا

زمان توطئه برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۲

۲ برادران یوسف ، زمان اجرای توطئه علیه او را ، فردای همان روز مشورت با یکدیگر و گفت و گو با پدرشان تعیین کردند .

إذ قالوا .. قالوا یاأبانا ... أرسله معنا غدًا

زمان تهجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران -

۴ سحر گاهان ، مناسبترین زمان برای استغفار و طلب آمرزش از درگاه خداوند

و المستغفرین بالاسحار

زمان حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۹

۹ > عن أبي عبدالله (ع) : إن نوحاً (ع) ركب السفينه أول يوم من رجب ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: حضرت نوح اول ماه رجب بر کشتی سوار شد. <..>

زمان حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۲

۲ - مرحله حسابرسی در قیامت ، مرحله ای پس از دریافت نامه های اعمال است .

فسوف يحاسب حسابًا يسيرًا

<سوف>، برای وعده دادن به کار می رود (مصباح) و دلالت بر تأخیر دارد. (مقایس اللغه)

زمان حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ حوادث و وقایع دارای نظامی خاص و معین و هر کدام در ظرف و زمان خاص خود تحقق می پذیرد .

لکل أجل کتاب

زمان خلقت آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۴

۴ پیش از آفرینش آسمان ها و زمین ، هستی منحصر به آب بود .

و کان عرشه علی الماء

<عرش> به معنای تخت پادشاه می باشد و در آیه، کنایه از سیطره و حکومت است و جمله <وکان عرشه علی الماء> به دلیل وجود <کان> به این معناست که: خداوند، آسمانها و زمین را آفرید در حالی که پیش از آن، بر

آبها سیطره و حکومت داشت. این معنا می رساند که آب، پیش از آسمانها و زمین تشکیل دهنده هستی بوده است.

زمان در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۵ - ۱۰

۱۰ - آخرت و معیار سنجش زمان آن ، با دنیا و معیار های دنیوی ، متفاوت است .

فی یوم کان مقداره ألف سنه ممّا تعدّون

زمان در اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ تفاوت زمان ها در اجابت دعا و درخواست آمرزش و رحمت

سوف أستغفر لکم ربی

کلمه <سوف> می رساند که یعقوب(ع) استغفار برای فرزندانش را به زمان آینده موکول کرد. گویا هدف او از این تأخیر آمدن زمانی بوده که دعا در آن به اجابت نزدیک تر باشد.

زمان در استغفار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۱، ۱۰

۱۰ تفاوت زمان ها در اجابت دعا و درخواست آمرزش و رحمت

سوف أستغفر لکم ربی

کلمه <سوف> می رساند که یعقوب(ع) استغفار برای فرزندانش را به زمان آینده موکول کرد. گویا هدف او از این تأخیر آمدن زمانی بوده که دعا در آن به اجابت نزدیک تر باشد.

۱۱ فاصله میان گناه و استغفار هر چند طولانی باشد مانع پذیرش توبه نیست .

إنا كنا خطئين .. سوف أستغفر لكم ربى

فاصله ستم فرزندان یعقوب در حق یوسف(ع) تا زمان استغفار و توبه آنان بیش از بیست سال بود و این موجب نشد که یعقوب(ع) بگوید: توبه و استغفار درباره شما بی فایده است.

زمان در تبلیغ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۹ - ۷

۷ - لزوم توجه و دقت در انتخاب زمان و مکان مناسب برای تبلیغ دین

موعد کم یوم الزینه و أن يحشر الناس ضحی

حسن انتخاب موسی(ع) در مورد روز مقابله و نیز مکان و دیگر شرایط، درسی است برای همه مبلغان، که در تبلیغ، باید موقعیت زمانی و مکانی را به دقت سنجیده و بهترین شرایط را برای آن انتخاب کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۹ - ۴

۴ - لزوم توجه به شرایط اجتماعی و زمان و مکان و نیز رعایت خصوصیات و حالات شخصی مخاطبان، به هنگام تبلیغ، تربیت و هدایت

ثم إني دعوتهم جهارًا... و أسررت لهم إسرارًا

از این که نوح(ع)، گاهی مردم را به صورت مخفی و گاهی علنی دعوت می کرد و یا برخی از مردم را به شکل خصوصی و برخی دیگر را به صورت عمومی به سوی خداوند فرامی خواند، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

زمان در جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ صحت جعاله منوط به تعیین محدوده زمانی برای انجام کار نیست .

و لمن جاء به حمل بعير

چون کارگزاران یوسف در قرارداد جعاله تعیین نکردند که کار مورد نظرشان (یافتن جام شاهی) در چه محدوده زمانی (فرصتی محدود و یا زمانی خاص) انجام گیرد، برداشت فوق استفاده می شود.

زمان در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده -

۱۰ - آخرت و معیار سنجش زمان آن ، با دنیا و معیار های دنیوی ، متفاوت است .

فی یوم کان مقداره ألف سنه ممّا تعدّون

زمان دریافت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۲

۲ - مرحله حسابرسی در قیامت ، مرحله ای پس از دریافت نامه های اعمال است .

فسوف يحاسب حسابًا يسيرًا

<سوف> ، برای وعده دادن به کار می رود (مصباح) و دلالت بر تأخیر دارد. (مقایس اللغه)

زمان دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۵

۵ مزیت و برتری بعضی از زمان ها ، برای دعا و استجابات

و المستغفرین بالاسحار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعای زکریا و تقاضای نسلی پسندیده از خداوند ، در روز اوّل محرم

هنا لك دعا زكريا ربه قال رب هب لي من لدنك ذرية طيبة

امام رضا (ع) به شخصی که اوّل محرم به حضور آن حضرت رسید فرمود: ان هذا اليوم هو اليوم الذي دعا فيه زكريا (ع) ربه عزّ و جلّ فقال ربّ هب لي من لدنك ذرية طيبة . . .

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۸؛ امالی صدوق، ص ۱۱۲، ح ۵، مجلس ۱۷.

زمان دعوت از ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۸ - ۳

۳ - دعوت مشرکان از ابراهیم (ع) برای خروج از شهر، در

شب هنگام بود .

فنظر نظره فی النجوم

نگاه ابراهیم(ع)، به ستارگان حاکی است که این نگاه در شب بود؛ زیرا ستارگان در شب مشاهده می شوند.

زمان رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۱۱، ۸

۸ > عن أبي جعفر (ع) : ... رأی یوسف هذه الرؤیا و له تسع سنین فقَصَّها علی أبیه ... و كان یوسف من أحسن الناس وجهاً و كان یعقوب یحبّه ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده: .. یوسف این خواب را در سن نه سالگی دید و آن را برای پدرش نقل کرد ... یوسف از تمام مردم زیبا صورت تر بود و یعقوب او را دوست می داشت <.

۱۱ > قال أبو حمزة : فقلت لعلی بن الحسین (ع) : متى رأی یوسف الرؤیا ؟ فقال : فی تلك اللیله التي بات فیها یعقوب و ولده شباعاً و بات فیها ذمیال جائعاً رائهاً ... ;

ابو حمزه گوید: به امام سجاد(ع) گفتم چه وقت یوسف(ع) این خواب را دید؟، فرمود: همان شبی که یعقوب و فرزندانش با شکم سیر خوابیدند و ذمیال با شکم گرسنه و در حال ناراحتی خوابید ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۳

۱۳ رؤیای شگفت یوسف (ع) (سجده ستارگان ، ماه و خورشید) در سنین کودکی یا نوجوانی او بوده است .

قال یبنی

کلمه <بنی> تصغیر کلمه <ابن> می باشد و به ضمیر متکلم اضافه شده است . <یبنی> یعنی، ای پسر

کوچک من.

زمان زندگی برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۵ - ۴،۵

۴ مردم در قیامت، زمان درنگ خود در برزخ را بسیار کوتاه احساس می کنند.

و یوم یحشرهم کأن لم یلبثوا إلا ساعه من النهار

برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به <لم یلبثوا>، زمان پس از مرگ باشد.

۵ مردم در قیامت، زمان درنگ خود در دو عالم (دنیای و برزخ) را بسیار کوتاه احساس می کنند.

و یوم یحشرهم کأن لم یلبثوا إلا ساعه من النهار

برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به <لم یلبثوا>، دنیا و زمان پس از مرگ باشد؛ یعنی: <کأن لم یلبثوا فی الدنیا و بعد الموت>.

زمان زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۵ - ۳،۵

۳ مردم در قیامت، زمان درنگ خود در دنیا را بسیار کوتاه و به اندازه لحظاتی که چند تن همدیگر را ببینند و بشناسند، احساس می کنند.

و یوم یحشرهم کأن لم یلبثوا إلا ساعه من النهار یتعارفون بینهم

<ساعه> در لغت به معنای جزیی از اجزای زمان، است (کوتاه باشد یا بلند). برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به <لم یلبثوا>، دنیا باشد؛ یعنی: <کأن لم یلبثوا فی الدنیا...>.

۵ مردم در قیامت، زمان درنگ خود در دو عالم (دنیای و برزخ) را بسیار کوتاه احساس می کنند.

و یوم یحشرهم کأن لم یلبثوا إلا ساعه من النهار

برداشت فوق مبتنی بر این است

که ظرف متعلق به <لم یلبثوا>، دنیا و زمان پس از مرگ باشد؛ یعنی: <كأن لم یلبثوا فی الدنيا و بعد الموت>.

زمان سجده ملائکه بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۰ - ۴

۴- <عن الصادق (ع) ... قال: ... فأول من بادر بالسجود جبرائیل و میکائیل ثم عزرائیل ثم إسرائیل ثم الملائکه المقربون و كان السجود لأدم یوم الجمعة عند الزوال فبقیت الملائکه فی سجودها إلى العصر ... >

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. اولین کسانی که در سجده پیشی گرفتند، جبرئیل و میکائیل بودند؛ سپس عزرائیل و بعد اسرافیل؛ سپس فرشتگان مقرب الهی و سجده برای آدم روز جمعه هنگام ظهر بود، پس ملائکه تا عصر در حال سجده بودند.

زمان شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۴

۴ - شب قدر ، تا سپیده دم به فضیلت خود باقی است .

سلم هی حتی مطلع الفجر

زمان شکل گیری انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۹

۹- مضغه ، مرحله شکل گیری و ظهور تدریجی اعضا و جوارح جنین در رحم مادر است .

ثم من مضغه مخلقه و غیر مخلقه

و صفت برای <مضغه> است و <غیر مخلقه> نیز عطف بر <مخلقه> می باشد. <تخلیق> (مصدر <مخلقه>) به معنای تصویر و شکل دادن است. توصیف <مضغه> به <مخلقه و غیر مخلقه> می رساند که جنین در این مرحله، مرتباً

شکلی را می پذیرد و صورتی را از دست می دهد و این روند تا ظهور کامل اعضا و جوارح ادامه می یابد.

زمان صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - فاصله زمانی نزدیک میان صلح حدیبیه و فتح خیبر

سیقول المخلفون

با توجه به <سین> در <سیقول> و پیوستگی آیات صلح حدیبیه با جنگ خیبر، برداشت بالا قابل استفاده است.

زمان عبور بنی اسرائیل از دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۲ - ۱

۱ عبور بنی اسرائیل از دریا و غرق شدن فرعون و سپاهیان، هنگام روز بوده است .

و جوزنا ببنی إسرائیل .. حتی إذا أدرکه الغرق ... فالیوم

زمان عذاب استیصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۹ - ۹

۹ عذاب استیصال بر جامعه ای که مستحق آن است ، زمانی واقع می شود که اجل و مدت مقدر آن جامعه ، به پایان رسیده باشد .

و یقولون متی هذا الوعد .. إذا جاء أجلهم فلا یستخرون ساعه و لایستقدمون

زمان عذاب قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ زمان نزول عذاب قوم لوط در سن پیری و کهنسالی ابراهیم (ع) بوده است .

و هذا بعلی شیخاً .. یا برهیم أعرض عن هذا إنه قد جاء أمر ربك

زمان غرق فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۹۲

۱ عبور بنی اسرائیل از دریا و غرق شدن فرعون و سپاهیانش ، هنگام روز بوده است .

و جوزنا بنی اسرائیل .. حتی إذا أدركه الغرق ... فالیوم

زمان غرق فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۲ - ۱

۱ عبور بنی اسرائیل از دریا و غرق شدن فرعون و سپاهیانش ، هنگام روز بوده است .

و جوزنا بنی اسرائیل .. حتی إذا أدركه الغرق ... فالیوم

زمان غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - فاصله زمانی نزدیک میان صلح حدیبیه و فتح خیبر

سیقول المخلفون

با توجه به <سین> در <سیقول> و پیوستگی آیات صلح حدیبیه با جنگ خیبر، برداشت بالا قابل استفاده است.

زمان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۳

۳ - وقوع قیامت ، حتمی است و فاصله ای با پایان دنیا ندارد .

فإذا جاءت الصاخة

حرف <إن> برای آنچه ممکن است تحقق یابد به کار رفته و حرف <إذا> در امور حتمی استعمال می شود (مصباح به نقل

از ثعلب). حرف <فاء> بر تعقیب و تأخر بدون فاصله قیامت از دنیا دلالت دارد.

زمان کوری یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۶

۶ افول بینایی یعقوب (ع)، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسى الله أن يأتينى بهم جميعًا .. وابتضت عيناه من الحزن

زمان کیفر گناهکاران

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۹

۹ - قیامت ، مکان اصلی مجازات عصیانگران و گناه کاران است .

إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتَ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

پیامبر(ص) ترس و هراس خود را تنها در پیامدهای اخروی عصیان و نافرمانی اظهار کرده اند. این نکته می توان بیانگر برداشت یاد شده باشد.

زمان گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۶

۶ - زمان شکافته شدن آسمان و گسترش زمین و تخلیه درون آن ، زمان حضور انسان ها در پیشگاه پروردگار است .

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ .. فَمَلَقِيه

<إِذَا> در <إِذَا السَّمَاءُ انشقت> ظرف است و مظروف آن به قرینه <فملاقيه> محذوف می باشد؛ بنابراین مراد چنین خواهد بود: <إِذَا السَّمَاءُ انشقت .. لاقى الإنسان ربّه>.

زمان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۵

۱۵ قیامت ، روز ملاقات انسان با خداوند

إِنَّهُمْ مَلَقُوا رَبَّهُمْ

زمان معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ ارائه آیت ها و معجزه ها ، هر کدام دارای وقتی مشخص و مختص به دوره و زمان خاص خود است .

ما کان لرسول أن یأتی بأیه .. لکل أجل کتاب

در پی بیان این حقیقت که معجزه در اختیار پیامبر نیست بلکه در اختیار خداوند و به اذن اوست، این پرسش مطرح می شود که چرا خداوند اذن ارائه معجزه های درخواستی را به پیامبرش نمی دهد تا مردمان ایمان بیاورند؟ جمله

<لکل أجل کتاب> در پاسخ سؤال مذکور بیان می‌دارد که انجام هر کاری و از جمله ارائه معجزات، زمانی مشخص دارد؛ این گونه نیست که هر کاری در هر زمان بتواند تحقق یابد.

زمان مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۴

۴ سحرگاهان، مناسبترین زمان برای استغفار و طلب آمرزش از درگاه خداوند

و المستغفرین بالاسحار

زمان نزول روح (اسم خاص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۱

۱ - شب قدر، زمان فرود آمدن فرشتگان و روح به زمین است.

تنزل الملائکه و الروح فیها

به قرینه سیاق آیات مراد از فعل <تنزل> که در اصل تنزل بوده و به جهت تخفیف یکی از <تاء>های آن حذف شده است فرود آمدن به زمین است.

زمان نزول ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۱

۱ - شب قدر، زمان فرود آمدن فرشتگان و روح به زمین است.

تنزل الملائکه و الروح فیها

به قرینه سیاق آیات مراد از فعل <تنزل> که در اصل تنزل بوده و به جهت تخفیف یکی از <تاء>های آن حذف شده است فرود آمدن به زمین است.

زمان نگرانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۴

۴ - گرفتاری ها و دل نگرانی های انسان در قیامت ، از نخستین لحظات آن آغاز می شود .

فإذا جاءت الصاخة .. لكلّ امرئ منهنم يومئذ

شأن یغنیه

جمله <لكل امریء.. > به دلیل <یومئذ> دلالت دارد که زمان پیدایش <صاخه> (غزش کرکننده)، هنگام بروز گرفتاری ها است.

زمان ورود به عالم برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۲

۱۲ - ورود انسان ها ، پس از مرگ به عالم برزخ

و من ورائهم برزخ إلی یوم یبعثون

عبرت از زمان احتضار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۴ - ۲

۲ - صحنه احتضار و جان کندن انسان ها ، صحنه ای هشداردهنده و درس آموز

و أنتم حیئنذ تنظرون

فضیلت زمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۳ - ۲

۲ - اختلاف زمان ها ، در فضیلت

لیله القدر خیر من ألف شهر

قرآن و مقتضیات زمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ قرآن ، در هر عصر و زمان و در سطح جهانی ، توانا و شایسته برای مبارزه با جریان کفر و شرک

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

فرمان خداوند به جهاد بزرگ با کافران به وسیله قرآن پس از یادآوری جاودانگی و جهانی بودن رسالت پیامبر(ص) حاکی از آن است که قرآن، کتابی توانا و شایسته برای مبارزه جهانی و همیشگی با جریان کفر و شرک است.

نقش زمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۷

۷ نقش زمان ، در تغییر و تبدیل برخی احکام الهی

و

لا حَلَّ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي حَرَّمَ عَلَيْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ تفاوت زمان ها در اجابت دعا و درخواست آمرزش و رحمت

سوف أستغفر لكم ربی

کلمه <سوف> می رساند که یعقوب(ع) استغفار برای فرزنداناش را به زمان آینده موکول کرد. گویا هدف او از این تأخیر آمدن زمانی بوده که دعا در آن به اجابت نزدیک تر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - امکان تفاوت یافتن ارج و ارزش یک عمل ، در دو زمان مختلف

لا یستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل .. من الذین أنفقوا من بعد و قتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۱

۲۱ - گذشت زمان ، روشنگر برخی از حقایق و حل کننده بعضی از مشکلات ناپیدا برای بشر

فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ .. لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهُ يَحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که در فرصت عده، حقایقی همچون بدی ها و ضررهای جدایی و تنهازیستی روشن می شود و نیز همسران به عیب های خویش پی می برند و همین موجب رجوع و بازگشت به زندگی مشترک و حل مشکل طلاق گردد.

نقش زمان در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۳

۱۳ - لحظه ها و اوقات شبانه روز ، در شایستگی برای ذکر و دعا با هم برابر نیستند .

و سُبْحَ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ .. ءانآيِ

الليل فسبح و اطراف النهار

ویژگیهای جامعه زمان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۷

۷ نظام اجتماعی حاکم بر جامعه فرعونى ، مبتنى بر فرهنگ و عقاید جاهلی و موروثی بود .

أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء فى الأرض

زمان تاریخی

{زمان تاریخی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۸،۱۰

۸ بعثت پیامبران ، نقطه عطفی در تاریخ زندگی انسان های نخستین

كان الناس امه واحده فبعث الله النبيين مبشرين

۱۰ نقش برجسته پیامبران در تحولات تاریخ

فبعث الله النبيين . . و ما اختلف فيه الا ... من بعد ما جاءتهم البينات

جمله <و ما اختلف فيه>، دلالت بر تحوّل جوامع دارد که سبب آن جهت گیری برخی از انسانها در برابر انبیاست.

زمان ها

تفاوت زمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۳

۱۳- برخی از ایام در مقایسه با برخی دیگر ، دارای اهمیت و جایگاه ویژه ای است .

و ذكّرهم بأيم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۵

۱۵- خصوصیت های زمانی ، در اجابت دعا و درخواست آمرزش و رحمت دخیل است .

سأستغفر لك ربّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۳ - ۲

۲ - اختلاف زمان ها ، در فضیلت

لیله القدر خیر من ألف شهر

فضیلت زمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر

۲ - اختلاف زمان ها ، در فضیلت

لیله القدر خیر من ألف شهر

زمین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{زمین}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۹ - ۱

۱ مالکیت انحصاری خداوند ، نسبت به آنچه در آسمان ها و زمین است .

و لله ما فی السموات و ما فی الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۱

۱ مالکیت آسمان ها و زمین (هستی) و حاکمیت بر آنها ، در انحصار خداوند است .

و لله ما فی السموات و ما فی الارض

تقدیم <لله> بیانگر انحصار است.

آثار آرامش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۱

۱ - آرامش زمین و آمادگی آن برای زندگی بشر ، جلوه ای دیگر از تدبیر خداوند

أمن جعل الأرض قرارًا

<قرار> مصدر به معنای اسم فاعل است ؛ یعنی ، <جعل الأرض قاره مستقره ؛ زمین را آرام و برقرار ساخته است تا انسان

بتواند در آن زندگی کند نه مضطرب و لرزان >. گفتنی است که برخی از مفسران >قرار< را به معنای اسم مکان (یعنی قرارگاه) گرفته اند.

آثار تحولات درونی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۴

۴ - لرزش زمین در آستانه قیامت ، وابسته به عواملی زمینی و بازتاب تحولات درونی آن است .

إذا زلزلت الأرض زلزالها

مجهول بودن فعل >زلزلت< ، بیانگر نقش عاملی در پیدایش زلزله است. اضافه شدن >زلزال< به ضمیری که به زمین

برمی گردد، آن حوادث را به خود زمین مربوط می داند.

آثار ثبات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۹،۱۴

۹ - گسترش نسل جنبندها بر پهنه زمین ، در پرتو آمادگی محیط زیستی آن است .

خلق ... و ألقى ... و بثّ فيها من كل دابة

۱۴ - ثبات و آرامش زمین ، آن را برای رویش گیاهان ، مساعد کرده است .

و ألقى في الأرض روصي أن تميد بكم .. فأنبثنا فيها من كل زوج كريم

آثار حاکمیت بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۳

۳ - تنها کسی می تواند شکست ناپذیر و ستوده کردار باشد که بر تمامی آسمان ها و زمین ، سیطره داشته و حکمرانی کند .

العزیز الحمید . الذی له ملک السموت و الأرض

وصف <الذی له ..> ، می تواند توجیه گرد و وصف قبلی باشد. تغییر عبارت که موصول و صله جایگزین صفت مشابه شده است مؤید برداشت بالا است.

آثار حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۷

۷ زندگی بشر ، مرهون حیات زمین (وجود گیاهان و نباتات) و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) است .

و أنزلنا .. لنحیی به بلدة میثا و نسقیه ممّا خلقنا أنعمًا و أناسی

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که تقدم <بلده میتاً> و <أنعاماً> بر <أناسی> از نوع تقدم علت بر معلول و سبب بر مسبب باشد. گفتنی

است برخی از مفسران (مانند زمخشری در کتاب الکشاف) نکته یاد شده را یادآور شده اند.

آثار خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۵

۵- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم یعی بخلقهنّ

مفاد جمله <لم یعی بخلقهنّ> راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۲

۲- آفرینش آسمان ها و زمین ، نشانی از آفریدگار شایسته عبادت و اطاعت

أم خلقوا السموت و الأرض

خداوند با این پرسش، کافران را به خالقیّت خویش توجه داده است؛ تا از این طریق آنان دست از لجاج بردارند و به اطاعت و عبادت او بگردند.

آثار ذکر خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱

۱- توجه به خلقت آسمان ها و زمین ، عاملی برای پی بردن به قدرت خداوند در آفرینش دوباره انسانها

أو لم یروا أن الله .. قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أنتکم لتکفرون بالذی خلق .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۴

۴ - توجه به آفرینش زمین و ویژگی های آن

، مایه پی بردن به قدرت خداوند و زمینه ساز پذیرش معاد است .

عن النبأ العظيم .. ألم نجعل الأرض مهدياً

آثار ذکر مراحل خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۳

۳ - توجه به مراحل پیدایش زمین و تحوّل آن به جایگاهی قابل استفاده جانداران ، مایه پی بردن انسان به قدرت خداوند و زمینه باور داشتن معاد

ءأنتم أشدّ .. و الأرض بعد ذلك دحيها

آثار ذکر ویژگیهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۴

۴ - توجه به آفرینش زمین و ویژگی های آن ، مایه پی بردن به قدرت خداوند و زمینه ساز پذیرش معاد است .

عن النبأ العظيم .. ألم نجعل الأرض مهدياً

آثار گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۱ - ۱

۱ - خداوند ، با گسترده ساختن زمین ، آب های زمینی را بر سطح آن جاری ساخت .

أخرج منها ماءها

فعل <أخرج> بدل از <دحاها> است و به همین جهت بدون حرف عطف آمده است. این فعل آنچه را لازمه بسط زمین است بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - انبساط یافتن زمین در آستانه قیامت ، زمینه تخلیه کامل آن و اخراج بدن انسان ها از قبر و بیرون افکنده شدن اشیاء از درون زمین است .

و إذا الأرض مدّت . و أَلقت ما فيها و تخلّت

تقدیم ذکری، ممکن است

بر تقدم رتبی و زمانی دلالت کند. بنابراین انبساط زمین، زمینه <القاء> و <تخلیه> خواهد بود. به قرینه آیات بعد که درباره قیامت انسان ها است می توان گفت: از عبارت <أَلْقَتْ مَا فِيهَا> بیرون انداختن بدن ها از قبرها نیز اراده شده است.

آثار مطالعه زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۸ - ۳

۳ - مطالعه در گستردگی سطح زمین و آرامش آن ، راهگشای انسان به تدبیر بهینه خدای جهان

و الأرض فرسناها فنعم المهدون

تعبیر <فنعم الماهدون>، انسان را به این حقیقت توجه می دهد که در تدبیر بهینه خداوند، بیندیشد و نمود این تدبیر عالی را در گستردگی سطح زمین و آرامش آن، مطالعه کند.

آثار مطالعه مراحل خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۶

۶ - مطالعه در مراحل آفرینش زمین ، زمینه ساز توجه انسان به یگانگی آفریدگار آن

قل أُنْتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالذِّی خَلَقَ الْأَرْضَ فِی یَوْمِینَ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا

آرامش در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۱

۱ - قرار دادن زمین ، همانند گاهواره ای برای آرامش و آسایش انسان ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

الذی جعل لكم الأرض مهذا

<مهد> جایگاهی است که برای طفل آماده می کنند (گهواره)، در آیه شریفه، زمین به گهواره ای که طفل در آن می آرمد، تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۸ - ۱،۳

۱ - گستردگی زمین

و آمادگی آن برای آسایش بشر، به تدبیر و اراده خداوند

و الأرض فرشها

<فرش> (مصدر <فرشنا>) و <مهد> (مصدر <ماهدون>) در اصل به معنای پهن کردن و گستردن چیزی برای نشستن بر آن و یا خوابیدن است؛ یعنی، <و الأرض بسطناها و سطحنها لتستقروا علیها و تسکنوها فنعم الباسطون نحن>.

۳- مطالعه در گستردگی سطح زمین و آرامش آن، راهگشای انسان به تدبیر بهینه خدای جهان

و الأرض فرشها فنعم المهدون

تعبیر <فنعم الماهدون>، انسان را به این حقیقت توجه می دهد که در تدبیر بهینه خداوند، بیندیشد و نمود این تدبیر عالی را در گستردگی سطح زمین و آرامش آن، مطالعه کند.

آرامش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۶

۶- آرامش زمین با وجود حرکت آن در فضا، جلوه ای از صنع متقن و بهینه خداوند

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب صنع الله الذی أتقن کلّ شیء

در صورتی که عبارت <تمرّ..> اشاره به حرکت وضعی و انتقالی زمین داشته باشد، از ارتباط دو بخش آیه (<تری الجبال...> با <صنع الله...>) مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۱

۱- خداوند، زمین را جایگاه مناسب و بستری آرام برای زندگانی بشر، قرار داده است.

ألم نجعل الأرض مهدًا

<مهاده> به هرگونه زیرانداز گفته می شود (مقایس اللغه). زیرانداز بودن زمین، کنایه از مناسب بودن آن برای استقرار و زندگی است.

آرامش زمین از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۲ - آرامش سطح زمین و پیکر کوه ها ، با وجود حرکت های وضعی و انتقالی آنها ، آیتی از آیات الهی

ألم یروا أننا جعلنا الّیل . . . و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

آیه یاد شده مانند آیه ۸۶ در مقام بیان نشانه های توحید است و <تمرّ> اشاره به حرکت های وضعی و انتقالی زمین دارد که امروز، از نظر دانش بشر امری پذیرفته شده و قطعی است. ذکر <جبال> نیز شاید از آن جهت باشد که کوه ها در نظر آدمیان، مظهر صلابت و ایستایی است و نیز حرکت کوه ها مستلزم حرکت زمین است.

آسایش در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۱

۱ - قرار دادن زمین ، همانند گاهواره ای برای آرامش و آسایش انسان ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

الذی جعل لکم الأرض مهّداً

<مهّد> جایگاهی است که برای طفل آماده می کنند (گهواره)، در آیه شریفه، زمین به گهواره ای که طفل در آن می آرمد، تشبیه شده است.

آغاز خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۳

۳ - زمین ، در آغاز پیدایشش قابل سکونت و زندگی انسان نبوده است .

اللّه الذی جعل لکم الأرض قراراً

<جعل> در دو معنا استعمال شده است: خَلَقَ (آفرید) و صَيَّرَ (تبدیل کرد و به گونه ای دیگر در آورد). برداشت یاد شده مبتنی بر معنای دوم است.

۴ - فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

و الأرض بعد ذلك دحيها

فعل <دحاها> دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید <بعد ذلك>، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

آفریده قبل از زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۴

۴ پیش از آفرینش آسمان ها و زمین ، هستی منحصر به آب بود .

و كان عرشه على الماء

<عرش> به معنای تخت پادشاه می باشد و در آیه، کنایه از سیطره و حکومت است و جمله <وكان عرشه على الماء> به دلیل وجود <كان> به این معناست که: خداوند، آسمانها و زمین را آفرید در حالی که پیش از آن، بر آنها سیطره و حکومت داشت. این معنا می رساند که آب، پیش از آسمانها و زمین تشکیل دهنده هستی بوده است.

آفرینش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۰ - ۴، ۲، ۱

۱ خلقت آسمان ها و زمین و گردش شب و روز ، دربردارنده نشانه های فراوان بر قدرت مطلق خداوند

و الله على كل شيء قدير. ان في خلق السموات و الارض و اختلاف الليل و النهار ل

جمله <ان في ..> می تواند بیانگر دلیلی برای قدرت مطلق الهی (و الله على كل شيء قدير) باشد که در آیه قبل

مطرح شد. بنابراین مراد از <لایات>، نشانه های قدرت مطلق الهی خواهد بود.

۲ آسمان ها و زمین ، آفریده هایی حادث و دارای نظم

انّ فی خلق السّموات و الارض و اختلاف الّیل و النّهار

۴ آفرینش آسمان ها و زمین و گردش شب و روز ، دربردارنده نشانه های فراوان بر یکتایی خدا در مالکیت و فرمانروایی بر هستی

و لله ملک السّموات . . . انّ فی خلق السّموات ... لایات

جمله <انّ فی . . . >، می تواند بیانگر دلیلی برای یکتایی خداوند در فرمانروایی و مالکیت باشد که در آیه قبل (و لله ملک السّموات ...) مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۱۴،۱۸،۱۰،۹،۷،۶،۵،۴،۱

۱ آنان که همواره و در هر حال به یاد خدا بوده و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند ، دارای خرد ناب هستند .

لایات لاولی الالباب. الذّین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتفکرون

فعل مضارع <یذکرون>، دلالت بر استمرار و دوام ذکر دارد و <قیام>، جمع قائم (ایستاده) و <قعود>، جمع قاعد (نشسته) و <جنوب>، جمع جنب (پهلوی)، کنایه از تمامی حالات آدمی است. چون غالباً آدمی از این سه حالت خارج نیست.

۴ ارزش اندیشیدن در آفرینش آسمان ها و زمین

الذّین . . . یتفکرون فی خلق السّموات و الارض

۵ ارزش اندیشه در آفرینش آسمان ها و زمین ، در صورت توأم بودن آن با یاد خدا *

الذّین یذکرون الله . . . و یتفکرون فی خلق السّموات و الارض

جمله <یتفکرون> بدون تکرار <الذّین>، عطف بر <یذکرون> شده تا دلالت کند

به اینکه هر دو صفت (ذکر و تفکر) توأمأ، وصف <اولی الالباب> است؛ نه اینکه اولوا الالباب دو گروهند؛ عده ای ذاکر و عده ای دیگر متفکر.

۶ همواره به یاد خداوند بودن و اندیشیدن در آفرینش آسمان ها و زمین ، دو صفت برجسته خردمندان

لاولی الالباب. الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتفکرون فی خل

۷ ترغیب انسان ها به یاد همیشگی خدا و اندیشیدن در آفرینش آسمان ها و زمین

الذین یذکرون الله قیاماً .. و یتفکرون فی خلق السموات و الارض

ستایش خداوند از دارندگان صفات یاد شده و توصیف آنان به خردمندی، برای تشویق به تحصیل چنین ویژگیهایی است.

۹ آفرینش آسمان ها و زمین ، امری با عظمت و میدانی گسترده برای تفکر مستمر

و یتفکرون فی خلق السموات و الارض

۱۰ کیفیت آفرینش آسمان ها و زمین ، از منابع شناخت

و یتفکرون فی خلق السموات و الارض

<خلق> به معنای آفریدن و ایجاد کردن است؛ ولی ظاهراً در آیه شریفه، مراد از آن چگونگی وجود آسمانها و زمین است.

۱۴ آنان که با اندیشیدن در خلقت آسمان ها و زمین به هدفداری جهان پی نبرند ، نه خردمندند و نه شناخت صحیحی از آفرینش دارند .

لایات لاولی الالباب. الذین ... و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت

۱۸ تفکر در آفرینش آسمان و زمین ، موجب درک توحید ربوبی (جهان بینی توحیدی) و اعتراف به آن

یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً

چون پس از تفکر، خداوند را با ربنا (پروردگار همه ما) یاد می کنند، معلوم

می شود که آدمی با اندیشه در آفرینش، می تواند به ربوبیت خداوند نسبت به همگان (توحیدی ربوبی) دست یابد.

آمادگی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۸ - ۴

۴ - مهیا گشتن سطح زمین برای زندگی ، پس از شکل گیری بنای آسمان (نظام کرات) *

و السماء بنینها . . . و الأرض فرشنها

ترتیب لفظی <و الأرض...> بر <و السماء...>، می تواند بیانگر ترتیب حقیقی و تقدّم بنیان آسمان بر سامان زمین باشد.

آیات خدا در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۵ - ۱۰۴

۱ آسمان ها و زمین ، حاوی آیات و نشانه هایی بسیار بر توحید و یکتایی خداوند است .

و کأین من ءایه فی السموت و الأرض

<کأین> کنایه از عدد است و دلالت بر کثرت دارد. این کلمه مبتدا و عبارت <فی السموت و الأرض> خبر آن است و <من آیه> تمیز آن می باشد. مقصود از <آیه> به قرینه <و ما یؤمن اکثرهم بالله> در آیه بعد، آیت و نشان بر توحید است.

۴ آنان که با مشاهده نشانه های موجود در آسمان ها و زمین (هستی) به توحید و یکتایی خداوند پی نبرند ، سزاوار سرزنش و نکوهشند .

و کأین من ءایه فی السموت و الأرض یمرون علیها و هم عنها معرضون

لحن آیه شریفه گویای مذمت و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۱

۱ مظاهر وجود و عظمت آفریدگار در آسمان و زمین ، مایه بصیرت

و تذکر بندگان روی آورده به خداوند

أفلم ينظروا إلى السماء... والأرض مددنها... تبصره و ذکرى لكلّ عبد منيب

<منیب>، به معنای بازگشت کننده و روی آورنده به خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - وجود نشانه های فراوان و مهم الهی در زمین برای اهل یقین

و فی الأرض آیت للموقنین

جمع و نکره آمدن <آیات>، دلالت بر فراوانی و عظمت آن دارد.

۲ - حق باوران اهل یقین ، توانا به درک پیام های بایسته آیات الهی در زمین

و فی الأرض آیت للموقنین

ابداع زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۲

۲ - خلقت آسمان ها و زمین ، بدون هیچ گونه سابقه و الگوی پیشین

فاطر السموت و الأرض

<فاطر> (از ماده <فطر>) به معنای ابداع و آفرینش بدون سابقه نیز آمده است.

اتقان خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

و هو الذى خلق السموت و الأرض

<حق> کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب با جمله <خلق السماوات>، به معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای <حق> تصریح کرده است.

اجتماع در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۵ - ۱

۱ - زمین ، جایگاه و بستر مناسب برای اجتماع انسان ها

ألم نجعل الأرض كفاتاً

<كفات> اسم برای محلی است

که در آن، چیزی نهاده و گردآوری شده است (قاموس المحيط). در این آیه به قرینه آیه بعد (أحياء و أمواتاً) مقصود محل اجتماع انسان ها است.

اجل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۶

۶- آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی ، دارای فرجام و پایانی معین و از پیش تعیین شده

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ و أجل مسّی

احاطه آسمان بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۷ - ۵

۵ - > عن الحسين ابن خالد عن أبي الحسن الرضا (ع) قال قلت له أخبرني عن قول الله > و السّماء ذات الحبک < فقال : هي محبوبه إلى الأرض و شبک بین أصابعه ، فقلت كيف تكون محبوبه إلى الأرض فقال . . . فبسط كفّه اليسرى ثم وضع اليمنى فقال : هذه أرض الدنيا و السّماء الدنيا على ها فوق ها قبه . . . ;

حسین بن خالد از امام رضا(ع) از آیه > و السّماء ذات الحبک < سؤال نمود، امام(ع) دست چپ خود را باز کرد و دست راست را مانند گنبد بر روی آن قرار داد و فرمود: این زمین دنیا است و آسمان دنیا همچون گنبد بر بالای آن قرار گرفته است [و همین گونه تا هفت زمین و هفت آسمان].<

احاطه زمین بر انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۱۱

۱۱ - در احاطه آسمان و زمین بر

انسان ها ، از آیه های خداوند برای هر بنده اهل انابه ای است .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ

مشارالیه <ذَلِكَ> <ما بین ایدیهیم و ما خلفهم من السماء و الأرض> است. گفتنی است که <إِنَابَهُ> (مصدر <منیب>) به معنای رجوع کننده است و <عبد منیب> کسی است که پیوسته رو به خدا دارد.

احیای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۰

۱۰ - فرو فرستادن آب از آسمان و زنده کردن زمین به وسیله آن ، از نشانه های توحید و رحمت گستری خداوند است .

إِن فِي .. ما أنزل الله من السماء من ماء فأحيا به الأرض ... لأيت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۷ - ۶

۶ خداوند با ابر های گسیل داده شده ، سرزمین های خشک و مرده را از آب باران سیراب می کند .

سقنه لبلد میت فانزلنا به الماء

ضمیر در <به> به سحاب برمی گردد و حرف <باء> در آن سببیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۷

۷- نزول باران از آسمان و حیات یافتن زمین موات با آن ، از آیات خداوند

و الله أنزل من السماء ماء فأحيا به الأرض .. . إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۲

۲ - مشرکان ، به این که حیات بخش زمین مرده ، با آب باران ، خداوند است ، اعتقاد داشتند .

ولئن

سألهم من نزل .. فأحيا به الأرض من بعد موتها ليقولن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۳

۳ - حیات بخشی خداوند به مرده و زمین ، از دلایل لزوم تسبیح خداوند است .

فسبحن الله .. يخرج الحي من الميت ... و يحي الارض بعد موتها

<يخرج الحي> می تواند تعلیل برای <فسبحان الله> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۵

۵ - رویش گیاهان و آباد شدن زمین ، پرتویی از رحمت خداوند بر آدمیان است .

فانظر إلى ءاثر رحمت الله كيف يحي الارض بعد موتها

مراد از <آثار>، می تواند هر چیزی باشد که بر اثر باران، به دست می آید که غالب آنها گیاهان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۸

۸ - احیای زمین مرده و فاقد حیات و پدید آوردن موجودات زنده در این کره ، دلیل قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز رستاخیز

والله الذي أرسل الريح .. فأحيينا به الأرض بعد موتها كذلك النشور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۳

۳ - پدیده حیات و احیای زمین مرده ، نشانه راستی قیامت و دلیل توانایی خداوند بر احیای مردگان است .

و ءايه لهم الارض الميتة احييناها و اخرجنا منها حيا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه پس از طرح مسأله برانگیختن انسان ها که کافران آن را انکار می

کردند آمده است. و در حقیقت، این آیه درصدد اثبات قیامت و نشان دادن جلوه ای از قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - احیای زمین با رویاندن نباتات و درختان میوه ، به منظور تغذیه انسان ها از سوی خدا ، شایسته شکر و سپاس گذاری است .

و ءایه لهم الأرض المیتة أحيینها و أخرجنا منها حَبًّا .. جَنَّتْ من نخیل و أعنب..

احیای زمین از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۱

۱ - پدیده حیات و احیای زمینِ مرده ، آیه و نشانه ای بزرگ از خداوند است .

و ءایه لهم الأرض المیتة أحيینها .. حَبًّا

<حَبِّ> به معنای انواع دانه ها (چون گندم، جو، برنج و ..) است. گفتنی است که نکره آمدن <آیه> برای تفخیم می باشد.

احیای زمین موات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۶

۶ - حیات بخشی به زمین های موات و مرده ، نمودی از پدید آوردن جان داران از دل طبیعت مرده و بی جان است .

و یخرج الحی من المیت .. و یحیی الأرض بعد موتها

<و یحیی الأرض> می تواند به منزله ذکر خاص بعد از عام، و در نتیجه <و یخرج المیت من الحی> نمودی از آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۹

۹- احیای زمین موات با نزول باران ، دلیل قدرت خداوند

بر احیای مجددانسان ها در قیامت است .

و من آیته ... و ينزل من السماء ماء فيحيي به الأرض بعد موتها ... ثم إذا دعاك

اخبار زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۱،۶

۱ - زمین ، حافظ خبرهایی فراوان و دارای قابلیت بازگویی و ارائه آن

یومئذ تحدّث أخبارها

۶ - > عن أبي هريره قال قرء رسول الله (ص) هذه الآية > يومئذ تحدّث أخبارها < قال : أتدرون ما إخبارها ؟ قالوا : الله و رسوله أعلم ، قال : فإنّ إخبارها أن تشهد على كلّ عبد أو أمه بما عمل على ظهرها ؛

از ابوهریره روایت شده که رسول خدا(ص) آیه >یومئذ تحدّث أخبارها< را قرائت کرد و فرمود: آیا می دانید خبردادن زمین چیست؟ گفتند خدا و رسولش آگاه تراند؛ فرمود: إخبار زمین گواهی دادن آن است بر هر مرد و زنی به آنچه بر روی آن انجام داده است. <.

اخراج ذخایر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۲

۲ - زمین در قیامت ، پس از لرزش شدید و بیرون ریختن دینه های خویش ، اطلاعات ذخیره شده خود را برملا خواهد ساخت .

یومئذ تحدّث أخبارها

اراده زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۵

۵- زمین و آسمان (جهان هستی) ، دارای نوعی شعور ، اراده و نطق

قالتا أتینا طائین

از واژه <قالتا> استفاده می شود که آسمان و زمین دارای نوعی نطق اند؛ چنان که

از جمله <أتینا طائعين> فهمیده می شود که آن دو، از نوعی اراده و خواست نیز برخورداراند و از مجموع اراده و نطق نوعی شعور و ادراک استفاده می شود.

ارائه اخبار زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۵ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، زمین را به ارائه اطلاعات بایگانی شده در آن ، فرمان خواهد داد .

بَأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا

ارزش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۲

۲ - ارزش انسان ، برتر از آسمان و زمین و نعمت های موجود در آن

مَتَّعًا لَكُمْ

ارزش نعمتهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۲

۲ - ارزش انسان ، برتر از آسمان و زمین و نعمت های موجود در آن

مَتَّعًا لَكُمْ

ارزشمندی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما لعبين . ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

استفاده از زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۵

۵ - همه انسان ها ، دارای حق تصرف در گسترده زمین هستند .

الذی جعل لکم الأرض فرشاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۹

۹ - گرایش طبیعی انسان به بهره برداری از زمین

فادع لنا ربک

يخرج لنا مما تنبت الأرض

بنی اسرائیل، از تنوع نداشتن غذا شکایت داشتند و در تقاضای خویش قید کردند که تنوع غذاها، از رویدنیهای زمین باشد. این نشان می دهد که آدمی به بهره برداری از زمین علاقه مند است و به آن گرایش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱،۶

۱ - خوردن و بهره برداری از فراورده های زمین ، جایز و مورد توصیه خداوند است .

كلوا مما فی الأرض حلالاً طیباً

<أكل> (مصدر كلوا) به معنای خوردن است و در بسیاری از موارد به صورت <مجاز شامل> استعمال می شود و به معنای: مطلق تصرف و بهره برداری که شامل خوردن نیز می گردد، به کار می رود.

۶ - بهره برداری از زمین حق همه انسانهاست و اختصاص به گروه و یا امتی خاص (مسلمان و یا ...) ندارد .

يأیها الناس كلوا مما فی الأرض حلالاً طیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۰ - ۲

۲- زمین و امکانات آن در خدمت بشر

و الأرض مددنها ... و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون . و جعلنا لكم فیها معیش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۳

۳ - توجه به مراحل پیدایش زمین و تحوّل آن به جایگاهی قابل استفاده جانداران ، مایه پی بردن انسان به قدرت خداوند و زمینه باور داشتن معاد

ءأنتم أشدّ . . . و الأرض بعد ذلك دحیها

استفاده از نعمتهای زمین

۷- فراهم آمدن زمینه های گوناگون و متنوع برای بهره برداری انسان در روی زمین ، پرتویی از ربوبیت خداوند

الذی . . و سلک لکم فیها سبلاً

<سبیل> جمع <سبیل> می باشد. محتمل است مراد از آن <راه> باشد و ممکن است به معنای طریقه هایی باشد که جهت امرار معاش و دیگر امور انسان بر روی زمین وجود دارد.

استقرار آدم(ع) در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۷ - ۳

۳- توبه آدم (ع) و دریافت کلمات از ناحیه خداوند ، پس از استقرارش در زمین بود . *

و لکم فی الأرض مستقر . . فتلقى ءادم من ربه کلمت

برداشت فوق با عنایت به حرف <فاء> در <فتلقى . . > - که برای ترتیب است - استفاده می شود.

استقرار انسان ها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۱، ۱۶، ۱۵

۱۵ زمین محل سکونت و قرارگاه موقت انسانها

و لکم فی الأرض مستقرّ و متع إلی حین

<إلی حین> (تا هنگامی) علاوه بر تعلقش به <متع>، به <مستقر> نیز متعلق هست.

۱۶ مدت زمان استقرار و سکونت آدمیان در زمین ، نامعلوم برای آنان

و لکم فی الأرض مستقرّ و متع إلی حین

نکره آمدن کلمه <حین> رساننده این معناست که: مدت زمان سکونت انسانها در زمین، برای آنان نامعلوم خواهد ماند و بدان آگاهی نخواهند یافت.

۲۱ > عن الصادق (ع) ... (فی قوله تعالی) > و لکم

في الأرض مستقر و متاع إلى حين < قال إلى يوم القيامة ... >

از امام صادق(ع) درباره آیه <و لكم في الأرض مستقر و متاع إلى حين> روایت شده که فرمود: (استقرار در زمین و بهره مندی از آن) تا روز قیامت خواهد بود...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۵ - ۱،۵

۱ استقرار انسانهای هر عصر در زمین به جانشینی نسلهای گذشته، در اختیار خدا و به دست اوست.

و هو الذی جعلکم خلائف الأرض

<خلائف> جمع خلیفه (جانشین) است. اگر مخاطبان آیه انسانهای موجود در هر عصر باشند، مراد از جانشینی، جانشینی مردم هر عصر از مردم عصر پیشین خواهد بود. و اگر مخاطبان همه انسانها باشند، مقصود از جانشینی انسانها، جانشینی آنان از انسانهای منقرض شده ای است که پیش از بنی آدم بوده اند. این احتمال نیز گفته شده که منظور جانشینی انسان از خداست.

۵ آزمون انسانها از جانب خدا هدف از مستقر ساختن آنان در زمین و برتری دادن برخی از ایشان بر برخی دیگر

هو الذی جعلکم خلائف الأرض و رفع بعضکم فوق بعض درجات لیبلوکم

به نظر می رسد <لیبلوکم علاوه بر این که متعلق به <رفع> است، متعلق به <جعلکم> نیز باشد.

استقرار زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۱

۱ - تداوم بقا و ثبات آسمان و زمین ، از نشانه های خداوند است .

و من آیته أن تقوم السماء و الأرض بأمره

استقرار کوه ها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند ، قرار دهنده کوه ها در زمین است .

و ألقى في الأرض روسى

افساد در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۶ - ۱۱، ۳، ۱

۱ حرمت فسادگری در زمین

و لا تفسدوا في الأرض

۳ تخریب آبادانی های زمین و به هدر دادن امکانات طبیعی آن ، از مصادیق فسادگری در زمین

و لا تفسدوا في الأرض بعد إصلاحها

آیه بعد <و هو الذى .. > که بیانگر جلوه ای از آبادانی زمین است می تواند قرینه ای باشد بر اینکه از مصادیق مورد نظر برای <لا تفسدوا ... > تخریب آبادانیهای زمین و ... است.

۱۱ پرهیز از فسادگری در زمین سیره و روش محسنان و زمینه ساز دستیابی به رحمت الهی است .

و لا تفسدوا في الأرض .. إن رحمت الله قريب من المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۷، ۱۶

۱۶ صالح (ع) مردم خویش را از فسادگری در زمین بر حذر داشت .

و لاتعتوا في الأرض مفسدين

<لا تعثوا> از <عثى يعثى عثوا> است، یعنی فساد نکنید.

۱۷ فسادانگیزی و فسادگری در زمین ، امری حرام و بسیار ناپسند

و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

<لا تعثوا> خود به معنای <فساد نکنید> است. بنابراین <مفسدین> حال مؤکد خواهد بود و همان نهی را تأکید می کند. لذا جمله <لا تعثوا...> دلالت بر شدت ناپسندی و حرمت فسادانگیزی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۶، ۲۵

کمفروشی و کم مقدار و کم ارزش جلوه دادن اجناس مردم، حرام و از مصادیق فسادانگیزی در زمین است.

فأوفوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس أشياءهم و لا تفسدوا فی الأرض

۲۶ قوم شعیب برخوردار از دلیلی روشن برای التزام به عدالت در امور اقتصادی و پرهیز از فسادگری در زمین بودند.

قد جاء تکم بینه من ربکم فأوفوا الكيل و الميزان ... و لا تفسدوا فی الأرض

تفریع جمله <أوفوا الكيل> بر جمله <قد جاء تکم بینه> بیانگر این است که بینه ارائه شده به قوم شعیب به گونه ای بوده است که باور به آن در پی دارنده رعایت عدالت در امور اقتصادی و پرهیز از فسادگری در زمین بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۷ - ۸،۹

۸ - آنان که در زمین فسادانگیز هستند، فاسقند.

إلا الفسقین. الذین ... یفسدون فی الأرض

۹ - قرآن کسانی را به گمراهی می کشاند که: عهد های الهی را نقض کنند، پیوندهایی که خداوند به برقراری آنها فرمان داده بگسلند و در زمین به فسادگری پردازند.

و ما یضل به إلا الفسقین. الذین ... یفسدون فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱۸،۲۲

۱۸ - فسادگری در زمین از محرمات مؤکد است.

و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

کلمه <مفسدین> حال برای فاعل <لا-تعتوا> است و از آن جا که <لا-تعتوا> حاکی از حرمت فسادگری است، <مفسدین> حال مؤکده خواهد بود و دلالت بر تأکید آن تکلیف دارد.

۲۲ - اباحه بهره گیری از نعمت

های الهی تا آن جاست که به فساد در زمین نینجامد .

كلوا و اشربوا من رزق الله و لاتعتوا فی الارض مفسدين

نهی از فسادگری پس از توصیه به بهره‌گیری از خوراکیها و نوشیدنیها، به منزله قیدی است برای آن توصیه.

افشاگری زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۵ - ۴

۴ - الزام زمین به افشای اخبار انسان‌ها در قیامت، برخاسته از مقام ربوبیت خداوند و در راستای تدبیر امور آنها است .

بأن ربك أوحى لها

تعبیر <ربك>، گرچه خطاب به شخص پیامبر(ص) است ولی در این موارد مفاد آیه شریفه اختصاص به آن حضرت ندارد، بلکه خطاب به لحاظ جنبه‌های بشری او است.

افشای اخبار زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۲،۳،۴

۲ - زمین در قیامت، پس از لرزش شدید و بیرون ریختن دینه‌های خویش، اطلاعات ذخیره شده خود را برملا خواهد ساخت .

یومئذ تحدّث أخبارها

۳ - زمین پس از تحولاتی در سه مرحله (< لرزش ویرانگر در پایان عمر دنیا > ، < اخراج مردگان از درون خود در آغاز قیامت > و < اظهار اطلاعات بایگانی شده در خود >)، مکان حسابرسی اعمال انسان‌ها خواهد شد .

إذا زلزلت . . . و أخرجت ... تحدّث أخبارها

آیات این سوره می‌تواند بیانگر حوادث آخرت باشد که از پایان نظام موجود، شروع می‌شود. تعبیر <یومئذ> در این احتمال نشانگر وقوع تمام آن حوادث، در یک زمان گسترده است.

را درباره انسان ها در خود ، بایگانی کرده ، در قیامت آنها را بازگو خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها

این آیه گرچه مصداق <اخبارها> را بیان نکرده است؛ ولی آیات بعد، می تواند قرینه باشد که مراد اخبار مربوط به انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۵ - ۴

۴ - الزام زمین به افشای اخبار انسان ها در قیامت ، برخاسته از مقام ربوبیت خداوند و در راستای تدبیر امور آنها است .

بأن ربّك أوحى لها

تعبیر <ربّك>، گرچه خطاب به شخص پیامبر(ص) است؛ ولی در این موارد مفاد آیه شریفه اختصاص به آن حضرت ندارد، بلکه خطاب به لحاظ جنبه های بشری او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۵

۵ - زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها .. فمن يعمل مثقال ذرّة خیرا یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۵

۵ - زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان ، اطلاعاتی را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

و من يعمل مثقال ذرّة شرّا یره

امانت عرضه شده به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٤ - > وفي الحديث : إِنَّ عَلِيًّا (ع) إِذَا حَضَرَ وَقْتُ الصَّلَاةِ يَتَمَلَّمُ وَ يَتَزَلُّزَلُ

و يتلّون فقیل له : ما لك يا أميرالمؤمنین ؟ فيقول جاء وقت الصلاة وقت أمانه عرضها الله على السماوات و الأرض فأبين أن يحملنها و أشفقن منها ;

روایت شده که علی(ع) هنگامی که وقت نماز می رسید، ناآرام و لرزان و رنگ به رنگ می شد. پس به آن حضرت گفته شد: چه شده شما را ای امیرالمؤمنین؟ فرمود: وقت نماز رسیده است! وقت امانتی که بر آسمان ها و زمین عرضه شد و آنها از حمل آن سربرداشتند و از آن هراسیدند.<

امتناع زمین از تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إنا عرضنا الأمانة على السموت و الأرض و الجبال فأبين أن يحملنها

لام در <لِيعَذَّبُ..> در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل <لِيعَذَّبُ> قرینه است که مراد از <الأمانة> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

امتناع زمین از قبول امانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳

۴ - آسمان ها و زمین و کوه ها ، از قبول امانت الهی ، می ترسیدند .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها

۵ - خودداری آسمان ها و زمین و کوه ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها

امکانات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۱۲، ۷، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ خداوند انسانها را برای بهره گیری از زمین و امکانات آن توانا ساخت.

و لقد مکنکم فی الأرض

۲ توانایی انسانها بر بهره گیری از امکانات زمین نعمتی بایسته شکرگزاری است.

و لقد مکنکم فی الأرض .. . قليلا ما تشكرون

۳ زمین در بردارنده تمام نیازمندیهای انسان برای ادامه حیات است.

و جعلنا لکم فیها معیش قليلا ما تشكرون

۵ حق بهره وری از زمین و امکانات آن برای همه انسانهاست، نه گروهی خاص.

و لقد مکنکم فی الأرض و جعلنا لکم فیها معیش

۷ وجود وسائل معیشت در زمین، نعمتی بزرگ برای انسانها و بایسته سپاسگزاری است.

و لقد مکنکم فی الأرض .. . قليلا ما تشكرون

۱۲ باور به خدادادی بودن امکانات زمین و اسباب معیشت، زمینه ساز ایمان به آیات الهی و پیروی از انبیاست.

و لقد مکنکم فی الأرض و جعلنا لکم فیها معیش

چون بیان نعمتهای یاد شده و تذکر به خدادادی بودن آنها، پس از فرمان دادن به تبعیت از قرآن (اتبعوا ..) و پیروی از رسولان الهی (فلنسلن الذین أرسل الیهم) ایراد شده،

اشاره به این حقیقت دارد که انسانها در صورت توجه به نعمتها و باور به خدادادی بودن آنها، از انبیا پیروی کرده و به آیات خدا ایمان می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۰ - ۲

۲- زمین و امکانات آن در خدمت بشر

و الأرض مددنها... و أنبتنا فيها من كل شيء موزون . و جعلنا لكم فيها معيش

انذار از فروری در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۱

۱- خداوند ، توطئه گران علیه پیامبر (ص) را به فرو بردن در زمین ، تهدید کرد .

أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض

مراد از <الذين مكروا> به قرینه آیات پیش که درباره مشرکان و سنگ اندازیهای آنان علیه پیامبر(ص) و قرآن بود کسانی اند که سد راه پیامبر(ص) می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۷

۷- تهدید شدن منکران معاد از سوی خداوند ، به فرو بردن در زمین

إن نشأ نخسف بهم الأرض

انسان از زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ عناصر زمینی ، خمیرمایه خلقت انسان است .

هو أنشأكم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۱

۱ - ماده خلقت انسان ها ، فراهم آمده از زمین و عناصر آن

جعل لكم الأرض . . . منها خلقنکم

مرجع ضمیر در <منها> <الأرض> در

آیات قبل است.

انسان در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۸ - ۶

۶ آدمیان، در عین استقرار در زمین، ثبات نداشته و در آن به ودیعت هستند.

أنشأكم من نفس وحده فمستقر و مستودع

توصیف انسانها به <مستقر> و <مستودع> ظهور در آن دارد که هر کدام از آحاد انسان دارای این وصف هستند و بنابراین هر کدام هم <مستقر> و هم <مستودع> می باشند. برداشت فوق بر این مبناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۷

۷ زمین، محل سکونت و قرارگاه موقت انسانها و شیاطین است.

و لكم فی الأرض مستقر و متع إلی حین

قید <إلی حین> علاوه بر تقیید <متع>، کلمه <مستقر> را نیز مقید می کند.

انشقاق زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۰ - ۲

۲- شکافته شدن آسمان ها، قطعه قطعه شدن زمین و انهدام کوه ها، امری بسزا، در برابر ادعای باطل فرزند گزینی خداوند

تکاد السموت یتفطرن منه و تنشق الأرض و تخرّ الجبال هدأ

فعل <تکاد> که بر <وقوع نزدیک> دلالت دارد در معنای مجازی <سزاواربودن> به کار رفته و ممکن است مراد این باشد که برخورد این سخن با مقام قدس الهی، مانند برخورد چیزی با ارکان جهان هستی است؛ که همه چیز را متلاشی کند و از میان ببرد. و یا این که خشم خداوند از این سخن به حدی است که جای آن دارد، آسمان و زمینی باقی نگذارد و همه چیز

کند و کوه ها را درهم بریزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۱۱

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز شکافتن زمین و خروج سریع آدمیان از دل خاک

یوم تشقق الأرض عنهم سراغاً

مطلب بالا، بر این اساس است که <سراغاً> اشاره به خروج سریع داشته است.

انقیاد زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۹، ۱۱، ۵، ۴، ۱

۱ خداوند ، در پی غرق شدن کافران قوم نوح ، به زمین فرمان داد تا آب های خود (آب های زیرزمینی) را فرو برد .

فکان من المغرقین. وقیل یأرض ابلعی ماء ک

مراد از <ماء ک> آبهایی است که تا پیش از طوفان در منابع زیرزمینی وجود داشت و به امر خداوند بر سطح زمین ظاهر شده بود. اضافه کلمه <ماء> به ضمیر <ک> گویای این معناست.

۴ با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید .

و غیض الماء و قضی الأمر واستوت علی الجودی

۵ زمین ، آسمان و همه عوامل هستی ، در اختیار خدا و گوش به فرمان او هستند .

یأرض ابلعی ماء ک و یسماء أقلعی و غیض الماء

۹ < عن أبی عبدالله (ع) ... أمر الله الأرض أن تبلع مائها و هو قوله > وقیل یا أرض ابلعی مائک ... < فبلعت الأرض

ماءها فأراد ماء السماء أن يدخل في الأرض فامتنعت الأرض من قبولها وقالت: إنما أمرني الله عز وجل أن أبلع مائي فبقي ماء السماء على وجه الأرض واستوت السفينه على جبل الجودي و هو بالموصل جبل عظيم ، فبعث الله جبرئيل فساق الماء إلى البحار حول الدنيا . . . ;

[در مورد طوفان نوح] از امام صادق(ع) روایت شده است که: خداوند به زمین فرمان داد تا آب خود را فرو برد و این سخن خداست که فرمود: <.. یا أرض ابلعی مائک ..>... پس زمین آب خود را فرو برد. آبی که از آسمان آمده بود خواست در زمین فرو رود، زمین از قبول آن امتناع کرد و گفت: خدای عزوجل مرا فرمان داده فقط آب خود را فرو ببرم، پس آب آسمان روی زمین باقی ماند و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و آن کوه بزرگی است در موصل. پس خداوند جبرئیل را برانگیخت و او آبها را به دریاهاى اطراف دنیا سوق داد...<.

۱۱ > عن أبي عبدالله (ع) . . . قال الله تعالى للأرض : < ابلعی ماءك > فبلعت ماءها من مسجد الكوفه كما بدأ الماء منه و تفرّق الجمع الذى كان مع نوح فى السفينه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که خداوند [در طوفان نوح] به زمین گفت: <آب خود را فرو ببر>. زمین آب خود را از مسجد کوفه فرو برد، همان گونه که از آن جا هم آغاز به بیرون آمدن کرده بود و گروهی که با نوح در کشتی بودند متفرق شدند...<.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۳،۴

۳ - خداوند ، به آسمان و زمین فرمان داد تا خواه یا ناخواه در مسیر تعیین شده به حرکت در آیند و فرمان ببرند .

فقال لها و للأرض اتيا طوعاً أو كرهاً

<طوع> به معنای رغبت و میل و <کره> به معنای بی میلی و عدم رغبت است.

۴ - آسمان و زمین فرمانبر اراده الهی ، از سر میل و رغبت

قالتا أتينا طائعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۵ - ۱،۴

۱ - زمین ، مطیع و گوش به فرمان خداوند است .

و أذنت لربها

۴ - زمین ، برای اطاعت از فرمان خداوند ، شایستگی و آمادگی لازم را دارد .

و حَقَّتْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۵ - ۲

۲ - زمین ، دریافت کننده وحی و فرمان الهی و مطیع آن

بأن ربك أوحى لها

انهدام زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۱،۱۵

۱۱- به هنگام برپایی قیامت ، تمامی استحکامات روی زمین با خاک یک سان خواهد شد .

فَإِذَا جَاءَ وَعْدَ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ

آنچه ذوالقرنین درباره فرجام سدّ، بازگو کرد، سرچشمه در آگاهی او از انهدام جهان هنگام برپایی قیامت دارد، گرچه ممکن است در خصوص سد نیز از خداوند به او وعده خاصی رسیده باشد.

۱۵- مؤّذنان معتقد به معاد ، هیچ گاه به دستاورد های فنی و آثار تمدن بشری ، مغرور نشده و فرجام جهان را ویرانی و انهدام

می بینند .

هذا رحمه ربِّي فاذا جاء وعد ربِّي جعله دكاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - آسمان و زمین (هستی) ، قبل از برپایی قیامت ، فرو می ریزند .

تقوم السماء و الأرض بأمره ثم .. إذا أنتم تخرجون

<ثم> برای تراخی است و آورده شدن آن بین دو جمله ای که یکی درباره ثبات عالم و دیگری احیای مردگان در قیامت است، نشان می دهد که باید حادثه ای پس از قوام و ثبات عالم رخ بدهد و آنگاه فرمان حیات صادر شود. آن حادثه، به تناسب مقام، می تواند فروپاشی عالم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴ - ۲

۲ - انهدام زمین در آستانه قیامت ، امری قطعی و غیرقابل تردید

إذا رجَّت الأرض رجًّا

به کارگیری <إذا>ی شرطیه که در امور قطعی به کار می رود بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶ - ۲

۲ - انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا ، امری قطعی و تردیدناپذیر

فكانت هباءً منبثًا

به کارگیری فعل ماضی <فكانت> در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۱،۳

۱- زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جایگاه و مدار خود خارج خواهند شد .

و حملت الأرض و الجبال

نظم کنونی کره زمین و شکل استقرار کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت از هم پاشیده می شود .

و حملت الأرض و الجبال فدکتا دکه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۱

۱ - به هنگام دمیده شدن در صور و متلاشی شدن نظم کنونی زمین و کوه ها ، واقعه قیامت رخ می دهد .

فإذا نفخ في الصور .. و حملت الأرض ... فيومئذ وقعت الواقعة

به گفته مفسران، واژه <واقعه> همانند واژه های <حاقه>، <قارعه>، <غاشیه> و .. در قرآن که بدون موصوف و یا به تقدیر آن آمده است علم برای قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۹ - ۲

۲ - متلاشی شدن نظم کنونی زمین ، در آستانه برپایی قیامت

و تكون الجبال كالعهن

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که متلاشی شدن کوه ها، به معنای از بین رفت نقش آنها در زمین (ثبات و استقرار زمین) است و این به متلاشی شدن زمین اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۰ - ۲

۲ - دگرگونی اساسی در کره زمین ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست . و إذا السماء فرجت . و إذا الجبال نسفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۳ - ۲

۲ - قیامت ، رخدادی بزرگ و همراه با به هم پاشیدن تمام زمین ، حتی سخت ترین نقطه های آن

و إذا الجبال سیرت

خبر

رائش کوه ها، در حقیقت خبر از متلاشی شدن زمین و بیانگر عظمت رخداد قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۴ - ۲

۲ - دفن آخرین نسل انسان در زمین با به هم ریختن آسمان و ستارگان و زمین ، فاصله چندانی نخواهد داشت . *

و إذا القبور بعثرت

تعبیر <قبر> و زیر و رو شدن خاک آن، ممکن است حاکی از این باشد که هنگام پایان یافتن دنیا و آغاز آخرت، بقایای جسم برخی از انسان ها در قبرها باقی خواهد ماند. کلمه <القبور> به دلیل داشتن <ال> استغراق همه قبرهای موجود در آن زمان را شامل می شود. در نتیجه باید گفت این آیه، درباره سایر انسان ها که چیزی از جسمشان باقی نمانده باشد سخنی نگفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - کوبیده و نرم شدن زمین ، احساس حضور در پیشگاه خداوند و صفوف فرشتگان و مشاهده جهنم ، برطرف سازنده غفلت های انسان و احیاگر حس پندپذیری در او است .

إذا دکت الأرض .. یومئذ یتذکر الإنسان

<یومئذ>، بدل برای <إذا> در <إذا دکت الأرض..> و جمله <یتذکر الإنسان> جزا برای آن است.

انهدام زمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۲

۲ - زمین ، هنگام برپایی قیامت ، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد .

کلاً إذا دکت الأرض دگاً دگاً

<دک> یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و

مانند آن (لسان العرب). تکرار دو مصدر <دَكَاً دَكَاً> بر کثرت آن دلالت دارد؛ یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق خواهد یافت.

اولین نقطه زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۸

۲۸ رسول خدا (ص) فرمود: < دحیت الأرض من مکه ... و هی الأرض التي قال الله > إني جاعل في الأرض خليفة ... <

گسترش زمین از مکه آغاز شده و مکه همان زمینی است که خداوند فرموده: من می خواهم در زمین خلیفه قرار دهم ... <

اهل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۱۸، ۱۳، ۱۰، ۸

۸ - استغفار و آمرزش خواهی همیشگی فرشتگان ، برای زمینیان

و يستغفرون لمن فی الأرض

۱۰ - اهل زمین ، در طبیعت زمینی خود بدون بهره گیری از وحی و شریعت الهی مبتلا به لغزش و گمراهی اند .

كذلك یوحى . . . و يستغفرون لمن فی الأرض

۱۳ - استغفار ملائکه برای زمینیان ، مورد پذیرش خداوند است .

و يستغفرون لمن فی الأرض إلا إنَّ الله هو الغفور الرحيم

۱۸ - استغفار فرشتگان برای آدمیان ، در پی مشاهده غفلت زمینیان از عظمت خداوندی

و هو العلیّ العظیم . . . و يستغفرون لمن فی الأرض

بنابراین که آیه درصدد بیان عظمت خداوند باشد و قهراً استغفار فرشتگان برای اهل زمین می تواند از این جهت باشد که مردم غافل از عظمت خدایند.

۲۰ - استغفار فرشتگان برای زمینیان ، موجب بقای نظام هستی

تکاد السموت یتفطرن . . . و الملائکه ... و

يستغفرون لمن في الأرض

چنانچه آیات در مقام توحید و نفی شرک باشد، از ارتباط فرازهای آیه می توان استفاده کرد که پیامد گناه شرک، چنان بزرگ و سنگین است که اگر استغفار ملائکه برای زمینیان نبود، نظام هستی فرو می پاشید.

اهمیت امانت عرضه شده بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۲

۲ - امانت عرضه شده الهی بر آسمان ها ، زمین و کوه ها و انسان ها ، بس عظیم و سنگین است .

إنا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها وح

تعبیر <أبين أن يحملنها وأشفقن منها> و تعلیل قبول امانت از سوی انسان به <إنه كان ظلوماً جهولاً> حکایت می کند که آن امانت، بس عظیم و سنگین است.

اهمیت تدبیر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۲

۲ - انسان ها ، ناتوان از سلطه همه جانبه بر زمین و به کنترل در آوردن همه عوامل طبیعت

و ما أتم بمعجزين في الأرض

به عجز در آوردن، ملازم با سلطه یافتن و کنترل داشتن بر شیء است.

اهمیت تعقل در تسطیح زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۰ - ۱

۱ - مسطح شدن زمین ، شایان تحقیق و امعان نظر برای کشف علل و عوامل آن

و إلى الأرض كيف سطحت

اهمیت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۳

۳- خلقت آسمان ها و زمین ،

به مراتب مهمتر از حیات دوباره انسان پس از مرگ است .

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۶

۶ - آفرینش آسمان ها و زمین ، بسی مهم تر و با عظمت تر از آفرینش مجدد انسان ها است .

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

شگفت آور بودن انکار معاد از سوی کافران علی رغم مشاهده قدرت خدا بر خلق جهان طبیعت می تواند ناشی از این حقیقت باشد که آفرینش جهان طبیعت، بسی مهم تر و با عظمت تر از خلق مجدد یکی از پدیده های طبیعت (یعنی انسان) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۳

۳ - آفرینش جهان پهناور (آسمان ها و زمین) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد و رد دیدگاه مشرکان است؛ چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۲۱

۲۱ - تمجید و تحسین خداوند از خویش به خاطر آفریدن آسمان ، زمین و انسان

الله الذی جعل لكم الأرض . . . و صورکم ... فتبارک الله رب العلمین

جمله >تبارک الله

ربّ العالمین < دارای آهنگ تمجید و تحسین است.

اهمیت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۷ - ۳

۳- آسمان ها و زمین و سراسر نظام هستی ، نمودار ربوبیت عالی و خدشه ناپذیر خداوند است .

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

اهمیت زمین گیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۴

۴- لزوم کشتن کافران و امان ندادن به آنان ، در میدان جنگ تا مرحله زمین گیر شدن دشمن

فضرب الرقاب حتی إذا أختتموهم

آیه شریفه در مجموع بیانگر یکی از قوانین کارآمد و حیاتی در میدان جنگ است. خداوند، به رزمندگان مسلمان رهنمود داده است تا قبل از غلبه یافتن بر دشمن و زمین گیر ساختن او، اقدام به گرفتن اسیر نکنند؛ بلکه بی درنگ هر دشمنی که در مقابلشان قرار گرفت، بکشند.

بازگشت انسان به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۵ - ۳

۳ انسانها پس از مرگ و مدفون شدن در زمین، دوباره زنده خواهند شد و از دل خاک به عرصه زمین بازخواهند گشت.

و فیها تموتون و منها تخرجون

اخراج از زمین (و منها تخرجون) می تواند به این معنا باشد که انسانها از درون زمین، که معمولاً در آن مدفون می شوند؛ پس از زنده شدن به سطح زمین بازگردانده می شوند؛ و می تواند به این معنا باشد که از کره زمین اخراج و به جایی دیگر

منتقل خواهند شد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

بازگشت به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۲

۲ - بازگشت به اندرون زمین ، سرنوشت همه انسان ها است .

و فیها نعیدکم

باغهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۲،۳

۲ زمین جایگاه باغهایی از درختان انگور و دربردارنده کشتزارهاست .

و فی الأرض .. جنت من أعنب و زرع

<جنه> (مفرد جنات) به معنای بوستان است که به اعتبار پوشش زمینش با درختان این نام بر آن اطلاق شده است و لذا کلمه درختان در برداشت آورده شد. <زرع> به معنای رویانیدن و نیز چیزی است که رویده شده باشد. در آیه شریفه معنای دوم مراد است.

۳ زمین جایگاه درختان خرما ؛ درختانی که به یک ریشه رویده اند و درختانی که ریشه های جدا دارند .

و فی الأرض .. نخیل صنوان و غیر صنوان

<نخیل> (جمع نخل) و به معنای درختان خرماست. <صنوان> (جمع صنو) به چند درخت خرما گفته می شود که دارای یک ریشه باشند و به هر یک از آن درختان <صنو> می گویند.

بذرپاشی در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۳ - ۲

۲ - نقش انسان تنها شخم زدن زمین و پاشیدن بذر در آن است ؛ و نه بیشتر از آن .

أفرء یتم ما تحرثون

در آیه شریفه، تنها <حرث> (عمل آماده کردن زمین و پاشیدن دانه ها در آن)، به انسان نسبت داده شده است.

برکات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف

۳ آسمان و زمین منبع انواع برکت ها و دربردارنده خیر های فراوان برای جوامع بشری است .

لفتحنا عليهم برکت من السماء و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۷

۷ - کوه های استوار ، برکت سرشار زمین ، تغییر فصل ها و تأمین نیار های غذایی موجودات ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خدا

ذلک ربّ العلمین . و جعل فیها روسی من فوقها و برک فیها و قدر فیها أوتها فی أرب

بستر بودن زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱

۱ - زمین همانند بستری گسترده ، شایسته برای زندگانی انسانهاست .

جعل لکم الأرض فرشاً

کلمه <جعل> می تواند به معنای <صیر> (تبدیل کرد) باشد و می تواند به معنای <خلق> (آفرید) هم باشد. کلمه <فرشاً> به معنای بستر گسترده است و اطلاق آن بر زمین از باب تشبیه می باشد؛ یعنی: جعل الأرض کالفرش.

بقای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۱

۱ - تداوم بقا و ثبات آسمان و زمین ، از نشانه های خداوند است .

و من ءایته أن تقوم السماء و الأرض بأمره

بقای نسل انسان در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۶

۶ - هبوط آدم و حوا (ع) به زمین ، ملازم با ابقای تمامی نسل انسانی در آن است .

قال اهبطا .. بعضکم لبعض عدو

ضمیر جمع در <بعضکم> و <یأتینکم> گویای این نکته است که هنگام صدور فرمان هبوط، ادامه یافتن زندگی بشر در زمین، قطعی بوده است.

بی ارزشی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۷

۷- ناچیز بودن جهان هستی (آسمان ها و زمین) ، در برابر عظمت و قدرت خداوند

و الأرض جميعاً قبضته .. و السموت مطوَّيت بيمينه

<قبضه> بر وزن فعله دلالت بر <مَرّه> می کند؛ یعنی، یک مشت. این تعبیر و نیز تعبیر پیچیده بودن آسمان ها در دست خدا، کنایه از ناچیز بودن آنها و نیز اشاره به عظمت خداوند است؛ زیرا به چیزی که کاملاً در اختیار کسی باشد، می گویند: در مشت او است.

پراکندگی مواد درونی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۲ - ۳

۳- زلزله زمین در آستانه قیامت ، انفجاری داخلی و پراکنده سازنده مواد درونی آن است .

و أخرجت الأرض أثقالها

زلزله به طور معمول، آنچه را که بر سطح زمین است، به کام آن فرو می برد؛ ولی در زلزله واپسین، عکس این صحنه اتفاق خواهد افتاد. عطف این آیه بر آیه قبل به قرینه سیاق آیات عطف مسبب بر سبب است.

پرسش از خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱۰، ۱۲

۱۰ انسان ها ، وظیفه دار سؤال کردن از افراد خبیر و آگاه در باره مبدأ و چگونگی آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین

(... و)

الذی خلق السموت .. فسئل به خبیراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که <فا> در <فسئل به خبیراً> جواب برای شرط مقدر و تقدیر آن چنین باشد: <إن شئت تحقیق ما ذکر فسئل به خبیراً>. گفتنی است در برداشت فوق، مرجع ضمیر <به> خلق و استوا و <خبیراً> مفعول برای <فسئل> دانسته شد.

۱۲ لزوم رجوع به افراد خبیر و آگاه در مسائل مربوط به معارف الهی، همچون مبدأ و چگونگی آفرینش آسمان ها و زمین

الحيّ الذی لایموت .. الذی خلق السموت ... الرحمن فسئل به خبیراً

پیدایش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۴ - ۴

۴ - پیدایش آسمان، زمین، شب، روز، آب، گیاه و کوه، حوادثی نابرابر با حادثه بزرگ قیامت

الطامه الكبرى

<کبری> اسم تفضیل است و قیامت را در برابر آنچه در آیات پیشین ذکر شد برترین و بزرگ ترین حادثه معرفی می کند.

پیوستگی آسمان و زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۱

۱- جهان طبیعت (آسمان و زمین) در ابتدای خلقت، متراکم و به هم پیوسته بوده است .

أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا

<رتق> به معنای ضمّ و پیوستن است و <فتق> به معنای فصل و جدا شدن است. مقصود از رتق پیوستگی و با هم بودن آسمان و زمین در آغاز خلقت و مراد از <فتق> جدا شدن و دورگشتن آن دو از هم در دوره بعد است. گفتنی است که مقصود

از رؤیت در <أولم یر> رؤیت قلبی و علمی است.

تاریخ خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲۴

۲۴ از امام باقر (ع) روایت شده که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: <ان الله جلّ ذكره و تقدست اسمائه خلق الأرض قبل السماء . . .>

خدای جل ذکره . . . زمین را قبل از آسمانها آفرید ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۲

۲ - آفرینش آسمانها مقدم بر آفرینش زمین *

و من آياته خلق السموت و الأرض

تاریخ زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۳

۳ - زمین در ابتدای پیدایشش قابل سکونت و زندگانی انسان نبوده است .

الذی جعل لکم الأرض فرشاً

برداشت فوق بر این اساس است که: <جعل> به معنای <صیر> باشد، یعنی، خدا زمین را به گونه ای که قابل زندگانی باشد مبدل ساخت. این معنا حکایت از آن دارد که زمین در بدو پیدایش، چنین وضعیتی را دارا نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۸

۲۸ رسول خدا (ص) فرمود: <دحیت الأرض من مکة . . . و هی الأرض التي قال الله > إني جاعل في الأرض خليفه . . .

; <

گسترش زمین از مکه آغاز شده و مکه همان زمینی است که خداوند فرموده: من می خواهم در زمین خلیفه قرار دهم . . <.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ جایگاه بنای کعبه ، اولین نقطه آفریده شده از زمین

انّ اوّل بیت وضع للناس

امام صادق(ع): ... لما اراد الله تعالى ان يخلق الارض ... فجمعه في موضع البيت ثم جعل جبلاً من زبد ثم دحى الارض من تحته وهو قول الله عزّ وجل: (ان اول بيت .. < .

کافی، ج ۴، ص ۱۸۹، ح ۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۶۵، ح ۲۴۴ و ۲۴۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۲

۲ تغییر و تحول آسمان ها و زمین از شکل آغازین خود *

رفع السموت .. مدّ الأرض

ظاهر جمله <رفع السموت> این است که برافراشته شدن صفتی می باشد که عارض بر آسمانها شده است ؛ یعنی، در ابتدای خلقتشان برافراشته نبودند، خداوند آنها را برافراشته کرد و نیز <مدّ الأرض> در این معنا ظهور دارد که زمین در آغاز گسترده نبود، خداوند آن را گسترانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۲

۲- کره زمین در بدو پیدایش ، دارای حجم گسترده ای نبوده است . *

و الأرض مددنها

<مدّ> در لغت به معنای <بسط> و <جزّ> است و مراد از آن در آیه فوق، می تواند توسعه حجمی زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۱۰ - ۵

۵- آب های زمین در گذشته از آسمان فرود آمده است .

هو الذی أنزل .. تسیمون

<أنزل> به صورت ماضی تعبیر شده است؛ ولی <تسیمون> و <ینبت> به صورت مضارع بیان گردیده، در صورتی که اینها از نتایج باران است. از این رو می توان استفاده کرد که مقصود از <أنزل> در این جا، بارانهای معمولی که از ابرها فرو می ریزند نیست؛ بلکه اشاره به بارانهایی است که قبلاً بر زمین باریده است تا زمین سرد شده و آب در نقاط کم ارتفاع و نیز طبقات زمین ذخیره گشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۵

۵- زمین ، پیش از برخورداری از آب ، فاقد حیات بود .

فأحيا به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۵،۳

۳ - شرایط روی زمین ، در آغاز برای زندگی انسان مناسب نبوده است . *

الذی جعل لکم الأرض مهذاً

ممکن است <جعل> به معنای <صیر> باشد که حاوی معنای تحول و دگرگونی است. در این صورت باید گفت: زمین از آغاز برای زندگی انسان مناسب نبوده است؛ ولی خداوند آن را متحوّل ساخته تا این که شرایط ویژه برای حیات بشر بر روی آن فراهم آمده است.

۵ - پدیدار شدن شرایط حیات انسان بر روی زمین و امکانات مختلف برای او ، کاری هدف دار و برنامه ریزی شده

لکم الأرض ... سلک لکم

از تکرار <لکم> در آیه شریفه و از مضمون آیات بعد، این نکته استفاده می شود که آماده شدن زمین برای حیات انسان امری تصادفی نبوده، بلکه از قبل طراحی گردیده و برنامه ها، هدف دار اجرا شده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۲

۲- جهان طبیعت ، دارای آسمان های متعدد

السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۲

۲- پیدایش کوه ها ، پس از آفرینش زمین بوده است . *

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم

ظاهر آن است که قرار دادن شیء در ظرفی فرع وجود ظرف است؛ بنابراین قرار دادن کوه ها در زمین بیانگر تأخر پیدایش کوه ها از پیدایش خود زمین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۳

۳- زمین ، در آغاز پیدایشش قابل سکونت و زندگی انسان نبوده است .

اللّٰه الذی جعل لکم الأرض قرارًا

<جعل> در دو معنا استعمال شده است: خَلَقَ (آفرید) و صَيَّرَ (تبدیل کرد و به گونه ای دیگر در آورد). برداشت یاد شده مبتنی بر معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ - ۲

۲- زمین ، در ابتدای خلقت قابل سکونت نبود . *

خلق السموت .. الذی جعل لکم الأرض مهّدًا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر <جعل لکم> پس از بیان خلقت آسمان ها و زمین، اشاره به این نکته داشته باشد که زمین در ابتدا، غیر قابل سکونت بوده و سپس جایگاه مناسبی برای زندگی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۹ - ۵

۵ - گستردگی و پهناوری کنونی زمین ، پس از گذشتن

چندی از آفرینش نخستین آن بوده است .

و الله جعل لكم الأرض بساطاً

<جعل> در چند معنا به کار می رود؛ از جمله آنها، تغییر دادن از صورت و حالتی به صورت و حالتی دیگر است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۴

۴- فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

و الأرض بعد ذلك دحيها

فعل <دحاها> دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید <بعد ذلك>، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

تبدیل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۱،۲،۵

۱- انتقام خداوند از ستمگران و عذاب کردن آنان در روزی است که این آسمان و زمین ، به آسمان و زمین دیگری تبدیل شوند .

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم .. إن الله عزیز ذو انتقام . یوم تبدل الأَرْض

برداشت فوق مبتنی بر این است که <یوم تبدل ..> ظرف برای انتقام باشد.

۲- دگرگونی اساسی آسمان و زمین و تبدیل نظام کنونی آنها به نظامی دیگر ، در آستانه برپایی قیامت

یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السموت و برزوا لله

۵- تبدیل نظام کنونی جهان (آسمان و زمین) به نظامی متناسب با حیات جاودانه اخروی انسان در آستانه برپایی قیامت

یوم تبدل الأرض غیر الأرض و

السموات) ممکن است پاسخ این سؤال باشد که: چگونه ممکن است انسان در آخرت حیات جاودانه ای داشته باشد و مواجه با مرگ نشود؟ قرآن پاسخ می دهد: نظام کنونی جهان متناسب با شرایط زندگی جاودانه دگرگون می شود و به نظامی کاملاً متفاوت تغییر می یابد.

تبدیل زمین به بیابان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸ - ۴

۴- زمین ، در نهایت ، به کویری بی حاصل و خالی از گیاه ، تبدیل خواهد شد .

و إنا لجعلون ما عليها صعيداً جرزاً

تحقیق در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۱۱

۱۱ زمین و آثار گذشتگان ، منبعی برای شناخت و عبرت آموزی

فسيروا فى الارض فانظروا كيف كان عاقبه المكذبين

تخیر موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ - نگاه متحیرانه و بهت آمیز موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور در قیامت

ثم نفخ فيه اُخرى فإذا هم ينظرون

تخریب زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ تخریب آبادانی های زمین و به هدر دادن امکانات طبیعی آن ، از مصادیق فسادگری در زمین

و لا تفسدوا فی الأرض بعد إصلاحها

آیه بعد <و هو الذی . . . > که بیانگر جلوه ای از آبادانی زمین است می تواند قرینه ای باشد بر اینکه از مصادیق مورد نظر برای <لا تفسدوا ... > تخریب

آبادانیهای زمین و ... است.

تخلیه زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۴ - ۱

۱ - زمین در آستانه قیامت ، تمام آن چه را در دل خود جای داده ، بیرون افکنده ، به کلی تخلیه خواهد شد .

و أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ

باب تفعّل، بر تکلف دلالت دارد؛ بنابراین <تخلّت> یعنی، در تخلیه سخت کوشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۵ - ۳

۳ - گسترش و افزایش مساحت زمین در آستانه قیامت و خالی شدن درون آن ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و در راستای تکامل یافتن زمین است .

و أذنت لربّها

تداوم حیات در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۵ - ۳

۳ - شرایط حیات در کره زمین حتی برای جانداران بیابانی تا زمان پیدایش نشانه های قیامت ، همچنان باقی خواهد ماند .

و إذا الوحوش حشرت

تدبیر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳ - ۱

۱ تدبیر و حاکمیت مطلقه و یکسان خداوند بر آسمانها و زمین

و هو الله في السموت و في الأرض

اهل ادب گفته اند که در مانند آیه مورد بحث، <في السماوات .. > نمی تواند متعلق به <الله > باشد، مگر اینکه معنی فعلی در آن منظور گردد و معنی مناسب در این مورد، به قرینه آیات قبل و بعد، مسأله تدبیر و نظارت خداوند بر تمامی موجودات است (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳ - ۱۱

۱۱ تدبیر امور آسمان ها و زمین در دست خداوند است .

الذی خلق السموت و الأرض .. یدبر الأمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱

۱- خداوند ، پروردگار آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

ربّ السموت والأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۵ - ۳

۳- امور زمین ، از آسمان تدبیر می شود .

یدبّر الأمر من السماء إلى الأرض

<من> ابتدایی و <إلی> انتهایی است . <من السماء> متضمن معنای <تنزیل> است ؛ یعنی ، امور از آسمان (عالم بالا) اداره می شود .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵ - ۱

۱ - جهان طبیعت (آسمان ها ، زمین و پدیده های میان آنها) ، تحت ربوبیت خدای یگانه است .

إِنَّ إلهکم لوحد . ربّ السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱۰

۱۰ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت و الأرض . . . کلّ یجری لأجل مسمّی ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و .. ، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۷،۹،۱۴

۷ - آسمان ها و زمین ، تحت تدبیر و حکومت خداوند قرار دارند .

يُنزِّلُ الْأَمْرَ بَيْنَهُنَّ

۹ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویای از قدرت بی پایان خداوند

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ .. لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنم است .

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا .. جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ... اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبا - ۷۸ - ۳۷ - ۹

۹ - تدبیر امور آسمان ها و زمین و موجودات بین آنها از سوی خداوند ، بر پایه رحمت و عطف است .

لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا

توصیف <رَبِّ> به <رحمان>، حاکی از نقش رحمت در تدبیر نظام هستی است.

ترس زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۴۵

۴ - آسمان ها و زمین و کوه ها ، از قبول امانت الهی ،

می ترسیدند .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت و الأرض و الجبال فأبين أن يحملنها و أشفقن منها

۵- خودداری آسمان ها و زمین و کوه ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت و الأرض و الجبال فأبين أن يحملنها و أشفقن منها

تسبیح زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱

۱- آسمان های هفتگانه و زمین و ساکنان آنها ، همواره در حال تسبیح و تنزیه خداوندند .

تسبیح له السموت السبع و الأرض و من فیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۱

۱ - همه موجودات جهان (آسمان ها ، زمین و ...) ، به تسبیح و تنزیه خداوند مشغول اند .

یسبیح لله ما فی السموت و ما فی الأرض

<تسبیح>، به معنای تنزیه است.

تسبیح موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۹

۹ - تمامی موجودات آسمان ها و زمین ، در حال تنزیه و تسبیح خدای یگانه اند .

یسبیح له ما فی السموت و الأرض

تسخیر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۵

۵ زمین ، آسمان و همه عوامل هستی ، در اختیار خدا و گوش به فرمان او هستند .

يَأْرِضُ اِبْلَعِى مَاءِ كَ وِ يَسْمَاءِ اَقْلَعِى وِ غِيْضِ الْمَاءِ

تسطیح زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۱

-۱

خداوند ، زمین را گسترده و هموار قرار داده است .

و الأرض مددنها

<مدّ> در لغت به معنای <بسط> و <جزّ> است و مقصود از آن در این آیه، گستردن و هموار کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۲

۲- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطح می شود .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه

<نسیّر> (از ماده سیر) یعنی <حرکت می دهیم> و <بارزه> به معنای <ظاهر و آشکار> است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۷ - ۱

۱- روز قیامت ، کمترین پستی و بلندی در سطح زمین مشاهده نخواهد شد .

لاتری فیها عوجًا و لأمتًا

<عوج> نقطه مقابل اعتدال است (مصباح) و <أمت> به معنای مکان مرتفع می باشد و به پستی و بلندی نیز اطلاق می گردد (قاموس). مفاد <لاتری...> آن است که به هنگام تحقق رستاخیز در زمین، هیچ ناهمواری و کجی به چشم نخواهند خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۱

۱- با متلاشی شدن کوه ها و مسطح شدن زمین در قیامت ، دعوت کننده ای ، آدمیان را به بیرون آمدن از قبر ها دعوت خواهد کرد .

یومئذ یتبعون الداعی لاعوج له

ظاهراً مقصود از <داعی> که تمامی مردم

از او تبعیت خواهند کرد و به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد کسی است که آدمیان را از قبرها برای حشر فرا می خواند.

تشبیه به احیای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۷،۹

۷ - تشبیه تجدید حیات انسان ها در قیامت ، به احیای زمین و پدید آمدن حیات در آن

أرسل الريح فتثير سحابًا فسقنه إلى بلد مَيِّت فأحيينا به الأرض بعد موتها كذلك الن

۹ - احیای انسان ها در قیامت همچون احیای زمین از راه یک سلسله عوامل و زمینه های حیات آفرین خواهد بود .

فأحيينا به الأرض بعد موتها كذلك النشور

برداشت یاد شده از تشبیه به کار رفته در آیه شریفه به دست می آید.

تشبیه به زمین مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۲

۲ - دل های غافل از یاد خداوند و بیگانه با کلام او (قرآن) ، چونان زمین مرده است .

أن تخشع قلوبهم لذكر الله .. اعلّموا أنّ الله يحيي الأرض بعد موتها

تشبیه زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۱

۱ - قرار دادن زمین ، همانند گهواره ای برای آرامش و آسایش انسان ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

الذی جعل لكم الأرض مهذا

<مهده> جایگاهی است که برای طفل آماده می کنند (گهواره)، در آیه شریفه، زمین به گهواره ای که طفل در آن می

آرمد، تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق

۴ - شباهت و همانندی کره زمین با آسمان ها ، در ترکیبات ، خصوصیات و قوانین حاکم بر آنها

اللّٰه الذی خلق سبع سموت و من الأرض مثلهنّ

مفسران درباره وجه شبه در این آیه (تشبیه زمین به آسمان)، دو احتمال داده اند: ۱ شباهت و همانندی از نظر ترکیبات، خصوصیات و قوانین حاکم بر آنها (احتمال برگزیده در برداشت بالا)؛ ۲ شباهت از نظر عددی یعنی، کره زمین مانند آسمان هفت تا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۲

۲ - زمین ، همچون گوی پرتاب شده در فضا است . *

دحیها

یکی از معانی <دحو>، بازی با پرتاب سنگ، گردو و ... به سوی حفره ای است که از پیش به همین منظور حفر شده است. آن حفره را <أدحیه> و سنگ را <مدحاه> می نامند (لسان العرب). بر این اساس جمله <دحاها>، حاکی از پرتاب شدن زمین در فضا است.

تشویق به مطالعه زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۵ - ۲

۲ - تشویق خداوند ، به مطالعه درباره زمین و چگونگی آفرینش آن برای انسان ها

ألم نجعل الأرض کفأناً

تعداد زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۵

۵ - جهان طبیعت ، دارای هفت زمین

خلق سبع سموت و من الأرض مثلهنّ

تغییر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۲

۲ تغییر و تحول آسمان ها و زمین از

شکل آغازین خود *

رفع السموت . . مد الأرض

ظاهر جمله <رفع السموت> این است که برافراشته شدن صفتی می باشد که عارض بر آسمانها شده است ؛ یعنی، در ابتدای خلقتشان برافراشته نبودند، خداوند آنها را برافراشته کرد و نیز <مد الأرض> در این معنا ظهور دارد که زمین در آغاز گسترده نبود، خداوند آن را گسترانید.

تفکر در ملکوت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۴، ۱۳

۱۳ دقت و تفکر در ملکوت آسمان ها و زمین و دیگر آفریده ها ، بهترین وسیله برای ایمان به خدای یگانه و روز قیامت

فبأی حدیث بعده یؤمنون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <بعده> به استدلالی که از <أو لم ينظروا> فهمیده می شود، برگردانده شود. بر این مبنا <باء> در <بأی> سببیه است. یعنی اگر جهان آفرینش از آن جهت که نیازمند آفریننده است نتواند آدمی را به خدای یگانه مؤمن کند، کدامین دلیل توان اثبات آن را دارد؟

۱۴ آنان که از طریق اندیشه در ملکوت آسمان ها و زمین (نیاز جهان هستی به مالک و هستی بخش) هدایت نشوند ، هیچ دلیلی دیگر نمی تواند آنان را هدایت کند .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

توضیح برداشت پیش راهنمای این برداشت است.

تفکر در موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۴

۴ - اندیشه در پدیده های زمین ، عامل راه یابی انسان به توحید و جلوه های رحمت حق

الرحمن . . و الأرض وضعها للأنام . فيها ... و الحب ذوالعصف

با توجه به این که این آیات با صفت رحمانیت خداوند آغاز گردیده و در هر بخش جلوه ای از رحمت حق به انسان یادآوری شده، می توان استفاده کرد که برشمردن این نمونه ها، برای این است که آدمی با تأمل در آنها، به توحید و رحمانیت خداوند پی ببرد.

تکامل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - جهان طبیعت (آسمان ها ، زمین و ...) رو به رشد و کمال است .

قال ربّ السموت و الأرض و ما بینهما

<ربّ> به معنای تربیت کردن است و <تربیت> ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است تا آن گاه که به تمام و کمال برسد (مفردات راغب). این معنا حکایت از حرکت تکاملی و رو به رشد دارد. برداشت یاد شده نیز مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵ - ۱۰

۱۰ - جهان (آسمان ها و زمین و ...) ، دارای روندی رو به رشد و کمال

ربّ السموت .. و ربّ المشرق

<رب> به معنای تربیت کردن است و تربیت ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است، تا آن گاه که به حد تمام و کمال برسد (مفردات راغب). این معنا حکایت از روند رو به رشد و تکامل دارد.

تیمم بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۸

۱۸ تیمم بر هر چه به آن زمین

گفته می شود ، جایز است .

فَتِيْمَمُوا صَعِيْدًا طَيِّبًا

در برداشت فوق <صعید> به معنای زمین گرفته شده است، چه از جنس خاک باشد یا سنگ و یا چیز دیگر، چنانچه برخی از اهل لغت گفته اند.

ثبات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۵،۱

۱ - خداوند ، کره زمین را با ثبات و آرام قرار داد .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْاَرْضَ قَرَارًا

<قرار> می تواند مصدر <قَرَّرَ> (مرادف سَيَّكَنَ و ثَبَّتَ) باشد. در این صورت قرار، مقابل اضطراب و لرزیدن و از اوصاف زمین به شمار می رود. هم چنین می تواند به معنای مستقر و جایی باشد که در آن ثبات و آرامش است یعنی، <جعلها مستقراً لكم>. در این صورت مقصود آن است که زمین را به گونه ای قرار دادیم که جایی برای سکونت شما انسان ها باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

۵ - ثبات زمین و قابل سکونت بودن آن برای بشر و برافراشته ساختن آسمان ، جلوه هایی از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

ذَلِكُمْ اللّٰهُ رَبِّكُمْ .. اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْاَرْضَ قَرَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۱

۱ - خداوند ، زمین را برای انسان رام و قابل بهره برداری قرار داد .

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْاَرْضَ ذَلُولًا

جن در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - اءاف - ٤٤ - ٣٢ - ٣

٣- زمين ، قرارگاه اصلى جن *

و من لا يءب داعى الله فليس بمعجز فى الأرض

ءصريح به

<فی الأرض> می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۳

۳ - جنیان ، همانند انسان در زمین سکونت دارند .

و الأرض وضعها للأنام

در صورتی که <أنام> به معنای جن و انس باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جوشش آب از زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۲ - ۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹،۲۰،۲۱،۲۲،۲۳،۲۴،۲۵،۲۶،۲۷،۲۸،۲۹،۳۰،۳۱،۳۲،۳۳،۳۴،۳۵،۳۶،۳۷،۳۸،۳۹،۴۰،۴۱،۴۲،۴۳،۴۴،۴۵،۴۶،۴۷،۴۸،۴۹،۵۰،۵۱،۵۲،۵۳،۵۴،۵۵،۵۶،۵۷،۵۸،۵۹،۶۰،۶۱،۶۲،۶۳،۶۴،۶۵،۶۶،۶۷،۶۸،۶۹،۷۰،۷۱،۷۲،۷۳،۷۴،۷۵،۷۶،۷۷،۷۸،۷۹،۸۰،۸۱،۸۲،۸۳،۸۴،۸۵،۸۶،۸۷،۸۸،۸۹،۹۰،۹۱،۹۲،۹۳،۹۴،۹۵،۹۶،۹۷،۹۸،۹۹،۱۰۰

۱ - توصیه خداوند به ایوب (ع) ، مبنی بر کوبیدن پای خود بر زمین برای جوشیدن آب از آن

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

<رکض> در اصل به معنای زدن با پا است و هرگاه به راکب نسبت داده شود، به معنای راندن مرکوب و هرگاه به رونده نسبت داده شود، به معنای گام نهادن بر زمین خواهد بود (مفردات راغب). در آیه شریفه به قرینه <هذا مغتسل...>، به دست می آید که مقصود پای کوبیدن بر زمین برای جوشیدن چشمه و آب سرد از آن است.

۲ - جوشیدن آب سرد برای شستوشوی و نوشیدن ، بلافاصله پس از این بود که ایوب (ع) پای خود را بر زمین کوبید .

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

۴ - آب خنک جوشیده از زمین ، وسیله شفای ایوب (ع) از بیماری و رنج

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

۵ - شفا یافتن ایوب (ع) از آب سرد جوشیده از زمین ، از معجزات خداوند و الطاف او به آن حضرت

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

از ظاهر آیه شریفه استفاده می شود، که

خداوند درصدد بیان معجزه و لطف خود به ایوب(ع) است.

۶- نقش آب سرد جوشیده از زمین ، در سلامتی انسان و برطرف کردن برخی از بیماری های جسمی

هذا مغتسل بارد و شراب

چرخش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۸

۱۸ سرگردانی بنی اسرائیل در پی سرپیچی از فرمان موسی (ع) با چرخیدن زمین به هنگام سفر شبانه آنان و بازگردانده شدن به محل سکونت اولیه خویش

قال فانها محرمة عليهم اربعين سنه يتيهون في الارض

از امام صادق(ع) در بیان کیفیت سرگردانی بنی اسرائیل روایت شده: .. اذا كان العشاء و اخذوا في الرحيل ... اذا ارتحلوا و استوت بهم الارض قال الله للارض ديري بهم فلايزالوا كذلك ... فاذا اصبخوا اذا ابنيتهم و منازلهم التي كانوا فيها بالامس ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۷۴ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۸، ح ۱۱۶.

حافظ نظم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۱

۱ - تنها خداوند ، نگه دارنده نظم کنونی آسمان ها و زمین از زوال و پاشیدگی است و هیچ قدرت دیگری در آن نقش ندارد

إنَّ اللهَ يمسك السموات والأرض أن تزولا ولئن زالتا إن أمسكهما من أحد من بعده

حاکم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سلطنت و حکومت بر آسمان ها و زمین (جهان هستی) تنها در اختیار خداوند است .

ألم تعلم أن الله له ملك السموت

تقديم خبر (له) بر مبتدا (ملك السماوات ..) دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳ - ۱

۱ تدبير و حاکمیت مطلقه و یکسان خداوند بر آسمانها و زمین

و هو الله في السموت و في الأرض

اهل ادب گفته اند که در مانند آیه مورد بحث، <في السماوات ..> نمی تواند متعلق به <الله> باشد، مگر اینکه معنی فعلی در آن منظور گردد و معنی مناسب در این مورد، به قرینه آیات قبل و بعد، مسأله تدبير و نظارت خداوند بر تمامی موجودات است (مجمع البيان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۴

۴ فرمانروایی و حاکمیت بر آسمان ها و زمین در انحصار خداوند است .

الذی له ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۹

۹ یگانه فرمانروای آسمان ها و زمین ، تنها قدرت قابل اتکا برای انسانها

إن الله له ملک السموت و الأرض .. و ما لكم من دون الله من ولی و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۸

۸ خدا ، فرمانروای آسمان ها و زمین است .

الذی خلق السموت .. ثم استوی علی العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۸

۱۸- حاکمیت و فرمان روایی بر آسمان ها و زمین ، در انحصار خداوند است .

ولا یشرك فی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۲ - ۱

۱ - فرمان روایی آسمان ها و زمین ، تنها از آن خداوند است .

و لله ملك السموت و الأرض

تقدیم خبر (لله) بر مبتدا (ملك السماوات ..)، مفید حصر و اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۱،۳

۱ فرمان روایی جهان (آسمان ها و زمین) تنها از آن خدا است .

تبارک .. الذى له ملك السموت و الأرض

۳ فرمان روایی و حکومت خداوند بر آسمان ها و زمین ، خاستگاه نزول کتابی که تبیین کننده حق از باطل برای انسان ها است

تبارک الذى نزل الفرقان على عبده .. الذى له ملك السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۲

۲ - آسمان و زمین ، تحت قدرت قاهر خداوندی است .

و ما أنتم بمعجزين فى الأرض و لا فى السماء

<ما أنتم بمعجزين > کنایه از این است که او، توان بیشتری دارد و شما، نمی توانید از قدرت او، فرار کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۰ - ۱

۱- فرمانروایی جهان هستی (آسمان ها ، زمین و موجودات میان آن دو) تنها در اختیار خداوند است .

أَمْ لَهُمْ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۴ - ۴

۴ - جهان آفرینش (آسمان

ها ، زمین و ...) تحت فرمانروایی خدا است .

له ملك السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۱

۱ - یگانه فرمانروای آسمان ها و زمین و مجموعه هستی ، شایان ستایش و تمجید است .

و تبارك الذى له ملك السموت و الأرض

واژه <تبارك> که در مقام ستایش به کار می رود، از ماده <برکت> به معنای خیر فراوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۷ - ۱

۱ - خداوند ، یگانه فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملك السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۱

۱ - خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملك السموت و الأرض

<ملك> به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲ - ۱

۱ - فرمانروایی آسمان ها و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له ملك السموت و الأرض

تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملک) افاده حصر می کند و <ملک> به معنای سلطنت و فرمانروایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۵ - ۱

۱ - فرمانروایی آسمان ها و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له ملک السموت و الأرض

<ملک> به معنای سلطنت و فرمانروایی است و تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملک..) افاده حصر می کند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۷

۷ - آسمان ها و زمین ، تحت تدبیر و حکومت خداوند قرار دارند .

يَتَنَزَّلُ الْأَمْرَ بَيْنَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۱

۱ - حاکمیت و مالکیت بر آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند است .

له ملك السموت و الأرض

<مُلْكٌ> اسم مصدر و به معنای بر عهده داشتن سلطنت است (مصباح). هر جا کلمه <مُلْكٌ> به کار رود، مستلزم <مِلْكٌ> (مالکیت) نیز خواهد بود. (مفردات راغب)

حاکمیت بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱۰

۱۰ حاکمیت بر زمین ، سرانجام از آن تقوایندگان است .

و العقبه للمتقين

<عاقبه> به معنای سرانجام است و <ال> در آن می تواند جانشین مضاف إليه باشد که به قرینه <إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا ..> <آن مضاف إليه> ارث الأرض است. یعنی: عاقبه ارث الأرض للمتقين.

حدوث زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۴

۴ آسمانها و زمین، مخلوقاتی حادث و بدیع هستند.

الحمد لله الذى خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

خالق، پدیدآورنده ای را گویند که بدون نمونه قبلی چیزی را ابداع و ایجاد نماید. (الخلق ... إبداع الشيء على مثال لم يسبق اليه. لسان العرب.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۲

۲ آسمان ها و زمین ، پدیده ای حادث و نه قدیم

يوم خلق السموت و

۶ - آفرینش زمین و بستر مناسب بودن آن برای حرکت و روزی انسان ها ، جلوه علم و آگاهی خداوند بر احوال نهان و آشکار انسان ها

إِنَّهٗ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ . . . هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا . . . وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد تبیین چگونگی علم خداوند بر احوال و ضمیر انسان ها است که در دو آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است.

۵ زمین در حرکت است و انسان ها را بر آیات آسمانی عبور می دهد .

كَأَيِّنْ مِنْ آيَاتِ الْآسْمَانِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا لَا يَنْظُرُونَهَا إِلَّا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

چنان چه جمله <یمرن علیها> را به معنای حقیقی آن و نه معنای کنایی اش (مشاهده می کنند) حمل کنیم، حاکی از حرکت زمین خواهد بود؛ زیرا مرور بر آیات آسمانی با این معنا سازگار می باشد که زمین حرکت کند و انسانها به واسطه حرکت آن بر آیات آسمانی عبور نمایند (برگرفته شده از تفسیرالمیزان).

۴ - کره زمین ، دارای حرکت و جنب و جوش است . *

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا

از وجوه تشبیه زمین به گهواره آن است که همان گونه که گهواره برای آرامش طفل حرکت داده می شود، زمین نیز دارای حرکت است.

حرمت افساد در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۷ - ۶

۶ - فسادگری در زمین از محرمات الهی است .

و یفسدون فی الأرض

حق بهره‌وری از زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۵

۵ حق بهره‌وری از زمین و امکانات آن برای همه انسانهاست، نه گروهی خاص.

و لقد مکنکم فی الأرض و جعلنا لکم فیها معیش

حقانیت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱

۱- خداوند آسمان‌ها، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۱،۵

۱ - خداوند، آسمان‌ها و زمین را، به حق، آفریده است .

خلق الله السموت و الأرض بالحقّ

۵ - خلقت هدف دار آسمان ها و زمین ، نشانه و آیه بزرگ خدا برای مؤمنان است .

خلق الله السموت و الأرض . .. إنّ في ذلك لآيه للمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱،۲

۱- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما لعين . ما خلقنهما إلا بالحقّ

۲- آفرینش آسمان ها و زمین ، به دور از هرگونه پوچی ، بیهودگی و بطلان

و ما خلقنا السموت و الأرض .. لعين ... إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۲ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲

۲- آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و ...) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حق> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

حمد خدا در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - هر آنچه حمد و ستایش در آسمان ها و زمین (عالم) است ، از آن خداوند است .

و له الحمد فى السموت و الأرض و عشياً و حين تظهرون

بنابراین که

جمله <و له الحمد..> خبری باشد و <فی السماوات> متعلق به <الحمد> باشد، نکته بالا قابل استفاده است. گفتنی است که تقدیم <له> بر <الحمد> مفید حصر است و <ال> در <الحمد> برای جنس است.

حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۴ - ۳

۳ - باران ، مایه حیات زمین و طبیعت است .

و ينزل من السماء ماء فيحيى به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۴

۴ - زمین ، دارای مرگ و حیات است .

و ايه لهم الأرض الميتة أحيينها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۷

۱۷ - حیات زمین در دنیا و رستاخیز مردگان در قیامت ، نمادی از قدرت بی بدیل خداوند است .

إنّ الذي أحيّاها لمحيّ الموتى إنّّه على كلّ شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۶

۶ - زمین ، دارای مرگ و حیات

فأحيا به الأرض بعد موتها

خالق زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱

۱ - آسمان ها و زمین (هستی) آفریده های خداوند یکتاست .

إن فی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱

۱ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدید آورنده تاریکیها و نور است.

الحمد لله الذی خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱

۱ تنها خداوند پدید آورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد لله الذى خلق ... هو الذى خلقكم من طين

معرفه بودن مسندالیه <هو> و مسند <الذى> مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱،۵

۱ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

۵ خداوند ابداع کننده آسمانها و زمین، بدون الگو و نمونه قبلی

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض

<فطر> به معنای ایجاد و اختراع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱

۱ یگانه آفریدگار آسمانها و زمین خداوند است.

و هو الذى خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۳،۴

۳ پدید آورنده آسمانها و زمین شایسته ربوبیت و عبادت خالصانه است، نه پدیده های جهان.

لا أحب الأفلين .. إني وجهت وجهي للذي فطر السموت و الأرض

۴ خداوند یگانه، پدیدآورنده آسمانها و زمین است.

فطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱ خداوند پدیدآورنده آسمان و زمین بدون داشتن نمونه و الگویی از قبل

بديع السموت و الأرض

<بديع> یعنی خالق و مبدع. معنی بديع بودن

خداوند آن است که او خالق و مخترع عالم است، بدون الگو گرفتن از نمونه ای. (لسان العرب).

۲ خداوند ایجادکننده آسمانها و زمین از کتم عدم است.

بديع السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۱

۱ تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بديع السموت .. . ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید و <ذلکم> در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۴

۴ خدا، آفریدگار آسمانها و زمین است.

الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱

۱ خداوند، آفریننده آسمانها و زمین است.

هو الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ خداوند پدید آورنده آسمانها و زمین

<فاطر> به معنای آفریننده و پدید آورنده است. این کلمه در آیه شریفه مناداست / یعنی: <يا فاطر السموت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۷

۷- خداوند ، پدید آورنده آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) است .

أفئ الله شكَّ فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- تنها خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین و نازل کننده باران از آسمان است .

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء

معرفه بودن مسندالیه و مسند، یعنی <الله> و <الذی خلق...>، دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۱،۸

۱- آفریننده آسمان ها و زمین (جهان هستی) ، خداوند است .

خلق السموت و الأرض

۸- مشرکان صدراسلام ، خداوند را خالق آسمان ها و زمین می دانستند .

أتى أمر الله .. سبحانه و تعالى عما يشركون ... خلق السموت و الأرض بالحق تعالى

<تعالى عما يشركون> مربوط به <بالحق> است و نه <خلق السماوات و ..> بنابراین، از آیه استفاده می شود که مشرکان درباره اصل خلقت عالم حرفی نداشته اند، بلکه درباره حقانیت و پوچی آن توهماتى داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴ - ۱،۲،۴

۱- قرآن ، پیامی فرود آمده از سوی آفریدگار زمین و آسمان ها است .

تنزيلاً ممن خلق الأرض والسموت

<تنزيلاً> مصدر به معنای اسم مفعول و حال برای <القرآن> در آیات قبل است.

۲- خداوند ، آفریدگار آسمان های مرتفع و زمین است .

خلق الأرض والسموت العلى

<على> (جمع <علياً>) اسم تفضیل است. توصیف آسمان ها به مرتفع تر از زمین، برای بیان عظمت رتبه ها و مقام هایی است که قرآن از آن مقام، به زمین نازل شده است.

۴- توان مندی خداوند بر آفرینش زمین و آسمان های

مرتفع ، نشان اقتدار او بفرستادن کتابی شایسته ، برای تذکر و اندرز انسان ها است .

تذکره .. مَمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۳

۳- خداوند ، خالق جهان طبیعت (آسمان ها ، زمین و انسان) است .

رَبِّكُمْ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است .

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۱

۱ - خدا ، آفریدگار یگانه آسمان ها و زمین

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۱،۲

۱ - مشرکان ، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخر کننده خورشید و ماه ، باور داشتند .

و لئن سألتهم من خلق السموات والأرض وسخر الشمس والقمر ليقولن الله

۲ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

من خلق السموات والأرض .. ليقولن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۲

۲ - آفریننده آسمان ها و زمین و تمامی موجودات ، خداوند است .

ما خلق الله السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ -

۱ - خالق آسمان ها و زمین ، در بینش کافران نیز خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

الله الذى خلق السموت و الأرض و ما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۴

۴ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۱،۵،۷،۸

۱ - آسمان ها و زمین ، مخلوق خدا و جلوه ای از قدرت او است .

أولیس الذى خلق السموت و الأرض بقدر

۵ - شگفت آور بودن انکار معاد و احیای مجدد انسان ها ، به قدرت خدای خالق آسمان ها و زمین

أولیس الذى خلق السموت و الأرض بقدر على أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام در <أولیس ..> استفهام انکاری و تعجیبی است.

۷ - مشرکان و کافران در عصر بعثت علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها به آفرینش آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أوليس الذى خلق السموت و الأرض بقدر على أن يخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت

را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

۸ - خداوند خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من يحي العظم و هي رميم .. أوليس الذي خلق السموت و الأرض بقدر على أن ي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱

۱ - خداوند ، خالق آسمان ، زمین و پدیده های میان آن دو است .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما بطلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱

۱ - خدا ، آفریننده آسمان ها و زمین

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۵

۵ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

اللهم فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱۰

۱۰ - تنها آفریننده زمین ، پروردگار و مدبر عالم هستی است .

لتكفرون بالذى خلق الأرض .. ذلك رب العلمين \$ >ذلك< به قرینه مقام خبر مقدم و >ر

<ذلك> به قرینه مقام خیر مقدم و <ربّ العالمین> مبتدای مؤخر است و تقدیم خبر بر مبتدا مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱

۱ - خداند ، آفریننده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریدگار آسمان ها و زمین است .

هو الذى خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین است .

الله الذى خلق سبع سموت و من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، زمین را به گونه ای آفرید که در جهت مصالح و منافع انسان ها باشد .

جعل لكم الأرض ذلولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلك دحيها

<دحو> به معنای بسط دادن و گستراندن است. <بعد ذلک> دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین به قرینه آیات بعد آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه

و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متَّعَا لَكُمْ و لَأَنْعَمَكُمْ

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خدا و آبادانی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۵

۱۵ خداوند ، توان و استعداد آباد کردن زمین را به آدمیان عطا کرده و ایشان را به سوی آبادانی گرایش داده است .

واستعمرکم فیها

استعمره فیها، یعنی: <جعلہ یعمره/وی را آبادکننده آن قرار داد> (لسان العرب). بر این اساس <استعمرکم فیها> چنین معنا می شود: خداوند شما را این گونه قرار داده و آفریده است که زمین را آباد سازید/ یعنی، توان آبادسازی زمین را به شما عطا کرده و نیاز به آن را در شما ایجاد کرده است تا همواره به سمت آبادسازی زمین در حرکت باشید.

خدای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۴ - ۴

۴ - اعتقاد مشرکان به تقسیم کار های آسمان و زمین ، میان خدا و فرزندی که برای او تصویر کرده اند . *

قل إن کان للرحمن ولد .. و هو الذی فی السماء إله و فی الأرض إله

برداشت بالا بدان احتمال است که میان این آیه و آیه <إن کان للرحمان ولد> (آیه ۸۱) بدین گونه ارتباط باشد که مشرکان علاوه بر اعتقاد به فرزندداری خدا، بر این باور بوده اند که الوهیت آسمان و زمین میان او

و فرزندش تقسیم شده است. گفتنی است که این آیات ردی بر هر دو دیدگاه است.

خزاین زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۹

۹ - آسمان ها و زمین ، خزائن و منابع رزق موجودات

يقولون لاتنفقوا .. و لله خزائن السموت و الأرض

خلافت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۵ - ۲، ۱

۱ استقرار انسانهای هر عصر در زمین به جانشینی نسلهای گذشته، در اختیار خدا و به دست اوست.

و هو الذی جعلکم خلائف الأرض

<خلائف> جمع خلیفه (جانشین) است. اگر مخاطبان آیه انسانهای موجود در هر عصر باشند، مراد از جانشینی، جانشینی مردم هر عصر از مردم عصر پیشین خواهد بود. و اگر مخاطبان همه انسانها باشند، مقصود از جانشینی انسانها، جانشینی آنان از انسانهای منقرض شده ای است که پیش از بنی آدم بوده اند. این احتمال نیز گفته شده که منظور جانشینی انسان از خداست.

۲ آمدن هر نسلی به جای نسل پیشین، پرتوی از ربوبیت خدا بر انسانهاست.

و هو رب کل شیء .. و هو الذی جعلکم خلائف الأرض

خلقت تدریجی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۳

۳ آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی ، در شش دوره و مرحله ، بوده است .

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

مراد از <یوم> در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز

به

معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۲،۱۴

۲ آفرینش آسمان ها و زمین ، تدریجی بوده و در شش روز (شش دوره) به انجام رسیده است .

خلق السموت و الأرض فی سته أيام

مراد از <ایام> در آیه شریفه ، معنای متعارف آن (روزها یا شبانه روزها) نیست؛ بلکه مقصود ، دوره ها و مرحله هاست؛ زیرا روز به معنای متعارف آن ، پس از خلقت زمین قابل فرض است.

۱۴ > عن الرضا (ع) قال : إن الله تبارك و تعالی ... خلق السموات و الأرض فی سته أيام ... لیظهر للملائکه ما یخلقه منها شیئاً بعد شیء فیستدل بحدوث ما یحدث علی الله تعالی مرّه بعد مرّه ... و أما قوله عزوجل : < لیلوکم أیکم أحسن عملاً > فإنه خلقهم لیلوهم بتکلیف طاعته و عبادته ، لا علی سبیل الإمتحان والتجربه لأنه لم یزل علیماً بکلّ شیء ... ؛

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی .. آسمانها و زمین را در شش روز آفرید ... تا آنچه را می آفریند برای ملائکه یکی پس از دیگری آشکار کند، که به وسیله حدوث پدیده ها تازه به تازه بر وجود خدا استدلال شود ... و اما قول خدای عزوجل < لیلوکم أیکم أحسن عملاً >؛ یعنی، خدا انسانها را آفرید تا آنان را به وسیله تکلیف به طاعت و عبادت خود آزمایش کند. البته نه برای امتحان

و کشف مجهول؛ زیرا از ازل به همه چیز آگاه بوده و هست ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۴

۴ - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت .

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

واژه <یوم> (مفرد <ایام>) در معنای برهه ای از زمان (کوتاه یا بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس <سته ایام> (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۲

۲ - آفرینش زمین به گونه ای مناسب برای زندگانی ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

اعبدوا ربکم .. الذی جعل لکم الأرض فرشاً

<الذی جعل ..> صفت دوم برای <ربکم> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۳

۳ - آفرینش آسمان ها و زمین ، حاوی نشانه هایی بر توحید و حاکمی از رحمانیت و رحیمیت خداوند است .

لا إله إلا هو الرحمن الرحیم. إن فی خلق السموت و الأرض ... لأیت

آیه مورد بحث - به قرینه آیه قبل - در مقام استدلال بر توحید و رحمانیت و رحیمیت خداوند است و لذا مقصود از <آیات> در ذیل آیه، نشانه های توحید و رحمت گستره خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۲۸

ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد لله الذى خلق

<الذى خلق>، صفت <الله> و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم <الحمد لله> بر وصف <الذى خلق> است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

۸ پدیده ظلمت و نور در جهان، نظامی تابع آفرینش آسمانها و زمین

الحمد لله الذى خلق السموت ... و جعل الظلمت و النور

در این آیه آفرینش آسمان و زمین با فعل <خلق> بیان شده، ولی درباره ظلمت و نور از فعل <جعل> استفاده شده است. توجیه این تفاوت، به گفته برخی از مفسران، تبعی بودن آفرینش نور و ظلمت نسبت به مجموعه هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱،۴

۱ خداوند، آفریدگار آسمانها و زمین و پروردگار راستین انسانهاست.

إن ربکم الله الذى خلق السموت و الأرض فى ستة أيام

۴ خداوند پس از آفرینش آسمانها و زمین (نظام هستی) با استیلا بر عرش، به تدبیر امور آنها پرداخت.

ثم استوی على العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۶

۱۶ > عن محمد بن مسلم قال: قال لی أبو جعفر (ع): کان کل شیء ماءً و کان عرشه على الماء، فأمر الله عز ذکره الماء فاضطرم ناراً ثم أمر النار فخدمت فارتفعت من خمودها دخان فخلق الله عز وجل السموات من ذلك الدخان و خلق الله عز وجل الأرض من الرماد ...

محمد بن مسلم گوید: امام

باقرا(ع) به من فرمود: همه چیز آب بود و عرش خدا بر آب قرار داشت؛ پس خدای عزّ ذکره به آب امر کرد، پس آن آب آتشی برافروخته شد، سپس آتش را امر کرد خاموش شود و خاموش شد، پس بر اثر خاموشی آتش دودی از آن برخاست؛ آن گاه خداوند آسمانها را از آن دود آفرید و زمین را از خاکستر آفرید . . . <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنّم .. مثل الذین کفروا برّبهم أعملهم کرماد اشتدّت به الريح ... ألم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۲

۲- آفرینش آسمان ها و زمین دلیل و نشانه توحید خداوند است .

الله الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۲

۲- کره زمین در بدو پیدایش ، دارای حجم گسترده ای نبوده است . *

و الأرض مددنها

<مدّ> در لغت به معنای <بسط> و <جَزّ> است و مراد از آن در آیه فوق، می تواند توسعه حجمی زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۴،۷

۴- آفرینش حق مدار آسمان ها و زمین ، گواه وحدانیت خدا و نبود شریک برای او

أن أنذروا أنه لا إله إلا أنا فاتقون . خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا

جمله <خلق السماوات و الأرض> به منزله تعلیل برای مضمون <لا إله إلا أنا> در آیه قبل است.

۷- آفرینش آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتى أمر الله .. خلق السموت و الأرض بالحق تعالى عما يشركون

جمله <خلق السماوات ..> می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۱

۱- شیاطین، فاقد کمترین دخالت و نظارت در کار آفرینش آسمان ها و زمین و نیز خلقت خودشان اند.

ما أشهدتهم خلق السموت والأرض و لا خلق أنفسهم

<إشهاد> یعنی، دیگری را به شهادت و حضور خواندن. نفی شاهد گرفته شدن شیاطین در آفرینش آسمان ها و زمین و خلقت خود آن ها، کنایه از آن است که آنان، هیچ نقشی در الوهیت و تدبیر جهان نداشته اند تا در موقع آفرینش، به حضور فراخوانده شده و شاهد خلقت باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۸

۸- اندیشیدن در پدیده های جهان خلقت، از راه های دستیابی انسان به توحید و یگانگی خداوند

أولم ير الذين كفروا أن السموت .. أفلا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۷۸

۷ آفرینش جهان هستی (آسمان ها، زمین و ...) جلوه ای از رحمانیت خداوند

الذی خلق السموت و الأرض .. الرحمن

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که

<الذی خلق> مبتدا و <الرحمان> خبر آن باشد؛ یعنی، آن کسی که جهان را آفرید، رحمان است و قهراً جهان، جلوه ای از رحمانیتش می باشد.

۸ آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و ...) جلوه ای از حیات جاویدان خداوند

الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ .. الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <الذی خلق> صفت برای <الْحَيِّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۲ - ۱۵

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و گوناگونی زبان ها و رنگ های آدمیان ، از آیات الهی است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألستکم و ألونکم

۵ - آیه بودن آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگ های مردم ، برای دانشمندان قابل درک است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألستکم و ألونکم إنّ فی ذلک لآیت للعل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۲

۲ - نظم کنونی آسمان ها و زمین در بقا ، همانند مرحله آغازین خود ، نیازمند به اراده و تدبیر خداوند است .

إنّ الله یمسک السموت و الأرض .. إن أمسکهما من أحد من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۳

۳ - آفرینش آسمان ها و زمین ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و آفرینش مجدد انسان ها

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱۰

۱۰ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت و الأرض ... کلّ یجری لأجل مسمیّ ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و ...، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۲۳، ۲۰، ۱۶

۱۶ - آفریدن جهان هستی (آسمان ، زمین ، انسان و ...) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (الله)

خلق السموت و الأرض ... خلقکم من نفس وحده ... ذلکم الله

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

۲۰ - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض ... له الملك

۲۳ - آفرینش جهان (آسمان ، زمین و انسان) ، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبود های دیگر

خلق السموت و الأرض ... خلقکم من نفس وحده ... لا إله إلا هو

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که جمله <لا إله إلا هو> که پس از بحث از خلقت جهان آمده است به منزله نتیجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر -

۲ - جهان (آسمان ها ، زمین و ...) ، مخلوق خدا و جلوه قدرت او است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱۳

۱۳ - آفرینش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

الله الذی جعل لكم الأرض . . . و صورکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطّیبت ذلکم اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۳

۳ - زمین و چگونگی شکل گیری و آفرینش آن ، از نزدیک ترین و آشکارترین زمینه های توجه انسان به خالقیت خداوند

قل أئنکم لتکفرون بالذی خلق الأرض

از این که خداوند از میان همه نشانه ها و دلایل ، آفرینش زمین را به عنوان دلیل خالقیت و آفریدگاری خود یاد کرده است ، می توان مطلب بالا را به دست آورد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۱،۷

۱ - خداوند ، پس از آفرینش زمین به سامان دادن آسمان پرداخت .

ثمّ استوی إلى السماء

<إستواء> (مصدر <إستوی>) آن گاه که با <إلی> متعدی شود، به معنای آهنگ کردن است. <ثمّ> (در <ثمّ استوی>) می تواند برای ترتیب خارجی و یا ترتیب ذکرى باشد. برداشت بالا بر اساس احتمال اول است.

۷ - شکل گیری نظام آسمان ها و زمین ، براساس جاذبه ها و قوانین طبیعت *

قالتا أتینا طائعين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <طوعاً> اشاره

به حرکت طبیعی و <کرها> حکایت از حرکت قسری داشته باشد و آیه بیانگر حاکمیت حرکت طبیعی حلقه های تکوین در نظام آسمان ها و زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۲،۳

۲ - خلقت آسمان ها و زمین ، بدون هیچ گونه سابقه و الگوی پیشین

فاطر السموت و الأرض

<فاطر> (از ماده <فطر>) به معنای ابداع و آفرینش بدون سابقه نیز آمده است.

۳ - آسمان ها و زمین ، پیش از شکل یافتن به وضع موجود به صورت توده ای واحد و متراکم بود .

فاطر السموت و الأرض

<فطر> (مصدر <فاطر>) به معنای دریدن و جدا کردن است. به کارگیری این ماده می تواند به این مطلب اشاره داشته باشد که آسمان ها، پیش از این که به شکل فعلی در آید به صورت یک توده فشرده و متراکمی بود و سپس با انفجار عظیم از هم جدا و متفرق شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۱،۷

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و جانداران ، از نشانه های روشن خدا و قدرت او است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و ما بثّ فیهما من دابّه

۷ - آفرینش آسمان ها ، زمین و موجودات زنده ، تنها بخشی از آیات الهی است .

و من آیتہ

با

توجه به معنای <من> که برای تبعیض است به دست می آید که جهان هستی سرشار از آیات خداوند است و آفرینش آسمان ها و زمین تنها بخشی از آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۵

۵- آفرینش بهینه آسمان ها و زمین و سایر موجودات ، نمود عزت و حکمت الهی است .

من الله العزيز الحكيم . ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (من الله العزيز الحكيم)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۴

۴- آفرینش توانمندانه آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، دلیل قدرت او بر تجدید حیات مردگان

الله الذي خلق .. و لم يعي بخلقهنّ بقدر على أن يحيي الموتى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۳،۶

۳ - آفرینش آسمان ها و زمین ، نمودی از قدرت عظیم الهی

و لقد خلقنا السموت و الأرض

به قرینه آیات پیشین که بیان کننده قدرت قاهره الهی بود و نیز به قرینه ذیل آیه (و ما مسّنا من لغوب) طرح مسأله آفرینش آسمان و زمین برای نمایاندن قدرت الهی است.

۶ - خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا .. و ما مسّنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود؛ طرح خالقیت خدا

و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۹، ۱۱، ۱۴

۹ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویای از قدرت بی پایان خداوند

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ .. لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱۱ - آفرینش آسمان ها و زمین ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویا از علم مطلق و همه جانبه خداوند است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ .. لَتَعْلَمُوا ... أَنَّ اللَّهَ قَدِ احْتاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا .. جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ... اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۹ - ۵

۵ - گستردگی و پهناوری کنونی زمین ، پس از گذشتن چندی از آفرینش نخستین آن بوده است .

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بَسَاطًا

<جعل> در چند معنا به کار می رود؛ از جمله آنها، تغییر دادن از صورت و حالتی به صورت و حالتی دیگر است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

درختان زمین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۷ - ۲

۲ - در صورت تبدیل شدن همه درختان زمین به قلم و مرکب شدن دریا های متعدد (بیش از هفت دریا) جهت کتابت کلمات الهی ، کلمات خداوند تمام نخواهد شد .

لو أنما فی الأرض من شجرة أقلم و البحر یمده من بعده سبعة أبحر ما نفدت کلمت ال

<من> بیان برای <ما>ی موصول است و آوردن <شجره> با تآی وحدت به جای <شجر> برای این است که افاده استغراق کند به گونه ای که یکایک درختان را در برگیرد. گفتنی است که <سبعة أبحر> دلالت بر کثرت می کند و <من بعده> به معنای <بعد از اتمام آن دریا> و یا غیر از آن است.

درک نیازمندی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۴

۴ - درک ماهیت تعلق و نیاز زمین و موجودات روی آن به خداوند ، تنها در توان اهل دانش و خرد است .

قل لمن الأرض و من فیها إن کتم تعلمون

دشمنی در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۷

۷ - زندگی انسان در زمین ، همواره قرین دشمنی و ستیز آدمیان با یکدیگر بوده است .

اهبطا منها جمیعاً بعضکم لبعض عدو

در باره مراد از <بعضکم لبعض عدو> دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مراد دشمنی شیاطین با انسان ها است. در این نظر <اهبطا> خطاب به ابلیس و آدم خواهد بود. ۲ مراد دشمنی انسان ها با یکدیگر است. مبنای این نظر، مخاطب بودن آدم(ع)

و حوا است. در هر دو مینا، خطاب به آدم و حوا(ع) و ابلیس به اعتبار ذریه آنان خواهد بود. در برداشت یاد شده، دومین دیدگاه پذیرفته شده است.

ذخایر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۸

۸ - منابع و ذخایر غذایی زمین ، برای تأمین نیاز های موجودات آن کافی است .

و قدّر فیها أقوتها .. سواء للسانین

<سواء> به معنای برابر و حال برای <أقوتها> است. <اللسانین> (نیازمندان) از ریشه <سؤل> است؛ یعنی، خداوند ذخایر غذایی را به گونه ای اندازه گیری کرد که بی کم و زیاد نیاز موجودات را تأمین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۱ - ۴

۴ - زمین ، جایگاه ذخیره آب

ماءها

ذخیره سازی آب در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۸ - ۵

۵ - ذخیره شدن آب باران در منابع پراکنده زمین ، نمودی از توجه دقیق خدا به مصالح خلق و عدم غفلت او از احوال آنان

و ما کنا عن الخلق غفلین .. فأسکنه فی الأرض

ذکر خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۵

۵- شگفت آور بودن انکار معاد و عالم آخرت ، با توجه به مخلوق خدا بودن آسمان و زمین

الذین لایؤمنون بالأخره .. أفلم یروا إلی ما بین أیدیهم و ما خلفهم

استفهام در <أفلم> تعجیبی است و دلالت می کند بر این که کفر به آخرت و انکار

معاد، با توجه به این که آسمان و زمین در احاطه خدا قرار دارند، امر شگفت آوری است.

ذوالقرنین در مغرب زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۶، ۴، ۲، ۱

۱- ذوالقرنین ، با به کارگیری برخی از ابزارها و نیروهایش ، به سمت غرب سرزمین خویش پیش رفت .

فَاتَّبِعْ سَبِيًّا . حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ

۲- ذوالقرنین ، با رسیدن به انت های خشکی های غرب ، آبی گل آلود و تیره رنگ را فراروی خویش دید .

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ

<حمئه> یعنی دارای <حمأه> به <گل سیاه بدبو> گفته می شود. (کتاب العین)

۴- پیشروی ذوالقرنین ، با رسیدن به ساحل دریایی گسترده ، متوقف شد .

وجدها تغرب فی عین حمئه

بدان احتمال که نمای غروب خورشید در آب، نشانه گستردگی پهنه دریا باشد، یعنی، در چشم انداز آن، چیزی مشاهده نمی شد، لذا تصوّر آن بود که خورشید در چشمه جوشانی در دریا فرو می رود و خشکی دیگری در ورای آن نیست.

۶- ذوالقرنین ، در آخرین نقطه خشکی ، در غرب سرزمین خویش ، با مردمی دارای تشکّل و قومیت مواجه شد .

وجدها تغرب فی عین حمئه و وجد عندها قومًا

زمان گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۶

۶ - زمان شکافته شدن آسمان و گسترش زمین و تخلیه درون آن ، زمان حضور انسان ها در پیشگاه پروردگار است .

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ . . . فمَلْقِيَه

<إِذَا> در <إِذَا السَّمَاءُ انشقت> ظرف است و مَظروف آن به قرینه <فمَلاقِیْه>

محدوف می باشد، بنابراین مراد چنین خواهد بود: <إِذَا السَّمَاءُ انشقت . . لاقى الإنسان ربّه >.

زمین آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۳،۴

۳ سرای آخرت همچون دنیا، دارای زمین و آسمان است.

مادامت السموت و الأرض

از آن جا که آسمانها و زمین موجود به هنگام برپایی قیامت در هم فرو می ریزد، معلوم می شود مراد از <السموات و الأرض > در این آیه و آیه بعد، آسمانها و زمین سرای آخرت می باشد. براین اساس <ال > در آن دو جانشین مضاف الیه است، یعنی: سماوات الآخره و أرضها.

۴ سرای آخرت، دارای یک زمین است و آسمانهایی متعدد دارد.

مادامت السموت و الأرض

برداشت فوق، از جمع آوردن <سماوات > و مفرد آوردن <أرض > استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۴،۵

۴ سرای آخرت همچون دنیا، دارای زمین و آسمان است.

مادامت السموت و الأرض

۵ سرای آخرت، دارای یک زمین است و آسمانهایی متعدد دارد.

مادامت السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۴

۴- وجود آسمان و زمین در آخرت، در عین تبدیل شدن نظم کنونی آنها در آستانه برپایی قیامت

يوم تبدل الأرض غير الأرض و السموت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٨ - رحمن - ٥٥ - ٣٣ - ٤

٤ - جهان آخرت ، متشكل از آسمان و زمين *

أن تنفذوا من أقطار السموت و الأرض

برداشت بالا با توجه به اين است

که آیه شریفه در مورد قیامت باشد.

زمین از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۵،۶

۵ - خلقت هدف دار آسمان ها و زمین ، نشانه و آیه بزرگ خدا برای مؤمنان است .

خلق الله السموت و الأرض .. إن فی ذلك لآیه للمؤمنین

۶ - برای درک آیه بودن آسمان ها و زمین ، داشتن ایمان و زمینه لازم شرط است .

خلق الله السموت و الأرض بالحقّ .. لآیه للمؤمنین

تخصیص به ذکر مؤمنان از بین مردم برای بیان این که آسمان ها و زمین، آیه برای آنان است؛ از این جهت است که آنان، از آیه بهره می گیرند.

زمین با برکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ کعبه ، خانه ای مبارک (دارای خیر و برکت فراوان)

وضع للناس للذی بیّکه مبارکاً

زمین بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۱۴

۱۴ - > عن أبي جعفر (ع) < الحمد لله الذی صدقنا وعده و أورثنا الأرض ... > یعنی : أرض الجنّه ;

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره > .. و أورثنا الأرض... < فرمود: مقصود زمین بهشت است <.

زمین بی برکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۴

۴ گیاهان نهفته در سرزمین های نامستعد ، هر چند باران رحمت بر آن بیارد ، تهی از خیر و برکتند و بازدهیشان اندک

است .

و الذى خبث لا يخرج إلا نكداً

<نكد> به معنای چیزی است که خیر در آن نباشد و بی خیر بودن گیاهان به این است که بازدهی آن اندک باشد.

زمین پاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۴۱، ۴۰

۴۰ تیمم باید بر زمین پاکیزه باشد .

فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً

امام صادق در باره (صعيداً طيباً) در آیه فوق فرمود: (صعيداً) الموضع المرتفع و (الطيب) الموضع الذى ينحدر عنه الماء.

مرتفع بودن زمین و عبور آب از روی آن، که در حدیث آمده، کنایه از پاکیزه بودن زمین است؛ چون اگر زمین گود باشد، جایگاه کثافات می شود و آب در آن می ماند و لجن می گردد.

معانی الاخبار، ص ۲۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۵، ح ۲۷۵؛ بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۴۷، ح ۱۲.

۴۱ زمین پاکیزه جایگزین آب، برای تحصیل طهارت، اگر چه فقدان آب به طول انجامد .

فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً

رسول خدا(ص) فرمود: الصعيد الطيب وضوء المسلم ولو الى عشر سنين

<وضوء>، به فتح <واو>، آبی است که با آن شستشو می نمایند.

الدر المشثور، ج ۲، ص ۵۵۲، ذیل آیه.

زمین در دوران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۹

۹ - در دوران لوط (ع)، مناطق وسیعی از کره زمین، منطقه زیستی انسان ها بود و لوط (ع) از آنها آگاهی داشت.

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَحْشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

زمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳- > عن محمد بن مسلم قال : سمعت أبا جعفر (ع) يقول : ... لعلكم ترون إنه إذا كان يوم القيامة ... إن الله تبارك و تعالی لا یبعد فی بلاده و لا یخلق خلقاً یعبدونه ... بلی و الله لیخلق خلقاً من غیر فحوله و لا -إناث ... و یخلق لهم أرضاً تحملهم و سماء تظلهم ألیس الله یقول : > یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السماوات < ... ;

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که می فرمود: ... شاید شما گمان کنید هنگامی که روز قیامت فرا رسد ... خدای تبارک و تعالی در بلاد خود عبادت نمی شود و خلقی را که عبادت او ... کند، نمی آفریند؟ چنین نیست، به خدا سوگند! خدا خلقی را از غیر نر و ماده می آفریند و برای آنها زمینی که آنان را حمل کند و آسمانی که بر سر آنها سایه افکند، خلق می کند. آیا خدا نفرموده است: یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السماوات؟<

۱۴- > عن علی بن الحسین (ع) قال : > تبدل الأرض غیر الأرض < یعنی بأرض لم تکتسب علیها الذنوب بارزه ، لیست علیها جبال و لانبات کما دحاها أول مرّه ;

از امام علی بن الحسین(ع) در باره سخن خداوند >تبدل الأرض غیر الأرض< روایت شده است که فرمود: یعنی، به زمینی مبدل می شود که روی آن هیچ گناهی صورت نگرفته است. وسیع و باز است که روی آن کوه و گیاهی نیست،

به آن سان که خداوند اولین بار این زمین را گسترده است >.

۱۶- > قال رسول الله (ص) في قول الله : < يوم تبدل الأرض غير الأرض > قال : أرض بيضاء كأنها فضة ، لم يسفك فيها دم حرام و لم يعمل فيها خطيئه ؛

از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند که می فرماید: <یوم تبدل الأرض غير الأرض> روایت شده است که فرمود: [زمین تبدیل می شود] به زمینی سفید مانند نقره که در آن خونی به حرام نمی ریزد و کار خطایی صورت نمی گیرد >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۴،۱۲

۴ - زمین ، در قیامت ، یکسره در قبضه قدرت خداوند است .

و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة

۱۲ - > عن سليمان بن مهران ، قال سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل < و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة > فقال يعني ملكه لا يملكها معه أحد . . . < و السماوات مطويات بيمينه > قال : اليمين اليد ، و اليد القدره و القوه يقول عز وجل و السماوات مطويات بقدرته و قوته سبحانه و تعالى عما يشركون ؛

سليمان بن مهران گوید: از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزوجل که می فرماید: <و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة> سؤال نمودم، حضرت فرمود: یعنی زمین ملک او است [در قیامت] و هیچ کس غیر از او مالک زمین نیست. .. و درباره <و السماوات مطويات بيمينه> فرمود: یمین همان ید است و مراد از آن قدرت و قوت است و خداوند عزوجل فرمود: آسمان ها به قدرت

و قوت خداوند به هم پیچیده می شوند و او منزّه و برتر است از هر گونه شرکی که به او نسبت می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱،۲،۴

۱ - سراسر زمین در عرصه قیامت به نور الهی روشن خواهد شد .

و أشرقَت الأرض بنور ربّها

<إشراق> (مصدر <أشرق>) به معنای اضائه (روشن شدن) است.

۲ - زمین ، در قیامت عرصه روشن شدن حقایق الهی

و أشرقَت الأرض بنور ربّها

برخی از مفسران بر این عقیده اند که چون خاصیت نور، روشن کردن هر چیزناپید است. بنابراین مقصود از روشن شدن زمین به نور پروردگار، روشن شدن حقایق در عرصه قیامت است و اضافه نور به خداوند اضافه تشریفی و از باب تعظیم می باشد.

۴ - روشن شدن زمین و حقایق مربوط به اهل آن در قیامت ، جلوه ربوبیت الهی است .

و أشرقَت الأرض بنور ربّها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۷

۷ لحظه برپایی قیامت ، لحظه ای دشوار و سنگین برای آسمان ها و زمین

ثقلت فی السموت و الأرض

متعدی شدن <ثقلت> با حرف <فی>، و نه حرف <علی>، گویای این است که آنچه در لحظه برپایی قیامت در آسمانها و زمین واقع می شود، حوادثی عظیم است که تحمل آن بر آسمانها و زمین دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۲،۳

۲- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطح می شود .

<نسیّر> (از ماده سیر) یعنی <حرکت می دهیم> و <بارزه> به معنای <ظاهر و آشکار> است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

۳- در آستانه قیامت و حشر آدمیان، سیستم جغرافیایی و زیستی زمین، تغییر می کند.

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه و حشرنهم

روشن است که به حرکت در آمدن کوه ها و هم سطح شدن پوسته زمین، شرایط جدیدی را در زمین ایجاد خواهد کرد و شرایط کنونی از بین خواهد رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۱

۱۱- به هنگام برپایی قیامت، تمامی استحکامات روی زمین با خاک یک سان خواهد شد.

فإذا جاء وعد ربّي جعله دكاء

آنچه ذوالقرنین درباره فرجام سدّ، باز گو کرد، سرچشمه در آگاهی او از انهدام جهان هنگام برپایی قیامت دارد، گرچه ممکن است در خصوص سد نیز از خداوند به او وعده خاصی رسیده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۷ - ۱

۱ - روز قیامت، کمترین پستی و بلندی در سطح زمین مشاهده نخواهد شد.

لا تری فیها عوجًا و لا أمّتا

<عوج> نقطه مقابل اعتدال است (مصباح) و <أمّت> به معنای مکان مرتفع می باشد و به پستی و بلندی نیز اطلاق می گردد (قاموس). مفاد <لا تری...> آن است که به هنگام تحقق رستاخیز در زمین، هیچ ناهمواری و کجی به چشم نخواهند خورد.

جلد - نام سوره

۱ - با متلاشی شدن کوه ها و مسطح شدن زمین در قیامت ، دعوت کننده ای ، آدمیان را به بیرون آمدن از قبرها دعوت خواهد کرد .

یومئذ یتبعون الداعی لاعوج له

ظاهراً مقصود از <داعی> که تمامی مردم از او تبعیت خواهند کرد و به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد کسی است که آدمیان را از قبرها برای حشر فرا می خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- > عن النبی (ص) فی معنی <الفرع الأكبر> : ان الناس یصاح بهم صیحه واحده فلا یبقی میت إلا نشر و لا حی إلا مات إلا ما شاء الله ثم یصاح بهم صیحه أخرى فینشر من مات و یصفون جمیعاً و تنشق السماء و تهد الأرض و تخز الجبال و تزفر النیران و ترمی بمثل الجبال شرراً فلا یبقی ذو روح إلا إنخلع قلبه و ذکر ذنبه و شغل بنفسه إلا ما شاء الله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که در معنای <فرع اکبر> فرمود: به درستی که یک صیحه بر مردم زده می شود که مرده ای نمی ماند، مگر این که زنده می شود و زنده ای نمی ماند، مگر این که می میرد، جز آنچه را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو ریخته

و آتش شعله هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یاد آورد و هر کس به فکر خویش باشد، مگر آنچه را خدا بخواهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۱

۱ زمین همچون آسمان ، دست خوش تحولات عظیم در آستانه قیامت

یوم تمور السماء .. و تسیر الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴ - ۲

۲ - انهدام زمین در آستانه قیامت ، امری قطعی و غیرقابل تردید

إذا رجّت الأرض رجًا

به کارگیری <إذا>ی شرطیه که در امور قطعی به کار می رود بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۰ - ۲

۲ - دگرگونی اساسی در کره زمین ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست . و إذا السماء فرجت . و إذا الجبال نسفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۳ - ۲

۲ - قیامت ، رخدادی بزرگ و همراه با به هم پاشیدن تمام زمین ، حتی سخت ترین نقطه های آن

و إذا الجبال سیّرت

خبر رانش کوه ها، در حقیقت خبر از متلاشی شدن زمین و بیانگر عظمت رخداد قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۳ - ۲

۲ - ساختار زمین نیز مانند آسمان و ستارگان ، در آستانه قیامت به هم خورده و رخنه های فراوانی

در پیکره آن پدیدار خواهد شد .

إذا السماء .. و إذا الكواكب ... و إذا البحار فجّرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۳ - ۱،۲

۱ - زمین در آستانه برپایی قیامت ، گسترده و مسطح شده و مساحت آن افزایش می یابد .

و إذا الأرض مدّت

<مدّت> به معنای بسط دادن (قاموس)، کشاندن (مفردات) و افزایش دادن است. (مصباح)

۲ - انبساط زمین در آستانه قیامت ، تحت تأثیر عامل خارجی است .

و إذا الأرض مدّت

مجهول بودن فعل <مدّت>، نشان تأثیرپذیری زمین از عامل انبساط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۴ - ۱،۲

۱ - زمین در آستانه قیامت ، تمام آن چه را در دل خود جای داده ، بیرون افکنده ، به کلی تخلیه خواهد شد .

و أَلقت ما فيها و تخلّت

باب تفعّل، بر تکلف دلالت دارد؛ بنابراین <تخلّت> یعنی، در تخلیه سخت کوشید.

۲ - انبساط یافتن زمین در آستانه قیامت ، زمینه تخلیه کامل آن و اخراج بدن انسان ها از قبر و بیرون افکنده شدن اشیاء از درون زمین است .

و إذا الأرض مدّت . و أَلقت ما فيها و تخلّت

تقدیم ذکری، ممکن است بر تقدم رتبی و زمانی دلالت کند. بنابراین انبساط زمین، زمینه <القاء> و <تخلیه> خواهد بود. به قرینه آیات بعد که درباره قیامت انسان ها است می توان گفت: از عبارت <أَلقت ما فيها> بیرون انداختن بدن ها از قبرها نیز اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ -

۲- زمین ، هنگام برپایی قیامت ، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد .

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا

<دكك> یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار دو مصدر <دکاً دکاً> بر کثرت آن دلالت دارد؛ یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۲ - ۳

۳- زلزله زمین در آستانه قیامت ، انفجاری داخلی و پراکنده سازنده مواد درونی آن است .

و أخرجت الأرض أثقالها

زلزله به طور معمول، آنچه را که بر سطح زمین است، به کام آن فرو می برد؛ ولی در زلزله واپسین، عکس این صحنه اتفاق خواهد افتاد. عطف این آیه بر آیه قبل به قرینه سیاق آیات عطف مسبب بر سبب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۱

۱- تحولات زمین هنگام برپایی قیامت ، برای انسان ها بی سابقه و شگفت آور است .

و قال الإنسن ما لها

استغراق که از حرف <ال> در <الإنسان> استفاده می شود استغراق عرفی است و اظهار شگفتی را به اکثریت قاطع انسان ها، نسبت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۲،۴،۵،۶

۲- زمین در قیامت ، پس از لرزش شدید و بیرون ریختن دینه های خویش ، اطلاعات ذخیره شده خود را برملا خواهد ساخت .

۴- زمین گزارش های فراوانی را درباره انسان ها در

خود، بایگانی کرده، در قیامت آنها را بازگو خواهد کرد.

یومئذ تحدّث أخبارها

این آیه گرچه مصداق <اخبارها> را بیان نکرده است؛ ولی آیات بعد، می تواند قرینه باشد که مراد اخبار مربوط به انسان ها است.

۵- زمین در قیامت، دارای شعور و کلام و گواه آنچه بر روی آن اتفاق افتاده است.

تحدّث

۶- > عن أبي هريره قال قرء رسول الله (ص) هذه الآية > یومئذ تحدّث أخبارها < قال : أتدرون ما إخبارها؟ قالوا : الله ورسوله أعلم ، قال : فانّ إخبارها أن تشهد علی کلّ عبد أو أمه بما عمل علی ظهرها ؛

از ابوهریره روایت شده که رسول خدا(ص) آیه <یومئذ تحدّث أخبارها> را قرائت کرد و فرمود: آیا می دانید خبر دادن زمین چیست؟ گفتند خدا و رسولش آگاه تراند؛ فرمود: إخبار زمین گواهی دادن آن است بر هر مرد و زنی به آنچه بر روی آن انجام داده است. <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۵ - ۱

۱ - خداوند در قیامت، زمین را به ارائه اطلاعات بایگانی شده در آن، فرمان خواهد داد.

بأن ربك أوحى لها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۲

۲ - زلزله زمین، از مقدمات حشر مردم و حسابرسی اعمال آنان در قیامت است.

إذا زلزلت الأرض .. یومئذ یصدر الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۵

ریز و درشت انسان را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها .. فمن يعمل مثقال ذرّة خیرًا یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۵

۵ - زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان ، اطلاعاتی را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

و من يعمل مثقال ذرّة شرًّا یره

زمین کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۵ - ۸

۸ زمین مرتفع ، دارای استعداد بیشتر برای ثمردهی است .

کمثل جنّه بریوه اصابها وابل فاتت اُکلهما ضعفین

زمین مستعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۱

۱ گیاهان نهفته در سرزمین های مستعد ، بر اثر بارش باران ، به تمامی می روید و بازدهی آن فراوان است .

و البلد الطیب یرج نباته یاذن ربه

با توجه به مقابله دو فراز < یرج نباته باذن ربه > و < و الذی خبث .. > معلوم می شود در جمله < یرج نباته > ضد معنای < نکدا > ، همانند < مبارکا > ، لحاظ شده است .

زمین موات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - زمین بی گیاه مرده است و حیات آن به رویش گیاهان است .

فأحيا به الأرض بعد موتها

مراد از <احیای ارض> (زنده کردن زمین) به وجود آوردن گیاهان و درختان در آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ آب باران، مناسب ترین آب برای کشاورزی و احیای زمین های مرده

و أنزلنا من السماء ماء طهوراً لنحیی به بلدة میتاً

از این که خداوند از میان انواع آب ها، آب باران را عامل احیای زمین برشمرده و قید <طهور> (پاک و پاک کننده) را بر آن افزوده است، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

زمین نامستعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۴

۴ گیاهان نهفته در سرزمین های نامستعد، هر چند باران رحمت بر آن بیارد، تهی از خیر و برکنند و بازدهیشان اندک است.

و الذی خبت لا یخرج إلا نکداً

<نکد> به معنای چیزی است که خیر در آن نباشد و بی خیر بودن گیاهان به این است که بازدهی آن اندک باشد.

زمین هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۱

۱ - نظام زمین و جغرافیای آن در آستانه قیامت، دچار دگرگونی عمیقی خواهد شد.

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی

پرسش مردم از پیامبر(ص) در باره سرنوشت کوه ها در قیامت، گواه آن است که برهم خوردن نظام فعلی جهان، به صورت ارتکازی و یا با استفاده از آیات دیگر در اذهان مردم، امری مسلم فرض گردیده است؛ ولی عظمت کوه ها این سؤال را برای آنان پدید آورده که <سرنوشت آنها چگونه خواهد بود؟>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۶ - ۲،۳،۴

قیامت ، دچار دگرگونی های بزرگی خواهد شد .

الجبال ... ینسفها ... قاعاً صنفصفاً

از بین رفتن پستی ها و بلندی ها، نشان از تحول عظیم در روی زمین در آستانه قیامت دارد.

۳- سطح زمین در آستانه قیامت ، خالی از هر گونه گیاه و رویدنی خواهد بود .

فیذرها قاعاً صنفصفاً

۴- تبدیل کوه ها به زمینی مسطح و هموار در آستانه قیامت ، کار خداوند و به فرمان او است .

ینسفها ربی ... فیذرها قاعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۹ - ۲

۲- متلاشی شدن نظم کنونی زمین ، در آستانه برپایی قیامت

و تكون الجبال کالعهن

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که متلاشی شدن کوه ها، به معنای از بین رفت نقش آنها در زمین (ثبات و استقرار زمین) است و این به متلاشی شدن زمین اشاره دارد.

زمینه افساد در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۲ - ۲،۳

۲- تجاوز از حریم خویش و نقض حقوق دیگران ، زمینه ساز افزایش فساد در جوامع است .

الذین طغوا ... فأكثروا فیها الفساد

حرف <فاء> در <فأكثروا...>، افزایش فساد را بر طغیان (مذکور در آیه قبل) تفریع کرده است.

۳- فراوانی قدرت و امکانات مادی ، زمینه افزایش فساد در جوامع انسانی است .

إرم ذات العماد .. ذى الأوتاد ... فأكثرُوا فيها الفساد

زمينه تخليه زمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - انشقاق - ٨٤ - ٤ - ٢

٢ - انبساط يافتن زمين در آستانه

قیامت ، زمینه تخلیه کامل آن و اخراج بدن انسان ها از قبر و بیرون افکنده شدن اشیاء از درون زمین است .

و إذا الأرض مدّت . و أَلقت ما فيها و تخلّت

تقدیم ذکری، ممکن است بر تقدم رتبی و زمانی دلالت کند. بنابراین انبساط زمین، زمینه <القاء> و <تخلیه> خواهد بود. به قرینه آیات بعد که درباره قیامت انسان ها است می توان گفت: از عبارت <أَلقت ما فيها> بیرون انداختن بدن ها از قبرها نیز اراده شده است.

زندگی انسان ها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۵

۵ - پراکندگی انسان ها و سکنا گزیدن آنها در مناطق مختلف زمین ، از آیات الهی است .

و من ءایته .. ثم إذا أنتم بشر تنتشرون

زندگی در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۳

۳ - شرایط روی زمین ، در آغاز برای زندگی انسان مناسب نبوده است . *

الذی جعل لکم الأرض مهّدًا

ممکن است <جعل> به معنای <صیّر> باشد که حاوی معنای تحول و دگرگونی است. در این صورت باید گفت: زمین از آغاز برای زندگی انسان مناسب نبوده است؛ ولی خداوند آن را متحوّل ساخته تا این که شرایط ویژه برای حیات بشر بر روی آن فراهم آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۶

۶ - نظام زمین و تناسب آن برای حیات و تغذیه انسان ها و دام های آنان ، حاوی نشانه های فراوانی بر

ربوبیت الهی است .

جعل لكم الأرض .. . كلوا ... في ذلك لأيت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۲،۳،۵

۲ - خداوند ، زمین را به گونه ای آفریده که قابل سکونت و زندگی برای بشر باشد .

اللّٰه الذی جعل لكم الأرض قرارًا

۳ - زمین ، در آغاز پیدایشش قابل سکونت و زندگی انسان نبوده است .

اللّٰه الذی جعل لكم الأرض قرارًا

<جعل> در دو معنا استعمال شده است: خَلَقَ (آفرید) و صَيَّرَ (تبدیل کرد و به گونه ای دیگر در آورد). برداشت یاد شده مبتنی بر معنای دوم است.

۵ - ثبات زمین و قابل سکونت بودن آن برای بشر و برافراشته ساختن آسمان ، جلوه هایی از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

ذلکم اللّٰه ربّکم .. . اللّٰه الذی جعل لكم الأرض قرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۸ - ۴

۴ - مهیا گشتن سطح زمین برای زندگی ، پس از شکل گیری بنای آسمان (نظام کرات) *

و السّماء بنینها .. . و الأرض فرشنها

ترتیب لفظی <و الأرض.. .> بر <و السّماء...>، می تواند بیانگر ترتیب حقیقی و تقدّم بنیان آسمان بر سامان زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۶ - ۱،۳،۴

۱ - زمین ، محل و جایگاه مناسب برای زندگی و مرگ انسان های بسیار

كفائاً . أحياء و أمواتاً

تنوين <أحياء و أمواتاً>، برای تعظیم است و مراد از آن تکثیر می باشد.

۳- آفرینش زمین ، برای حیات و مرگ انسان ها ،

جلوه قدرت و عظمت الهی است .

ألم نجعل الأرض كفاتاً . أحياءً و أمواتاً

۴ - > حَمَاد بن عيسى عن أبي عبدالله (ع) أنه نظر إلى المقابر ، فقال : يا حَمَاد هذه كِفَاتُ الأموات و نظر إلى البيوت فقال : هذه كِفَاتُ الأحياء ثم تلا [هذه الآية] > ألم نجعل الأرض كفاتاً . أحياءً و أمواتاً < ;

حَمَاد بن عيسى از امام صادق(ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حَمَاد! این کِفَاتِ مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کِفَاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: > ألم نجعل الأرض كفاتاً . أحياءً و أمواتاً < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۴

۴ - فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

و الأرض بعد ذلك دحيها

فعل <دحاها> دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید <بعد ذلك>، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱۷

۱۷ زمین در بردارنده وسیله زندگانی و معیشت انسان ها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لكم في الأرض مستقر و متع إلى حين

>متاع< به چیزی گفته می شود که مایه منفعت است.

زینت های زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ گیاهان ، زینت بخش زمینند .

فاختلط به نبات الأرض .. حتی إذا أخذت الأرض زخرفها وازینت

زینتهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۱

۱- پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إنا جعلنا ما على الأرض زينة لها

ساختار زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۱

۱ زمین متشکل از قطعه ها و سرزمین های گوناگون چیده شده کنار یکدیگر

و فی الأرض قطع متجورت

<قطع> (جمع قطعه) به معنای اجزا و قسمتهاست. <تجاور> (مصدر متجاورات) به معنای در جوار و نزدیک یکدیگر بودن است. توصیف سرزمینها به قطعه ها و بخشها می تواند به اعتبار اختلاف و تفاوت آنها باشد. بنابراین مراد از <قطع متجاورات> این است که: مناطق زمین علی رغم نزدیک بودن و متصل بودن به یکدیگر، مختلف و گوناگونند.

سختی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از <أكبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

سختی زندگی آدم(ع) در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۶

۶ - خداوند، زندگی

آدم (ع) را در بیرون بهشت، زندگی سخت و رنج آوری توصیف کرد و او را از ابتلای به آن برحذر داشت.

فلا یخرجنکم من الجنّه فتشقی

<شقاوه> به معنای سختی و عسر است (قاموس). در آیات بعد، تلویحاً نمونه هایی از آن سختی ها، بازگو شده است.

سرسبزی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۳ - ۶

۶ - نزول باران و نفوذ آن در دل خاک و سبز و خرم شدن زمین توسط آن، آیتی از احاطه خدا بر ظاهر و باطن اشیا و نفوذ او در تار و پود پدید های هستی است.

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. إنّ الله لطیف

<لطیف> از (مصدر <لطفه>) به معنای دقیق است و از مصدر <لطف> به معنای اهل رفق و مدارا می باشد. توصیف خداوند به <لطیف> بر پایه معنای اول، کنایه از آن است که خداوند در دل و جان اشیا نفوذ و حضور دارد؛ به گونه ای که کسی آن را احساس نمی کند. بنابراین ذکر این صفت پس از بیان نزول باران که به صورت نامحسوس در دل زمین نفوذ می کند بیانگر این حقیقت است که باران، یکی از نشانه های لطیف بودن خداوند است. برداشت فوق بر پایه همین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۱ - ۶

۶ - بهار طبیعت و سرسبزی زمین پس از مرگ و پژمردگی، دلیلی محسوس و روشن بر امکان معاد

فأنشرنا به بلده میثاً كذلك تخرجون

سرعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۲

۲ - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدکتا دکه وحده

<دكك> به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

سستی زمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۲

۲ - زمین ، هنگام برپایی قیامت ، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد .

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا

<دكك> یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار دو مصدر <دكًّا دكًّا> بر کثرت آن دلالت دارد؛ یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق خواهد یافت.

سکونت انسان در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۸

۸ مدت زمان استقرار و سکونت آدمیان در زمین، نامعلوم برای آنان

و لكم في الأرض مستقر و متع إلى حين

نکره آمدن کلمه <حين> بیانگر این است که مدت زمان سکونت انسانها در زمین نامعلوم است و بدان آگاهی نخواهند یافت.

سکونت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۳

۳ - زمین در ابتدای پیدایشش قابل سکونت و زندگانی انسان نبوده است .

الذی جعل لکم الأرض فرشاً

برداشت فوق بر این اساس است که: <جعل> به معنای <صیر> باشد؛ یعنی، خدا زمین را به گونه ای که قابل زندگانی باشد مبدل ساخت. این معنا حکایت از آن

دارد که زمین در بدو پیدایش، چنین وضعیتی را دارا نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ - ۲

۲ - زمین ، در ابتدای خلقت قابل سکونت نبود . *

خلق السموت .. الذی جعل لکم الأرض مهذا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر <جعل لکم> پس از بیان خلقت آسمان ها و زمین، اشاره به این نکته داشته باشد که زمین در ابتدا، غیر قابل سکونت بوده و سپس جایگاه مناسبی برای زندگی شده است.

سوگند به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳ - ۲

۲ - خداوند ، با سوگند به آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء .. و الأرض ... إنه لقول فصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۶ - ۱

۱ - سوگند خداوند به زمین

و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل ترکیه ، به <خورشید و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < روح > و < ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس .. قد أفلح من زكّيتها

جمله <قد أفلح . . > جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب

قسم را جمله < کذبت ثمود... > و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشمس .. و قد خاب من دسیها

تکرار < قد > ، نشانگر آن است که جمله < قد خاب .. > ، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

سوگند به شکافتن زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۲ - ۳

۳ - سوگند خداوند به زمین و شکاف پذیر بودن آن

و الأرض ذات الصدع

سوگند به موصوف، سوگند به وصف آن نیز می باشد.

سوگند به گستراننده زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۶ - ۵

۵ - سوگند خداوند ، به گستراننده زمین

و ما طحیها

چنانچه < ما > در < و ما طحیها > موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. < طحو > (مصدر < طحیها >) مانند < دحو > است؛ یعنی، گستراندن هر چیز. (مفردات)

سوگند به گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۶ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به گستراندن زمین

و ما طحیها

<ما> در <ماطحاها> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به گسترش دادن زمین است. برخی <ما> را موصول و کنایه از گستراننده زمین (خداوند) دانسته اند؛ ولی مصدری

بودن آن، با سیاق آیات که سوگند به مخلوقات است سازگارتر است.

شخم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۳ - ۲

۲ - نقش انسان تنها شخم زدن زمین و پاشیدن بذر در آن است و نه بیشتر از آن .

أفرء یتیم ما تحرثون

در آیه شریفه، تنها <حرث> (عمل آماده کردن زمین و پاشیدن دانه ها در آن)، به انسان نسبت داده شده است.

شدت انهدام زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۲

۲ - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدکتا دگه و حده

<دکک> به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

شرایط استفاده از امکانات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۴،۳

۳ - پاکیزه و موافق طبع بودن و حلیت ، دو شرط اساسی در توصیه خداوند به خوردن و بهره برداری از فراورده های زمین

کلوا مما فی الأرض حللاً طیباً

در برداشت فوق <حللاً> و <طیباً> حال برای <ما> گرفته شده است. کلمه <طیب> - چنانچه از موارد استعمال به دست می آید - معادل کلمه <خوب> در فارسی است و لذا در هر جمله ای، مناسب حکمی که در آن جمله مطرح است، تفسیر می شود.

۴ - ضرورت انتخاب شیوه حلال و نیکو در بهره برداری از امکانات و فراورده های زمین

كلوا مما فی الأرض حلالاً طیباً

در برداشت فوق کلمه <حلالاً> و <طیباً> صفت برای

مفعول مطلقى محذوف گرفته شده است؛ یعنی: کلو... .. أكلًا- حلالًا- طيبًا. بر این مبنا، این دو قید دلالت بر چگونه استفاده کردن دارند.

شعور زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۶

۶ - آسمان ها و زمین و کوه ها دارای نوعی شعورند .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها

خودداری از پذیرش امانت الهی، حکایت از نوعی شعور و ادراک می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۵

۵ - زمین و آسمان (جهان هستی) ، دارای نوعی شعور ، اراده و نطق

قالتا أتينا طائعين

از واژه <قالتا> استفاده می شود که آسمان و زمین دارای نوعی نطق اند؛ چنان که از جمله <أتينا طائعين> فهمیده می شود که آن دو، از نوعی اراده و خواست نیز برخوردارند و از مجموع اراده و نطق نوعی شعور و ادراک استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۵

۵ - زمین در قیامت ، دارای شعور و کلام و گواه آنچه بر روی آن اتفاق افتاده است .

تحدّث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۵ - ۳

۳ - زمین ، دارای نوعی شعور و مقهور ربوبیت خداوند

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا

شکافتن زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۸

۸- شکافتن زمین و بیرون آمدن پدیده های زمینی از

آن و نیز شکافتن آسمان و نزول پدیده های آسمانی از آن ، از نشانه های وجود خداوند

أَفِي اللَّهِ شَكَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

<فاطر> در لغت به معنای شکافتن است و احتمال دارد مراد از <فاطر السموات و الأرض> همان معنای لغوی آن باشد؛ یعنی، شکافتن آسمان و زمین برای بیرون آوردن پدیده های آسمانی و زمینی از آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۷ - ۳

۳- انسان ها ، ناتوان تر از آنند که با غرور و گردن فرازی ، بتوانند رخنه ای در زمین ایجاد کنند و یا قامت خود را به کوه ها برسانند .

و لا تمش في الأرض مرحًا إنك لن تخرق الأرض و لن تبلغ الجبال طولاً

<لن> برای نفی ابدی است و دلالت بر تعجیز دارد و در این آیه، حکایت از آن دارد که: انسان، از شکافتن زمین با گامهای سرمستانه خود و عاجز و ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۳ - ۲

۲ - ساختار زمین نیز مانند آسمان و ستارگان ، در آستانه قیامت به هم خورده و رخنه های فراوانی در پیکره آن پدیدار خواهد شد .

إذا السماء .. و إذا الكواكب ... و إذا البحار فجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۲ - ۱

۱ - زمین ، پدیده ای رخنه پذیر ، قابل شیار خوردن و در حال شکافته شدن

و الأرض ذات الصدع

<صدع> یعنی، ایجاد شکاف در چیز مقاوم و سخت (قاموس)، و صف <ذات الصدع> وصف ثابتی

است که دلالت دارد، زمین به طور مداوم در حال شکافته شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۲ - ۳

۳ - زلزله زمین در آستانه قیامت ، انفجاری داخلی و پراکنده سازنده مواد درونی آن است .

و أخرجت الأرض أثقالها

زلزله به طور معمول، آنچه را که بر سطح زمین است، به کام آن فرو می برد؛ ولی در زلزله واپسین، عکس این صحنه اتفاق خواهد افتاد. عطف این آیه بر آیه قبل به قرینه سیاق آیات عطف مسبب بر سبب است.

شکل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۲

۲ تغییر و تحول آسمان ها و زمین از شکل آغازین خود *

رفع السموت . . . مدّ الأرض

ظاهر جمله <رفع السموت> این است که برافراشته شدن صفتی می باشد که عارض بر آسمانها شده است ؛ یعنی، در ابتدای خلقتشان برافراشته نبودند، خداوند آنها را برافراشته کرد و نیز <مدّ الأرض> در این معنا ظهور دارد که زمین در آغاز گسترده نبود، خداوند آن را گسترانید.

شگفتی تحولات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۱

۱ - تحولات زمین هنگام برپایی قیامت ، برای انسان ها بی سابقه و شگفت آور است .

و قال الإنسن ما لها

استغراق که از حرف <ال> در <الإنسان> استفاده می شود استغراق عرفی است و اظهار شگفتی را به اکثریت قاطع انسان

ها، نسبت می دهد.

شگفتی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۲ - ۴

۴ - زمین آفریده ای شگفت است و پیدایش شیار و رخنه در آن ، بر شگفتی اش افزوده است .

و الأرض ذات الصدع

شگفتی شکافتن زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۲ - ۴

۴ - زمین آفریده ای شگفت است و پیدایش شیار و رخنه در آن ، بر شگفتی اش افزوده است .

و الأرض ذات الصدع

شیاطین در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۹

۹ - زمین محل سکونت و قرارگاه شیاطین

اهبطوا... و لكم في الأرض مستقر

برداشت فوق بر این مبناست که خطابها در جمله <اهبطوا> و... متوجه شیطان نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۷

۷ زمین، محل سکونت و قرارگاه موقت انسانها و شیاطین است.

و لكم في الأرض مستقر و متع إلى حين

قید <إلى حين> علاوه بر تقيید <متع>، کلمه <مستقر> را نیز مقید می کند.

صعود موجودات زمینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲ - ۴

۴ - فرود آمدن موجوداتی از آسمان به سوی زمین و بالا رفتن موجوداتی از ناحیه زمین به سوی آسمان

و ما ينزل من السماء و ما يعرج فيها

ظهور ذخایر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۲ - ۲

۲ - تمام ذخایر زمین ، در آستانه قیامت آشکار شده ، از اعماق آن

بیرون خواهد ریخت .

و أخرجت الأرض أثقالها

عبادت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۳

۳- آسمان ها و زمین و تمامی موجودات در آنها ، همواره در حال عبادت خداوندند .

تَسْبِحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ

اصل در لغت تسبیح <المَرَّ السَّرِيعُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ> است (مفردات راغب).

عبرت از تدبیر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۳

۳ - آسمان و زمین ، تحت ربوبیت الهی و تدبیر یگانه آن ، شایان تأمل و درس آموزی

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

اهمیت ربوبیت الهی نسبت به آسمان و زمین، از آن جهت می باشد که مورد قسم قرار گرفته است.

عذاب با زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۶

۶- زمین ، از جمله ابزار های عذاب الهی است .

أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ

عرضه امانت به زمین

۱ - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها

لام در <ليعدّب..> در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل <ليعدّب> قرینه است که مراد از <الأمانة> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به

سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

عرضه تکلیف به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند، تکالیف دین را، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن، سر باز زدند.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا

لام در <لِيعَذَّب>.. در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل <لِيعَذَّب> قرینه است که مراد از <الأمانة> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

عظمت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۱

۱۱- آفرینش آسمان ها و زمین دارای عظمتی بس فراتر از اعطای زندگی به انسان ها و میراندن آنان

ألم تر أن الله خلق السموات والأرض بالحقّ إن يشأ يذهبكم

و یأت بخلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۴

۴- بی دقتی و جهل کافران به عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، زمینه ساز انکار حیات دوباره انسان از سوی آنان است .

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۳

۳ - عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از <أكبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۹

۹- عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، نمایانگر قدرت مطلقه خداوند بر هر چیز ؛ علاوه بر قدرت او بر احیای مردگان

خلق السموت و الأرض ... بلی إنه علی کلّ شیء قدير

از ارتباط بخش های این آیه، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا در مرحله نخست از آفرینش آسمان ها و زمین، قدرت خداوند بر احیای مردگان استفاده شده است؛ ولی در مرحله بعد، نتیجه ای کلی تر (قدرت مطلقه الهی) مطرح گردیده است.

عظمت زمين

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۲ - ۲

۲ - عظمت و هماهنگی تدبیر آسمان ها و زمین و عرش ، نشان دهنده حاکمیت خدای یگانه بر هستی است .

سبحن ربّ السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۴

۴ - ساختار عظیم و پیچیده آسمان ها و زمین و مظاهر هستی ، خود گواه وجود اهداف ارزشمند در امر آفرینش *

و ما خلقنا السموت .. لعین

از این که خداوند، آسمان ها و زمین و سایر موجودات را به خصوص یاد کرده و به جای آن واژه جامعی چون <العالمین> را قرار نداده است نقش پیامدار هر یک را در نفی بازیچه بودن آفرینش می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۶ - ۲

۲ - زمین ، موجودی با عظمت

و الأرض

عظمت گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۶ - ۴

۴ - گستراندن زمین ، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما طحیها

عنصر خلقت زمین

۵ آب ماده اصلی برای آفرینش آسمان ها و زمین *

خلق السموت و الأرض فی سته أيام و كان عرشه علی الماء

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان دو جمله <خلق السموات ..> و <كان عرشه علی الماء> است، یعنی، بیان این معنا که:
پیش از آفرینش آسمانها و زمین، هستی منحصر به آب بود و

خداوند بر آنها حاکمیت داشت، می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که خداوند، آن آبهای پیشین یا قسمتی از آنها را به آسمان و زمین تبدیل کرد.

عوامل آرامش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۱

۱- خداوند ، کوه ها را ثابت و استوار در زمین قرار داده است تا آن را چونان بستری آرام برای انسان مهیا سازد .

و ألقى في الأرض روسى أن تميدبكم

<رواسی> (جمع راسیه) از ماده <رسو> بوده و به معنای ثبوت و استواری است و مراد از آن کوههاست که به خاطر وصف غالبشان به این نام، نام گذاری شده اند و <القاء> وقتی با <فی> همراه باشد به معنای قرار دادن است.

عوامل احیای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۵

۵- زمین ، پیش از برخورداری از آب ، فاقد حیات بود .

فأحيا به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۳،۶

۳ آب باران ، مناسب ترین آب برای کشاورزی و احیای زمین های مرده

و أنزلنا من السماء ماء طهورًا لنحیی به بلدة مینًا

از این که خداوند از میان انواع آب ها، آب باران را عامل احیای زمین برشمرده و قید <طهور> (پاک و پاک کننده) را بر آن افزوده است، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

۶ پاکی و زلال بودن آب ، تأثیرگذار در احیای زمین (رویش گیاهان و نباتات)

ماء طهورًا لنحیی به بلده میتًا

برداشت فوق،

از قید <طهوراً> برای <ماء> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۳،۷،۸

۳ - باران ، دارای نقشی اساسی در حیات و آبادانی زمین است

فانظر إلى أثر رحمت الله كيف يحيى الأرض بعد موتها

مراد از <آثار رحمت الله> در آیه، به قرینه <يحيى الأرض> و نیز آیه چهل و هشت، باران است.

۷ - زمین ، بدون بارش باران و رویش گیاهان ، مرده و موات است .

يحيى الأرض بعد موتها

۸ - احیای مجدد زمین مرده با باران ، نشانه ای گویا بر توان مندی خداوند در بازآفرینی انسان ها ، در قیامت است .

يحيى الأرض بعد موتها إن ذلك لمحي الموتى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۵،۱۰

۵ - نقش باران ، در تبدیل شدن زمین های خشک و مرده به زمین های زنده ، سرسبز و خرم

أن الله يحيى الأرض بعد موتها

۱۰ - > عن عبدالرحمن بن الحجاج عن أبي ابراهيم (ع) في قول الله عزوجل <يحيى الأرض بعد موتها> قال : ليس يحييها بالمطر و لكن يبعث الله رجلاً فيحيون العدل فتحى الأرض لإحياء العدل ... ;

عبدالرحمان بن حجاج از امام کاظم(ع) درباره سخن خداوند عزوجل <يحيى الأرض بعد موتها> روایت نموده است: این احیای زمین به بارش باران نیست؛ بلکه خداوند مردانی را مبعوث می کند که عدالت را در زمین احیا کنند. پس زمین به احیای عدالت احیا می شود...<

عوامل انشقاق زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- جهان طبیعت ، دارای آسمان های متعدد

السموت

عوامل انهدام زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۱۵

۱۵ - آسمان ها و زمین در معرض فروپاشی در برابر عظمت الهی

و هو العلیّ العظیم . تکاد السموت یتفطرن

برداشت یاد شده بر این پایه است که آیه شریفه، مرتبط با ذیل آیه قبل (و هو العلیّ العظیم) بوده و درصدد ارائه عظمت خدا باشد.

عوامل بقای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۲

۲ - نظم کنونی آسمان ها و زمین در بقا ، همانند مرحله آغازین خود ، نیازمند به اراده و تدبیر خداوند است .

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ . . . إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

عوامل ثبات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۹

۹- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۵،۶

۵- زمین ، بدون وجود کوه ها ، در معرض لرزش های مداوم بوده و مناسب زندگی نیست .

و ألقى في الأرض روسى أن تميد بكم

۶- کوه ها ، از جنبش و لرزش زمین جلوگیری می کنند و برای آماده کردن آن

برای زیستن بشر، نقش دارند.

و ألقى في الأرض روسى أن تميد بكم

<مید> در لغت، <اضطراب و لرزش چیزهای بزرگ> را گویند. چون آیه درصدد بیان نعمت های خداوند است و لرزش، نمی تواند نعمت باشد، معلوم می شود که <آن تمید>، <آن لاتمید> و یا <کراهیه تمید بکم> است.

عوامل حاصلخیزی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۶ - ۲

۲ - بارش آب های آسمانی بر زمین، به مرور زمان، آن را نرم و حاصل خیز می کند.

صبينا الماء .. ثم شققنا الأرض شققاً

حرف <ثم>، دلالت بر مرور زمان دارد. عطف این آیه بر آیه قبل، اشاره دارد که بارش باران در نرم شدن و شکافته شدن زمین، تأثیر به سزایی دارد.

عوامل حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۲

۱۲ - باران، منشأ حیات در زمین و موجب پیدایش جنبندگان در آن است.

فأحيا به الأرض بعد موتها و بث فيها من كل دابة

<بث> به معنای پراکنده ساختن است و مراد از آن در آیه شریفه ایجاد انواع جنبندگان و ازدیاد آنها با توالد و تناسل و پراکنده ساختنش در زمین است. <بث فيها> می تواند عطف بر <أحيا...> باشد که در این صورت متفرع بر <أنزل من السماء من ماء> خواهد بود و گویای این است که: منشأ به وجود آمدن حیوانات آبهای فرود آمده از آسمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ -

۲ زمین ، بدون نزول باران ، مرده و فاقد حیات نباتی خواهد بود .

لنحیی به بلده میثًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۶،۷

۶ - زمین ، بدون داشتن گیاه و نباتات ، مرده است .

نزل .. ماء فأحیا به الأرض من بعد موتها

۷ - از جمله فوائد آب ، حیات بخشی به زمین است .

نزل .. ماء فأحیا به الأرض من بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۵

۵ - زمین ، بدون آب مرده است .

فسقنه إلى بلد میث فأحینا به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۳

۳ - حیات و سرسبزی پهنه زمین ، در گرو نزول باران به اراده الهی

فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزت و ربت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۵،۷،۸

۵ - باران ، مایه حیات زمین

و ما أنزل الله من السماء .. فأحيا به الأرض

۷- نقش سازنده حرکت باد ها در شرایط زیستی زمین ، نشانه ای از خداوند برای اهل اندیشه

و تصريف الريح آيت لقوم يعقلون

۸- اهمیت نور ، تاریکی ، آب و هوا در حیات زمین

و اختلف الیل و النهار و ما أنزل الله .. و تصريف الريح

عوامل سرسبزی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۳ - ۲

۲ - باران ، عامل سرسبزی زمین

، رویش حبوبات و مایه گردش چرخه حیات

أنزل من السماء ماء فتصبح الأرض مخضرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۵

۵ - نقش باران ، در تبدیل شدن زمین های خشک و مرده به زمین های زنده ، سرسبز و خرم

أن الله يحيي الأرض بعد موتها

عوامل گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۳ - ۲،۳

۲ - انبساط زمین در آستانه قیامت ، تحت تأثیر عامل خارجی است .

و إذا الأرض مدّت

مجهول بودن فعل <مدّت>، نشان تأثیرپذیری زمین از عامل انبساط است.

۳ - زمین ، دارای اجزای متراکم و قابل انبساط و سطح آن قابل توسعه است .

و إذا الأرض مدّت

عوامل نرمی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۶ - ۲

۲ - بارش آب های آسمانی بر زمین ، به مرور زمان ، آن را نرم و حاصل خیز می کند .

صبينا الماء .. ثم شققنا الأرض شققاً

حرف <ثم>، دلالت بر مرور زمان دارد. عطف این آیه بر آیه قبل، اشاره دارد که بارش باران در نرم شدن و شکافته شدن

زمین، تأثیر به سزایی دارد.

غیب زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۳،۷،۸

۳ - فرشتگان در پی با خبر شدن از نام های حقایق هستی ، دانستند که آسمان ها و زمین دارای غیب و نهان است .

فلما أنبأهم .. قال ألم أقل لكم إني أعلم غيب السموت و الأرض

آسمان ها و زمین (هستی) ، دارای غیب و نهانی که حتی بر فرشتگان هم مخفی بود .

إني أعلم ما لاتعلمون .. ألم أقل لكم إني أعلم غيب السموت و الأرض

۸- خداوند ، آگاه به غیب و نهان آسمان ها و زمین (هستی)

إني أعلم غيب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۱

۱ آسمان ها و زمین ، دارای غیبی و رای آنچه احساس و مشاهده می شود .

و لله غيب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۶، ۲، ۱

۱- امور غیبی و پنهانی آسمان ها و زمین ، در انحصار خداست .

و لله غيب السموت و الأرض

۲- وجود رخدادهایی نهانی در آسمان ها و زمین ، غیر قابل کشف برای آدمیان

و لله غيب السموت و الأرض

غیب دانستن برخی از امور و رخدادهای موجود در آسمانها، دلیل آن است که آنها از قلمرو دانش بشر بیرون است.

۶- برپایی قیامت ، از جمله امور غیبی آسمان ها و زمین است \$.

و لله غيب السموت و الأرض و ما أمر الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۴

۴- آسمان ها و زمین ، حاوی حقایقی نهفته و اسراری نهان از غیر خدا

له غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۱

۱ - تنها خداوند یکتا ، آگاه به غیب آسمان ها و زمین

قل لا یعلم من فی السموت

و الأرض الغيب إلا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۵ - ۱

۱ - آسمان و زمین (جهان آفرینش) ، دارای اسراری بس مخفی که تنها برای خداوند آشکار است .

و ما من غائبه فی السماء و الأرض إلا فی کتب مبین

<غائبه> به هر امر بسیار مخفی گفته می شود زیرا <تاء> در آن برای مبالغه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - خداوند ، به حقایق پنهانی آسمان ها و زمین آگاه است .

إِنَّ اللَّهَ عِلْمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

۲ - وجود حقایقی پنهان از دید انسان ها در آسمان ها و زمین

إِنَّ اللَّهَ عِلْمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۸ - ۱،۷

۱ خداوند ، آگاه به اسرار نهفته (غیب) آسمان ها و زمین

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

۷ آسمان ها و زمین ، علاوه بر ابعاد مادی و مشهود ، دارای زوایایی پنهان و اسراری نامکشوف بر آدمیان

يعلم ما فی السموات و ما فی الأرض .. يعلم غیب السموات و الأرض

در آیات پیشین سخن از علم خدا به مطلق موجودات هستی بود ولی در این آیه بر زوایای پنهان و نامکشوف آن تأکید شده است. جمع دو آیه، بیانگر معنای بالا است.

فرجام اهل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۶ - ۱

۱ - مرگ و فنا، فرجام حتمی و نهایی

همه زمینیان

كُلِّ من علیها فان

فرجام زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸ - ۴

۴- زمین ، در نهایت ، به کویری بی حاصل و خالی از گیاه ، تبدیل خواهد شد .

و اِنَّا لَجْعَلون ما علیها صعیدًا جرزًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۸ - ۵

۵- ربوبیت الهی ، آمیخته به رحمت او است .

رحمه من ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۶

۶- آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی ، دارای فرجام و پایانی معین و از پیش تعیین شده

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ و أجل مسّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴ - ۲

۲ - انهدام زمین در آستانه قیامت ، امری قطعی و غیرقابل تردید

إذا رجّت الأرض رجًا

به کارگیری <إذا>ی شرطیه که در امور قطعی و غیرقابل تردید بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶ - ۲

۲ - انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا ، امری قطعی و تردیدناپذیر

فکانت هباءً منبثاً

به کارگیری فعل ماضی <فکانت> در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

فرجام موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ - تمامی موجودات آسمان ها و

زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور ، در انتظار سرنوشت خود به سر خواهند برد .

ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

<نظر> (مصدر <ينظرون>) هم به معنای انتظار است و هم به معنای نظر متحیرانه و بهت آمیز. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

فرو رفتن در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۶

۱۶ عن أبي جعفر (ع) في قوله: <.. عذابا من فوقكم> هو الدخان و الصيحة <أو من تحت أرجلكم> و هو الخسف <أو يلبسكم شيعا> و هو اختلاف في الدين و طعن بعضكم على بعض <و يذيق بعضكم بأس بعض> و هو ان يقتل بعضكم بعضا و كل هذا في أهل القبلة ...

از امام باقر(ع) روایت شده است: مراد از <عذابا من فوقكم>، دود و صیحه آسمانی و مراد از <أو من تحت أرجلكم>، فرو رفتن در زمین و مراد از <يلبسكم شيعا>، اختلاف در دین و بدگویی بعضی از شما نسبت به بعض دیگر می باشد، و مراد از <و يذيق بعضكم بأس بعض> این است که گروهی از شما گروه دیگر را بکشد و تمام اینها مربوط به اهل قبله است . . .

فروروی آبها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۱ - ۱

۱- مرد مؤمن به ثروت مند مغرور در مورد امکان به زمین فرو رفتن آب های جاری در باغ و کشت زار او و خشکیدن آن با عذاب الهی هشدار داد .

أو يصبِحُ ماؤها غورًا

<غور> مصدر

و در معنای <غائر> (فرورونده) به کار رفته است، استعمال مصدر به معنای اسم فاعل در لغت عرب از شیوه های مبالغه است.

فروروی در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۱۶

۱۶- < عن أبي عبدالله (ع) سئل عن قول الله : < أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض > قال : هم أعداء الله و هم يمسخون و يقذفون و يسيخون في الأرض ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند <أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض> سؤال شد، حضرت در پاسخ فرمود: آنان دشمنان خداوندند. آنان مسخ شده و هدف قرار می گیرند و در زمین فرو می روند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۳،۴

۳- با امکان فرو رفتن انسان در دل خاک و یا گرفتار طوفان های شن شدن ، احساس امنیت دائمی کردن بیجاست .

فلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أفأمتم أن يخسف بكم جانب البرّ أو يرسل عليكم

<خسف> مصدر فعل <يخسف> در لغت به معنای فرو بردن و <البرّ> به معنای بیابان و خشکی در مقابل <بحر> (دریا) است.

۴- کفران کنندگان نعمت های الهی و حق ناسپاسان ، در معرض عذاب های دنیوی چون بلعیده شدن به وسیله زمین و گرفتار شدن به طوفان شن

و كان الإنسن كفورًا. أفأمتم أن يخسف بكم ... أو يرسل عليكم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۱، ۱۰، ۸

۸ - برخی از مکذبان انبیا)

قارون) ، در کام زمین فرو رفتند و نابود گردیدند .

و قرون .. فکلاً أخذنا بذنبه ... و منهم من خسفنا به الأرض

۱۰ - رخداد های ناگوار طبیعی ، مانند طوفان شن و صدا های مهیب و فرورفتن در کام زمین و امواج دریا ، ممکن است عذاب الهی باشند .

فکلاً أخذنا بذنبه فمنهم من أرسلنا عليه حاصباً و منهم من أخذته الصيحة و منهم من

۱۱ - نابود کردن قوم عاد و ثمود با طوفان و صدای مهیب و نیز هلاکت قارون و فرعون و هامان با فرورفتن در کام زمین و امواج دریا ، نشانه پیشی داشتن قضای الهی بر هر قدرتی است .

و قرون و فرعون و همن ... و ما كانوا سيقين . فکلاً أخذنا بذنبه فمنهم

فروروی قارون در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱۱، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۱

۱ - اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا به و بداره الأرض

۵ - حضور نداشتن مردم به هنگام واقعه فرورفتن خانه قارون در دل زمین

فما كان له من فئة ينصرونه

چنان که از آیه بعد استفاده می شود واقعه <فرو رفتن قارون> هنگام شب رخ داد، یعنی، زمانی که مردم در خانه هایشان آرمیده بودند. بنابراین در آن لحظه کسانی نبودند که بتوانند به یاری قارون بشتابند و قارون در اوج بی کسی در کام زمین فرو رفت. جمله <ما كان له من فئة...> بیانگر این معنا است.

۶ - تنهایی قارون (نبودن خدمه وی) در لحظه فرو رفتن وی با

خانه اش در کام زمین

فما كان له من فئه ينصرونه

۷ - تنها خداوند ، شاهد فرورفتن قارون و خانه اش در کام زمین بود .

فما كان له من فئه .. من دون الله

<من دون الله> استثنا از <من فئه> است ؛ یعنی ، در آن لحظه کسی جز خدا حضور نداشت.

۸ - تلاش بی ثمر قارون ، برای نجات جان خویش از فرو رفتن در زمین

و ما كان من المنتصرين

مقصود این است که قارون در لحظه فرو رفتن نه کسی را داشت که به او کمک کند و نه خودش می توانست جان خویش را نجات دهد.

۹ - خواری ، ذلت ، عجز و ناتوانی سخت قارون به هنگام فرورفتن در کام زمین

فما كان له من فئه ينصرونه من دون الله و ما كان من المنتصرين

۱۱ - <عن النبي (ص) :... إن قارون أول من اختال فحسف الله به و بداره الأرض ؛

از نبی اکرم(ص) روایت شده است:.. قارون اولین کسی بود که تکبر ورزید ؛ پس خدا او و خانه اش را در زمین فرو برد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۶

۱۶ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فحسفنا به و بداره الأرض .. ویکائه لا یفلح الکفرون

فروری کافران در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۶ - ۲

۲- امکان نزول عذاب الهی ، با لرزش زمین و فرو رفتن کافران در درون آن

أن یخسف

بکم الأرض فإذا هي تمور

<مور> (مصدر <تمور>) به معنای تحرک سریع است.

فروروی مکذبان خدا در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۸

۸- فرو کشیده شدن منکران معاد در زمین ، بسته به خواست و مشیت خداوند است .

إن نشأ نخسف بهم الأرض

فلسفه احیای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۹

۹- فلسفه احیای زمین و رویاندن دانه ها از جانب خداوند ، بهره مندی انسان ها و تأمین زندگی آنان است .

و ءایه لهم الأرض الميته أحيينها و أخرجنا منها حبًا فمته يأكلون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، پس از طرح مسأله احیای زمین و رویاندن دانه ها از آن، تنها مسأله تغذیه انسان ها را یادآور شده است. یادآوری این مسأله می تواند گویای حقیقت بالا باشد.

فلسفه استقرار انسان در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۴ - ۲

۲ هدف از استقرار جوامع انسانی در زمین ، آزمون آنان از سوی خداوند

ثم جعلنكم خلائف في الأرض من بعدهم لننظر كيف تعملون

فلسفه تبدیل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱

۱- تغییر و تبدیل نظام کنونی آسمان ها و زمین به نظام دیگر در آستانه برپایی قیامت ، به منظور کیفر و پاداش انسانهاست .

يوم تبدل الأرض غير الأرض . . . و برزوا لله ... لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

برداشت فوق مبتنی بر

این است که <لیجزی> متعلق به <برزوا> در آیه ۴۸ باشد.

فلسفه خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۶ - ۲

۲ خداوند زمین را بدون فساد آفرید و آن را برای زندگانی انسان ها جایگاهی شایسته قرار داد .

بعد إصلاحها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۹

۹ پدید آمدن نیکوکارترین انسان ها (انسان های کامل) از هدف های آفرینش آسمان ها و زمین است .

خلق السموت و الأرض ... لیلوکم ائیکم أحسن عملاً

<لیلوکم> متعلق به <خلق السموات ...> است و بیانگر هدف آفرینش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۱

۱ - زمین ، سامان یافته از سوی خدای رحمان ، در جهت منافع انسان

و الأرض وضعها للأنام

واژه <أنام> در یکی از این معانی استعمال شده است: انسان یا جن و انس و یا همه موجودات روی زمین. در برداشت یاد شده معنای اول انتخاب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - آگاه شدن بشر به قدرت و علم همه جانبه خداوند ، از حکمت های آفرینش آسمان ها و زمین

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ .. لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللّٰهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللّٰهَ قَدِيرٌ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <لام> در جمله <لتعلموا..> تعلیل برای عبارت <خلق سبع سماوات> است و این جمله بیانگر علت و فلسفه

آفرینش آسمان ها و زمین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۶

۶ - آفرینش زمین و بستر مناسب بودن آن برای حرکت و روزی انسان ها ، جلوه علم و آگاهی خداوند بر احوال نهان و آشکار انسان ها

إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ .. هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا ... وَ كَلُوا مِنْ رِزْقِهِ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد تبیین چگونگی علم خداوند بر احوال و ضمیر انسان ها است که در دو آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۰ - ۳

۳ - آفرینش زمین به صورت گسترده و پهناور ، به منظور میسر شدن راه های گشاده و روشن برای بشر است .

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بَسَاطًا . لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سَبِيلًا فِجَاجًا

برداشت یاد شده، از لام <لتسلکوا> که برای غایت و یا تعلیل است استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۶ - ۳،۴

۳ - آفرینش زمین ، برای حیات و مرگ انسان ها ، جلوه قدرت و عظمت الهی است .

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا . أَحْيَاءٌ وَأَمْوَاتًا

۴ - > حَمَادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى الْمَقَابِرِ ، فَقَالَ : يَا حَمَادُ هَذِهِ كِفَاتُ الْأَمْوَاتِ وَ نَظَرَ إِلَى الْبُيُوتِ فَقَالَ : هَذِهِ كِفَاتُ الْأَحْيَاءِ ثُمَّ تَلَا [هَذِهِ الْآيَةُ] > أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا . أَحْيَاءٌ وَ

حمّاد بن عیسی از امام صادق (ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حمّاد! این کفاتِ مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کفاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: <ألم نجعل الأرض کفّاتاً. أحياء و أمواتاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۵

۵ - آفرینش زمین ، نعمتی الهی برای انسان ها و در جهت منافع حیاتی آنان است .

ألم نجعل الأرض مهّداً

<مهّید> و <مهّاد>، به معنای مکانی است که ممهّد و مهّیا باشد (مفردات راغب). بنابراین جمله <ألم نجعل...>، حاکی از این است که خداوند زمین را به گونه ای قرار داده است که برای ادامه حیات بشر آماده باشد.

فلسفه گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۹ - ۳

۳ - گستردگی و پهناوری زمین ، برای انسان و در جهت مصالح و منافع او است .

و الله جعل لكم الأرض بساطاً

مطلب یاد شده، از تعبیر <لکم> (برای شما) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۰ - ۳

۳ - آفرینش زمین به صورت گسترده و پهناور ، به منظور میسر شدن راه های گشاده و روشن برای بشر است .

و الله جعل لكم الأرض بساطاً . لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً

برداشت یاد شده، از لام <لتسلکوا> که برای غایت و یا تعلیل است استفاده می شود.

فناپذیری اهل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۶ - ۱

۱ - مرگ و فنا ، فرجام حتمی و نهایی همه زمینیان

كَلِّمَن عَلِيهَا فَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۲

۲ - فنای زمینیان ، بی تأثیر در ساحت اقتدار ، شکوه ، کرامت و بزرگواری جاودان پروردگار

كَلِّمَن عَلِيهَا فَانَ . وَ يَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ

گفتنی است که قدرت، اقتدار و شکوه فرمانروایان، به وجود رعیت و فرمانبران ایشان وابسته است؛ اما این آیه چنین وابستگی را از ذات پروردگار نفی می کند.

فواید زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱،۲

۱ - زمین همانند بستری گسترده ، شایسته برای زندگانی انسانهاست .

جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَشًا

کلمه <جعل> می تواند به معنای <صیر> (تبدیل کرد) باشد و می تواند به معنای <خلق> (آفرید) هم باشد. کلمه <فرشاً> به معنای بستر گسترده است و اطلاق آن بر زمین از باب تشبیه می باشد؛ یعنی: جعل الأرض كالفرش.

۲ - آفرینش زمین به گونه ای مناسب برای زندگانی ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

اعبدوا ربکم .. الذی جعل لکم الأرض فرشاً

<الذی جعل ..> صفت دوم برای <ربکم> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ زمین در بردارنده وسیله زندگانی و معیشت انسان ها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لكم فی الأرض مستقر و متع إلى حین

<متاع> به چیزی گفته می شود که مایه منفعت است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۳

۳ خداوند برآورنده ثمرات و محصولات از زمین ، برای بهره گیری انسان از آن نعمتهاست .

و مِمَّا اخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۳،۷

۳ زمین در بردارنده تمام نیازمندیهای انسان برای ادامه حیات است.

و جعلنا لكم فيها معيشة قليلا ما تشكرون

۷ وجود وسائل معیشت در زمین، نعمتی بزرگ برای انسانها و بایسته سپاسگزاری است.

و لقد مكنكم في الأرض .. قليلا ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۹

۹ زمین در بر دارنده وسیله زندگانی و معیشت انسانها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لكم في الأرض مستقر و متع إلى حين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۲

۲ آسمان و زمین ، دو منبع روزی برای انسانها

قل من يرزقكم من السماء و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۰ - ۲،۵

۲- زمین و امکانات آن در خدمت بشر

و الأرض مددنها .. و أنبتنا فيها من كل شيء موزون . و جعلنا لكم فيها معيش

۵- زمین ، مرکز تأمین امکانات و وسایل معیشت انسان

و الأرض مددنها .. و جعلنا لكم فيها معيش و من لستم له برزقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۳ - ۴

۴- آسمان و زمین ، در تأمین روزی

انسان نقش دارند .

ما لا يملك لهم رزقاً من السموت و الأرض شيئاً

از اینکه خداوند فرمود: معبودها قادر به روزی رسانی به انسان از آسمان و زمین نیستند، استفاده می شود که زمینه روزی رسانی در آسمانها همچون زمین، وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۱

۱ - ماده خلقت انسان ها ، فراهم آمده از زمین و عناصر آن

جعل لكم الأرض ... منها خلقكم

مرجع ضمیر در <منها> <الأرض> در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۸

۸ - زمین ، منبع تغذیه انسان ها

و آیه لهم الأرض الميته أحيينها .. فمنه يأكلون ... و فجّرنا فيها من العيون .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۲ - ۳

۳ - آسمان و زمین ، گنجینه های خیرات و روزی موجودات

له مقاليد السموت و الأرض يبسط الرزق

از کلمه <مقاليد> (کلیدها) و نیز جمله <يبسط الرزق>، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۱

۱ - دانه های حبوبات نهفته در پوسته ها ، نمونه ای مهم از منافع زمین برای آدمیان

و الأرض وضعها للأنام فيها . . و الحبّ ذوالعصف

<ال> در <الحبّ>، برای جنس است و افاده عموم می کند. بنابراین <الحبّ> مساوی با مطلق حبوبات است و <عصف> بر پوسته حبوبات که دانه ها در آن رشد می کند اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹

۱ - خداوند، زمین را برای انسان رام و قابل بهره برداری قرار داد.

هو الذی جعل لکم الأرض ذلولاً

۲ - خداوند، زمین را به گونه ای آفرید که در جهت مصالح و منافع انسان ها باشد.

جعل لکم الأرض ذلولاً

۴ - زمین، بستر و منبعی مناسب برای تغذیه و تأمین نیازمندی های بشر

و کلوا من رزقه

۵ - وجود روزی و نیازمندی های بشر در زمین، از نعمت های خداوند و جلوه لطف او است.

هو الذی جعل لکم الأرض ذلولاً... و کلوا من رزقه

۶ - آفرینش زمین و بستر مناسب بودن آن برای حرکت و روزی انسان ها، جلوه علم و آگاهی خداوند بر احوال نهان و آشکار انسان ها

إنه علیم بذات الصدور... هو الذی جعل لکم الأرض ذلولاً... و کلوا من رزقه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد تبیین چگونگی علم خداوند بر احوال و ضمیر انسان ها است که در دو آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۴ - ۴

۴ - انسان، موجودی زمینی و زمین بستر مناسب و طبیعی برای تکثیر نسل او

ذراکم فی الأرض

مطلب یاد شده، از قید <فی الأرض> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - زمین ، محل و جایگاه مناسب برای زندگی و مرگ انسان های بسیار

کفائاً .

أحياء و أمواتاً

تنوین <أحياء و أمواتاً>، برای تعظیم است و مراد از آن تکثیر می باشد.

۲ - گنجایش زمین ، برای تأمین نیاز های بشر در حال حیات و مرگ *

أحياء و أمواتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۱

۱ - خداوند ، زمین را جایگاه مناسب و بستری آرام برای زندگانی بشر ، قرار داده است .

ألم نجعل الأرض مهدياً

<مهدياً> به هرگونه زیرانداز گفته می شود (مقایس اللغه). زیرانداز بودن زمین، کنایه از مناسب بودن آن برای استقرار و زندگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۱

۱ - سودمندی آسمان ، شب ، روز ، زمین ، آب ، گیاه و کوه ها برای انسان و دام ، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است .

متعاً لكم ولأنعمكم

<متعاً> مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب) ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است یعنی، <تمتعاً لكم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۶ - ۴

۴ - زمین ، از منابع غذایی انسان

طعامه ... ثم شققنا الأرض شققاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۱ - ۱

۱ - خداوند، باران و زمین مساعد را وسیله فراهم آمدن میوه مصرفی انسان و علوفه حیوانات قرار داده است .

صبینا الماء .. شققنا الأرض ... و فکھه و آباً

<أَبّ> یعنی، علوفه چرندگان، چه برای آنها چیده

شود و چه خود به چرا مشغول شوند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۲ - ۲

۲ - آمادگی زمین ، برای رویش گیاهان و پیدایش چشمه ساران

و الأرض ذات الصدع

چنانچه <ذات الرجع> در آیه قبل به باران نظر داشته باشد؛ <ذات الصدع> در این آیه به نتایج باران در زمین اشاره خواهد داشت.

فواید ناهمواریهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۶

۶- پستی و بلندی های زمین ، دارای منافع حیاتی و در خدمت بشر

و ألقى في الأرض روسى أن تميدبكم و أنهرًا و سبلاً لعلكم تهتدون

قانونمندی حیات در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۵

۵ - پدیدار شدن شرایط حیات انسان بر روی زمین و امکانات مختلف برای او ، کاری هدف دار و برنامه ریزی شده

لكم الأرض .. سلک لكم

از تکرار <لكم> در آیه شریفه و از مضمون آیات بعد، این نکته استفاده می شود که آماده شدن زمین برای حیات انسان امری تصادفی نبوده، بلکه از قبل طراحی گردیده و برنامه ها، هدف دار اجرا شده است.

قانونمندی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- آفرینش آسمان و زمین و موجودات فضا (جهان هستی) ، بیهوده و بازیچه نیست ؛ بلکه جهت دار و هدفمند است .

و ما خلقنا السماء والأرض و ما بينهما لعبین

<لعب> به معنای کاری است بی فایده که مقصود صحیح

و مصلحتی در آن نباشد. <لا-عین> نیز حال برای ضمیر <خلقنا> است؛ یعنی، ما جهان را به قصد بازیچه و سرگرمی نیافریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، به دور از بازیگری و اهداف پوچ

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما لعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۲

۲ - زمین ، آفریده ای هدف دار است .

ألم نجعل الأرض مهذاً

سخن از آفرینش زمین و ویژگی های آن پس از تهدید منکران معاد گویای آن است که توجه به آفرینش زمین، برای رفع شبهه از معاد کافی است؛ زیرا نمی شود برای این زمین غایت و هدفی مورد نظر نباشد.

کاستن از زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۱۲

۱۲ > عن أبي عبد الله (ع) [فی قوله : < أولم یروا أننا نأتی الأرض ننقصها >] : ننقصها علماءها و فقهاءها و خیار أهلها ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: [مراد از <نقصها> در سخن خدا: <أولم یروا أننا نأتی الأرض ننقصها ..> این است که]: با رفتن علماء، فقها و خوبان اهل زمین، از زمین می کاهیم.

کرویت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - اشاره قرآن به کروی بودن زمین و گرد بودن سطح آن

يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ

کشتزارهای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۲

۲ زمین جایگاه باغهایی از درختان انگور و دربردارنده کشتزارهاست .

و فی الأرض .. جنت من أعب و زرع

<جنه> (مفرد جنات) به معنای بوستان است که به اعتبار پوشش زمینش با درختان این نام بر آن اطلاق شده است و لذا کلمه درختان در برداشت آورده شد. <زرع> به معنای رویانیدن و نیز چیزی است که روئیده شده باشد. در آیه شریفه معنای دوم مراد است.

گرایش به آبادانی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۵

۱۵ خداوند ، توان و استعدادِ آباد کردن زمین را به آدمیان عطا کرده و ایشان را به سوی آبادانی گرایش داده است .

واستعمرکم فیها

استعمره فیه، یعنی: <جعلہ یعمره/وی را آبادکننده آن قرار داد> (لسان العرب). بر این اساس <استعمرکم فیها> چنین معنا می شود: خداوند شما را این گونه قرار داده و آفریده است که زمین را آباد سازید/ یعنی، توان آبادسازی زمین را به شما عطا کرده و نیاز به آن را در شما ایجاد کرده است تا همواره به سمت آبادسازی زمین در حرکت باشید.

گردش انتقالی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۲

۲ - آرامش سطح زمین و پیکر کوه ها ، با وجود حرکت های وضعی و انتقالی آنها ، آیتی از آیات الهی

ألم یروا أننا جعلنا الیل .. و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

۸۶، در مقام بیان نشانه های توحید است و <تمرُّ> اشاره به حرکت های وضعی و انتقالی زمین دارد که امروز، از نظر دانش بشر امری پذیرفته شده و قطعی است. ذکر <جبال> نیز شاید از آن جهت باشد که کوه ها در نظر آدمیان، مظهر صلابت و ایستایی است و نیز حرکت کوه ها مستلزم حرکت زمین است.

گردش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۶

۶ - آرامش زمین با وجود حرکت آن در فضا، جلوه ای از صنع متقن و بهینه خداوند

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب صنع الله الذی اتقن کلّ شیء

در صورتی که عبارت <تمرُّ...> اشاره به حرکت وضعی و انتقالی زمین داشته باشد، از ارتباط دو بخش آیه (<تری الجبال...> با <صنع الله...>) مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۳

۳ - خداوند، به آسمان و زمین فرمان داد تا خواه یا ناخواه در مسیر تعیین شده به حرکت در آیند و فرمان ببرند.

فقال لها و للأرض اثتیا طوعًا أو کرهًا

<طوع> به معنای رغبت و میل و <کره> به معنای بی میلی و عدم رغبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند زمین را علی رغم حرکت پیوسته آن گاهواره ای آرام برای انسان قرار داده است.

الذی جعل لکم الأرض مهّدًا و جعل لکم فیها سبلاً

به کارگیری

عنوان <گاهواره> اشاره به حرکت زمین دارد.

گردش وضعی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۲

۲ - آرامش سطح زمین و پیکر کوه ها ، با وجود حرکت های وضعی و انتقالی آنها ، آیتی از آیات الهی

ألم یروا أننا جعلنا الّیل . . و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

آیه یاد شده مانند آیه ۸۶ در مقام بیان نشانه های توحید است و <تمرّ> اشاره به حرکت های وضعی و انتقالی زمین دارد که امروز، از نظر دانش بشر امری پذیرفته شده و قطعی است. ذکر <جبال> نیز شاید از آن جهت باشد که کوه ها در نظر آدمیان، مظهر صلابت و ایستایی است و نیز حرکت کوه ها مستلزم حرکت زمین است.

گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۸

۲۸ رسول خدا (ص) فرمود : < دحیت الأرض من مکة . . . و هی الأرض التي قال الله > إني جاعل فی الأرض خلیفه . . .
< ;

گسترش زمین از مکة آغاز شده و مکة همان زمینی است که خداوند فرموده: من می خواهم در زمین خلیفه قرار دهم . . .<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۶

۶ زمین و گسترش آن ، کوه های ثابت و استوار ، رودخانه ها ، گیاهان مزدوج و تداوم شب و روز ، از نشانه های خدا و از دلایل یکتایی او در تدبیر هستی است

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۱،۲،۹

۱- خداوند ، زمین را گسترده و هموار قرار داده است .

و الأرض مددنها

<مدّ> در لغت به معنای <بسط> و <جرّ> است و مقصود از آن در این آیه، گسترده و هموار کردن است.

۲- کره زمین در بدو پیدایش ، دارای حجم گسترده ای نبوده است . *

و الأرض مددنها

<مدّ> در لغت به معنای <بسط> و <جرّ> است و مراد از آن در آیه فوق، می تواند توسعه حجمی زمین باشد.

۹- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۸ - ۳

۳ - مطالعه در گستردگی سطح زمین و آرامش آن ، راهگشای انسان به تدبیر بهینه خدای جهان

و الأرض فرشها فنعم المهدون

تعبیر <فنعم الماهدون>، انسان را به این حقیقت توجه می دهد که در تدبیر بهینه خداوند، بیندیشد و نمود این تدبیر عالی را در گستردگی سطح زمین و آرامش آن، مطالعه کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۹ - ۱،۲،۵

۱ - خداوند ، زمین را گسترده و پهناور قرار داد .

و الله جعل لكم الأرض بساطاً

<بساط> (مانند <فراش> به معنای <مفروش>) به معنای <مبسوط> (گسترده و پهناور) است.

۲ - زمین گسترده و پهناور ، جلوه قدرت

و عظمت خداوند

و الله جعل لكم الأرض بساطاً

۵ - گستردگی و پهناوری کنونی زمین ، پس از گذشتن چندی از آفرینش نخستین آن بوده است .

و الله جعل لكم الأرض بساطاً

<جعل> در چند معنا به کار می رود؛ از جمله آنها، تغییر دادن از صورت و حالتی به صورت و حالتی دیگر است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۳ - ۱،۴،۵

۱ - زمین در آستانه برپایی قیامت ، گسترده و مسطح شده و مساحت آن افزایش می یابد .

و إذا الأرض مدّت

<مدّ> به معنای بسط دادن (قاموس)، کشاندن (مفردات) و افزایش دادن است. (مصباح)

۴ - مرحله شکافته شدن آسمان در مراحل مقدماتی قیامت مقدم بر مرحله انبساط زمین و مؤثر در آن خواهد بود . *

إذا السماء انشقت . . . و إذا الأرض مدّت

تقدیم <إذا السماء..> بر <إذا الأرض...>، ممکن است ناظر به تقدم زمانی آن باشد. ذکر این دو رخداد در کنار یکدیگر، می تواند نشانگر ارتباط آن دو باشد.

۵ - > عن جابر عن النبي (ص) قال : تمدّ الأرض يوم القيامة مدّ الأديم ، ثم لا يكون لابن آدم منها إلا موضع قدميه ؛

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرموده: زمین روز قیامت، مانند پوست دباغی شده پهن و گسترده می شود؛ در عین حال بر اثر کثرت جمعیت از این زمین پهناور، برای هر کدام از فرزندان آدم جز جای دو قدم نمی ماند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴

۳ - گسترش و افزایش مساحت زمین در آستانه قیامت و خالی شدن درون آن ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و در راستای تکامل یافتن زمین است .

و أذنت لربِّها

گواهی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۵،۶

۵ - زمین در قیامت ، دارای شعور و کلام و گواه آنچه بر روی آن اتفاق افتاده است .

تحدّث

۶ - > عن أبي هريره قال قرء رسول الله (ص) هذه الآية > يومئذ تحدّث أخبارها < قال : أتدرون ما إخبارها ؟ قالوا : الله ورسوله أعلم ، قال : فانّ إخبارها أنّ تشهد على كلّ عبد أو أمه بما عمل على ظهرها ؛

از ابوهریره روایت شده که رسول خدا(ص) آیه >يومئذ تحدّث أخبارها< را قرائت کرد و فرمود: آیا می دانید خبر دادن زمین چیست؟ گفتند خدا و رسولش آگاه تراند؛ فرمود: إخبار زمین گواهی دادن آن است بر هر مرد و زنی به آنچه بر روی آن انجام داده است. <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۵

۵ - زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

يومئذ تحدّث أخبارها .. فمن يعمل مثقال ذرّة خیرا یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۵

۵ - زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان ، اطلاعاتی را در خود محفوظ داشته ، در

قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

و من يعمل مثقال ذره شراً يره

مالک خزاین زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، مالک حقیقی منابع رزق آسمان ها و زمین است .

و لله خزائن السموت و الأرض

مالک زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۴ - ۱

۱ تنها خداوند مالک تمام موجودات آسمان ها و زمین است .

لله ما فی السموات و ما فی الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۲۱

۲۱ مالکیت اصلی و نهایی آسمان ها و زمین (تمام هستی) ، از آن خداوند است .

و لله میراث السموات و الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۹ - ۱

۱ خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملک السموات و الارض

<مُلْك> به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۶ - ۱

۱ خداوند ، تنها مالک آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست (تمامی هستی)

و لله ما فی السموت و ما فی الأرض

<ما فی السموات و ما فی الارض>، کنایه از تمامی هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱

۱ خداوند ، مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمین

است .

و لله ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ سلطنت و مالکیت مطلق خداوند بر آسمان ها ، زمین و آنچه میان آن دو است . (تمام هستی)

و لله ملك السموت و الأرض و ما بينهما

تقديم < لله > دلالت بر حصر دارد. يعنى تنها او مالک آسمانها و ... است. لذا از این معنا به مالکیت مطلق تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۸

۱۸ تنها خداوند ، مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است . (تمام هستی)

و لله ملك السموت و الارض و ما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۱

۱ خداوند ، تنها مالک آسمان ها و زمین (تمام هستی) و حاکم بر آنها

الم تعلم إنّ الله له ملك السموت و الارض

آسمانها و زمین کنایه از تمامی هستی است. و ملک به معنای حاکمیت و در دست داشتن زمام امور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲۰ - ۱،۷

۱ تنها خداوند ، مالک و فرمانروای آسمان ها ، زمین و هر آنچه در آنهاست .

لله ملك السموت و الارض و ما فيهن

۷ مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ينفع الصديقين صدقهم لهم جنت . . . و

ما فیهن و هو علی کل شیء قدیر

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۴،۲۵

۲۴ زمین و رویدنیهایش از آن خداست .

فدروها تأکل فی أرض الله

اضافه کلمه <أرض> به <الله> می تواند به این معنا باشد که زمین از آن خداست. و نیز می تواند به معنای زمین خدا، در مقابل زمینی که مالک شخصی دارد، باشد. بنابر احتمال دوم معنای <فدروها ...> چنین می شود: ناچه را آزاد بگذارید. آن ناچه در زمین خدا می چرد و به زمینهای شخصی شما تعرضی نمی کند.

۲۵ مالکیت خدا بر زمین، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزادگذاری ناچه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناچه الله .. فدروها تأکل فی أرض الله

انتساب زمین به خداوند (أرض الله) پس از انتساب ناچه به او (ناچه الله) استدلالی است از سوی صالح بر لزوم آزادگذاری آن برای چریدن. یعنی چون ناچه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست از چریدن بازداشته شود. تفریع جمله <ذروها ...> به وسیله فاء بر جمله <هذه ناچه الله> نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۳،۵،۷،۱۵

۳ زمین از آن خداست و اختیار آن به دست اوست .

إن الأرض لله یورثها من

یشاء من عباده

۵ موسی (ع) در تعالیم خویش به بنی اسرائیل ، پندار مالکیت فرعون را بر زمین ، پنداری باطل و حاکمیت او را مقهور اراده خداوند خواند .

قال موسی لقومه .. إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

۷ اذعان به مالکیت خدا بر زمین و نفوذ مشیت او ، زمینه ساز مقاومت در برابر دشمنان دین است .

استعينوا بالله و اصبروا إن الأرض لله يورثها من يشاء

۱۵ مالکیت خدا بر زمین ، نفوذ مشیت او بر حاکمان آن و سیر تحولات جوامع بشری به سوی حاکمیت تقوایبندگان ، از تعالیم موسی (ع) به قوم خویش

قال موسی .. إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده و العقبه للمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱

۱ آسمان ها و زمین موجوداتی مملوک ، وابسته به هستی بخش و نیازمند آفریدگار

أو لم ينظروا فی ملکوت السموت و الأرض

<ملکوت> مصدر است و به نایب فاعلش (السموات و الأرض) اضافه شده است. یعنی <ملکوت> در آیه شریفه مصدر مجهول می باشد. بنابراین <ملکوت السموات>، یعنی مملوک بودن آسمانها. گفتنی است مراد از مملوکیت در اینجا مملوکیت حقیقی و تکوینی، یعنی وابستگی وجودی، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۱

۱ خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

إن الله له ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

رویدنی های آن ، ملک خداوند است .

فذروها تأكل في أرض الله

برداشت فوق، از اضافه <أرض> به <الله> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱

۱ خداوند ، مالک و مدبر آسمان ها و زمین است .

قل من رب السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۱

۱ - زمین و هر آنچه در آن هست ، از آن خدا و متعلق به او است .

قل لمن الأرض و من فيها إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۵ - ۱

۱ - اعتراف به مالکیت خدا بر زمین و موجودات روی آن ، امری ناگزیر برای هر انسانِ اهل دانش و خرد

قل لمن الأرض ... إن كنتم تعلمون . سيقولون لله قل أفلاتدرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۶ - ۸

۸ - زمین ، از آن خدا است و بندگان خدا ، می توانند در هر نقطه مناسبی مسکن بگیرند .

إن أرضي وسعه فأيبى فاعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تمامی آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ، از آن خدا است .

الحمد لله الذي له ما في السموت و ما في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۶ - ۱

۱ - خداوند ، مالک

و مدبر جهان هستی (آسمان ها ، زمین و ...)

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - زمین ، از آن خدا و در مالکیت او است .

أَرْضِ اللَّهِ وَسِعَهُ

مقصود از <أَرْضِ اللَّهِ> کره زمین است. این تعبیر گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱۲

۱۲ - > عن سليمان بن مهران ، قال سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزَّوجلَّ < و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة > فقال
يعنى ملكه لا يملكها معه أحد . . . > و السماوات مطويات بيمينه > قال : اليمين اليد ، و اليد القدره و القوه يقول عزَّوجلَّ و
السماوات مطويات بقدرته و قوته سبحانه و تعالى عما يشركون ;

سليمان بن مهران گوید: از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزوجل که می فرماید: <و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة>
سؤال نمودم، حضرت فرمود: یعنی زمین ملک او است [در قیامت] و هیچ کس غیر از او مالک زمین نیست. .. و درباره >
السماوات مطويات بيمينه > فرمود: یمین همان ید است و مراد از آن قدرت و قوت است و خداوند عزوجل فرمود: آسمان ها
به قدرت و قوت خداوند به هم پیچیده می شوند و او منزّه و برتر است از هرگونه شرکی که به او نسبت می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۲

۲ - کفر و ناسپاسی انسان ها

و روی گردانی آنان از پیام وحی ، بی تأثیر برای یگانه مالک آسمان ها و زمین

فإنّ الإنسان كفور . لله ملك السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۱

۱ - خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملك السموت و الأرض

<ملك> به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۱

۱ - گستره آفرینش (آسمان ها ، زمین و ...) ، تحت مالکیت مطلقه الهی

و لله ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۵ - ۲

۲ - خداوند ، مالک و مدبّر زمین است .

لربّها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۱

۱ - حاکمیت و مالکیت بر آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند است .

له ملك السموت و الأرض

<مُلک> اسم مصدر و به معنای بر عهده داشتن سلطنت است (مصباح). هر جا کلمه <مُلک> به کار رود، مستلزم

<ملك> (مالکیت) نیز خواهد بود. (مفردات راغب)

مالک غیب زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۲

۲ تنها خداوند مالک غیب آسمان ها و زمین است .

و لله غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۶ - ۵

۵- حقایق نهانی آسمان ها و

زمین ، در انحصار مالکیت خداوند است .

له غیب السموت و الأرض

تقدیم <له> دلالت بر حصر می کند و حرف <لام> در آن، برای تملیک است.

مالک کلید زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۲ - ۱

۱ - کلید های آسمان و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له مقالید السموت و الأرض

تقدیم <له> <خبر> بر <مقالید> (مبتدا) مفید حصر است.

مالک موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۶

۶ - همه موجودات آسمان ها و زمین از آن خداوند است .

بل له ما فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۲ - ۱

۱ خداوند ، یگانه مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمین (تمام هستی)

و لله ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۲

۲- تمامی موجودات آسمان ها و زمین فقط از آن خداوند است .

الله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶ - ۱

۱ - خداوند یگانه مالک آسمان ها و زمین است .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

تقدیم <له> بر حصر دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۳ - ۳

۳ - تمامی موجودات زمین و آسمان ، مملوک خداوند هستی اند

له ما فی السموت و ما فی الأرض

مالک نیروهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۱۳

۱۳ - نیروها و قوای آسمانها و زمین، تنها از آن خداوند و در اختیار او است.

و لله جنود السموت و الأرض

<لام> در <لله> مفید اختصاص و ملکیت است و می رساند که قوای هستی، مسخر خدا و در خدمت تحقق اهداف او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۷ - ۱

۱ - نیروها و قوای آسمانها و زمین، ملک خداوند و در خدمت تحقق اراده او

و لله جنود السموت و الأرض

<لام> در <لله> مفید اختصاص و ملکیت است و می رساند که نیروهای هستی، مسخر خدا و در خدمت تحقق اهداف اویند؛ چه این که اطلاق <جنود> بر قوای هستی ممکن است، به همین جهت صورت گرفته باشد؛ زیرا در این واژه، هدف داری و قرار داشتن تحت فرماندهی واحد نهفته است.

مالکیت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۳

۱۳ تمام زمین از آن خداوند است.

الم تکن ارض الله واسعة

مدبر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱

۱ خداوند ، مالک و مدبر آسمان ها و زمین است .

قل من رب السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۲

۲ - پروردگار جهان ،

همان مربّی و مدبّر آسمان ها و زمین و موجودات میان آنها است .

قال فرعون و ما ربّ العلمین . قال ربّ السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۶ - ۱

۱ - خداوند ، مالک و مدبر جهان هستی (آسمان ها ، زمین و ...)

ربّ السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۳

۳ - آسمان و زمین ، تحت ربوبیت الهی و تدبیر یگانه آن ، شایان تأمل و درس آموزی

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ

اهمیت ربوبیت الهی نسبت به آسمان و زمین، از آن جهت می باشد که مورد قسم قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۷ - ۱

۱ - خداوند ، مالک و مدبّر آسمان ها و زمین و تمام موجودات بین آنها است .

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۵ - ۲

۲ - خداوند ، مالک و مدبّر زمین است .

لربّها

مدت حیات در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۲

۲- استمرار زندگی انسان در زمین ، تا آخرین لحظات عمر جهان طبیعت

یوم ترونها

<یوم ترونها> متعلق به <تذهل کلّ مرضعه> می باشد. در مرجع ضمیر <ها> در <ترونها> دو احتمال است: ۱ اگر مراد از <الساعه> در آیه قبل لحظه حضور مردم در عرصه محشر باشد، مراد

از <زلزله> اضطراب مردم خواهد بود. در این صورت آیه مورد بحث (یوم ترونها تذهل...)، برای بیان کیفیت و درجه هراس و اضطراب مردم در روز قیامت می باشد و ضمیر <ها> نیز به <الساعه> بازمی گردد. ۲ اگر مراد از <الساعه> لحظه فروپاشی نظام طبیعت باشد، مقصود از <زلزل> لرزش شدیدی خواهد بود که پیکره عالم طبیعت (زمین) را فرا خواهد گرفت. در این صورت آیه مورد بحث، بیانگر حال مردم در لحظه وقوع آن زلزله می باشد و ضمیر <ها> در <ترونها> به <زلزله> بازمی گردد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

مدت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۶

۶ آفرینش آسمان ها و زمین در مدتی برابر شش روز

الذی خلق السموت و الأرض فی سته أيام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۲

۲ آفرینش آسمان ها و زمین ، تدریجی بوده و در شش روز (شش دوره) به انجام رسیده است .

خلق السموت و الأرض فی سته أيام

مراد از <ایام> در آیه شریفه ، معنای متعارف آن (روزها یا شبانه روزها) نیست؛ بلکه مقصود ، دوره ها و مرحله هاست؛ زیرا روز به معنای متعارف آن ، پس از خلقت زمین قابل فرض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۲

۲ - آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو ، در شش روز (شش مرحله و دوره) انجام گرفته است

خلق .. فى سته أيام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۴

۴ - خداوند ، آفریننده زمین در دو روز

خلق الأرض فى یومین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۳،۴

۳ - خداوند ، آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید

خلق السموت و الأرض فى سته أيام

۴ - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت .

خلق السموت و الأرض فى سته أيام

واژه <یوم> (مفرد <ایام>) در معنای برهه ای از زمان (کوتاه یا بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس <سته أيام> (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

مراحل خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۳

۳ آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی ، در شش دوره و مرحله ، بوده است .

خلق السموت و الأرض فى سته أيام

مراد از <یوم> در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز به معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۷

۷ آفرینش آسمان ها و زمین ، در شش مرحله

الذی خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

کلمه <یوم> به معنای مقداری از زمان به کار می رود کوتاه باشد

یا بلند بنابراین می توان گفت: <سته آیام> به معنای شش دوره و مرحله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۴

۴ آفرینش آسمان ها و زمین در شش دوره و مرحله بوده است .

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما فی سته آیام

کلمه <یوم>، در معنای مقداری از زمان به کار می رود (کوتاه باشد یا بلند). بنابراین می توان گفت: <سته آیام> به معنای شش دوره و مرحله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۵

۵ - خدا، زمین را در دو مرحله و دوره آفرید . *

بالذی خلق الأرض فی یومین

لفظ <یوم> می تواند کنایه از دوره و مرحله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أنتکم لتکفرون بالذی خلق .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۱

۱ - آفرینش آسمان و زمین و موجودات هستی ، بهوسیله خداوند در شش مرحله

و لقد خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما فی سته آیام

مراد از <یوم> در آیه شریفه، معنای متعارف آن (روز یا شبانه روز) نیست؛ بلکه مقصود شش دوره و مرحله است؛ زیرا روز به معنای متعارف آن پس از آفرینش آسمان ها و زمین تحقق یافته است.

مراد از وارثان

زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۴

۱۴- > عن أبي جعفر (ع) قال : قوله عزّوجلّ : < أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ > هم أصحاب المهدى [فى]
آخر الزمان ;

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ: < أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ > روایت شده که فرمود: آنان یاوران حضرت مهدی(عج) در آخر الزمان می باشند.

مربى زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۴

۴- آسمان ها و زمین ، تحت ربوبیت خداست .

ما أنزل هؤلاء إلا ربّ السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۴ - ۱۳

۱۳- تدبیر امور آسمان ها و زمین (جهان هستی) ، به دست خداوند است .

ربّ السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۱

۱- جهان هستی (آسمان ها ، زمین و انسان ها) ، تحت ربوبیت خداوند است .

بل ربّکم ربّ السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- فرستنده قرآن و رسولان ، همان پروردگار یگانه آسمان ها و زمین و موجودات است .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ .. إِنَّا كُنَّا مُرْسَلِينَ ... رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۶ - ۴

۴ - خداوند ، یگانه پروردگار آسمان ها و زمین و تمامی جهانیان

رَبِّ السَّمَوَاتِ

و ربّ الأرض ربّ العلمین

مرکز تدبیر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵ - ۲

۲ - عرش ، مرکز تدبیر و کنترل آسمان ها و زمین و تحت سیطره خداوند است .

خلق الأرض والسموت العلی . الرحمن علی العرش استوی

مرگ در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۶ - ۴، ۳، ۱

۱ - زمین ، محل و جایگاه مناسب برای زندگی و مرگ انسان های بسیار

كفّاتاً . أحياء و أمواتاً

تنوین <أحياء و أمواتاً>، برای تعظیم است و مراد از آن تکثیر می باشد.

۳ - آفرینش زمین ، برای حیات و مرگ انسان ها ، جلوه قدرت و عظمت الهی است .

ألم نجعل الأرض كفّاتاً . أحياء و أمواتاً

۴ - > حَمَاد بن عيسى عن أبي عبدالله (ع) أنه نظر إلى المقابر ، فقال : يا حَمَاد هذه كِفَاتُ الأموات و نظر إلى البيوت فقال :

هذه كِفَاتُ الأحياء ثم تلا [هذه الآية] > ألم نجعل الأرض كِفَاتاً . أحياء و أمواتاً < ;

حَمَاد بن عيسى از امام صادق(ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حَمَاد! این کِفَاتِ

مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کِفَاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: >ألم نجعل

الأرض كِفَاتاً . أحياء و أمواتاً<.

مرگ زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۴ - ۵

۵ - زمین بدون آب ، مرده و موات است .

و ينزل من السماء

ماء فيحيى به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۴

۴ - زمین ، دارای مرگ و حیات است .

و آیه لهم الأرض الميته أحيينها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۵ - ۶

۶ - زمین ، دارای مرگ و حیات

فأحيا به الأرض بعد موتها

مصونیت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۹، ۱۳، ۴

۴ - توجه به تسخیر طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد با کرات و سنگ های آسمانی ، زمینه روشنی برای ره یابی به توحید ربوبی خداوند

ألم تر أنّ الله سَخَّرَ .. أن تقع على الأرض

۹ - مصونیت زمین از تصادم کرات و اجرام آسمانی با آن ، به اراده خداوند

و يمسك السماء أن تقع على الأرض

۱۳ - رام بودن طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد کرات آسمانی با آن ، جلوه های رأفت و رحمت گسترده خدا به انسان

ألم تر أنّ الله سَخَّرَ .. إنّ الله بالناس لرءوف رحيم

مطالعه خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۵ - ۲

۲ - تشویق خداوند ، به مطالعه درباره زمین و چگونگی آفرینش آن برای انسان ها

ألم نجعل الأرض كفاتاً

مطالعه در خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۲

۲- تشویق و ترغیب آدمیان به تفکر درباره پیدایش

آسمان ها و زمین ، جهت درك تحقق معاد

أو لم يروا أن الله الذي خلق السموت و الأرض قادر على أن يخلق مثلهم

مطالعه موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۳

۳ - مشرکان ، به خاطر ژرف ننگریستن درباره موجودات آسمان ها و زمین ، مورد سرزنش خداوندند .

ألم تروا أن الله سخر لكم ما فى السموت و ما فى الأرض

احتمال دارد مخاطب <ألم تروا> مشرکانی باشد که در این سوره و قبل از پرداختن به قصه لقمان (فأرونى ماذا خلق..) از آنها سخن گفته شده است. در این صورت، استفهام <ألم...> توییخی است.

معجزه شکافتن زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱

۱ نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد ، زمین را قطعه قطعه کند ، مردگان را زنده سازد ، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد .

و لو أن قرءاً سیرت به الجبال أو قطعت به الأرض أو کلم به الموتى

<تسییر> (مصدر سیرت) به معنای حرکت دادن است و <تقطیع> (مصدر قطعت) به معنای شکافتن عمیق یا قطعه قطعه کردن می باشد و حرف باء در جمله های سه گانه فوق به معنای استعانت است. عبارت <بل لله الأمر> و نیز <أن لو یشاء الله لهدى الناس> گویای این است که جواب شرط <لو أن...> جمله ای نظیر <لم یهدوا إن لم یشأ الله> است.

مقهوریت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹

۳- زمین ، دارای نوعی شعور و مقهور ربوبیت خداوند

بأن ربك أوحى لها

ملاك حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱- زمین بی گیاه مرده است و حیات آن به رویش گیاهان است .

فأحيا به الأرض بعد موتها

مراد از <احیای ارض> (زنده کردن زمین) به وجود آوردن گیاهان و درختان در آن است.

ملکوت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۵ - ۳،۴

۳ ابراهیم(ع) به دلیل مشاهده ملکوت آسمانها و زمین بت پرستی را گمراهی آشکاری می دید.

إني أريك و قومك في ضلل مبين. و كذلك نرى إبراهيم

جمله <و كذلك نرى> احتمالا در صدد بیان سبب و زمینه گفته های ابراهیم(ع) در آیه قبل است.

۴ ورود ابراهیم(ع) در زمره اهل یقین، برجسته ترین هدف نمایاندن ملکوت (سلطنت و مالکیت خداوند) آسمانها و زمین به او بوده است.

و كذلك نرى إبراهيم ملكوت السموت و الأرض و ليكون من الموقنين

جمله <و ليكون...> عطف بر محذوف است. یعنی ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) برای مقاصدی بوده و از آن جمله اینکه وی از اهل یقین باشد. بیان این هدف از میان اهداف دیگر، نشانه برجسته بودن و اهمیت آن است.

منافع تسطیح زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۰ - ۳

۳ - آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافعى درخور توجه برای انسان ها است .

أفلا ينظرون إلی . . . و إلی

الأرض كيف سطحت

آیه شریفه، گرچه توجّه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است؛ ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه سودمند بودن آنها به حال آنان است.

منشأ آرامش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند زمین را علی رغم حرکت پیوسته آن گاهواره ای آرام برای انسان قرار داده است .

الذی جعل لکم الأرض مهذاً و جعل لکم فیها سبلاً

به کارگیری عنوان <گاهواره> اشاره به حرکت زمین دارد.

منشأ آمادگی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۱

۱ گسترده‌گی زمین و آمادگی آن برای زندگی انسان ، به تدبیر و اراده الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۲

۲ - آمادگی زمین ، برای زندگی آدمیان ، به تدبیر و قرار داد الهی است ؛ نه امری اتفاقی .

و الأرض وضعها للأنام

منشأ احیای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۳

۳- خداوند ، احیاگر زمین های موات به وسیله آب باران

و الله أنزل من السماء ماء فأحيا به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۱۶ ، ۱۰ ، ۶

۶ - خداوند ، زمین را حیات می بخشد و بر احیای مردگان ، توانا است .

كيف يحيى الأرض بعد موتها إنّ ذلك لمحى الموتى

۱۰ - رویش گیاهان

و حیات یافتن زمین ، با باران ، به دست خداوند است .

کیف یحی الأرض

۱۶ - قدرت مطلق خداوند ، منشأ ریزش باران ، و احیای زمین به وسیله آن است .

فتری الودق یخرج من خلله . .. یحی الأرض بعد موتها ... و هو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۷۸،۱۴

۷ - آن کس که حیات دهنده زمین است ، حیات دهنده مردگان نیز خواهد بود .

إِنَّ الذی أحيأها لمحي الموتی

۸ - قدرت خداوند در حیات بخشیدن به زمین ، نشانگر قدرت او در حیات بخشیدن به مردگان است .

إِنَّ الذی أحيأها لمحي الموتی

۱۴ - احیای زمین خشکیده و افسرده به وسیله خداوند ، دلیل آشکار بر امکان رستاخیز مردگان و وقوع معاد است .

إِنَّ الذی أحيأها . .. علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۶

۶ اراده الهی ، حاکم بر نزول باران و رویش زندگی در سرزمین های مرده

و نزلنا من السماء . .. و أحيينا به بلدة ميتًا

انتساب فعل <نزلنا> و <أحيينا> به خداوند و عوامل تحت فرمان او، تأکیدی بر حاکمیت اراده او بر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۴

۴ - تبدیل زمین های مرده به زمین های زنده ، سرسبز و خرم ، نمود اراده و قدرت خداوند

أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

منشأ استقرار زمين

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

۱۴ - روم - ۳۰

۲ - قوام و ثبات آسمان ها و زمین ، به فرمان خداوند است .

أن تقوم السماء و الأرض بأمره

۴ - ثبات و استقرار آسمان و زمین ، به فرمان و قدرت خداوند و بدون اسباب و علل ظاهری است .

و من آيته أن تقوم السماء و الأرض بأمره

این که خداوند، برپایی و استقرار و ثبات آسمان و زمین را بدون اسناد به علتی ظاهری، به امر و فرمان خود معرفی می کند، حاکی است که آسمان و زمین، بدون علت ظاهری برپا هستند.

منشأ بازگشت به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۶

۶ - آفرینش انسان از زمین و بازگشت دو باره او به آن و نیز رستاخیز و معاد او ، به اراده و خواست خداوند است .

خلقنکم .. نعيدکم ... نخرجکم

منشأ برکت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۴

۴ برکت و حاصلخیزی زمین ها به دست خدا و در اختیار اوست .

مشرق الأرض و مغربها التي برکنا فيها

منشأ بی حاصلی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۰ - ۱۰

۱۰- سرسبزی یا بی حاصلی زمین ، به خواست خدا و اراده او است .

فَعَسَى رَبِّي أَن .. يرسل عليها حساباً

منشأ تحولات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۶ - ۳

۳ - شخم زدن زمین و ایجاد شیار در دل خاک و آماده سازی آن

برای کشت و ایجاد هر گونه دگرگونی در سطح زمین ، در حقیقت مستند به خداوند است .

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا

فعل <شققنا> اطلاق دارد و زیر و رو کردن خاک زمین را به هر شکلی باشد مستند به خداوند می کند؛ هر چند به دست انسان یا دیگر عوامل طبیعت انجام پذیرد.

منشأ تدبیر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۵

۵ - سامان زمین و نظام آسمان ، تحت ربوبیت یگانه خداوند

الرحمن .. و السماء رفعها ... و الأرض وضعها

آیه شریفه، همراه با همه پیام هایی که دارد، ممکن است ردی بر این نظریه مشرکان باشد که قائل به وجود مدبرهایی غیر از خدا در آسمان و زمین هستند.

منشأ تسطیح زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۶ - ۴

۴ - تبدیل کوه ها به زمینی مسطح و هموار در آستانه قیامت ، کار خداوند و به فرمان او است .

ينسفها ربِّي .. فيذرها قاعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - مسطح شدن زمین ، شایان تحقیق و امعان نظر برای کشف علل و عوامل آن

و إلى الأرض كيف سطحت

۲ - هموار بودن زمین ، نشانه ای آشکار بر قدرت خداوند و دلیل امکان معاد

و إلى الأرض كيف سطحت

منشأ ثبات زمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٧ - ق - ٥٠ - ٧ - ٣

٣ سطح زمين ، بدون وجود كوه ها فاقد ثبات و استقرار

و ألقينا فيها روسي

خداوند، پس از مسأله امتداد و گسترش سطح زمین، از وجود کوه ها به عنوان عناصری استوار (رواسی) یاد کرده است. از این مطلب استفاده می شود که ثبات و استقرار سطح رویین زمین، مدیون استواری کوه ها است و بدون وجود کوه ها، فاقد ثبات و استواری است.

منشأ حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۳

۱۳ - خداوند احیاء کننده زمین ، ایجاد کننده موجودات زنده در آن و منتشر سازنده آنها در سراسر گیتی است .

فأحيا به الأرض .. و بث فيها من كل دابة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۳

۳ - خداوند ، نازل کننده آب از آسمان ، و حیات بخش زمین مرده ، با باران است .

من نزل من السماء ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها ليقولن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱

۱ - حیات و خرمی زمین پزمرده با نزول باران ، از آیات و نشانه های قدرت خداوند است .

و من ءایته أنك تری الأرض خشعه فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزت و ربث

<خشوع> (مصدر <خاشعه>) در اصل به معنای تضرع و تواضع است و در مورد زمین کنایه از خشکی و فسردگی می باشد. <اهتزاز> (مصدر <اهتزت>) به معنای تحرك و جنبش است که نشانه شادابی و خرمی می باشد. <ربو> (مصدر <ربت>) به معنای افزایش و نمو است و در این جا مقصود رویش گیاهان می باشد.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۱ - ۴

۴ - خرمی و حیات زمین ، وابسته به نزول باران است .

نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۲

۲ - ریزش باران از سمت آسمان و تأمین روزی خلق و حیات زمین در پرتو آن ، آیتی خداوندی برای خردورزان

و ما أنزل الله من السماء .. . آیت

منشأ خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند و غیر او فاقد کمترین تأثیر در آن

أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

منشأ روشنایی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱،۴

۱ - سراسر زمین در عرصه قیامت به نور الهی روشن خواهد شد .

و أشرقت الأرض بنور ربِّها

<إشراق> (مصدر <أشرقت>) به معنای اضائه (روشن شدن) است.

۴ - روشن شدن زمین و حقایق مربوط به اهل آن در قیامت ، جلوه ربوبیت الهی است .

و أشرق الأرض بنور ربها

منشأ زندگی در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۵

۵ - آمادگی کره خاکی به اراده خداوند برای زندگی انسان ها دلیل شایستگی یگانه او برای پرستش

جعل الأرض قرارًا و جعل خللها أنهرًا .. أعله مع الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ -

۴- قدرت و دانایی آفریدگار هستی ، پشتوانه پیدایش شرایط زیست در کره زمین

العزیز العليم . الذی جعل لکم الأرض مهدياً و جعل لکم فيها سبلاً لعلکم تهتدون

منشأ زیبایی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳۳

۳۳ - گیاهان ، مایه زیبایی و خرمی زمین

من کلّ زوج بهیج

<بهیجه و بهاجه> به معنای حسن و خرمی است. بنابراین <بهیج> یعنی، نیکو و خرم.

منشأ سرسبزی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۴

۴ سرسبزی زمین و رشد نباتات مرهون ریزش باران است.

أنزل من السماء ماء .. فأخرجنا منه خضرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۰ - ۱۰

۱۰- سرسبزی یا بی حاصلی زمین ، به خواست خدا و اراده او است .

فعسى ربّي أن .. يرسل عليها حساباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۱ - ۴

۴ - خرمی و حیات زمین ، وابسته به نزول باران است .

نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۴

۴ - تبدیل زمین های مرده به زمین های زنده ، سرسبز و خرم ، نمود اراده و قدرت خداوند

أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

منشأ سلطه انسان بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۲ - ۵

۵ - تسلط انسان بر زمین

و بهره گیری گسترده وی از نعمت های آن ، تدبیری الهی و نشان دهنده الطاف خداوند در حق وی

و يجعلکم خلفاء الأرض

اسناد <جعل> به خداوند، برای یادآوری این واقعیت است که اگر شما بر گرده زمین سوارید و از آن سود می جوئید، امری اتفاقی نیست؛ بلکه در آن رموز و مناسبات زیادی به کار رفته که همه وابسته به تدبیر خداوند است و بر این اساس است که قادر به تصرف در زمین و تسلط بر آن هستید. تعبیر <خلفاء الأرض> اشاره به همین تصرف و تسلط دارد.

منشأ شادابی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳۳

۳۳ - گیاهان ، مایه زیبایی و خرمی زمین

من کلّ زوج بهیج

<بهجه و بهاجه> به معنای حسن و خرمی است. بنابراین <بهیج> یعنی، نیکو و خرم.

منشأ شخم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۶ - ۳

۳ - شخم زدن زمین و ایجاد شیار در دل خاک و آماده سازی آن برای کشت و ایجاد هر گونه دگرگونی در سطح زمین ، در حقیقت مستند به خداوند است .

ثمّ شققنا الأرض شقاً

فعل <شققنا> اطلاق دارد و زیر و رو کردن خاک زمین را به هر شکلی باشد مستند به خداوند می کند؛ هر چند به دست انسان یا دیگر عوامل طبیعت انجام پذیرد.

منشأ شکافتن زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شکافتن زمین هنگام روییدن گیاه ، کار خداوند و تحوّل شگفت انگیز

است .

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا

به قرینه آیات بعد، مراد از <شققنا الأرض> شکافتن زمین هنگام روییدن گیاه است. تأکیدی که کلمه <شَقًّا> بر آن دلالت دارد، در این موارد بیانگر شگفت بودن است.

منشأ گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۱

۱ خداوند ، گسترنده زمین و قرار دهنده کوه ها و رود ها در دل آن

و هو الذى مدّ الأرض و جعل فيها روسى و أنهرًا

<مدّ> به معنای گسترانیدن و پهن کردن است. <رواسی> (جمع راسیه) به معنای کوههای استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۱

۱ گسترده‌گی زمین و آمادگی آن برای زندگی انسان ، به تدبیر و اراده الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۸ - ۱

۱ - گسترده‌گی زمین و آمادگی آن برای آسایش بشر ، به تدبیر و اراده خداوند

و الأرض فرشها

<فرش> (مصدر <فرشنا>) و <مهد> (مصدر <ماهدون>) در اصل به معنای پهن کردن و گسترده‌گی چیزی برای نشستن بر آن و یا خوابیدن است؛ یعنی، <و الأرض بسطناها و سطحنها لتستقروا علیها و تسکنوها فنعم الباسطون نحن>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلك دحيها

<دحو> به معنای بسط دادن و گستراندن است. <بعد ذلك> دلالت دارد که این مرحله از

تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین به قرینه آیات بعد آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۱ - ۱

۱ - خداوند ، با گسترده ساختن زمین ، آب های زمینی را بر سطح آن جاری ساخت .

أخرج منها ماءها

فعل <أخرج> بدل از <دحاها> است و به همین جهت بدون حرف عطف آمده است. این فعل آنچه را لازمه بسط زمین است بیان می کند.

منشأ نشاط زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱

۱ - حیات و خرمی زمین پژمرده با نزول باران ، از آیات و نشانه های قدرت خداوند است .

و من ءایته أنک تری الأرض خشعه فإذا أنزلنا علیها الماء اهتتت و ربت

<خشوع> (مصدر <خاشعه>) در اصل به معنای تضعیف و تواضع است و در مورد زمین کنایه از خشکی و فسردگی می باشد. <اهتزاز> (مصدر <اهتتت>) به معنای تحریک و جنبش است که نشانه شادابی و خرمی می باشد. <ربو> (مصدر <ربت>) به معنای افزایش و نمو است و در این جا مقصود رویش گیاهان می باشد.

منشأ نظم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۲

۲ - نظم کنونی آسمان ها و زمین در بقا ، همانند مرحله آغازین خود ، نیازمند به اراده و تدبیر خداوند است .

إن الله یمسک السموت و الأرض .. إن أمسکهما من

أحد من بعده

منشأ نور زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱

۱ - خداوند ، نور آسمان ها و زمین است .

اللّٰهُ نور السموت و الأرض

موانع انهدام زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۱

۱ - تنها خداوند ، نگه دارنده نظم کنونی آسمان ها و زمین از زوال و پاشیدگی است و هیچ قدرت دیگری در آن نقش ندارد .

إنّ اللّٰه یمسك السموت و الأرض أن تزولا و لئن زالتا إن أمسكهما من أحد من بعده

موانع ثمردهی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۴

۴ - گناه و معصیت انسان ها ، زمین ها و دریا ها را از بازدهی و سودبخشی ساقط می کند .

ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت أیدی الناس

موانع لرزش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۲،۳

۲- کوه ها ، از جنبش ها و لرزش های زمین جلوگیری می کند .

و ألقى في الأرض روسى أن تميدبكم

<مید> در لغت اضطراب و لغزش چیزهای بزرگ را گویند و چون این آیه در مقام بیان نعمتهای خداست و اضطراب و لرزش زمین نعمت نیست، معلوم می شود که <أن تمیدبکم> در اصل <لأن لا تمیدبکم> یا <كراهيه أن تمیدبکم> بوده است؛ یعنی، کوهها را در زمین قرار داد تا زمین شما را نلرزاند.

۳- زمین بدون وجود کوه ها ، دارای جنبش و لرزش بوده و برای

زندگی انسان مناسب نیست .

و ألقى في الأرض روسى أن تميد بكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۱

۱- آفرینش کوه های استوار برای جلوگیری زمین از لرزاندن و جنباندن انسان ها است .

و جعلنا في الأرض روسى أن تميد بهم

<رسا> به معنای <ثبت> و <رسيخ> است و به کوه ها از آن جهت که خود راسخ و استواراند و مانع اضطراب و لرزش زمین می شوند، <رواسی> گفته می شود. <مید> (مصدر <تمید>) به معنای اضطراب و حرکت به سمت های گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۵،۶

۵- زمین ، بدون وجود کوه ها ، در معرض لرزش های مداوم بوده و مناسب زندگی نیست .

و ألقى في الأرض روسى أن تميد بكم

۶- کوه ها ، از جنبش و لرزش زمین جلوگیری می کنند و برای آماده کردن آن برای زیستن بشر ، نقش دارند .

و ألقى في الأرض روسى أن تميد بكم

<مید> در لغت، <اضطراب و لرزش چیزهای بزرگ> را گویند. چون آیه درصدد بیان نعمت های خداوند است و لرزش، نمی تواند نعمت باشد، معلوم می شود که <آن تمید>، <آن لایمید> و یا <کراهیه تمید بکم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۱

۱- کوه ها مانند میخ های مستحکم ، با رسوخ در زمین مانع لرزش آن شده و اجزای \$ آن را به هم پیوند داده است .

و الجبال أوتادًا

<أوتاد> (جمع <وتد>)، یعنی، میخ‌ها. تشبیه

کوه ها به <میخ>، به این لحاظ است که آرامش و استحکام زمین و از هم نپاشیدن آن، وابسته به وجود کوه ها است زیرا بدون وجود کوه ها، حرکت لایه های زمین به روی یکدیگر و پیدایش زلزله های فراگیر، آرامش و استقرار آن را به هم می زد.

موجبات فروری در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۱۱

۱۱- برخی از گناهان، کیفر فرو رفتن در زمین را در پی دارد.

أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض

موجودات با شعور زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۲،۳

۲ - آسمان ها و زمین، در بردارنده موجوداتی زنده، شعورمند و با احساس

و نفخ في الصور فصعق من في السموت و من في الأرض

<من> برای موجودات دارای شعور به کار می رود. آمدن این کلمه و نیز مسأله مردن و ایستادن و نگاه کردن موجودات آسمانی و زمینی در صحنه قیامت (اذا هم قیام ينظرون)، گویای برداشت یاد شده است.

۳ - مرگ و رستاخیز، حقیقتی عام و در برگیرنده تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین و نه مخصوص انسان ها

و نفخ في الصور فصعق من في السموت و من في الأرض .. ثم نفخ فيه أخرى فإذا هم ق

موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۱۲

۱۲ آسمان ها و زمین، آفریده هایی حادث

فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جِلْد - نَامِ سُورِهِ - سُورِهِ

- آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۱ - ۲

۲ پدیده های گوناگون در آسمان ها و زمین ، آیات و نشانه های توحید و ربوبیت مطلق خدا بر جهان هستی است .

قل انظروا ماذا فی السموت و الأرض و ما تغنی الأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۸

۸- شکافتن زمین و بیرون آمدن پدیده های زمینی از آن و نیز شکافتن آسمان و نزول پدیده های آسمانی از آن ، از نشانه های وجود خداوند

أفی الله شک فاطر السموت و الأرض

<فاطر> در لغت به معنای شکافتن است و احتمال دارد مراد از <فاطر السموات و الأرض> همان معنای لغوی آن باشد؛ یعنی، شکافتن آسمان و زمین برای بیرون آوردن پدیده های آسمانی و زمینی از آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۰ - ۶

۶- کره زمین ، دارای موجودات با شعور از نوع غیر انسان که روزی آنها به دست خداوند است .

و جعلنا لکم فیها معیش و من لستم له برزقین

لفظ <من موصول> نوعاً بر موجوداتی اطلاق می شود که دارای شعور و ادراک باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۳ - ۲

۲- قائلان به فرزند گزینی خداوند ، فرزند خوانده او را از بین موجودات شعورمند آسمان ها و زمین می دانستند .

من فی السموت و الأرض

کلمه <من> موصولی است که برای عاقلان به کار می رود. به کار بردن آن، ممکن است ناظر به پندار فرزندخواندگی

عزیر(ع) برای خدا باشد در نتیجه تعبیر <موجودات آسمان ها> کنایه از ملائکه و <موجودات زمین> کنایه از عیسی و عزیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۷

۷ - آسمان ها ، مانند زمین ، دارای موجوداتی است .

یعلم ما فی السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۵

۵ - آسمان ها ، چونان زمین ، دربردارنده موجوداتی قابل توجه اند .

لله ما فی السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۵

۵ - برخی از موجودات آسمان ها و زمین ، از مرگ ناشی از نفخ صور ایمن خواهند بود .

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض إلا من شاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۶ - ۴

۴ - آگاهی خداوند ، به تمامی موجودات آسمان ها و زمین

و الله يعلم ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۴ - ۴

۴- انسان ، موجودی زمینی و زمین بستر مناسب و طبیعی برای تکثیر نسل او

ذراکم فی الأرض

مطلب یاد شده، از قید <فی الأرض> استفاده می شود.

نشانه های حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۵

۵- رویش دانه ها ، جلوه روشن حیات در زمین است .

و ءایه لهم الأرض المیتة

أحیینہا و أخرجنا منها حبًا

برداشت یاد شده از آن جا است که رویش دانه ها، به عنوان نخستین نمونه حیات در زمین یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ - پیدایش و رویش گیاهان ، مظهری از حیات زمین است .

اهتزت و ربت إن الذی أحيها

نشانه های زیبایی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۲

۲ - گیاهان و سبزی های خوشبو و معطر ، نمودی از آراستگی زمین برای انسان

و الأرض وضعها للأنام . فیها ... و الريحان

واژه <ریحان>، به هر گیاه خوشبو گفته می شود (قاموس المحيط).

نطق زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۵

۵ - زمین و آسمان (جهان هستی) ، دارای نوعی شعور ، اراده و نطق

قالتا أتینا طائعين

از واژه <قالتا> استفاده می شود که آسمان و زمین دارای نوعی نطق اند؛ چنان که از جمله <أتینا طائعين> فهمیده می شود که آن دو، از نوعی اراده و خواست نیز برخوردارند و از مجموع اراده و نطق نوعی شعور و ادراک استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- زلزله - ۹۹ - ۴ - ۵

۵- زمین در قیامت ، دارای شعور و کلام و گواه آنچه بر روی آن اتفاق افتاده است .

تحدّث

نظام زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۴

۱۴ گزینش کعبه از میان تمامی

نقاط زمین برای انجام مناسک حج ، نشان آگاهی خداوند به نظام آسمان ها و زمین *

جعل الله الكعبه . .. ذلك لتعلموا ان الله يعلم ما فى السموت و ما فى الارض

ارتباط عمیق بین جعل کعبه و خصوصیات آن با آگاهی خداوند بر آسمانها و زمین این احتمال را در ذهن ترسیم می کند که آیه ناظر به ویژگیهای منطقه ای و جغرافیایی کعبه باشد.

نعمت تسطیح زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۶

۶ - وجود راه ها و امکان سیر و انتقال ، بر اثر همواربودن زمین ، از موهبت های الهی برای انسان و پرتویی از ربوبیت خداوند

الذی . . . سلک لکم فیها سبلاً

نعمت حرکت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۳

۳ - حرکت انسان ها ، بر روی زمین و اطراف و اکناف آن ، از نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

جعل لکم الأرض ذلولاً فامشوا فی مناكبها

مقصود از <مناكب> (شانه ها) در این آیه، روی زمین و اطراف و اکناف آن است. گفتنی است برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های الهی به بشر است.

نعمت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۵

۵ - آفرینش زمین ، نعمتی الهی برای انسان ها و در جهت منافع حیاتی آنان است .

ألم نجعل الأرض مهدياً

<مَهْد> و <مِهَاد>، به معنای مکانی است که مَمَّهْد و

مهیا باشد (مفردات راغب). بنابراین جمله <ألم نجعل...>، حاکی از این است که خداوند زمین را به گونه ای قرار داده است که برای ادامه حیات بشر آماده باشد.

نعمت گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۹ - ۴

۴ - گستردگی و پهناوری زمین برای بهرهوری، از نعمت های الهی برای بشر

و الله جعل لكم الأرض بساطاً

نعمت همواری زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۲

۲ - گستراندن و هموار ساختن زمین، از نعمت های خداوند به انسان ها و در راستای تربیت و رشد آنان است.

الذی جعل لكم الأرض مهداً

در برداشت بالا- سه نکته ملحوظ است: ۱ لام در <لکم> نعمت بودن را می فهماند. ۲ <الذی> چه خبر باشد برای ضمیر محذوفی که به <رب> در آیه قبل برمی گردد و چه صفت برای آن، بیانگر وصفی از اوصاف ربوبی خداوند است که در راستای تدبیر امور انسان ها است. ۳ <مهداً> مصدر و به معنای مهوده است، یعنی، مهیا و مسطح.

نعمتهای اهل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۱

۱ - مرگ در زندگی دنیا، نعمتی برای زمینیان است.

كَلَّ مِنْ عَلَيْهَا فَانَ... فَبَأَىءَ الْآءِ رَبُّكَمَا تَكْذِبَانَ

اطلاق <ءالآء> بر فنای موجودات ذی شعور زمین، از آن جا که آن فنای مطلق نیست و مرحله ای است در سیر تکاملی خلق،

بیانگر مطلب بالا است.

نفوذ آب در زمین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۵

۵ - وجود لایه های نفوذپذیر آب در بستر زمین

أنزل من السماء ماء فسلكه ينابيع في الأرض

نفوذ باران در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۲

۲ - خداوند ، باران را به صورت چشمه سارها در دل زمین راه داده و روان ساخته است .

أنّ الله أنزل من السماء ماء فسلكه ينابيع في الأرض

<سلوك> (مصدر <سلك>) به معنای داخل کردن و نفوذ دادن شیء است.

نقش احیای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۴

۱۴ - احیای زمین خشکیده و افسرده به وسیله خداوند ، دلیل آشکار بر امکان رستاخیز مردگان و وقوع معاد است .

إنّ الذي أحياها .. على كلّ شيء قدير

نقش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۶

۶ زمین و بخش های متفاوت آن و درختان و کشتزارها ، از نشانه های خدا و یکتایی او در تدبیر هستی

إن في ذلك لآيت لقوم يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۰ - ۱

۱- خداوند ، انواع وسایل معیشت و زندگی آدمیان را ، در زمین قرار داده است .

و الأرض مددنها .. و جعلنا لكم فيها معيش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۲

۲- آسمان ها و زمین و موجودات مستقر در آنها ، خود گویاترین دلیل بر

کمال آفریدگار و تنزیه او از شریک و هرگونه نقص و کاستی است .

تَسْبِحْ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ

<تسبیح> در لغت به معنای <تنزیه> است (مفردات راغب) و <تنزیه> یعنی، دور دانستن خداوند از چیزهایی که بر او سزاوار نیست (مجمع البحرین). گفتنی است، تنزیه به دو صورت ممکن است: تنزیه به زبان گفتار و تنزیه به زبان حال. برداشت فوق مبتنی بر صورت دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۵

۵- زمین و سایر مظاهر طبیعت ، مجرای اراده خداوند

أَفَأَمْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۷ - ۲

۲- زمین ، محل رخداد قیامت و حشر انسان ها *

فِيذُرْهَا قَاعًا صَفْصَفًا . لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا

مسطح شدن زمین ممکن است جهت آماده سازی آن برای برانگیختن مردم باشد. بنابراین قیامت و صحنه رعب انگیز آن، بر روی همین زمین اتفاق خواهد افتاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۸

۸- زمین ، ضیافتگاه الهی برای انسان ها

وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا

عبارت <منزلًا مبارکًا> کنایه از سرزمینی پر خیر و برکت است. به کارگیری <منزل> برای سرزمین ها، مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۱۲

۱۲ - آسمان ها و زمین و موجودات عالم ، از منابع شناخت اند .

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا .. ما خلق الله السموت و

الأرض و ما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۲

۲ - قرار داشتن نظام آسمان ها و زمین در خدمت منافع انسان ، به اراده و تدبیر خدا است .

ألم تروا أنّ الله سَخَّرَ لَكُمْ ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۵

۵ - آسمان ها و زمین و موجودات آنها ، نشانه و آیه خداوندند .

الله الذى خلق السموت و الأرض و ما بينهما

جمله <الذى خلق السماوات و...> وصف خداوند است. بدیهی است که صفت هر چیزی معرّف آن است و از این رو، می توان استفاده کرد که وجود زمین و آسمان ها و پدیده های موجود در آنها، دلیل وجود خدایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۲

۲ - وجود آسمان و زمین در مقابل دیدگان انسان ها ، نشانه قدرت الهی است .

أفلم يروا إلی ما بین أیدیهم و ما خلفهم من السماء و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۴ - ۳،۴

۳ - روزی انسان ها ، از طریق آسمان ها و زمین تأمین می شود .

قل من یرزقکم من السموت و الأرض

۴ - خداوند ، روزی دهنده انسان ها از طریق منابع آسمانی و زمینی

قل من يرزقكم من السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۷

۷ - آسمان

و زمین ، از منابع ارتزاق انسان ها و تأثیر گذارد در حیات آنان

یرزقکم من السماء و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴ - ۱

۱ آگاهی خداوند ، از کاستی هایی که زمین ، پس از مرگ در جسم آدمیان ایجاد می کند .

قد علمنا ما تنقص الأرض منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۹

۹ - آسمان ها و زمین ، خزائن و منابع رزق موجودات

يقولون لاتنفقوا .. و لله خزائن السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۳

۳ - آسمان ها و زمین ، نشانه قدرت خداوند و آیت یکتایی او است .

الله الذی خلق سبع سموت و من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۲

۲ - انسان ، از عناصر زمینی آفریده شده است .

و الله أنبتکم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۵ - ۱

۱- زمین ، جایگاه و بستر مناسب برای اجتماع انسان ها

ألم نجعل الأرض كفاً

<کِفات> اسم برای محلی است که در آن، چیزی نهاده و گردآوری شده است (قاموس المحيط). در این آیه به قرینه آیه بعد (أحیاء و أمواتاً) مقصود محل اجتماع انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۴

۴ - باران و زمین مناسب ، دو عنصر

اصلی در رشد و باروری درختان زیتون و خرما است .

صببنا الماء .. ثم شققنا ... و زيتوناً و نخلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۱،۳،۴

۱ - زمین ، حافظ خبرهایی فراوان و دارای قابلیت بازگویی و ارائه آن

یومئذ تحدّث أخبارها

۳ - زمین پس از تحوّلاتی در سه مرحله (> لرزش ویرانگر در پایان عمر دنیا < ، > اخراج مردگان از درون خود در آغاز قیامت < و > اظهار اطلاعات بایگانی شده در خود <) ، مکان حسابرسی اعمال انسان ها خواهد شد .

إذا زلزلت .. و أخرجت ... تحدّث أخبارها

آیات این سوره می تواند بیانگر حوادث آخرت باشد که از پایان نظام موجود، شروع می شود. تعبیر <یومئذ> در این احتمال نشانگر وقوع تمام آن حوادث، در یک زمان گسترده است.

۴ - زمین گزارش های فراوانی را درباره انسان ها در خود ، بایگانی کرده ، در قیامت آنها را بازگو خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها

این آیه گرچه مصداق <اخبارها> را بیان نکرده است ولی آیات بعد، می تواند قرینه باشد که مراد اخبار مربوط به انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۵

۵ - زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها .. فمن يعمل مثقال ذرّة خیراً یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸

۵ - زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان ، اطلاعاتی را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

و من يعمل مثقال ذرّة شرّاً يره

نیازهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۹

۹ - نیاز آسمان ها و زمین و همه موجودات میان آن دو به مربّی و مدبّر

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

وابستگی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱

۱ آسمان ها و زمین موجوداتی مملوک ، وابسته به هستی بخش و نیازمند آفریدگار

أو لم ينظروا فی ملکوت السموت و الأرض

<ملکوت> مصدر است و به نایب فاعلش (السموات و الأرض) اضافه شده است. یعنی <ملکوت> در آیه شریفه مصدر مجهول می باشد. بنابراین <ملکوت السموات>، یعنی مملوک بودن آسمانها. گفتنی است مراد از مملوکیت در اینجا مملوکیت حقیقی و تکوینی، یعنی وابستگی وجودی، است.

وارث زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۱

۱- خداوند ، تنها وارث تمامی زمین و زمینیان است .

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا

وارثان زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۸

۱- به ارث بردن زمین و تسلط بر منافع آن به وسیله بندگان صالح ، امری ثبت شده در کتاب تورات و زبور

و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این

است که: ۱ الف و لام <الزبور> برای عهد و مقصود از آن کتاب آسمانی داوود(ع) باشد؛ چنان که در آیه ۱۶۳، سوره <نساء> آمده است (و آتینا داوود زبوراً)؛ ۲ مقصود از <الذکر> تورات باشد؛ چنان که این نام در قرآن بر تورات اطلاق شده است (انبیاء، آیه ۴۸)؛ ۳ <من بعد الذکر> متعلق به <کتبنا> باشد.

۸- وراثت زمین برای صالحان، در پرتو عنایت خداوند به آنان

و لقد کتبنا .. أن الأرض یرثها عبادی الصالحون

وحی به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۵ - ۲

۲- زمین، دریافت کننده وحی و فرمان الهی و مطیع آن

بأن ربك أوحى لها

وسعت زلزله زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۳

۳- لرزش گسترده زمین، از مقدمات برپایی قیامت

إذا زلزلت الأرض زلزالها

به قرینه جمله <یومئذ یرصد الناس أشتاتاً> (در آیات بعد)، زلزله زمین در آستانه قیامت خواهد بود.

وسعت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۹

۹- وسعت بهشت، به اندازه وسعت همه آسمان ها و زمین است .

و جنه عرضها كعرض السماء و الأرض

واژه <عرض> در آیه شریفه معادل <سعه> است نه مقابل طول و <ال> در <السماء> جنسیه می باشد. بنابراین <السماء> یعنی، همه آسمان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۶ - ۲

۲ - گنجایش زمین ، برای تأمین نیاز های بشر در حال حیات و

مرگ *

أحياء و أمواتاً

وضوح وابستگی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۳

۳- وابستگی آفرینش زمین به خداوند ، روشن و غیر قابل انکار است .

ألم نجعل الأرض مهدياً

استفهام در <ألم نجعل> برای تقریر و حاکی از مسلم بودن مابعد خود است.

ویژگی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- اعراف - ۷ - ۲۵ - ۱،۲

۱ زمین عرصه حیات و مرگ آدمیان

قال فيها تحبون و فيها تموتون

۲ زمین، عرصه حیات و مرگ شیاطین نیست.

قال فيها تحيون و فيها تموتون و منها تخرجون

تکرار کلمه <قال> (قال اهبطوا .. قال فيها تحيون) می تواند اشاره به تغییر مخاطب در دو جمله <اهبطوا ...> و <فیهما تحيون> داشته باشد. در آیه قبل انسانها و نیز شیطان مورد خطاب بودند و در این آیه تنها انسانها مخاطب هستند. و شیاطین مورد خطاب نیستند. بنابراین می توان گفت زمین عرصه حیات و مرگ شیاطین نیست.

ویژگیهای خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱،۲

۱ - خداوند ، کره زمین را با ثبات و آرام قرار داد .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

<قرار> می تواند مصدر <قَرَّرَ> (مرادف سَيَكُنَّ وَ تَبَّتْ) باشد. در این صورت قرار، مقابل اضطراب و لرزیدن و از اوصاف زمین به شمار می رود. هم چنین می تواند به معنای مستقر و جایی باشد که در آن ثبات و آرامش است؛ یعنی، <جعلها مستقراً لكم>. در این صورت مقصود آن است که زمین را به

گونه ای قرار دادیم که جایی برای سکونت شما انسان ها باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

۲ - خداوند ، زمین را به گونه ای آفریده که قابل سکونت و زندگی برای بشر باشد .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۱

۱ - خداوند ، زمین را برای انسان رام و قابل بهره برداری قرار داد .

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۰ - ۲

۲ - خداوند ، زمین را به گونه ای آفرید که انسان بتواند در آن راه های وسیع برای خود بسازد .

لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا

برخی از مفسران، بر آنند که چون فعل <سلک> با <من> متعدی شده است، متضمن معنای اتخاذ است یعنی، <لتتخذوا لأنفسکم منها سبلاً..>.

ویژگیهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۱

۱ زمین متشکل از قطعه ها و سرزمین های گوناگون چیده شده کنار یکدیگر

و فی الأرض قطع متجورت

<قطع> (جمع قطعه) به معنای اجزا و قسمتهاست. <تجاور> (مصدر متجاورات) به معنای در جوار و نزدیک یکدیگر بودن است. توصیف سرزمینها به قطعه ها و بخشها می تواند به اعتبار اختلاف و تفاوت آنها باشد. بنابراین مراد از <قطع متجاورات> این است که: مناطق زمین علی رغم نزدیک بودن و متصل بودن به یکدیگر، مختلف و گوناگونند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۵

- ۵

وجود لایه های نفوذپذیر آب در بستر زمین

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعٌ فِي الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۳ - ۳

۳ - زمین ، دارای اجزای متراکم و قابل انبساط و سطح آن قابل توسعه است .

و إِذَا الْأَرْضُ مَدَّتْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - زمین ، پدیده ای رخنه پذیر ، قابل شیار خوردن و در حال شکافته شدن

و الْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدَعِ

<صدع> یعنی، ایجاد شکاف در چیز مقاوم و سخت (قاموس)، وصف <ذات الصدع> وصف ثابتی است که دلالت دارد، زمین به طور مداوم در حال شکافته شدن است.

۲ - آمادگی زمین ، برای رویش گیاهان و پیدایش چشمه ساران

و الْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدَعِ

چنانچه <ذات الرجع> در آیه قبل به باران نظر داشته باشد؛ <ذات الصدع> در این آیه به نتایج باران در زمین اشاره خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵ - ۳

۳ - کره زمین ، عرصه برپایی قیامت

یوم... و تَكُونُ الْجِبَالُ

هدفداری خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

<حق> کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب با جمله <خلق السماوات>، به معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای <حق> تصریح کرده است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱

۱- خداوند ، آسمان ها و زمین را هدفمند و بر اساس حکمت آفرید .

ألم تر أن الله خلق السموت والأرض بالحقّ

<حق> در برابر باطل (بیهوده) است و مراد از آن، این است که فاعل حق برای کارش هدفی پسندیده در نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۳

۳- آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی ، آفریده هایی هدف دار و پیراسته از هرگونه باطل اند .

ما خلق الله السموت والأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

<باء> در <بالحقّ> برای <ملاسه> است و دلالت می کند که حق بودن آفرینش، وصف انفکاک ناپذیر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۲

۲- وجود معاد و حیات اخروی ، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إن هؤلاء ليقولون .. و ما خلقنا السموت ... لعین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است؛ یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرینش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت والأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۴

۴ - آفرینش زمین و نظام هستی از سوی خدا ، هدفمند است .

و السماء رفعها و ... و الأرض وضعها للأنام

خداوند متعال در این آیه، نمایانده است که اصولاً سامان یافتن زمین و شکل گیری آن از آغاز، بدان هدف صورت گرفته که زیستگاه آدمیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲

۲ - آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و ...) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

هماهنگی تدبیر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۲ - ۲

۲ - عظمت و هماهنگی تدبیر آسمان ها و زمین و عرش ، نشان دهنده حاکمیت خدای یگانه بر هستی است .

سبحن ربّ السموت و الأرض

زن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{زن}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۱

۱ - تقسیم شدن انسان ها به

هنگام شکل گیری در رحم به دو صنف مرد و زن ، از نشانه های قدرت خداوند است .

فَجْعَلْ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ

آثار اذیت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۶۷، ۶۴، ۲، ۱

۱ - تداوم تعرض به زنان مسلمان ، از سوی منافقان ، باعث اجرای حکمی سخت درباره آنان و آواره شدن شان همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ينته المنافقون .. لنغريتنك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً. ملعونين

<ملعونين> حال برای ضمیر فاعلی <لا يجاورون> است.

۲ - تداوم آزار و اذیت زنان مسلمان ، از سوی بیماردلان ، موجب سخت گیری پیامبر (ص) بر آنان ، در حد آواره سازی همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ينته .. و الذين في قلوبهم مرض ... لنغريتنك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا

۴ - منافقان آزاردهنده زنان مسلمان ، در صورت تداوم کردار زشت خود ، مهدورالدم بوده و در هر کجا که یافته شوند ، باید به قتل برسند .

لئن لم ينته المنافقون .. لنغريتنك بهم ... أينما ثقفوا أخذوا و قتلوا ثقفياً

<ثقف> (مصدر <ثقفوا>) به معنای <مهارت در درک و انجام دادن کار> است (مفردات راغب). در آیه، این واژه به معنای <به دست آوردن و دستیازی> استعمال شده است.

۶ - بیماردلانی که اقدام به فساد و آزار زنان می کنند ، در صورت ادامه کار خود ، محکوم به قتل اند .

لئن لم ينته .. و الذين في قلوبهم مرض ... ملعونين أينما ثقفوا أخذوا و قتلوا

۷ - ادامه دهندگان به

فساد در جامعه، با آزار و اذیت زنان مؤمن، هیچ محل امنی ندارند و باید به قتل برسند.

لئن لم ینته المنفقون و... لنغرینک بهم... ملعونین اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا

<أین> مفید عموم است و شامل همه جا می شود و از آن، جایی استثنا نشده است.

آثار ازدیاد زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۵

۱۵- نظام اجتماعی ظالمانه، همچون نظام استبدادی فرعون، از ظلمتهاست.

أخرج قومک من الظلمت إلى النور... إذ أنجکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

آثار صدای طنازانه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۴

۴ - صدای نرم و طنازانه زنان، موجب طمع قلب های بیمار در آنان است.

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

آثار عفت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۵

۵ - عفت و پاکدامنی، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

آزادی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۸،۱۱

۸ پس از عده وفات ، زن در گرفتن هر تصمیم شایسته برای خویش آزاد است .

فاذا بلغن اجلهنّ فلا

جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهن بالمعروف

۱۱ پس از عده وفات ، زن در انتخاب شوهری شایسته آزاد است .

فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهن

مراد از <فیما فعلن>، به قرینه جمله <یتربصن> که ممنوعیت ازدواج در زمان عده است، انتخاب شوهر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۸

۸ زن از دیدگاه ادیان الهی دارای هویت مستقل فکری و عقیدتی و مسؤول در برابر اعمال خویش است .

إلا امرأته کانت من الغبرین

آزادی زن در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱ - ۴

۴ - آزادی زنان برای ملاقات با پیامبر اکرم (ص) و نیز گفتوگو و در میان گذاشتن مشکلات خویش با آن حضرت

قد سمع الله قول الّتی تجادلک فی زوجها

آشپزی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۶ - ۴

۴ - نقش زنان در آماده ساختن و طبخ غذا ، در عصر ابراهیم (ع) *

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمین

از این که ابراهیم(ع) برای تهیه غذای میهمانان به همسرش مراجعه کرده، استفاده می شود که همسر آن حضرت آماده سازی غذا را برعهده داشته است.

آفرینش زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۷

۱۷ زنان و مردان ، آفریده شده از یکدیگر

من ذکر او انثی بعضکم من بعض

در برداشت فوق، <من>، نشویه گرفته شده است.

آمرزش زنان انفاقگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۹

۱۹ - مردان و زنان صدقه پرداز ، مورد مغفرت خداوندند .

و المتصدّقین و المتصدّقت .. أعدّ الله لهم مغفرة

آمزش زنان اهل تسلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱،۳

۱ - مردان و زنانی که در برابر خداوند ، سر تسلیم فرود می آورند ، از آمزش خداوند برخوردارند .

إنّ المسلمین و المسلمت .. أعدّ الله لهم مغفرة

بنابراین که <مسلمین> از ریشه لغوی آن (سلم) و به همان معنای لغوی اش باشد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

۳ - مردان و زنان مسلمان ، مشمول آمزش و غفران الهی اند .

إنّ المسلمین و المسلمت .. أعدّ الله لهم مغفرة

بنابراین احتمال که مراد از <المسلمین> معنای اصطلاحی آن یعنی، گرویدگان به دین اسلام باشد، نکته یاد شده، استفاده می شود.

آمزش زنان خاشع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ - مردان و زنان فروتن ، از آمزش خداوند ، برخوردار خواهند بود .

و الخشعین و الخشعت .. أعدّ الله لهم مغفرة

آمزش زنان خاضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۹

۹ - مردان و زنان مطیع و خاضع ، از آمرزش خداوند برخوردارند .

و القنتین و القنتت .. أعدّ الله لهم مغفرة و أجرًا عظیمًا

<قانت> از مصدر <قنوت> است. <قنوت> در لغت، به معنای <اطاعت خاضعانه> است (مفردات راغب).

آمرزش زنان ذاکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۴

۲۷ - مردان و زنانی که زیاد به یاد خداوندند ، از آمرزش او ، بهره مند خواهند بود .

و الذکرین اللّٰه کثیرًا و الذکرت أعدّ اللّٰه لهم مغفره

آمرزش زنان روزه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۱

۲۱ - مردان و زنان روزه گیر ، مشمول آمرزش خداوندند .

و الصّٰمّین و الصّٰمّت .. أعدّ اللّٰه لهم مغفره

آمرزش زنان صابر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۴

۱۴ - خداوند ، مردان و زنان شکّیا را از آمرزش خود ، برخوردار می کند .

و الصّٰبرین و الصّٰبرت .. أعدّ اللّٰه لهم مغفره

آمرزش زنان صادق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - مردان و زنان صداقت پیشه ، از آمرزش خداوند برخوردارند .

و الصّٰدقین و الصّٰدقت .. أعدّ اللّٰه لهم مغفره

آمرزش زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۴

۲۴ - مردان و زنان با عفت و پاکدامن ، مشمول آموزش خداوندند .

و الحفظین فروعهم و الحفظت .. أعدّ الله لهم مغفرة

آمزش زنان متذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۹

۲۹ - مردان و زنانی که به فراوانی خداوند را برای دیگران یادآوری می کنند از آموزش خداوند بهره مند خواهند بود .

و الذکرین الله کثیرًا و الذکرت أعدّ الله لهم

<ذکر> (مصدر <ذاکر>) به دو معنا آمده است: یکی، به خاطر سپردن، و دیگری، بر زبان آوردن (مفردات راغب). احتمال دارد که مراد از ذکر زبانی، یادآوری برای دیگران باشد.

آمزش زنان مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۳،۵

۳ - مردان و زنان مسلمان ، مشمول آمزش و غفران الهی اند .

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً

بنابراین احتمال که مراد از <المسلمین> معنای اصطلاحی آن یعنی، گرویدگان به دین اسلام باشد، نکته یاد شده، استفاده می شود.

۵ - مردان و زنان مؤمن ، مشمول آمزش خداوندند .

إِنَّ .. وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً

آمزش زنان مطیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۹

۹ - مردان و زنان مطیع و خاضع ، از آمزش خداوند برخوردارند .

وَالْقَتِينِ وَالْقَتِنَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

<قانت> از مصدر <قنوت> است. <قنوت> در لغت، به معنای <اطاعت خاضعانه> است (مفردات راغب).

اباحه غنیمت زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - به غنیمت گرفتن زنان کافر، در شرایطی خاص، مباح است.

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكُمْ .. مَا مَلَكَت يَمِينُكُمْ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ

مراد از <ملکک یمین> کنیزانی بوده اند که از دشمن به اسارت درمی آمدند. این که خداوند آنان را برای پیامبر(ص) حلال دانسته، فرع بر جایز بودن اصل آن است.

احترام زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۶

۱۶- زنان و مردان مؤمن ، دارای ارج و حرمتی همانند

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنت .. آن تطوهم

از این که خداوند، <مؤمنات> را در کنار <مؤمنون> یاد کرده و حفظ خون و حرمت آن دو را عامل بازداشتن مؤمنان از توسل به قهر برای ورود به مکه معرفی کرده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

احسان به زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۹

۹ رها ساختن زن (طلاق) باید علاوه بر رعایت حقوق او ، آمیخته با احسان و نیکی و به دور از اضرار به وی باشد .

او تسریح باحسان

کلمه <احسان> گویای معنایی است فراتر از <معروف>؛ یعنی باید نسبت به زنان، افزون بر حقوق شناخته شده آنان، نیکی شود.

احکام اجتماعی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۳

۳ جواز حضور زنان در جلسه مردان و پذیرایی از ایشان

وامرأته قائمه فضحکت فبشرنها

برخی برآنند که مراد از <قائمه> قیام برای پذیرایی از مهمانان است. برداشت فوق ناظر به این احتمال می باشد. گفتنی است که به قرینه آیه بعد، نمی توان گفت جواز حضور زنان به طور مطلق چه جوان باشند و چه کهنسال از آیه استنباط می شود اگرچه نفی آن نیز از آیه استفاده نمی گردد.

احكام زن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۳۹

۳۹ معافيت زنان از جهاد ، پرداخت نفقه

و خوب های قتل خطایی اقوامشان ، دلیل نصف بودن سهم ارث آنها

للدَّكْرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثِيَّيْنَ

امام صادق (ع) درباره علت نصف بودن سهم ارث زن فرمود: اِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ عَلَيْهَا جِهَادٌ وَ لَا نَفَقَةٌ وَ لَا مَعْقَلَةٌ وَ اِنَّمَا ذَلِكُمْ عَلَى الرَّجَالِ . . .

کافی، ج ۷، ص ۸۵ ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۹۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۶

۶ وعده خداوند به بیان و تلاوت آیاتی از قرآن ، درباره احکام زنان یتیم

قُلْ اللَّهُ يَفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَ مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكُتُبِ فِي يَتِمَى النِّسَاءِ

در برداشت فوق، <مایتلی>، بر ضمیر <فیهن> عطف شده است و اضافه <یتمی> به <النساء>، اضافه صفت به موصوف است، یعنی زنانی که یتیم هستند.

احکام زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۳

۳ - آرایش و خودآرایی زنان حتی سالخوردگان نا امید از زناشویی در برابر نامحرمان ممنوع است .

وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا . . . غَيْرِ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ

اختیارات زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴ - ۸

۸ زن می تواند بخشی از مهریه خویش را به همسرش ببخشد .

فان طبن لكم عن شيء منه نفساً

ارث زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷ - ۶

۶ تفاوت سهم مردان و زنان از میراث میت

للرجال نصيب . . . و للنساء نصيب

تکرار کلمه <نصیب> برای هر یک از

مردان و زنان، می تواند اشاره به تفاوت آنان در نصیب و سهمشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۳۰

۳۰ نظر خواهی و استفتای مردم از پیامبر (ص) درباره مقدار ارث زنان

و يستفتونك في النساء

امام باقر(ع) در مورد <و يستفتونك في النساء> در آیه فوق فرمود: فان نبی الله(ص) سئل عن النساء ما لهن من الميراث؟... .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۵۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۶، ح ۵۹۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۱۵

۱۵ ثبوت مالکیت و حق ارث برای زنان در نظام حقوقی اسلام

فلها نصف ما ترک و هو يرثها .. فلها الثلثان مما ترک

ارث زن در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۹

۲۹ محرومیت زنان یتیم، از حق ارث خویش، در عصر جاهلیت

لا تؤتونهن ما کتب لهن

امام باقر(ع) در مورد <ما کتب لهن> در آیه فوق فرمود: ای من الميراث.

مجمع البيان، ج ۱، ص ۱۸۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۷، ح ۵۹۵.

ارزش تفکر زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۴

۴ - ارجمندی تفکر ، عقیده و شخصیت زن ، در نگرش اسلام

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ .. فَبَايِعِهِنَّ

ارزش زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱

۱ زن ، کشتزار بذر انسان است .

نساؤکم حرث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۳ - ۷

۷ - جایگاه ارجمند و والای زن در جامعه سبا ، علی رغم حقارت وی در طول تاریخ

و الأمر إلیک فانظری ماذا تأمرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۴

۴ - ارجمندی تفکر ، عقیده و شخصیت زن ، در نگرش اسلام

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ .. فَبَايِعْنَّ

ارزش عفت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۳۰

۳۰ - عفت و پاکدامنی برای زنان ، صفتی بس ارزشمند و پسندیده

و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصنًا

ارزش عمل زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۹

۹ - برابری ارزش کارها و رفتار زنان و مردان

و من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنة یرزقون فیها بغی

ارزش عمل زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنات .. أولئك سيرحمهم الله

ازدواج با زن بابا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۱۸، ۱۹

۱۸ عن أبي الحسن (ع): .. قول الله تبارك و تعالی: >قل إنما حرم ربي الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الأثم و البغی بغیر

الحق ... < اما قوله: < و ما بطن > یعنی ما نکح من الآباء فإن الناس كانوا قبل أن يبعث النبي (ص) إذا كان للرجل زوجه و مات عنها تزوجها إبنه من بعده إذا لم تكن أمه فحرم الله ذلك و اما < الإثم > فإنها الخمره بعينها ... و اما قوله: < البغى > فهو الزنا سراً

از امام کاظم (ع) درباره < ما بطن > در آیه < قل إنما حرم ربي الفواحش .. > روایت شده است: یعنی ازدواج با همسر پدر زیرا قبل از بعثت رسول خدا (ص) شخصی که از دنیا می رفت اگر همسری از او باقی می ماند، پسر متوفی او را اگر مادرش نبود به همسری برمی گزید خداوند، این ازدواج را تحریم فرمود. اما < اثم > همان شراب است ... و اما < بغی > همان زنای پنهانی است

۱۹ سئل علی بن الحسین (ع) عن الفواحش ما ظهر منها و ما بطن قال: ما ظهر نکاح إمرأه الأب و ما بطن الزنا.

از امام سجاد (ع) درباره فواحش ظاهری و باطنی سؤال شد فرمود: فاحشه ظاهری، ازدواج با همسر پدر و فاحشه باطنی زناست.

ازدواج با زن زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳ - ۱،۳،۴،۵

۱ - ازدواج مرد زناکار جز با زن زناکار و یا مشرک ، حرام است .

الزانی لاینکح إلا زانیه أو مشرکه

جمله <الزانی لاینکح .. > به قرینه ذیل آیه (و حرّم ذلك علی المؤمنین)، در مقام نهی و اخبار در مقام انشا است.

۳ - مردان زناکار ، شایستگی ازدواج جز با زنان زناکار و یا مشرک را ندارند .

الزانی لاینکح إلا زانیه أو

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <الزانی لاینکح...>، <لما یلیق به أن ینکح> باشد، یعنی، آیه شریفه حاکی از بی لیاقتی مرد معروف به زنا، برای گزینش همسر از میان زنان مؤمن باشد.

۴ - حرمت ازدواج زنان زناکار، جز با مردان زناکار و یا مردان مشرک

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان أو مشرک

۵ - حرمت ازدواج زنان معروف به زنا، جز با مردان معروف به زنا و یا مردان مشرک

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان أو مشرک

ازدواج با زن مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳ - ۱،۳

۱ - ازدواج مرد زناکار جز با زن زناکار و یا مشرک، حرام است .

الزانی لاینکح إلاّ زانیه أو مشرکه

جمله <الزانی لاینکح...> به قرینه ذیل آیه (و حرّم ذلك علی المؤمنین)، در مقام نهی و اخبار در مقام انشا است.

۳ - مردان زناکار، شایستگی ازدواج جز با زنان زناکار و یا مشرک را ندارند .

الزانی لاینکح إلاّ زانیه أو مشرکه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <الزانی لاینکح...>، <لما یلیق به أن ینکح> باشد، یعنی، آیه شریفه حاکی از بی لیاقتی مرد معروف به زنا، برای گزینش همسر از میان زنان مؤمن باشد.

ازدواج با زن مؤمنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۹ - ۷

۷ - زنان مؤمن، برای ازدواج شایسته تر از دیگران اند .

إذا نكحتم المؤمنات

ذكر <المؤمنات> به خاطر جریان غالب و حاکمی بوده که در صدر اسلام وجود داشته است و

به معنای این نیست که تنها، زنان مؤمن مشمول حکم آیه اند. در عین حال، ذکر <المؤمنات> خالی از این لطف نیست که شایسته است مردان مؤمن، با زنان مؤمن ازدواج کنند.

ازدواج زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۶

۱۶ اهتمام اسلام، به ازدواج زنان و سامان بخشیدن به زندگی دختران یتیم

التي لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنكحوهن

<ما كتب لهن>، شامل حق ازدواج هم می شود. در عین حال، به نکاح نیز مستقلاً اشاره شده که بیانگر اهمیت ویژه آن است.

ازدواج زن زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳ - ۴،۵،۶

۴ - حرمت ازدواج زنان زناکار، جز با مردان زناکار و یا مردان مشرک

و الزانية لا ينكحها إلا زان أو مشرک

۵ - حرمت ازدواج زنان معروف به زنا، جز با مردان معروف به زنا و یا مردان مشرک

و الزانية لا ينكحها إلا زان أو مشرک

۶ - زنان زناکار، شایستگی ازدواج جز با مردان زناکار و یا مشرک را ندارند.

و الزانية لا ينكحها إلا زان أو مشرک

استخوانهای پشت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۱،۲

۱ - محل پیدایش نطفه مرد (منی) ، بین تیره پشت و استخوان های قفسه سینه قرار دارد .

يُخْرِجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ

<صلب> ; استخوانی است که از قسمت بالای پشت، نزدیک گردن شروع شده و تا دنبالچه (که جای آن در انسان در جایگاه دم در حیوانات است) ادامه یافته

است (قاموس). <تربیه> (مفرد <ترائب>)، بالاترین استخوان قفسه سینه که زیر چانه قرار گرفته است (نهایه ابن اثیر). تمام اهل لغت آن را جای کردن بند از قفسه سینه می دانند (لسان العرب). برخی آن را به تمام استخوان های قفسه سینه و گروهی به چهار استخوان از سمت راست و چهار استخوان از سمت چپ اطلاق می کنند (قاموس). خروج نطفه از آن محل، ممکن است به اعتبار تغذیه کیسه منی از آن جا باشد.

۲- بین استخوان های قفسه سینه و تیره پشت مردان و زنان، جایگاه خروج عنصر تشکیل دهنده جسم انسان است. *

یخرج من بین الصلب و الترائب

چنانچه مراد از <ماء دافق> در آیه قبل، نطفه مرد و تخمک زن باشد، مفاد این آیه نیز مشترک خواهد بود.

استخوانهای سینه زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۲

۲- بین استخوان های قفسه سینه و تیره پشت مردان و زنان، جایگاه خروج عنصر تشکیل دهنده جسم انسان است. *

یخرج من بین الصلب و الترائب

چنانچه مراد از <ماء دافق> در آیه قبل، نطفه مرد و تخمک زن باشد، مفاد این آیه نیز مشترک خواهد بود.

استعداد زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ توانایی زن برای نیل به درجات والای کمال و ارزش های معنوی

و امه صدیقه

استعدادهای زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۸

زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت ... بشریکم الیوم جنّت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

استعدادهای معنوی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۵

۵ - زنان نیز همچون مردان ، زمینه دار دستیابی به مقامات بالای معنوی

و أوحینا إلی أمّ موسی أن أرضعیه

استغفار برای زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۸

۱۸ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، در دعا برای زنان بیعت کننده با آن حضرت و آمرزش خواهی برای آنان

و استغفر لهنّ اللّٰه

استقلال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۲

۲۲ زن از دیدگاه ادیان الهی ، دارای هویت مستقل فکری و عقیدتی و مسؤول در برابر اعمال خویش است .

فأسر بأهلك بقطع من الیل .. إلا امرأتک إنه مصیبها ما أصابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۶

۶- زنان ، مستقل از مردان ، دارای مسئولیت اند و به آنان نیز مانند مردان ، امانت الهی عرضه شده است .

إِنَّا عرضنا الأمانة .. ليعذب الله المنفقين و المنفقت و المشركين و المشركت

استقلال فکری زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - زن ،

استقلال رأی دارد و خود مسؤول اعمال اش در پیش گاه خداوند است .

إلا امرأته كانت من الغبرین

اضرار به زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۷،۹

۷ رجوع مرد در ایام عدّه ، نباید به قصد اضرار به زن باشد .

الطلاق مَرَّتَانِ فَمَسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ

۹ رها ساختن زن (طلاق) باید علاوه بر رعایت حقوق او ، آمیخته با احسان و نیکی و به دور از اضرار به وی باشد .

او تسریح باحسان

کلمه <احسان> گویای معنایی است فراتر از <معروف>؛ یعنی باید نسبت به زنان، افزون بر حقوق شناخته شده آنان، نیکی شود.

اولیای زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴ - ۱۶

۱۶ سرپرست زن ، ممنوع از گرفتن مهریه وی ، برای خویش

و اتوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: هذا خطاب للاولیاء لانّ الرّجل منهم كان اذا زوج ایّمه اخذ صداقها دونها فنّها هم الله عن ذلك.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۱۰؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۲.

اهمیت حیای زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۳

۳ - حیا، از برجسته ترین کمالات برای زن در بینش الهی

فجاء ته إحدیهما تمشی علی استحياء

اختصاص به ذکر یافتن <حیا> برای دختر شعیب در این مقام، بیانگر مطلب یاد شده است.

اهمیت عفت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۳

۳- عفت و پاک دامنی،

از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان است .

والتي أحصنت فرجها

برداشت یاد شده به خاطر این است که خداوند در مقام توصیف و تمجید مریم(س) که در این آیات نام او در ردیف پیامبران قرار گرفته صفت عفت و پاک دامنی او را یادآور شده است.

ایمان زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۳

۳ - عفت ، نجابت و ایمان ، سرآمد ارزش ها و صفات ستوده زنان

المحصنت الغفلت المؤمنت

بی ارزشی زن در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۵

۵- زنان و دختران در دوران جاهلیت ، بی ارزش بوده و مایه ننگ و عار به شمار می آمدند .

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب

بی اعتنایی به زن در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۵ - ۴

۴ - بی توجهی مردان قوم لوط به جنس مخالف (زنان)

أتأتون الذکران من العلمین

قید <من العالمین> می تواند مربوط به <ذکران> باشد، یعنی، از میان انسان ها که اگر تعداد زنانشان از مردان بیشتر نباشد کمتر نیست شما تنها با جنس مذکر درمی آمیزید؟

پاداش اخروی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد الله المؤمنين و المؤمنات جنت تجري من تحتها الأنهر

پاداش اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶

- غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۵

۵ - پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت ، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است .

و من عمل صلحًا .. یرزقون فیها بغير حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد گویای حقیقت یاد شده است.

پاداش اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۸

۸ - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة یرزقون فیها بغي

پاداش زنان انفاقگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۰

۲۰ - مردان و زنان صدقه پرداز ، از پاداش عظیم الهی برخوردارند .

و المتصدّقین و المتصدّقت .. أعدّ الله لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش زنان اهل تسلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲

۲ - مردان و زنانی که در برابر فرمان خدا تسلیم اند ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

إنّ المسلمین و المسلمت .. أعدّ الله لهم مغفرة و أجرًا عظیمًا

پاداش زنان خاشع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۷

۱۷ - مردان و زنان فروتن ، از پاداشی عظیم برخوردارند .

و الخشعین و الخشعت .

.. أَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

پاداش زنان خاضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - مردان و زنان مطیع و خاضع ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

و القنتین و القنتت أَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

پاداش زنان ذاکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۸

۲۸ - مردان و زنانی که زیاد از خداوند یاد می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین اللّٰه کثیرًا و الذکرت أَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ أَجْرًا عَظِيمًا

پاداش زنان روزه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۲

۲۲ - مردان و زنان روزه گیر ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصّٰمِیْن و الصّٰمِئْت أَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

پاداش زنان صابر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - مردان و زنان شکیبا ، از پاداشی با عظمت برخوردارند .

و الصبرين و الصبرت .. أعدّ الله لهم ... أجرًا عظيمًا

پاداش زنان صادق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - مردان و زنان صداقت پیشه ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصدقین و الصدقت .. أعدّ الله لهم ... أجرًا عظيمًا

پاداش زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۳

زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

پاداش زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۵

۲۵ - مردان و زنان عقیف ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الحفظین فروجهم و الحفظت .. أعدّ الله لهم... أجراً عظيماً

پاداش زنان متذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۳۰

۳۰ - مردان و زنانی که یاد خداوند را در دل ها زنده می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین الله كثيراً و الذکرت أعدّ الله لهم .. أجراً عظيماً

پاداش زنان مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۴

۴ - مردان و زنان مسلمان ، از پاداش بزرگ الهی برخوردارند .

إنّ المسلمین و المسلمت .. أعدّ الله لهم ... أجراً عظيماً

پاداش زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۶

۶ - مردان و زنان با ایمان ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

إِنَّ ... و المؤمنین و المؤمنت ... أعدَّ اللهُ لهم ... أَجْرًا عَظِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۳

۳ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

جلد - نام سوره - سوره -

۵ - همسانی زنان و مردان مؤمن ، در بهرهوری از ثمرات ایمان خود و پاداش های الهی

لیدخل المؤمنین و المؤمنات جنت

قرار گرفتن وصف <المؤمنات> در کنار <المؤمنین>، می رساند که زنان و مردان در ره یابی به بهشت جاودان همسان اند.

پاداش عمل زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنات .. أولئك سيرهم الله

پوشاک زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۳۱

۳۱ بالا-پوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن ، روسری و پایین پوش) برای زن ، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود .

فكفرتهم .. او كسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و اما كسوتهم ... لكل مسكين ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۹،۱۲

۹ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرمان اند ؛ جز آنچه که خود به خود آشکاراست (مثل سرمه

، انگشتر ، حنا و ...) .

و قل للمؤمنت . . . و لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها

درباره مقصود از <زینتهنّ> (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: ۱- مقصود محل زینت آلات است؛ زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. ۲- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در <إلا ما ظهر منها>، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود؛ مثل: انگشتر، سرمه، حنا و

۱۲- پوشاندن زینت هایی که به طور متعارف و خودبه خود آشکار است (مانند انگشتر، سرمه، حنا و ...) بر زنان، واجب نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها

پوشش محل زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۹،۳۹

۹- زنان مؤمن، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرمان اند؛ جز آنچه که خود به خود آشکار است (مثل سرمه، انگشتر، حنا و ...) .

و قل للمؤمنت . . . و لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها

درباره مقصود از <زینتهنّ> (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: ۱- مقصود محل زینت آلات است؛ زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. ۲- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی

آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در <إلا مظهر منها>، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود؛ مثل: انگشتر، سرمه، حنا و... .

۳۹ - > عن فضیل بن یسار قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن الذراعین من المرأه أهما من الزینة التي قال الله تبارک و تعالی > و لا یبدین زینتهنّ إلا لبعولتهنّ < قال : نعم و مادون الخمار من الزینة و ما دون السوارین ۱

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: آیا ذراعین زن از (آرنج تا میچ دستهای او) جزء زینتی است که خداوند فرموده است: <و لا یبدین زینتهنّ إلا لبعولتهنّ>؟ فرمود: آری و نیز آنچه [از سرو گردن] زیر پوشش مقنعه و [از میچ دست] زیر دست بند قرار دارد، از همان زینت است.<

تأمین نیاز زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۱۳

۱۳ گستردگی فضل خداوند و حکمت او ، مقتضی رفع نیاز های زن و شوهر پس از طلاق

و إن یتفرقا یغن الله کلا من سعته و کان الله وسعاً حکیماً

تجاوز به حقوق زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۳۸

۳۸ هشدار خداوند به مردان ستمکار و متجاوز به حقوق همسران خویش

فلا تبغوا علیهنّ سیئلاً انّ الله کان علیاً کبیراً

جمله <انّ الله .. > در مقام تهدید شوهران ستمکار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۰

۱۰ تجاوز به حقوق

زنان یتیم ، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۷

۷ لواط ، تجاوز به حقوق زنان در جامعه است .

شهوة من دون النساء بل أنتم قوم مسرفون

تجمل گرایی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۱،۲

۱ - زن ، در فرهنگ جاهلیت پرورش یافته در زینت و تجمل ، و فرودست در میدان جدال و درگیری های کلامی

أَوْ مِنْ يَنْشَوْنَ فِي الْحَلِيهِ وَ هُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرِ مَبِينِ

لحن آیه شریفه به گونه ای است که به اعتقاد و باور عرب جاهلی یا موقعیت زن در محیط و فرهنگ خاص آنان اشاره دارد.

۲ - شیفتگی به تجمل و زینت ، علاقه طبیعی زنان

أَوْ مِنْ يَنْشَوْنَ فِي الْحَلِيهِ

تعبیر <يَنْشَوْنَ فِي الْحَلِيهِ> که به معنای پرورش یافتن در زینت است، اشاره به علاقه طبیعی و وابستگی زنان به آرایش و زیور دارد.

تحقیر زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۷

۷ - جواز تحقیر زنان کافر و مؤذی و به کار بردن کلمات ناهنجار درباره آنان

حمّاله الحطب

تساوی زن و مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۳،۴

۳ زنان و مردان ، همسان در بهره مندی از پاداش ایمان و عمل صالح خویش

و من يعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

۴ ایمان و عمل صالح ،

معیار ارزش انسانهاست نه جنسیت ایشان .

و من يعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۳

۳ همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنت .. أولئك سيرحمهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد الله المؤمنین و المؤمنت جنت تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۳

۳- زن و مرد ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی و فاقد کمترین تمایز در انسانیت

و الله جعل لكم من أنفسكم أزواجًا

این برداشت به خاطر این است که همه انسانها اعم از مرد و زن مخاطب <أنفسکم> قرار گرفته اند و همه آنها دارای جان و روح واحدی شمرده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۲

۲- تساوی زن و مرد در برخورداری از پاداش های الهی و بهره مندی از حیات پاکیزه و دلپذیر

من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۴

۴- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۹ - ۴

۴ - تساوی شرایط ، آداب و آثار گواهی و سوگند مرد و زن در اثبات و یارد لعان

والخمسه أن لعنت الله علیه .. والخمسه أن غضب الله علیها إن كان من الصدقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۵

۵ - زنان نیز همچون مردان ، زمینه دار دستیابی به مقامات بالای معنوی

و أوحینا إلی أمّ موسی أن أرضعیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۳،۳

۲ - زنان ، همسان با مردان ، خلق شده اند .

أن خلق لکم من أنفسکم أزواجًا

از قید <من أنفسکم> استفاده می شود که خلق زنان، همسان مردان است.

۳ - زنان و مردان ، از یک جنس آفریده شده اند .

أن خلقکم من تراب .. خلق لکم من أنفسکم أزواجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - جنسیت زن و مرد ، در برخورداری از آموزش و پاداش الهی ، دخالتی ندارد .

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- زنان ، مستقل از مردان ، دارای مسؤولیت اند و به آنان نیز مانند مردان ، امانت الهی عرضه شده است .

إِنَّا عرضنا الأمانة .. ليعذب الله المنفقين و المنفقت و المشركين و المشركت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۲ - ۴

۴ - همانندی و یک سانی مجازات و کیفر زنان و مردان مشرک و کافر در قیامت

احشروا الذين ظلموا و أزوجهم

برداشت یاد شده از آن جا است که اختصاص به ذکر یافتن <ازواج> (همسران)، می تواند برای از بین بردن این توهم باشد که زنان مشرک و کافر از کیفر الهی معاف اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۳ - ۲

۲ - فرزند پسر و دختر برابرند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند .

أصطفى البنات على البنين

همزه در <أصطفى> برای استفهام انکاری است و انکار برگزیدن دختر به جای پسر، انکار اصل برتری پسر بر دختر و دختر بر پسر نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۴

۴ - زنان چونان مردان ، بی هیچ امتیاز و تبعیضی ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی اند .

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۸،۹

۸ - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون

الجَنَّةَ يَرْزُقُونَ فِيهَا بَغِي

۹- برابری ارزش کارها و رفتار زنان و مردان

و من عمل صلحًا من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۶

۶- همسانی مرد و زن در حقیقت انسانیت

جعل لكم من أنفسكم أزواجًا

ذكر <من أنفسكم> بیانگر آن است که زن و مرد از یک حقیقت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۷،۹

۷- دختر و پسر، هر دو هدیه الهی به انسان ها

یهب لمن یشاء إناثًا و یهب لمن یشاء الذکور

۹- تمایز میان دختر و پسر، مخالف اندیشه دینی است .

یهب لمن یشاء إناثًا و یهب لمن یشاء الذکور

تقدیم <إناثًا> بر <الذکور> علاوه بر رعایت فاصله و سجع، می تواند به منظور نفی اندیشه جاهلیت در مورد دختران باشد (که پسران را بر دختران ترجیح می دادند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۱۲

۱۲- ایمان، ملاک ارزش و ارجمندی انسان، بی هیچ تفاوت میان مردان و زنان

و استغفر .. و للمؤمنین و المؤمنات

قرار گرفتن <مؤمنات> در کنار <مؤمنین> و یاد کردن از آن دو با وصف ایمان، می رساند که تمام ارزش و ارجمندی آنان، بر محور ایمان است و در این راستا هر دو مشمول دعای پیامبر(ص) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۵

۵ - همسانی زنان و مردان مؤمن

، در بهره‌وری از ثمرات ایمان خود و پاداش های الهی

لیدخل المؤمنین و المؤمنات جنت

قرار گرفتن وصف <المؤمنات> در کنار <المؤمنین>، می رساند که زنان و مردان در ره یابی به بهشت جاودان همسان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۴

۴ - تساوی مردان و زنان ، در ابتلا به نتایج نفاق و شرک خویش

و يعذب المنفقين و المنفقت و المشركين و المشركت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۶

۱۶- زنان و مردان مؤمن ، دارای ارج و حرمتی همانند

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنت .. أن تطوهم

از این که خداوند، <مؤمنات> را در کنار <مؤمنون> یاد کرده و حفظ خون و حرمت آن دو را عامل بازداشتن مؤمنان از توسل به قهر برای ورود به مکه معرفی کرده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۷

۷- ارزش ها و ضوابط اخلاقی ، عام و فراگیر نسبت به زنان و مردان

لايسخر قوم من قوم ... و لا نساء من نساء

واژه <قوم>، نزد برخی اهل لغت تنها شامل مردان است و برخی دیگر آن را شامل مرد و زن می دانند. در دیدگاه دوم، مجزاً آمدن <ولا نساء>، در واقع تأکیدی است بر این که زنان نیز چون مردان، در ارزش ها و تکالیف اخلاقی سهیم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۸

تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت ... بشریکم الیوم جنت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۶

۶ - تساوی مردان و زنان در عرصه قیامت ، از نظر کیفر و عذاب و محرومیت از ثواب ها و بهره های اخروی

یوم یقول المنفقون و المنفقت للذین ءامنوا انظرونا نقتبس من نورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، دارای استعداد و شایستگی های لازم برای الگو شدن و دستیابی به اوج قلّه کمال

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا امرأت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۳

۳ - تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسان ... ألم یک نطفه من منی یمنی ... فجعل منه الزوجین الذکر و الأنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۹

۹ - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

فتنوا المؤمنین و المؤمنت .. فلهم عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۴

۴ - زنان مؤمن ، دارای موقعیتی همسان مردان مؤمن اند .

و الذین يؤذون المؤمنین و المؤمنت .. فقد احتملوا بهتناً

تکالیف زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در برابر تکالیف الهی

وعد الله المنافقین و المنفقت .. نار جهنم خلدین فیها

تکامل زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۱۲

۱۲- زن ، موجودی توان مند بر عروج به درجات بالای معنویت و ملاقات و گفتوگو با فرشتگان

فأرسلنا إليها روحنا فتمثل لها بشرًا سويًا

تکالیف زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ زن و مرد هر دو شایسته بر عهده گرفتن تکالیف های الهی و مسؤول در پیشگاه خداوند

و لاتقربا هذه الشجرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۸، ۲۶، ۲۳، ۱۵، ۹، ۶، ۳، ۱

۱ - زنان مؤمن ، وظیفه دار پرهیز از نظر دوختن و خیره شدن به مردان نامحرم

و قل للمؤمنت یغضضن من أبصرهنّ

۳ - زنان مؤمن ، وظیفه دار پرهیز از چشم دوختن به عورت و شرمگاه دیگران

و قل للمؤمنت یغضضن من أبصرهنّ

۶ - زنان مؤمن ، وظیفه دار اجتناب از آلودگی به زنا و فحشا هستند .

و قل للمؤمنت . . . و یحفظن فروجهنّ

۹ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زینت

های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرم اند ؛ جز آنچه که خود به خود آشکاراست (مثل سرمه ، انگشتر ، حنا و ..) .

و قل للمؤمنت . . . و لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

درباره مقصود از <زینتهنّ> (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: ۱- مقصود محل زینت آلات است؛ زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. ۲- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در <إلاّ ما ظهر منها>، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود؛ مثل: انگشتر، سرمه، حنا و... .

۱۵- زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرم

و لیضربن بخرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

۲۳- زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زینت های خویش و مواضع آنها از خدمت کاران نیازمند به زن و راغب به زناشویی و نیز از کودکان آگاه و با خبر از مسائل جنسی

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ.. . . أو التبیین غیر اُولی الاربه من الرجال أو الطفل الذی

۲۶- زنان مؤمن ، موظف اند به هنگام راه رفتن ، به گونه ای گام بردارند که زیت هایشان (چون خلخال) بر نامحرم آشکار نشود .

و لا یضربن

بأرجلهنَّ ليعلم ما يخفين من زينتهنَّ

۲۸- زنان مؤمن ، وظیفه دار پرهیز از هر گونه رفتار تحریک آمیز و جلب کننده توجه نامحرمان به سوی خویش

و لایضربن بأرجلهنَّ ليعلم ما يخفين من زينتهنَّ

لام در <ليعلم> برای تعلیل و بیان علت حرمت پای کوبیدن بر زمین است و در چنین مواردی، تعلیل موجب تعمیم حکم می شود. از این رو می توان استفاده کرد که هر آنچه موجب آشکار شدن زینت زنان شود، همین حکم را دارد و حرام خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۴

۴ - شایسته است که زنان ، خود را از معرض نگاه نامحرمان ، دور نگاه داشته و از خود آرایی ، به منظور در معرض نمایش گذاشتن زیبایی هایشان ، خودداری کنند .

و قرن فی بیوتکنَّ و لاتبرجن تبرج الجهلیه الأولى

تمایلات زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - زن و مرد ، به هم تمایل و گرایش دارند .

أزوجاً لتسکنوا إلیها

متعدی شدن فعل <لتسکنوا> با <إلی> با این که حق این بود که <لتسکنوا عندها> گفته شود برای تضمین معنای تمایل است.

تنبیه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۴۱، ۳۵، ۳۰، ۲۷، ۲۶

۲۶ زدن ، آخرین اقدام برای جلوگیری از نشوز زن

و الّتی تخافون نشوزهنّ . . . و اضربوهنّ

۲۷ بروز علائم نشوز زن ، مجوز تدابیر لازم (ترک همخوابگی ، زدن و . . .) برای جلوگیری از آن

و الّتی تخافون نشوزهنّ .

چون موضوع حکم را خوفِ نشوز (تخافون) قرار داده است و نه تحقق نشوز. و خوف نشوز، همان بروز علائم آن است.

۳۰ لزوم مراعات ترتیب در کاربرد موعظه، ترک همخوابگی و تنبیه بدنی در مورد زنان ناشزه

و الّتی تخافون نشوزهنّ فعظوهنّ و اهجروهنّ فی المضاجع و اضربوهنّ

۳۵ امید به اصلاح نشوز زن، شرط ترک همخوابگی و تنبیه بدنی او *

و الّتی تخافون نشوزهنّ .. فان اطعنکم فلا تبغوا علیهنّ سیلاً

چون جمله <فان اطعنکم> بر جمله های گذشته تفریع شده، بیانگر این است که هدف از روشهای پیشنهاد شده، وادار کردن زن به اطاعت است، نه اینکه تنبیه موضوعیت داشته باشد.

۴۱ لزوم پرهیز از به کارگیری شدت در تنبیه بدنی زن، جهت جلوگیری از ناسازگاری وی

و الّتی تخافون نشوزهنّ .. و اضربوهنّ

رسول خدا (ص) درباره آیه فوق فرمود: ... و اضربوهنّ ضرباً غیر مبرّح.

تفسیر طبری، جزء ۵، ص ۶۷، ۶۸؛ الدر المثور، ج ۲، ص ۵۲۲.

توبه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۶

۶ - تسلیم در برابر خداوند، ایمان به او، فرمانبری از او، توبه، عبادت و روزه داری، از اوصاف زنان شایسته در نگاه وحی

أزواجاً خیراً منکنّ مسلمت مؤمنت قنتت تثبت عبت سئحت

<قنوت> (مصدر <قانتات>) به معنای اطاعت همراه با خضوع است (مفردات راغب). <سیاحت> (ماده <سائحات>) به معنای سیر در زمین به منظور عبادت است. اهل لغت و مفسران گفته اند: از آن جا که روزه داران، تمام روز را بدون غذا سپری می کنند،

به آنان <سائح> می گویند (برگرفته از لسان العرب).

جذابیت چشم زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۴

۴ - زیبایی و جذابیت چشم ، از کمالات زن

حور مقصورت فی الخیام

جذابیت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۲

۲ - زیبایی و جذابیت ، از کمالات زن

کأنهنَّ الیاقوت و المرجان

جنس زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۸

۸ زن و مرد ، از یک جنس هستند .

و خلق منها زوجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۸

۸ - آفرینش زن و مرد از جنس واحد ، لطف الهی نسبت به آدمیان

جعل لکم من أنفسکم أزواجًا

آیه شریفه در مقام امتنان و ذکر نعمت های الهی است.

جنیان زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۷

۷ - جن ، متشکل از مردان و زنان

استمع نفر من الجنّ

برداشت یاد شده، با توجه به معنای <نفر> (گروهی از مردان متشکل از سه تا ده نفر) می باشد زیرا لازمه وجود مردان در هر دسته و نوعی از موجودات، وجود زنان در میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۸

۸ - جن ، موجودی متشکل از دو جنس مرد و زن

کان رجال من الإنس یعودون برجال من الجنّ

حرمت اظهار زینت زن

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۷، ۱۰

۱۰ - حرمت آشکار ساختن زینت ها و محل های آنها (بدن) بر زنان ، جز آنچه که ثخود به خود آشکار است (مانند انگشتر ، سرمه ، حنا و ...) .

لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها

۲۷ - هر گونه حرکت و رفتاری که موجب آگاهی نامحرمان از زینت های زنان مؤمن شود ، بر آنان حرام است .

و لا یضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

حقوق اجتماعی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۵

۵- زن ، برخوردار از حق مشارکت در مسائل سیاسی ، اجتماعی و دینی

یأیها النبیّ إذا جاءك المؤمنت یبایعنك .. فبایعهنّ

از آن جا که بیعت خود نوعی مشارکت است ، مطلب بالا استفاده می شود .

حقوق اقتصادی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲۴

۲۴ اهتمام اسلام به رعایت حقوق اقتصادی زنان

إذا ءاتیتموهن اجورهن

حقوق زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۶ - ۱۳

۱۳ دفاع اسلام از حقوق زنان

لَلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصًا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَأَنْ شَاءَ فَانْ فَاءُ وَفَانِ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۱۴، ۱۷، ۲۱

۱۴ رجوع شوهر آنگاه که به قصد آزار و اذیت زن مطلقه اش باشد ، بی اثر و فاقد اعتبار است .

و بعولتهن احق بردهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

حق رجوع در

آیه مشروط به اصلاح است؛ بنابراین مفهوم شرط، آن رجوعی که به قصد اصلاح نباشد و به طریق اولی اگر به قصد اضرار باشد، حقیقت و اعتبار آن سلب می شود.

۱۷ دفاع اسلام از حقوق زنان

و بعولتهنّ احقّ بردهنّ ان ارادوا اصلاحاً و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

بی اعتباری رجوع مرد بدون قصد اصلاح زندگی و نیز شناسایی حقوق زنان همانند حقوق مردان، خاصه با در نظر گرفتن محیط جاهلی، نشانگر دفاع اسلام از حقوق زنان است.

۲۱ تصمیم به رعایت حقوق متعارف زن مطلقه، شرط حق رجوع شوهر به او

ان ارادوا اصلاحاً و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

بیان حقوق زنان بر مردان پس از مقید کردن حق رجوع به اصلاح، این نتیجه را در بردارد که از مصادیق اراده اصلاح (ارادوا اصلاحاً)، تصمیم مرد بر رعایت حقوق زن مطلقه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲۴، ۱۴، ۱۲، ۹، ۷، ۶، ۴، ۲

۲ نامحدود بودن دفعات طلاق رجعی در جاهلیت و محدود شدن آن در اسلام

الطّلاق مرّتان

با توجه به شأن نزول: كان الرجل في الجاهليّة اذا طلق امرأته ثم راجعها قبل ان تنقضى عِدّتها... و إن طلقها الف مرّة... فذكرت ذلك لرسول الله (ص) فنزلت: <الطلاق مرّتان... >. (مجمع البيان، ذیل آیه.)

۴ لزوم تعهد شوهر به رعایت حقوق شناخته شده همسر خویش

فامساک بمعروف

مراد از <معروف> (شناخته شده) حقوقی است که بر اساس عقل، فطرت و شرع در بین مردم متدین و سلیم الفطره، مورد شناسایی قرار گرفته است. اگر چه آیه درباره زن مطلقه ای است که شوهرش به او رجوع

کرده بود؛ ولی به طور کلی بیانگر حقوق تمامی زنان است.

۶ رفتار مرد با زن خود پس از رجوع در طلاق، باید بر اساس موازین شناخته شده عقل و شرع باشد.

الطلاق مَرْتَانِ فَمَسَاكٍ بِمَعْرُوفٍ

۷ رجوع مرد در ایام عده، نباید به قصد اضرار به زن باشد.

الطلاق مَرْتَانِ فَمَسَاكٍ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِیْحٍ بِاِحْسَانٍ

۹ رها ساختن زن (طلاق) باید علاوه بر رعایت حقوق او، آمیخته با احسان و نیکی و به دور از اضرار به وی باشد.

اَوْ تَسْرِیْحٍ بِاِحْسَانٍ

کلمه <احسان> گویای معنایی است فراتر از <معروف>؛ یعنی باید نسبت به زنان، افزون بر حقوق شناخته شده آنان، نیکی شود.

۱۲ هنگام طلاق، حرام است مالی را که شوهر به زن داده (مهریه و...) بازپس گیرد.

و لَا یَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَاْخُذُوْا مِمَّا اٰتٰیْتُمُوْهُنَّ شٰیْئًا

۱۴ چشمپوشی زن از مال خود (مهریه) و گرفتن طلاق، بهتر از زندگی زناشویی بدون رعایت حدود الهی است.

و لَا یَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَاْخُذُوْا مِمَّا اٰتٰیْتُمُوْهُنَّ شٰیْئًا اِلَّا اِنْ یَخَافُوْنَ اَلَّا یُقِیْمُوْا حُدُوْدَ اللّٰهِ

۲۴ حمایت و دفاع اسلام از حقوق زنان

الطلاق مَرْتَانِ فَمَسَاكٍ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِیْحٍ بِاِحْسَانٍ و لَا یَحِلُّ لَكُمْ ... فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۲

۲ لزوم رعایت موازین شناخته شده شرعی و عرفی در طلاق و یا ادامه زندگی از سوی مردان

فَامَسْكُوْهُنَّ بِمَعْرُوفٍ اَوْ سَرِّحُوْهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ شوهر ، حَقّ جلوگیری از ازدواج زن مطلقه خویش را پس از انقضای عِدّه ندارد .

و اذا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنِ اجْلِهِنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ

بنابراینکه <فلا تعضلوهن> خطاب به شوهر سابق باشد، بر این مبنا مراد از <ازواجهن> نیز مردی غیر از شوهر سابق خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۹،۱۲

۹ تأمین مخارج متعارف زنان مُطلّقه در زمان شیردهی به نوزاد ، بر عهده پدر است .

و علی المولود له زرقهه

بنابراینکه مراد از <والدات> به قرینه آیات قبل و بعد، زنان مُطلّقه باشند.

۱۲ میزان متعارف نفقه و مخارج واجب بر شوهران ، باید به اندازه توانایی مالی آنان باشد .

و علی المولود له زرقهه و کسوتهه بالمعروف لا تُکلف نفس الا وسعها

به نظر می رسد جمله <لا تُکلف .. > تبیین کلمه <معروف> باشد؛ یعنی نباید حدّ متعارف، بدون در نظر گرفتن توانایی مالی شوهر تعیین شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۸،۹،۱۰،۱۱

۸ پس از عِدّه وفات ، زن در گرفتن هر تصمیم شایسته برای خویش آزاد است .

فاذا بلغن اجلهنّ فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهن بالمعروف

۹ عدم لزوم نظارت بر زنان شوهر مُرده ، پس از انقضای عِدّه وفات شوهر

فلا جناح علیکم فیما فعلن

۱۰ جلوگیری از حقوق متعارف زنان شوهر مُرده مانند ازدواج پس از انقضای عِدّه وفات ، جایز نیست .

فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ بالمعروف

۱۱ پس از عده وفات ، زن در انتخاب شوهری شایسته

آزاد است .

فلا جناح عليكم فيما فعلن في انفسهنّ

مراد از <فما فعلن>، به قرینه جمله <يتربصن> که ممنوعیت ازدواج در زمان عدّه است، انتخاب شوهر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۵، ۱۴، ۷، ۶

۶ لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران ، به زنان مُطلّقه ای که برای آنان مهریه تعیین نشده است .

و متّعوهنّ ... متاعاً بالمعروف

ظاهر این است که ضمیر در <متّعوهنّ>، به طایفه دوّم از زنان مُطلّقه برگردد؛ یعنی زنانی که مهر برای آنان تعیین نشده است.

۷ لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران ، به زنانی که قبل از آمیزش با آنان ، طلاق داده شوند .

ان طلّقتن النساء ... و متّعوهنّ ... بالمعروف

بنابراین احتمال که ضمیر در <متّعوهنّ>، علاوه بر اینکه به طایفه دوّم ارجاع شود، شامل طایفه اوّل (یعنی زنانی که با آنان آمیزش نشده) نیز شود.

۱۴ پرداخت کالای مناسب به زنان مُطلّقه ، حقّی ثابت بر عهده نیکوکاران

حقّاً علی المحسنین

۱۵ پرداخت کالای مناسب به زنان مُطلّقه ، نشانه احسان و نیکوکاری مرد

حقّاً علی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۱۱، ۱۰، ۷، ۴، ۳، ۱

۱ وجوب پرداخت نصف مهریه تعیین شده به زن مُطلّقه از سوی شوهر ، در صورت عدم آمیزش جنسی با او

و ان طلّقتموهنّ من قبل ان تمسوهنّ و قد فرضتم لهنّ فریضه فنصف ما فرضتم

مفسران برآندند که جمله <آن تمسوهن>، کنایه از آمیزش جنسی است؛ نه مُجَرَّد لمس.

۳ سقوط وظیفه شوهران از پرداخت مهر به

همسرانی که قبل از آمیزش طلاق داده می شوند ، در صورت عفو و گذشت زنان از آن

و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ ... إِلَّا انْ يَعْفُونَ

۴ عدم وجوب پرداخت نصف مهر تعیین شده از سوی شوهر ، در صورت گذشتن ولی زن از حقّ وی

او يعفوا الذی بیده عقده النکاح

چون آیه در مقام بیان وظیفه ضروری شوهران در قبال زنان مُطلّقه است، ظاهر این است که <الّا>، بیانگر موارد استثناء و سقوط این وظیفه است و این معنا در آن صورت است که <الذی ... > حمل بر ولی زن شود؛ نه شوهر.

۷ چشمپوشی زن ، شوهر و ولی زن از حقوق خویش (مهریه) ، به تقوا نزدیکتر است .

و ان تعفوا اقرب للتقوی

در صورتی که خطاب <ان تعفوا> به کلیه افراد اعم از زن و مرد و ولی باشد.

۱۰ استحباب پرداخت تمامی مهریه معین شده به زنی که قبل از آمیزش طلاق داده شود .

و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ ... و ان تعفوا اقرب للتقوی

۱۱ ولی زن مُطلّقه می تواند از حقّ وی (نصف مهر) ، صرفنظر کند .

او يعفوا الذی بیده عقده النکاح

برخی مفسران برآنند که مراد از <الذی ... > ولی زن است ؛ البته این حکم در صورتی است که زن، ولی شرعی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۳،۴،۶،۷،۸

۳ لزوم وصیت مردان برای پرداخت هزینه یکسال به همسران خویش

و الذین يتوفون منکم و یذرون ازواجاً وصیّه لازواجهم متاعاً الی الحول

۴ حق سکونت در خانه

شوهر و نیز بهره گیری از اموال او به مدت یکسال ، از جمله حقوق زنان شوهر مُرده است .

وصیة لازواجهم متاعاً الی الحول غیر اخراج

ظهور کلمه <غیر اخراج> در این است که نباید زن شوهر مرده را از خانه شوهر بیرون کرد و لازمه این معنا حق سکونت برای اوست.

۶ باقی ماندن زن در خانه شوهر ، شرط پرداخت هزینه زندگی وی تا یکسال

متاعاً الی الحول غیر اخراج

بنابراینکه <غیر اخراج> علاوه بر بیان حق سکونت برای زن، قیدی باشد بر حکم سابق (لزوم پرداخت متاع). (یعنی آنگاه زن شوهر مرده می تواند از مال شوهر بهره گیرد که از خانه وی خارج نشده باشد.

۷ جواز خروج زن از خانه شوهر وفات یافته ، پیش از اتمام سال

غیر اخراج فان خرجن فلا جناح علیکم

۸ جواز هر گونه اقدام مشروع و شایسته (ازدواج) از سوی زنان شوهر مرده پس از خروج از خانه وی

فان خرجن فلا جناح علیکم فی ما فعلن فی انفسهن من معروف

برخی بر آنند که مراد از <من معروف> ازدواج است ؛ بر این اساس، جامعه ایمانی و یا ورثه میت می توانند از ازدواج زن به مدت یکسال بر فرض سکونت در منزل شوهر متوفی، ممانعت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۱ - ۷، ۶، ۴، ۲، ۱

۱ لزوم پرداخت کالای شایسته و مناسب به زنان مُطلّقه

و للمطلّقات متاع بالمعروف

۲ شوون اجتماعی زن و مرد ، تعیین کننده مقدار و خصوصیات متاعی که باید به زن مُطلّقه پرداخت شود . *

متاع بالمعروف

به نظر می رسد بدون در نظر داشتن

شؤون اجتماعی زن و مرد، نمی توان مقدار و یا خصوصیات کالای معروف و شایسته را تعیین کرد.

۴ پرداخت کالای مناسب و شایسته به زنان مطلقه، وظیفه تقوایپیشگان و نشانه تقواست .

و للمطلقات .. حقاً علی المتّقین

۶ تقوایپیشگان، رعایت کنندگان حقوق زنان مطلقه در میان افراد جامعه

حقاً علی المتّقین

با توجه به اینکه اصل حکم مربوط به تمام افراد است؛ ولی حکم را بر متّقین بار نموده است.

۷ ارزش والای توجه به مسائل حقوقی زنان مطلقه

حقاً علی المحسنین .. و ان تعفوا اقرب للتقوی ... حقاً علی المتّقین

از مجموع آیات درباره زنان مطلقه، خاصه اینکه با الفاظ گوناگونی از قبیل <حقاً علی المتّقین>، <حقاً علی المحسنین>، <و ان تعفوا اقرب للتقوی> و .. بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۸، ۱۵

۱۵ ناروایی تبعیض بین مرد و زن، در اجرت کاری یکسان *

انّی لا اذیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

۱۸ یکسانی زن و مرد در ماهیّت و حقیقت انسانی، فلسفه تساوی آنان در برخورداری از اجر و پاداش اعمال نیک

انّی لا اذیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴ - ۱۵، ۹، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ وجوب پرداخت مهریه زنان

و اتوا النّساء صدقاتهنّ

کلمه <صدقات> جمع <صدقه>، به معنای مهریه است.

۲ زنان، مالک مهریه خویش هستند.

و اتوا النساء صدقاتهنّ

۳ استقلال مالی زن در نظام خانواده

و اتوا النساء صدقاتهنّ

لزوم پرداخت مهریه به خود زنان ، نه به فردی دیگر

و اتوا النساء صدقاتهنّ

از اینکه فرمود: <و اتوا النساء صدقاتهنّ > و فرمود: <اتوا صدقات النساء>، معلوم می شود که مهریه زنان را باید به خود آنان پرداخت نه به پدر یا برادر و .. ، بر خلاف آنچه در جاهلیت مرسوم بوده است.

۶ مهریه ، دینی است برای زنان بر عهده مردان

و اتوا النساء صدقاتهنّ نحلّه

<نحلّه > بنا بر گفته برخی از مفسران به معنای فریضه است که در برداشت فوق از آن تعبیر به دین شده است ؛ زیرا فریضه مالی در حقیقت دین است.

۹ حرمت تصرف شوهران در مهریه زنان ، بدون جلب رضایت کامل آنان

و اتوا النساء .. فان طبن لکم عن شیء منه نفساً فکلوه

از مفهوم جمله <فان طبن لکم .. > (اگر رضایت داشتند از مهریه بخورید و در آن تصرف کنید)، حرمت تصرف بدون رضایت به دست می آید.

۱۵ شوهر ، مجاز به استفاده از دارایی زن ، در صورت رضایت خاطر وی

فان طبن لکم عن شیء منه

امام صادق یا امام کاظم (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یعنی بذلک اموالهنّ التی فی ایدیهنّ مما ملکن.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۱۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۴۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۴، ۳

۳ لزوم طلاق همسر در صورتی که وی از زندگی کردن با شوهر خویش ناخشنود است و شوهر نیز هیچ نیازی به زندگی کردن با وی ندارد . *

لا يحلّ لكم ان ترثوا النساء كرهاً

< کرهأ > به معنای < کارهات >، حال برای < النساء > باشد. گفتنی است که < ان ترثوا > می رساند که هدف شوهر از زندگی با زن ارث بردن از اوست. یعنی نیاز دیگری به وی ندارد.

۴ به ارث بردن زنان، حرام و امری ناخوشایند است. *

لا يحلّ لكم ان ترثوا النساء كرهأ

در برداشت فوق < النساء > به معنای زنان، نه همسران، و < کرهأ >، مفعول مطلق برای فعلی مقدر گرفته شده است؛ مثل < اکرهوه کرهأ >. یعنی چنین کاری (به ارث بردن زنان) را ناپسند بشمارید.

۵ حرمت به ارث بردن زنان، به دلیل کراهت آنان

لا يحلّ لكم ان ترثوا النساء كرهأ

بنابر اینکه < کرهأ > به معنای < کارهات > و حال برای < النساء > باشد. یعنی زنان را به ارث نبرید در حالی که آنان از این کار کراهت دارند. لازم به ذکر است که بر این مبنا، < کرهأ > قید توضیحی غالبی است. یعنی زنان غالباً از این کار کراهت دارند.

۶ حرمت منع کردن زنان از ازدواج به طمع ارث بردن از آنان *

لا يحلّ لكم ان ترثوا النساء كرهأ

این برداشت بر این اساس است که مراد از < النساء >، مطلق زنان باشد. (مانند دختر و خواهر و ...) نه همسران. و مقصود از < ان ترثوا > به ارث بردن اموال ایشان باشد. بنابراین معنای آیه، حرمت بازداشتن زنان از ازدواج به طمع ارث بردن از اموال ایشان است. زیرا در صورت ازدواج، اکثر اموال زن با مرگ او، به فرزندان و شوهرش منتقل می شود.

۸ حرمت سختگیری مرد بر همسر خویش به انگیزه پس گیری حتی بخشی از مهریه

ولا تعضوهنّ لتذهبوا ببعض ما ایتموهنّ

< لا تعضوهنّ > از

<عضل> به معنای سختگیری است. مراد از <ما ایتموهنن>، مهریه ای است که مردان به همسران خویش می دهند.

۱۸ حرمت نگهداشتن و آزار رساندن به همسری که برای ادامه زندگی مورد نیاز مرد نیست، به منظور گرفتن بخشی از اموال وی.

و لا تعضلوهنن لتذهبوا ببعض ما ایتموهنن

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: انه الزوج امره الله بتخليه سبيلها اذا لم يكن له فيها حاجه و ان لا يمسكها اضراماً بها حتى تفتدى ببعض ما لها.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۴۰، نورالثقلين، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۱۳۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۰ - ۵

۵ کراهت مرد از همسر خویش و علاقه به ازدواجی دیگر، مجوز پس گیری حتی اندکی از مهریه به هنگام طلاق نمی شود.

فان کرهتموهنن ... و ان اردتم استبدال ... فلا تأخذوا منه شيئاً

جمله <ان اردتم> پس از جمله <فان کرهتموهنن>، اشاره به این دارد که هر چند دلیل <استبدال> ناخوشایندی از همسر موجود و علاقه به ازدواجی دیگر باشد، این امر، مجوز پس گیری مهریه نمی تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۱ - ۱،۲،۱۱

۱ بازپس گیری مهریه زنان، دور از انصاف و خلاف انصاف است.

و كيف تأخذونه و قد افضى بعضكم الى بعض

در آیه قبل، بازپس گیری مهریه، ظلم و گناه شمرده شد و این آیه با طرح سؤال، وجدان انسانی را به قضاوت برمی انگیزاند.

۲ حرمت بازپس گیری حتی اندکی از مهریه زنان، پس از

و کیف تأخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض

بنابر اینکه <و قد افضی>، کنایه از آمیزش باشد.

۱۱ مهریه، حقی برای زن در قبال آمیزش و پیمان زناشویی

و کیف تأخذونه و قد افضی

جمله <و قد افضی>، که کنایه از آمیزش است، و جمله <اخذن منکم>، که دلالت بر عقد زناشویی می کند، بیانگر این است که زن در قبال آن دو، مالک مهریه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ حمایت اسلام از حقوق اقتصادی زنان

ان تبتغوا باموالکم .. فاتوهنّ اجورهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۹، ۱۳

۹ حق مساوی زن و مرد در مالکیت و بهره‌وری از کار و تلاش خویش

للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن

۱۳ زن و مرد، دارای حق کسب و کار

للرجال نصیب .. و للنساء نصیب مما اکتسبن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۲۰، ۲۵، ۳۴

۲۰ خداوند، حافظ حقوق زنان، با جعل قوانین خانواده

مراد از <ما>، حقوق زنان است که خداوند با جعل قوانین، مانند الزام به تأمین زندگی و .. آن را حفظ کرده است.

۲۵ همخوابگی، از حقوق زنان بر همسران خویش

و اهجرهون فی المضاجع

گویا لزوم همخوابگی با همسران را بر عهده شوهران فرض کرده است و در حال نشوز، ترک آن را مجاز شمرده است. جمله <فلا تبغوا ... >، پس از فرض اطاعت زنان، لزوم همخوابگی را تأیید می کند.

مرد ، هیچ حقی در آزار دادن همسر صالح و مطیع خویش ندارد .

و اضربوهنَّ فان اطعنكم فلا تبغوا عليهنَّ سيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۴، ۲۳، ۲۱، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۹، ۸، ۵، ۲

۲ حقوق زن ، مورد بحث و گفتگوی مسلمانان صدر اسلام

و يستفتونك في النساء قل الله يفتيكم فيهنَّ

از سؤال مکرر، که فعل مضارع دلالت بر آن دارد و صیغه جمع، که دلالت بر تعدد سؤال کنندگان دارد، می توان فهمید که حقوق زنان مورد بحث و گفتگوی مسلمانان بوده است.

۵ وعده خداوند به مردم ، مبنی بر پاسخ استفتای آنها درباره حقوق زنان

قل الله يفتيكم فيهنَّ

۸ اهمیت حقوق زن در اسلام و اهتمام خداوند نسبت به آن

و يستفتونك في النساء قل الله يفتيكم فيهنَّ . . . ما كتب لهن

تصریح به تبیین احکامی درباره زنان از سوی خداوند، دلالت بر اهمیت آن دارد.

۹ زن ، دارای حقوقی ویژه در اسلام

ما كتب لهن

۱۲ مذمت ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال ساختن حقوق آنان

في یتمی النساء التي لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنکوهن

لحن آیه دلالت بر مذمت و محکومیت چنین عملی دارد.

۱۴ نکوهش خداوند از نادیده گرفتن حق ازدواج دختران یتیم

لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنکوهن

بنابر اینکه <رغبت> به معنای اعراض باشد، جمله <و ترغبون ..> در حقیقت بیان مصداقی است از جمله <لا تَوْتُونَهُنَّ مَا كَتَبَ لَهُنَّ.>

۱۵ لزوم حمایت از دختران یتیم و حقوق آنان

فی یتیمی النساء .. و إن تقوموا للیتمی بالقسط

با توجه به اینکه <و ان تقوموا ..>،

عطف به <فیهن> است؛ یعنی <لله یفتیکم ان تقوموا...> بنابراین قیام برای قسط درباره یتیمان، فتوا و حکم الهی است و از جمله آنان، زنان یتیم هستند.

۲۱ خداوند ، خواستار احیای حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

قل الله یفتیکم فیهنّ . . . و إن تقوموا للیتمی بالقسط

۲۳ رعایت حقوق زنان ، یتیمان ، مستضعفان و اقامه قسط ، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

<من خیر> می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

۲۴ اعتقاد انسان به علم الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

و المستضعفین من الولدن . . . و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۲۰، ۶، ۵

۵ جواز صرفنظر کردن زن از بعض حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلاها نشوزاً . . ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

جمله <و احضرت الانفس الشح> حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

۶ اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

و إن امراه خافت . . ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

۲۰ جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و إن امراه خافت من بعلاها نشوزاً او اعراضاً

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق

فرمود: هذا تكون عنده المراه لاتعجبه فيريد طلاقها فتقول له: امسكني و لاتطلقني و ادع لك ما على ظهرک و اعطيك من مالي و احللک من يومي و ليلتي فقد طاب ذلک له کله .

کافی، ج ۶، ص ۱۴۵، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۸، ح ۶۰۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۵، ۱۸

۵ بلا تکلیف رها ساختن زن (نه زندگی کردن و نه طلاق دادن وی) ، کاری ممنوع و حرام بر شوهران

فلاتمیلوا کل الميل فتذروها کالمعلقه

۱۸ حرمت بلا تکلیف گذاشتن زن بگونه ای که نه از مزایای شوهرداری بهره مند باشد و نه از مزایای بی همسری

فلاتمیلوا کل الميل فتذروها کالمعلقه

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره معنای < کالمعلقه > در آیه فوق روایت شده که فرمودند: التي هي لا ذات زوج ولا ایم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۳۴۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۹، ح ۶۰۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۱۵

۱۵ ثبوت مالکیت و حق ارث برای زنان در نظام حقوقی اسلام

فلها نصف ما ترک و هو یرثها .. فلها الثلثان مما ترک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲۰، ۲۲، ۲۳

۲۰ حلیت ازدواج با زنان ، در صورت پرداخت مهریه آنان

اليوم احل . . و المحصنت من الذين اتوا الكتب من قبلكم إذا ءاتيموهن اجورهن

۲۲ مهریه از آن خود زن و اجرتی در قبال ازدواج با اوست .

ءاتيموهن اجورهن

۲۳ لزوم مراعات حقوق

و المحصنت من الذین اتوا الکتب من قبلکم إذا ءاتیتموهن اجورهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱۳

۱۳ ضرورت پرهیز از تبعیضهای ناروا و جاهلانته در قوانین مربوط به زن و مرد

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذكورنا و محرم علی أزوجنا .. سیجزیهم و صفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱۳

۱۳- دفاع اسلام از شخصیت و حقوق زنان و دختران

ألا ساء ما یحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۸ - ۱

۱ - زن متهم به زنا ، پس از تحقق لعان از سوی شوهرش ، متقابلاً حق لعان دارد .

و یدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهدت بالله

حقوق سیاسی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۵

۵- زن ، برخوردار از حق مشارکت در مسائل سیاسی ، اجتماعی و دینی

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعَنَّكَ .. فَبَايِعَنَّ

از آن جا که بیعت خود نوعی مشارکت است، مطلب بالا استفاده می شود.

حقوق مالی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۹ - ۸

۸ - زنان با عقد ازدواج ، حقّ مالی به عهده شوهر پیدا می کنند ، و لو با آنان آمیزشی صورت نگیرد .

إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ .. فَمَتَّعُوهُنَّ

حقیقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل

۳- زن و مرد ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی و فاقد کمترین تمایز در انسانیت

و الله جعل لکم من أنفسکم أزواجًا

این برداشت به خاطر این است که همه انسانها اعم از مرد و زن مخاطب <أنفسکم> قرار گرفته اند و همه آنها دارای جان و روح واحدی شمرده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۱

۱ - زن ، در فرهنگ جاهلیت پرورش یافته در زینت و تجمل ، و فرودست در میدان جدال و درگیری های کلامی

أَوْ مِنْ يَنْشُؤْا فِي الْحَلِيهِ وَ هُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرِ مَبِينِ

لحن آیه شریفه به گونه ای است که به اعتقاد و باور عرب جاهلی یا موقعیت زن در محیط و فرهنگ خاص آنان اشاره دارد.

حلیت زن موهوبه برای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۰ - ۲۱، ۲۲، ۲۳ - ۲۰، ۱۹

۱۹ - هبه کردن زنان مؤمن ، خودشان را بر پیامبر (ص) مباح و جایز است .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ .. وَ امْرَأَهُ مَوْمِنَهُ إِن وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ

۲۰ - در صورتی که زنی مؤمن ، خود را ، بدون صداق بر پیامبر (ص) هبه می کرد ، او برای آن حضرت حلال و مباح بود .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ .. وَ امْرَأَهُ مَوْمِنَهُ إِن وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ

۲۱ - هبه کردن زنی ، خود را برای همسری پیامبر (ص) ، حکمی ویژه آن حضرت است و هیچ مؤمنی ، مشمول آن نمی شود .

و امْرَأَهُ مَوْمِنَهُ إِن

وهبت نفسها للنبيّ .. خالصه لك من دون المؤمنين

۲۲ - مباح و حلال شدن زنی که خود را بر پیامبر (ص) هبه کرده ، در صورتی است که آن حضرت ، او را بپذیرد .

و امرأه مؤمنه إن وهبت نفسها للنبيّ إن أراد النبيّ أن يستنكحها

۲۳ - تنها زنان مؤمن می توانند خود را بر پیامبر (ص) هبه کنند .

و امرأه مؤمنه إن وهبت نفسها للنبيّ إن أراد النبيّ أن يستنكحها

خدا و زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۰ - ۲

۲- مشرکان بر این باور بودند که خداوند ، به دختر و جنس زن ، بیش از پسر و جنس مرد ، علاقه داشته و ارزش می نهد .

أفأصنّفكم ربّكم بالبئین و اتّخذ من الملائکة إنّثا

از اینکه مشرکان گفته اند: <خداوند برای خود دخترانی از جنس ملائکه انتخاب کرد> می تواند به این معنا اشاره داشته باشد که آنان، می پنداشتند خداوند، به خاطر تمایل و علاقه به جنس زن، چنین گزینشی کرده است.

خطر انحراف زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۴

۴ - زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

یا أيّها الذین ءامنوا قوا أنفسکم و أهلیکم نارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا أيّها الذین آمنوا) استفاده می شود.

خطر گناه زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - تحريم - ٦٦ - ٦ - ٤

٤ - زنان و مردان مؤمن ،

همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا ائیها الذین آمنوا) استفاده می شود.

خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۲

۲ - زنان ، همسان با مردان ، خلق شده اند .

أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

از قید <من أنفسکم> استفاده می شود که خلق زنان، همسان مردان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۴

۴ - زنان چونان مردان ، بی هیچ امتیاز و تبعیضی ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی اند .

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۸

۸ - آفرینش زن و مرد از جنس واحد ، لطف الهی نسبت به آدمیان

جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

آیه شریفه در مقام امتنان و ذکر نعمت های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۶

۶- همگونی مرد و زن در اصل خلقت (نطفه)

و أنه خلق الزوجين الذكر و الأُنثى . من نطفه إذا تمنى

خوش اخلاقی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۳

۳ نیک سیرتی و نیک رویی ، از اوصاف پسندیده و کمالات زن

فیهنَّ خیرت حسان

خوشایندی از زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب

۱۱ - رفتار جنسی خارج از اعتدال ، مثل طمعورزی در زنان نامحرم ، نوعی بیماری است .

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

دعا برای زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۸

۱۸ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، در دعا برای زنان بیعت کننده با آن حضرت و آمرزش خواهی برای آنان

و استغفر لهنّ الله

دوستی با زن شوهردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ حرمت رفاقت و آمیزش جنسی با زنان شوهردار

قالت هیت لک قال معاذ الله

استعاذه و پناه آوردن به خدا ، در موردی است که متعلق آن، گناه و امری شرّآفرین باشد.

روزه داری زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۶

۶ - تسلیم در برابر خداوند ، ایمان به او ، فرمانبری از او ، توبه ، عبادت و روزه داری ، از اوصاف زنان شایسته در نگاه وحی

أزواجًا خیرًا منکنّ مسلمت مؤمنت قنتت تثبت عبتت سحت

<قنوت> (مصدر <قانتات>) به معنای اطاعت همراه با خضوع است (مفردات راغب). <سیاحت> (ماده <سائحات>) به

معنای سیر در زمین به منظور عبادت است. اهل لغت و مفسران گفته اند: از آن جا که روزه داران، تمام روز را بدون غذا سپری می کنند، به آنان <سائح> می گویند (برگرفته از لسان العرب).

روزه زن باردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۲۶

- ۲۶

> عن أبي عبدالله (ع) في قوله : < و على الذين يطيقونه فديه طعام مسكين > قال : المرأه تخاف على ولدها ... ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: < کسانی که طاقت روزه گرفتن ندارند به عنوان کفاره، طعامی به تهیدست بدهند > روایت شده است: مراد زنی است که بر بچه خود [جنین یا کودک شیرخوار خود] می ترسد ... <.

روزی اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۴

۴ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، برخوردار از روزی ها و نعمت های بی اندازه و بسیار در بهشت

و من عمل صلحًا .. فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغير حساب

روش برخورد با زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۷

۷ - جواز تحقیر زنان کافر و مؤذی و به کار بردن کلمات ناهنجار درباره آنان

حمّاله الحطب

زمینه اذیت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۵

۱۵ - نظام اجتماعی ظالمانه ، همچون نظام استبدادی فرعون ، از ظلمتهاست .

أخرج قومك من الظلمت إلى النور .. إذ أنجكم من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب

زمینه استهزاگری زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- زنان بیش از مردان ، در معرض ابتلا به خودبینی و استهزای دیگران *

و لا نساء من نساء

برداشت بالا بدان احتمال است که مجزا

آمدن <ولا نساء..> در قبال <قوم من قوم>، از باب ذکر خاص بعد از عام باشد.

زمینه اغواپذیری زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱۴

۱۴ - زنان و مردان ، هر دو در خطر فریفته شدن به وسوسه های شیطانی اند .

فلا یخرجنکما

زمینه الگو بودن زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، دارای استعداد و شایستگی های لازم برای الگو شدن و دستیابی به اوج قلّه کمال

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا امرأت فرعون

زمینه انحراف زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط .. قیل ادخلا النار مع الذلین

زمینه بی احترامی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۷

۱۷- پایمال شدن حرمت مردان و زنان مؤمن در صورت جنگ در حدیبیه ، مایه ننگ برای مسلمانان

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات .. فتصییکم منهم معرّه

زمینه تکامل زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - عفت و پاکدامنی ، راه تکامل و تعالی زن و زمینه ساز برخورداری او از الطاف و عنایات الهی

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است

که عفت و پاکدامنی مریم(س)، موجب شد که او رشد کرده و به حدی برسد که از الطاف ویژه الهی برخوردار باشد و روح بلند مسیح(ع) با عنایت الهی در او دمیده شود.

زمینه تکامل زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، دارای استعداد و شایستگی های لازم برای الگو شدن و دستیابی به اوج قله کمال

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا امرأت فرعون

زمینه تکبر زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۸

۸ - زنان بیش از مردان ، در معرض ابتلا به خودبینی و استهزای دیگران *

ولا نساء من نساء

برداشت بالا بدان احتمال است که مجزا آمدن <ولا نساء..> در قبال <قوم من قوم>، از باب ذکر خاص بعد از عام باشد.

زمینه حق ناپذیری زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب الله مثلاً للذین كفروا امرأت نوح و امرأت لوط .. قیل ادخلا النار مع الذلین

زمینه کمال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . . . بشریکم الیوم جنّت

برداشت یاد شده، از تصریح به

نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

زمینه مشکلات اجتماعی زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۵

۱۵- نظام اجتماعی ظالمانه ، همچون نظام استبدادی فرعون ، از ظلمتهاست .

أخرج قومك من الظلمت إلى النور .. إذ أنجكم من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب

زن بیوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۱۹، ۱۱، ۹، ۸، ۵، ۴، ۱

۱ هیچکس حتی خویشاوندان و اولیا ، حق جلوگیری از ازدواج زن با شوهر سابق یا دیگری را پس از انقضای عده ندارد .

و اذا طلقتم النساء فبلغن اجلهنّ فلا تعضوهنّ ان ینکحن ازواجهنّ

<فبلغن اجلهنّ> در این آیه به معنای پایان مدّت عده است؛ به قرینه <ان ینکحن> . چون پس از انقضای عده، زن می تواند ازدواج کند؛ نه قبل از آن.

۴ زنان مطلقه پس از انقضای عده ، احتیاج به اذن ولی در ازدواج ندارند .

فلا تعضوهنّ ان ینکحن ازواجهنّ

بعید به نظر می رسد علی رغم پذیرش ولایت ولی، وی را از مداخله در امر ازدواج نهی کند؛ بنابراین حرمت جلوگیری از ازدواج مطلقه، حاکی از عدم ولایت ولی بر ازدواج اوست.

۵ شوهر ، حقّ جلوگیری از ازدواج زن مطلقه خویش را پس از انقضای عده ندارد .

و اذا طلقتم النساء فبلغن اجلهنّ فلا تعضوهنّ

بنابراینکه <فلا تعضوهنّ> خطاب به شوهر سابق باشد، بر این مبنا مراد از <ازواجهن> نیز مردی غیر از شوهر سابق خواهد بود.

۸ جلوگیری از ازدواج مجدد زنان مُطَلَّقه ، از سُنَّت های جاهلیت

و اذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجْلَهُنَّ

فلا تعضوهنّ

۹ مؤمنان به خدا و قیامت از ازدواج زن مُطلّقه ، ممانعت نمی کنند .

فلا تعضوهنّ ان ینکحن . . . ذلک یوعظ به من کان منکم یؤمن باللّهِ و الیوم الآخر

۱۱ جلوگیری نکردن از ازدواج زنان مُطلّقه ، موجبِ رشد و طهارت فزونتر برای جامعه

و اذا طَلّقتُم النِّساء . . . فلا تعضوهنّ . . . ذلکم از کی لکم و اطهر

۱۹ لزوم رفع موانع ازدواج زنان بی شوهر

فلا تعضوهنّ ان ینکحن . . . ذلکم از کی لکم و اطهر

حکمت ممنوعیت جلوگیری از ازدواج زنان مُطلّقه که رشد و طهارت جامعه است این اقتضا را دارد که اگر موانعی نیز بر سر این راه باشد، برطرف گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۱۴، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۲

۲ ازدواج مجدد زنان شوهر مُرده ، مشروط به گذشتن عده و وفات (چهار ماه و ده شبانه روز)

و الذین یتوفون منکم . . . یتربصن بانفسهنّ اربعه اشهر و عشرأ

۸ پس از عده و وفات ، زن در گرفتن هر تصمیم شایسته برای خویش آزاد است .

فاذا بلغن اجلهنّ فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ بالمعروف

۹ عدم لزوم نظارت بر زنان شوهر مُرده ، پس از انقضای عده و وفات شوهر

فلا جناح علیکم فیما فعلنّ

۱۰ جلوگیری از حقوق متعارف زنان شوهر مُرده مانند ازدواج پس از انقضای عده و وفات ، جایز نیست .

فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ بالمعروف

۱۱ پس از عده و وفات ، زن در انتخاب شوهری شایسته آزاد است .

فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ

مراد از <فیما فعلن>، به قرینه جمله <یتربّصن>

که ممنوعیت ازدواج در زمان عدّه است، انتخاب شوهر خواهد بود.

۱۴ خداوند بر کردار زنان در زمان عدّه وفات و پس از آن، و عمل مسلمین در نظارت بر حفظ حدود الهی آگاه است.

و الذین يتوفون .. و الله بما تعملون خبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۵ - ۵،۷،۸

۵ بی صبری مردان در اظهار تمایل به ازدواج با زنان بی شوهر

علم الله انکم ستذکرونهنّ

۷ حرمت وعده و قرار پنهانی با زنانی که در حال عدّه هستند .

و لکن لا تواعدوهنّ سرّاً

۸ جواز گفتگوی مردان با زنان در عدّه، به گونه ای متعارف و شایسته (دور از گستاخی و فریب)

لا تواعدوهنّ سرّاً الا ان تقولوا قولاً معروفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۴،۵،۶،۷،۸،۹

۴ حق سکونت در خانه شوهر و نیز بهره گیری از اموال او به مدّت یکسال، از جمله حقوق زنان شوهر مُرده است .

وصیه لازواجهم متاعاً الى الحول غیر اخراج

ظهور کلمه <غیر اخراج> در این است که نباید زن شوهر مرده را از خانه شوهر بیرون کرد و لازمه این معنا حق سکونت برای اوست.

۵ زنان شوهر مرده نباید تا مدّت یکسال در غیر از خانه شوهر سکونت گزینند . *

متاعاً الى الحول غیر اخراج

برخی برآنند که کلمه <غیر اخراج>، بیان وظیفه زنان است؛ بنابراینکه فاعل <اخراج>، ازواج باشد؛ یعنی زنان نباید خود را از خانه شوهر خارج سازند. قابل ذکر است که مراد از ترک اخراج و

یا خروج، سکونت گزیدن است، نه محبوس شدن در منزل.

۶ باقی ماندن زن در خانه شوهر، شرط پرداخت هزینه زندگی وی تا یکسال

متاعاً الی الحول غیر اخراج

بنابراینکه <غیر اخراج> علاوه بر بیان حق سکونت برای زن، قیدی باشد بر حکم سابق (لزوم پرداخت متاع). یعنی آنگاه زن شوهر مرده می تواند از مال شوهر بهره گیرد که از خانه وی خارج نشده باشد.

۷ جواز خروج زن از خانه شوهر وفات یافته، پیش از اتمام سال

غیر اخراج فان خرجن فلا جناح علیکم

۸ جواز هر گونه اقدام مشروع و شایسته (ازدواج) از سوی زنان شوهر مرده پس از خروج از خانه وی

فان خرجن فلا جناح علیکم فی ما فعلن فی انفسهنّ من معروف

برخی برآنند که مراد از <من معروف> ازدواج است؛ بر این اساس، جامعه ایمانی و یا ورثه میّت می توانند از ازدواج زن به مدت یکسال بر فرض سکونت در منزل شوهر متوفی، ممانعت کنند.

۹ جامعه اسلامی مسؤول نظارت بر رفتار زنان بیوه و بی سرپرست

فان خرجن فلا جناح علیکم... من معروف

اگر چه آیه درباره زنان شوهر مرده است؛ ولی بنابراینکه خطاب به جامعه ایمانی باشد، نه خصوص اولیاء، معلوم می شود که تنها زن شوهر مرده مراد نیست؛ چون از نظر اجتماعی تفاوتی بین زن شوهر مرده و غیر او نخواهد بود؛ بلکه ملاک لزوم نظارت، بی سرپرست بودن زن است.

زن در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۸

۸ زن از دیدگاه ادیان الهی دارای هویت مستقل فکری و

عقیدتی و مسؤول در برابر اعمال خویش است .

إلا امرأته كانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۲

۲۲ زن از دیدگاه ادیان الهی ، دارای هویت مستقل فکری و عقیدتی و مسؤول در برابر اعمال خویش است .

فأسر بأهلك بقطع من الیل . . . إلا امرأتک إنه مصیبا ما أصابهم

زن در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۵

۵ تفاوت صلاحیت زن و مرد در عصر تولد مریم ، برای احراز مشاغل و مسؤولیت های اجتماعی

ربّ ائی وضعتها ائی . . . و لیس الذکر کالائتی

بنابراینکه <لیس الذکر کالائتی> ، کلام مادر مریم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۵

۱۵ جواز حضور زنان همراه مردان ، در مسائل مهم اجتماعی

و نساءنا و نساءکم

زن در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۲

۲۲ جامعه جاهلی عصر بعثت ، هیچ حقی را برای زنان معتبر نمی شمرد .

و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

با توجه به اینکه حقوق مردان بر زنان (علیهنّ) را مُسلّم گرفته و در صدد اثبات حقوق زنان بر مردان (لهنّ) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۷

۷ به ارث بردن زنان، از سنن جاهلی

لا یحلّ لکم ان ترثوا النساء کرهاً

با توجه به شأن نزول در مجمع البیان، ذیل آیه.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۵

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۵ مشرکان عصر جاهلی زن را موجودی پست و مرد را دارای برتری و شرافت بر آنها می دانستند. *

خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

حلیت جنین زنده برای مردان و حلیت جنین مرده برای زنان از دیدگاه مشرکان عصر جاهلیت، حکایت از نگرش آنان به زن دارد. زیرا تنها در صورت مرده به دنیا آمدن جنین خوردن آن را برای زنان مجاز می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵- زنان، در دوران هایی پیش از اسلام، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند.

و لا تبرجن تبرج الجهنیه الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۳

۳- زن، موجودی بی مقدار در دیدگاه عرب جاهلی

و إذا بشر أحدهم .. و هو کظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۱

۱- زن، در فرهنگ جاهلیت پرورش یافته در زینت و تجمل، و فرودست در میدان جدال و درگیری های کلامی

من ينشؤا في الحليه و هو في الخصام غير مبين

لحن آیه شریفه به گونه ای است که به اعتقاد و باور عرب جاهلی یا موقعیت زن در محیط و فرهنگ خاص آنان اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۳

۳ - اعتقاد عرب جاهلی ، به امتیاز و برتری مردان بر زنان

أم له البنت و لکم البنون

از این که خداوند، مشرکان را مدعی اختصاص پسران به خویش شمرده است، استفاده می شود که آنان، از داشتن دختر احساس ننگ می کرده اند.

زن در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۶ - ۴

۴ - نقش زنان در آماده ساختن و طبخ غذا ، در عصر ابراهیم (ع) *

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمين

از این که ابراهیم(ع) برای تهیه غذای میهمانان به همسرش مراجعه کرده، استفاده می شود که همسر آن حضرت آماده سازی غذا را برعهده داشته است.

زن در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۰، ۳، ۲، ۱

۱ پرسش و استفتای مکرر مردم از پیامبر (ص) در مورد مسائلی مربوط به زنان

و يستفتونک فی النساء

فعل مضارع <يستفتونک>، دلالت بر استمرار پرسش دارد.

۲ حقوق زن ، مورد بحث و گفتگوی مسلمانان صدر اسلام

و يستفتونك في النساء قل الله يفتيكم فيهنّ

از سؤال مکرر، که فعل مضارع دلالت بر آن دارد و صیغه جمع، که دلالت بر تعدد سؤال کنندگان دارد، می توان فهمید که حقوق زنان مورد بحث و

گفتگوی مسلمانان بوده است.

۳ تشریح احکامی در مورد زنان ، زمینه مطرح شدن سؤالی از سوی مسلمانان صدر اسلام در مورد آنان *

و يستفتونك في النساء . . . و ما يتلى عليكم في الكتب في یتمی النساء

۱۰ تجاوز به حقوق زنان یتیم ، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التي لا تؤتونهن ما كتب لهن

زن در قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۳ - ۷

۷ - جایگاه ارجمند و والای زن در جامعه سبا ، علی رغم حقارت وی در طول تاریخ

و الأمر إليك فانظري ماذا تأمرين

زن در مباحله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۹

۹ پیامبر (ص) ، مأمور دعوت نصارا به مباحله ، با شرکت دادن زنان و فرزندان طرفین در آن

فمن حاجك . . . فقل تعالوا ندع ابنانا و ابناكم و نساءنا و نساءكم

زن دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۲

۲ برابری زنان و مردان در حد سرقت

و السارق و السارقه فاقطعوا ايديهما

زن شایسته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۲

۲ عقیم نبودن ، از ویژگی های زن شایسته و کامل

نساؤ کم حرث لکم

از خصوصیات مهم زن، قابلیت بارور شدن او برای بقای نسل است؛ بنابراین چنانچه زن نازا باشد، از این ویژگی مهم عاری است و طبعاً چنین زنی از جهت طبیعی کامل نخواهد بود.

زن شایسته در دوران محمد(ص)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۲،۳

۲ - جایگزینی همسرانی شایسته تر برای پیامبر (ص) ، در صورت عزم آن حضرت به طلاق زنان خطاکار خویش

عسی ربّه إن طلقکّ أن یدله أزوجًا خیرًا منکّ

۳ - وجود زنانی شایسته تر از همسران خطاکار پیامبر (ص) ، برای همسری آن حضرت

أن یدله أزوجًا خیرًا منکّ

تهدید به جایگزینی زنان بهتر، نشان دهنده وجود چنین اشخاصی در جامعه آن زمان است.

زن مسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۳۰

۳۰ لزوم رعایت تناسب کیفیت پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود با فصل سال (تابستان و زمستان) و مرد یا زن بودن فقیر

فکفّره .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و اما کسوتهم فان وافقت به التشاء فکسوته، و ان وافقت به الصیف فکسوته، لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

زن مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۴

۴ خداوند فراهم کننده زمینه ازدواج مجدد زن و مرد ، پس از طلاق

و إن يتفرقا يغن الله كلا من سعته

از مصادیق مورد نظر برای <یغن الله>، فراهم آوردن ازدواج مجدد است. چون ازدواج از مهمترین مسائلی است که زن و شوهر

پس از جدایی به آن نیازمند هستند.

زن مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۵

۵ مردان، زنان و کودکان مانده در ستم، از مصادیق مستضعفان

و المستضعفين من الرجال و النساء و الولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه ال

زن و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۶

۱۶ معاف بودن برخی از مردم (زنان، کهنسالان، معلولان و...) از شرکت در جنگ

فاقعدوامع الخلفين

مراد از <خالفين> می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

زن و خشونت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۳

۳ - زن، اساساً برای کارهای دشوار و خشن و جدال و درگیری آفریده نشده است.

و هو فی الخصام غیر مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه به جهت مماشات و بازگویی باور مشرکان، این مطالب را مطرح نکرده باشد؛ بلکه به عنوان یک واقعت بدان پرداخته باشد.

زن و کارهای سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۳

۳ - زن ، اساساً برای کار های دشوار و خشن و جدال و درگیری آفریده نشده است .

و هو فی الخصام غیر مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه به جهت مماشات و بازگویی باور مشرکان، این مطالب را مطرح نکرده
باشد؛ بلکه به

عنوان یک واقعیت بدان پرداخته باشد.

زن و مجلس مردان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۳

۳ جواز حضور زنان در جلسه مردان و پذیرایی از ایشان

وامرأته قائمه فضحکت فبشرنها

برخی برآنند که مراد از <قائمه> قیام برای پذیرایی از مهمانان است. برداشت فوق ناظر به این احتمال می باشد. گفتنی است که به قرینه آیه بعد، نمی توان گفت جواز حضور زنان به طور مطلق چه جوان باشند و چه کهنسال از آیه استنباط می شود اگرچه نفی آن نیز از آیه استفاده نمی گردد.

زنا با زن شوهردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ حرمت رفاقت و آمیزش جنسی با زنان شوهردار

قالت هیت لك قال معاذ الله

استعاذه و پناه آوردن به خدا، در موردی است که متعلق آن، گناه و امری شرّآفرین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۹

۹ نزدیکی با زنان شوهردار و ارتکاب زنا، از گناهان بسیار زشت و پلید است.

لنصرف عنه السوء و الفحشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۵

۵ حرمت روابط جنسی با زنان شوهردار

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

زنان جادوگر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۱

۱ - زنانی ، در عصر بعثت با گره زدن و افشاندن ترشحات دهان بر گره ها ، مردم را

جادو می کردند .

النَّفَثُ فِي الْعَقْدِ

فعل <نَفَثَ>، زمانی گفته می شود که شخص ترشحاتی از دهان بیرون افکند (مصباح) و <نَفَثَ> شبیه دمیدن و کمتر از آب دهان افکندن است (صحاح). حرف <ال> در <النَّفَثَاتُ>، گرچه برای تعریف جنس است ولی در مقایسه با <غاسق> و <حاسد> که نکره آورده شده است ممکن است به معروف بودن کسانی که <نَفَثَ> (افسون گر) بودند، نظر داشته باشد.

زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۲۵

۱۱ جواز ازدواج با زنان پاکدامن و مؤمن

اليوم احل لكم .. و المحصنت من المؤمنت

احصان (مصدر محصنه) به معنای عقیف بودن، آزاده بودن، همسر داشتن و مسلمان بودن است. در آیه مورد بحث تنها معنای اول و دوم می تواند مراد باشد و برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

۱۲ جواز ازدواج با زنان پاکدامن اهل کتاب

اليوم احل لكم .. و المحصنت من الذين اتوا الكتب من قبلکم

بنابر اینکه مراد از <محصنات>، زنان پاکدامن باشد. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق (ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: هن العفائف.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۶، ح ۳۹، تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۹، ح ۱۳.

۱۵ حلیت طیبات و غذا های اهل کتاب و جواز ازدواج با زنان پاکدامن آنان ، امتنان خداوند بر مسلمانان

اليوم احل لكم

علاوه بر سیاق و لحن آیه، از <لام انتفاع> در <لکم>، امتنان استفاده می شود.

۲۵ پاکدامنی و عفت مردان ، از شرایط حلیت ازدواج آنان با زنان عقیف و پاکدامن

محصنین غیر مسفحین و لا متخذی

<اخذان> جمع <خدن> به معنای رفیقان است که به مناسبت مورد، مراد از رفاقت‌های جنسی نامشروع است و <مسفحین> از <سفاح> به معنای زناست. گفتنی است برداشت فوق بر این مبناست که <محصنین> حال برای <کم> در <لکم> و عامل آن <احل> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۵

۵ قداست و پاکدامنی حضرت مریم (ع)

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

زنان مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۴

۴ - مردان و زنان مشرک ، در قبال امانت الهی ، به وظیفه خود عمل نمی کنند .

إِنَّا عرضنا الأمانة .. ليعذب الله ... و المشركين و المشركت

زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۳

۳ - مردان و زنان منافق ، در قبال امانت الهی ، به وظیفه خود عمل نمی کنند .

إِنَّا عرضنا الأمانة .. ليعذب الله المنفقين و المنفقت

زنان منافق در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد الله المنافقين و المنافقت و الکفار نار جهنم خلدين فيها

زنان منافق در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۲، ۱

۱ وجود زنان منافق ، در میان منافقان عصر پیامبر (ص)

المنفقون و المنافقت

همگونی زنان و مردان منافق صدر اسلام ، در مواضع ضد اسلامی و برخورد با مسلمانان

المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض يأمرن بالمنكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۵

۵ وجود زنان منافق در میان منافقان عصر پیامبر (ص)

وعد الله المنافقين و المنفقت

زنان منافق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۷

۷ - زنان منافق چونان مردان نفاق پیشه ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم . . . و المنفقت ... انظرونا نقتبس من نورکم

زنان منافق صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۴

۴ - وجود نیرومند جریان نفاق ، در میان زنان و مردان مسلمان ، در عصر نزول قرآن و بعثت پیامبر اکرم (ص)

یوم يقول المنفقون و المنفقت . . انظرونا نقتبس من نورکم

تصریح قرآن به نام مردان و زنان منافق، نشان دهنده وجود آنان در میان مسلمانان صدر اسلام است. تعبیر <ألم نكن معکم> در آیه بعد، بیانگر نفوذ آنان در میان صفوف مسلمین به صورت یک جریان گسترده است.

زنان مؤمن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- قیامت ، روز دریافت بشارت بهشت برای مردان و زنان مؤمن

یوم تری المؤمنین و المؤمنت .. بشریکم الیوم جنّت

زندگی پاکیزه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۲

۲- تساوی زن و

مرد در برخورداری از پاداش های الهی و بهره مندی از حیات پاکیزه و دلپذیر

من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

زندگی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۵

۵ - پیدایش همزیستی مسالمت آمیز میان زن و مرد ، پس از ازدواج و برانگیخته شدن عواطف ظریف دوستانه میان آنان ، از آیات الهی است .

خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إلیها و جعل بینکم مودّه و رحمه

برداشت بالا- بنابراین است که عبارت <و جعل بینکم ..> ارائه کلام سابق باشد. در این صورت <و جعل بینکم...> درصدد بیان این مهم است که زن و مرد ناآشنا، چگونه پس از ازدواج، الفت و انس و زندگی محبت آمیزی پیدا می کنند.

زیبایی چشم زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۶

۶ - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۵

۵ - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه

شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۴

۴ - زیبایی و جذابیت چشم، از کمالات زن

حور مقصورت فی الخیام

زیبایی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۲

۲ - زیبایی و جذابیت، از کمالات زن

کأنهنّ الیاقوت و المرجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۳

۳ نیک سیرتی و نیک رویی، از اوصاف پسندیده و کمالات زن

فیهنّ خیرت حسان

زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - زینت کردن برای زنان، کاری مشروع و جایز است.

و لایبیدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

سهم ارث زن

۳۸ دو برابری سهم ارث مردان نسبت به زنان به دلیل آن است که مهریه و خرج زنان بر عهده مردان است .

لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ

امام رضا (ع) درباره علت نصف بودن سهم ارث زنان نسبت به مردان فرمود: .. لِأَنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا تَزَوَّجَتْ أَخَذَتْ وَالرَّجُلَ يُعْطَى ... لِأَنَّ الْأُنثَى مِنْ عِيَالِ الذَّكَرِ إِنْ أَحْتَاكَتْ ... وَ عَلَيْهِ نَفَقَتُهَا.

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۹۸، ح ۱، ب ۳۳ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۴۸، ح ۲.

۳۹ معافیت زنان از جهاد، پرداخت نفقه و خونب های قتل خطایی اقوامشان،

دلیل نصف بودن سهم ارث آنها

لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ

امام صادق (ع) درباره علت نصف بودن سهم ارث زن فرمود: اِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ عَلَيْهَا جِهَادٌ وَ لَا نَفَقَةٌ وَ لَا مَعْقَلَةٌ وَ اِنَّمَا ذَلِكُمْ عَلَى الرَّجَالِ . . .

کافی، ج ۷، ص ۸۵، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۹۶.

شخصیت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۶، ۱۴

۱۴ در پیشگاه خداوند، بین زن و مرد در برخورداری از نتایج اعمال، تفاوتی نیست.

اِنَّی لَا اَضِیْعُ عَمَلٌ مِّنْکُمْ مِّنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰی

۱۶ همه انسان ها، چه زن و چه مرد، دارای حقیقت و ماهیتی واحد

مِنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰی بَعْضُکُمْ مِّنْ بَعْضٍ

تذکر این نکته که شما انسانها چه زن و چه مرد از یکدیگر هستید، بیان یکسانی و عدم برتری جنسی نسبت به جنس دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱۳

۱۳- دفاع اسلام از شخصیت و حقوق زنان و دختران

اَلَا سَاءَ مَا یَحْكُمُونَ

شکنجه زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنت .. فلهم عذاب جهنم

شوهر دوستی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۴۸ - ۶

۶ - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ،

از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۵

۵ - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی است.

صفات پسندیده زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۴۸ - ۶

۶ - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۵

۵ - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی است.

صفات پسندیده زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ -

۵ - عفت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

صفات جسمی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۳

۳ - زن ، اساساً برای کار های دشوار و خشن و جدال و درگیری آفریده نشده است .

و هو فی الخصام غیر مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه به جهت مماشات و بازگویی باور مشرکان، این مطالب را مطرح نکرده باشد بلکه به عنوان یک واقعیت بدان پرداخته باشد.

صفات زنان شایسته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۶

۶ - تسلیم در برابر خداوند ، ایمان به او ، فرمانبری از او ، توبه ، عبادت و روزه داری ، از اوصاف زنان شایسته در نگاه وحی

أزوجاً خیراً منکنّ مسلمات مؤمنات قننت تثبت عبادت سئحت

<قنوت> (مصدر <قانتات>) به معنای اطاعت همراه با خضوع است (مفردات راغب). <سیاحت> (ماده <سائحات>) به معنای سیر در زمین به منظور عبادت است. اهل لغت و مفسران گفته اند: از آن جا که روزه داران، تمام روز را بدون غذا سپری می کنند، به آنان <سائح> می گویند (برگرفته از لسان العرب).

صفات زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵

۸ - هجرت در راه خداوند ، از اوصاف زنان شایسته و از ارزش های والا و ملاک های برتری *

خَيْرًا مِنْكَنَّ . . . سَعَتْ

مقصود از <سائحات> می تواند هجرت کنندگان باشد زیرا مهاجران، همان کسانی اند که برای حفظ دین خود و انجام تکالیف الهی، به سرزمینی دیگر سفر می کنند و بیشتر زنان مسلمان و همه همسران پیامبر(ص)، از مهاجران بودند و این خود از افتخارات هر مسلمانی به شمار می آمد.

ظلم به زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۳۹

۳۹ توجه به علو و عظمت خداوند ، زمینه پرهیز مردان از ستم بر همسران خویش

فلا تبغوا . . ان الله كان علياً كبيراً

ظلم به زنان مؤمن صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - کافران صدراسلام ، مردمی سنگدل بودند که حتی بر زنان مؤمن نیز رحم نکردند .

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

عبادت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۶

۶ - تسلیم در برابر خداوند ، ایمان به او ، فرمانبری از او ، توبه ، عبادت و روزه داری ، از اوصاف زنان شایسته در نگاه وحی

أزواجاً خیرًا مِنْكَنَّ مسلمت مؤمنت قنتت تثبت عبتت سعتت

<قنوت> (مصدر <قانتات>) به معنای اطاعت همراه با خضوع است (مفردات راغب). <سیاحت> (ماده <سائحات>) به معنای سیر در زمین به منظور عبادت است. اهل لغت و مفسران گفته اند: از آن جا که روزه داران، تمام روز را بدون غذا

سپری می کنند، به آنان <سائح> می گویند (برگرفته از لسان العرب).

عدالت در حقوق زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۸

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإن الله کان به علیماً

عذاب زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱

۱ - عذاب و کیفر الهی ، متوجه مردان و زنان منافق و مشرک

و یعدّب المنفقین و المنفقت و المشرکین و المشرکت

عظمت خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۴

۴ - آفرینش مرد و زن و جنس نر و ماده در دیگر مخلوقات ، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما خلق الذکر و الأُنثی

تعبیر <و ما خلق> چه سوگند به خالق باشد و چه خلقت بیانگر عظمت هر دو است زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

عفت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ طهارت و پاکدامنی ، ملاکی برای ارزیابی مقام زن

طهرک و اصطفیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۱

۲۱ پاکدامنی زن ، معیاری در انتخاب وی برای همسری

فانکوهنّ .. محصنات غیر مسافحات و لا متخذات اخدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور

۳ - عفت ، نجابت و ایمان ، سرآمد ارزش ها و صفات ستوده زنان

المحصنت الغفلت المؤمنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۶

۶ - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

علاقه به زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۰ - ۲

۲- مشرکان بر این باور بودند که خداوند ، به دختر و جنس زن ، بیش از پسر و جنس مرد ، علاقه داشته و ارزش می نهد .

أفأصفکم ربکم بالبئین و اتخذ من الملئکه إنثا

از اینکه مشرکان گفته اند: <خداوند برای خود دخترانی از جنس ملائکه انتخاب کرد> می تواند به این معنا اشاره داشته باشد که آنان، می پنداشتند خداوند، به خاطر تمایل و علاقه به جنس زن، چنین گزینشی کرده است.

علاقه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۲

۲ - شیفتگی به تجمل و زینت ، علاقه طبیعی زنان

أو من ینشوا فی الحلیه

تعبیر < ینشؤا فی الحلیه > که به معنای پرورش یافتن در زینت است، اشاره به علاقه طبیعی و وابستگی زنان به آرایش و زیور دارد.

عمل زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۸، ۱۵، ۱۴

۱۴ در پیشگاه خداوند ، بین زن و مرد در برخورداری از نتایج اعمال ، تفاوتی نیست .

اَنّی لا اَضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی

۱۵ ناروایی تبعیض بین مرد و زن ، در اجرت کاری یکسان *

اَنّی لا اَضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

۱۸ یکسانی زن و مرد در ماهیّت و حقیقت انسانی ، فلسفه تساوی آنان در برخورداری از اجر و پاداش اعمال نیک

اَنّی لا اَضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

عمل صالح زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۳

۳ زنان و مردان ، همسان در بهره مندی از پاداش ایمان و عمل صالح خویش

و من یعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنة

عنصر خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۳

۳ - زنان و مردان ، از یک جنس آفریده شده اند .

أَن خَلَقْکُمْ مِنْ تَرَابٍ .. خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْوَاجًا

عواطف زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۳۳

۳۳ استفاده از عواطف زن ، زمینه ای مناسب برای اصلاح رفتار های ناهنجار وی

و اهجر وهنّ فی المضاجع

ترک همخوابگی، یک مسأله عاطفی است که در مورد اصلاح زنان سفارش شده است.

عوامل آسیب پذیری زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ -

۴ - لطافت طبیعی زن و فرودستی او در میدان جدال و درگیری ، دو عامل آسیب پذیری و دو نقیصه برای زن در فرهنگ خشن جاهلی

و هو فی الخصام غیر مبین

در آیه قبل (و إذا بشر أحدهم ..) ناراحتی عرب جاهلی از داشتن دختر بیان شده است. این آیه می تواند اشاره به علت آن ناراحتی داشته باشد؛ یعنی، این دو ویژگی از نظر عرب جاهلی، نقص زن به حساب می آمد.

عوامل تکامل زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۸

۸ - عفت و پاک دامنی ، راه تکامل و تعالی زن و زمینه ساز برخورداری او از الطاف و عنایات الهی

والتی أحصنت فرجها فنفخنا فیها من روحنا

برداشت یاد شده به خاطر این است که عفت و پاک دامنی مریم(س) موجب شد که او رشد پیدا کند و به حدی برسد که از الطاف ویژه الهی برخوردار گشته و روح بلند حضرت مسیح(ع) با عنایت الهی در او دمیده شود.

فرجام زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین .. تحتها الأنهر

فضایل اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۵

۵- پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت ، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان

است .

و من عمل صلحًا .. یرزقون فیها بغير حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد گویای حقیقت یاد شده است.

فضایل زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۱۸، ۱۹

۱۸ برتری مردان بر همسران خویش

و للرجال علیهنّ درجه

۱۹ مردان ، دارای امتیاز حقوقی بر همسران خویش هستند . *

و للرجال علیهنّ درجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۵

۵ زنان و مردان ، دارای برتریهایی بر یکدیگر *

بما فضلّ الله بعضهم علی بعض

برخی برآنند که مراد از <هم> در <بعضهم> همه انسانها، اعم از زن و مرد، می باشد، نه خصوص مردان و گرنه می فرمود: <بما فضلهم الله علیهن> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۳

۳ - حیا ، از برجسته ترین کمالات برای زن در بینش الهی

فجاءته إحدیهما تمشی علی استحياء

اختصاص به ذکر یافتن <حیا> برای دختر شعیب در این مقام، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۷

۷- ارزش ها و ضوابط اخلاقی ، عام و فراگیر نسبت به زنان و مردان

لایسخر قوم من قوم ... و لا نساء من نساء

واژه <قوم>، نزد برخی اهل لغت تنها شامل مردان است و برخی دیگر آن را شامل مرد و زن می دانند. در دیدگاه دوم، مجزاً آمدن

<ولا نساء>، در واقع تأکیدی است بر این که زنان نیز چون مردان، در ارزش ها و تکالیف اخلاقی سهیم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۳

۳ نیک سیرتی و نیک رویی، از اوصاف پسندیده و کمالات زن

فیهنّ خیرت حسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۲

۲ - دوشیزگی، از اوصاف پسندیده و از کمالات زن

فجعلنهنّ أبکاراً

فضایل زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۴

۴ - > عن الحلبي قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل > فیهنّ خیرات حسان < قال: هنّ صوالح المؤمنات العارفات... ;

از حلبی روایت شده که گفت: درباره قول خدای عزوجل > .. خیرات حسان < از امام صادق (ع) سؤال کردم، فرمود: آنان زنان صالحه و عارفه از زنان مؤمنه [دنیا] هستند <.

فضایل زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۴

۴ - > عن الحلبي قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل > فیهنّ خیرات حسان < قال: هنّ صوالح المؤمنات العارفات... ;

از حلبی روایت شده که گفت: درباره قول خدای عزوجل >.. خیرات حسان< از امام صادق(ع) سؤال کردم، فرمود: آنان زنان صالحه و عارفه از زنان مؤمنه [دنیا] هستند.<

قصاص زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۶- زن در مقابل کشتن زن قصاص می شود .

و الأئنی بالأئنی

۷- عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الأئنی بالأئنی

کمال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ توانایی زن برای نیل به درجات والای کمال و ارزش های معنوی

و امه صدیقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۳

۳- عفت و پاک دامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان است .

والتی أحصنت فرجها

برداشت یاد شده به خاطر این است که خداوند در مقام توصیف و تمجید مریم(س) که در این آیات نام او در ردیف پیامبران قرار گرفته صفت عفت و پاک دامنی او را یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۸

۸ - چشم پاکی و دوشیزگی ، از کمالات زن است .

فیهنّ قصرت الطرف لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لا جانّ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <قاصرات الطرف> اشاره به چشم پاکی زنان و <لم یطمهنَّ..> اشاره به دوشیزگی آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۲

۲ - زیبایی و جذابیت ، از کمالات زن

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۳

۳ نیک

سیرتی و نیک رویی ، از اوصاف پسندیده و کمالات زن

فیهنّ خیرت حسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۴

۴ - زیبایی و جذابیت چشم ، از کمالات زن

حور مقصورت فی الخیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۲

۲ - دوشیزگی ، از اوصاف پسندیده و از کمالات زن

فجعلنّ أبکارًا

کمال زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۵

۵ - عفت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الّتی أحصنت فرجها

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

کیفر زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۳

۳ همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

کیفیت راه رفتن زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۶

۲۶ - زنان مؤمن ، موظف اند به هنگام راه رفتن ، به گونه ای گام بردارند که زیت هایشان (چون خلخال) بر نامحرمان آشکار نشود .

و لایضربن بأرجلهن لیعلم ما یخفین من زیتتهن

کیفیت لعان زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۲

۲ - > لعنت خدا بر من باد اگر شوهرم راست گو باشد < ، متن پنجمین سوگند زنی است که منکر راست گویی شوهرش در ادعای زناکاری وی می باشد .

والخمسه أنّ غضب الله عليها إن كان من الصديقين

گواهی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۲۳،۲۶

۲۳ تقدّم و اولویّت مردان نسبت به زنان ، در تحمّل شهادت

فان لم يكونا رجلين فرجل و امراتان

۲۶ جایگزینی دو زن به جای یک مرد در شهادت ، به منظور تذکر یکی از آنها به دیگری در صورت فراموشی و لغزش آن دیگری است .

فرجل و امراتان .. ان تضلّ احديهما فتذکر احديهما الاخرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۶

۱۶ - > محمدبن ابی نصر قال : سألت أبا الحسن (ع) . . . فقلت له : فإن طلق على طهر من غير جماع بشاهد و امرأتين ؟ فقال : لا تجوز شهادة النساء في الطلاق . . . ;

محمدبن ابی نصر گوید: از امام رضا(ع) سؤال نمودم.. اگر زنی را در پاکی بدون این که در آن پاکی آمیزشی شده باشد یک شاهد [مرد] و دو شاهد زن طلاق دهد؟ حضرت فرمود: شهادت زنان در طلاق نافذ و کارساز نیست...<

لطافت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۴

۴ - لطافت طبیعی زن و فرودستی او در میدان جدال و درگیری ،

دو عامل آسیب پذیری و دو نقیصه برای زن در فرهنگ خشن جاهلی

و هو فی الخصام غیر مبین

در آیه قبل (و إذا بشر أحدهم ..) ناراحتی عرب جاهلی از داشتن دختر بیان شده است. این آیه می تواند اشاره به علت آن ناراحتی داشته باشد؛ یعنی، این دو ویژگی از نظر عرب جاهلی، نقص زن به حساب می آمد.

لغزش زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۲۵

۲۵ احتمال بیشتر لغزش و فراموشی زنان نسبت به مردان

ان تضلل احدیهما فتذکر احدیهما الاخری

جمله <ان تضلل> در مقام تعلیل برای جایگزینی دو زن به جای یک مرد است.

مال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴ - ۱۵

۱۵ شوهر، مجاز به استفاده از دارایی زن، در صورت رضایت خاطر وی

فان طبن لکم عن شیء منه

امام صادق یا امام کاظم (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یعنی بذلک اموالهنّ التی فی ایدیهنّ مما ملکن.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۱۶ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۴۶.

مالکیت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴ - ۲،۳

۲ زنان ، مالک مهریه خویش هستند .

و اتوا النساء صدقاتهنّ

۳ استقلال مالی زن در نظام خانواده

و اتوا النساء صدقاتهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۹،۱۳

۹ حق مساوی زن و مرد در مالکیت و بهره‌وری از کار و تلاش خویش

للرجال نصيب مما

اكتسبوا و للنساء نصيب مما اكتسبن

۱۳ زن و مرد، دارای حق کسب و کار

للرجال نصيب . . و للنساء نصيب مما اكتسبن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۱۵

۱۵ ثبوت مالکیت و حق ارث برای زنان در نظام حقوقی اسلام

فلها نصف ما ترک و هو يرثها . . فلها الثلثان مما ترک

مبدأ خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۳

۳ - تساوی زن و مرد، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسان . . ألم یک نطفه من منی یمنی ... فجعل منه الزوجین الذکر و الأنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

مجادله زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۱،۳،۴

۱ - زن، در فرهنگ جاهلیت پرورش یافته در زینت و تجمل، و فرودست در میدان جدال و درگیری های کلامی

أو من ینشؤا فی الحلیه و هو فی الخصام غیر مبین

لحن آیه شریفه به گونه ای است که به اعتقاد و باور عرب جاهلی یا موقعیت زن در محیط و فرهنگ خاص آنان اشاره دارد.

۳- زن ، اساساً برای کار های دشوار و خشن و جدال و درگیری آفریده نشده است .

و هو فی الخصام غیر مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه به جهت مماشات و بازگویی باور مشرکان، این

مطالب را مطرح نکرده باشد؛ بلکه به عنوان یک واقعیت بدان پرداخته باشد.

۴ - لطافت طبیعی زن و فرودستی او در میدان جدال و درگیری، دو عامل آسیب پذیری و دو نقیصه برای زن در فرهنگ خشن جاهلی

و هو فی الخصام غیر مبین

در آیه قبل (و إذا بشر أحدهم..) ناراحتی عرب جاهلی از داشتن دختر بیان شده است. این آیه می تواند اشاره به علت آن ناراحتی داشته باشد؛ یعنی، این دو ویژگی از نظر عرب جاهلی، نقص زن به حساب می آمد.

محدوده اختیارات زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۴۲

۴۲ ممنوعیت واگذاری همه امور زن به خودش توسط همسر

الرّجال قوامون علی النساء

امام باقر (ع) در پاسخ سؤال درباره کسی که به زنش بگوید <امرک بیدک> فرمود: ائی یکنون هذا و الله یقول <الرجال قوامون علی النساء> لیس هذا بشیء. مقصود از <امور زن> در برداشت فوق، اختیاراتی است که مرد در زندگی مشترک نسبت به همسرش دارد.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۸ ص ۸۸ ح ۲۲۱، ب ۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۱.

محدوده جلب رضایت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱ - ۷

۷ - جلب رضایت زنان، نباید منجر به محرومیت همسران از مباحات و حلال های الهی شود.

لِمَ تَحَرِّمَ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتِ أَوْجَعِك

محدوده مسؤلیت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - ضرورت اجتناب از وا گذاشتن کار

های سخت بیرون خانه به زنان و دختران ، در صورت امکان استخدام مردی شایسته و امین

قالت إحدیهما یأبت استئجره .. القوی الامین

مدیریت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱

۱ لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده ، در صورت ناسازگاری شوهر وظیفه ای بر عهده زنان

و إن امراه خافت من بعلها .. فلا جناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً

کلمه <خافت>، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

مراحل خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۲،۳

۲ - تحوّل نطفه به علقه و تکامل علقه به موجودی معتدل و هماهنگ از دو صنف زن و مرد ، روند آفرینش انسان

ألم یک نطفه من منی یمنی . ثم کان علقه فخلق فسوی . فجعل منه الذکر و الأُنثی

۳ - تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسان .. ألم یک نطفه من منی یمنی ... فجعل منه الزوجین الذکر و الأُنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

مربی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۲

۲- هر يك از نعمت های زمین ، جلوه ای از ربوبیت انکارناپذیر الهی به < جن و انس > و < مرد و زن >

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

به کار گرفتن وصف <رَبِّ>، اشاره به

مطلب بالا دارد و تنبیه آمدن <کما> و <تکذبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس و یا مرد و زن از انسان ها باشد.

مسئولیت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ زن و مرد هر دو شایسته بر عهده گرفتن تکلیف های الهی و مسؤول در پیشگاه خداوند

و لا تقربا هذه الشجرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۳۶، ۲۱، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶

۱۶ لزوم اطاعت زنان از شوهر خویش و حفظ حقوق آنان

فَالصّٰلِحٰتِ قٰنِتٰتٌ حٰفِظٰتٌ لِّلْغَيْبِ

۱۷ لزوم اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد

و بما انفقوا من اموالهم فالصّٰلِحٰتِ قٰنِتٰتٌ حٰفِظٰتٌ

ظاهراً <فَالصّٰلِحٰتِ...> نتیجه ای است مترتب بر جمله <الرجال... بما انفقوا>. بنابراین اطاعت زن از شوهر در موردی است که شوهر، زندگی او را تأمین کند.

۱۸ سلامت خانواده در گرو مدیریت مرد، تأمین زندگی از سوی او، و اطاعت و حفظ حقوق شوهر از سوی زن است.

الرجال قوّامون على النساء... و بما انفقوا... فالصّٰلِحٰتِ قٰنِتٰتٌ حٰفِظٰتٌ لِّلْغَيْبِ

چون در ذیل آیه و آیات بعد به مسأله اختلافات خانوادگی پرداخته است، معلوم می شود که توصیه ها و قوانین مطرح شده برای جلوگیری از اختلافات و به خطر افتادن سلامت خانواده است.

۱۹ اطاعت از شوهر و حفظ حقوق وی، وظیفه زن در برابر حق سرپرستی و تأمین زندگی وی از سوی مرد است.

الرجال قوّامون... و بما انفقوا

... فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ اللّ

مراد از <بما حفظ الله>، حقوقی است که خداوند برای زنان مقرر کرده و آنها را بر عهده مردان قرار داده است. و <باء> مقابله در <بما حفظ> می رساند که لزوم اطاعت و حفظ حقوق شوهران در مقابل تعهداتی است که خداوند بر عهده شوهران قرار داده است.

۲۱ مسئولیت زن در حفظ حقوق شوهر و اطاعت از او، در چهارچوب قوانین الهی است. *

قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله

بر این مبنا که مراد از <ما حفظ الله> قوانین الهی و <باء> در <بما حفظ الله> برای مصاحبت باشد، معنای آیه چنین می شود: زنان باید با رعایت قوانین الهی، از شوهران خویش اطاعت و حقوق آنان را حفظ کنند.

۳۶ زن در صورت اطاعت نکردن از شوهر خویش، ناشزه است.

و التي تخافون نشوزهنّ .. فان اطعنكم فلا تبغوا عليهنّ سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱،۳

۱ لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده، در صورت ناسازگاری شوهر وظیفه ای بر عهده زنان

و إن امراه خافت من بعلها .. فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً

کلمه <خافت>، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

۳ لزوم کوشش زن و شوهر در حفظ کانون خانواده

و إن امراه خافت .. فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۶

۶ زن و مرد، هر دو، مکلف و مسئول در پیشگاه خداوند

هستند.

و لا تقربا هذه الشجره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۸

۸ زن از دیدگاه ادیان الهی دارای هویت مستقل فکری و عقیدتی و مسؤول در برابر اعمال خویش است .

إلا امرأته كانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۲

۲۲ زن از دیدگاه ادیان الهی ، دارای هویت مستقل فکری و عقیدتی و مسؤول در برابر اعمال خویش است .

فأسر بأهلك بقطع من الیل .. إلا امرأتک إنه مصیبها ما أصابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - زن ، استقلال رأی دارد و خود مسؤول اعمال اش در پیش گاه خداوند است .

إلا امرأته كانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۹

۹ - باید زنان ، در سخن و نیز صدا ، عفت داشته باشند .

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۶

۶- زنان ، مستقل از مردان ، دارای مسئولیت اند و به آنان نیز مانند مردان ، امانت الهی عرضه شده است .

إِنَّا عرضنا الأمانة .. ليعذب الله المنفقين و المنفقت و المشركين و المشركت

مسئولیت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۸

۸ امر به معروف و نهی از منکر ، از وظایف اجتماعی همگانی

و مشترک میان زنان و مردان

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر

مقام زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ طهارت و پاکدامنی ، ملاکی برای ارزیابی مقام زن

طهرک و اصطفیک

مقامات زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۱۲

۱۲- زن ، موجودی توان مند بر عروج به درجات بالای معنویت و ملاقات و گفتوگو با فرشتگان

فأرسلنا إليها روحنا فتمثل لها بشرًا سوياً

ملاک برتری زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۸،۱۱

۸ - هجرت در راه خداوند ، از اوصاف زنان شایسته و از ارزش های والا و ملاک های برتری *

خیرًا منکن .. سئحت

مقصود از <سائحات> می تواند هجرت کنندگان باشد؛ زیرا مهاجران، همان کسانی اند که برای حفظ دین خود و انجام تکالیف الهی، به سرزمینی دیگر سفر می کنند و بیشتر زنان مسلمان و همه همسران پیامبر(ص)، از مهاجران بودند و این خود از افتخارات هر مسلمانی به شمار می آمد.

۱۱ - دوشیزگی در مقایسه با ارزش های والای زنان (همچون اسلام ، ایمان ، فرمانبری ، توبه و روزه داری زنان) دارای نقش

درجه دوم در زندگی مشترک میان زنان و مردان

ثبیت و اُبکارًا

یادآوری دو وصف <دوشیزگی> و <بیوه بودن زنان>، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد؛ زیرا مفاد آیه شریفه این است که زنان بهتری با چنین اوصافی، جایگزین شما خواهند شد؛ چه بیوه باشند

و چه دوشیزه.

منشأ عقیمی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۰ - ۲

۲ - عقیم بودن مرد یا زن ، تابع مشیت و قوانین خدا در آفرینش است .

و إن تصبهم سيئه بما قدمت أيدیهم . . . و يجعل من یشاء عقیمًا

موارد جواز اظهار زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۴، ۲۰، ۱۹، ۱۸

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و ...) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو ابنائهنّ

۱۹ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ . . . وؤ ابناء بعولتهنّ أو اخونهنّ أو بنی إخوانهنّ أو بنی أخ

۲۰ - بر زنان مؤمن ، پوشاندن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) ، بر دیگر زنان مؤمن و بردگان خود لازم نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ . . . أو نسائهنّ أو ما ملکت أیمانهنّ

۲۴ - پوشاندن زینت و مواضع آنها (بدن) از خدمت کارانی که ساده لوح اند و از بصیرت و عقل کامل برخوردار نیستند ، بر زنان مؤمن واجب نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ . . . أو التبیین غیر اُولی الإربه

یکی از معانی و موارد کاربرد واژه <إربه> بصیرت در

امور و عقل است (لسان العرب و قاموس المحيط). بنابراین <غیر اُولی الإِربه>؛ یعنی، کسانی که ساده لوح اند و از عقل و بصیرت کافی، از جمله در امور جنسی، برخوردار نیستند و از چنین اموری کاملاً بی خبراند.

موضعگیری زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۴

۴ مواضع و عملکرد سیاسی، اجتماعی و دینی زنان منافق، دارای اهمیتی همانند مواضع و عملکرد مردان منافق

المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض یأمرون بالمنکر

مطرح شدن زنان منافق، در کنار مردان منافق و هم سطح شمرده شدن با آنان، بیانگر برداشت فوق است.

مهریه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲۲، ۲۰

۲۰ حلیت ازدواج با زنان، در صورت پرداخت مهریه آنان

اليوم احل... و المحصنت من الذين اتوا الكتب من قبلکم إذا ءاتیتموهن اجورهن

۲۲ مهریه از آن خود زن و اجرتی در قبال ازدواج با اوست.

ءاتیتموهن اجورهن

نذر زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۲۳

۲۳- زنی که شوهر ندارد، در نذر کردن آزاد است.

فقولی إننی نذرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۳۵

۳۵ امید به اصلاح نشوز زن، شرط ترک همخوابگی و تنبیه بدنی او *

و الّتی تخافون نشوزهنّ... فان اطعنکم فلا تبغوا علیهنّ سییلاً

چون جمله <فان اطعنکم> بر جمله های گذشته تفریع شده، بیانگر این است که هدف از روشهای

پیشنهاد شده، وادار کردن زن به اطاعت است، نه اینکه تنبیه موضوعیت داشته باشد.

نطفه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۱۲

۱۲ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله < أمشاج نبتليه > قال : ماء الرجل و ماء المرأة اختلطا جميعاً ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <أمشاج نبتليه> روایت شده که فرمود: نطفه مرد و زن با هم مخلوط شده [و انسان آفریده شده] است <.

نعمت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۵

۵ - خانواده (زن و فرزند) ، نعمت و موهبت الهی

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

نعمتهای اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۸

۸ - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحاً من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغي

نفقه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ مخارج زنان بر عهده همسرانشان است .

و بما انفقوا من اموالهم

نقش اجتماعی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۹

۹ - زنان ، همچون مردان ، دارای نقش در سلامت معنوی یا بیماری اخلاقی جامعه

و لا نساء من نساء

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که برای حفظ

برادری اجتماعی و حاکمیت رحمت بر کل جامعه، زنان و مردان سهمی همسان دارند. پس همچنان که مردان باید از استهزا پرهیزند، زنان نیز مکلف اند.

نقش زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳

۳ - زن و شوهر، لباس عفاف یکدیگرند و هر کدام مایه پرهیز دیگری از گناهان جنسی است.

هن لباس لکم و ائتم لباس لهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۸

۸ حسن حل و فصل مسایل خانوادگی، توسط خود زن و شوهر

فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

در آیه فوق، صلح به خود خانواده واگذار شده و نه به افراد خارج آن. کلمه <بینهما>، بیانگر این مسأله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۶ - ۴

۴ - نقش زنان در آماده ساختن و طبخ غذا، در عصر ابراهیم (ع) *

فراغ إلی أهله فجاء بعجل سمین

از این که ابراهیم(ع) برای تهیه غذای میهمانان به همسرش مراجعه کرده، استفاده می شود که همسر آن حضرت آماده سازی غذا را برعهده داشته است.

نقش نطفه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۴

۴ - مبدأ پیدایش انسان ، آمیزه ای از نطفه مرد و زن است . *

من نطفه أمشاج

به گفته برخی از مفسران، مقصود از <أمشاج>، ممکن است اختلاط نطفه مرد و زن باشد.

نورانیت اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۲،۶

۲ - حضور مردان و زنان مؤمن ، با چهره هایی تابان در عرصه قیامت

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم

۶ - منظره حرکت شتابان زنان و مردان مؤمن در قیامت ، به سوی بهشت با چهره هایی چونان چراغ فروزان ، بس زیبا و چشم نواز برای بینندگان

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین أیدیهم و بأیمنهم

در صورتی که مراد <تری> هر فرد بیننده باشد، به نظر می رسد آیه شریفه در مقام تصویر صحنه ای است که نظر هر بیننده ای را در آن روز به خود جلب می کند.

نیاز زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۳

۳ وعده خداوند به رفع نیاز مرد و زن ، در صورت وقوع طلاق از روی ناچاری

و إن یتفرقا یغن الله کلا من سعته

نیکی به زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۸

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإن الله کان به علیماً

وعده به زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - خداوند ، تحقق بخش وعده های خود به مردان و زنان مؤمن در قیامت ، در مشهد و منظر پیامبر اکرم (ص)

فیضعفه له و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین و المؤمنت

برداشت یاد شده بدان احتمال است که

واژه <تری>، خطاب به خصوص پیامبر اکرم(ص) باشد.

ولایت بر زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۴،۵،۷،۱۱

۴ عدم وجوب پرداخت نصف مهر تعیین شده از سوی شوهر، در صورت گذشتن ولی زن از حق وی

او یعفوا الذی بیده عقده النکاح

چون آیه در مقام بیان وظیفه ضروری شوهران در قبال زنان مُطلقه است، ظاهر این است که <الّا>، بیانگر موارد استثناء و سقوط این وظیفه است و این معنا در آن صورت است که <الذی ... > حمل بر ولی زن شود؛ نه شوهر.

۵ اختیار ازدواج زن در صورتی که شرعاً دارای ولی باشد با ولی اوست .

الذی بیده عقده النکاح

بنابراینکه مراد از کلمه <الذی>، ولی زن باشد و این ولی، توصیف شده به اینکه نکاح به دست اوست.

۷ چشمپوشی زن، شوهر و ولی زن از حقوق خویش (مهریه)، به تقوا نزدیکتر است .

و ان تعفوا اقرب للتقوی

در صورتی که خطاب <ان تعفوا> به کلیه افراد اعم از زن و مرد و ولی باشد.

۱۱ ولی زن مُطلقه می تواند از حق وی (نصف مهر)، صرفنظر کند .

او یعفوا الذی بیده عقده النکاح

برخی مفسران برآنند که مراد از <الذی ... > ولی زن است؛ البته این حکم در صورتی است که زن، ولی شرعی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱،۲،۶،۱۱،۱۹

۱ مدیریت و سرپرستی زنان هر جامعه بر عهده مردان است .

الرجال قوامون على النساء

در

برداشت فوق، کلمه <الرجال> و <النساء>، مطلق مردان و زنان گرفته شده، نه خصوص شوهران و همسران آنان. قوام به کسی گفته می شود که تدبیر و اصلاح دیگری را بر عهده دارد.

۲ شوهران، وظیفه دار سرپرستی و مدیریت همسران خویش

الرجال قوامون علی النساء

به قرینه <بما انفقوا>، مراد از <الرجال> شوهران و <النساء> همسران آنان خواهد بود؛ زیرا هزینه زندگی زنان بر عهده شوهران خویش است و نفقه مطلق زنان بر عهده مردان نیست.

۶ برتری مردان بر زنان، فلسفه تشریح حق سرپرستی و مدیریت آنان بر همسران خویش

الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض

۱۱ تأمین هزینه های زندگی از سوی مردان، فلسفه تشریح حق مدیریت و سرپرستی آنان بر همسران خویش

الرجال قوامون علی النساء... و بما انفقوا من اموالهم

۱۹ اطاعت از شوهر و حفظ حقوق وی، وظیفه زن در برابر حق سرپرستی و تأمین زندگی وی از سوی مرد است.

الرجال قوامون... و بما انفقوا... فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله

مراد از <بما حفظ الله>، حقوقی است که خداوند برای زنان مقرر کرده و آنها را بر عهده مردان قرار داده است. و <باء> مقابله در <بما حفظ> می رساند که لزوم اطاعت و حفظ حقوق شوهران در مقابل تعهداتی است که خداوند بر عهده شوهران قرار داده است.

ویژگیهای جسمی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۴

۴ - لطافت طبیعی زن و فرودستی او در میدان جدال و درگیری، دو عامل آسیب پذیری و

دو نقیصه برای زن در فرهنگ خشن جاهلی

و هو فی الخصام غیر مبین

در آیه قبل (و إذا بشر أحدهم ..) ناراحتی عرب جاهلی از داشتن دختر بیان شده است. این آیه می تواند اشاره به علت آن ناراحتی داشته باشد؛ یعنی، این دو ویژگی از نظر عرب جاهلی، نقص زن به حساب می آمد.

زن و مرد

{زن و مرد}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ بالاترین لذت های مردم در دنیا و آخرت ، لذت بردن از زنان است .

زین للناس حب الشهوات من النساء .. ذلك متاع الحیوه الدنیا و الله عنده حس

امام صادق (ع): ما تلذذ فی الدنیا و الاخره بلذّه اکثر لهم من لذه النساء و هو قول الله عز و جل: زین للناس ...

کافی، ج ۵، ص ۳۲۱، ح ۱۰؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۱۰.

تساوی زن و مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۳،۴

۳ زنان و مردان ، همسان در بهره مندی از پاداش ایمان و عمل صالح خویش

و من يعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنه

۴ ایمان و عمل صالح ، معیار ارزش انسانهاست ؛ نه جنسیت ایشان .

و من يعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۳

۳ همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم

نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنت .. أولئك سيرحمهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد الله المؤمنين و المؤمنت جنت تجرى من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۳

۳- زن و مرد ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی و فاقد کمترین تمایز در انسانیت

و الله جعل لكم من أنفسكم أزواجًا

این برداشت به خاطر این است که همه انسانها اعم از مرد و زن مخاطب <أنفسکم> قرار گرفته اند و همه آنها دارای جان و روح واحدی شمرده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۲

۲- تساوی زن و مرد در برخورداری از پاداش های الهی و بهره مندی از حیات پاکیزه و دلپذیر

من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۴

۴- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائة جلده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴

۴ - تساوی شرایط ، آداب و آثار گواهی و سوگند مرد و زن در اثبات و یارد لعان

والخمسه أن لعنت الله عليه .. والخمسه أن غضب الله عليها إن كان من الصدقي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۵

۵ - زنان نیز همچون مردان ، زمینه دار دستیابی به مقامات بالای معنوی

و أوحينا إلى أم موسى أن أرضعيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۲،۳

۲ - زنان ، همسان با مردان ، خلق شده اند .

أن خلق لكم من أنفسكم أزوجًا

از قید <من أنفسکم> استفاده می شود که خلق زنان، همسان مردان است.

۳ - زنان و مردان ، از یک جنس آفریده شده اند .

أن خلقكم من تراب .. خلق لكم من أنفسكم أزوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۷

۷ - جنسیت زن و مرد ، در برخورداری از آموزش و پاداش الهی ، دخالتی ندارد .

إنّ المسلمين و المسلمت و المؤمنین و المؤمنت .. أعدّ الله لهم مغفرة و أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۶

۶- زنان ، مستقل از مردان ، دارای مسئولیت اند و به آنان نیز مانند مردان ، امانت الهی عرضه شده است .

إِنَّا عرضنا الأمانة .. ليعذب الله المنفقين و المنفقت و المشركين و المشركت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات -

۴ - همانندی و یک سانی مجازات و کیفر زنان و مردان مشرک و کافر در قیامت

احشروا الذین ظلموا و أزوجهم

برداشت یاد شده از آن جا است که اختصاص به ذکر یافتن <ازواج> (همسران)، می تواند برای از بین بردن این توهم باشد که زنان مشرک و کافر از کیفر الهی معاف اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۵۳ - ۲

۲ - فرزند پسر و دختر برابرند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند .

أصطفی البنات علی البنین

همزه در <أصطفی> برای استفهام انکاری است و انکار برگزیدن دختر به جای پسر، انکار اصل برتری پسر بر دختر و دختر بر پسر نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۴

۴ - زنان چونان مردان ، بی هیچ امتیاز و تبعیضی ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی اند .

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۸،۹

۸ - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة یرزقون فیها بغی

۹ - برابری ارزش کارها و رفتار زنان و مردان

و من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة یرزقون فیها بغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۶

- ۶

همسانی مرد و زن در حقیقت انسانیت

جعل لکم من أنفسکم أزواجاً

ذکر <من أنفسکم> بیانگر آن است که زن و مرد از یک حقیقت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۷،۹

۷ - دختر و پسر ، هر دو هدیه الهی به انسان ها

یهب لمن یشاء إناثاً و یهب لمن یشاء الذکور

۹ - تمایز میان دختر و پسر ، مخالف اندیشه دینی است .

یهب لمن یشاء إناثاً و یهب لمن یشاء الذکور

تقدیم <إناثاً> بر <الذکور> علاوه بر رعایت فاصله و سجع، می تواند به منظور نفی اندیشه جاهلیت در مورد دختران باشد (که پسران را بر دختران ترجیح می دادند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۱۲

۱۲- ایمان ، ملاک ارزش و ارجمندی انسان ، بی هیچ تفاوت میان مردان و زنان

و استغفر . . . و للمؤمنین و المؤمنات

قرار گرفتن <مؤمنات> در کنار <مؤمنین> و یاد کردن از آن دو با وصف ایمان، می رساند که تمام ارزش و ارجمندی آنان، بر محور ایمان است و در این راستا هر دو مشمول دعای پیامبر(ص) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۵

۵ - همسانی زنان و مردان مؤمن ، در بهره‌وری از ثمرات ایمان خود و پاداش های الهی

لیدخل المؤمنین و المؤمنات جنت

قرار گرفتن وصف <المؤمنات> در کنار <المؤمنين>، می رساند که زنان و مردان در ره یابی به بهشت جاودان همسان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸

۴ - تساوی مردان و زنان ، در ابتلا به نتایج نفاق و شرک خویش

و یعدّب المنفقین و المنفقت و المشرکین و المشرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۶

۱۶- زنان و مردان مؤمن ، دارای ارج و حرمتی همانند

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنت .. آن تطوهم

از این که خداوند، <مؤمنات> را در کنار <مؤمنون> یاد کرده و حفظ خون و حرمت آن دو را عامل بازداشتن مؤمنان از توسّل به قهر برای ورود به مکه معرفی کرده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۷

۷- ارزش ها و ضوابط اخلاقی ، عام و فراگیر نسبت به زنان و مردان

لایسخر قوم من قوم .. و لا نساء من نساء

واژه <قوم>، نزد برخی اهل لغت تنها شامل مردان است و برخی دیگر آن را شامل مرد و زن می دانند. در دیدگاه دوم، مجزاً آمدن <و لا نساء>، در واقع تأکیدی است بر این که زنان نیز چون مردان، در ارزش ها و تکالیف اخلاقی سهیم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۸

۸- تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت .. بشریکم الیوم جتت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض

هم، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۶

۶ - تساوی مردان و زنان در عرصه قیامت ، از نظر کیفر و عذاب و محرومیت از ثواب ها و بهره های اخروی

یوم یقول المنفقون و المنفقت للذین ءامنوا انظرونا نقتبس من نورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، دارای استعداد و شایستگی های لازم برای الگو شدن و دستیابی به اوج قلّه کمال

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا امرأت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۳

۳ - تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسن . . ألم یک نطفه من منی یمنی ... فجعل منه الزوجین الذکر و الأنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۹

۹ - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنت . . فلهم عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - زنان مؤمن ، دارای موقعیتی همسان مردان مؤمن اند .

و الذين يؤذون المؤمنين و المؤمنات .. فقد احتملوا بهتناً

زنا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار اجتماعی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۷

۷ - جامعه های گرفتار بی بند و باری جنسی (بی عفتی و زناکاری) ، در معرض زوال و نابودی است .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته و ان الله تواب حكيم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <و لولا فضل الله عليكم... لاختل نظام حياتكم و لهلكتم > باشد؛ یعنی، <اگر فضل و رحمت خدا نبود ... نظام زندگی شما با وجود همه فساد و بی بند و باری از هم می پاشید و شما نابود می شدید.>

آثار اجتناب از زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۴

۴ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترك محرمات الهی چون اسراف و یا تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

و الذين إذا أنفقوا لم يسرفوا .. و لا يزنون ... و الذين لا يشهدون الزور ... أول

آثار اشتها به زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳ - ۲،۵

۲ - حرمت ازدواج مردان معروف به زنا ، جز با زنان مشهور به زنا و یا زنان مشرک

الزانی لا ینکح إلا زانیه أو مشرکه

بسیاری از مفسران بر آنند که <الزانی> حالت وصفی دارد و به کسی <زانی> گفته می شود که عمل زنا را مکرراً انجام

داده

و به آن معروف شده باشد و شخصی که یک بار مرتکب زنا شده باشد، واژه <الزانی> (زناکار) بر آن شخص اطلاق نمی شود.

۵- حرمت ازدواج زنان معروف به زنا، جز با مردان معروف به زنا و یا مردان مشرک

و الزانیه لاینکحها إلا زان أو مشرک

آثار زشتی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۹

۹- زشتی و قباحت زنا و بیراهه بودن آن در ارضای طبیعی غریزه جنسی، ملاک حرمت آن است.

و لا تقربوا الزنی إنه کان فحشه و ساء سیلاً

جمله <إنه کان فاحشه و ساء سیلاً> به منزله تعلیل برای نهی است و می تواند مفید معنای یاد شده باشد.

آثار زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۹

۹ ارتکاب زن به فحشای آشکار (زنا و ...)، مجوز سختگیری شوهرش برای پس گیری برخی از مهریه او به هنگام طلاق

و لا تعضلوهنّ .. الا ان یأتین بفاحشه مبینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۳

۳- آلودگی به فحشا و زنا، نشان خباثت (بدسرشتی و بد کرداری) انسان است.

الخیث للخیثین و الخیثون للخیث

اجتناب از زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۶

۶ - مردان مؤمن ، وظیفه دار پرهیز از آلودگی به فحشا و زنا

قل للمؤمنین .. یحفظوا فروجهم

مقصود از جمله <و یحفظوا فروجهم> (مردان شرمگاه خود

را حفظ کنند) به قرینه آیات قبل که درباره حکم فحشا و قذف بود می تواند خودداری از ارتکاب فحشا و زنا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۶

۶ - زنان مؤمن ، وظیفه دار اجتناب از آلودگی به زنا و فحشا هستند .

و قل للمؤمنت . . . و يحفظن فروجهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۸

۸ - پرهیز از دزدی ، زنا و فرزندکشی (سقط جنین و . . .) ، از جمله مواد مورد بیعت زنان مؤمن با پیامبر (ص)

و لایسرقن و لایزنین و لایقتلن أولدهنّ

اجتناب از مقدمات زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۲

۲ - پرهیز از هرگونه زمینه ای که موجب کشیده شدن انسان به زنا شود ، لازم و واجب است .

و لاتقربوا الزنی

اینکه خداوند، به جای <لاتزنوا> (زنا نکنید) فرمود: <لاتقربوا الزنی> (به زنا نزدیک نشوید)، می تواند برای توجه دادن به این نکته باشد که نه تنها عمل زنا ممنوع است؛ بلکه باید از عملی که در نهایت منجر به ارتکاب آن می شود و از زمینه های گرایش به فحشاست، نیز پرهیز کرد.

احکام زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۹، ۱۱، ۹، ۷، ۶، ۴، ۳، ۱

۱ کیفر زن در صورت ارتکاب زنا ، حبس ابد است .

وَأَلَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ .. فَاْمَسْكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ

<الفاحشه> به معنای کار زشت

است و الف و لام آن اشاره به عمل خاصی است که به مناسبت مورد، مراد از آن زناست و می تواند مساحقه را نیز شامل شود.

۳ زن زناکار و همجنس باز در صورتی که مسلمان باشد، به حبس ابد محکوم می شود.

و الَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ

چنانچه <کُم> خطاب به جامعه اسلامی باشد، مراد از <نساء> زنان مسلمان خواهد بود.

۴ لزوم شهادت چهار مرد مسلمان برای اثبات فحشای زنان (زنا و مساحقه)

و الَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ

مؤنث آوردن کلمه <اربعه> دلالت می کند که معدود آن، رجال (مردان) هستند؛ و <منکم> دلالت بر مسلمان بودن آن مردان دارد.

۶ کیفر فحشا (زنا، مساحقه)، مشروط به انجام آن از روی اختیار است.

و الَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ

۷ حبس ابد، کیفر فحشای زنان شوهرداری که شوهرشان مسلمان باشد.

و الَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ .. فَمَسْكُوهِنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتُوفِيَهُنَّ الْمَوْتُ

چنانچه مراد از <کُم>، مردان مسلمان باشند؛ ظاهراً مقصود از <نساء> همسران آنان خواهد بود. بنابراین، حکم مذکور، شامل زنان بی شوهر نخواهد شد.

۹ لزوم دعوت کردن از چهار مرد مسلمان، برای تحمّل شهادت به هنگام اطلاع از وقوع فحشا (زنا و همجنس بازی) *

و الَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ .. فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ

جمله <فاستشهدوا>، می تواند به معنای دعوت برای تحمّل شهادت باشد.

۱۱ کیفر حبس ابد برای زنا و همجنس بازی زنان، مشروط به شهادت چهار مرد مسلمان است.

و الَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ .. فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ

چون مخاطبان <منکم> مسلمان هستند، معلوم می شود که شاهد در مورد فحشا، باید مسلمان باشد و چون ضمیر مذکر به کار رفته، معلوم می شود که گواهان بر زنا و همجنس بازی باید مرد باشند.

۱۲ حاکم نمی تواند به استناد علم خویش زن زناکار و همجنس باز را کیفر دهد . *

و التي يأتين الفاحشه .. فان شهدوا

مفهوم جمله <فان شهدوا> این است که در صورت نبودن چهار شاهد، کیفری (حبس ابد) نخواهد بود؛ هر چند حاکم به آن علم پیدا کند؛ زیرا غالباً حاکم با شهادت دو یا سه نفر شاهد عادل هم علم پیدا می کند.

۱۹ صد تازیانه و یک سال تبعید، کیفر فحشای زنان باکره و صد تازیانه و رجم، کیفر فحشای زنان غیر باکره

او يجعل الله لهن سبيلا

رسول خدا (ص) فرمود: قد جعل الله لهن السبيل البكر بالبكر جلد مأه و تغريب عام و الثيب بالثيب جلد مأه و الرجم.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۳۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۴،۶

۴ کیفر فحشا (لواط و زنا)، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الذان يأتينها منكم فاذوهما

۶ زنان و مردان مرتکب فحشا (زنا و لواط)، در صورت توبه و اصلاح نباید کیفر داده شوند . *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

بنابر اینکه جمله <فان تابا .. > عطف بر جمله ای محذوف باشد؛ یعنی <فاذوهما ان لم يتوبا فان تابا

و اصلحا فاعرضوا عنهما >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ حرمت رفاقت و آمیزش جنسی با زنان شوهردار

قالت هیت لكك قال معاذ الله

استعاذه و پناه آوردن به خدا، در موردی است که متعلق آن، گناه و امری شرّآفرین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۵

۵ حرمت روابط جنسی با زنان شوهردار

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۱،۲

۱- زنا، ممنوع و حرام است .

و لاتقربوا الزنی

۲- پرهیز از هر گونه زمینه ای که موجب کشیده شدن انسان به زنا شود، لازم و واجب است .

و لاتقربوا الزنی

اینکه خداوند، به جای <لاتزنوا> <زنا نکنید> فرمود: <لاتقربوا الزنی> (به زنا نزدیک نشوید)، می تواند برای توجه دادن به این نکته باشد که نه تنها عمل زنا ممنوع است؛ بلکه باید از عملی که در نهایت منجر به ارتکاب آن می شود و از زمینه های گرایش به فحشاست، نیز پرهیز کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۳، ۱۲، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- صد ضربه شلاق با تازیانه چرمی ، کیفر هر یک از زن و مرد زناکار

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائة جلده

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت یاد شده براساس کاربرد اول است.

۲- صد ضربه تازیانه بر پوست بدن هر

کدام از زن و مرد زناکار، کیفر کردار ناپسند آنان

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

۳- برهنه بودن زن و مرد زناکار به هنگام زدن تازیانه، واجب است.

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

۴- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

۱۲- لزوم اجرای حد زنا، در ملأ عام و اماکنی که مشاهده آن برای مردم بلامانع است.

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

واژه <شهود> و <شهادت> به معنای حضور همراه با مشاهده است (مفردات راغب) و لازمه حضور و مشاهده، آگاهی می باشد. گفتنی است که <لزوم> در برداشت فوق، از فعل امر <لیشهد> استفاده گردیده است.

۱۳- وجوب کفایی حضور جمعی از مؤمنان و گواهی آنان به وقت اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

کفایی بودن وجوب حضور در صحنه اجرای حد از کلمه <طائفه> که به معنای گروه است استفاده می شود؛ زیرا اگر واجب عینی می بود، می بایست آیه شریفه چنین می آمد: <و لیشهد عذابهما المؤمنون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳ - ۱۰

۱۰ - <عن أبي جعفر (ع) ... و أنزل بالمدينه > الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه الزانیه لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک و حرّم ذالک علی المؤمنین < فلم یسم الله الزانی مؤمناً و لا الزانیه مؤمنه ... >

از امام باقر(ع) روایت شده که این آیه در

مدینه نازل شده است: <الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه و الزانیه لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک و حرّم ذالک علی المؤمنین>. پس خدا مرد زناکار و زن زناکار را مؤمن ننمیده است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۵

۵ - اثبات زنا، در گرو شهادت چهار مرد ناظر بر آن کردار ناپسند است .

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که محکومیت به کیفر <قذف>، در صورتی است که چهار شاهد مرد ارائه نشود. بنابراین اگر چهار مرد شهادت بدهد، زنا ثابت خواهد شد.

اکراه به زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۲، ۳۹

۲۲ - سود و درآمد به دست آمده از راه واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی، حرام است .

ولا تکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصنًا لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

نهی از واداشتن کنیزان به فحشا برای به دست آوردن سود و متاع دنیوی، دلیل حرمت چنین سودی است.

۳۹ > عن علی ابن ابی طالب (ع) فی قوله : < و لا تکرهوا فتیاتکم علی البغاء > قال : کان أهل الجاهلیه یریغین إمامهم فنهوا عن ذلک فی الإسلام ;

حضرت علی بن ابی طالب (ع) درباره سخن خدا <و لا تکرهوا فتیاتکم علی البغاء> فرمود: اهل جاهلیت کنیزان خود را به زنا وادار می کردند. سپس در اسلام از این کار نهی شدند.>

بندگان خدا و زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸

۷ بندگان خالص خدا، هرگز به گناه زنا و روابط ناسالم جنس دست نمی آلاینند .

و لایزنون

پاداش اجتناب از زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

پلیدی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۹

۹ نزدیکی با زنان شوهردار و ارتکاب زنا ، از گناهان بسیار زشت و پلید است .

لنصرف عنه السوء و الفحشاء

پلیدی زنا در ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۷

۷- زنا ، عملی نامشروع و منفور در تمام ادیان الهی است .

و لم اک بعیاً

تشریح حد زنا

۱ تحریم اُکید بی عفتی و زنا ، ممانعت سخت از قذف های بی دلیل نسبت به زنان پاکدامن ، وضع کیفر های سنگین برای متخلفان (صد ضربه شلاق در زنا و هشتاد ضربه برای قذف) و تشریح < لعان > ، جلوه هایی از فضل و رحمت خدا نسبت به جامعه

ایمانی است .

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. والذین یرمون المحصنت... فاجلدوهم... و لولا فضل ال

یادآوری فضل و رحمت خدا در آیه شریفه که در مقام امتنان است پس از ذکر احکام مربوط به زناکاری و لعان، می تواند برای بیان جلوه های فضل و رحمت الهی باشد.

توبه از زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي جعفر (ع) . . . و أنزل بالمدينه > الزانی لا ینکح إلاّ - زانیه أو مشرکه الزانیه لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک و حرّم ذالک علی المؤمنین < فلم یسم الله الزانی مؤمناً و لا الزانیه مؤمنه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که این آیه در مدینه نازل شده است: >الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه و الزانیه لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک و حرّم ذالک علی المؤمنین <. پس خدا مرد زناکار و زن زناکار را مؤمن ننماید است <.

تهمت زنا به مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۲

۲- مریم (س) از متهم شدن به زنا ، در پی دریافت بشارت به عیسی (ع) نگران بود .

أنی یکون . . . و لم أک بغیاً

با این که <لم یمسسنی بشر> برای نفی اسباب عادی حامله شدن کافی بود، ولی جمله <و لم أک بغیاً> نیز از مریم(س) صادر گردید. برخی آن را قرینه براین قرار داده اند که <لم یمسسنی...> تنها به نکاح مشروع نظر دارد و <لم أک بغیاً> نوع نامشروع آن را

نفی می کند؛ و محتمل است مراد از <لم یمسسنی...> مطلق هم بستری باشد و اضافه شدن <لم أک بغیاً> به این خاطر است که مریم(س) دریافت که در صورت حامله شدن، به زنا متهم خواهد شد. و با این سخن، اظهار کرد که تحمل آن اتهام، بر من سنگین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۳،۶

۳- مردم با دیدن مریم (س) همراه کودک خویش، بدون پرس و جو او را به زنا متهم کردند.

فأنت به قومها تحملہ قالوا یمریم لقد جئت شیئاً فریاً

<فریاً> صفت مشبیه به معانی <سنگین و بزرگ> و <شگفت> و <کار بی سابقه> آمده و از ریشه <فری> به معنای قطع گرفته شده است؛ به این تناسب که چنین عملی قطع روند گذشته است. در هر صورت مراد کسانی که این سخن را به مریم(س) گفتند، اتهام زنا و خلاف بوده است.

۶- <عن أبي جعفر (ع) قال: لما قالت العواتق... لمریم (ع): > لقد جئت شیئاً فریاً < أنطق الله تعالی عیسی (ع) عند ذلك ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: چون دختران نوس به مریم گفتند: <لقد جئت شیئاً فریاً> خداوند در آن هنگام زبان عیسی(ع) را به سخن گفتن گشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۶

۶- مردم بیت المقدس، مریم (س) را به زنا متهم کردند.

و ما کانت أممک بغیاً

<بغی>، یعنی زن بدکاره (قاموس). مردم

گرچه مریم (س) را صریحاً به زنا متهم نکردند، ولی با کنایه این کار را انجام دادند. جمله <و ما کانت...> (مادرت بدکاره نبود)، یعنی تو این چنین هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۱،۷

۱- مریم (س) با اشاره به نوزادش (عیسی (ع)) کار پاسخ گویی به اتهامات وارده را به او واگذار کرد.

و ما کانت أممک بغیاً . فأشارت إلیه

۷- مریم (س) از سوی افرادی متعدد به زنا متهم شده بود .

قالوا یمریم .. قالوا کیف نکلم

حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱،۴

۱- صد ضربه شلاق با تازیانه چرمی ، کیفر هر یک از زن و مرد زناکار

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مائه جلده

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت یاد شده براساس کاربرد اول است.

۴- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مائه جلده

حد زناى محصنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ سنگسار کردن ، مجازات زناى محصنه در تورات

و عندهم التوریه فیها حکم اللّٰه

در شأن نزول این آیات آمده است که پیامبر(ص) در زنای محصنه زن و مردی یهودی به سنگسار کردن آنان حکم فرمود و از <ابن صوریاء>، که داناترین مردم به تورات بود،

بر وجود این حکم در تورات اعتراف گرفت. (مجمع البیان)

حرمت زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۱

۱- زنا، ممنوع و حرام است .

و لا تقربوا الزنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۱

۱ تحریم اکید بی عفتی و زنا، ممانعت سخت از قذف های بی دلیل نسبت به زنان پاکدامن، وضع کیفر های سنگین برای متخلفان (صد ضربه شلاق در زنا و هشتاد ضربه برای قذف) و تشریح < لعان >، جلوه هایی از فضل و رحمت خدا نسبت به جامعه ایمانی است .

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. والذین یرمون المحصنت... فاجلدوهم... و لولا فضل ال

یادآوری فضل و رحمت خدا در آیه شریفه که در مقام امتنان است پس از ذکر احکام مربوط به زناکاری و لعان، می تواند برای بیان جلوه های فضل و رحمت الهی باشد.

روش اثبات زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۵

۵- اثبات زنا، در گرو شهادت چهار مرد ناظر بر آن کردار ناپسند است .

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که محکومیت به کیفر <قذف>، در صورتی است که چهار شاهد مرد ارائه نشود. بنابراین اگر چهار مرد شهادت بدهد، زنا ثابت خواهد شد.

زشتی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۱۹

۱۹ سئل علی بن

الحسين (ع) عن الفواحش ما ظهر منها و ما بطن قال: ما ظهر نکاح إمرأه الأب و ما بطن الزنا.

از امام سجاد (ع) درباره فواحش ظاهری و باطنی سؤال شد فرمود: فاحشه ظاهری، ازدواج با همسر پدر و فاحشه باطنی زناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۴

۴- زنا، عملی بس زشت و پلید و راهی بس ناشایست در ارضای غریزه جنسی

إنه كان فحشه و ساء سيلاً

<فاحشه> به سخن و رفتاری می گویند که زشتی آن بسیار است (مفردات راغب).

زشتی زنا در تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۶

۶- زشتی و پلیدی زنا، امری نهفته در وجدان همه انسان های طول تاریخ

إنه كان فحشه و ساء سيلاً

جمله اسمیه <إنه كان فاحشه و ساء سيلاً> دلالت بر ثبوت و استمرار دارد و در ضمن تعلیلی است برای نهی <لا-تقربوا الزنی>. افزودن این تعلیل، برای برانگیختن مردم و مخاطبان جهت عمل به <لا-تقربوا> است. چنین امری هم، وقتی تأثیربخش خواهد بود که خود مردم بدی آن را بفهمند و اطلاق تعلیل، بد بودن آن را در نزد مردم می رساند.

زمینه زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۹

۹ شرک، زمینه ساز آدم کشی، زنا و روابط ناسالم جنسی در جامعه

و الذين لا يدعون مع الله إلهاً... و لا یزنون

عطف جمله <لا یقتلون... و لا یزنون> بر جمله قبل بدون تکرار اسم موصول (الذین) نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک

میان گناه آدم کشی و زنا با شرک است و طرح مسأله شرک در آغاز آیه شریفه، حاکی از آن است که شرک مبدأ پیدایش و زمینه ساز آدم کشی و زنا در جامعه است.

زنا با زن شوهردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ حرمت رفاقت و آمیزش جنسی با زنان شوهردار

قالت هیت لك قال معاذ الله

استعاذه و پناه آوردن به خدا، در موردی است که متعلق آن، گناه و امری شرّ آفرین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۹

۹ نزدیکی با زنان شوهردار و ارتکاب زنا، از گناهان بسیار زشت و پلید است .

لنصرف عنه السوء و الفحشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۵

۵ حرمت روابط جنسی با زنان شوهردار

قال رب السعجن أحب إلي مما يدعونني إليه

زنا پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ عن أبي الحسن (ع): .. قول الله تبارك و تعالی: <قل إنما حرم ربي الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الأثم و البغی بغیر الحق ... > اما قوله: <و ما بطن > یعنی ما نکح من الآباء فإن الناس كانوا قبل أن يبعث النبي (ص) إذا كان للرجل زوجه و مات

عنها تزوجها إبنه من بعده إذا لم تكن أمه فحرم الله ذلك و اما <الإثم> فإنها الخمره بعينها ... و اما قوله: <البغى> فهو الزنا
سراً

از امام كاظم (ع)

درباره <ما بطن> در آیه <قل إنما حرم ربي الفواحش .. > روایت شده است: یعنی ازدواج با همسر پدر زیرا قبل از بعثت رسول خدا(ص) شخصی که از دنیا می رفت اگر همسری از او باقی می ماند، پسر متوفی او را اگر مادرش نبود به همسری برمی گزید خداوند، این ازدواج را تحریم فرمود. اما <اثم> همان شراب است ... و اما <بغی> همان زنای پنهانی است ...

زنا در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۵

۵- زنا، عملی شایع و رایج در میان اعراب جاهلی [پیش از اسلام]

و لا تقربوا الزنی إنه کان فحشه و ساء سییلاً

زناى محصنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۷

۷ حبس ابد، کیفر فحشای زنان شوهرداری که شوهرشان مسلمان باشد.

و الّتی یأتین الفاحشه من نساءکم .. فامسکوهنّ فی البیوت حتّی یتوفیهنّ الموت

چنانچه مراد از <کم>، مردان مسلمان باشند، ظاهراً مقصود از <نساء> همسران آنان خواهد بود. بنابراین، حکم مذکور، شامل زنان بی شوهر نخواهد شد.

زیان اجتماعی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۷

۷- عمل ناشایست زنا، دارای فرجامی بد و ناگوار برای فرد و جامعه

و ساء سییلاً

از جمله <راههای بد> راهی است که منتهی الیه و فرجام آن، ناشایست باشد. بنابراین <ساء سیلاً> می تواند مشعر به این معنا باشد که: زنا نه تنها خود فاحشه است، بلکه راهی است بد که

فرجام و پیامد آن برای فرد و جامعه نیز، بد و ناپسند است.

زیان فردی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۷

۷- عمل ناشایست زنا، دارای فرجامی بد و ناگوار برای فرد و جامعه

و ساء سبیلاً

از جمله <راههای بد> راهی است که منتهی الیه و فرجام آن، ناشایست باشد. بنابراین <ساء سبیلاً> می تواند مشعر به این معنا باشد که: زنا نه تنها خود فاحشه است بلکه راهی است بد که فرجام و پیامد آن برای فرد و جامعه نیز، بد و ناپسند است.

سرزنش زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۵

۵ زنا و مساحقه، عملی بسیار زشت

و التي یأتین الفاحشه من نسائکم

فاحشه در لغت به معنی عمل بسیار زشت است و در آیه فوق از زنا و مساحقه به فاحشه تعبیر شده است.

شرایط گواهان حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۴

۱۴- تنها مسلمانان دارای حق حضور و گواهی بر اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا .. و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

از این که خداوند حضور مؤمنان را لازم دانسته است (من المؤمنین) نه عموم مردم را (من الناس)، به دست می آید که گواهان و حاضران صحنه اجرای حدود، باید از مسلمانان باشند نه از غیر آنان.

صبر در اجتناب از زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری

، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

ظلم زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۹

۲۹ ارتکاب زنا و شکستن حریم عفاف ، ستم کاری است .

قال معاذ الله .. إنه لا يفلح الظلمون

مفاد <معاذ الله> این است که ارتکاب فحشا گناه است و مفهوم <إنه ربی ..> این است که ارتکاب گناه و فحشا، ناسپاسی در برابر خدا و قدرناشناسی اوست. از آن رو که <إنه لا يفلح الظالمون> تعلیل برای این مفاهیم است، معلوم می شود ارتکاب فحشا و نیز ناسپاسی خدا با ارتکاب گناه، از مصداقهای ظلم می باشد.

عوامل سقوط حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۸ - ۲

۲ - زن متهم به زنا از سوی شوی خویش ، در صورتی که برای تکذیب این اتهام چهار بار سوگند یاد کند ، حد زنا از وی برداشته می شود .

و یدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهادت بالله إنه لمن الكذابين

الف ولام <العذاب> ذکری و اشاره به <مائه جلد> است که در آیه دوم آمده بود.

فرجام شوم زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۷

۷- عمل ناشایست زنا ، دارای فرجامی بد و ناگوار برای فرد و

از جمله <راههای بد> راهی است که منتهی الیه و فرجام آن، ناشایست باشد. بنابراین <ساء سبیلاً> می تواند مشعر به این معنا باشد که: زنا نه تنها خود فاحشه است؛ بلکه راهی است بد که فرجام و پیامد آن برای فرد و جامعه نیز، بد و ناپسند است.

فطرت زشتی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۶

۶- زشتی و پلیدی زنا، امری نهفته در وجدان همه انسان های طول تاریخ

إنه كان فحشه و ساء سبیلاً

جمله اسمیه <إنه كان فاحشه و ساء سبیلاً> دلالت بر ثبوت و استمرار دارد و در ضمن تعلیلی است برای نهی <لا-تقربوا الزنی>. افزودن این تعلیل، برای برانگیختن مردم و مخاطبان جهت عمل به <لا-تقربوا> است. چنین امری هم، وقتی تأثیربخش خواهد بود که خود مردم بدی آن را بفهمند و اطلاق تعلیل، بد بودن آن را در نزد مردم می رساند.

فلسفه حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۵

۱۵- پیشگیری از ارتکاب فحشا و عبرت آموزی، فلسفه تشریح کیفر زنا و اجرای آن در ملاء عام

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

برداشت یاد شده، به خاطر این است که مشاهده کیفر زنا، بی تردید باعث عبرت گیری و موجب پیشگیری از ارتکاب به آن خواهد شد.

فلسفه حرمت زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- زشتی و قباحت زنا و بیراهه بودن آن در ارضای طبیعی غریزه

جنسی ، ملاک حرمت آن است .

و لا تقربوا الزنی إنه کان فحشه و ساء سییلاً

جمله <إنه کان فاحشه و ساء سییلاً> به منزله تعلیل برای نهی است و می تواند مفید معنای یاد شده باشد.

کسب با زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۳

۲۳ - سود و درآمد به دست آمده از راه اشاعه فحشا و خودفروشی ، حرام است .

و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصناً لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

برداشت یاد شده از انتزاع از مورد آیه (کنیزان) به دست می آید زیرا از ظاهر آیه شریفه چنین به دست می آید که مورد آن خصوصیتی ندارد.

کیفر اخروی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لا یدعون مع الله إلهًا .. و لا یزنون و من یفعل ذلک یلق أثامًا

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۴،۷

۴ گناه شرک ، آدم کشی و زنا در پی دارنده اشد مجازات در قیامت

یضعف له العذاب یوم القیمه

۷ گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فیہ مهاناً

کیفر زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۱، ۷، ۶

۶ کیفر فحشا (زنا، مساحقه) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

وَالَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ

۷ حبس ابد ، کیفر فحشای زنان شوهرداری که شوهرشان مسلمان باشد .

وَالَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ .. فامسکوهنَّ فی البیوت حتّی یتوفیهنّ الموت

چنانچه مراد از <کم>، مردان مسلمان باشند ؛ ظاهراً مقصود از <نساء> همسران آنان خواهد بود. بنابراین، حکم مذکور، شامل زنان بی شوهر نخواهد شد.

۱۱ کیفر حبس ابد برای زنا و همجنس بازی زنان ، مشروط به شهادت چهار مرد مسلمان است .

وَالَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ .. فاستشهدوا علیهنّ اربعة منکم فان شهدوا

چون مخاطبان <منکم> مسلمان هستند، معلوم می شود که شاهد در مورد فحشا، باید مسلمان باشد و چون ضمیر مذکر به کار رفته، معلوم می شود که گواهان بر زنا و همجنس بازی باید مرد باشند.

۱۴ نوید خداوند به نسخ کیفر زنا (حبس ابد)

وَالَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ .. فامسکوهنّ ... او یجعل الله لهنّ سیلاً

۱۵ وعده خداوند به جعل کیفری خفیفتر از حبس ابد برای زنانی که مرتکب زنا و یا مساحقه شوند .

حتّی یتوفیهنّ الموت او یجعل الله لهنّ سیلاً

جمله <او یجعل الله ..>، حاکی است که کیفر دیگر برای زن زناکار جعل خواهد شد ؛ و لام در <لهنّ>، مشعر به این است که آن کیفر خفیفتر از حبس ابد می باشد.

۱۷ حکم خدا (شلاق) در مورد فحشای زنان ، نسخ حکم حبس ابد در مورد آنان

وَالَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ .

.. فامسكوهنّ في البيوت حتى يتوفيهنّ الموت او يج

امام صادق (ع) درباره <سبيل> در آيه فوق فرمود: منسوخه و السبيل هو الحدود.

تفسير عياشى، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۰؛ تفسير برهان، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۲.

۱۸ حبس ابد و محرومیت از گفتگو و همنشینی ، کیفر منسوخ شده فحشای زنان

فامسكوهنّ في البيوت

امام صادق (ع) درباره آيه فوق فرمود: هذه منسوخه .. كانت المرأه ... ادخلت بيتاً و لم تحدث و لم تكلم و لم تجالس و اوتيت فيه بطعامها و شرابها حتى تموت ...

تفسير عياشى، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۱؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۴.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۳،۴

۳ تفاوتِ کیفر فحشای زنان شوهردار و بی شوهر

و التي يأتيَن الفاحشه من نسائكم .. فامسكوهنّ في البيوت ... و الذان يأتيانها

با توجه به برداشت قبل و توضیح آن.

۴ کیفر فحشا (لواط و زنا) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الذان يأتيانها منكم فاذوهما

کیفر زنای باکره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۹

۱۹ صد تازیانه و یک سال تبعید، کیفر فحشای زنان باکره و صد تازیانه و رجم، کیفر فحشای زنان غیر باکره

او يجعل الله لهنّ سبيلا

رسول خدا (ص) فرمود: قد جعل الله لهن السبيل البكر بالبكر جلد مأه و تغريب عام و الثيب بالثيب جلد مأه و الرجم.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۳۴؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۲.

کیفر زناى محصنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۳

۳ تفاوتِ کیفر فحشای زنان شوهردار و بی شوهر

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم .. فامسکوهنّ فی البیوت ... و الذان یأتیانها

با توجه به برداشت قبل و توضیح آن.

کیفیت اثبات زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۶

۶ - شوهر اگر در ادعای زناى همسرش ، مدعی مشاهده نباشد / ولی چهار شاهد مرد ارائه کند ، زناى همسرش ثابت می شود .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۴

۴ - با سوگند پنجم شوهر ، زناى همسر ثابت گشته و حد زنا بر او جاری می شود .

والخمسه أنّ لعنت الله علیه إن کان من الکذبین

با سوگند پنجم شوهر که در آن پذیرای لعنت خدا می شود دو چیز به اثبات می رسد: ۱ زناى همسر و در نتیجه محکومیت او به حد زنا. ۲ صدق و راستگویی شوهر و در نتیجه سقوط حد قذف از وی.

کیفیت اجرای حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۲

۱۲- لزوم اجرای حد زنا، در ملاء عام و اماکنی که مشاهده آن برای مردم بلامانع است .

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

واژه <شهود> و <شهادت> به معنای حضور همراه با مشاهده است (مفردات راغب) و لازمه حضور

و مشاهده، آگاهی می باشد. گفتنی است که <لزوم> در برداشت فوق، از فعل امر <لشهد> استفاده گردیده است.

کیفیت حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۲،۳

۲- صد ضربه تازیانه بر پوست بدن هر کدام از زن و مرد زناکار، کیفر کردار ناپسند آنان

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائة جلده

۳- برهنه بودن زن و مرد زناکار به هنگام زدن تازیانه، واجب است.

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائة جلده

گناه زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۱۰

۱۰ ارتکاب گناهی همچون شرابخواری، زنا و نپرداختن زکات، با اعتقاد به گناه بودن آنها، کفر است.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

ابو بصیر از معصوم (ع) روایت کرده است که پس از تلاوت <ان الذین ءامنوا ثم کفروا ثم ءامنوا ثم ازدادوا کفراً> امام فرمود: من زعم ان الخمر حرام ثم شربها، و من زعم ان الزنا حرام ثم زنی، و من زعم ان الزکوه حق و لم یؤدها.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۲۸۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۳، ح ۶۲۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۹

۹ نزدیکی با زنان شوهردار و ارتکاب زنا، از گناهان بسیار زشت و پلید است.

لنصرف عنه السوء و الفحشاء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٣٢ - ١٢

١٢- > عن أبي جعفر (ع) في قوله : >

و لا تقربوا الزنا إنه كان فاحشه < يقول : معصيه و مقتاً فإن الله يمقته و يبغضه قال : > و ساء سيلاً < و هو أشد الناس عذاباً و الزنا من أكبر الكبائر ;

از امام باقر(ع) در باره یخن خدا < و لا تقربوا الزنا إنه كان فاحشه > روایت شده است که فرمود: خدا می گوید: [زنا] گناه و نفرت انگیز است زیرا به شدت مورد تنفر و غضب الهی است [و درباره] < و ساء سيلاً > فرمود: و زناکار عذابش از همه شدیدتر است و زنا از بزرگ ترین گناهان کبیره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۸

۸ گناه شرک ، بزرگ تر از گناه آدم کشی و آدم کشی بزرگ تر از گناه زنا است .

و الذين لا يدعون مع الله إلهاً .. و لا يزنون

ترتیب ذکر جمله های < و الذين لا يدعون .. > < لا يقتلون... > و < لا يزنون > می تواند بیانگر ترتیب رتبی و حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۹

۹ شرک ، آدم کشی و زنا ، از گناهان بزرگ و خطیر

يضعف له العذاب يوم القيمة و يخلد فيه مهاناً

برداشت فوق، از وعده عذاب دو چندان، دائمی و ذلت بار برای گناهان یاد شده، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۸

۸ - ارتکاب فحشا (زنا و لواط) ، از بدترین گناهان کبیره است .

الذين يجتنبون كبائر الإثم و الفواحش

ذكر < الفواحش > پس از ذكر

<کبائر الإثم> با این که <کبائر الإثم> شامل فواحش نیز می شود نشانگر شدت زشتی و قبیح آن در پیشگاه خداوند است. گفتنی است که تعبیر <فاحشه> از زنا و لواط در مواضع دیگر قرآن، قرینه بر این است که از مصادیق مورد نظر <الفواحش> زنا و لواط می باشد.

گواهان بر زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۴

۴ لزوم شهادت چهار مرد مسلمان برای اثبات فحشای زنان (زنا و مساحقه)

و الّتی یأتین الفاحشه من نساءکم فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم

مؤنث آوردن کلمه <اربعه> دلالت می کند که معدود آن، رجال (مردان) هستند؛ و <منکم> دلالت بر مسلمان بودن آن مردان دارد.

۹ لزوم دعوت کردن از چهار مرد مسلمان، برای تحمّل شهادت به هنگام اطلاع از وقوع فحشا (زنا و همجنس بازی) *

و الّتی یأتین الفاحشه .. فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم

جمله <فاستشهدوا>، می تواند به معنای دعوت برای تحمّل شهادت باشد.

۱۰ شاهد فحشای زنان، می تواند از ادای شهادت استنکاف کند.

و الّتی یأتین الفاحشه .. فان شهدوا

جمله <فان شهدوا>، ظهور در این معنا دارد که شاهد، در ادای شهادت و یا استنکاف از آن مختار است و شرعاً الزامی برای ادای شهادت ندارد.

۱۱ کیفر حبس ابد برای زنا و همجنس بازی زنان، مشروط به شهادت چهار مرد مسلمان است.

و الّتی یأتین الفاحشه .. فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم فان شهدوا

چون مخاطبان <منکم> مسلمان هستند، معلوم می شود که شاهد در مورد فحشا، باید مسلمان باشد و چون

ضمیر مذکر به کار رفته، معلوم می شود که گواهان بر زنا و همجنس بازی باید مرد باشند.

گواهان حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۶

۱۶- > عن أمير المؤمنين (ع) في قول الله عزوجل: > ولا تأخذكم بهما رأفة في دين الله > قال في إقامة الحدود و في قوله تعالى: > وليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين قال الطائفة واحد... >

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که درباره سخن خداوند عزوجل >ولا تأخذكم بهما رأفة في دين الله< فرمود: در مورد اجرای حدود[رأفت نشان ندهید]و درباره سخن خدای تعالی >وليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين< فرمود: طایفه یک نفر است (یعنی، یک نفر را هم شامل می شود).<

گواهی بر زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۴،۵

۴ - پذیرش نسبت زنا به زنان پاکدامن در گرو ارائه چهار شاهد مرد از سوی شخص نسبت دهنده است .

والذين يرمون المحصنت ثم لم يأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم

>شهداء< جمع >شاهد< است و >شاهد< مفرد مذکر می باشد. بنابراین >أربعة شهداء< به معنای چهار مرد ناظر می باشد. گفتنی است ذکر >أربعة< با تایی تأنیث نیز شاهد بر مطلب فوق است زیرا اعداد از سه تا ده در زبان عرب، در مذکر با تایی تأنیث و در مؤنث بدون >تاء< به کار می رود.

۵ - اثبات زنا، در گرو شهادت چهار مرد ناظر بر آن کردار ناپسند است .

والذين يرمون المحصنت ثم لم يأتوا

بأربعة شهداء فاجلدوهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که محکومیت به کیفر <قذف>، در صورتی است که چهار شاهد مرد ارائه نشود. بنابراین اگر چهار مرد شهادت بدهد، زنا ثابت خواهد شد.

موارد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۲ - ۹

۹ ازدواج با همسر پدر، زناست . *

و لا تنكحوا ما نكح اباؤكم .. انه كان فاحشه

با توجه به اینکه <فاحشه> در موارد بسیاری در قرآن، کنایه از زناست.

موانع زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۸

۸ - ازدواج ، از راه های پیشگیری از فحشا ، زنا و روابط ناسالم جنسی

و أنكحوا الأیمی منكم و الصلحین من عبادكم و إمائكم

برداشت یاد شده از ارتباط این آیه با آیات قبل که درباره پرهیز از چشم چرانی و فحشا و تشویق به عفاف بود استفاده می شود؛ چرا که بهترین روش برای پیشگیری از ارتکاب به گناه و فساد جنسی ازدواج است.

موجبات حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۴

۴ - با سوگند پنجم شوهر ، زناى همسر ثابت گشته و حد زنا بر او جاری می شود .

والخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

با سوگند پنجم شوهر که در آن پذیرای لعنت خدا می شود دو چیز به اثبات می رسد: ۱ زناى همسر و در نتیجه محکومیت او به حد زنا. ۲ صدق و راستگویی شوهر و در نتیجه سقوط

حد قذف از وی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۸ - ۳

۳ - صد تازیانه ، حد زنانی که با لعان (سوگند) همسران شان ، زناي آنان ثابت شده است .

و یدروا عنها العذاب أن تشهد أربع شهادت بالله

مفهوم جمله < و یدروا عنها العذاب ؛ عذاب و کیفر از زنان برداشته می شود > این است که با سوگند مردان علیه همسران شان، گناه آنان ثابت می شود؛ ولی اگر زنان هم متقابلاً بر بی گناهی خود سوگند یاد کنند، کیفر داده نمی شوند.

ناپسندی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۸ - ۲

۲- شرک به خدا ، پرخاش به والدین ، تبذیر ، فرزند کشی ، زنا ، قتل ناحق ، خوردن مال یتیم ، پیروی از راهی که پشتوانه علمی ندارد و مغرورانه راه رفتن ، اعمال ناپسند و منفور خداوند

كُلِّ ذَلِكْ كَانِ سَيِّئَةً عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا

نهی از زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۱۱

۱۱- < عن أبي جعفر (ع) قال : ... بعث الله محمداً و ... أنزل عليه في سورة بنى اسرائيل بمكة ... و أنزل نهياً عن أشياء حذر عليها و لم يغلظ فيها و لم يتواعد عليها و قال : ... > و لاتقربوا الزنا إنه كان فاحشه و ساء سيلاً < ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: .. خداوند حضرت محمد(ص) را برانگیخت

و ... بر او آیاتی از سوره بنی اسرائیل را در مکه نازل فرمود ... [که در آن آیات] از چیزهایی که پرهیز از آنها لازم است و ولی در آن نهیها غلظت و شدت نشان نداده و بر ارتکاب موارد نهی و عید عذاب نداده است و فرمود: ... <و لا تقربوا الزنا إنه کان فاحشه و ساء سیلاً...>.

واجبات حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۳

۱۳- وجوب کفایی حضور جمعی از مؤمنان و گواهی آنان به وقت اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. و ليشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

کفایی بودن وجوب حضور در صحنه اجرای حد از کلمه <طائفه> که به معنای گروه است استفاده می شود زیرا اگر واجب عینی می بود، می بایست آیه شریفه چنین می آمد: <و ليشهد عذابهما المؤمنون>.

وجوب گواهی در حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۳

۱۳- وجوب کفایی حضور جمعی از مؤمنان و گواهی آنان به وقت اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. و ليشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

کفایی بودن وجوب حضور در صحنه اجرای حد از کلمه <طائفه> که به معنای گروه است استفاده می شود زیرا اگر واجب عینی می بود، می بایست آیه شریفه چنین می آمد: <و ليشهد عذابهما المؤمنون>.

زنازادگی

آثار زنازادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۷،۹

۷- بی تباری و نداشتن ریشه خانوادگی ، از ویژگی های منفی و ناپسند برای انسان

و لاتطع

کَلَّ ... زَنِيم

۹- بی تباری و بی اصل و ریشه بودن ، منشأ رذایل اخلاقی و اوصاف ناپسند و زشت است .

بعد ذلک زَنِيم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <بعد ذلک> متعلق به <زَنِيم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۳

۳- تکذیب عمدی دین و رذایل اخلاقی (همچون سوگند دروغ ، پستی ، عیب جویی ، سخن چینی ، مانع خیر شدن ، گناه پیشگی ، درشت خویی و بی تباری) ، از زمینه های ابتلا به عذاب خَفَّت بار الهی

فلاتطع المکذّبین .. کَلَّ حَلَّاف مهین ... عتَلَّ بعد ذلک زَنِيم ... سنسمه علی الخرطوم

زنزادگی و لید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۶

۶- > عن أبي عبدالله و أبي جعفر (عليهما السلام) أَنَّ الْوَحِيدَ وَلَدُ الزَّانَا ;

از امام صادق و امام باقر(ع) روایت شده که مقصود از <وَحِيد>، زنزاده است (کسی که برای او پدری شناخته نشده).<

سرزنش زنزادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۸،۱۲

۸- درشت خویی و بی تباری ، صفتی بس زشت و بسیار ناپسند ، در مقایسه با دیگر اوصاف زشت و ناخوشایند

و لاتطع کَلَّ حَلَّاف مهین .. عتَلَّ بعد ذلک زَنِيم

بعدیت در این آیه (بعد ذلک) رتبی است و بیانگر این نکته است که اوصاف <عتَلَّ> و <زَنِيم> از اوصاف پیشین (همچون حَلَّاف، مهین، هَمَّاز و ..) زشت تر و ناپسندتر است. گفتنی

است در برداشت بالا، عبارت <بعد ذلک> متعلق به <عتل> دانسته شده است.

۱۲ - > عن علی (ع) : هو الذی لا أصل له ؛

از علی (ع) روایت شده که او (زینم) کسی است که اصل و ریشه (نسب) ندارد.

زنزاده

اجتناب از الحاق زنزاده به شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۹

۹ - پرهیز از نسبت دادن فرزند زنا به همسر ، از جمله مواد مورد بیعت زنان مؤمن با پیامبر (ص)

و لایاتین بیهتن یفترینه بین آیدیهن و أرجلهن

الحاق زنزاده به شوهر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش

از اسلام

أن لا یسرکن .. لا یسرqn ... لا یزنین ... و لا یقتلن أولدهن و لایاتین بیهتن

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده؛ بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب

جاهلی است.

حرمت اطاعت از زنزاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۶

۶ - اطاعت و اجابت خواسته های افراد بی تبار و بی ریشه و اصل ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع كلّ... زنیم

دشمنی زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۵

۵ - برخی از عناصر زنازاده (ولیدبن مغیره) ،

سردمدار دشمنی و مخالفت با پیامبر (ص)

و لاتطع کلّ ... زنیم

رد خواسته های زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بی ریشه و تبار

و لاتطع کلّ ... زنیم

<زنیم> به زنازاده و کسی که خود را به قومی می چسباند ولی از آنان نیست گفته می شود (لسان العرب). بنابه نوشته مفسران، آیات این بخش درباره ولیدبن مغیره نازل شده است.

ممنوعیت اطاعت از زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۶

۶ - اطاعت و اجابت خواسته های افراد بی تبار و بی ریشه و اصل ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع کلّ ... زنیم

زنازاده ها

حرمت اطاعت از زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۶

۶ - اطاعت و اجابت خواسته های افراد بی تبار و بی ریشه و اصل ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع کلّ ... زنیم

دشمنی زنانزاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۵

۵ - برخی از عناصر زنانزاده (ولیدبن مغیره) ، سردمدار دشمنی و مخالفت با پیامبر (ص)

و لاتطع کلّ ... زنیّم

رد خواسته های زنانزاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۴

۴ - پیامبر

(ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بی ریشه و تبار

و لاتطع کلّ ... زنیم

<زنیم> به زنازاده و کسی که خود را به قومی می چسباند ولی از آنان نیست گفته می شود (لسان العرب). بنابه نوشته مفسران، آیات این بخش درباره ولیدبن مغیره نازل شده است.

ممنوعیت اطاعت از زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۶

۶ - اطاعت و اجابت خواسته های افراد بی تبار و بی ریشه و اصل ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع کلّ ... زنیم

زنازاده ها

حرمت اطاعت از زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۶

۶ - اطاعت و اجابت خواسته های افراد بی تبار و بی ریشه و اصل ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع کلّ ... زنیم

دشمنی زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۵

۵ - برخی از عناصر زنازاده (ولیدبن مغیره) ، سردمدار دشمنی و مخالفت با پیامبر (ص)

و لاتطع کلّ ... زنیم

رد خواسته های زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بی ریشه و تبار

و لاتطع کلّ ... زنیّم

<زنیّم> به زنازاده و کسی که خود را به قومی می چسباند ولی از آنان نیست گفته

می شود (لسان العرب). بنابه نوشته مفسران، آیات این بخش درباره ولیدبن مغیره نازل شده است.

ممنوعیت اطاعت از زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۶

۶ - اطاعت و اجابت خواسته های افراد بی تبار و بی ریشه و اصل ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع کلّ ... زنیم

زناکار

آمزش زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ خداوند ، آمرزنده گناه زناکار و لواط کننده ، به شرط توبه و اصلاح

و اللذان یأتیانها منکم .. فان تابا و اصلحا ... إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّاباً رَحِيماً

احکام زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۲

۲ آزار و تعزیر ، کیفر مرد و زن بی شوهری که مرتکب زنا شوند . *

و اللذان یأتیانها منکم فاذوهما

چون مراد از <والتی> در آیه قبل بنابر یک احتمال زنان شوهردار بودند، آیه مورد بحث می تواند درباره زنان بی شوهر باشد. بنابراین مراد از <الذان>، مرد و زن بی شوهر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- رأفت و ترحم بر زناکاران به هنگام اجرای کیفر الهی بر آنان ، اکیداً ممنوع است .

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. و لاتأخذکم بهما رأفه فی دین الله

جمله <لاتأخذکم بهما رأفه..> می تواند به این معنا باشد که به هنگام اجرای کیفر، نباید تحت تأثیر عواطف و احساسات شخصی قرار گیریم و

در کیفر زناکاران تخفیف قائل شویم. هم چنین می تواند به این معنا باشد که نباید تحت تأثیر عواطف و احساسات، از کیفر آنان صرف نظر کنیم؛ هر چند آن عواطف و احساسات، برخاسته از تعلقات و وابستگی های فرد، به شخص مجرم نباشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال اول است.

اذیت به زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۲،۵

۲ آزار و تعزیر، کیفر مرد و زن بی شوهری که مرتکب زنا شوند. *

و الذان یا تیانها منکم فاذوهما

چون مراد از <و الّتی> در آیه قبل بنا بر یک احتمال زنان شوهردار بودند، آیه مورد بحث می تواند درباره زنان بی شوهر باشد. بنابراین مراد از <الذان>، مرد و زن بی شوهر است.

۵ لزوم تداوم ایدای مرتکبین فحشا (لواط و زنا) تا احراز توبه و اصلاح آنان *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

در برداشت فوق، جمله <فان تابا .. فاعرضوا> عطف بر <فاذوهما> و متفرع بر آن شده است و می رساند که پایان آزار، توبه آنان است. بنابراین آزار آنان باید همچنان ادامه داشته باشد تا توبه کنند.

ازدواج با زن زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳ - ۱،۳،۴،۵

۱ - ازدواج مرد زناکار جز با زن زناکار و یا مشرک، حرام است.

الزانی لاینکح إلا زانیه أو مشرکه

جمله <الزانی لاینکح ..> به قرینه ذیل آیه (و حرّم ذلک علی المؤمنین)، در مقام نهی و اخبار در مقام انشا است.

۳ - مردان زناکار، شایستگی ازدواج

جز با زنان زناکار و یا مشرک را ندارند .

الزانی لاینکح إلا زانیه أو مشرکه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <الزانی لاینکح ..>، <لما یلیق به أن ینکح > باشد، یعنی، آیه شریفه حاکی از بی لیاقتی مرد معروف به زنا، برای گزینش همسر از میان زنان مؤمن باشد.

۴ - حرمت ازدواج زنان زناکار، جز با مردان زناکار و یا مردان مشرک

و الزانیه لاینکحها إلا زان أو مشرک

۵ - حرمت ازدواج زنان معروف به زنا، جز با مردان معروف به زنا و یا مردان مشرک

و الزانیه لاینکحها إلا زان أو مشرک

ازدواج با زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۱۳

۱۳ حرمت ازدواج با زنان غیر عقیف (زناکار و ...)، چه مسلمان باشند و چه از اهل کتاب .

و المحصنت من المؤمنت و المحصنت من الذین اتوا الکتب من قبلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۱۹

۱۹ ازدواج با کنیزان زناکار جایز نیست .

فانکحوهنّ .. غیر مسافحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳ - ۴،۵،۶،۸

۴ - حرمت ازدواج زنان زناکار، جز با مردان زناکار و یا مردان مشرک

و الزانيه لاينكحها إلا زان أو مشرك

۵- حرمت ازدواج زنان معروف به زنا ، جز با مردان معروف به زنا و یا مردان مشرك

و الزانيه لاينكحها إلا زان أو مشرك

۶- زنان زناكار ، شايستگی ازدواج جز با مردان زناكار و یا مشرك

را ندارند .

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان او مشرک

۸- ازدواج مؤمنان با زناکاران ، حرام است .

و حرّم ذلك على المؤمنین

ازدواج زن زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳ - ۴،۵،۶

۴ - حرمت ازدواج زنان زناکار ، جز با مردان زناکار و یا مردان مشرک

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان او مشرک

۵ - حرمت ازدواج زنان معروف به زنا ، جز با مردان معروف به زنا و یا مردان مشرک

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان او مشرک

۶ - زنان زناکار ، شایستگی ازدواج جز با مردان زناکار و یا مشرک را ندارند .

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان او مشرک

ازدواج زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳ - ۱،۲،۳،۷،۹

۱ - ازدواج مرد زناکار جز با زن زناکار و یا مشرک ، حرام است .

الزانی لاینکح إلاّ زانیه او مشرکه

جمله <الزانی لاینکح...> به قرینه ذیل آیه (و حرّم ذلك على المؤمنین)، در مقام نهی و اخبار در مقام انشا است.

۲ - حرمت ازدواج مردان معروف به زنا ، جز با زنان مشهور به زنا و یا زنان مشرک

الزانی لاینکح إلا زانیه أو مشرکه

بسیاری از مفسران بر آنند که <الزانی> حالت وصفی دارد و به کسی <زانی> گفته می شود که عمل زنا را مکرراً انجام داده و به آن معروف شده باشد و شخصی که یک بار مرتکب زنا شده باشد، واژه <الزانی> (زناکار) بر آن شخص اطلاق نمی شود.

۳ - مردان زناکار ، شایستگی ازدواج جز با زنان زناکار و یا مشرک را ندارند .

الزانی

لاینکح إلا زانیه أو مشرکه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <الزانی لاینکح...>، <لما یلیق به أن ینکح> باشد، یعنی، آیه شریفه حاکی از بی لیاقتی مرد معروف به زنا، برای گزینش همسر از میان زنان مؤمن باشد.

۷- ممنوعیت ازدواج زناکاران با مؤمنان، یکی دیگر از کیفرهای الهی درباره آنان

الزانی لاینکح إلا زانیه أو مشرکه و الزانیه لاینکحها إلا زان أو مشرک

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه فوق و آیه پیشین، در مقام بیان کیفر گناه زنا است و در واقع بیانگر این نکته است که گناه زنا، دارای دو کیفر دنیوی است: ۱ صد ضربه شلاق، ۲ محرومیت از ازدواج با مؤمنان.

۹- مردان و زنان زناکار، مردمی بی ارزش و از نظر شایستگی و هم کفوی برای ازدواج، در ردیف مشرکان اند.

الزانی لاینکح إلا زانیه أو مشرکه و الزانیه لاینکحها إلا زان أو مشرک و حرّم ذلک

از آن جا که زنان و مردان زناکار، تنها با مردان و زنان زناکار و یا مشرک می توانند ازدواج کنند، نه با مردان و زنان عقیف و با ارزش (مؤمن)، برداشت یاد شده به دست می آید.

ایمان زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳ - ۱۱

۱۱ - < عن زراره قال سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل <الزانی لاینکح إلا زانیه أو مشرکه> قال : هنّ نساء مشهورات بالزنا ، و رجال مشهورون بالزنا ، شهروا به و عرفوا ، والناس الیوم بذالك المنزله فمن أقیم

عليه حدّ الزنا أو متهم بالزنا لم ينبغ لأحد أن يناكحه حتى يعرف منه التوبه ؛

زراره گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدای عزوجل <الزانی لاینکح إلاّ زانیه أو مشرکه > سؤال کردم؟ حضرت در پاسخ فرمود: آنان زنان و مردانی اند که به زناکاری (در میان مردم) مشهور و معروف شده اند. این حکم برای مردم این زمان هم باقی است و برای احدی، سزاوار نیست با کسی ازدواج کند که حد زنا بر او جاری شده یا متهم به زنا شده است؛ مگر آن که توبه او محرز شود.

بی ارزشی زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳ - ۹

۹ - مردان و زنان زناکار ، مردمی بی ارزش و از نظر شایستگی و هم کفوی برای ازدواج ، در ردیف مشرکان اند .

الزانی لاینکح إلاّ زانیه أو مشرکه و الزانیه لاینکحها إلاّ زان أو مشرک و حرّم ذلک

از آن جا که زنان و مردان زناکار، تنها با مردان و زنان زناکار و یا مشرک می توانند ازدواج کنند؛ نه با مردان و زنان عفیف و با ارزش (مؤمن)، برداشت یاد شده به دست می آید.

تعزیر زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۷

۱۷ حکم خدا (شلاق) در مورد فحشای زنان ، ناسخ حکم حبس ابد در مورد آنان

والّتی یأتین الفاحشه من نسائکم . . فامسکوهنّ فی البیوت حتی یتوفیهنّ الموت او یج

امام صادق (ع) درباره <سبیل > در آیه فوق فرمود: منسوخه و السبیل هو الحدود.

تفسیر عیاشی، ج

۱، ص ۲۲۷، ح ۶۰؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۲

۲ آزار و تعزیر، کیفر مرد و زن بی شوهری که مرتکب زنا شوند. *

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

چون مراد از <والّتی> در آیه قبل بنا بر یک احتمال زنان شوهردار بودند، آیه مورد بحث می تواند درباره زنان بی شوهر باشد. بنابراین مراد از <الذان>، مرد و زن بی شوهر است.

توبه زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۶

۶ زنان و مردان مرتکب فحشا (زنا و لواط)، در صورت توبه و اصلاح نباید کیفر داده شوند. *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

بنابر اینکه جمله <فان تابا...> عطف بر جمله ای محذوف باشد، یعنی <فاذوهما ان لم یتوبا فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۰ - ۱،۴،۵

۱ کسانی که مرتکب گناه شرک، آدم کشی و زنا شده اند، در صورتی که به توبه، ایمان و عمل صالح روی آورند، از عذاب و کیفر دوچندان و خوار کننده آن گناهان در امان خواهند بود.

و من یفعل ذلک... یضعف له العذاب... إلا من تاب و ءامن و عمل عملاً صالحاً

جمله <إلا من تاب...> استثنا از عموم مستفاد از <من> در <من یفعل...> است.

۴ کسانی که مرتکب گناه شرک،

آدم کشی و زنا شده اند، در صورتی که به توبه، ایمان و عمل صالح روی آورند، خداوند کردار بد آنان را از نامه عملشان محو کرده و به جای آنها کردار نیک قرار می دهد.

و من يفعل ذلك .. يضعف له العذاب ... إلا من تاب ... فأولئك يبدل الله سيئ

در این که مقصود از تبدیل <سیئات> به <حسنات> چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه عمده وجود دارد: ۱- تبدیل خود اعمال بد به اعمال نیک؛ به گونه ای که در پرونده اعمال مؤمنان به جای <سیئه>، <حسنه> نوشته شود. ۲- تبدیل آثار و پیامدهای <سیئات> که عقاب است به آثار و پیامدهای <حسنات> که ثواب است. گفتنی است برداشت فوق مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۵ کسانی که مرتکب گناه شرک، آدم کشی و زنا شده اند، در صورتی که به توبه، ایمان و عمل صالح روی آورند، خداوند آثار بدی های آنان (عقاب) را محو و به جای آنها، آثار خوبی ها (ثواب) قرار می دهد.

و من يفعل ذلك .. يضعف له العذاب ... إلا من تاب ... فأولئك يبدل الله سيئ

حبس زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۸، ۱۷، ۱۱، ۷، ۲، ۱

۱ کیفر زن در صورت ارتکاب زنا، حبس ابد است.

و التي يأتين الفاحشه من نسائكم .. فامسكوهن في البيوت

<الفاحشه> به معنای کار زشت است و الف و لام آن اشاره به عمل خاصی است که به مناسبت مورد،

مراد از آن زناست و می تواند مساحقه را نیز شامل شود.

۲ کیفر زن در صورت مساحقه (همجنس بازی) حبس ابد است . *

وَأَلَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ .. فَمَسْكُوهِنَّ فِي الْبُيُوتِ

۷ حبس ابد ، کیفر فحشای زنان شوهرداری که شوهرشان مسلمان باشد .

وَأَلَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ .. فَمَسْكُوهِنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتُوفِيَهُنَّ الْمَوْتُ

چنانچه مراد از <کُم>، مردان مسلمان باشند ؛ ظاهراً مقصود از <نساء> همسران آنان خواهد بود. بنابراین، حکم مذکور، شامل زنان بی شوهر نخواهد شد.

۱۱ کیفر حبس ابد برای زنا و همجنس بازی زنان ، مشروط به شهادت چهار مرد مسلمان است .

وَأَلَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ .. فَاسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةَ مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا

چون مخاطبان <منکم> مسلمان هستند، معلوم می شود که شاهد در مورد فحشا، باید مسلمان باشد و چون ضمیر مذکر به کار رفته، معلوم می شود که گواهان بر زنا و همجنس بازی باید مرد باشند.

۱۷ حکم خدا (شلاق) در مورد فحشای زنان ، ناسخ حکم حبس ابد در مورد آنان

وَأَلَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ .. فَمَسْكُوهِنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتُوفِيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجِ

امام صادق (ع) درباره <سبیل> در آیه فوق فرمود: منسوخه و السبیل هو الحدود.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۰ ؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۲.

۱۸ حبس ابد و محرومیت از گفتگو و همنشینی ، کیفر منسوخ شده فحشای زنان

فَمَسْكُوهِنَّ فِي الْبُيُوتِ

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هذه منسوخه .. كانت المرأة ... ادخلت بيتاً و لم تحدث و لم تكلم و لم تجالس و

او تیت فیہ بطعامها و شرابها حتی تموت ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ حبس، کيفر فحشای دوشیزگان

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: یعنی البکر اذا ات الفاحشه التي اتتها هذه الثيب، و درباره <اذوهما> فرمود: تحبس.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۴.

حد زناکار مسیحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۴ - ۵

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۷

۷ - > قُدمَ إلى المتوكل رجل نصراني فجر بإمرأه مسلمه فأراد أن يقيم عليه الحد فأسلم . . . فأمر المتوكل بالكتاب إلى أبي الحسن الثالث (ع) و سؤاله عن ذلك فلما قرء الكتاب كَتَبَ : يُضْرَب حَتَّى يَمُوت . . . فكتب إليه : أن فقهاء المسلمين قد أنكروا هذا و قالوا : لم يجيء به سنه و لم ينطق به كتاب فيبين لنا . . . فكتب بسم الله الرحمن الرحيم > فلما رأوا بأسنا قالوا آمنا بالله وحده و كفرنا بما كنا به مشركين . فلم يك ينفعهم إيمانهم لما رأوا بأسنا سنّت الله التي قد خلت في عباده و خسر هنالك الكافرون < قال : فأمر به المتوكل فضرب حَتَّى مات ;

يك مرد مسیحی را كه با زنی مسلمان زنا کرده بود به نزد

متوکل عباسی آوردند. پس آن گاه که خواست بر او حد جاری کند، آن مرد مسلمان شد ... متوکل دستور داد نامه ای به امام هادی(ع) نوشته شود و از ایشان درباره حکم این مسأله پرسش گردد. و آن گاه که امام(ع) نامه را خواند در جواب نوشت: او را بزنند تا بمیرد. سپس متوکل برای امام(ع) نوشت: فقهای مسلمانان این حکم را انکار می کنند و می گویند: این حکم نه در سنت آمده و نه کتاب الهی از آن سخن گفته است، پس بیان کن برای ما... آن گاه امام هادی(ع) [درباره منع این حکم] نوشت: >بسم الله الرحمن الرحيم فلما رأوا بأسنا قالوا آمنا بالله وحده و كفرنا بما كنا به مشركين. فلم يك ينفعهم إيمانهم لما رأوا بأسنا سنت الله التي قد خلت في عباده و قد خسر هنالك الكافرون<. پس متوکل دستور داد تا او را زدند تا مرد.<.

ذلت اخروی زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۷

۷ گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فيه مهاناً

ذلت زناکار مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۶

۶ کسانی که رو به سوی شرک آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند ، در حال خواری و برای همیشه در عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

و یخلد فيه مهاناً

فوق مبتنی بر همین نظریه است. و چنان چه >ذلک< اشاره به یکایک گناهان یاد شده به صورت

مستقل باشد، در این صورت چون اتفاق همه علما و مفسران بر آن است که زناکار به عذاب ابدی در قیامت گرفتار نمی شود، از این رو مقصود از <یخلد> طولانی بودن عذاب است نه جاودانگی آن.

رجم زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۹

۱۹ صد تازیانه و یک سال تبعید ، کیفر فحشای زنان باکره و صد تازیانه و رجم ، کیفر فحشای زنان غیر باکره

او يجعل الله لهن سبیلا

رسول خدا (ص) فرمود: قد جعل الله لهن السبیل البکر بالبکر جلد مأه و تغریب عام و الثیب بالثیب جلد مأه و الرجم.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۲.

زناکار باکره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ حبس ، کیفر فحشای دوشیزگان

و الذان یأتینها منکم فاذوهما

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: یعنی البکر اذا اتت الفاحشه التي اتتها هذه الثیب، و درباره <اذوهما> فرمود: تحبس.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۴.

زناکار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لا یدعون مع الله إلهًا .. ولا یزنون و من یفعل ذلک یلق أثامًا

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر

گناه می باشد (لسان العرب).

سنگسار زناکار محصنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ سنگسار کردن ، مجازات زناى محصنه در تورات

و عندهم التوریه فیها حکم الله

در شأن نزول این آیات آمده است که پیامبر(ص) در زناى محصنه زن و مردی یهودی به سنگسار کردن آنان حکم فرمود و از <ابن صوری>، که داناترین مردم به تورات بود، بر وجود این حکم در تورات اعتراف گرفت. (مجمع البیان)

شرایط ازدواج با زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳ - ۱۰

۱۰ - <عن أبی جعفر (ع) . . . و أنزل بالمدينه > الزانى لا ینکح إلاّ- زانیه أو مشرکه الزانیه لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک و حرّم ذالک علی المؤمنین < فلم یسم الله الزانى مؤمناً و لا الزانیه مؤمنه . . . >

از امام باقر(ع) روایت شده که این آیه در مدینه نازل شده است: <الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه و الزانیه لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک و حرّم ذالک علی المؤمنین >. پس خدا مرد زناکار و زن زناکار را مؤمن ننماید است.

عبرت از کیفر زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۵

۱۵- پیشگیری از ارتکاب فحشا و عبرت آموزی ، فلسفه تشریح کیفر زنا و اجرای آن در ملأ عام

الزانیه و الزانى فاجلدوا.. و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

برداشت یاد شده، به خاطر این است که مشاهده کیفر زنا، بی تردید باعث عبرت گیری و موجب پیشگیری

از ارتکاب به آن خواهد شد.

عذاب اخروی زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۸

۸ کسانی که به گناه شرک، آدم کشی و زنا دست بیالایند، در قیامت به دو عذاب جسمی و روحی گرفتار خواهند شد.

يضعف له العذاب يوم القيمة و يخلد فيه مهاناً

عذاب جسمانی زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۸

۸ کسانی که به گناه شرک، آدم کشی و زنا دست بیالایند، در قیامت به دو عذاب جسمی و روحی گرفتار خواهند شد.

يضعف له العذاب يوم القيمة و يخلد فيه مهاناً

عذاب روحی زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۸

۸ کسانی که به گناه شرک، آدم کشی و زنا دست بیالایند، در قیامت به دو عذاب جسمی و روحی گرفتار خواهند شد.

يضعف له العذاب يوم القيمة و يخلد فيه مهاناً

کیفر اخروی زناکار مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۱،۲

۱ کسانی که رو به سوی شرک آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند، در قیامت دو چندان عذاب و کیفر خواهند شد.

يضعف له العذاب يوم القيمة

در این که چرا افراد یاد شده، دو چندان مجازات خواهند شد، میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مقصود از >یضعف< ..< دو چندان شدن مجازات کسانی است که هر سه گناه شرك، آدم کشی

و زنا را با هم مرتکب شوند؛ زیرا شرک موجب دو چندان شدن مجازات بزه کاری می شود. برداشت یاد شده و برداشت بعدی مبتنی بر این نظریه است. ۲- مقصود، تشدید مجازات افراد یاد شده است نه دو چندان شدن آن.

۲ شرک، موجب دو چندان شدن کیفر بزه کاری (آدمکشی، زنا و...) در قیامت

يضعف له العذاب يوم القيمة

کیفر زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱،۳

۱ کیفر زن در صورت ارتکاب زنا، حبس ابد است.

و التي يأتين الفاحشه من نسائكم .. فامسكوهن في البيوت

<الفاحشه> به معنای کار زشت است و الف و لام آن اشاره به عمل خاصی است که به مناسبت مورد، مراد از آن زناست و می تواند مساحقه را نیز شامل شود.

۳ زن زناکار و همجنس باز در صورتی که مسلمان باشد، به حبس ابد محکوم می شود.

و التي يأتين الفاحشه من نسائكم

چنانچه <کُم> خطاب به جامعه اسلامی باشد، مراد از <نساء> زنان مسلمان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۵

۵ لزوم تداوم ایدای مرتکبین فحشا (لواط و زنا) تا احراز توبه و اصلاح آنان *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

در برداشت فوق، جمله <فان تابا .. فاعرضوا> عطف بر <فاذوهما> و متفرع بر آن شده است و می رساند که پایان آزار، توبه آنان است. بنابراین آزار آنان باید همچنان ادامه داشته باشد تا توبه کنند.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱،۲،۴

۱- صد ضربه شلاق با تازیانه چرمی ، کیفر هر یک از زن و مرد زناکار

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مائه جلده

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت یاد شده براساس کاربرد اول است.

۲- صد ضربه تازیانه بر پوست بدن هر کدام از زن و مرد زناکار ، کیفر کردار ناپسند آنان

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مائه جلده

۴- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مائه جلده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳ - ۷

۷- ممنوعیت ازدواج زناکاران با مؤمنان ، یکی دیگر از کیفر های الهی درباره آنان

الزانی لاینکح إلا زانیه أو مشرکه و الزانیه لاینکحها إلا زان أو مشرک

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه فوق و آیه پیشین، در مقام بیان کیفر گناه زنا است و در واقع بیانگر این نکته است که گناه زنا، دارای دو کیفر دنیوی است: ۱ صد ضربه شلاق، ۲ محرومیت از ازدواج با مؤمنان.

ممنوعیت ترحم بر زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۶

۶- رأفت و ترحم بر زناکاران به هنگام اجرای کیفر الهی بر آنان ، اکیداً ممنوع است .

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. و لاتأخذکم بهما رأفه فی دین الله

جمله <لاتأخذكم بهما رأفه..> می

تواند به این معنا باشد که به هنگام اجرای کیفر، نباید تحت تأثیر عواطف و احساسات شخصی قرار گیریم و در کیفر زناکاران تخفیف قائل شویم. هم چنین می تواند به این معنا باشد که نباید تحت تأثیر عواطف و احساسات، از کیفر آنان صرف نظر کنیم؛ هرچند آن عواطف و احساسات، برخاسته از تعلقات و وابستگی های فرد، به شخص مجرم نباشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال اول است.

زنان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{زنان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ مریم، برگزیده الهی و سرآمد زنان جهان

یا مریم انّ الله... و اصطفیک علی نساء العالمین

کلمه <اصطفاء> آنگاه که با <علی> متعدی شود به معنای مقدم بودن و سرآمد شدن است. و آنگاه که مطلق ذکر شود به معنای انتخاب است. بنابراین <اصطفیک> در جمله <انّ الله اصطفیک> به معنای انتخاب و گزینش مریم است و در <اصطفیک علی نساء العالمین>، به معنای مقدم داشتن او بر دیگران است.

۱۱ خلوص و پاکی مریم و برگزیدگی او، زمینه سرآمد شدن او بر زنان جهان

انّ الله اصطفیک و طهرک و اصطفیک علی نساء العالمین

به نظر می رسد تقدیم جمله <اصطفیک و طهرک> بر <اصطفیک علی نساء العالمین>، دلالت داشته باشد بر دخالت برگزیدگی و طهارت مریم برای سرآمد شدن او.

۱۲ مریم، نمونه و الگویی برای تمامی زنان عالم

اصطفیک و طهرک و اصطفیک علی نساء العالمین

۱۵ مریم، برگزیده خداون از نسل انبیای الهی

یا مریم انّ الله اصطفیک

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: .

مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۴۶، نورالثقلين، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۱۳۰.

۱۶ مریم، زنی که از میان زنان جهان، برای زادن عیسی بدون پدر برگزیده شد.

و اصطفيك على نساء العالمين

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: .. اصطفيك لولاده عیسی من غير فحل.

مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۴۶؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۱۳۰.

۱۸ مریم برگزیده و سرآمد زنان عصر خویش

و اصطفيك على نساء العالمين

امام صادق (ع) فرمود: فرشتگان به حضرت فاطمه زهرا (س) گفتند: .. انّ مریم كانت سيّده نساء عالمها ...

علل الشرايع، ص ۱۸۲، ح ۱، باب ۱۴۶. و ص ۳۳۷، ح ۱۳۱؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۱۲۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ مریم، مأمور نماز گزاردن همراه با نماز گزاران (نماز جماعت) *

و ارکعی مع الزاکعین

بنابراینکه مراد از رکوع، نماز باشد؛ از باب نامگذاری کل به نام جزء.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷

۷ نزاع میان سران کنیسه در سرپرستی مریم ، و روی آوردن آنان به قرعه برای تعیین سرپرست

اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم . . . اذ یختصمون

۸ شگفتی سرگذشت نزاع میان سران کنیسه ، در مورد سرپرستی مریم و توسل آنان به قرعه *

و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم و ما کنت لدیهم اذ یختصمون

به نظر می رسد تکرار <ما کنت لدیهم>، اشاره به شگفتی جریان نزاع

باشد.

۹ شخصیت والای معنوی مریم ، مایه رقابت سران کنیسه در سرپرستی او *

و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم .. اذ یختصمون

ظاهراً نزاع افراد برای به دست آوردن سرپرستی حضرت مریم بوده است و نه به عهده دیگری گذاشتن

۱۰ شناخته بودن شخصیت معنوی مریم (س) ، در عصر خویش *

ایهم یکفل مریم .. اذ یختصمون

چون هر یک از سران کنیسه خواهان سرپرستی مریم بودند و در این باره با یکدیگر نزاع می کردند، معلوم می شود که عظمت شخصیت آن حضرت برای همگان روشن و آشکار بوده است.

۱۲ انجام قرعه کشی بین شش نفر ، برای تعیین سرپرست مریم (س)

وما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم

امام باقر (ع): اول من سوهم علیه مریم بنت عمران و هو قول الله عز و جل > و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم < و السهام سته.

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۱، ح ۱، ب ۳۸؛ خصال صدوق، ص ۱۵۶، ح ۱۹۸، باب الثلاثه.

۱۳ قرعه کشی برای تعیین سرپرست مریم ، به هنگام درگذشت پدر وی

اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم

امام باقر (ع): .. > اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم < حین أیتمت من ابیها.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۴۷؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۹۲، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۵ - ۱۵

۱۵ خداوند مریم را آگاه ساخت که فرزندی بدون پدر خواهد آورد .

إِنَّ اللَّهَ يَبْشُرُكَ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ .. .

چون معمولاً فرزند را به پدر نسبت می دهند، خداوند با نسبت دادن عیسی (ع) به مادر (عیسی ابن مریم)، به مریم تفهیم کرد که فرزندش بدون پدر زاده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۶ - ۲

۲ بشارت خدا به مریم ، در مورد زنده ماندن عیسی (ع) تا میانسالی

بیشرک .. و یکلم الناس ... و کهلا

<کهل> به معنای میانسالی است. (مجمع البیان)

آثار اجتماعی ازدیاد زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - افزایش نامتعادل تعداد زنان بر مردان در یک جامعه ، در پی دارنده ضعف و زبونی آن

يستضعف طائفه منهم .. و يستحيى نساءهم

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، زنده گذاشته شدن دختران بنی اسرائیل را، یکی دیگر از نمودهای زبون سازی فرعون به شمار آورده است.

۱۳ - تفرقه میان مردم و افزایش بسیار و نامتعادل زنان بر مردان در یک جامعه ، از عوامل فساد و تباهی آن جامعه و مردم

جعل أهلها شیعاً يستضعف طائفه منهم یدبّح أبناءهم و يستحيى نساءهم إنّه کان من المف

آثار اذیت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۶، ۴، ۲، ۱

۱ - تداوم تعرض به زنان مسلمان ، از سوی منافقان ، باعث اجرای حکمی سخت درباره آنان و آواره شدن شان همراه با لعن

خدا می شد .

لئن لم ينته المنفقون .. لنغريتك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً. ملعونين

<ملعونين > حال برای

ضمیر فاعلی <لایجاورون> است.

۲- تداوم آزار و اذیت زنان مسلمان، از سوی بیماردلان، موجب سخت گیری پیامبر (ص) بر آنان، در حد آواره سازی همراه با لعن خدا می شد.

لئن لم ینته .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغریبک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ

۴- منافقان آزاردهنده زنان مسلمان، در صورت تداوم کردار زشت خود، مهدورالدم بوده و در هر کجا که یافته شوند، باید به قتل برسند.

لئن لم ینته المنفقون .. لنغریبک بهم ... اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا تفتیلاً

<ثقف> (مصدر <ثقفوا>) به معنای <مهارت در درک و انجام دادن کار> است (مفردات راغب). در آیه، این واژه به معنای <به دست آوردن و دستیازی> استعمال شده است.

۶- بیماردلانی که اقدام به فساد و آزار زنان می کنند، در صورت ادامه کار خود، محکوم به قتل اند.

لئن لم ینته .. و الذین فی قلوبهم مرض ... ملعونین اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا

۷- ادامه دهندگان به فساد در جامعه، با آزار و اذیت زنان مؤمن، هیچ محل امنی ندارند و باید به قتل برسند.

لئن لم ینته المنفقون و .. لنغریبک بهم ... ملعونین اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا

<أین> مفید عموم است و شامل همه جا می شود و از آن، جایی استثنا نشده است.

آثار ازدیاد زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۵

۱۵- نظام اجتماعی ظالمانه، همچون نظام استبدادی فرعون، از ظلمتهاست.

أخرج قومک من الظلمت إلی

النور .. إذ أنجكم من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب

آثار ایمان زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - خطر آفرین نبودن ایمان دختران بنی اسرائیل به آیین موسی ، برای حکومت و اقتدار فرعونیان

و استحيوا نساءهم

فرمان زنده نگه داشتن دختران مؤمنان به موسی(ع) علی رغم فرمان عمومی کشتار فرزندان آنان می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

آثار بیعت زنان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۸

۱۸ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، در دعا برای زنان بیعت کننده با آن حضرت و آمرزش خواهی برای آنان

و استغفر لهنّ الله

آثار عفت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۵

۵ - عفت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

التي أحصنت فرجها

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

آثار مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

آمرزش زنان انفاقگر

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۹

۱۹ - مردان و زنان صدقه پرداز ، مورد مغفرت خداوندند .

و المتصدقين و المتصدقات .. أعد الله لهم مغفرة

آمزش زنان اهل تسليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱،۳

۱ - مردان و زنانی که در برابر خداوند ، سر تسليم فرود می آورند ، از آمزش خداوند برخوردارند .

إن المسلمين و المسلمات .. أعد الله لهم مغفرة

بنابراین که <مسلمین> از ریشه لغوی آن (سلم) و به همان معنای لغوی اش باشد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

۳ - مردان و زنان مسلمان ، مشمول آمزش و غفران الهی اند .

إن المسلمين و المسلمات .. أعد الله لهم مغفرة

بنابراین احتمال که مراد از <المسلمین> معنای اصطلاحی آن یعنی، گرویدگان به دین اسلام باشد، نکته یاد شده، استفاده می شود.

آمزش زنان خاشع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ - مردان و زنان فروتن ، از آمزش خداوند ، برخوردار خواهند بود .

و الخشعين و الخشعات .. أعد الله لهم مغفرة

آمزش زنان خاضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۹

۹ - مردان و زنان مطیع و خاضع ، از آمرزش خداوند برخوردارند .

و القنتین و القنتت .. أعدّ الله لهم مغفرة و أجرًا عظیمًا

<قانت> از مصدر <قنوت> است. <قنوت> در لغت، به معنای <اطاعت خاضعانه> است (مفردات راغب).

آمرزش زنان ذاکر

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۷

۲۷ - مردان و زنانی که زیاد به یاد خداوندند ، از آموزش او ، بهره مند خواهند بود .

و الذکرین اللّٰه کثیرًا و الذکرت أعدّ اللّٰه لهم مغفره

آمزش زنان روزه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۱

۲۱ - مردان و زنان روزه گیر ، مشمول آموزش خداوندند .

و الصّٰمین و الصّٰمّت .. أعدّ اللّٰه لهم مغفره

آمزش زنان صابر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۴

۱۴ - خداوند ، مردان و زنان شکييا را از آموزش خود ، برخوردار می کند .

و الصّٰبرین و الصّٰبرّت .. أعدّ اللّٰه لهم مغفره

آمزش زنان صادق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - مردان و زنان صداقت پیشه ، از آموزش خداوند برخوردارند .

و الصّٰدقین و الصّٰدقّت .. أعدّ اللّٰه لهم مغفره

آمزش زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۴

۲۴ - مردان و زنان با عفت و پاکدامن ، مشمول آموزش خداوندند .

و الحفظین فروجهم و الحفظت .. أعدّ الله لهم مغفرة

آمزش زنان متذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۹

۲۹ - مردان و زنانی که به فراوانی خداوند را برای دیگران یادآوری می کنند از آموزش خداوند بهره مند خواهند بود .

و الذکرین

اللّٰهُ كَثِيْرًا وَّ الذِّكْرُتْ اَعَدَّ اللّٰهُ لِهَمْ مَغْفِرَه

<ذکر> (مصدر <ذاکر>) به دو معنا آمده است: یکی، به خاطر سپردن، و دیگری، بر زبان آوردن (مفردات راغب). احتمال دارد که مراد از ذکر زبانی، یادآوری برای دیگران باشد.

آمرزش زنان مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۳،۵

۳ - مردان و زنان مسلمان ، مشمول آمرزش و غفران الهی اند .

إِنَّ الْمُسْلِمِيْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ .. أَعَدَّ اللّٰهُ لِهَمْ مَغْفِرَه

بنابراین احتمال که مراد از <المسلمین> معنای اصطلاحی آن یعنی، گرویدگان به دین اسلام باشد، نکته یاد شده، استفاده می شود.

۵ - مردان و زنان مؤمن ، مشمول آمرزش خداوندند .

إِنَّ .. وَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ... أَعَدَّ اللّٰهُ لِهَمْ مَغْفِرَه

آمرزش زنان مطیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۹

۹ - مردان و زنان مطیع و خاضع ، از آمرزش خداوند برخوردارند .

وَ الْقَتِيْنِ وَ الْقَتِيْنَاتِ .. أَعَدَّ اللّٰهُ لِهَمْ مَغْفِرَه وَ أَجْرًا عَظِيْمًا

<قانت> از مصدر <قنوت> است. <قنوت> در لغت، به معنای <اطاعت خاضعانه> است (مفردات راغب).

اباحه غنیمت زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - به غنیمت گرفتن زنان کافر، در شرایطی خاص، مباح است.

إِنَّا أَهْلْنَا لَكُمْ .. مَا مَلَكَت يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ

مراد از <ملکک یمین> کنیزانی بوده اند که از دشمن به اسارت درمی آمدند. این که خداوند آنان را برای پیامبر(ص) حلال دانسته، فرع بر جایز بودن اصل آن است.

احترام زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۹

۹ - حجاب و پوشش مناسب ، دژ مستحکمی برای حفظ زنان مؤمن است .

قل . . . یدنین علیهنّ من جلیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین

احکام زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۶

۲۶ - احکام مربوط به زنان مهاجر و زنان کافر ، احکامی الهی و لازم الاجرا است .

ذلکم حکم اللّٰه یشکم بینکم

مشارالیه <ذلک>، مجموع احکام مطرح شده در آیه شریفه است که مربوط به زنان مهاجر و کافر می باشد.

احکام زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۶

۲۶ - احکام مربوط به زنان مهاجر و زنان کافر ، احکامی الهی و لازم الاجرا است .

ذلکم حکم اللّٰه یشکم بینکم

مشارالیه <ذلک>، مجموع احکام مطرح شده در آیه شریفه است که مربوط به زنان مهاجر و کافر می باشد.

اذیت زنان گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۵

۵- آزار و اذیت مردان و زنان مؤمن ، در قبال گناه شان ، منعی ندارد .

و الذین یؤذون المؤمنین .. بغیر ما اکتسبوا

قید <بغیر ما اکتسبوا> احترازی است و مفهوم اش این است که در صورت ارتکاب جرم و گناه، آزار و اذیت با رعایت شرایط جایز است.

اذیت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۳،۱۰

۳ - آزار

و اذیت مردان و زنان مؤمن بی گناه ، گناه بوده و باید از آن اجتناب کرد .

و الذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات .. فقد احتملوا...إثمًا مبینًا

۱۰ - آزاردهندگان مردان و زنان مؤمن ، مورد تهدید خداوندند .

و الذین یؤذون المؤمنین .. فقد احتملوا ... إثمًا مبینًا

گناه معرفی کردن آزار و اذیت مؤمنان، هشدار به افراد اذیت کننده است تا مواظب کار خود باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱،۲،۳

۱ - هشدار شدید خداوند ، به منافقان مدینه ، برای پرهیز از آزار و اذیت زنان مسلمان

لئن لم ینته المنفقون .. لنغریبنک بهم

مفعول فعل <ینته> ذکر نشده و به قرینه آیه پیش می تواند آزار و اذیتی باشد که درباره زنان مسلمان روا داشته می شد. لازم به ذکر است که مصدر ثلاثی <نغریبن> ، <غراء> است و <غری به> در لغت به معنای <الصاق و چسباندن> است (مفردات راغب). این واژه در آیه، کنایه از تسلط همه جانبه و سخت و گریزناپذیر است.

۲ - منافقان ، در مدینه ، فعال بودند و زنان مسلمان را مورد تعرض و مزاحمت قرار می دادند .

لئن لم ینته المنفقون .. لنغریبنک

۳ - افرادی ضعیف الایمان و بیمار دل ، در مدینه بودند که متعرض زنان مؤمن می شدند .

لئن لم ینته .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغریبنک بهم

اذیت زنان مؤمن در مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱۱

۱۱ - در عصر پیامبر افرادی بودند که مزاحم زنان مسلمان

مدینه می شدند .

ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِينَ

اذیتهای منافقان به زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۱،۴

۱ - تداوم تعرض به زنان مسلمان ، از سوی منافقان ، باعث اجرای حکمی سخت درباره آنان و آواره شدن شان همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ينته المنافقون .. لنغريبنك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً. ملعونين

<ملعونين> حال برای ضمیر فاعلی <لا يجاورون> است.

۴ - منافقان آزاردهنده زنان مسلمان ، در صورت تداوم کردار زشت خود ، مهدورالدم بوده و در هر کجا که یافته شوند ، باید به قتل برسند .

لئن لم ينته المنافقون .. لنغريبنك بهم ... أينما ثقفوا أخذوا و قتلوا تفتيلاً

<ثقف> (مصدر <ثقفوا>) به معنای <مهارت در درک و انجام دادن کار> است (مفردات راغب). در آیه، این واژه به معنای <به دست آوردن و دستیازی> استعمال شده است.

ارزش عمل زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنات .. أولئك سيرهم الله

ازدواج با زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده ، تنها با زنان ناپاک و آلوده
حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عقیف ،

ممنوع است .

الخیث للخیثین و الخیثون للخیث

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: ۱- مقصود از <الخیثات> و <الخیثین> با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. ۲- آیه شریفه همانند آیه <الزانی لاینکح إلاّ زانیه...> در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

ازدواج با زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۲،۵،۶

۲ - زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده ، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عقیف ، ممنوع است .

الخیث للخیثین و الخیثون للخیث

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: ۱- مقصود از <الخیثات> و <الخیثین> با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. ۲- آیه شریفه همانند آیه <الزانی لاینکح إلاّ زانیه...> در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

۵ - زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان

نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

۶- زنان پاکدامن و منزله از فحشا ، تنها با مردان پاکدامن ، و مردان پاکدامن و منزله از فحشا ، تنها با زنان پاکدامن حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، ممنوع است .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

ازدواج با زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۰ - ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸

۱۵ - ازدواج پیامبر (ص) با دختر عمو های خود که مهاجرت کرده بودند ، جایز و روا بود .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ .. وَ بَنَاتِ عَمِّكَ ... الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ

قید <اللاتی هاجرن معک> قید احترازی است و غیر مهاجرها را از حکم بیرون می کند.

۱۶ - ازدواج پیامبر (ص) با دختر عمه هایش که مهاجرت کرده بودند روا بود .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ .. وَ بَنَاتِ عَمِّكَ

۱۷ - ازدواج حضرت رسول (ص) با دختر دایی هایش که مهاجرت کرده بودند ، روا بود .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ .. وَ بَنَاتِ خَالِكَ

۱۸ - ازدواج حضرت رسول (ص) با دختر خاله هایش که مهاجرت کرده بودند ، روا بود .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ .. وَ بَنَاتِ خَلْتِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - جواز همسری مؤمنان ، با زنان مؤمن مهاجر گریخته از همسران کافر خویش

و لاجنّاح عليكم أنّ تنكحوهنّ

استثمار زنان بني اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۸

۸ - استعمار زنان بنی اسرائیل ، هدف فرعونیان از زنده نگاه داشتن ایشان *

یسومونکم سوءالعذاب . . . و یستحیون نساء کم

استعمار زنان، توجیه دیگری است بر اینکه، چرا زنده گذاشتن زنان به عنوان یک عذاب مطرح شده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۹

۹ استعمار زنان بنی اسرائیل هدف فرعونیان از زنده نگاه داشتن ایشان *

یسومونکم سوءالعذاب . . . یستحیون نساء کم

استعمار زنان، توجیه و احتمال دیگری است بر اینکه چرا زنده گذاشتن زنان به عنوان یک عذاب مطرح شده است.

استحیای زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۵۸، ۴

۴ - فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را سر می بریدند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یذبجون ابناء کم و یستحیون نساء کم

<ذبح> به معنای سربریدن است و <تذبیح> (مصدر یذبجون از باب تفعیل) از کثرت سربریدن حکایت دارد. <إستحیاء> (مصدر یستحیون) به معنای باقی گذاردن بر حیات و زندگانی است.

۵ - کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوءالعذاب یذبجون ابناء کم و یستحیون نساء کم

جمله <یذبجون . . . > می تواند تفسیر جمله قبل باشد، یعنی، منظور از <سوءالعذاب> همان سربریدن پسران و باقی گذاشتن زنان است و نیز می تواند بیان مصداق بارزی از آن باشد، یعنی، فرعونیان عذابهایی بر بنی اسرائیل تحمیل می کردند

که از آن جمله سریریدن فرزندان و ... می باشد. بر این مبنا ذکر به خصوص عذاب یاد

شده، به خاطر شدت آن بوده است.

۸ - استعمار زنان بنی اسرائیل ، هدف فرعونیان از زنده نگاه داشتن ایشان *

یسومونکم سوءالعذاب . . . و یستحیون نساء کم

استعمار زنان، توجیه دیگری است بر اینکه، چرا زنده گذاشتن زنان به عنوان یک عذاب مطرح شده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ فرعون با پذیرش پیشنهاد اشرافیان (سرکوبی موسی (ع) و قوم او) بر کشتار وسیع پسران بنی اسرائیل و زنده نگاه داشتن زنانشان مصمم شد .

قال سنقتل أبناءهم و نستحی نساءهم

تقتیل (مصدر تقتل) به معنای کشتار وسیع است. <استحیاء> از ماده <حیات> به معنای زنده نگاه داشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۶،۷،۹

۶ فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را می کشتند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یقتلون أبناء کم و یستحیون نساء کم

<تقتیل> (مصدر یقتلون) به معنای کثرت کشتار است و <استحیاء> به معنای باقی گذاردن بر زندگانی است.

۷ کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوءالعذاب یقتلون أبناء کم و یستحیون نساء کم

جمله <یقتلون أبناء کم و یستحیون نساء کم> می تواند تفسیر جمله قبل باشد ؛ یعنی منظور از <سوءالعذاب> همان کشتار فرزندان و باقی گذاشتن زنان است. همچنین می تواند بیان مصداقی از آن باشد ؛ یعنی فرعونیان عذابهایی بر شما تحمیل کردند ؛ از جمله کشتار فرزندان و زنده گذاشتن زنان. بر این مبنا ذکر ویژه دو عذاب یاد شده، به سبب شدت بیشتر آن

بوده است.

۹ استعمار زنان بنی اسرائیل هدف فرعونیان از زنده نگاه داشتن ایشان *

یسومونکم سوء العذاب .. یستحیون نساء کم

استعمار زنان، توجیه و احتمال دیگری است بر اینکه چرا زنده گذاشتن زنان به عنوان یک عذاب مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۷، ۱۴، ۱۳

۱۳- سر بریدن پسران و زنده نگه داشتن زنان بنی اسرائیل، بدترین نوع تحمیل شکنجه و آزار از سوی فرعونیان به آنان

یسومونکم سوء العذاب و یذبّحون أبناء کم و یستحیون نساء کم

آوردن <یذبّحون أبناء کم و یستحیون نساء کم> پس از <یسومونکم> می تواند جمله تفسیری برای آن باشد. در این صورت، این دو مورد، شرح شکنجه ها و رفتارهای ظالمانه آل فرعون است.

۱۴- فزونی چشمگیر زنان بر مردان در جامعه و بر هم خوردن اعتدال جمعیتی، مایه پدید آمدن مشکلات اجتماعی آزار دهنده برای زنان

یستحیون نساء کم

اینکه خداوند برای شکنجه های آل فرعون، کشتن پسران و زنده نگه داشتن زنان را برشمرده است، امکان دارد بدین علت باشد که چنین عملی، تعادل جمعیت را بر هم می زند و در نتیجه جمعیت زنان افزونی پیدا می کند و این خود شکنجه ای آزار دهنده برای مردم است.

۱۷- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان، آزمایش بزرگ الهی از آنان بود.

إذ أنجکم من آل فرعون .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> نجات بنی اسرائیل به وسیله خداوند از اعمال ظالمانه فرعونیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ -

۹ - زنده گذاشتن دختران مؤمنان علی رغم کشتار پسران آنان اقدام بی رحمانه دیگر فرعون ، هامان و قارون علیه موسی (ع) و بنی اسرائیل بود .

و استحووا نساءهم

استخوانهای پشت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۱،۲

۱ - محل پیدایش نطفه مرد (منی) ، بین تیره پشت و استخوان های قفسه سینه قرار دارد .

یخرج من بین الصلب و الترائب

<صلب>؛ استخوانی است که از قسمت بالای پشت، نزدیک گردن شروع شده و تا دنبالچه (که جای آن در انسان در جایگاه دم در حیوانات است) ادامه یافته است (قاموس). <تربیه> (مفرد <ترائب>)؛ یعنی، بالاترین استخوان قفسه سینه که زیر چانه قرار گرفته است (نهایه ابن اثیر). تمام اهل لغت آن را جای گردن بند از قفسه سینه می دانند (لسان العرب). برخی آن را به تمام استخوان های قفسه سینه و گروهی به چهار استخوان از سمت راست و چهار استخوان از سمت چپ اطلاق می کنند (قاموس). خروج نطفه از آن محل، ممکن است به اعتبار تغذیه کیسه منی از آن جا باشد.

۲ - بین استخوان های قفسه سینه و تیره پشت مردان و زنان ، جایگاه خروج عنصر تشکیل دهنده جسم انسان است . *

یخرج من بین الصلب و الترائب

چنانچه مراد از <ماء دافق> در آیه قبل، نطفه مرد و تخمک زن باشد، مفاد این آیه نیز مشترک خواهد بود.

استخوانهای سینه زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۲

۲ - بین استخوان های قفسه

سینه و تیره پشت مردان و زنان ، جایگاه خروج عنصر تشکیل دهنده جسم انسان است . *

یخرج من بین الصلب و الترائب

چنانچه مراد از <ماء دافق> در آیه قبل، نطفه مرد و تخمک زن باشد، مفاد این آیه نیز مشترک خواهد بود.

استرداد زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲

۲ - عدم شمول < عهدنامه حدیبیه > نسبت به بازگرداندن زنان مؤمن مهاجر ، به اهل مکه

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَ كُمُ الْمُؤْمِنَاتُ

از شأن نزول استفاده می شود که آیه شریفه، به مضمون پیمان حدیبیه نظر دارد. طبق این پیمان مؤمنان مدینه ملزم بودند تا کسانی که پس از آن تاریخ، از مکه به مدینه هجرت می کنند، به مکیان عودت دهند.

استقامت زنان مؤمن دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۸

۸ - پایداری برخی از زنان مؤمن تا نیل به شهادت ، در عهد اصحاب اخدود

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

افساد زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۱۱، ۶

۶ زنان در پیدایش روابط نامشروع جنسی و انحرافات اخلاقی ، نقشی عمده و بسزا دارند .

إنه من كيدكن

برداشت فوق ، با توجه به این احتمال است که ضمیر در <ینه> به مرأوده وصال که از <هی رودتنی .. > به دست می آید باز گردد.

۱۱ حیلہ و مکر ، از ابزار های زنان برای ایجاد فساد و انحراف

ینه من کید کنّ

اقرار زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

فلما رأينه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

امتحان زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱

۱ - رهنمود الهی به مؤمنان عصر پیامبر، در آزمودن ایمان زنان مهاجر، قبل از پناه دادن به ایشان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَ كُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مَهْجِرَاتٍ فَامْتَحِنوهُنَّ

شأن نزول آیه شریفه، راجع به هجرت زنان از مکه به مدینه است.

انحرافات اخلاقی زنان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - شرک، سرقت، زنا، فرزندکشی، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش

از اسلام

أَنْ لَا يَشْرِكْنَ... لَا يَسْرِقْنَ... لَا يَزْنِينَ... وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده؛ بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب

جاهلی است.

انحرافات اعتقادی زنان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أَنْ لَا يَشْرِكْنَ ... لَا يَسْرِقْنَ ... لَا يَزْنِينَ ... وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده، بیانگر

وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

بارداری زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۹

۹ - احاطه علمی خداوند بر باردار شدن زنان و نیز بر نوزادان آنها

و ما تحمل من أنثی و لاتضع إلا بعلمه

بازجویی از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲،۳،۱

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکتنّ

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه .. قال ما خطبکتنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلك ليعلم أنى لم أئنه بالعب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <يعلم> و <لم أئنه> به <ملك> باز گردد.

ببعت زنان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فبش

۱۸ - ممتحنه -

۱ - فرمان خداوند به پیامبر (ص)، در پذیرش بیعت زنان گرویده به ایمان و پایبند به لوازم آن

يَأَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ... فَبَايِعْهُنَّ

۲۷ - > عن أبي عبد الله (ع) قال: لَمَّا فَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ مَكَةَ بَايَعَ الرِّجَالَ ثُمَّ جَاءَ النِّسَاءَ يَبَايِعُهُنَّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ > يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ... فَبَايِعْهُنَّ <... فَقَالَتْ أُمُّ حَكِيمٍ: ... يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ نَبَايِعُكَ؟ قَالَ: إِنِّي لَا أَصَافِحُ النِّسَاءَ فِدْعًا بِقَدْحٍ مِنْ مَاءٍ فَأَدْخِلْ يَدَهُ ثُمَّ أَخْرِجْهَا فَقَالَ أَدْخِلْنِ أَيْدِيَكُنَّ فِي هَذِهِ الْمَاءِ فَهِيَ الْبَيْعَةُ ۚ

از امام صادق (ع) روایت شده است: هنگامی که رسول خدا (ص) مکه را فتح کرد، مردان با آن حضرت بیعت کردند. سپس زنان آمدند تا بیعت کنند. خدای عزوجل این آیه را نازل فرمود (یا ایها النبئی إذا جائتک المؤمنات... فبایعهن...) ... زنی به نام ام حکیم گفت: ... ای رسول خدا! چگونه بیعت کنیم؟ حضرت فرمود: من با زنان مصافحه نمی کنم و قدحی از آب خواست و دست خود را در آب فرو برد و بیرون آورد و فرمود: دست های خود را در این آب فرو برید و همین بیعت است <.

بینش زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۸

۸ شیفته غلام زر خرید شدن و تقاضای کام روایی از او، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه زنان اشراف و همپالگی های زلیخا

قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرِيهَا فِي ضَلَلٍ مُّبِينٍ

هدف زنان اشراف از یاد

کردن یوسف (ع) به عنوان <برده و جوانک زلیخا>، خرده گرفتن بر اوست که چرا به غلام زرخرید عشق میورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۳، ۲۴

۲۳ زنان اشراف ، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند .

إِن هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

۲۴ زنان ملامت کننده زلیخا ، با مشاهده یوسف (ع) ، زلیخا را در عشقش محق دانستند .

فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ .. . إِن هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۷

۷ یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قَلْنَ حَشَّ لَللّٰهِ

پاداش اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۵

۵ - پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت ، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است .

وَمَنْ عَمِلْ صَالِحًا .. يَرْزُقُونَ فِيهَا بغير حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد گویای حقیقت یاد شده است.

پاداش اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و

هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغي

پاداش زنان انفاقگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۰

۲۰ - مردان و زنان صدقه پرداز ، از پاداش عظیم الهی برخوردارند .

و المتصدقين و المتصدقات .. أعد الله لهم ... أجرًا عظيمًا

پاداش زنان اهل تسلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲

۲ - مردان و زنانی که در برابر فرمان خدا تسلیم اند ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

إن المسلمين و المسلمات .. أعد الله لهم مغفرة و أجرًا عظيمًا

پاداش زنان خاشع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۷

۱۷ - مردان و زنان فروتن ، از پاداشی عظیم برخوردارند .

و الخشعين و الخشعات .. أعد الله لهم ... أجرًا عظيمًا

پاداش زنان خاضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - مردان و زنان مطیع و خاضع ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

و القنتین و القنتت .. . أعدّ الله لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش زنان ذاکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۸

۲۸ - مردان و زنانی که زیاد از خداوند یاد می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین الله کثیرًا و الذکرت أعدّ الله لهم .. . أجرًا عظیمًا

پاداش زنان روزه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب

۲۲ - مردان و زنان روزه گیر ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصّٰمِیْن و الصّٰمِیْمَت .. اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُم ... اَجْرًا عَظِیْمًا

پاداش زنان صابر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - مردان و زنان شکّیا ، از پاداشی با عظمت برخوردارند .

و الصّٰبِرِیْن و الصّٰبِرَت .. اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُم ... اَجْرًا عَظِیْمًا

پاداش زنان صادق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - مردان و زنان صداقت پیشه ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصّٰدِقِیْن و الصّٰدِقَت .. اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُم ... اَجْرًا عَظِیْمًا

پاداش زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۳

۳ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

مَنْ عَمِلَ صٰلِحًا مِّنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰی و هُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰٓئِكَ یَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ

پاداش زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۵

۲۵ - مردان و زنان عقیف ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الحفظین فروعهم و الحفظت . . أعدّ الله لهم... أجرًا عظیمًا

پاداش زنان متذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۳۰

۳۰ - مردان و زنانی که یاد خداوند را در دل ها زنده می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین الله کثیرًا و الذکرت أعدّ الله لهم . .

أَجْرًا عَظِيمًا

پاداش زنان مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۴

۴ - مردان و زنان مسلمان ، از پاداش بزرگ الهی برخوردارند .

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

پاداش زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۶

۶ - مردان و زنان با ایمان ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

إِنَّ ... وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۳

۳ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۵

۵ - همسانی زنان و مردان مؤمن ، در بهرهوری از ثمرات ایمان خود و پاداش های الهی

لیدخل المؤمنین و المؤمنات جنت

قرار گرفتن وصف <المؤمنات> در کنار <المؤمنین>، می رساند که زنان و مردان در ره یابی به بهشت جاودان همسان اند.

پاداش عمل زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنات .. أولئك سيرحمهم الله

پادشاه مصر و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکَنّ

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبکَنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکَنّ...> یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

پذیرایی از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۶،۷

۶ زلیخا به هر یک از زنان دعوت شده ، کاردی برای استفاده از خوردنی ها داد .

و ءات کل وحده منهنّ سکینًا

۷ زلیخا خود ، آرایش دهنده مجلس ضیافت و پذیرایی کننده از زنان اشراف بود .

و أعتدت لهنّ متکئا و ءات کل وحده منهنّ سکینًا

ضمیر در <أعتدت> و <آتت> به <امرات العزیز> برمی گردد. بنابراین ظاهر این است که او خود

به انجام آن کارها پرداخته بود و گرنه فعلهای مذکور به صورت مجهول (أُعْتِد) و (اوتیت) آورده می شد.

تحقیر زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۷

۷ - جواز تحقیر زنان کافر و مؤذی و به کار بردن کلمات ناهنجار درباره آنان

حَمَّالَةَ الْحَطَبِ

تساوی زن و مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۴

۴ - زنان مؤمن ، دارای موقعیتی همسان مردان مؤمن اند .

و الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ .. فَقَدْ اِحْتَمَلُوا بِهْتَنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۳،۴

۳ زنان و مردان ، همسان در بهره مندی از پاداش ایمان و عمل صالح خویش

و من يعمل من الصلحت من ذكر او انثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

۴ ایمان و عمل صالح ، معیار ارزش انسانهاست ؛ نه جنسیت ایشان .

و من يعمل من الصلحت من ذكر او انثى و هو مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۳

۳ همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ٧١ - ٢٢

٢٢ ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنت .. أولئك سيرحمهم الله

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنت تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۳

۳- زن و مرد ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی و فاقد کمترین تمایز در انسانیت

و الله جعل لکم من أنفسکم أزواجًا

این برداشت به خاطر این است که همه انسانها اعم از مرد و زن مخاطب <أنفسکم> قرار گرفته اند و همه آنها دارای جان و روح واحدی شمرده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۲

۲- تساوی زن و مرد در برخورداری از پاداش های الهی و بهره مندی از حیات پاکیزه و دلپذیر

من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۴

۴- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائة جلده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۹ - ۴

۴ - تساوی شرایط ، آداب و آثار گواهی و سوگند مرد و زن در اثبات و یا رد لعان

والخمسه أن لعنت الله عليه .. والخمسه أن غضب الله عليها إن كان من الصدقي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۵

۵ - زنان

نیز همچون مردان ، زمینه دار دستیابی به مقامات بالای معنوی

و أوحينا إلى أم موسى أن أرضعيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۲،۳

۲ - زنان ، همسان با مردان ، خلق شده اند .

أن خلق لكم من أنفسكم أزوجًا

از قید <من أنفسکم> استفاده می شود که خلق زنان، همسان مردان است.

۳ - زنان و مردان ، از یک جنس آفریده شده اند .

أن خلقكم من تراب .. خلق لكم من أنفسكم أزوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۷

۷ - جنسیت زن و مرد ، در برخورداری از آموزش و پاداش الهی ، دخالتی ندارد .

إنّ المسلمين و المسلمت و المؤمنین و المؤمنت .. أعدّ الله لهم مغفره و أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۶

۶ - زنان ، مستقل از مردان ، دارای مسؤولیت اند و به آنان نیز مانند مردان ، امانت الهی عرضه شده است .

إنّا عرضنا الأمانه .. ليعذب الله المنفقين و المنفقت و المشركين و المشركت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۲ - ۴

۴ - همانندی و یک سانی مجازات و کیفر زنان و مردان مشرک و کافر در قیامت

احشروا الذين ظلموا و أزوجهم

برداشت یاد شده از آن جا است که اختصاص به ذکر یافتن <ازواج> (همسران)، می تواند برای از بین بردن این توهم باشد که زنان مشرک و کافر از کیفر الهی معاف اند.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۳ - ۲

۲ - فرزند پسر و دختر برابرنند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند .

أصطفى البنات على البنين

همزه در <أصطفى> برای استفهام انکاری است و انکار برگزیدن دختر به جای پسر، انکار اصل برتری پسر بر دختر و دختر بر پسر نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۴

۴ - زنان چونان مردان ، بی هیچ امتیاز و تبعیضی ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی اند .

خلقكم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۸،۹

۸ - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغى

۹ - برابری ارزش کارها و رفتار زنان و مردان

و من عمل صلحًا من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۶

۶ - همسانی مرد و زن در حقیقت انسانیت

جعل لكم من أنفسكم أزواجًا

ذکر <من أنفسکم> بیانگر آن است که زن و مرد از یک حقیقت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۷،۹

۷ - دختر و پسر ، هر دو هدیه الهی به انسان ها

یهب لمن یشاء إنثًا و

یهب لمن یشاء الذکور

۹- تمایز میان دختر و پسر، مخالف اندیشه دینی است.

یهب لمن یشاء إنثاً و یهب لمن یشاء الذکور

تقدیم <إنثاً> بر <الذکور> علاوه بر رعایت فاصله و سجع، می تواند به منظور نفی اندیشه جاهلیت در مورد دختران باشد (که پسران را بر دختران ترجیح می دادند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۱۲

۱۲- ایمان، ملاک ارزش و ارجمندی انسان، بی هیچ تفاوت میان مردان و زنان

و استغفر... و للمؤمنین و المؤمنات

قرار گرفتن <مؤمنات> در کنار <مؤمنین> و یاد کردن از آن دو با وصف ایمان، می رساند که تمام ارزش و ارجمندی آنان، بر محور ایمان است و در این راستا هر دو مشمول دعای پیامبر(ص) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۵

۵- همسانی زنان و مردان مؤمن، در بهره‌وری از ثمرات ایمان خود و پاداش های الهی

لیدخل المؤمنین و المؤمنات جنت

قرار گرفتن وصف <المؤمنات> در کنار <المؤمنین>، می رساند که زنان و مردان در ره یابی به بهشت جاودان همسان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۴

۴- تساوی مردان و زنان، در ابتلا به نتایج نفاق و شرک خویش

و یعدّب المنفقتین و المنفقت و المشرکین و المشرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶- زنان و مردان مؤمن ، دارای ارج و حرمتی همانند

و لولا رجال مؤمنون و

نساء مؤمنت .. آن تطوهم

از این که خداوند، <مؤمنات> را در کنار <مؤمنون> یاد کرده و حفظ خون و حرمت آن دو را عامل بازداشتن مؤمنان از توسل به قهر برای ورود به مکه معرفی کرده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۷

۷ - ارزش ها و ضوابط اخلاقی ، عام و فراگیر نسبت به زنان و مردان

لایسخر قوم من قوم .. و لا نساء من نساء

واژه <قوم>، نزد برخی اهل لغت تنها شامل مردان است و برخی دیگر آن را شامل مرد و زن می دانند. در دیدگاه دوم، مجزاً آمدن <و لا نساء>، در واقع تأکیدی است بر این که زنان نیز چون مردان، در ارزش ها و تکالیف اخلاقی سهیم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۸

۸ - تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت .. بشریکم الیوم جنّت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۶

۶ - تساوی مردان و زنان در عرصه قیامت ، از نظر کیفر و عذاب و محرومیت از ثواب ها و بهره های اخروی

یوم یقول المنفقون و المنفقت للذین ءامنوا انظرونا نقتبس من نورکم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، دارای استعداد و شایستگی های لازم برای الگو شدن و دستیابی به اوج قلّه کمال

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا امرأت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۳

۳ - تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسن .. ألم یک نطفه من منی یمنی ... فجعل منه الزوجین الذکر و الأنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۹

۹ - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنت .. فلهم عذاب جهنم

تعجب زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۹

۹ عشق زلیخا به یوسف (ع) ، علی رغم همسری او برای عزیز مصر ، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد .

امرات العزیز ترود فتیها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان <همسر عزیز مصر>، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست ، یعنی،

مراوده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۵،۱۷

۱۵ زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع)، حیرت زده و مدهوش شدند.

فلما رأينه أكبرنه و قَطَّعن أیدیهنَّ

<إكبار> (مصدر اکبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

۱۷ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع)، به جای خوردنیها، کارد بر دست های خویش نهاده، آن را چاک چاک کردند.

فلما رأينه أكبرنه و قَطَّعن أیدیهنَّ

استفاده از ماده <قطع> که به معنای بریدن و جدا ساختن است در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قَطَّعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

تنزیه زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - زنان و مردان نیک سرشت و نیک کردار، از نسبت های ناروای افراد خبیث و بدخواه در باره آنان، منزّه و پیراسته اند.

للخیشین .. لللطیین ... أولئک مبرءون ممّا یقولون

مشارالیه <أولئک> <طیین> (مردان و زنان نیک و پاکدامن) است و مرجع ضمیر <یقولون>، <خیشین> (مردان و زنان خبیث) می باشد.

تهمت به زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۱،۲

۱ - کسانی که با مردان و زنان مؤمن بی گناه ، نسبتی ناروا بدهند ، زیر بار بهتان رفته اند .

و الذين يؤذون المؤمنين و المؤمنات بغير ما اكتسبوا

۲ - نسبت ناروا به مردان و زنان مؤمن بی گناه ، آزار و اذیت آنان و گناه است .

و الذين يؤذون المؤمنين و المؤمنات بغير ما اكتسبوا فقد احتملوا .. إثمًا مبینًا

به قرینه <فقد احتملوا بهتناً> مراد از آزار و اذیت مؤمنان، تهمت زدن و نسبت ناروا دادن به آنها است.

جبران مهریه زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۸

۸ - > عن یونس عن أصحابه عن أبی جعفر (ع) و أبی عبد الله (ع) قال : قلت : . . . و قد قال الله عزوجل فی کتابه > و إن فاتکم شیء من أزواجکم إلى الکفار فعاقبتم . . . < ما معنی العقوبه هاننا ؟ قال : إن الذی ذهبت إمرأه فعاقب علی إمرأه أُخری غیرها یعنی تزوّجها [بعقب] . . . فعلى الإمام أن يعطيه مهر إمرأه الذاهبه ;

از یونس از اصحابش از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) روایت شده که گفت: به امام(ع) عرض کردم: .. خداوند عزوجل فرموده است: <و إن فاتکم شیء من أزواجکم إلى الکفار فعاقبتم> مراد از این عقوبت در این جا چیست؟ امام فرمود: مردی که همسرش از دست او رفته [و به کفار ملحق شده] و در پی آن همسر دیگری اختیار کرده ... برعهده امام است که مهر زنی را که رفته به آن مرد بپردازد [و معنای] <عاقبتم> یعنی پس از رفتن آن زن، همسر دیگری گرفته باشد.<

حجاب زنان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - استفاده از روسری ، بدون پوشاندن گلو و سینه ، از پوشش های زنان جزیره العرب پیش از تشریح حکم حجاب از جانب اسلام

و لیضربن بخرهنّ علی جیوبهنّ

حجاب زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۳،۱۲

۳ - بر زنان آزاده مؤمن ، لازم است که تمام اندام خود را ، از سر تا پا ، از نامحرمان بیوشانند .

قل لأزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلیبهنّ

تعبیر <علیهنّ> شامل تمامی اندام می شود و نکته یاد شده را می رساند.

۱۲ - بر زنان مؤمن آزاده ، لازم است با پوشش مناسب ، خود را از بردگان کنیز متمایز سازند .

یدنین علیهنّ من جلیبهنّ ذلک أدنی أن یرفرن فلا یؤذین

متعلق <یرفرن> می تواند <من الإماء> باشد و می تواند چیزی شبیه <إنهنّ حرائر> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

حفظ حرمت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، برای پاسداشت حریم زنان مؤمن از تعرّض مزاحمان ، عنایت ویژه ای دارد .

قل لأزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلیبهنّ ذلک أدنی أن یرفرن فل

خطر انحراف زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۴

۴ - زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب

به مؤمنان (یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا) استفاده می شود.

خطر گناه زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۴

۴ - زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

یَأَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلِکُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا) استفاده می شود.

خیانت زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت ، از زمره خائنان بودند .

أَنْ لِّلَّهِ لَا یَهْدِی کَیْدَ الْخَائِنِینَ

مصدق مورد نظر برای <الخائنین> زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآیات لیسجننه) آیه ۳۵.

دست بریدن زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع) ، به جای خوردنیها ، کارد بر دست های خویش نهاده ، آن را چاک چاک کردند .

فلما رأیْنه أَكْبْرَنة و قَطَّعنْ أیدیھنَّ

استفاده از ماده <قطع> که به معنای بریدن و جدا ساختن است در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت

دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قَطَّعَن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

دعوت از

زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۹

۲۹ > عن علی بن الحسین (ع) : ... فأرسلت إليهنّ و هیأت لهنّ طعاماً و مجلساً ثم أتهنّ بترج و > آتت کل واحده منهنّ سکیناً ... < ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: ... پس همسر عزیز [پیکی] به سوی بانوان فرستاد و از آنان دعوت کرد و برایشان طعامی آماده کرد و مجلسی آراست و آن گاه برای بانوان ترنج آورد و به هر یک کاردی داد ... <.

دعوت زلیخا از زنان مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۳،۴

۳ زلیخا، پس از آگاهی به توطئه زنان و ملامت گری های ایشان، آنان را به منزل خویش دعوت کرد.

فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إليهنّ

مراد از > به سوی آنان فرستاد < که مفاد > أرسلت إليهنّ < است به قرینه جمله > و أعتدت لهنّ متکئاً و .. < این است که آنان را به مهمانی دعوت کرد.

۴ زلیخا برای پاسخ گویی به زنان ملامت کننده، ضیافتی ترتیب داد و مجلس ویژه ای آراست.

أرسلت إليهنّ و أعتدت لهنّ متکئاً

دعوتهای زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۶

۶ زنان اشراف مصر (میهمانان زلیخا) ، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند .

مما یدعوننی إلیه

<یدعون> در جمله فوق ، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند

که میهمان زلیخا بودند آنان نیز به قرینه <أصب إلهن> یوسف(ع) را به خویش دعوت می کردند و به دلیل مضارع بودن <یدعون> بر آن اصرار میورزیدند.

دفع مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ خداوند ، خنثی کننده مکر و حيله زنان اشراف و نجات بخش یوسف (ع) از زندان

أن الله لا يهدى كيد الخائنين

رد مهریه زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - جامعه ایمانی ، پس از پناه دادن به زنان مهاجر ، موظف به پرداخت مهریه آنان به همسرشان

و اتوهم ما أنفقوا

آیه شریفه بیانگر این نکته است که پس از آزمون ایمان زنان مهاجر، باید به ایشان پناه داد و ولی از سوی دیگر خرج هایی را که مرد کافر پیش از این برای آن زن متحمل شده است (مهریه)، باید به وی بازگرداند.

رنج زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۸

۸ زنان بنی اسرائیل به سبب کشتار وسیع فرزندانشان به دست فرعونیان ، لذت حیات و زنده ماندن از آنان سلب شده بود .

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم

<زنده گذاشتن زنان> به عنوان یک عذاب برای قوم بنی اسرائیل است که از جمله آن قوم، خود زنان هستند. و چون مجرد زنده گذاشتن عذاب تلقی نمی شود، با توجه به اینکه <یستحیون> پس از <یقتلون> آمده، می توان گفت کشتن فرزندان

ای بوده که زنان، یعنی مادران جامعه، از زنده ماندن خودشان و دیدن قتل فجیع فرزندانشان در رنج و عذاب بودند. آوردن <نساء> در مقابل <أبناء> می تواند این احتمال را تأیید کند.

روزی اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۴

۴ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار، برخوردار از روزی ها و نعمت های بی اندازه و بسیار در بهشت

و من عمل صلحًا .. فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغير حساب

روش برخورد با زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۷

۷ - جواز تحقیر زنان کافر و مؤذی و به کار بردن کلمات ناهنجار درباره آنان

حمّاله الحطب

زایمان زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - آفرینش انسان در قالب مرد و زن و آگاهی از بارداری و زایمان زنان و مقدار عمر آدمی ، کاری آسان برای خداوند

و الله خلقکم من تراب ثم من نطفه .. و ما یعمر من معمر و لاینقص من عمره إلاّ

زلیخا و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۱،۲۹

۱۱ زلیخا، هنگامی که زنان بر جایگاه های خود تکیه زده و آماده استفاده از خوراکی ها شدند، از یوسف (ع) خواست بر آنان گذر کند.

و قالت اخرج علیهنّ

۲۹ > عن علی بن الحسین (ع) :... فأرسلت

إليهنّ و هيأت لهنّ طعاماً و مجلساً ثم اتتهنّ بآترج و < آتت كل واحده منهنّ سكينا... > ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: ... پس همسر عزیز [پیکری] به سوی بانوان فرستاد و از آنان دعوت کرد و برایشان طعامی آماده کرد و مجلسی آراست و آن گاه برای بانوان ترنج آورد و به هر یک کاردی داد ...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱،۲

۱ زلیخا، با ارائه یوسف (ع) به زنان اشراف، به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به یوسف (ع) ملامت کنند.

قالت فذلک الذی لمتنی فیه

۲ زلیخا، نزد زنان اشراف به تقاضای کام روایی از یوسف (ع)، اقرار و اعتراف کرد.

لقد رودته عن نفسه

زلیخا و سرزنشهای زنان مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱،۳

۱ زلیخا سرزنش زنان مصر را به خاطر عشقش به یوسف (ع)، شنید و به آن آگاهی یافت.

فلما سمعت بمکرهنّ

فعل <سمع> متعدی است و نیازی به حرف <باء> برای تعدیه ندارد. بنابراین در <سمعت بمکرهنّ> معنای <علمت> اشراب شده است. از این رو مفاد آن چنین می شود: زلیخا به مکر زنان آگاه شد و این آگاهی از طریق خبرهایی بود که برای او نقل می شد.

۳ زلیخا، پس از آگاهی به توطئه زنان و ملامت گری های ایشان، آنان را به منزل خویش دعوت کرد.

فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

مراد از

<به سوی آنان فرستاد> که مفاد <أرسلت إليهن> است به قرینه جمله <و أعتدت لهنّ متكئاً و ..> این است که آنان را به مهمانی دعوت کرد.

زلیخا و گواهی زنان اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزيز الثن حصحص الحق

<حصحصه> (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

زلیخا و محاکمه زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ زلیخا نیز در جلسه محاکمه ای که برای کشف حقیقت ماجرای زنان با یوسف (ع) تشکیل شده بود ، حضور داشت .

قالت امرأت العزيز الثن حصحص الحق

زمینه اذیت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۵

۱۵- نظام اجتماعی ظالمانه ، همچون نظام استبدادی فرعون ، از ظلمتهاست .

أخرج قومك من الظلمت إلى النور .. إذ أنجكم من ءال فرعون يسومونكم سوء العذاب

زمینه الگو بودن زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - زنان همانند مردان ، دارای استعداد و شایستگی های لازم برای الگو شدن و دستیابی به اوج قلّه کمال

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا امرأت فرعون

زمینه انحراف زنان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب الله مثلاً للذين كفروا امرأت نوح و امرأت لوط .. قيل ادخلا النار مع الداخلين

زمینه بی احترامی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۷

۱۷ - پایمال شدن حرمت مردان و زنان مؤمن در صورت جنگ در حدیبیه ، مایه ننگ برای مسلمانان

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنت .. فتصيبكم منهم معرّه

زمینه تکامل زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، دارای استعداد و شایستگی های لازم برای الگو شدن و دستیابی به اوج قلّه کمال

ضرب الله مثلاً للذين ءامنوا امرأت فرعون

زمینه حق ناپذیری زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب الله مثلاً للذين كفروا امرأت نوح و امرأت لوط .. قيل ادخلا النار مع الداخلين

زمینه مشکلات اجتماعی زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۵

۱۵- نظام اجتماعی ظالمانه ، همچون نظام استبدادی فرعون ، از ظلمتهاست .

أخرج قومك من الظلمت إلى النور .. إذ أنجكم من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب

زنان اشراف مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف

۱۱ ماجرای میهمانی زلیخا از زنان اشراف و بریدن آنان دست های خویش را ، گویاترین صحنه برای اثبات منزلت والا و عفت و پاکدامنی یوسف (ع)

فَسْئَلُهُ مَا بِأَلِ النِّسْوَةِ الَّتِي قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ

یوسف(ع) برای رسیدگی به پرونده خویش با عبارت <الَّتِي قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ> داستان میهمانی زلیخا از زنان اشراف و اینکه آنان دستهای خویش را بریدند را مطرح می کند و از آن جا که یوسف(ع) درصدد اثبات بی گناهی خویش است، می توان گفت: داستان مذکور و مسائل پیرامون آن برای اثبات عفت، پاکدامنی و بی گناهی یوسف(ع) بهترین شاهد بوده است.

زنان اشراف مصر و دعای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۳

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فَصَرْفَ عَنهُ كَيْدَهُنَّ

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صَرْفَ عَنهُ كَيْدَهُنَّ> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مرآوده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مرآوده شده باشد.

زنان اشراف مصر و زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۷،۹

۷ زنان اشراف ، تقاضای کام جویی زلیخا از

برده خویش را، امری نکوهیده دانسته و او را ملامت می کردند .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًا

<فتا> به معنای برده و عبد، و نیز به معنای جوان است. به نظر می رسد هر دو معنای <فتا> در <تراود فتاها> لحاظ شده باشد.

۹ عشق زلیخا به یوسف (ع)، علی رغم همسری او برای عزیز مصر، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد .

امرات العزیز ترود فتیها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان <همسر عزیز مصر>، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست / یعنی، مراوده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲،۲۴

۲ عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه . . . فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از <مکر> نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق <مکر> به نقل آن ماجرا، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

۲۴ زنان ملامت کننده زلیخا، با مشاهده یوسف (ع)، زلیخا را در عشقش محق دانستند .

فلما رأیته أكبرنه . . . إن هذا إلا ملک کریم

زنان اشراف مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴

۱۴ زنان اشراف مصر

در مجلس ضیافت زلیخا ، برای اولین بار یوسف (ع) را مشاهده کردند .

فلما رأينه أكبرنه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۱۵ زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع) ، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما رأينه أكبرنه و قطّعن أیدیهنّ

<إكبار> (مصدر أكبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

۱۶ زنان اشراف با دیدن یوسف (ع) ، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند .

فلما رأينه أكبرنه و قطّعن أیدیهنّ

۱۷ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع) ، به جای خوردنیها ، کارد بر دست های خویش نهاده ، آن را چاک چاک کردند .

فلما رأينه أكبرنه و قطّعن أیدیهنّ

استفاده از ماده <قطع> که به معنای بریدن و جدا ساختن است در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطّعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

۱۹ اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

فلما رأينه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۲۲ جمال بی مانند یوسف (ع) ، موجب اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد .

حش لله ما هذا بشرًا

۲۳ زنان اشراف ، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند .

إن هذا إلاّ ملک کریم

۲۴ زنان ملامت کننده زلیخا ، با مشاهده

یوسف (ع) ، زلیخا را در عشقش محق دانستند .

فلما رأينه أكبرنه .. إن هذا إلا ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۶

۶ زنان اشراف مصر (میهمانان زلیخا) ، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند .

مما يدعونني إليه

<یدعون> در جمله فوق ، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند آنان نیز به قرینه <أصب إلیهنّ> یوسف (ع) را به خویش دعوت می کردند و به دلیل مضارع بودن <یدعون> بر آن اصرار میورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۵۶، ۷

۵ زنان اشراف ، درخواست کام روایی از یوسف (ع) را انکار نکردند .

ما خطبكنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

۶ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرّا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و <من> زاییده نیز این معنا را تأکید می کند.

۷ یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

زنان اشراف مصر و کامجویی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۲، ۳

اشراف ، عامل شیوع خبر ماجرای یوسف (ع) و زلیخا در پایتخت مصر

و قال نسوه فی المدینه

برداشت فوق، بر این اساس است که <فی المدینه> متعلق به <قال> باشد. بر این مبنا <قال نسوه فی المدینه...> ؛ یعنی: زنان مراوده زلیخا با یوسف(ع) را در آن شهر (پایتخت مصر) نشر دادند.

۳ عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای مکرر او برای کام روایی از وی ، زبانزد زنان اشراف شده بود .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتيها عن نفسه

<فی المدینه> می تواند متعلق به <قال> باشد و نیز محتمل است صفت برای <نسوه> باشد. براساس احتمال دوم، مراد از <قال نسوه فی المدینه...> این است که: زنان شهر ، داستان زلیخا را برای یک دیگر بازگو می کردند.

زنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲۳

۲۳ لزوم مراعات حقوق زنان اهل کتاب

و المحصنت من الذین اوتوا الکتب من قبلکم إذا ءاتیتموهن اجورهن

زنان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۲۰

۲۰ زنان بهشتی از حیض و حدث پاک هستند .

و ازواج مطهره

امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: لا یحضن و لا یحدثن.

زنان جادوگر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۱

۱ - زنانی ، در عصر بعثت با گره زدن و افشاندن

ترشحات دهان بر گره ها ، مردم را جادو می کردند .

النَّفَثُ فِي الْعَقْدِ

فعل <نَفَثَ>، زمانی گفته می شود که شخص ترشحاتی از دهان بیرون افکند (مصباح) و <نَفَثَ> شبیه دمیدن و کمتر از آب دهان افکندن است (صحاح). حرف <ال> در <النَّفَاثَاتِ>، گرچه برای تعریف جنس است ولی در مقایسه با <غاسق> و <حاسد> که نکره آورده شده است ممکن است به معروف بودن کسانی که <نَفَاثَة> (افسون گر) بودند، نظر داشته باشد.

زنان در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ - زنان بنی اسرائیل ، فاقد هر گونه قدرت در جامعه فرعونى و نقش تأثیرگذار در سرنوشت سیاسى و اجتماعى

و استحيوا نساءهم

از این که فرعونیان دستور قتل دختران ایمان آورندگان به موسى (ع) را صادر نکردند، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد زیرا اگر زنان برای آنان خطر آفرین بودند و خود آنان و یا ایمان آوردنشان، نقشی در جامعه می داشت قهراً در مجازات قتل با مردان شریک می شدند.

زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۵

۵ قداست و پاکدامنى حضرت مریم (ع)

و بکفرهم و قولهم على مریم بهتناً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲۵، ۱۵، ۱۲، ۱۱

۱۱ جواز ازدواج با زنان پاکدامن و مؤمن

اليوم احل لكم... و المحصنت من المؤمنت

احصان (مصدر محصنه) به معنای عفيف بودن، آزاده بودن، همسر داشتن و مسلمان بودن است. در آیه مورد بحث

تنها معنای اول و دوم می تواند مراد باشد و برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

۱۲ جواز ازدواج با زنان پاکدامن اهل کتاب

اليوم احل لكم .. و المحصنت من الذين اتوا الكتب من قبلکم

بنابر اینکه مراد از <محصنات>، زنان پاکدامن باشد. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق (ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: هن العفاف.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۶، ح ۳۹؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۹، ح ۱۳.

۱۵ حلیت طیبات و غذا های اهل کتاب و جواز ازدواج با زنان پاکدامن آنان ، امتنان خداوند بر مسلمانان

اليوم احل لكم

علاوه بر سیاق و لحن آیه، از <لام انتفاع> در <لکم>، امتنان استفاده می شود.

۲۵ پاکدامنی و عفت مردان ، از شرایط حلیت ازدواج آنان با زنان عفیف و پاکدامن

محصنین غیر مسفحین و لا متخذی اخدان

<اخذان> جمع <خدن> به معنای رفیقان است که به مناسبت مورد، مراد از رفاقتهای جنسی نامشروع است و <مسفحین> از <سفاح> به معنای زناست. گفتنی است برداشت فوق بر این مبناست که <محصنین> حال برای <کم> در <لکم> و عامل آن <احل> باشد.

زنان مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۴

۴ - مردان و زنان مشرک ، در قبال امانت الهی ، به وظیفه خود عمل نمی کنند .

إنا عرضنا الأمانة .. ليعذب الله ... و المشركين و المشركت

زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۳

۳ - مردان و زنان منافق ، در قبال امانت الهی ،

به وظیفه خود عمل نمی کنند .

إِنَّا عرضنا الأمانة .. ليعذب الله المنافقين و المنفقت

زنان منافق در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد الله المنافقين و المنفقت و الكفار نار جهنم خلدين فيها

زنان منافق در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱،۲

۱ وجود زنان منافق ، در میان منافقان عصر پیامبر (ص)

المنفقون و المنفقت

۲ همگونی زنان و مردان منافق صدر اسلام ، در مواضع ضد اسلامی و برخورد با مسلمانان

المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض يأمرن بالمنكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۵

۵ وجود زنان منافق در میان منافقان عصر پیامبر (ص)

وعد الله المنافقين و المنفقت

زنان منافق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- زنان منافق چونان مردان نفاق پیشه ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم . . و المنفقت ... انظرونا نقتبس من نورکم

زنان منافق صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- وجود نیرومند جریان نفاق ، در میان زنان و مردان مسلمان ، در عصر نزول قرآن و بعثت پیامبراکرم (ص)

یوم يقول المنفقون و المنفقت . . انظرونا نقتبس من نورکم

تصریح

قرآن به نام مردان و زنان منافق، نشان دهنده وجود آنان در میان مسلمانان صدر اسلام است. تعبیر <ألم نكن معكم> در آیه بعد، بیانگر نفوذ آنان در میان صفوف مسلمین به صورت یک جریان گسترده است.

زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۴

۴ - زنان مؤمن ، دارای موقعیتی همسان مردان مؤمن اند .

و الذين يؤذون المؤمنين و المؤمنات .. فقد احتملوا بهتناً

زنان مؤمن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۹

۹ - قیامت ، روز دریافت بشارت بهشت برای مردان و زنان مؤمن

يوم ترى المؤمنين و المؤمنات .. بشريكم اليوم جنّات

زنان مؤمن مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۸،۹

۸- وجود زنان و مردانی مؤمن اما ناشناخته در میان کافران مکه ، قبل از حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات لم تعلموهم

۹- بی اطلاعی مهاجران و انصار ، از وجود مردان و زنانی مؤمن در میان مکیان قبل از صلح حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات لم تعلموهم

زندگی با زنان پلید

۱ - زنان خبیث (بد سرشت و بد کردار) ، شایسته زندگی با مردان خبیث و مردان خبیث ، شایسته زندگی با زنان خبیث اند .

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده، بر مبنای سه نکته است: ۱ <خبیث> (ضد <طیب> و

مفرد <خبيثات> و <خبيثون> به معنای شیء پست و ناپسند است و انسان خبیث نیز یعنی، کسی که دارای اوصاف و رفتار پست و ناپسند است می باشد. <طیب> (مفرد <طیبات> و <طیبون>) به معنای شیء پسندیده و دل پذیر است و انسان طیب نیز یعنی، کسی که به اوصاف و رفتار خوب و پسندیده آراسته و از هر زشتی و پلیدی منزّه و پاک است. ۲- کلمات <الخبيثات>، <الخبيثين> <الطيبات> و <الطيبون> اوصافی برای موصوف های محذوف مثل <النساء> و <الرجال> است نیز یعنی، <الخبيثات من النساء و الخبيثون من الرجال و...>. ۳- لام در <للخبيثين>، <للخبيثات> <للطيبين> و <للطيبات> برای اختصاص است. با توجه به نکات یاد شده می توان گفت که آیه شریفه در صدد بیان شایستگی ها و ملاک های لازم برای ازدواج می باشد.

زندگی با زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۵

۵ - زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطيبات للطيبين و الطيبون للطيبات

سخن پسندیده زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۷

۷ - گفتار و سخن پسندیده و نیک ، تنها شایسته مردان و زنان نیک است و از آنان سر می زند .

و الطيبات للطيبين و الطيبون للطيبات

سخن ناپسند زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۴

۴ - گفتار و سخن ناپسند و خباثت آلود

، تنها شایسته مردان و زنان خبیث (بدسرشت و بدکردار) است و از آنان سر می زند .

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <الخبیثات> و <الطیبات> صفت برای موصوف محذوف <الكلم> باشد؛ یعنی، <الخبیثات من الكلم للخبیثین من الرجال و..>. گفتمنی است سه آیه اخیر که در باره تهمت زنا و فحشا به زنان پاکدامن است (إِنَّ الذین یرمون المحصنات ...) و نیز ذیل آیه (أُولَئِكَ مِبْرءُونَ مِمَّا یقولون لهم) مؤید همین برداشت است.

سوزاندن زنان مؤمن در دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۷

۷ - اصحاب اخدود ، حتی زنان مؤمن را نیز در آتش سوزاندند .

فتنوا المؤمنین و المؤمنت

شخصیت زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۱۵، ۴، ۲

۱ - زنان خبیث (بد سرشت و بد کردار) ، شایسته زندگی با مردان خبیث و مردان خبیث ، شایسته زندگی با زنان خبیث اند .

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده، بر مبنای سه نکته است: ۱ <خبیث> (ضد <طیب> و مفرد <خبیثات> و <خبیثون>) به معنای شیء پست و ناپسند است و انسان خبیث؛ یعنی، کسی که دارای اوصاف و رفتار پست و ناپسند است می باشد. <طیب> (مفرد <طیبات> و <طیبون>) به معنای شیء پسندیده و دل پذیر است و انسان طیب؛ یعنی، کسی که به اوصاف و رفتار خوب و پسندیده آراسته و از هر زشتی و پلیدی منزّه و پاک است. ۲- کلمات <الخبیثات>، <الخبیثین>

<الطَّيِّبَاتِ> و <الطَّيِّبُونَ> اوصافی برای موصوف های محذوف مثل <النساء> و <الرجال> است، یعنی، <الخبيثات من النساء و الخبيثون من الرجال و...>. ۳- لام در <للخبيثين>، <للخبيثات> و <للطَّيِّبِينَ> و <للطَّيِّبَاتِ> برای اختصاص است. با توجه به نکات یاد شده می توان گفت که آیه شریفه در صدد بیان شایستگی ها و ملاک های لازم برای ازدواج می باشد.

۲- زنان ناپاک و آلوده به فحشا، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عقیف، ممنوع است.

الخبيث للخبين و الخبيثون للخبث

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: ۱- مقصود از <الخبيثات> و <الخبين> با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. ۲- آیه شریفه همانند آیه <الزانی لا ینکح إلاّ زانیه...> در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

۴- گفتار و سخن ناپسند و خبائث آلود، تنها شایسته مردان و زنان خبیث (بدسرشت و بدکردار) است و از آنان سر می زند.

الخبيث للخبين و الخبيثون للخبث

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <الخبيثات> و <الطَّيِّبَاتِ> صفت برای موصوف محذوف <الكلم> باشد، یعنی، <الخبيثات من الكلم للخبين من الرجال و...>. گفتنی است سه آیه اخیر که در باره

تهمت زنا و فحشا به زنان پاکدامن است (إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ...) و نیز ذیل آیه (أُولَئِكَ مَبْرُؤُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ) مؤید همین برداشت است.

۱۵ - > فی مجمع البیان قال : سبحانه > الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات < قیل فی معناه أقوال : . . . و الثالث الخبیثات من النساء للخبیثین من الرجال و الخبیثون من الرجال للخبیثات من النساء و الطیبین من الرجال و الطیبون من الرجال للطیبات من النساء . . . و هو المروى عن أبی جعفر و أبی عبد الله . . . >

در <مجمع البیان> از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خدا <الخبیثات للخبیثین . . .> روایت شده است که فرمود: زنان خبیث برای مردان خبیث و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاکدامن برای مردان پاکدامن و مردان پاکدامن برای زنان پاکدامن اند...>.

شخصیت زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۱۵، ۷، ۶، ۵، ۲

۲ - زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده ، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عقیف ، ممنوع است .

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: ۱- مقصود از <الخبیثات> و <الخبیثین> با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. ۲- آیه شریفه همانند آیه <الزانی لاینکح

إلا- زانیه ... > در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

۵- زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

۶- زنان پاکدامن و منزّه از فحشا ، تنها با مردان پاکدامن ، و مردان پاکدامن و منزّه از فحشا ، تنها با زنان پاکدامن حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، ممنوع است .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

۷- گفتار و سخن پسندیده و نیک ، تنها شایسته مردان و زنان نیک است و از آنان سر می زند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

۱۵- > فی مجمع البیان قال : سبحانه > الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات > قیل فی معناه أقوال : . . . و الثالث الخبیثات من النساء للخبیثین من الرجال و الخبیثون من الرجال للخبیثات من النساء و الطبیبات من النساء للطبیبن من الرجال و الطبیبون من الرجال للطبیبات من النساء . . . و هو المروى عن أبی جعفر و أبی عبدالله . . . ;

در >مجمع البیان< از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خدا >الخبیثات للخبیثین . . > روایت شده است که فرمود: زنان خبیث برای مردان خبیث و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاکدامن برای مردان پاکدامن و مردان پاکدامن برای زنان پاکدامن اند...>.

شخصیت زنان مؤمن

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱۶

۱۶ - زنان مؤمن ، باید هویتی مستقل و شناخته داشته باشند .

ذلك أدنى أن يعرفن فلا يؤذين

شرایط ازدواج با زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۹

۱۹ - ازدواج با زنان مؤمن مهاجر ، مشروط به قرار دادن مهریه برای ایشان

ولا جناح عليكم أن تنكحوهنّ إذا آتيتموهنّ أجورهنّ

جمله <إذا آتيتموهنّ أجورهنّ> در صدد بیان این نکته است که بازگرداندن مهریه زنان مهاجر به شوهران کافرشان، کافی برای ازدواج با آنان نیست؛ بلکه نیازمند مهر مجدد است.

شرایط اشتغال زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۸

۱۸ - اشتغال زنان به کار در بیرون از خانه جهت تأمین نیاز زندگی ، در صورت نبود مردی در خانواده ، کاری روا و پسندیده است .

قالنّ لانسقى . . . و أبونا شيخ كبير

شکنجه زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۶،۷

۶ - زنان بنی اسرائیل در نهایت سختی و شکنجه و هم آغوش مرگ ، در سیطره فرعونیان

یسومونکم سوءالعذاب یذبجون ابناءکم و یستحیون نساءکم

۷- زنان بنی اسرائیل به خاطر کشتار وسیع فرزندانیشان به دست فرعونیان ، لذت حیات از آنان سلب شده بود و از زنده ماندن خود در عذاب بودند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبجون ابناءکم و یستحیون نساءکم

زنده گذاشتن زنان، به عنوان یک عذاب برای بنی اسرائیل مطرح شده است؛ در حالی که مجرد نکشتن، عذاب و

شکنجه تلقی نمی شود. بنابراین با توجه به اینکه جمله <یستحیون نساء کم> پس از <یذبحون ابناء کم> آمده، می توان گفت: همان کشتن فرزندان موجب می شده که زنان از زنده ماندن خویش و دیدن قتل فجیع فرزندان، در رنج و عذاب باشند. آوردن زنان و نه دختران در مقابل پسران این معنا را تأیید می کند.

شکنجه زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۹

۹ - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنت .. فلهم عذاب جهنم

شهادت طلبی زنان مؤمن دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۸

۸ - پایداری برخی از زنان مؤمن تا نیل به شهادت ، در عهد اصحاب اخدود

فتنوا المؤمنین و المؤمنت

صفات پسندیده زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۵

۵ - عفت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

صفات زنان شایسته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۶

۶ - تسلیم در برابر خداوند ، ایمان به او ، فرمانبری از او ، توبه

، عبادت و روزه داری ، از اوصاف زنان شایسته در نگاه وحی

أزوجًا خیرًا منکنّ مسلمت مؤمنت قنتت تثبت عبادت سئحت

<قنوت> (مصدر <قانتات>) به معنای اطاعت همراه با خضوع است (مفردات راغب). <سیاحت> (ماده <سائحات>) به معنای سیر در زمین به منظور عبادت است. اهل لغت و مفسران گفته اند: از آن جا که روزه داران، تمام روز را بدون غذا سپری می کنند، به آنان <سائح> می گویند (برگرفته از لسان العرب).

صفات زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۸

۸ - هجرت در راه خداوند ، از اوصاف زنان شایسته و از ارزش های والا و ملاک های برتری *

خیرًا منکنّ . . . سئحت

مقصود از <سائحات> می تواند هجرت کنندگان باشد؛ زیرا مهاجران، همان کسانی اند که برای حفظ دین خود و انجام تکالیف الهی، به سرزمینی دیگر سفر می کنند و بیشتر زنان مسلمان و همه همسران پیامبر(ص)، از مهاجران بودند و این خود از افتخارات هر مسلمانی به شمار می آمد.

ظلم به زنان مؤمن صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - کافران صدراسلام ، مردمی سنگدل بودند که حتی بر زنان مؤمن نیز رحم نکردند .

فتنوا المؤمنین و المؤمنت

عجز زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ زنان اشراف با دیدن یوسف (ع)، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند.

فلما رأينه أكبرنه

و قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ

عذاب زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱

۱ - عذاب و کیفر الهی ، متوجه مردان و زنان منافق و مشرک

و یعدَّبُ المنفِقین و المنفِقت و المشرکین و المشرکت

عزیز مصر و مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۹

۹ شناخت عزیز مصر از روحیه زنان و آگاهی او به ترفندهایشان

إِنْ كَيْدَ كُنَّ عَظِيمٍ

عزیز مصر هنگام محاکمه زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ شوهر زلیخا به هنگام محاکمه زنان اشراف زنده بود و هم چنان عهده دار منصب عزیزی در حکومت مصر بود .

قالت امرأت العزیز

توصیف زلیخا با وصف <همسر عزیز> می رساند که شوهرش در هنگام محاکمه زنده بود و به سمت عزیزی اشتغال داشت.

عشق زنان اشراف مصر به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱

۱ داستان عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع) ، موجب بروز بحران در حکومت و خانه های اشراف شد .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات

فرجام زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنين . . . تحتها الأنهر

فرعونیان و زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۶

۶ - زنان بنی اسرائیل در نهایت سختی و شکنجه و هم آغوش مرگ ، در سیطره فرعونیان

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یتحیون نساءکم

فضایل اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۵

۵ - پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت ، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است .

و من عمل صلحًا ... یرزقون فیها بغير حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد گویای حقیقت یاد شده است.

فضایل زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۴

۴ - > عن الحلبي قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزَّوجلَّ < فِيهِنَّ خَيْرَات حسان > قال : هنَّ صوالح المؤمنات العارفات ... ;

از حلبی روایت شده که گفت: درباره قول خدای عزوجلّ < .. خیرات حسان > از امام صادق(ع) سؤال کردم، فرمود: آنان زنان صالحه و عارفه از زنان مؤمنه [دنیا] هستند.

فضایل زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - مردان و زنان نیک و پاکدامن ، از غفران خداوند و روزی نفیس و ارزشمند او بهره منداند .

و الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبِ أُولَئِكَ مَبْرُؤُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

واژه <کریم> در هر چیزی که در جنس و نوع

خودش، شریف و ارزشمند باشد، به کار می رود. (مفردات راغب).

فضایل زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۴

۴ - > عن الحلبي قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل > فيهن خيرات حسان < قال : هن صوالح المؤمنات العارفات ... ;

از حلبی روایت شده که گفت: درباره قول خدای عزوجل > .. خیرات حسان < از امام صادق (ع) سؤال کردم، فرمود: آنان زنان صالحه و عارفه از زنان مؤمنه [دنیا] هستند <.

فلسفه امان به زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۶

۱۶ - پناه دادن مؤمنان مدینه به زنان مؤمن مهاجر ، صرفاً دارای اهداف دینی بود ؛ نه مادی . *

و ءاتوهم ما أنفقوا

فرمان > آتوهم ما أنفقوا .. < ممکن است از آن جهت باشد که جامعه اسلامی برای پناه دادن به زنان مؤمن مهاجر، مورد کمترین اتهام قرار نگیرد و شائبه انگیزه های مادی در کار ایشان از بین برود.

کامجویی زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۴،۵

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبكن إذ رودتن يوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبکَنَ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین
<ما خطبکَنَ...> / یعنی، داستان شما

چیست؟ منظوم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مرادده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

۵ زنان اشراف ، درخواست کام روایی از یوسف (ع) را انکار نکردند .

ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

کمال زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۵

۵ - عفت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

کیفر اذیت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ - آزار و اذیت زنان مؤمنان ، کیفری سخت دارد .

لئن لم ينته المنافقون .. لنغرینک بهم

کیفر زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۳

۳ همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين. المنافقون و المنفقت بعضهم من بعض

گرایش به زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۹

۹ - گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث (بدکردار و ناپاک) به

همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخیث للخیثین . . . و الطیبون للطیبت

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

گرایش به زنان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۹

۹ - گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث (بدکردار و ناپاک) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخیث للخیثین . . . و الطیبون للطیبت

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

گرایشهای زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۹

۹ - گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث (بدکردار و ناپاک) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخیث للخیثین . . . و الطیبون للطیبت

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به

همدیگر می پیوندند.

گرایشهای زنان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۹

۹ - گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث (بد کردار و ناپاک) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیث للخبیثین .. و الطیبون للطیبیت

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

گفتگوی زنان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱ - ۴

۴ - آزادی زنان برای ملاقات با پیامبر اکرم (ص) و نیز گفتگو و در میان گذاشتن مشکلات خویش با آن حضرت

قد سمع الله قول التي تجدلک فی زوجها

گفتگوی زنان با همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۵ - ۴، ۳، ۲

۲ - زنان مؤمن ، مجازند که با همسران پیامبر ، به صورت رو در رو سخن بگویند .

و إذا سألتموهنّ متعاً فسلوهنّ من وراء حجاب .. لاجنّاح علیهنّ فی ... و لانسائه

اضافه <نساء> به ضمیر <هنّ> که مرجع آن، نساءالنبی است اشعار به این نکته دارد که زنان منسوب به آنان، یا اقوام شان اند و یا زنانی اند که نسبت دینی با آنها دارند. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

های کافر، بدون پوشش و حجاب به گفتوگو پردازند.

و إذا سألتموهنّ متعاً فسنلوهنّ من وراء حجاب .. لاجنّاح علیهنّ فی ابائهنّ ...

۴- بر همسران پیامبر، روا و جایز است که با زنان خویشان خود، بدون داشتن حجاب روبه رو شوند.

و إذا سألتموهنّ متعاً فسنلوهنّ من وراء حجاب .. لاجنّاح علیهنّ فی ابائهنّ ... و

بنابر این احتمال که مراد از <نسائهنّ> زنان خویشان همسران پیامبر باشد، نکته بالا قابل استفاده است.

گواهی زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۶

۶ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند.

قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و <من> زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

محدوده جلب رضایت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱ - ۷

۷- جلب رضایت زنان، نباید منجر به محرومیت همسران از مباحات و حلال های الهی شود.

لِمَ تَحَرِّمَ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتِ أَزْوَاجِكَ

مسئولیت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۸

۸ امر به معروف و نهی از منکر ، از وظایف اجتماعی همگانی و مشترک میان زنان و مردان

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر

مفاد

بیعت زنان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۶۸،۹،۱۳

۶ - پرهیز از کمترین شرک به خداوند ، نخستین موضوع بیعت زنان مؤمن با پیامبر (ص)

علی أن لا یشرکن بالله شیئاً

۸ - پرهیز از دزدی ، زنا و فرزندکشی (سقط جنین و ...) ، از جمله مواد مورد بیعت زنان مؤمن با پیامبر (ص)

و لا یسرقن و لا یزنین و لا یقتلن أولدهنّ

۹ - پرهیز از نسبت دادن فرزند زنا به همسر ، از جمله مواد مورد بیعت زنان مؤمن با پیامبر (ص)

و لا یأتین بهتّن یفتیرینه بین أیدیهنّ و أرجلهنّ

۱۳ - عدم مخالفت با رهنمود های ارزشی پیامبر (ص) ، از جمله مواد بیعت زنان با آن حضرت

و لا یعصینک فی معروف

مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۵،۷،۸،۱۰،۱۱

۵ عزیز مصر پس از پی بردن به حقانیت یوسف (ع) ، زنان را انسانهایی پر مکر و حيله خواند .

إنه من کیدکنّ

۷ عزیز مصر ، به دام انداختن یوسف (ع) را برای کام جویی ، از مکر های زنانه زلیخا شمرد .

إنه من کیدکنّ

محمّل است ضمیر در <إنه> به حقیقتی که از جمله <عَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ ..> استفاده می شود ، ارجاع داده شود. برداشت فوق ، بر اساس این احتمال است.

۸ عزیز مصر ، پیشدستی زلیخا در متهم ساختن یوسف (ع) و تعیین کیفر برای او را ، از مکر های زلیخا شمرد .

قالت ما جزاء من أراد بأهلك

سوئاً . . . إنه من كيدك

برداشت فوق، ناظر به این احتمال است که ضمیر در <إنه . . . > به معنایی که از <قالت ما جزاء... > در آیه ۲۵ استفاده می شود، برگردد و آن معنا، پیشدستی کردن زلیخا برای محقق جلوه دادن خویش و گنه کار نشان دادن طرف مقابل است.

۱۰ مکر و حيله زنان، مکر و حيله ای بزرگ است .

إن كيدك عظيم

هر چند جمله <إن كيدك عظيم > سخن عزیز مصر است، ولی مفسران برآنند که هرگاه خداوند سخنی را در قرآن نقل کرده و آن را رد نکند، معلوم می گردد که آن سخن حق است.

۱۱ حيله و مکر، از ابزارهای زنان برای ایجاد فساد و انحراف

إنه من كيدك

مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲

۲ عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه . . . فلما سمعت بمکرهن

مراد از <مکر > نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق <مکر > به نقل آن ماجرا، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲۳

۲۳ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . و خرجن النسوه من عندها (إمرأه العزیز) فأرسلت کل واحده منهنّ إلی یوسف سرّاً من صاحبته تسأله الزیارة فأبی

عليهنّ وقال : > إلا تصرف عني كیدهنّ أصب إليهنّ و أكن من الجاهلين ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: .. و بانوان از نزد همسر عزیز بیرون رفته و هر کدام پنهان از رفیق خویش (=زلیخا) به نزد یوسف [پیام] فرستاد و از او درخواست دیدار کرد و یوسف نپذیرفت و گفت: [پروردگار] اگر نیرنگ زنان را از من نگردانی به آنان تمایل پیدا می کنم و از جاهلان خواهم بود...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ تأکید یوسف (ع) بر آگاهی کامل خداوند به کید زنان اشراف درباره او

إن ربي بكیدهنّ علیم

ملاقات محمد(ص) با زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۳

۳ - ملاقات های مستقیم و بیواسطه زنان صدراسلام ، با شخص پیامبر (ص)

إذا جاءك المؤمنت بیایعنك

ملاک برتری زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۸،۱۱

۸ - هجرت در راه خداوند ، از اوصاف زنان شایسته و از ارزش های والا و ملاک های برتری *

خیراً منکنّ ... سئحت

مقصود از <سائحات> می تواند هجرت کنندگان باشد زیرا مهاجران، همان کسانی اند که برای حفظ دین خود و انجام تکالیف الهی، به سرزمینی دیگر سفر می کنند و بیشتر زنان مسلمان و همه همسران پیامبر(ص)، از مهاجران بودند و این خود از افتخارات هر مسلمانی به شمار می آمد.

، فرمانبری ، توبه و روزه داری زنان) دارای نقش درجه دوم در زندگی مشترک میان زنان و مردان

ثبیت و اُبکارًا

یادآوری دو وصف <دوشیزگی> و <بیوه بودن زنان>، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد؛ زیرا مفاد آیه شریفه این است که زنان بهتری با چنین اوصافی، جایگزین شما خواهند شد؛ چه بیوه باشند و چه دوشیزه.

ممنوعیت استرداد زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - ممنوعیت بازگرداندن زن مؤمن ، به همسر کافر وی

فلاترجعوهنَّ إلى الکفَّار لا هنَّ حلَّ لهم و لا هم یحلُّون لهنَّ

موضعگیری زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۴

۴ مواضع و عملکرد سیاسی ، اجتماعی و دینی زنان منافق ، دارای اهمیتی همانند مواضع و عملکرد مردان منافق

المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض یأمرون بالمنکر

مطرح شدن زنان منافق، در کنار مردان منافق و هم سطح شمرده شدن با آنان، بیانگر برداشت فوق است.

مهریه زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۷

۷ - > عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و إن فاتکم شیء من أزواجکم ... > فلیحق بالکفَّار من أهل عهدکم فاسألوهم صدقها و إن لحقن بکم من نسائهم شیء فأعطوهم صدقها ;

از امام باقر(ع) در توضیح قول خدا <وإن فاتکم شیء من أزواجکم...> روایت شده: هرگاه [برخی از] زنان شما به کفّاری

که با آنها معاهده دارید ملحق شدند، مهر او

را از آنان مطالبه کنید و اگر زنانی از آن کفار به شما ملحق شدند، مهر او را به آنان بپردازید.

مهریه زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۹

۱۹ - ازدواج با زنان مؤمن مهاجر، مشروط به قرار دادن مهریه برای ایشان

و لاجنّاح علیکم أنّ تنکحوهنّ إذا اتیتموهنّ أجورهنّ

جمله <إذا اتیتموهنّ أجورهنّ> در صدد بیان این نکته است که بازگرداندن مهریه زنان مهاجر به شوهران کافرشان، کافی برای ازدواج با آنان نیست؛ بلکه نیازمند مهر مجدد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۷

۷ - <عن أبي جعفر (ع) فی قوله : > و إن فاتکم شیء من أزواجکم . . . < فلحق بالکفار من أهل عهدکم فاسألوهم صدقها و إن لحقن بکم من نسائهم شیء فأعطوهم صدقها >

از امام باقر(ع) در توضیح قول خدا <وإن فاتکم شیء من أزواجکم..> روایت شده: هرگاه [برخی از] زنان شما به کفاری که با آنها معاهده دارید ملحق شدند، مهر او را از آنان مطالبه کنید و اگر زنانی از آن کفار به شما ملحق شدند، مهر او را به آنان بپردازید.

مهمانی از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۵،۸،۱۰

۵ زلیخا برای لمیدن زنانی که به مهمانی دعوت کرده بود، تکیه گاهی ویژه فراهم ساخت .

و أعتدت لهنّ متکناً

<اعتاد> (مصدر أعتدت) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن است. <متکناً> به چیزی گفته می شود

که به آن تکیه می دهند و نکره آوردن آن دلالت بر ویژگی آن دارد. قابل ذکر است که <مَتَكُنًّا> به معنای طعام نیز آمده است. مفرد بودن آن و نیز آوردن جمله <آتت...> (به هر یک کاردی [برای استفاده از خوراکیها] داد) می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از <مَتَكُنًّا> در آیه <طعام> است.

۸ تعداد زنانی که زلیخا آنان را برای دیدار یوسف (ع) دعوت کرد، بیش از ده نفر نبودند.

و قال نسوه فی المدینه .. فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

ضمیر در <مکرهنّ...> و <إلیهنّ> به <نسوه> در آیه قبل برمی گردد و از آن جا که <نسوه> از صیغه های جمع قلّه است، معلوم می شود تعداد زنان دعوت شده بیش از ده نفر نبود.

۱۰ زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع)، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند.

و قالت اخرج علیهنّ

کلمه <خروج> به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین <اخرج علیهنّ> می رساند که یوسف (ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد؛ یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف (ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

نجات از مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ رهایی از دام تمایلات جنسی و مکر زنان، بدون امداد الهی حتی برای پیامبران و بندگان خالص خدا نیز میسر نیست.

وإلّا

تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

نجات از مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۲،۶

۲ امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف (ع) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

۶ نجات یوسف (ع) از کید زلیخا و دیگر زنان ، جلوه ای از ربوبیت الهی بر آن حضرت

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

نعمتهای اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۸

۸ - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنّہ یرزقون فیها بغی

نقش اجتماعی زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ - زنان بنی اسرائیل ، فاقد هر گونه قدرت در جامعه فرعونى و نقش تأثیرگذار در سرنوشت سیاسى و اجتماعى

و استحیوا نساءهم

از این که فرعونیان دستور قتل دختران ایمان آورندگان به موسی(ع) را صادر نکردند، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد زیرا اگر زنان برای آنان خطر آفرین بودند و خود آنان و یا ایمان آوردنشان، نقشی در جامعه می داشت، قهراً در مجازات قتل با مردان شریک می شدند.

نماز جماعت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۲۱، ۲۰، ۱۳

۱۳ مطلوبیت شرکت زنان در عبادت

دستجمعی (نماز جماعت)

و ارکعی مع الزاکعین

۲۰ جواز حضور زن در نماز جماعت همراه مردان

و ارکعی مع الزاکعین

در آیه فوق، به حضرت مریم امر نشده است که رکوع کن با زنان رکوع کننده؛ بلکه فرموده: رکوع کن با رکوع کنندگان. (اعم از زن و مرد).

۲۱ تشریح اجتماع مردان و زنان برای عبادت، در ادیان گذشته

و ارکعی مع الزاکعین

نورانیت اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۲،۶

۲ - حضور مردان و زنان مؤمن، با چهره هایی تابان در عرصه قیامت

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم

۶ - منظره حرکت شتابان زنان و مردان مؤمن در قیامت، به سوی بهشت با چهره هایی چونان چراغ فروزان، بس زیبا و چشم نواز برای بینندگان

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین أیدیهم و بأیمنهم

در صورتی که مراد <تری> هر فرد بیننده باشد، به نظر می رسد آیه شریفه در مقام تصویر صحنه ای است که نظر هر بیننده ای را در آن روز به خود جلب می کند.

نهی از استرداد زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۸

۸- نهی خداوند ، از بازگرداندن زنان مؤمن مهاجر ، به مکیان

فإن علمتموهنّ مؤمنات فلا ترجعهنّ إلى الكفّار

با توجه به پیمان نامه صلح حدیبیه که در آن بازگرداندن مهاجرانی که پس از آن تاریخ، مکه را ترک می کنند و به مدینه می آیند قید شده بود آیه شریفه موضوع زنان را استثنا کرده و پیمان

را شامل آنان ندانسته است.

و عده به زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۷

۷ - خداوند ، تحقق بخش وعده های خود به مردان و زنان مؤمن در قیامت ، در مشهد و منظر پیامبر اکرم (ص)

فیضعفه له و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین و المؤمنت

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه <تری>، خطاب به خصوص پیامبر اکرم(ص) باشد.

هجرت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۴

۴ - اقدام برخی از زنان مؤمن ، به هجرت از مکه به سوی مدینه ، پس از پیمان حدیبیه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

آیه شریفه بر اساس شأن نزول پس از هجرت برخی از زنان مکه به مدینه، نازل شده است.

هوشیاری بر مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ ضرورت هوشیاری در برابر مکر ها و حيله های زنان

إِنَّهُ مِنْ كَيْدِ كَنَّ إِنَّ كَيْدَ كَنَّ عَظِيمٍ

يَأْسُ زَنَانِ اِشْرَافِ مِصْرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فصرف عنه کیدهن

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهن> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مراوده ها و

تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراوده شده باشد.

یوسف(ع) و مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۷،۱۱

۷ یوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حيله زليخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصيت

و إلا تصرف عني كيدهن أصب إليهن

۱۱ یوسف (ع) ، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب . . . و إلا تصرف عني كيدهن أصب إليهن

<صبو> (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله <و إلا تصرف...> (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

زنبور عسل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار مطالعه زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۱۸

۱۸- در زندگی زنبور های عسل ، نشانه ای مهم بر خداشناسی برای اهل تفکر و اندیشه وجود دارد .

و أوحى ربك إلى النحل .. إن في ذلك لآية لقوم يتفكرون

استعداد زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۳

۳- وجود نوعی شعور و استعداد تلقی وحی و الهام الهی در زنبور های

عسل

و أوحى ربك إلى النحل

استفاده از زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۱۵

۱۵- طبیعت (کوه و صحرا) و زنبور عسل ، در خدمت انسان قرار دارند .

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً .. ثم كلى من كل الثمرت ... ف

الهام به زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۶، ۳، ۲، ۱

۱- سکنی گزینی زنبور های عسل در کوه ها ، درختان ، بنا ها و سایبان ها با الهام الهی است .

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و مما يعرشون

۲- الهام خداوند به زنبور های عسل و هدایت آنها به ساختن خانه هایی مناسب برای خود ، به مقتضای ربوبیت اوست .

و أوحى ربك إلى النحل .. و مما يعرشون

۳- وجود نوعی شعور و استعداد تلقی وحی و الهام الهی در زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل

۶- > محمد بن یوسف عن أبيه قال : سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله : > و أوحى ربك إلى النحل < قال : إلهام ؛

محمد بن یوسف از پدرش نقل کرده است که گفت: از امام باقر (ع) درباره قول خدا < و أوحى ربك إلى النحل > سؤال کردم، حضرت فرمود: [وحی در این آیه] به معنای الهام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- خداوند ، پس از الهام به زنبور های عسل در امر خانه سازی ، آنها را

به تغذیه از گل و غنچه های میوه ها ، درختان و محصولات کوهستانی راهنمایی کرده است .

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً .. ثم كلى من كل الثمرات

۴- خداوند ، به زنبور های عسل برای حرکت منقادانه و خاشعانه در راههایی که پروردگارشان تقدیر فرموده ، الهام کرده است .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

برداشت فوق بر اساس این نظریه است که <ذللاً> حال برای فاعل فعل <فاسلکی> که ضمیر <أنت> است باشد.

۵- زنبور های عسل در برابر الهام های خداوند به آنها ، خاشع و منقاد بوده و در مسیر تعیین شده در طبیعت ، گام برمی دارند .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

انقیاد زنبورعسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۴،۵

۴- خداوند ، به زنبور های عسل برای حرکت منقادانه و خاشعانه در راههایی که پروردگارشان تقدیر فرموده ، الهام کرده است .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

برداشت فوق بر اساس این نظریه است که <ذللاً> حال برای فاعل فعل <فاسلکی> که ضمیر <أنت> است باشد.

۵- زنبور های عسل در برابر الهام های خداوند به آنها ، خاشع و منقاد بوده و در مسیر تعیین شده در طبیعت ، گام برمی دارند .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

تغذیه زنبورعسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- خداوند ، پس از الهام به زنبور های عسل در امر خانه سازی ، آنها را به تغذیه از گل و غنچه های میوه ها ، درختان و محصولات کوهستانی راهنمایی کرده است

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً .. ثم كلى من كل الثمرت

۲- زنبور عسل ، موجودی که از میوه ها و شکوفه های درختان و گیاهان تغذیه می کند .

ثم كلى من كل الثمرت

۱۲- گوناگونی رنگ عسل ، نتیجه استفاده زنبور های عسل از گیاهان گوناگون است .

ثم كلى من كل الثمرت .. یخرج من بطونها شراب مختلف ألونه

ذکر گوناگونی عسل پس از بیان تغذیه زنبورهای عسل از میوه ها و گیاهان مختلف، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

روش زندگی زنبورعسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۳،۶

۳- خداوند برای زنبور های عسل ، راه های مناسب با زیست آنها را هموار ساخت .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <ذللاً> حال برای <سبل> باشد.

۶- راه زندگی زنبور های عسل در طبیعت ، متعدد و گوناگون است .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

برداشت فوق، از جمع آمدن <سبل> استفاده می شود.

زمان استراحت زنبورعسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۵

۵- زنبور های عسل در شب هنگام در دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، به استراحت پرداخته و مأوای می

گیرند . *

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و مما يعرشون

واژه <بیت> در اصل به معنای مأوای انسان در شب است (مفردات راغب). نام گذاری خانه زنبور عسل به <بیت>، می تواند مفید مطلب یاد شده باشد.

زنبور عسل در شب

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۵

۵- زنبور های عسل در شب هنگام در دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، به استراحت پرداخته و مأوای می گیرند . *

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذي من الجبال بيوتاً و من الشجر و مما يعرشون

واژه <بیت> در اصل به معنای مأوای انسان در شب است (مفردات راغب). نام گذاری خانه زنبور عسل به <بیت>، می تواند مفید مطلب یاد شده باشد.

شعور زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۳

۳- وجود نوعی شعور و استعداد تلقی وحی و الهام الهی در زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل

فواید زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۲۲

۲۲- > عن أمير المؤمنين (ع) قال : ... لعق العسل شفاء من كل داء قال الله تبارك و تعالی : > يخرج من بطونها شراب مختلف ألوانه فيه شفاء للناس < و هو مع قراءة القرآن ... ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: ..یک انگشت عسل، شفای همه دردهاست. خداوند تبارک و تعالی فرموده است: > يخرج من بطونها شراب مختلف ألوانه فيه شفاء للناس < و این در صورتی است که همراه با قراءت قرآن باشد...<.

متفکران و زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸- در زندگی زنبور های عسل ، نشانه ای مهم بر

خداشناسی برای اهل تفکر و اندیشه وجود دارد .

و أوحى ربك إلى النحل .. إن في ذلك لآية لقوم يتفكرون

مکان زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۴

۴- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بناها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و مما يعرشون

منشأ تغذیه زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۷

۷- نشان دادن راه زندگی طبیعی (حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

منشأ حرکت زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۴،۷

۴- خداوند ، به زنبور های عسل برای حرکت منقادانه و خاشعانه در راههایی که پروردگارشان تقدیر فرموده ، الهام کرده است .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

برداشت فوق بر اساس این نظریه است که <ذللاً> حال برای فاعل فعل <فاسلکی> که ضمیر <أنت> است باشد.

۷- نشان دادن راه زندگی طبیعی (حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به

مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبیل ربّک ذللاً

منشأ زندگی زنبورعسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۷

۷- نشان دادن راه زندگی طبیعی)

حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبل ربّک ذللاً

منشأ لانه سازی زنبورعسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۱،۲

۱- سکنی گزینی زنبور های عسل در کوه ها ، درختان ، بنا ها و سایبان ها با الهام الهی است .

و أوحى ربّک إلى النحل أن اتخذی من الجبال بیوتاً و من الشجر و ممّا یعرشون

۲- الهام خداوند به زنبور های عسل و هدایت آنها به ساختن خانه هایی مناسب برای خود ، به مقتضای ربوبیت اوست .

و أوحى ربّک إلى النحل . . . و ممّا یعرشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۷

۷- نشان دادن راه زندگی طبیعی (حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبل ربّک ذللاً

ویژگیهای زنبورعسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۳

۳- وجود نوعی شعور و استعداد تلقی وحی و الهام الهی در زنبور های عسل

و أوحى ربّک إلى النحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- شکم زنبور های عسل ، محل تبدیل میوه ها و شهد گیاهان به عسل

ثمّ کلی من کلّ الثمرت .. یخرج من بطونها شراب

زندان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

زندان

ارزش نجات از زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ ارزش اعاده حیثیت و شرف بیش از ارزش رهایی از زندان و نجات از دشواری ها و مشکلات ، در بیش یوسف (ع)

فلما جاءه الرسول قال ارجع إلی ربك فسله ما بال النسوه

تاریخ زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۷،۱۸

۱۷ وجود زندان در مصر باستان و در عصر حضرت یوسف (ع)

إلا أن یسجن

۱۸ زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، امری معمول و متداول بود .

إلا أن یسجن أو عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۷

۷ وجود زندان در مصر باستان

لیسجنن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۹ - ۷

۷- وجود زندان و زندانیان بسیار سیاسی ، در دوران حاکمیت فرعون بر سرزمین مصر

لأجعلنك من المسجونین

برداشت فوق از این تعبیر <تو را از زندانیان گردانم> استفاده می شود.

تهدید به زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۹ - ۶

۶ - موسی (ع) ، مورد تهدید فرعون به زندانی شدن ، در صورت پذیرش الوهیت غیر او

قال لئن اتَّخَذتُ إِلَهًا غَيْرِي لأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ

درخواست زندان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > ثم بدا

لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه حتى حين < فالآيات شهادة الصبي و القميص المخرق من دبر و استباقهما الباب حتى سمع مجاذبت ها إياه على الباب فلما عصاها فلم تزل ملحه بزوجها حتى حبسه . . . >

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که فرمود: <ثم بدا لهم . . .> روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد؛ پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد.>

زندان بودن جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۰

۱۰- جهنم، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد .

و جعلنا جهنم للكافرين حصيراً

<الحصير> در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

زندان در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۹ - ۷

۷- وجود زندان و زندانیان بسیار سیاسی ، در دوران حاکمیت فرعون بر سرزمین مصر

لأجعلنك من المسجونين

برداشت فوق از این تعبیر <تو را از زندانیان گردانم> استفاده می شود.

زندان در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۷

۱۷ وجود زندان در مصر باستان و در عصر حضرت یوسف (ع)

یسجن

زندان در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۷

۱۷ وجود زندان در مصر باستان و در عصر حضرت یوسف (ع)

إلا أن یسجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۷

۷ وجود زندان در مصر باستان

لیسجنن

سختیهای زندان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۹ - ۸

۸ - زندان فرعون ، زندانی سخت و مشقت بار

لأجعلنك من المسجونین

<ال> در <المسجونین> به قرینه مقام اشاره به زندانی دارد که شرایط سخت آن می تواند افراد را از مخالفت با فرعون باز دارد.

سنّ یوسف (ع) در زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ > عن الصادق (ع) : انه قال : دخل يوسف السجن و هو ابن إثنتی عشر سنه و مكث فيه ثمان عشر سنه . . . ۱

از امام صادق(ع) روایت شده: که فرمود: یوسف در سن دوازده سالگی وارد زندان شد و هیجده سال در زندان ماند . . .<

صفات زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۸

۸ زندانی که یوسف (ع) به محبوس شدن در آن تهدید شد ، موجب خوار گشتن و حقیر پنداشتن او می شد .

لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

جمله خوار و بی مقدار خواهد شد (لیکوناً من الصاغیرین) به منزله نتیجه ای برای عبارت <زندانی خواهد شد> (لیسجنن) است ۱

زیرا یوسف(ع) هنگام ترجیح زندان بر خواسته زنان در آیه بعد سخنی از ترجیح حقیر شدن نگفت.

فلسفه استمرار زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ > عن أبي عبدالله (ع) :... [في قول الله] > قال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذكرني عند ربك < قال : و لم يفرع يوسف في حاله إلى الله فيدعوه فلذلك قال الله > فأنساه الشيطان ذكر ربه فلبث في السجن بضع سنين < ... ;

از امام صادق(ع):... [درباره سخن خدا] > قال للذی... اذكرني عند ربك < روایت شده است که فرمود: یوسف در آن حال به خداوند پناه نبرد که او را بخواند. برای همین است که خدا فرمود: فأنساه الشيطان ذكر ربه... <.

فلسفه زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

مدت زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۰، ۱۲، ۹

۹ یوسف (ع) ، برای زمانی محدود و نامعلوم محکوم به زندان شد .

لیسجننه حتی حین

۱۰ محکومیت یوسف (ع) به زندان تا زمان فرو نشستن غائله زلیخا و دیگر زنان *

لیسجننه حتی حین

١٢ > عن الصادق (ع) : انه قال : دخل

یوسف السجن و هو ابن ائنتی عشر سنه و مكث فيه ثمان عشر سنه . . . ؛

از امام صادق(ع) روایت شده: که فرمود: یوسف در سن دوازده سالگی وارد زندان شد و هیجده سال در زندان ماند . . .>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۳، ۱۶

۱۳ یوسف (ع) پس از آزادی ساقی پادشاه ، سالیانی دیگر ، گرفتار زندان بود .

فلبث فی السجن بضع سنین

<بضع> به معنای <چند> و کنایه از عددی مبهم بین ۳ تا ۱۰ می باشد.

۱۶ > عن ابي عبدالله (ع) فی قول الله تعالى : <فلبث فی السجن بضع سنین> قال : سبع سنین ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: <فلبث فی السجن بضع سنین> روایت شده که فرمود: [مراد از بضع سنین] هفت سال است >.

نجات یوسف(ع) از زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۲، ۱۴

۱۲ خروج یوسف (ع) از زندان و رفع اتهام از او ، ناسازگار با اهداف شیطان

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

<لبث> به معنای اقامت کردن (مانندگار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریع جمله <لبث ...> بر جمله قبل معلوم می شود ؛

یعنی ، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه ، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان

ماندگار شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳،۴،۵

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملك ائتونی به

۴ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد .

و قال الملك ائتونی به .. . قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید ، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (ائتونی به) احضار اجباری نبوده است ؛ بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاء الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف(ع) فرستاده شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ خداوند ، خنثی کننده مکر و حيله زنان اشراف و نجات بخش یوسف (ع) از زندان

أن الله لایهدی کید الخائنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آزاد ساختن یوسف (ع) از زندان و کوچ دادن خاندان یعقوب از کنعان به مصر

، از جمله احسان های خداوند در حق یوسف (ع) .

و قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

ویژگیهای زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۸

۸ زندان یوسف (ع) و هم بندان او ، فاقد هرگونه برنامه غذایی از پیش تعیین شده

لایاتیکما طعام ترزقانه

چنان چه برنامه غذایی زندان مشخص بود ، پیشگویی نوع و خصوصیات آن امری دشوار نبود و به عنوان یک ویژگی برای کسی که از آن خبر می داد ، محسوب نمی شد.

یوسف(ع) پس از زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۳،۴

۳ یوسف (ع) پس از آشکار شدن بی گناهی بر پادشاه و درباریان ، دعوت او را پذیرفت و بی درنگ از زندان به دربار رفت .

قال الملك ائتونی به ... فلما کلمه

اتصال جمله <فلما کلمه> به <ائونی به> و نیارودن مطالبی نظیر رساندن فرمان پادشاه به یوسف(ع) ، اعلام نتیجه محاکمه زنان به وی و .. برای رساندن این معناست که میان فرمان پادشاه و گفت و گو با یوسف(ع) فاصله ای نبود.

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ولی قراین

حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

یوسف(ع) در زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲۳

۲۳ > عن أبي عبدالله (ع) قال: لما أمر الملك بحبس يوسف في السجن ألهمه الله علم تأويل الرؤيا... ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که شاه فرمان زندانی شدن یوسف را صادر کرد، خدا علم تعبیر خواب را به او الهام کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۳

۲ یوسف (ع) در زندان مصر، پیروی خویش از آیین ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) را فاش ساخت.

واتبعت مله اباى إبرهیم و إسحق و یعقوب

۳ یوسف (ع) در زندان مصر، حسب و نسب خویش را برای زندانیان بیان کرد.

واتبعت مله اباى إبرهیم و إسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ شیطان، برای باقی ماندن یوسف (ع) در زندان، به دسیسه و شیطنت پرداخت.

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۶

۶ ساقی پادشاه مصر، با بیان دانش یوسف (ع)، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد.

أنا أنبئكم بتأويله

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أنبئکم بتأویله> می رساند که: ساقی دربار، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱

۱ یوسف (ع) در زندان مصر، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد.

قال ارجع إلی ربک... ذلک لیعلم

در اینکه جمله <ذلک لیعلم...> تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله...> عطف بر <أنی لم أخنه...> باشد، یعنی: <ذلک لیعلم... أن الله لایهدی...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است بر نمی آید.

زندانی

زندانی در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۹ - ۷

۷- وجود زندان و زندانیان بسیار سیاسی، در دوران حاکمیت فرعون بر سرزمین مصر

لأجعلنک من المسجونین

برداشت فوق از این تعبیر <تورا از زندانیان گردانم> استفاده می شود.

زندانی در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۸

آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، امری معمول و متداول بود .

إلا أن يسجن أو عذاب أليم

زندانی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۸

۱۸ زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، امری معمول و متداول بود .

إلا أن يسجن أو عذاب أليم

زندانی کردن یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ زندانی کردن یوسف (ع) و یا شکنجه او ، مجازات پیشنهادی زلیخا به عزیز مصر

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۴،۷

۴ زندانی شدن یوسف (ع) ، به تحریک و درخواست زلیخا نبود . *

لئن لم يفعل ما أمره ليسجنن . . ثم بدا لهم ... ليسجننه

تعبیر <ثم بدا لهم> (پس از مدتی این رأی برای آنان هویدا شد و به ذهنشان خطور کرد که زندانیش کنند) حاکی است که این رأی و نظر به پیشنهاد زلیخا نبوده است علاوه بر این آیه قبل گویای آن است که خداوند، زلیخا و دیگر زنان را از یوسف منصرف کرد و داستان مراوده متروک شد لذا زلیخا دیگر درصدد نبود که با زندانی کردن یوسف وی را رام سازد.

۷ حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف (ع) ، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد

ما رأوا الأيت ليسجننه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱

۱ رجال مصر تصمیم خویش را عملی ساختند و یوسف (ع) را به زندان افکندند .

بدا لهم ... ليسجننه حتى حين. و دخل معه السجن فتيان

فلسفه زندانی کردن یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۲،۳

۲ تصمیم قاطع دولت مردان مصر بر زندانی ساختن یوسف (ع) ، جهت رهایی از بحران و حفظ حیثیت دربار

ثم بدا لهم ... ليسجننه

۳ گناهکار وانمود کردن یوسف (ع) ، از اهداف زندانی ساختن او *

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيت ليسجننه

زندانیان

اهمیت نجات زندانیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۳ - ۷

۷ - پرداخت وجه مورد نیاز اسیران و زندانیان برای آزادسازی آنان ، گامی بلند و انفاق سنگین است .

ما العقبه . فكك رقبة

آزاد سازی بردگان، مصداق آشکار <فكك رقبة> است؛ ولی تنها مصداق آن نیست. بنابراین رها سازی هر شخص در بندی، می تواند مراد آیه باشد.

زندگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

زندگی

آثار پوچی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۴ - ۴

۴ - کفر و باطل گرایی و پوچی در زندگی ، موجب ذلت و خواری شدید در روز قیامت

فذرهم يخوضوا ويلعبوا .. ترهقههم ذلّه ذلك اليوم الذي كانوا يوعدون

آثار تکذیب زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰

۸ ناباوری و ناامیدی مشرکان به حیات اخروی ، عامل عبرت نگرفتن آنان از سرگذشت شوم اقوام پیشین چون قوم لوط

أفلم یکنونوا یرونها بل کانوا لایرجون نشورًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که <بل> برای اضراب انتقالی است، یعنی، این طور نیست که آنان به خاطر ندیدن آثار به جا مانده از قوم هلاک شده قوم لوط، از آن عبرت نگرفته اند بلکه چون آنان اعتقاد و امیدی به روز رستاخیز ندارند از چنین حادثه ای عبرت نیاموخته اند.

آثار ذکر زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۹

۹ توجه و اعتقاد به حیات اخروی ، برانگیزاننده آدمی به عبرت گرفتن از سرگذشت هلاکت بار اقوام پیشین و تصحیح رفتار خویش

أفلم یکنونوا یرونها بل کانوا لایرجون نشورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ - توجه به الوهیت و فرمانروایی جاویدان خداوند و نیز تداوم زندگی انسان در آخرت ، زمینه ساز گرایش انسان به حق

و هو الذی فی السماء إله و .. و عنده علم الساعة و إلیه ترجعون

با توجه به این که آیات پیشین در رد منکران توحید بود، استفاده می شود که طرح فرمانروایی خدا بر هستی در دنیا و آخرت، هشدار می باشد به حق ستیزان است.

آثار زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۸ - ۴

۴- زندگی و مرگ ، هر دو در جهت تکامل انسان و دارای روندی همسو و نه متعارض

ربّ السموت و .

.. لا إله إلا هو يحيى و يميت

از ارتباط <هو يحيى و يميت> با <ربِّ> که قبل و بعد از آن یاد شده است استفاده می شود که حیات و مرگ، هر دو در جهت تکامل انسان بوده و برخلاف تصور برخی مذاهب، مرگ امری شرّ نیست و خاستگاهی جز اراده خداوند حیات آفرین ندارد.

آثار زندگی با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۲

۱۲- حضور پدر و مادر نزد فرزند ، در پی دارنده مسؤولیت فزون تر برای فرزند

إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ

<عندك الكبر> ممکن است إشعار به این حقیقت داشته باشد که اگر پدر و مادر پیش فرزندان زندگی کنند، مسؤولیت نگه داری آنان بیشتر شده و از هرگونه حرمت شکنی - هر چند به گفتن <أُفُّ> - باید پرهیز شود.

آثار زندگی در جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۷

۷- زندگی در جامعه آلوده و فاسد ، مایه رنج و محنت مؤمنان و غیر قابل تحمل برای آنان است .

و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ

آثار زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۶

۶ - چگونگی زندگی انسان در دنیا ، تعیین کننده سرنوشت وی و سازنده حیات اخروی او است .

بل .. أنتم قدّمتموه لنا

از تعبیر <قَدَّمُوهُ لَنَا> (شما آن عذاب را پیش فرستادید)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد -

۱۷- زندگی اخروی انسان ها ، بازتاب شیوه زندگی آنان در دنیا

الذین ءامنوا .. جَنَّتْ ... و الذین کفروا ... النار مثوی لهم

خداوند، برای مؤمنان و کافران دو نوع زندگی دنیوی ترسیم کرده و به تناسب هر یک، فرجامی در آخرت برای آنان، مشخص فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۸

۸- زندگی دنیوی ، گذرگاهی است برای عبور به عالم آخرت .

و إلیه النشور

یادآوری نشر و رستاخیز انسان ها پس از بیان آفرینش زمین و تأمین نیازمندی های بشر در آن می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

آثار عقیده به زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۹

۹ توجه و اعتقاد به حیات اخروی ، برانگیزاننده آدمی به عبرت گرفتن از سرگذشت هلاکت بار اقوام پیشین و تصحیح رفتار خویش

أفلم یکنونوا یرونها بل کانوا لایرجون نشورًا

آثار مشکلات زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۲

۲- تنگنا های زندگی و لحظه های خطر آفرین که هیچ امیدى به رهایی از آنها نیست ، بیدارگر فطرت خداجویی در نهاد

و إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ . . . ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ

ذکر گرفتاری در دریا در میان ابتلاهای فراوانی که ممکن است انسانها را گرفتار کند، به این جهت است که در تلاطم دریا
امیدی برای نجات و رهایی نیست.

آثار مطالعه زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸- در زندگی زنبور های عسل ، نشانه ای مهم بر خداشناسی برای اهل تفکر و اندیشه وجود دارد .

و أوحى ربك إلى النحل .. إن فى ذلك لآيه لقوم يتفكرون

آداب زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ خداوند ، همواره باید محور حرکت ها و برنامه های مؤمنان باشد .

اتقوا الله وابتغوا إليه الوسيله و جهدوا فى سبيله

آفات زندگی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۳

۳- زندگی انسان ها بدون تعالیم قرآن و رهنمود های پیامبر اسلام ، با خطر ها و آفت های گریزناپذیر رو به رو خواهد بود .

و ما علمنه الشعر .. إن هو إلا ذکر و قرءان مبین . لینذر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که انذار و اخطار مردم به وسیله قرآن و پیامبر اسلام، حاکی از این حقیقت است که بر سر راه انسان ها خطر ها و آسیب های بسیار وجود دارد که به وسیله قرآن و پیامبر (ص) شناخته می شود و اگر انسان ها به این امور توجه نکنند، با آنها روبه رو خواهند شد. گفتنی است معنای لغوی <انذار> (اعلام به امری خطرناک و شایسته بر حذر بودن) مؤید همین برداشت است.

احترام به آداب زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۲ - ۲

۲- احترام به آیین زندگی ترسیم شده از سوی خدا و پرهیز از ایجاد هر گونه تغییر

و تبدیل در آن ، توصیه خداوند به یکایک پیامبران

يَأْتِيهَا الرِّسَالُ كُلُّهَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ .. و ان هذه أُمَّتُكُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ

آیه فوق، ادامه آیه قبل و جزء توصیه ای است که خداوند به یکایک پیامبران فرموده بود. بنابراین، با توجه به تأکیدهای متعدد که در آن است (حرف تأکید <إِنَّ>، اسم اشاره نزدیک <هذه>، جمله اسمیه و قید <أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ> معنای آن چنین می شود: ما به پیامبران یادآوری کردیم که این روش، تنها روشی است که باید در زندگی رعایت کنند و هرگونه ایجاد تغییر در آن، یا اتخاذ روشی غیر از آن، اکیداً ممنوع است و عذاب سختی در پی خواهد داشت (فاتقون).

اختیار همسران محمد(ص) در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۸ - ۲،۷

۲ - پیامبر (ص) طبق فرمان خداوند، همسران خود را مخیر کرد که یا دنیا و امکانات اش را انتخاب کنند و از پیامبر جدا شوند و یا آن حضرت را برگزینند و چنین خواسته هایی نداشته باشند .

قُلْ لِلزَّوْجِكِ إِن كُنْتُمْ تَرُدُّونَ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْن أُمْتَعِكُنَّ وَأَسْرَحِكُنَّ سَرَاخٍ

۷ - صرف انتخاب دنیا از سوی همسران پیامبر (ص) با مخیر بودن آنان به انتخاب یکی از دو امر دنیا و پیامبر (ص) برای طلاق کافی نبود، بلکه آن حضرت، باید درباره آنان تصمیمی هم اتخاذ می کرد .

قُلْ لِلزَّوْجِكِ إِن كُنْتُمْ تَرُدُّونَ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا .. فَتَعَالَيْن أُمْتَعِكُنَّ وَأَسْرَحِكُنَّ سَرَاخًا جَمِي

تصريح به <تسريح> نشان می دهد که صرف انتخاب دنیا از

سوی همسران پیامبر برای طلاق کافی نبوده است.

ارزش امنیت در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۳

۳- دستیابی انسان ها به زندگی آرام و امن و به دور از سلطه جباران ، امری بس مهم و ارزشمند

فأغرقنه و من معه .. اسکنوا الأرض

ارزش زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۴

۴ - حیات اخروی ، بهتر و پایدارتر از حیات دنیوی

و ما عند الله خیر و أبقى

<ما> در <ما عند الله> به قرینه <الحیاه الدنیا> کنایه از حیات اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۴ - ۷۸

۷ - مشرکان ، از بازیچه بودن حیات دنیوی و حیات راستین بودن عالم آخرت ، بی خبرند .

و لئن سألتهم من .. و ما هذه الحیوه الدنیا ... لو كانوا یعلمون

بنابراین که ضمیر فاعلی <یعلمون> به قرینه سیاق مشرکانی باشد که در آیات پیشین، از آنها سخن گفته شده است، نکته بالا، قابل استفاده است.

۸ - انسان ها ، در صورت آگاهی و اطلاع از سرگرمی و بازی بودن دنیا و حیات واقعی بودن عالم آخرت ، از دنیا دست می کشیدند و به آخرت روی می آوردند .

و ما هذه الحیوه الدنیا إلا لهو .. و إن الدار الآخره لهی الحیوان لو كانوا یع

برداشت بالا- بنا بر محذوف بودن جواب <لو> است و آن، چیزی مانند این فراز است: <لرغبوا فی الأخره و زهدوا فی الدنيا>.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۱

۱ - زندگی دنیایی و بهره های آن ، در مقایسه با زندگی اخروی ، اندک و زودگذر است .

يقوم إنما هذه الحيوة الدنيا متع و إن الآخرة هي دار القرار

<متاع> به چیزی گویند که از آن بهره کم برده می شود. گفتنی است چون دنیا در برابر آخرت قرار گرفته که دار قرار و پایدار است؛ زودگذر بودن آن فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۵ - ۳

۳ - حیات اخروی ، در پیشگاه خداوند ، امری بس ارزشمند و مخصوص تقوایندگان است .

و الآخرة عند ربك للمتقين

ارزش زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۷

۷ - ارزش حیات و زندگی دنیوی انسان ها ، در گرو رسیدن آنان به تقوایشگی است .

و لکم فی القصاص حیوة .. لعلکم تتقون

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که <لعلکم ..> بیان غایت برای <حیاه> باشد؛ یعنی، قانون قصاص تشریح شد تا حیات جامعه را تضمین کند و حیات و زندگی به خودی خود ارزشی ندارد مگر اینکه زمینه ای برای تحصیل تقوا باشد.

اصلاح زندگی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۳

۱۳ - آمرزش گناهان و سامان یافتن شؤون حیات ، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

وَالَّذِينَ آمَنُوا .. كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالِهِمْ

<أصلح بالهم> يا به معنای اصلاح مطلق شؤون

زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

اصلاح زندگی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۳

۱۳- آموزش گناهان و سامان یافتن شؤون حیات، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم و أصلح بالهم

<أصلح بالهم> یا به معنای اصلاح مطلق شؤون زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

اعتدال در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۹

۱۹ لزوم پیشه ساختن روش متعادل و بدور از افراط و تفریط در زندگی

منهم امه مقتصده

اگر چه مراد از اقتصاد عمل به احکام الهی است ولی انتخاب واژه <مقتصد> برای رساندن این معناست که اعتدال در امور، خود امری پسندیده و مورد ترغیب خداوند است.

اقرار به کوتاهی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۱

۱ - اعتراف دوزخیان به کوتاه بودن مدت حیات دنیوی خویش در مقایسه با حیات اخروی

قالوا لبثنا أو بعض یوم

برداشت فوق با توجه به این نکته است که مراد از <فی الأرض> در آیه قبل، زندگی دنیوی باشد. در این صورت تعبیر

<یوماً أو بعض یوم> بدان جهت است که دوزخیان زندگی چند دهه ای دنیا را، در مقایسه با حیات طولانی اخروی، بسیار ناچیز می بینند.

اهتمام به زندگی شخصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ -

۹ - ترک حضور در محضر رهبری جامعه اسلامی برای حل و فصل امور مهم اجتماعی ، به منظور پرداختن به امور زندگی شخصی ، بدون اذن خواستن ، حرام و ممنوع است .

و إذا كانوا معه على أمر جامع لم يذهبوا حتى يستأذنوه .. فإذا استأذنوك لبعض شأن

اهمیت اجتناب از سختگیری در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۷ - ۱،۴

۱ بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان ، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند .

و عباد الرحمن .. و الذين إذا أنفقوا لم يسرفوا ولم يقتروا

آنچه از ظاهر آیه شریفه و لغت به دست می آید، این است که واژه <انفاق> به معنای هزینه کردن و کاستن از اموال است؛ چه آن که این اموال برای زندگی شخصی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش شود. گفتنی است <اسراف> (مصدر <یسرفوا>) به معنای زیاده روی در مصرف اموال و <قترا> (مصدر <یقتروا>) به معنای سخت گیری در مصرف است.

۴ تشویق خداوند به رعایت اعتدال و میانه روی و پرهیز از اسراف و سخت گیری در مصرف اموال برای زندگی شخصی و یا بخشش به دیگران

و الذين إذا أنفقوا لم يسرفوا ولم يقتروا و كان بين ذلك قوامًا

اهمیت اعتدال در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۷ - ۴

۴ تشویق خداوند به رعایت اعتدال و میانه روی و پرهیز از اسراف و سخت گیری

در مصرف اموال برای زندگی شخصی و یا بخشش به دیگران

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۷ - ۲

۲ - روابط اجتماعی سالم ، در گرو زندگی معتدل و در حد نیاز است .

و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الأرض

از این که بغی و طغیان، متفرع بر بسط و گسترش رزق شده و نه اصل رزق، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۸ - ۵

۵ - توصیه به دور نشدن از قوانین و موازین عادلانه در زندگی ، برخوردار از جایگاهی ویژه در بین توصیه ها و آموزه های الهی و قرآنی

أَلَا تَطْغَوْا فِی الْمِیزَانِ

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که سفارش به دور نشدن از قوانین و موازین عادلانه، نخستین توصیه الهی در این سوره قرار گرفته است.

اهمیت امنیت در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۳

۳- دستیابی انسان ها به زندگی آرام و امن و به دور از سلطه جباران ، امری بس مهم و ارزشمند

فأغرقنه و من معه . . . اسکنوا الأرض

اهمیت برنامه ریزی در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - اهمیت تقدیر و حساب گری در تنظیم بهینه حیات

و أنزلنا من السماء ماء بقدر

اهمیت تأمین نیازهای زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۶

۶- ترجیح دنیا بر آخرت و نه صرف تأمین نیاز های زندگی امری نکوهیده است .

فعلیهم غضب من الله .. ذلك بأنهم استحبوا الحیوه الدنيا علی الآخره

اهمیت تحولات زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۵

۵ - خودداری از ایمان ، پس از مشاهده حالت های گوناگون طبیعت و تحولات زندگی بشر ، غیر قابل توجیه و شگفت آور است .

لا أقسم بالشفق . و الیل و ما وسق . و القمر إذا اتسق . لترکبن طبقا عن طبق . ف

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که حرف <فاء>، این آیه را بر محتوای قسم و مقسم به (در آیات پیشین) تفریع کرده باشد.

اهمیت تدبیر در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- آینده نگری و تدبیر ، اصلی مهم در تنظیم صحیح خط مشی زندگی انسان

و لاتجعل یدک مغلوله .. و لاتبسطها ... فتقعد ملوما محسورا

خداوند بر اساس اصل آینده نگری که از جمله <فتقعد ملوما محسورا> استفاده می شود (چرا که <فاء> در <فتقعد> برای بیان نتیجه و پایان و آینده کار است) انسان را از افراط و تفریط در انفاق و .. منع کرده است.

اهمیت ذکر زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- لزوم توجه انسان به حیات اخروی و ذخیره سازی امکانات خود برای آن

أذهبتم طینتکم .

.. و استمتعتم بها ... تجزون عذاب الهون

تذکر خداوند به فرجام کافران و سرّ بدفرجامی آنان، در حقیقت رهنمودی است به آنان که چگونه بیندیشند و چگونه زندگی کنند تا به فرجام شوم کافران مبتلا نشوند.

اهمیت زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۵

۵ - زندگی دنیوی، در پرتو وجود معاد و حیات اخروی، ارزشمند و هدفدار می شود.

أفحسبتم أنما خلقنكم عبثاً و أنکم إلینا لاترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۶

۶ - حیات آخرت، حیات اصلی و هدف نهایی برای بشر است.

إنّا أخلصنهم بخالصه ذکری الدار

از ستایش شدن پیامبران به آخرت اندیشی و دنیاگریزی، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

اهمیت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۵

۵ - زندگی دنیوی، در پرتو وجود معاد و حیات اخروی، ارزشمند و هدفدار می شود.

أفحسبتم أنما خلقنكم عبثاً و أنکم إلینا لاترجعون

اهمیت قانونمندی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - زندگی انسان ها ، چونان نظام طبیعت ، وابسته به رعایت موازین و معیارها

و وضع المیزان . أَلَا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ

از ارتباط این آیه با آیات پیشین استفاده می شود: چنانچه وجود موازین در نظام جهان، عامل ثبات و پایداری آن است و بی حسابی و بی قانونی به انهدام آن منتهی می شود، زندگی انسان نیز متکی

به رعایت معیارها است.

اهمیت هدفداری در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- سود جستن از امکانات زندگی ، بدون هدفی متعالی و احساس مسؤولیت ، عملی حیوانی *

يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ

برداشت بالا- بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان در خوردن و لذت جویی، جز ارضای غریزه به هدفی دیگر نیندیشیده و خود را مسؤول نمی داند.

ایمان در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۶

۶- زندگی واقعی و ارزشمند ، حیات همراه با ایمان و عمل صالح است .

من عمل صلحًا .. و هو مؤمن فلنحييّه حيوه طيبه

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) بنابر اینکه <حیاه طیبه> زندگی دنیوی باشد. ب) زنده شدن انسان مؤمن و نیک کردار در زندگی دنیا، اشاره به این معنا دارد که زندگی بدون ایمان، در حقیقت زندگی شایسته و درخور شأن انسان نیست و حیات واقعی به ایمان و عمل صالح است.

بازگشت به زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۰ - ۱

۱ - معاد ، بازگشت دوباره انسان به زندگی است .

لمردودون فی الحافره

<حافره> به معنای خلقت نخستین است (لسان العرب). هم چنین در بیان حالت کسانی که به همان راهی بازگردانده شوند که از آن آمده اند، <مردودون فی الحافره> گویند (مفردات راغب). در این معنا، <حافره> به معنای <ذات حفر> یا <محفوره> و منطبق بر اثر پای رونده است.

باطن

زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۴

۴ - زندگی دنیوی دارای ظاهر و باطن است .

یعلمون ظهراً من الحیوه الدنیا

ظاهر، در برابر باطن است و دلالت می کند که دنیا، علاوه بر ظاهر، باطن هم دارد.

برتری زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۸ - ۱

۱ - جاودانگی جهان آخرت و برتری آن بر زندگانی دنیا ، در تمام کتاب های آسمانی مطرح شده است .

و الآخره خیر و أبقى . إِنَّ هَذَا لَفِي الصَّحْفِ الْأُولَى

<الصحف>، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. تصریح به بعضی از صحف در آیه بعد، تنها بر اهمیت آنها دلالت دارد و عموم را از بین نمی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۹ - ۳

۳ - برتری آخرت بر زندگانی دنیا و توقف رستگاری بر تزکیه ، یاد نام خدا و ادای نماز ، از معارف یاد شده در کتاب های آسمانی ابراهیم و موسی (ع)

قد أفلح .. بل تؤثرون ... صحف ابرهیم و موسی

برتری زندگی اخروی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۵

۵ - عطا های رضایت بخش خداوند در آخرت ، دلیل برتری زندگی اخروی پیامبر (ص) بر دنیای آن حضرت است .

و للأخِرهِ خیر لک من الأولى . و لسوف یعطیک ربک فترضی

بهترین برنامه زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴- پیامبر (ص) ، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است .

و جنابك شهيدًا على هؤلاء و نزلنا عليك الكتب تبيِّنًا لكلِّ شيء و هدى

با توجه به ارتباط دو بخش آیه / یعنی ، < و جنابك شهيدا .. > با < و نزلنا عليك ... > و نیز بنابر اینکه < شهيداً > را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

۱۶- ارائه بهترین برنامه به انسان (قرآن) ، اتمام حجت خداوند بر آدمیان

و يوم نبعث في كلِّ أمه شهيدًا .. و نزلنا عليك الكتب تبيِّنًا لكلِّ شيء و هدى

بهترین زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۷

۷ زندگی در بهشت جاودان ، بهترین و برترین زندگی و سرانجام برای انسان

قل أذلك خير أم جنه الخلد .. جزاء و مصيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۲ - ۲

۲ - زندگی در بهشت ، برترین زندگی است .

فی عيشه راضيه . فی جنه عاليه

بی ارزش زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۴،۷،۳

۳ - لزوم برگزیدن ایمان و هدایت الهی / ولو به بهای از دست دادن زندگی دنیوی و متاع آن

وقالوا إن نَتَّع الهدى معك نتخطف من أرضنا .. و ما أوتيتم من شيء فمتع الحيوه

٤ - حیات اخروی ، بهتر و پایدارتر از

حیات دنیوی

و ما عند الله خير و أبقى

<ما> در <ما عند الله> به قرینه <الحياه الدنيا> کنایه از حیات اخروی است.

۷- برگزیدن زندگی دنیوی به بهای از دست دادن سعادت اخروی ، عملی نابخردانه است .

و ما أوتیتم من شیء فمتع الحیوه الدنيا. .. أفلاتعقلون

بی ارزشی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۵

۵- ارزش مال و فرزند و زندگی ناپایدار دنیا ، در قبال عمل صالح جاودان ارزشی فرومایه و محدود است .

المال و البنون زینه الحیوه الدنيا و البقیة الصلحت خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۴ - ۳،۷،۸

۳ - حیات دنیوی ، حیاتی ناچیز و پست است .

و ما هذه الحیوه الدنيا

آوردن اسم اشاره <هذه> قبل از مشارئیه آن، با توجه به این که بدون اسم اشاره هم معنا کامل و رسا بود، برای تحقیر مشارئیه است.

۷- مشرکان ، از بازیچه بودن حیات دنیوی و حیات راستین بودن عالم آخرت ، بی خبرند .

و لئن سألتهم من .. و ما هذه الحیوه الدنيا ... لو كانوا یعلمون

بنابراین که ضمیر فاعلی <یعلمون> به قرینه سیاق مشرکانی باشد که در آیات پیشین، از آنها سخن گفته شده است، نکته بالا، قابل استفاده است.

۸- انسان ها ، در صورت آگاهی و اطلاع از سرگرمی و بازی بودن دنیا و حیات واقعی بودن عالم آخرت ، از دنیا دست می

کشیدند و به آخرت روی می آوردند .

و ما هذه الحيوه الدنيا إلا لهو . . . و

إِنَّ الدارَ الآخِرَةَ لَهِيَ الحَيَوانُ لَوْ كَانُوا يَع

برداشت بالا- بنابر محذوف بودن جواب <لو> است و آن، چیزی مانند این فراز است: <لرغبوا في الآخرة و زهدوا في الدنيا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۱

۱ - زندگی دنیایی و بهره های آن ، در مقایسه با زندگی اخروی ، اندک و زودگذر است .

يقوم إنما هذه الحيوه الدنيا متع و إِنَّ الآخرة هي دار القرار

<متاع> به چیزی گویند که از آن بهره کم برده می شود. گفتنی است چون دنیا در برابر آخرت قرار گرفته که دار قرار و پایدار است؛ زودگذر بودن آن فهمیده می شود.

بی منطقی زندگی مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۶

۶- زندگی ، تلاش و استدلال های منکران وحی ، حرکتی بازیگرانه و فاقد بنیاد های متقن

في شكّ يلعبون

پایداری زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۴

۴ - حیات اخروی ، بهتر و پایدارتر از حیات دنیوی

و ما عند الله خير و أبقى

<ما> در <ما عند الله> به قرینه <الحياه الدنيا> کنایه از حیات اخروی است.

پرسش از مدت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۲ - ۱

۱ - پرسش خداوند از دوزخیان ، نسبت به مدت زندگی آنان در دنیا

قل کم لبثتم فی الأرض عدد سنین

ضمیر فاعل در <قال> با توجه به آیات قبل، به خداوند باز می گردد. <کم> برای

استفهام از مقدار و <لبث> (مصدر <لبثم>) به معنای درنگ کردن است.

پوچی زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۲

۲- واقعیت زندگی کافران ، چیزی جز پوچی و بی فرجامی و زیانکاری نیست .

ذلك

<ذلك> ممکن است که خبر مبتدای محذوف و تأکید بر محتوای آیات قبل باشد یعنی، واقعیت این است و جز این نیست. (الأمر ذلك و لا غیر) و می تواند مبتدا باشد و <جزاؤهم> خبر آن و <جهنم> عطف بیان برای مبتدا یا خبر. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۴

۴ - پوچی و بی هدفی در زندگی ، از ویژگی های کافران

فذرهم يخوضوا ويلعبوا

پوچی زندگی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳ - ۱

۱- مشرکان ، مردمی غافل از مسائل جدی و اصلی زندگی و دل مشغول به امور واهی و بی ارزش

و هم يلعبون . لاهیه قلوبهم

<لهو> به معنای چیزی است که انسان را از کارهای مهم و سودمند باز دارد (مفردات راغب). توصیف مشرکان به این که قلبشان به لهو و امور غیر مهم مبتلا شده، بیانگر برداشت یاد شده است.

پوچی زندگی منکران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۸ - ۵

۵ زندگی و تلاش منکران رسالت ، سراسر بازیچه و بی ثمر در سعادت آنان است .

أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضَحَىٰ وَ هُمْ يَلْعَبُونَ

می توان گفت مراد از

<لَعْب> در <يلعبون> اشتغال به امور دنیوی و تلاش برای رفع نیازهای مادی است که چون در مسیر حق و هدف تعیین شده برای انسان نمی باشد، از آن به <بازی کردن> تعبیر شده است.

تاریخ زندگی اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۲

۲ زندگی انسان ها از آغاز تاریخ ، زندگی اجتماعی بود .

و ما كان الناس إلا أمه وحده

<امت> به هر جمعیتی گفته می شود که امر واحدی آنان را گرد هم آورده باشد.

تبیین حقیقت زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۵

۵ - ارائه تصویری درست از حقیقت زندگی در دنیا و آخرت ، از نخستین کار های هدایتی مؤمن آل فرعون

يقوم إنما هذه الحيوه الدنيا متع و إن الأخره هي دار القرار

تبیین حقیقت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۵

۵ - ارائه تصویری درست از حقیقت زندگی در دنیا و آخرت ، از نخستین کار های هدایتی مؤمن آل فرعون

يقوم إنما هذه الحيوه الدنيا متع و إن الأخره هي دار القرار

تحولات زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - پیدایش مراحل گوناگون در طبیعت (شفق ، تاریکی شب و نور ماه) ، نشانی از امکان تغییر و تحول در نظام حیات بشر در دنیا و آخرت

فلا أقسم .. لتركبن طبقا عن طبق

در قسم های قرآن، تناسب بین محتوای

قسم و غرض از آن رعایت شده است و در این مجموعه آیات نیز برای تأکید بر تغییر حالات انسان، به تغییرات تکوینی سوگند یاد شده است.

تحولات زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۳

۳ - مرگ ، سرآغاز تحولی عمیق در سیر حیات و فرایند زندگی بشر

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

تحولات زندگی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۳ - ۶

۶- زندگی دنیوی انسان ها ، آمیزه ای از برخورداری از نعمت و محرومیت

و ما بکم من نعمه فمن الله ثمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ

تحولات زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۴

۴ - پیدایش مراحل گوناگون در طبیعت (شفق ، تاریکی شب و نور ماه) ، نشانی از امکان تغییر و تحول در نظام حیات بشر در دنیا و آخرت

فلا أقسم .. لتركبن طبقاً عن طبق

در قسم های قرآن، تناسب بین محتوای قسم و غرض از آن رعایت شده است و در این مجموعه آیات نیز برای تأکید بر تغییر حالات انسان، به تغییرات تکوینی سوگند یاد شده است.

تداوم زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۹

۱۹ پابرجایی زندگی انسانها در زمین، در عین انقراض امتهای متمدن کافر

فأهلكنهم بذنوبهم و أنشأنا من بعدهم قرناً اخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ -

۳ پایان نیافتن زندگی انسان با < مرگ > و تداوم آن در قیامت با < نفخ صور >

و جاءت سكره الموت بالحقّ .. و نفخ فی الصور

تذکر به < نفخ در صور > و برپایی روز جزا در پی تذکر به مرگ پیامدار معنای یاد شده است.

تداوم زندگی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۹

۹ - استوار ماندن قریش بر نظام معیشتی دیرپای خویش ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

لایلف قریش

چنانچه سوره < قریش > سوره ای مستقل باشد و با سوره < فیل > یک سوره تلقی نگردد؛ حرف < لام > در < لایلاف > متعلق به < فلیعبدوا > در آیه سوم خواهد بود. در آن صورت مفاد آیه این می شود که چون خداوند، نعمت ایلاف را به قریش عطا کرده است، باید او را بندگی کنند. گفتنی است که بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

تدبیر زندگی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۷ - ۲

۲ - مدیریت خداوند در تدبیر معیشت انسان ها ، امری روشن و قابل درک است .

أولم یروا أنّ الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر

تشبیه زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - حیات دنیا ، همچون رستنی های کشتزار ، فریبا و ناپایدار است .

اعلموا أنّما الحيوه الدنيا .. كمثل غيث أعجب الكفار نباته ... ثمّ يكون حطّماً

تعداد زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰

۲ - انسان ، از آغاز آفرینش خود تا روز قیامت ، برخوردار از دو مرگ و دو حیات

قالوا ربنا أمتنا اثنتین و أحييتنا اثنتین

تعقل در امکانات زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۱۰

۱۰ - لزوم اندیشیدن آدمیان ، در طبیعی ترین امکانات زندگی خویش و توجه یافتن به نقش خداوند در آنها

و الله جعل لكم من بيوتكم سكنًا .. أثنا و متعًا

تفاخر در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۳

۳ - حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش نیست : بازی ، لهو و سرگرمی ، زینت و آرایش ، تفاخر و فخرفروشی ، و فزون طلبی

أئما الحيوه الدنيا .. و تكاثر في الأموال و الأولد

واژه <أئما> (به فتح همزه) نظیر <إنما> (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین <أئما الحيوه الدنيا...> معادل <ما الحياه الدنيا إلا- لهو و لعب...> است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از <لعب>، <لهو>، <زینت>، <تفاخر> و <تکاثر> نمی باشد.

تفاوت زندگی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۷

۷ - زندگی و مرگ مؤمنان نیک کردار ، غیرقابل قیاس با زندگی و مرگ گناه پیشگان

أم حسب الذين اجترحوا السيئات أن نجعلهم كالذين ءامنوا و عملوا الصلحت سواء محياه

تقدير زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۲

۲ - تقدير مرگ و حیات برای بشر ، جلوه

فرمانروایی و قدرت مطلق و بی پایان خداوند است .

بيده الملك و هو على كل شيء قدير . الذي خلق الموت و الحيوه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <الذی خلق الموت.. >، درصدد توضیح و تبیین آثار و جلوه های ملک و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۹

۹ - > عن الرضا (ع) ليله القدر يقدر الله عزوجل فيها ما يكون من السنه إلى السنه من حياه أو موت أو خير أو شرّ أو رزق فما قدره في تلك الليله فهو من المحتوم ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: خداوند در شب قدر، آنچه را که از این سال تا سال بعد پیش خواهد آمد مقدر می فرماید؛ از زندگی یا مرگ؛ از خوب یا بد، یا روزی. پس آنچه را خداوند در این شب مقدر فرمود، آن حتمی خواهد بود.

تکاثر در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۳

۳ - حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش نیست : بازی ، لهو و سرگرمی ، زینت و آرایش ، تفاخر و فخرفروشی ، و فزون طلبی .

أئما الحيوه الدنيا .. و تکاثر فی الأموال و الأولد

واژه <أئما> (به فتح همزه) نظیر <إنما> (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین <أئما الحيوه الدنيا...> معادل <ما الحياه الدنيا إلا- لهو و لعب...> است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از <لعب>، <لهو>، <زینت>، <تفاخر> و <تکاثر> نمی باشد.

تلاش برای زندگی

اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۶۱ - ۲

۲- رهایی از عذاب الهی و دستیابی به حیات جاودانه بهشتی (رستگاری بزرگ) ، تنها هدف شایسته برای هر گونه سعی و تلاش در زندگی آدمی

لمثل هذا فليعمل العملون

از تقدم جار و مجرور (لمثل) بر عامل خود (فليعمل) که مفید حصر است برداشت یاد شده به دست می آید.

توسعه زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۲

۲ رهایی از تنگنا ها و دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف زندگی ، ثمره ای برای هجرت در راه خدا

و من يهاجر في سبيل الله يجد في الارض مراغماً كثيراً وسعه

جاذبه های زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۶ - ۲

۲- مال و فرزند ، قوی ترین جاذبه های زندگی دنیايند . *

المال و البنون زينه الحيوه الدنيا

جاودانگی زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۵۸ - ۳

۳ - حیات آخرت ، حیاتی است جاودانه و به دور از مرگ و نیستی .

أفما نحن بميتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۱

۱ - برپا شدن قیامت پس از مرگ انسان و استمرار حیات بشر و جاودانگی او در عالم هستی

إنهم میتون . ثم إنکم یوم القیمه عند ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ -

۳- پایداری و پایداری زندگی اخروی، دلیل برتری آن بر زندگی دنیایی است.

إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ

برداشت یاد شده به این خاطر است که آیه شریفه با مقایسه کردن زندگی دنیایی و حیات اخروی، درصدد بیان برتری زندگی در آخرت می باشد.

۴- دنیا، گذرگاه و مقدمه برای حیات جاودانه آخرت است.

إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ

واژه <متاع> در برخی از موارد به چیزی گفته می شود که بهره انسان از آن کم و ناپایدار باشد. بنابراین توصیف زندگی دنیایی به <متاع> و زندگی اخروی به <دارالقرار> (سرای پایدار)، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۰

۲۰- زندگی در آخرت، جاودان و بی انت ها است.

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- اعلی - ۸۷ - ۱۸ - ۱

۱- جاودانگی جهان آخرت و برتری آن بر زندگانی دنیا، در تمام کتاب های آسمانی مطرح شده است.

و الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى . إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى

<الصحف>، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. تصریح به بعضی از صحف در آیه بعد، تنها بر اهمیت آنها دلالت دارد و عموم را از بین نمی برد.

جایگاه زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - زمین ، محل و جایگاه مناسب برای زندگی و مرگ انسان های بسیار

کفائاً . أحياء و

تنوین <أحياء و أمواتاً>، برای تعظیم است و مراد از آن تکثیر می باشد.

۴ - > حَمَاد بن عیسی عن اَبی عبدالله (ع) أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى الْمَقَابِرِ ، فَقَالَ : يَا حَمَادُ هَذِهِ كِفَاتُ الْأَمْوَاتِ وَ نَظَرَ إِلَى الْبُيُوتِ فَقَالَ : هَذِهِ كِفَاتُ الْأَحْيَاءِ ثُمَّ تَلَا [هَذِهِ الْآيَةُ] > أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا . أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتًا < ;

حمّاد بن عیسی از امام صادق (ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حمّاد! این کفاتِ مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کفاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: > أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا . أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتًا <.

جایگاه زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۶ - ۲

۲ خداوند زمین را بدون فساد آفرید و آن را برای زندگی انسان ها جایگاهی شایسته قرار داد .

بعد إصلاحها

جذابیت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۵ - ۹

۹- جان و مال ، پرجاذبه ترین امور در زندگی انسان

و جهدوا بأموالهم و أنفسهم

خداوند، از میان جاذبه های زندگی، فقط به جان و مال اشاره کرده است و چشم پوشی از آن را نشانه ایمان استوار دانسته است.

جهل به کوتاهی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - دل‌بستگی انسان به دنیا ، معلول جهل او به ناچیز بودن عمرش

قل إن لبثتم إلا قليلاً لو أنكم كنتم تعلمون

حرص به زندگی دنیوی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ - مشرکان ، به زندگی دنیا حریص و دل بسته اند .

لتجدنهم أحرص الناس .. و من الذين أشركوا

حرص مشرکان به زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ - مشرکان ، به زندگی دنیا حریص و دل بسته اند .

لتجدنهم أحرص الناس .. و من الذين أشركوا

حرص يهود به زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۳، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - يهود ، حریص ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

۲ - يهود ، به هر نوع زندگی دنیوی - هر چند پست باشد - حریص و دل بسته اند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

نکره آوردن <حیاه> اشاره به این نکته دارد که: یهودیان بر صرف زنده ماندن با هر ویژگی - هر چند که پست و حقیر هم

باشد - حریصند.

۳ - روش و منش يهود ، نمایانگر حرص شدید آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

<لتجدن> مرکب از فعل تجدد (می یابی)، لام قسم و نون تأکید است؛ یعنی، البته و بدون هیچ تردید می یابی که یهود حریص ترین مردمند. تأکید بر اینکه مخاطب، دلبستگی یهود را بر زندگی دنیا می یابد، گویای این معناست که عملکرد یهود نمایانگر علاقه شدید آنان به حیات دنیاست.

۴ - نمایان بودن علاقه یهود به زندگی دنیا

، مانع آنان از اظهار اشتیاق به حیات اخروی و تظاهر به نه‌راسیدن از مرگ

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

جمله <لتجدنهم...> استشهادی است برای جمله <لن يتمنوه> یعنی، این حقیقت که یهود تمنای مرگ و رسیدن به آخرت را ندارند، از زندگی آنان به خوبی معلوم می‌شود؛ به گونه‌ای که حتی خود آنان نیز نمی‌توانند آن را انکار کنند.

۵- اشتیاق یهود به زندگی دنیا، حتی از مشرکان فزونتر است.

و لتجدنهم أحرص الناس... و من الذين أشركوا

<من الذين > عطف بر <الناس > می‌باشد؛ یعنی: <و لتجدنهم أحرص من الذين أشركوا> می‌یابی آنها را که از مشرکان به زندگی در دنیا دل‌بسته‌ترند.

۱۳- یأس یهود از سرای آخرت، زمینه‌ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است.*

یود أحدهم لو يعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن يعمر

حقیقت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جا ئیه - ۴۵ - ۲۴ - ۳،۷

۳- هواپرستان، معتقد به منحصر بودن زندگی انسان در دنیا و پایان یافتن آن با مرگ*

من اتَّخذ إلهه هویه... و قالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا

برداشت بالا بدان احتمال است که فاعل <قالوا> هواپرستان باشد که در آیه قبل مطرح بود.

۷- زندگی و مرگ در نگاه مشرکان، پدیده‌ای طبیعی و بی‌ارتباط با اراده الهی و وجود خداوند

و ما یهلکنا إلا الدهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۳ - ۷

۷- مرگ

، همانند حیات ، مرحله ای از تحوّل و شدن انسان به سوی خداوند است .

إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ

از این که خداوند پس از <نمیت>، سخن از حرکت و شدن انسان به سوی خویش به میان آورده؛ استفاده می شود که مرگ فنا و پایان کار نیست؛ بلکه مرحله ای از مراحل حرکت هستی، به سوی اهداف الهی است.

حقیقت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۷

۷ - تردید در پیروزی رومیان پس از شکست آنان ، برخاسته از سطحی نگری و بی توجهی مردمان عصر بعثت به حقایق نهان زندگی دنیا است .

سِغْلِبُونَ .. يَعْلَمُونَ ظَهْرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

نکته یاد شده بر این اساس است که <ال> در <الناس> عهد باشد و مراد از آن، مردمی باشند که درباره وعده خداوند به پیروزی رومیان شکست خورده تردید داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۳

۳ - حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش نیست : بازی ، لهو و سرگرمی ، زینت و آرایش ، تفاخر و فخرفروشی ، و فزون طلبی .

أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا .. وَتَكَاتُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ

واژه <أَنَّمَا> (به فتح همزه) نظیر <إِنَّمَا> (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین <أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا...> معادل <ما الحياه الدنيا إلاّ- لهو و لعب...> است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از <لعب>، <لهو>، <زینت>، <تفاخر> و <تکاتُر> نمی باشد.

حیات زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

عنكبوت - ۲۹ - ۶۴ - ۵

۵- آخرت ، سراسر حیات و زندگی است و مرگ و نیستی ، در آن راه ندارد .

و إنّ الدار الآخرة لهی الحيوان

تعبیر <الحيوان> (عین حیات) نشان می دهد که آخرت، حیات محض است.

خالق زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۳ - ۶

۶- معاد ، حضور موجودات در پیشگاه آفریننده مرگ و زندگی است .

إنّا نحن نحیی و نمیت و إلینا المصیر

خلقت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۴

۱۴- پدیدار شدن حیات بر روی زمین ، جلوه ای از قدرت لایزال خداوند است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا .. و كان الله علی کلّ شیء مقتدرًا

درخواست زندگی پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱

۱ تقدیر زندگانی نیکو در دنیا و آخرت ، درخواست موسی (ع) از خداوند برای خود و همراهانش در میعاد گاه مناجات

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الآخرة

با توجه به آیه قبل معلوم می شود مراد از <نا> در <لنا>، موسی(ع) و همراهان او در میعاد گاه مناجات است. کتابت در آیه

شریفه به معنای مقدر کردن است.

درخواست زندگی جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۸

۸ - انسان ، خواهان زندگی جاوید و ملک و مالکیت فنا ناپذیر است .

هل أدلک علی شجره الخلد و ملک لایلی

شیطان برای کارگر ساختن وسوسه خویش

در آدم، از زمینه هایی بهره برد که در آدم وجود داشت. آن زمینه ها، میل به جاودانگی و مالکیت فنا ناپذیر است.

دلایل برتری زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۳

۳ - پایداری و پایداری زندگی اخروی ، دلیل برتری آن بر زندگی دنیایی است .

إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ

برداشت یاد شده به این خاطر است که آیه شریفه با مقایسه کردن زندگی دنیایی و حیات اخروی در صدد بیان برتری زندگی در آخرت می باشد.

ذکر فناپذیری زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۶ - ۳

۳ - توجه به ناپایداری زندگی دنیایی ، هشدار به انسان ها در فریفته نشدن به آن

كُلٌّ مِنْ عَلَيْهَا فَانٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۳

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به ناپایداری زندگی دنیایی و اقتدار و کرامت جاودان پروردگار هستی

كُلٌّ مِنْ عَلَيْهَا فَانٍ . وَ بَقِيَّ وَجْهَ رَبِّكَ ... فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانِ

پرسش سرزنش آمیز آیه شریفه، در مورد نعمت های انکارناپذیر، در صدد توجه دادن انسان به نعمت هایی است که در آیات پیشین مطرح شده است (از جمله ناپایداری دنیا و بقای اقتدار خداوند).

ذکر کوتاهی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - توجه انسان در دنیا به ناپایداری عمر خویش ، دارای نقشی اساسی در گرایش او به دین الهی

قل إن لبثتم

إِلَّا قَلِيلاً لَوْ أَنكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

تعبیر <لَوْ أَنكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ> می رساند که اگر انسان در زندگی دنیوی، به ناپایداری آن توجه داشته باشد، راهی را انتخاب خواهد کرد که به دوزخ و پشیمانی منتهی نشود. آن راه، همان گردن نهادن به شریعت و آیین الهی است.

ذکر ناپایداری زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۸

۸- توجه به سرعت زوال زندگی دنیا، مایه هشدار و عبرت رفاه مندان و دنیاطلبان است.

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا کما أنزلنه .. تذروه الریح

با توجه به ارتباط آیه با آیات قبل که در زمینه نشان دادن اندیشه های رفاه مندان مغرور و فرجام آنان بود، نکته بالا فهمیده می شود.

رضایت بخشی زندگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۱ - ۲

۲- زندگی در بهشت، زندگی کاملاً رضایت بخش و دل پسند

فی عیشه راضیه

به قرینه آیه بعد (فی جنّه عالیه) زندگی رضایت بخش، در بهشت خواهد بود.

رفاه در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۶۸

۶ دشواریهای زندگی و رفاه و گشایش در آن، در اختیار خداوند است.

فأخذنهم بالبأساء والضراء .. فتحنا علیهم أبوب کل شیء

چون گشایش در زندگی و معیشت (فتحنا) و سختی و تنگنا (فأخذناهم)، هر دو با ضمیر <نا> به خداوند نسبت داده شده است، معلوم می شود که هر دو حالت با اراده خداوند صورت می پذیرد.

۸ فراوانی و رفاه و آسایش همواره

نشانه لطف و عنایت الهی نیست.

فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبواب كل شيء حتى إذا فرحوا

رفاه در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - زندگی دنیوی انسان ها ، آمیزه ای از ناملایمات و برخورداری از نعمت ها است .

إذا مسّ الناس ضرٌّ .. ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه ... فتمتّعوا

روش زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ - استفاده از نعمت های الهی ، سپاس گزاری از خدا و انجام اعمال شایسته ، رسم و راه زندگی ترسیم شده از سوی خدا

برای یکایک پیامبران و همه مؤمنان

يَأْتِيهَا الرّسل كلوا من الطّيبات و اعملوا صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۷ - ۶،۷

۶ راه و روش پیامبر (ص) ، تنها راه و روش صحیح برای بشر و جز آن ، بیراهه خواهد بود .

يقول يلبتني اتّخذت مع الرسول سيلاً

ندامت و تأسف شدید ظالمان از نپیمودن راه پیامبر(ص)، حکایت می کند که تنها راه پیامبر(ص) راهی است صحیح که در

آن پشیمانی و تأسف نیست و همه راه ها جز راه او، بیراهه است.

۷ پیامبران ، ارائه دهنده راه و روش زندگی سعادت‌مندان

يلبتي اتّخذت مع الرسول سيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود (ع) خواستار نمایاندن راه درست زندگی به آنان

و اهدنا

إلى سواء الصرط

<سواء> در اصل به معنای وسط و میانه است. مقصود از آن در آیه شریفه، راه درست و میانه و به دور از افراط و تفریط در زندگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۸ - ۷

۷ - دین داری ، در عین زندگی خواهی و معنویت توأم با توسعه زندگی مادی ، از توصیه های قرآن

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا . و اذکر اسم رَبِّكَ و تَبْتَئِلُ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً

روش زندگی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۲ - ۳

۳ - راه و رسم زندگی تعیین شده از سوی خدا برای پیامبران ، راه و رسمی روشن و به دور از هر گونه ، ابهام

و إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً

به کارگیری اسم اشاره نزدیک (هذه)، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

روش زندگی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۷ - ۱،۲

۱ بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان ، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند .

و عباد الرحمن . . . و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا

آنچه از ظاهر آیه شریفه و لغت به دست می آید، این است که واژه <انفاق> به معنای هزینه کردن و کاستن از اموال است؛ چه آن که این اموال برای زندگی شخصی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش شود. گفتنی است <اسراف> (مصدر <یسرفوا>) به معنای زیاده روی در

مصرف اموال و <قتر> (مصدر <يقتروا>) به معنای سخت گیری در مصرف است.

۲ رعایت اعتدال و میانه روی در معیشت و زندگی اقتصادی، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

<ذلک> اشاره است به آنچه که در آغاز آیه شریفه ذکر شد (یعنی، اسراف و اقتار) و <قوام> به معنای عدل و راه میانه و وسط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۹

۹ زندگی بر مبنای هدفی معقول و مفید، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین لایشهدون الزور و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

اجتناب کردن بندگان خالص خدا از مجالس باطل (لایشهدون الزور) و نیز پرهیز از لغو و بیهودگی، حاکی است که از آن است که آنان در زندگی، دارای هدفی معقول و مفیداند.

روش زندگی پیروان ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۲

۲ - آشنایی مسلمانان، با ارزش های زندگی ابراهیم (ع) و همگامانش *

قد کانت لکم أسوه حسنه. .. والذین معه

تعبیر <کانت لکم أسوه>، می تواند نظر به آشنایی مسلمانان با برنامه های ارزشی ابراهیم(ع) داشته باشد.

روش زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۳،۶

۳- خداوند برای زنبور های عسل، راه های مناسب با زیست آنها را هموار ساخت .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <ذللاً> حال برای <سبل> باشد.

۶- راه زندگی زنبور های عسل

در طبیعت ، متعدد و گوناگون است .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

برداشت فوق، از جمع آمدن <سبل> استفاده می شود.

روش زندگی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۳ - ۴

۴- غوطه‌پوری در زندگی مادی و خوش گذرانی ، شیوه زندگی در جوامع ستمگر

قریه کانت ظالمه .. وارجعوا إلی ما أترفتم فیه

روش زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۴

۴- لذت جویی گسترده از امکانات حیات ، شیوه کافران

أذهبتم طیبتکم فی حیاتکم الدنیا و استمتعتم بها

روش زندگی مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۴ - ۴

۴ - تعالیم پیامبران ، ناسازگار با ایده و زندگی مترفان و خوشگذرانان

و ما أرسلنا فی قریه من نذیر إلا قال مترفوها إنا بما أرسلتم به كفرون

ایستادگی همواره مترفان در مقابل تعالیم پیامبران و نپذیرفتن آنها، نشان می دهد که آن تعالیم، با ایده و رفتار آنان سازگار نبوده است.

زمان زندگی برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۵ - ۴،۵

۴ مردم در قیامت ، زمان درنگ خود در برزخ را بسیار کوتاه احساس می کنند .

و یوم یحشرهم کأن لم یلبثوا إلا ساعه من النهار

برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به <لم یلبثوا>، زمان پس از مرگ باشد.

۵ مردم در قیامت ، زمان درنگ خود در دو عالم (دنیا و برزخ) را بسیار کوتاه احساس می کنند .

و یوم یحشرهم کأن لم

يلبثوا إلا ساعه من النهار

برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به <لم يلبثوا>، دنیا و زمان پس از مرگ باشد؛ یعنی: <كأن لم يلبثوا في الدنيا و بعد الموت>.

زمان زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۵ - ۳،۵

۳ مردم در قیامت، زمان درنگ خود در دنیا را بسیار کوتاه و به اندازه لحظاتی که چند تن همدیگر را ببینند و بشناسند، احساس می کنند.

و يوم يحشرهم كأن لم يلبثوا إلا ساعه من النهار يتعارفون بينهم

<ساعه> در لغت به معنای جزیی از اجزای زمان، است (کوتاه باشد یا بلند). برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به <لم يلبثوا>، دنیا باشد؛ یعنی: <كأن لم يلبثوا في الدنيا...>.

۵ مردم در قیامت، زمان درنگ خود در دو عالم (دنیا و برزخ) را بسیار کوتاه احساس می کنند.

و يوم يحشرهم كأن لم يلبثوا إلا ساعه من النهار

برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به <لم يلبثوا>، دنیا و زمان پس از مرگ باشد؛ یعنی: <كأن لم يلبثوا في الدنيا و بعد الموت>.

زمینه پوچی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۵

۵ - زندگی من های دین و ایمان به خدا و قیامت، پوچ و بی هدف و سرگرمی صرف است.

فذرهم يخوضوا و يلعبوا

زمینه زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۴

۴ - دنیا ، گذرگاه و

مقدمه برای حیات جاودانه آخرت است .

إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ

واژه <متاع> در برخی از موارد به چیزی گفته می شود که بهره انسان از آن کم و ناپایدار باشد. بنابراین توصیف زندگی دنیایی به <متاع> و زندگی اخروی به <دارالقرار> (سرای پایدار)، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۹

۹ - دنیا برای انسان ، گذرگاه و مقدمه برای زندگی دیگر (حیات اخروی) است ؛ نه مقصد و مقصود او .

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلِغَكُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۸

۸ - زندگی دنیوی ، گذرگاهی است برای عبور به عالم آخرت .

و إِلَيْهِ النُّشُورُ

یادآوری نشر و رستاخیز انسان ها پس از بیان آفرینش زمین و تأمین نیازمندی های بشر در آن می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

زمینه زندگی پاکیزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۳

۳ - دستیابی انسان به زندگی پاکیزه و خوشایند ، در گرو عمل صالح ناشی از ایمان است .

مَنْ عَمِلْ صَالِحًا ... وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً

زمینه زندگی صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- یافتن راه درست زندگی ، در گرو درک صحیح از حقیقت زندگی و آخرت

يقوم اتبعون اهدكم سبيل الرشاد .. إنّما هذه الحيوه الدنيا

برداشت یاد شده از آن جا است که مؤمن آل فرعون در نخستین برنامه هدایتی خود (نشان دادن راه درست زندگی)، به مسأله حقیقت زندگی دنیایی و اخروی پرداخته است.

زمینه علم به زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۱

۱- ژرف نگری درباره عالم آفرینش، زمینه توجه انسان به آخرت و نگرش واقع بینانه به زندگی دنیا است.

یعلمون ظهرًا .. أولم یتفکروا فی أنفسهم ما خلق الله السموت و الأرض و ما ب

<فی أنفسهم> ظرف برای <أولم یتفکروا> است؛ یعنی: <تعجب است که با خود نمی اندیشند.> گفتنی است، از آن جایی که جایگاهی برای اندیشیدن، جز نفس آدمی نیست، قید <فی أنفسهم> اشاره به تفکر عمیق و ژرف دارد. همزه، برای تعجب است و دلالت می کند بر این که <غافلان از عالم آخرت و سطحی نگران به دنیا چرا چنین هستند؟> اگر آنان، درباره عالم آخرت، به اندیشه بنشینند، حقانیت آن را درخواهند یافت و با دریافت حقانیت آن به عالم آخرت توجه پیدا خواهند کرد.

زمینه هدفداری زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۵

۵- عنصر ایمان و تقوا، تغییر دهنده ماهیت پوچ زندگی دنیایی به ماهیتی ارزشی و با فرجام

إنَّما الحیوه الدنیالعب و لهو و إن تؤمنوا و تتقوا یؤتکم أجورکم

از ارتباط <إنَّما الحیاه الدنیا..> با <إن تؤمنوا و...>، استفاده می شود که همین زندگی لعب و لهو، اگر به عنصر ایمان و تقوا آمیخته شد، در نزد خدا

ارزش می یابد و دارای پاداش خواهد بود.

زندگی اجتماعی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۶

۶- دوران پس از نوح (ع) ، سرآغاز فصل جدید زندگی اجتماعی و گروهی بشر

من القرون من بعد نوح

خداوند در آیه قبل فرمود: < بسیاری از جوامع بشری را به خاطر فسق و فساد مترفان هلاک کردیم > و در این آیه سخن از هلاکت اقوام پس از نوح به میان آورده است. از مجموع این دو آیه استفاده می شود که وضعیت اجتماعی پیش از نوح (ع) به گونه ای نبود که طبقه مترف وجود و یا نفوذ داشته باشد و گرنه دچار عذاب می شدند. پس عذاب شدن اقوام پس از نوح (ع) نشان می دهد که زندگی اجتماعی آنان به گونه ای دیگر که دچار عذاب شدند بود و فصل جدیدی را آغاز کرد.

زندگی اجتماعی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۲

۲ زندگی انسان ها از آغاز تاریخ ، زندگی اجتماعی بود .

و ما كان الناس إلا أمه وحده

<امت > به هر جمعیتی گفته می شود که امر واحدی آنان را گرد هم آورده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۵

۵ مؤمنان و کافران ، دارای روحیات و عملکرد متمایز و جدا از یکدیگر علی رغم زندگی مشترک آنان در یک جامعه

و هو الذی مرج البحرين هذا عذب فرات و هذا ملح أجاج .. و حجراً محجوراً

برداشت یاد شده،

بر این اساس استوار است که تشبیه و تمثیل به کار رفته در آیه شریفه، ناظر به افراد یک جامعه باشد که برخی مؤمن اند و برخی دیگر کافر ولی در عین حال این دو گروه، از نظر روحيات و رفتار، از هم جدا و متمایزاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ - نیاز متقابل و ارتباط ناگسستنی انسان ها با یکدیگر در زندگی اجتماعی

و رفعنا بعضهم فوق بعض درجت لیّتخذ بعضهم بعضاً سخریّاً

زندگی اجتماعی انسان های نخستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۱

۱ انسان ها در جامعه نخستین به صورت امت واحد می زیستند .

و ما كان الناس إلا أمة وحده

زندگی اجتماعی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۵

۵ زندگانی قبیله ای ، شیوه زندگی بنی اسرائیل در عصر موسی

و قطعنهم اثنتی عشره أسباطاً أمما

زندگی اجتماعی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - جنیان نیز همانند آدمیان ، دارای زندگی اجتماعی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۷

۷- جنیان ، موجوداتی دارای زندگی اجتماعی و گروهی

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۸

۸- جنیان ،

دارای زندگی اجتماعی و روابط جمعی

نَفْرًا مِنَ الْجَنِّ . . . وَلَوْ إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ

تعبیر <قومهم> بیانگر مطلب بالا است.

زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۳

۳- شرایط زندگی و حیات انسان در قیامت متفاوت با دنیاست .

یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السموت

روشن است که با تبدیل و دگرگونی نظام جهان زندگی انسان هم متناسب با آن تغییر می یابد؛ چون بین زندگی انسان و نظام موجود جهان، پیوندی ناگسستنی است.

زندگی اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- ستم پیشگان ، بی بهره از ثبات آرامش و فاقد اصول ثابت و سخن استوار در زندگی دنیا و آخرتند .

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ يَضَلُّ اللَّهُ ا

از مقایسه صدر و ذیل آیه و مقابله ظالمان با مؤمنان مطلب فوق استفاده می شود.

زندگی اخروی مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۲

۲ - مجرمان ، در روز رستاخیز از یکدیگر جدا شده و به درد فراق مبتلا خواهند بود .

و امتزوا اليوم أيها المجرمون

برداشت یاد شده بر این اساس قرار دارد که مقصود از جدایی مجرمان، جدایی آنان از یکدیگر و ابتلا به درد فراق باشد که این خود عذاب و درد بزرگ روحی و روانی برای آنان خواهد بود.

زندگی اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۶

۶ - زندگی هدایت

یافتگان در جهان آخرت ، زندگی در جوار لطف و رحمت بیکران خداوند است .

و ما عند الله خیر و أبقى

با توجه به قید <عندالله> (نزد خدا) که می تواند کنایه از لطف و رحمت واسعه او باشد برداشت یاد شده به دست می آید.

زندگی ارزشمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۶

۶- زندگی واقعی و ارزشمند ، حیات همراه با ایمان و عمل صالح است .

من عمل صلحاً .. و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) بنابر اینکه <حیاه طیبه> زندگی دنیوی باشد. ب) زنده شدن انسان مؤمن و نیک کردار در زندگی دنیا، اشاره به این معنا دارد که زندگی بدون ایمان، در حقیقت زندگی شایسته و درخور شأن انسان نیست و حیات واقعی به ایمان و عمل صالح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۶ - ۷

۷- زندگی مشقت بار همراه با ایمان و توحید ، بر زندگی آسوده شرک آلود ترجیح دارد .

و إذ اعتزلتموهم و ما یعبدون إلا الله فأوؤا إلى الکهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۸

۸- زندگی بدون ایمان به وحی و معاد ، بازیچه و بی هدف است .

ما یأتیهم من ذکر .. و هم یلعبون

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <یلعبون> ناظر به زندگی طبیعی و روز مره مشرکان باشد، یعنی، آنان به وقت نزول وحی به همان زندگی بی هدف و بازیچه

مشغولند. بنابراین کسانی که مبدأ و معاد را انکار کنند (مانند مشرکان) به لعب و بازیچه در زندگی گرفتار می شوند.

زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۶

۶ - سراسر زندگی انسان از آغاز تا فرجام ، تحت تدبیر خدای یگانه

أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ مِنْ يُرْزِقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ

واژه <بیداً> اشاره به آغاز و <یعيد> اشاره به فرجام و <یرزقکم> یادآوری به نیاز مداوم انسان در طول زندگی به الطاف و حمایت های الهی است.

زندگی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - تنظیم معیشت انسان ها ، در پرتو علم و آگاهی خداوند به مصالح نظام هستی

يَبْسُطُ الرِّزْقَ .. إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

زندگی انسان ها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۵

۵ - پراکندگی انسان ها و سکنا گزیدن آنها در مناطق مختلف زمین ، از آیات الهی است .

و مِنْ ءَايَاتِهِ .. ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

زندگی با ذلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ مسیحیان بر اثر نقض پیمان الهی و اختلافات داخلی، زندگی فلاکت باری را برای خویش خواهند ساخت.

فاغرینا .. و سوف ینبئهم الله بما کانوا یصنعون

بر اساس این احتمال که <سوف ینبئهم>، بیان کیفر دنیوی مسیحیان باشد. بر این مبنا، <ما کانوا یصنعون>، اشاره به گرفتاریهایی است که آنان به

خاطر کینه و دشمنی با یکدیگر برای خویش به وجود می آورند.

زندگی با زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۱

۱ - زنان خبیث (بد سرشت و بد کردار) ، شایسته زندگی با مردان خبیث و مردان خبیث ، شایسته زندگی با زنان خبیث اند .

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده، بر مبنای سه نکته است: ۱ < خبیث > (ضد < طیب > و مفرد < خبیثات > و < خبیثون >) به معنای شیء پست و ناپسند است و انسان خبیث یعنی، کسی که دارای اوصاف و رفتار پست و ناپسند است می باشد. < طیب > (مفرد < طیبات > و < طیبون >) به معنای شیء پسندیده و دل پذیر است و انسان طیب یعنی، کسی که به اوصاف و رفتار خوب و پسندیده آراسته و از هر زشتی و پلیدی منزّه و پاک است. ۲- کلمات < الخبیثات >، < الخبیثین > < الطیبات > و < الطیبون > اوصافی برای موصوف های محذوف مثل < النساء > و < الرجال > است یعنی، < الخبیثات من النساء و الخبیثون من الرجال و... >. ۳- لام در < للخبیثین >، < للخبیثات > < للطیبین > و < للطیبات > برای اختصاص است. با توجه به نکات یاد شده می توان گفت که آیه شریفه در صدد بیان شایستگی ها و ملاک های لازم برای ازدواج می باشد.

زندگی با زنان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۵

۵ - زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطیبت للطیبین و الطیبون للطیبت

زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۸

۸ زندگی با فاسقان ، دشوار و ناخوشایند بر بندگان شایسته خداوند

فأفرق بیننا و بین القوم الفسقین

زندگی با مردان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۱

۱ - زنان خبیث (بد سرشت و بد کردار) ، شایسته زندگی با مردان خبیث و مردان خبیث ، شایسته زندگی با زنان خبیث اند .

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده، بر مبنای سه نکته است: ۱ < خبیث > (ضد < طیب > و مفرد < خبیثات > و < خبیثون >) به معنای شیء پست و ناپسند است و انسان خبیث / یعنی، کسی که دارای اوصاف و رفتار پست و ناپسند است می باشد. < طیب > (مفرد < طیبات > و < طیبون >) به معنای شیء پسندیده و دل پذیر است و انسان طیب / یعنی، کسی که به اوصاف و رفتار خوب و پسندیده آراسته و از هر زشتی و پلیدی منزّه و پاک است. ۲- کلمات < الخبیثات >، < الخبیثین > < الطیبات > و < الطیبون > اوصافی برای موصوف های محذوف مثل < النساء > و < الرجال > است / یعنی، < الخبیثات من النساء و الخبیثون من الرجال و... >. ۳- لام در < للخبیثین >، < للخبیثات > < للطیبین > و < للطیبات > برای اختصاص است. با توجه به نکات یاد شده می توان گفت که آیه شریفه در صدد بیان شایستگی ها و ملاک های لازم برای ازدواج می باشد.

زندگی با مردان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۵

۵ - زنان نیک (نیک سرشت و نیک

کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

زندگی با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۸ - ۱

۱- ابراهیم (ع) ، زندگی در میان هم کیشان آزر را هم سان زندگی در خانه او ، مانعی در راه خداپرستی خویش دیده و از همه آنها کناره گیری کرد .

و أَعْتَزَلَكُمْ وَ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

زندگی برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۷

۷- وجود زندگی بهشتی در عالم برزخ

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ

زندگی برزخی شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۸

۸- شهیدان ، برخوردار از زندگی بهشتی در عالم برزخ

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ

زندگی بنی اسرائیل بعد از فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۲

۲ بنی اسرائیل ، پس از نابودی فرعون ، در سرزمینی با اراضی حاصل خیز که در آن ، از انواع نعمت ها و روزی های پاکیزه و مناسب طبع برخوردار بودند ، روزگار خوشی می گذراندند .

و لقد بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبْوَأَ صَدَقٍ وَرِزْقِنَهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

زندگی بنی اسرائیل در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۳

۳ وضعیت مسکن و معیشت بنی اسرائیل در دوران حکومت فرعون ، وضعیتی نابسامان و نامناسب بود .

و

لقد بؤأنا بنی إسرءیل مبعوآ صدق و رزقنهم من الطیبت

زندگی بنی اسرائیل دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۵

۵ زندگانی قبیله ای ، شیوه زندگی بنی اسرائیل در عصر موسی

و قطعنهم اثنتی عشره أسباطا أمما

زندگی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۲

۲ زندگی بهشتیان آکنده از صلح و سلامت و به دور از کشمکشهایی مانند جدال دوزخیان است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

هدف از بیان پاکیزگی دل های بهشتیان از کینه و عداوت پس از گوشزد کردن نزاع دوزخیان، مقایسه دو جایگاه از جهت صفا و صمیمیت و عداوت و کینه توزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۸ - ۱،۲

۱ - شگفتی بهشتیان ، از جاودانه زیستن و نمردن خود در حیات اخروی

أفما نحن بمیتین

استفهام در <أفما..> از نوع استفهام تقریری و متضمن معنای تعجب است. گفتنی است که این تعجب از فرط سرور و خوشحالی می باشد.

۲ - بهشتیان ، در اوج سرور و شادمانی از نمردن و جاودانه بودن شان در حیات اخروی

أفما نحن بمیتین

زندگی بی ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۹

۹- زندگی بدون علم و آگاهی ، پست و بی ارزش است .

من یردّ إلی أرذل العمر لکی لا یعلم بعد علم شیئاً

برداشت فوق، به خاطر این نکته است که خداوند مرحله ای را که انسان چیزی نمی داند و

فاقد آگاهی است، پست ترین مرحله دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۶ - ۷

۷- زندگی مشقت بار همراه با ایمان و توحید ، بر زندگی آسوده شرک آلود ترجیح دارد .

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلا الله فأوؤا إلى الكهف

زندگی پاکیزه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۲

۲- تساوی زن و مرد در برخورداری از پاداش های الهی و بهره مندی از حیات پاکیزه و دلپذیر

من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

زندگی پاکیزه مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۲

۲- تساوی زن و مرد در برخورداری از پاداش های الهی و بهره مندی از حیات پاکیزه و دلپذیر

من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

زندگی پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۵ - ۷

زندگی پسندیده اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ پیامبران الهی در اندیشه رساندن امت خویش به حیاتی زیننده و نیکو در دنیا و سعادت و نیکبختی در آخرت

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره

۴ موسی (ع) به دلیل بازگشت خود و همراهانش به سوی خدا، همگان را شایسته برخوردار شدن از حیات نیکوی دنیا و سعادت آخرت دانست .

و اکتب لنا فی

هذه الدنيا حسنه و في الاخره انا هدنا إليك

جمله < انا هدنا إليك > تعلیل برای < و اکتب لنا .. > است. یعنی چون به سوی تو بازگشتیم، این تقاضا و انتظار که زمینه و مقدمه آن را فراهم کرده ایم گزاف نیست.

زندگی پسندیده اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۱ - ۱

۱ - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود .

فأما من أوتی کتبه بيمينه .. فهو فی عیشه راضیه

زندگی تلخ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۴

۴ جامعه اسلامی ، برخوردار از زندگی گوارا و شیرین و جامعه شرک و کفر ، گرفتار ناکامی ها و تلخی ها

و هو الذی مرج البحرين هذا عذب فرات و هذا ملح أجاج

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه، متضمن تمثیل باشد؛ به این معنا که ایمان به آب گوارا و شیرین و کفر و شرک به آب شور و تلخ تشبیه شده باشد و مؤمنان و جامعه ایمانی و کافران و جامعه کفر و الحاد به دریا تشبیه شده باشند.

زندگی تلخ مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۴

۴ جامعه اسلامی ، برخوردار از زندگی گوارا و شیرین و جامعه شرک و کفر ، گرفتار ناکامی ها و تلخی ها

و هو الذى مرج البحرين هذا عذب فرات و

هذا ملح أجاج

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه، متضمن تثنیل باشد؛ به این معنا که ایمان به آب گوارا و شیرین و کفر و شرک به آب شور و تلخ تشبیه شده باشد و مؤمنان و جامعه ایمانی و کافران و جامعه کفر و الحاد به دریا تشبیه شده باشند.

زندگی جمعی پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱

۱ تمامی جنبدگان زمینی و پرندگان آسمان، مانند آدمیان، به صورت امت زندگی می کنند.

و ما من دابة فی الأرض و لا طئر یطیر بجناحیه إلا أمم أمثالکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۱

۱ - پرندگان با زندگی دسته جمعی خود، مسخر و رام خدا هستند .

إنا سخرنا الجبال .. و الطیر محشوره

<و الطیر> عطف بر <الجبال> و عامل آن فعل <سخرنا> است. <محشوره> نیز به معنای <مجمعه> (دسته جمعی) و حال برای <طیر> است.

زندگی جمعی جنبدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱

۱ تمامی جنبدگان زمینی و پرندگان آسمان، مانند آدمیان، به صورت امت زندگی می کنند.

و ما من دابة فی الأرض و لا طئر یطیر بجناحیه إلا أمم أمثالکم

زندگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۴

۴ تکذیب کنند قیامت ، در آتش دوزخ همواره در حال مرگ و زندگی بوده و به دفعات بی شمار می میرند و زنده می

شوند .

لا تدعوا اليوم ثبورا وحدا و ادعوا ثبورا كثيرا

از دیدگاه مفسران، این که به کافران گفته می شود: <درخواست هلاکت بار خود را بسیار تکرار کنند> یا به خاطر این است که آنان به دفعات زنده می شوند، و باز می میرند. پس باید برای هر بار زنده شدن و عذاب شدن، درخواست مرگ کنند و یا به این سبب است که عذاب الهی کافران متعدد و گوناگون است. پس باید آنان برای هر یک از آنها، درخواست مرگ کنند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

زندگی خانوادگی زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۷

۷- زکریا (ع) ، به رغم ناامیدی از داشتن فرزند از همسر نازایش ، سالیانی دراز به زندگی مشترک خود با وی ادامه داد .

و کانت امرأتی عاقرا

زندگی دختران یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۶

۱۶ اهتمام اسلام ، به ازدواج زنان و سامان بخشیدن به زندگی دختران یتیم

التي لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنكحوهن

<ما كتب لهن>، شامل حق ازدواج هم می شود. در عین حال، به نکاح نیز مستقلا اشاره شده که بیانگر اهمیت ویژه آن است.

زندگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۵

۵ اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنة لا خوف علیکم ولا أنتم تحزنون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۷

۷ زندگی در بهشت جاودان ، بهترین و برترین زندگی و سرانجام برای انسان

قل أذلك خير أم جنة الخلد .. جزاء و مصيراً

زندگی در دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۸

۸ ناروایی زندگی در محیط ظلم

يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلهما

ظاهر جمله <الظالم اهلهما> می رساند که علت اصلی خواست مستضعفان برای خروج از قریه، ستمگر بودن اهل آن است؛ نه اینکه علت این باشد که آنان مورد ستم هستند؛ اگر چه از مجموع آیه به دست می آید که آنان نیز مورد ستم واقع می شدند.

زندگی در روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۱ - ۱

۱ - روز ، زمان زندگی و حیاتی مجدد برای انسان ، پس از فرو نشستن آثار حیات او در خواب

و جعلنا النهار معاشاً

<معاش> مصدر میمی و به معنای حیات و زندگی است (لسان العرب). اطلاق حیات بر روز، به این اعتبار است که انسان از خواب شب که به قرینه تقارن این آیه با دو آیه قبل به مرگ تشبیه شده است برمی خیزد و حیاتی دوباره آغاز می کند. کسانی که این کلمه را اسم زمان و به معنای زمان عیش (زمان زندگی) دانسته اند، همین مفاد را در نظر گرفته اند.

زندگی در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

زمین در بردارنده وسیله زندگانی و معیشت انسان ها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لکم فی الأرض مستقر و متع إلى حین

<متاع> به چیزی گفته می شود که مایه منفعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۳

۳ - شرایط روی زمین ، در آغاز برای زندگی انسان مناسب نبوده است . *

الذی جعل لکم الأرض مهذا

ممکن است <جعل> به معنای <صیر< باشد که حاوی معنای تحول و دگرگونی است. در این صورت باید گفت: زمین از آغاز برای زندگی انسان مناسب نبوده است؛ ولی خداوند آن را متحوّل ساخته تا این که شرایط ویژه برای حیات بشر بر روی آن فراهم آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۶

۶ - نظام زمین و تناسب آن برای حیات و تغذیه انسان ها و دام های آنان ، حاوی نشانه های فراوانی بر ربوبیت الهی است .

جعل لکم الأرض .. کلوا ... فی ذلک لأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۵، ۳، ۲

۲ - خداوند ، زمین را به گونه ای آفریده که قابل سکونت و زندگی برای بشر باشد .

اللّٰه الذی جعل لکم الأرض قرارًا

۳ - زمین ، در آغاز پیدایشش قابل سکونت و زندگی انسان نبوده است .

اللّٰه الذی جعل لکم الأرض قرارًا

<جعل> در دو معنا استعمال شده است: خَلَقَ (آفرید) و صَيَّرَ (تبدیل کرد و به گونه ای دیگر در آورد). برداشت یاد شده

مبتنی بر معنای دوم است.

۵- ثبات زمین و

قابل سکونت بودن آن برای بشر و برافراشته ساختن آسمان ، جلوه هایی از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ .. اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۸ - ۴

۴ - مهیا گشتن سطح زمین برای زندگی ، پس از شکل گیری بنای آسمان (نظام کرات) *

و السَّمَاءِ بِنِينِهَا .. و الْأَرْضِ فَرَشْنَهَا

ترتیب لفظی < و الأرض .. > بر < و السماء ... > می تواند بیانگر ترتیب حقیقی و تقدّم بنیان آسمان بر سامان زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۶ - ۱،۳،۴

۱ - زمین ، محل و جایگاه مناسب برای زندگی و مرگ انسان های بسیار

كِفَاتًا . أَحْيَاءٌ وَّ أَمْوَاتًا

تنوین < أَحْيَاءٌ وَّ أَمْوَاتًا > ، برای تعظیم است و مراد از آن تکثیر می باشد.

۳ - آفرینش زمین ، برای حیات و مرگ انسان ها ، جلوه قدرت و عظمت الهی است .

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا . أَحْيَاءٌ وَّ أَمْوَاتًا

۴ - > حَمَادُ بْنُ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى الْمَقَابِرِ ، فَقَالَ : يَا حَمَادُ هَذِهِ كِفَاتُ الْأَمْوَاتِ وَ نَظَرَ إِلَى الْبُيُوتِ فَقَالَ :

هَذِهِ كِفَاتُ الْأَحْيَاءِ ثُمَّ تَلَا [هَذِهِ الْآيَةُ] > أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا . أَحْيَاءٌ وَّ أَمْوَاتًا < ;

حمّاد بن عیسی از امام صادق (ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حمّاد! این کفاتِ

مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کفاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود:

>ألم نجعل الأرض كفاتاً . أحياء و أمواتاً.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۴

۴ - فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

و الأرض بعد ذلك دحيها

فعل <دحاها> دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید <بعد ذلك>، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

زندگی در سرزمین های خوش آب و هوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۰ - ۸

۸ - مطلوبیت زندگی در سرزمین های خوش آب و هوا

و ءاوينهما إلی ربوه ذات قرار و معین

زندگی در سرزمین های کوهستانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۰ - ۶

۶ - مناطق مرتفع زمین ، دارای ارزش برتر برای زیست

و ءاوينهما إلی ربوه

برداشت فوق، بدان احتمال است که <ربوه> به ارزش مناطق مرتفع اشاره داشته باشد، نه صرف یک گزارش تاریخی.

زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- شرایط زندگی و حیات انسان در قیامت متفاوت با دنیاست .

یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السموت

روشن است که با تبدیل و دگرگونی نظام جهان زندگی انسان هم متناسب با آن تغییر می یابد؛ چون بین زندگی انسان و نظام موجود جهان، پیوندی ناگسستنی است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۸، ۱۵

۱۵ هشدار الهی به اینکه زندگی دنیا، جز بهره ای فریبنده نیست.

و ما الحیوه الدنیا الا متاع الغرور

<الغرور>، یا مصدر است و به معنای فریب دادن و گول زدن؛ و یا اسم فاعل است و جمع <غَارٌ> به معنای فریب دهنده.

۱۸ لزوم هشیاری در قبال زندگانی دنیا

و ما الحیوه الدنیا الا متاع الغرور

خداوند حیات دنیا را به فریبندگی توصیف کرد تا به انسانها بفهماند که مبادا ظاهر فریبنده حیات دنیا، شما را از بهشت که فوز و سعادت است، غافل سازد.

زندگی دنیوی اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ - تلاش برای تأمین توشه و سعادت اخروی، همراه با تأمین زندگی دنیایی، از ویژگی مردان الهی است.

رجال لاتلهیهم تجره و لایبع عن ذکر الله... یخافون یوماً تتقلب فیہ القلوب و ا

زندگی دنیوی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۲

۲ - ناتوانی دوزخیان از برآورد دقیق مدت زندگی دنیوی خود، در مقایسه با حیات اخروی

قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم فسل العادین

<عَدٌّ و تعداد> (مصدر <عَادَین>) به معنای حساب نمودن و شماره کردن است.

زندگی دنیوی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۱

۱ مؤمنان به خدای یکتا، پیامبر (ص) و قرآن که دارای عمل صالح باشند، از بهترین و پاک ترین زندگی های دنیوی بهره

مندند .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم

متعلق <ءامنوا> به قرینه آیات گذشته توحید ، پیامبر(ص) و قرآن است. <طوبی> اسم تفضیل مؤنث اظیب و به معنای بهترین و پاک ترین می باشد و مراد از آن به قرینه مقابله آن با <مئاب> حیات و زندگانی برتر و پاک تر دنیوی است.

زندگی دنیوی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- ستم پیشگان ، بی بهره از ثبات آرامش و فاقد اصول ثابت و سخن استوار در زندگی دنیا و آخرتند .

یثبت الله الذین ءامنوا بالقول الثابت فی الحیوه الدنیا و فی الآخره و یضللّ الله ا

از مقایسه صدر و ذیل آیه و مقابله ظالمان با مؤمنان مطلب فوق استفاده می شود.

زندگی دنیوی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۲

۲ نیکوکاران علاوه بر بهره مند شدن از پاداش در حیات دنیا ، از پاداش های برتر اخروی نیز برخوردار خواهند شد .

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الآخره خیر

زندگی دنیوی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵ - ۳

۳ - سرگردانی و تحیر در زندگی دنیایی ، عذابی جانکاه و رنجی طاقت فرسا برای منکران آخرت

فهم یعمهون . أولئک الذین لهم سوء العذاب

جمله <أولئك الذين..> می تواند تفسیر برای <عَمَهُ> در <فهم یعمهون> باشد.

زندگی دنیوی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۷

۷ زندگانی مؤمنان نیک کردار در دنیا

، همراه با ایجاد ناامنی از سوی مستکبران و اندوهبار از سرزنش آنان *

أهؤلاء الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمة ادخلوا الجنة لا خوف عليكم

مطرح ساختن تحقیر مؤمنان از سوی کافران و سپس بیان دو موهبت از میان تمامی مواهب بهشتی اشاره به این دارد که اولاً زندگانی مؤمنان در دنیا آمیخته به ناامنی و حزن است و ثانیاً این حزن عمدتاً از سوی کافران مستکبر ایجاد می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۱

۱ مؤمنان به خدای یکتا، پیامبر (ص) و قرآن که دارای عمل صالح باشند، از بهترین و پاک ترین زندگی های دنیوی بهره مندند .

الذين ءامنوا و عملوا الصلحت طوبى لهم

متعلق <ءامنوا> به قرینه آیات گذشته توحید، پیامبر(ص) و قرآن است. <طوبی> اسم تفضیل مؤنث اظیب و به معنای بهترین و پاک ترین می باشد و مراد از آن به قرینه مقابله آن با <مئاب> حیات و زندگانی برتر و پاک تر دنیوی است.

زندگی دنیوی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۴

۱۴ - زندگانی در دنیا و داشتن عمری طولانی، نجاتبخش یهود از عذاب اخروی نیست .

و ما هو بمزحزحه من العذاب أن يعمر

<أن يعمر> بدل برای <هو> و یا فاعل برای <مزحزح> است. مآل هر دو به یک معناست؛ معنای جمله <ما هو...> چنین است: یهودیان [بر فرض اینکه عمری هزار ساله داده شوند] آن عمر طولانی، ایشان را از عذاب رها نخواهد ساخت.

زندگی رنج آور

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱۱

۱۱ زندگانی عالمان در میان نادانان رنج آور و مشکل است .

إني لأجد ربح يوسف لولا أن تفنّدون

زندگی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۵

۵ - پیدایش همزیستی مسالمت آمیز میان زن و مرد ، پس از ازدواج و برانگیخته شدن عواطف ظریف دوستانه میان آنان ، از آیات الهی است .

خلق لكم من أنفسكم أزواجًا لتسكنوا إليها و جعل بينكم مودّة و رحمه

برداشت بالا- بنابراین است که عبارت <و جعل بینکم ..> ارائه کلام سابق باشد. در این صورت <و جعل بینکم...> درصدد بیان این مهم است که زن و مرد ناآشنا، چگونه پس از ازدواج، الفت و انس و زندگی محبت آمیزی پیدا می کنند.

زندگی سخت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱،۲،۶

۱ خداوند برای یهودیان متمرّد مقدرّ ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند ، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربك ليعتّن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

<تأذن> یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحيط). <بعث> (مصدر <ليعتّن>) به معنای فرستادن است و چون به <علی> متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده است. <سوم> (مصدر <يسومون>) به معنای تحمیل کردن است.

۲ خداوند تعلق اراده خویش را بر گرفتار ساختن یهودیان متمرّد به زندگی زجر آور و تحت شکنجه دیگران ، به همگان اعلام کرد .

ليبعثن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

۶ مسلط ساختن مردمی شکنجه گر بر يهود ، نمودی از کيفر سريع خداوند برای متمردان و فاسقان ستم پيشه

ليبعثن عليهم .. إن ربك لسريع العقاب

زندگی شخصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۲ - ۱۰

۱۰ - مسلمانان ، تنها برای مسائل مهم زندگی شخصی ، می توانند محضر رهبری را در حل و فصل امور اجتماعی ترک کنند .

فإذا استئذنونك لبعض شأنهم فأذن

از این که خداوند اذن خواستن را مقید و محدود کرد که برای کارهای مهم باشد، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

زندگی شیرین مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۴

۴ جامعه اسلامی ، برخوردار از زندگی گوارا و شیرین و جامعه شرک و کفر ، گرفتار ناکامی ها و تلخی ها

و هو الذی مرج البحرين هذا عذب فرات و هذا ملح أجاج

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه، متضمن تمثیل باشد به این معنا که ایمان به آب گوارا و شیرین و کفر و شرک به آب شور و تلخ تشبیه شده باشد و مؤمنان و جامعه ایمانی و کافران و جامعه کفر و الحاد به دریا تشبیه شده باشند.

زندگی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۷

۷ - زندگی و مرگ مؤمنان نیک کردار ، غیرقابل قیاس با زندگی و مرگ گناه پیشگان

أم حسب الذين اترحوا السيئات أن نجعلهم كالذين ءامنوا و

عملوا الصلحت سواء محياه

زندگی مادی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۷

۷ - حیات انسان در آخرت ، حیات مادی و جسمانی است ؛ و نه صرفاً معنوی و روحانی .

و یدخلکم جنت تجری .. و مسکن طیبه

بهره گیری از لذت های مادی (چون باغ های پوشیده از درختان و خانه های دلپذیر در سرای آخرت) مستلزم وجود مادی و جسمانی انسان نیز می باشد.

زندگی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۵

۱۵ زندگانی پیامبر (ص) ، مانند دیگر انسان ها ، آمیخته با رنج و سختی بود .

و ما مسنی السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۸ - ۹

۹ - پیامبر (ص) با وجود داشتن شخصیتی مطرح و صاحب نفوذ در مدینه ، زندگی ساده و بی پیرایه داشته است .

قل لأزوجك إن كنتن تردن الحیوه الدنيا وزینتها فتعالین أمتّعنن وأسرحکن سراح

زندگی مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۵

۵- پیدایش همزیستی مسالمت آمیز میان زن و مرد ، پس از ازدواج و برانگیخته شدن عواطف ظریف دوستانه میان آنان ، از آیات الهی است .

خلق لكم من أنفسكم أزواجًا لتسكنوا إليها و جعل بینكم مودّة و رحمه

برداشت بالا- بنابراین است که عبارت <و جعل بینکم .. > ارائه کلام سابق باشد. در این صورت <و جعل بینکم...> درصدد بیان این مهم

است که زن و مرد ناآشنا، چگونه پس از ازدواج، الفت و انس و زندگی محبت آمیزی پیدا می کنند.

زندگی مسالمت آمیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۳

۳ مسلمانان نباید در پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران هدفی جز دستیابی به زندگی مسالمت آمیز با کافران داشته باشند
* .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید. مقصود این است که مسلمانان نباید صلح را به خاطر تجدید قوا و مانند آن بپذیرند.

زندگی مسالمت آمیز با اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۳۲

۳۲ - تلاش پیامبر (ص) ، در راه ایجاد زندگی مسالمت آمیز میان مسلمانان و اهل کتاب *

قل ءامنت .. لا حجه بیننا و بینکم

بنابراین که مخاطب پیامبر(ص) اهل کتاب بوده و <لا حجه بیننا و بینکم > کنایه از نفی خصومت و دشمنی باشد، مطلب بالا قابل برداشت است.

زندگی مسالمت آمیز با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ بندگان خالص خداوند ، به هنگام رو به رو شدن با گفتار جاهلانه و بدور از ادب و منطق جاهلان ، از آنان خواستار سلامت و امنیت و همزیستی مسالمت آمیز می شوند .

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <سلاماً> مفعولٌ به برای فعل مقدر باشد، یعنی، <نتسلم منكم تسليماً>. در این صورت <سلام> به جای <تسلیم>

نشسته است.

زندگی مسالمت آمیز با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۶

۶ - اسلام ، طرفدار روابط مسالمت آمیز و عادلانه میان امت اسلام و سایر ملت ها

لا ینهیکم اللّٰه عن الذین لم یقتلوکم

زندگی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - برابر نبودن زندگی و سرنوشت مشرکان با مؤمنان ، امری روشن در عقل و فطرت آدمی

ضرب اللّٰه مثلاً رجلاً .. و رجلاً سلماً لرجل هل یستویان مثلاً

از آمدن <هل> استفهامیه که برای طلب تصدیق وضع شده و بیشتر در مواردی به کار می رود که مورد تصدیق مخاطب قرار دارد برداشت یاد شده به دست می آید.

زندگی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ تمامی جنبندگان زمین و چگونگی زندگی آنها، آیات قدرت خداوند است.

إن اللّٰه قادر علی أن ینزل .. و ما من دابه فی الأرض

زندگی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - برابر نبودن زندگی و سرنوشت مشرکان با مؤمنان ، امری روشن در عقل و فطرت آدمی

ضرب الله مثلاً رجلاً .. و رجلاً سلماً لرجل هل یستویان مثلاً

از آمدن <هل> استفهامیه که برای طلب تصدیق وضع شده و بیشتر در مواردی به کار می رود که مورد تصدیق مخاطب قرار دارد برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۱ - ۷

۷- زندگی و مرگ مؤمنان نیک کردار ، غیرقابل قیاس با زندگی و مرگ گناه پیشگان

أم حسب الذين اجترحوا السيئات أن نجعلهم كالذين ءامنوا و عملوا الصلحت سواء محياه

زندگی ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۸ - ۶

۶ زندگی دنیا بدون پایگذاری آن بر مبنای ایمان و تقوا ، بازیچه ای بیش نیست .

أن يأتهم بأسنا ضحى و هم يلعبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۷

۷- زندگی بدون تن دادن به تعالیم دین ، سرگرمی و تباهی عمر است .

ذرهم . . . و يلهم الأمل

<لهو> در لغت به معنای چیزی است که انسان را مشغول می کند و از مراد و مقصودش باز می دارد. بنابراین کسی که از هدفش باز بماند، عمر خود را تباه کرده است.

زندگی و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۶

۶ - حیات بشر ، غیر قابل انفکاک از معاد است .

بلى إن ربّه كان به بصيرًا

در آیه شریفه، بصیر بودن خداوند به انسان، دلیل معاد گرفته شده است؛ یعنی، هر کس با ویژگی های این مخلوق آشنا باشد، معاد را برای او ضروری خواهد دید.

زندگی همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۹ - ۳

۳ - برای همسران پیامبر، دنیاطلبی و در کنار پیامبر (ص) بودن، قابل جمع نبود.

قل لأزواجك

إن كنتنّ تردن الحيوه الدنيا و زينتها فتعالين . .. إن كنتنّ تردن الله

زیبایی زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۴

۱۴- ثروت ، مکنت ، خوش نمایی و آراستگی زندگی کافران ، استدراج است .

هم أحسن أثثا و رءیا . .. فليمدد له الرحمن مدًا حتّى إذا رأوا ما يوعدون

<استدراج>؛ یعنی، کسی را آهسته آهسته و به آرامی نزدیک چیزی بردن (لسان العرب) در این آیه <مدًا> که مفعول مطلق است بیان نوعی خاصی از امهال است که مقصود از آن به قرینه <حتّى إذا..>، نزدیک ساختن کافران به عذاب موعود الهی است.

زینت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۳

۳- حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش نیست : بازی ، لهو و سرگرمی ، زینت و آرایش ، تفاخر و فخرفروشی ، و فزون طلبی .

أئما الحيوه الدنيا . .. و تكاثر في الأموال و الأولد

واژه <أئما> (به فتح همزه) نظیر <إنما> (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین <أئما الحيوه الدنيا...> معادل <ما الحياه الدنيا إلا- لهو و لعب...> است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از <لعب>، <لهو>، <زینت>، <تفاخر> و <تکثیر> نمی باشد.

زینتهای زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۱

۱- مال و فرزند ، جلوه ها و زینت های زندگی ناپایدار دنیاند .

المال و البنون زينه الحيوه الدنيا

<بنون> گرچه جمع <ابن> است، ولی تغلیباً می تواند شامل

هر دو جنس مذکر و مؤنث شود، همانگونه که در <بنی آدم> و امثال آن، مقصود، تنها فرزندانِ ذکور آدم نیست، بلکه مطلق فرزند است.

سختی در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - زندگی دنیوی انسان ها ، آمیزه ای از ناملایمات و برخورداری از نعمت ها است .

إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضَرْبٌ... ثُمَّ إِذَا أَذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً... فَتَمَتُّعُوا

سختی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۱

۱۱ - زندگانی پر دردسر در دنیا و محسور شدن با چشمانی نابینا در قیامت ، از جلوه های گمراهی و شقاوت آدمی است .

فَمَنْ اتَّبَعَ هِدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى . وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَـٰ

برداشت یاد شده، لازمه تقابل بین گروه هدایت یافتگان و غافلان است که مجموع دو آیه، بیانگر آن است.

سختی زندگی آدم(ع) در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۶

۶ - خداوند ، زندگی آدم (ع) را در بیرون بهشت ، زندگی سخت و رنج آوری توصیف کرد و او را از ابتلای به آن برحذر داشت .

فَلَا يَخْرُجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى

<شقاوه> به معنای سختی و عسر است (قاموس). در آیات بعد، تلویحاً نمونه هایی از آن سختی ها، بازگو شده است.

سختی زندگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۶۲ - ۱

۱ - زندگی انسان های بهشتی با انواع

نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلك خیر نزلأ أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

سختی زندگی مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۷ - ۱

۱ - زندگانی سخت و تنگ در دنیا و کوری و گرفتار بی مهری خداوند شدن در قیامت ، کیفر اسرافکاران است .

معیشه ضنكاً و نحشر يوم القيمة أعمى . . . و كذلك نجزي من أسرف

اسراف یعنی، از حد اعتدال فراتر رفتن (مصباح). در این آیه، مراد از آن به قرینه <من اتبع هدای> تجاوز از رهنمودهای الهی است. <ذلك> در <كذلك> اشاره به کیفرهایی است که در آیات پیشین برای اعراض کنندگان از یاد، خدا بیان شده است.

سطح زندگی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۳

۳ - سطح زندگی پیامبر (ص) و مسلمانان ، با کافران مکه ، تفاوت قابل ملاحظه ای داشت .

ولا تمدن عينيك إلى ما متعنا به أزواجاً منهم

سطح زندگی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۳

۳ - سطح زندگی پیامبر (ص) و مسلمانان ، با کافران مکه ، تفاوت قابل ملاحظه ای

داشت .

و لا تَمُدَّنْ عَيْنِيكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

سطح زندگی مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۳

۳ - سطح زندگی پیامبر (ص) و مسلمانان، با کافران مکه، تفاوت قابل ملاحظه ای داشت .

و لا تَمُدَّنْ عَيْنِيكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

سطحی نگری به زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۹

۹ - محدود شدن آگاهی، به ظاهر زندگی دنیا، همپایه جهل و نادانی است .

أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ . يَعْلَمُونَ ظَهْرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

توصیف کسانی که در آیه سابق، جاهل و نادان قلمداد شدند، به کسانی که اطلاعاتی از ظواهر حیات دنیوی دارند، دلیل برداشت بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۴

۴ - نگرش سطحی به حیات دنیا، عامل بیهوده پنداری آن است .

يَعْلَمُونَ ظَهْرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا .. أَوْلَمْ يَتَفَكَّرُوا ... مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

در آیه قبل، سخن از سطحی نگری به میان آمده است و در این آیه، آنان توبیخ شده اند که >چرا در خلق عالم نمی اندیشند تا به حقایق آفرینش آن پی ببرند؟<، چنین توبیخی، اشعار به نکته یاد شده دارد.

سهولت تصرف در زندگی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۷

۷ - دخالت در شؤون زندگی همه انسان ها ، به رغم وسعت و گستردگی آن ، برای خداوند

بسی سهل و آسان است .

ما أصاب من مصيبة .. إن ذلك على الله يسير

سهولت زندگی در روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۱ - ۵

۵ - توجه به آسان سازی امور زندگی انسان با آفرینش روز و ویژگی های آن ، زمینه سازی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عمّ يتساءلون .. ألم نجعل ... و جعلنا النهار معاشاً

شرایط زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۴ - ۲

۲ - تغایر اصول و شرایط زیستی میان زندگی دنیوی و حیات اخروی *

إنها شجرة تخرج في أصل الجحيم

رویش درخت زقوم در قعر آتش جهنم، گویای این نکته است که شرایط و اصول زیست محیطی زندگی انسان ها در آخرت، با دنیا تفاوت و تغایر اساسی خواهد داشت؛ زیرا چنین پدیده ای در دنیا به جز از راه معجزه ممکن نیست.

شرایط زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۴ - ۲

۲ - تغایر اصول و شرایط زیستی میان زندگی دنیوی و حیات اخروی *

إنها شجرة تخرج في أصل الجحيم

رویش درخت زقوم در قعر آتش جهنم، گویای این نکته است که شرایط و اصول زیست محیطی زندگی انسان ها در آخرت،

با دنیا تفاوت و تغایر اساسی خواهد داشت زیرا چنین پدیده ای در دنیا به جز از راه معجزه ممکن نیست.

ظاهر زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰

۴ - زندگی دنیوی دارای ظاهر و باطن است .

یعلمون ظهراً من الحیوه الدنیا

ظاهر، در برابر باطن است و دلالت می کند که دنیا، علاوه بر ظاهر، باطن هم دارد.

عبرت از زندگی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۱

۱- زندگی حضرت ابراهیم (ع) و کیفیت و نوع دعایش ، درس آموز و شایسته یادآوری است .

و إذ قال إبرهیم ربّ اجعل هذا البلد ءامناً

<و إذ قال > متعلق به <اذکر > و یا <اذکروا > در تقدیر است. روشن است که تذکر به یادآوری داستان حضرت ابراهیم(ع) نشانگر اهمیت و درس آموزی آن است.

عبرت از زندگی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۵

۵ کسانی که نتوانند از جنبندگان و شکل زندگی آنها به توانمندی خداوند پی ببرند، مانند کر و لالهایی فرو رفته در تاریکی هستند.

و ما من دابه فی الأرض .. . إلى ربهم يحشرون. و الذین کذبوا بأیتنا صم و بکم فی الظ

مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث با آیه قبل می تواند این مضمون باشد که همین آیات موجود در طبیعت برای هدایت کافی است و کسانی که نتوانند از همین آیات توانمندی خداوند را (إن الله قادر علی ان ینزل) دریابند، کر و لالهایی ظلمت زده هستند.

عدالت در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۳

۳ اسلام ، خواهان اجرای عدالت در تمام ابعاد زندگی است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ بِالْقِسْطِ

حذف

متعلق قسط، دلالت بر تعمیم و شمول دارد، یعنی باید در تمامی صحنه ها عدالت رعایت شود.

عطر زندگی اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۹ - ۳

۳ - فضای زندگی مقربان (پشتازان) در آخرت، معطر به وسیله انواع گیاهان خوشبو

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ... وَرِيحَانَ

<ریحان> اسم جنس و دربرگیرنده انواع گیاهان خوشبو و معطر است.

عطر زندگی اخروی مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۹ - ۳

۳ - فضای زندگی مقربان (پشتازان) در آخرت، معطر به وسیله انواع گیاهان خوشبو

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ... وَرِيحَانَ

<ریحان> اسم جنس و دربرگیرنده انواع گیاهان خوشبو و معطر است.

علم به زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۱۰

۱۰ - > و سئل أبو عبدالله (ع) عن قوله : < يعلمون ظاهراً من الحياه الدنيا > ؟ فقال : منه الزجر و النجوم ;

در مجمع البیان آمده است که از امام صادق (ع) درباره معنای این سخن خداوند <یعلمون ظاهراً من الحياه الدنيا> سؤال شد. فرمود: از جمله آنها (یعنی از جمله دانش های ظاهری حیات دنیا) نوعی کهانت و استفاده از علم نجوم است.<.

علم به کوتاهی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۴ - ۴

۴ - پی بردن دوزخیان در قیامت به ناچیزی زندگی دنیوی ، امری بی ثمر به حال آنان

إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا

قليلًا لو أنكم كنتم تعلمون

<لو> در عبارت <لو أنكم كنتم تعلمون> برای تمنی است؛ یعنی، ای کاش! این حقیقت را از پیش می دانستید تا کارتان به دوزخ نمی کشید؛ اما اکنون که در دوزخ هستید، این اعتراف ثمری برای شما ندارد.

عمل صالح در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۶

۶- زندگی واقعی و ارزشمند، حیات همراه با ایمان و عمل صالح است.

من عمل صلحًا... و هو مؤمن فلنحييّه حيوه طيبه

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) بنابر اینکه <حياه طيبه> زندگی دنیوی باشد. ب) زنده شدن انسان مؤمن و نیک کردار در زندگی دنیا، اشاره به این معنا دارد که زندگی بدون ایمان، در حقیقت زندگی شایسته و درخور شأن انسان نیست و حیات واقعی به ایمان و عمل صالح است.

عوامل آسانی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۴ - ۹

۹ - خداترسی و تقوایبگی، موجب گشایش مشکلات و آسان شدن زندگی

من يتق الله يجعل له من أمره يسرًا

عوامل بهبود زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۶

۶ - کوه ها، از جنبش و لرزش زمین جلوگیری می کنند و برای آماده کردن آن برای زیستن بشر، نقش دارند.

و ألقى في الأرض روصي أن تميم بكم

<مید> در لغت، <اضطراب و لرزش چیزهای بزرگ> را گویند. چون آیه درصدد بیان نعمت های خداوند است و لرزش، نمی تواند نعمت باشد، معلوم می شود

که <آن تمید>، <آن لاتمید> و یا <کراهیه تمید بکم> است.

عوامل پوچی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۸

۸- زندگی بدون ایمان به وحی و معاد، بازیچه و بی هدف است.

ما یأتیهم من ذکر... و هم یلعبون

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <یلعبون> ناظر به زندگی طبیعی و روز مرّه مشرکان باشد، یعنی، آنان به وقت نزول وحی به همان زندگی بی هدف و بازیچه مشغولند. بنابراین کسانی که مبدأ و معاد را انکار کنند (مانند مشرکان) به لعب و بازیچه در زندگی گرفتار می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۳

۳- زندگی بدون ایمان و تقوا، دارای انگیزه هایی غیرمنطقی و یا فاقد انگیزه

إنما الحیوه الدنیا لعب و لهو و إن تؤمنوا و تتقوا

<لعب> به معنای کارهایی است که با انگیزه های واهی صورت می گیرد و <لهو> اعمالی است که انگیزه ای را دنبال نمی کند؛ بلکه انسان را از اهداف ارزشی باز می دارد. از این که خداوند زندگی بدون ایمان و تقوا را <لعب و لهو> بر شمرده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - اشتغال به دنیا (بازی، لهو و سرگرمی و...)، ره آوردی جز پوچی و بی حاصلی ندارد.

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب .. کمثل غیث ... ثمّ یکون حطماً

ویژگی های پنجگانه ای که در

آیه شریفه برای دنیا بیان شده، تماماً مصداق کاری است که هیچ ثمره ای بر آن مترتب نمی شود.

عوامل تسهیل زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۲

۲ - پیروی از هدایت های الهی و به یاد خدا بودن ، موجب تسهیل زندگی و برطرف شدن تنگنا های آن است .

من اتبع هدای ... لایشقی . و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنکاً

عوامل سختی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۰، ۱۳، ۱

۱ - روی گردانی از هدایت های الهی و یاد او ، موجب گرفتاری انسان به زندگی سخت و پراز تنگناها

من اتبع هدای ... و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنکاً

<معیشه> یا مصدر میمی است و یا به معنای <ما یعاش به> است؛ یعنی، آنچه که گذران زندگی با آن صورت می گیرد.
<ضنک> به معنای تنگی و سختی است (لسان العرب).

۳ - زندگی دنیوی ، بدون در نظر داشتن هدایت های الهی و بینش های آن ، معیشتی تنگ و محدود است .

و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنکاً

همان طور که در آیات دیگر، خداوند زندگی دنیا را <متاع قلیل> دانسته، ممکن است در این آیه نیز زندگی بدون هدایت را <معیشت تنگ> معرفی کرده باشد؛ یعنی، دنیا در هر حد و اندازه و به هر مقدار، اگر خالی از هدایت باشد، چیزی جز <معیشت تنگ> نخواهد بود؛ چرا که زندگی بی هدف و بدون اعتقاد به آخرت تکراری، خسته کننده و زحمتی به هدر

رفته است.

۱۰ - زندگانی دشوار، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نابینایی در قیامت، مجازات و کیفر الهی آن است.

فإن له معيشه ضنكاً و نحشره يوم القيمة أعمى

تفاوت در تعبیر <فإن له..> و <نحشره...> که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفسِ عمل متفرع گردیده ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

عوامل سلامت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۵

۵- تأثیر ایمان و عمل، در سلامت و دلپذیری زندگی دنیوی انسان

من عمل صلحاً .. و هو مؤمن فلنحیینه حیوه طیبه

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <حیاه طیبه> همین زندگی دنیوی باشد.

عوامل قوام زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱،۴

۱ کعبه دارای نقشی مهم در قیام و قوام زندگی انسانها

جعل الله الكعبة البيت الحرام قیماً للناس

برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که در مورد آیه فوق فرمودند: جعلها الله لدينهم و معیشهم.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۴۶، ح ۲۱۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۵، ح ۱.

۴ مرکزیت کعبه برای قوام مردمان، لطف الهی به ایشان

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس

لحن آیه حکایت از امتنان خداوند بر بندگان دارد.

عوامل محرومیت از زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۲۴ - ۹

۹ - محرومیت از توشه های اخروی ، مایه ناکامی از زندگی حقیقی ؛ حتی در آخرت

لحياتی

لام

در <لحياتی> برای تحلیل است و <حياه> ممکن است مصدر و به معنای <زنده شدن> باشد. بنابراین مفاد آیه شریفه این می شود که: ای کاش! برای زنده شدن خود، از پیش توشه ای تهیه دیده بودم. این گفته نشان می دهد که در آخرت، خطاکاران آرزوی زنده شدن داشته و خود را از حیات واقعی محروم می بینند.

عوامل مؤثر در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۹

۹- امور معنوی و حالات درونی ، دارای تأثیر در زندگی انسان ها و تحولات تاریخی

لنهلکنّ الظلمین . و لنسکننکم الأرض ... ذلک لمن خاف مقامی و خاف وعید

<ذلک> تعلیل برای إسکان انبیا به جای اقوام ستمگر پس از هلاکت آنان است که در آن تحول مهم، ترس از حسابرسی و وعید خداوند دارای نقش معرفی شده که امری معنوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۱۴

۱۴ - باران و گیاه ، دارای نقشی بسزا در زندگی انسان ها

و أنزل من السماء ما فأخرجنا به أزوجًا من کلّ نبات

مخاطب قرار گرفتن انسان ها در صدر آیه، نشان می دهد که نعمت های یاد شده در آیه، در جهت منافع آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۶

۶ - نقش تعیین کننده روشنایی روز در زندگی بشر

من إله غیر الله یأتیکم بضیاء

از اهداف مورد نظر در این آیه، بیان اهمیت روشنایی روز و وابستگی زندگی بشر به آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۸

۸ - حاکمیت اراده خدا در زندگی روزمره مردم

اللّٰه یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۷

۱۷ - رضا و خشنودی الهی ، دارای بازتاب های عینی و مهم در زندگی انسان

لقد رضی اللّٰه .. فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتّحًا قریبًا

<فأنزل السکینه.. > نتیجه <رضی اللّٰه > به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۱

۱ گسترده‌گی زمین و آمادگی آن برای زندگی انسان ، به تدبیر و اراده الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱ - ۲

۲ - نقش مهم بادها و جابه جا شدن ذرات ، در نظام حیات و زندگی

و الذریت ذرّوا

سوگند الهی به پدیده پراکنش و جا به جایی ذرات به وسیله بادها، نشان از اهمیت آن در نظام طبیعت و حیات دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۲

۲- وجود کوه های استوار و بلند، از نعمت های الهی برای بشر و تأثیرگذار در زندگی انسان ها

و جعلنا فیها روسی شمخت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات، ضمن آن که در بیان نشانه های قدرت عظیم خداوند است؛ می تواند درصدد بیان نعمت های الهی برای بشر نیز باشد.

عوامل مؤثر در

زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۶

۶ - چگونه زندگی انسان در دنیا، تعیین کننده سرنوشت وی و سازنده حیات اخروی او است .

بل .. انتم قدّمتموه لنا

از تعبیر <قدّمتموه لنا> (شما آن عذاب را پیش فرستادید)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۷

۱۷- زندگی اخروی انسان ها ، بازتاب شیوه زندگی آنان در دنیا

الذین ءامنوا ... جنّت ... و الذین كفروا ... النار مثوی لهم

خداوند، برای مؤمنان و کافران دو نوع زندگی دنیوی ترسیم کرده و به تناسب هر یک، فرجامی در آخرت برای آنان، مشخص فرموده است.

عوامل مؤثر در زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳ - ۸

۸- نقش مهم دعا و التجا به درگاه خدا، در تحولات زندگی انسان و تأمین نیازهای وی

ذکر رحمت ربّک عبده زکریّا . إذ نادى ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۷

۷- آسمان و زمین، از منابع ارتزاق انسان ها و تأثیر گذارد در حیات آنان

يرزقكم من السماء و الأرض

عوامل مؤثر در زندگی خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ - نقش مثبت و سازنده اسلام ، ایمان ، فرمانبری ، توبه و روزه داری در زندگی مشترک میان زنان و مردان

أن يبده أزوجًا خيرًا منكنّ مسلمات

یادآوری اوصاف یاد شده برای زنان شایسته، در خلال نقل ماجرای نزاع میان پیامبر(ص) و همسرانش، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

عوامل مؤثر در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - بازتاب ایمان و عمل صالح ، در زندگی و مرگ انسان

أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا... محياهم و مماتهم

عوامل هدفمندی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۱۰

۱۰ - عبادت خداوند ، عقاید توحیدی ، ادای نماز و پرداخت زکات ، سامان دهنده امور انسان ها است .

ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الزكوه و ذلك دين الق

غفلت از فناپذیری زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۴

۴ - غفلت از زوال پذیری زندگی دنیایی ، زمینه ساز گرایش انسان به کفر و ناسپاسی

كُلِّ مَنْ عَلَيْهَا فَان . و ببقی وجه ربك ... فبأی ءالاء ربكما تكذبان

خداوند متعال، نخست فناپذیری زندگی دنیایی را به انسان تذکر داده و در پی آن از آنان خواسته است تا دست از تکذیب نعمت های حق بردارند. از این دو استفاده می شود که یکی از عوامل تکذیب حق، دل بستگی به دنیا و غفلت از ناپایداری آن است.

فرجام زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۳

۱۳- زندگی دنیا ، دارای فرجام و هدفی است که در آخرت ، تحقق می پذیرد . است

بل زعمتم أَلن نجعل لكم موعدًا

فضیلت زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۴

۴ - جهان آخرت ، زندگی حقیقی انسان است و دنیا در مقایسه با آن ، فاقد ویژگی های زندگانی است .

لحياتی

تعبیر <لحياتی>، بیانگر آن است که گوینده آن، حیات را به آخرت اختصاص داده، آن گونه که گویا حیات او در دنیا، حیات نبوده است.

فطريت زندگی اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۸

۸ - گرایش انسان به جمع و اجتماع ، امری فطری و تکوینی است . *

و جعلنکم شعوبًا و قبائل

تعبیر <جعلنا>، بیانگر قانون تکوینی است و چون در مورد انسان و قرار گرفتن او در میان قوم و قبیله است، فطری بودن گرایش به جمع را می توان استفاده کرد.

فلسفه زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۴،۱۳

۴ - تقدیر مرگ و حیات ، برای آزمودن انسان ها است .

الذی خلق الموت و الحیوه لیبلوکم

۱۳ - آگاهی بشر از فلسفه و هدف زندگی خویش ، امری مهم و برخوردار از جایگاهی ویژه در جهان بینی الهی اسلامی

لیلوکم اَیکم أحسن عملاً

یادکرد فلسفه و هدف خلقت انسان در آغاز سوره و قرار گرفتن آن در سلسله مباحث مربوط به خدا و جهان، بیانگر اهمیت و جایگاه ویژه این موضوع در میان موضوعات قرآنی و دینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۶

۶ - مطالعه

در مبدأ و مراحل پیدایش انسان ، موجب راه یابی به هدف آفرینش آدمی و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسان أن یتَرَک سُدًى . ألم یک نطفه ... فخلق فسوی . فجعل منه الزوجین الذکر

بیان سیر تکوین انسان پس از طرح موضوع بی هدف نبودن زندگی بشر می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

فلسفه زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۲

۲ - خورد و خوراک و بهره ناچیز از لذت های مادی ، هدف زندگی کافران و منکران قیامت

کلوا و تمتعوا قليلاً

از این که به کافران گفته می شود: بخورید و بهره گیرید، می توان به این حقیقت دست یافت که آنان جز همین کار، هدف دیگری در زندگی ندارند و گرنه به آن فراخوانده می شدند.

فلسفه زندگی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۲

۲ - خورد و خوراک و بهره ناچیز از لذت های مادی ، هدف زندگی کافران و منکران قیامت

کلوا و تمتعوا قليلاً

از این که به کافران گفته می شود: بخورید و بهره گیرید، می توان به این حقیقت دست یافت که آنان جز همین کار، هدف دیگری در زندگی ندارند و گرنه به آن فراخوانده می شدند.

فلسفه فناپذیری زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۶

۶ - پایان پذیری عمر زندگی دنیا ، در راستای ربوبیت الهی برای خلق است ؛ نه زوال همیشگی آنان .

فإذا انشقت السماء .. فبأي آلاء

با توجه به این که <انشقاق آسمان> زمینه ساز برپایی قیامت است، خداوند با تذکر ربوبیت خویش به خلق، یادآور شده است که این فروپاشی به معنای نابودی ابدی نیست؛ بلکه کاری در راستای ربوبیت همیشگی خدا نسبت به آنان است.

فناپذیری زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۶ - ۲

۲ - گذرا بودن فرصت های زندگی ، تذکری به انسان در استفاده صحیح و بهینه از آن

كَلِّ مِنْ عَلَيْهَا فَاَنْ

تذکر خداوند به فنای زمینیان، هشدار می‌دهد که از فرصت حیات بیشترین بهره برداری کنند و امکانات خویش را در مسیر فانی دنیا هدر ندهند.

کمی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۳

۱۳- مجال زندگی دنیا و عالم برزخ ، درنگی کوتاه در نظر کافران حضور یافته در صحنه قیامت

كَاَنْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوْعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا اِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ

با توجه به این که آنچه کافران در قیامت پشت سر خود می بینند زندگی دنیا و عالم برزخ است؛ <لم يلبثوا> می تواند ناظر به هر دو باشد.

کوتاهی زندگی برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۵

۵ - حیات برزخی ، دورانی بسیار کوتاه و گذرا در نظر انسان در پی سپری شدن آن

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم

برداشت فوق، بدان احتمال که پرسش در آیه قبل، مربوط به حیات برزخی باشد، به دست می آید.

کوتاهی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - زندگی دنیوی انسان ، به حق کوتاه و گذرا است .

قل إن لبثتم إلا قليلاً

ضمیر فاعل در <قال> به خداوند بازمی گردد.

۲ - انسان ، غافل از کوتاهی و ناپایداری زندگی دنیوی

قل إن لبثتم إلا قليلاً لو أنکم کنتم تعلمون

کیفیت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۴

۴ - چگونگی مرگ و زندگی انسان ، در گرو چگونگی اعمال او است .

اجتروا السيئات أن نجعلهم كالذين آمنوا و عملوا الصلحت سواء محياهم و مماتهم

لعب در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۳

۳ - حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش نیست : بازی ، لهو و سرگرمی ، زینت و آرایش ، تفاخر و فخرفروشی ، و فزون طلبی

أئما الحيوه الدنيا .. و تكاثر في الأموال و الأولاد

واژه <أئما> (به فتح همزه) نظیر <إئما> (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین <أئما الحيوه الدنيا...> معادل <ما الحياه الدنيا إلا- لهو و لعب...> است، یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از <لعب>، <لهو>، <زینت>، <تفاخر> و <تکاثر> نمی باشد.

لهویت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۳

۳ - حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش نیست : بازی ، لهو و سرگرمی ، زینت و آرایش ، تفاخر و فخرفروشی ، و فزون طلبی

أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا .. وَ تَكَاثُرَ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ

واژه <أَنَّمَا> (به فتح همزه)

نظیر <إنما> (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین <أنما الحيوه الدنيا...> معادل <ما الحياه الدنيا إلا- لهو و لعب...> است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از <لعب>، <لهو>، <زینت>، <تفاخر> و <تکاثر> نمی باشد.

متفکران و زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۱۸

۱۸- در زندگی زنبور های عسل ، نشانه ای مهم بر خداشناسی برای اهل تفکر و اندیشه وجود دارد .

و أوحى ربك إلى النحل . . إن فى ذلك لأیه لقوم يتفكرون

مثل زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱

۱ زندگی دنیوی مانند کشتزار سرسبزی است که در معرض انواع رخداد ها و آفت های بنیان کن می باشد .

إنما مثل الحيوه الدنيا كماء . . حتى إذا أخذت الأرض زخرفها و ازینت ... أتيتها أمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۵ - ۹، ۶، ۱

۱- پیامبر ، وظیفه دار استفاده از تمثیل برای بیان حقیقت زندگی دنیا و ناپایداری آن است .

و اضرب لهم مثل الحيوه الدنيا

۶- زندگانی دنیا ، مانند بارانی است که موجب رویش انبوه گیاهان زمین شده ، ولی به زودی خُرد و خاشاک گشته و با هر نسیم ، پراکنده می گردد .

واضرب لهم مثل الحيوه الدنيا كماء أنزلنه من السماء . . هشیماً تذوره الريح

<هشیم> یعنی، گیاه خشکی که خرد شده است و <ذروه> مصدر <تذروه> یعنی، پراکنده و متفرق ساختن، همراه با برانگیختن. <تذروه> یعنی، بادهای، آن را پراکنده و متفرق

می سازند. جمله <فاختلط به نبات الأرض> در صورتی که <باء> برای استعانت باشد یعنی، به سبب باران، گیاهان، درهم فرو رفته و انبوهی از ریشه ها و ساقه ها و شاخه های تودر تو را تشکیل می دهند.

۹- حیات دنیا و مادیات زندگی ، مانند خاشاکی در مسیر باد است .

مثل الحیوه الدنيا .. فأصبح هشیماً تذروه الريح

محدوده زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۴ - ۲

۲ - محدود شمردن زندگی به مجال دنیا ، نمودی از ناشنوایی ، نابینایی و حق ناپذیر بودن دهریون

و أضله الله على علم و ختم على سمعه .. و قالوا ما هي إلا حياتنا الدنيا

محدوده زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۹ - ۵

۵ - زندگی بشر ، محدود به توقف ناپایدار وی در دنیا نیست .

و هو الذي ذرأكم في الأرض و إليه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۴

۴ - هدف آفرینش انسان ، محدود به زندگی دنیوی وی نیست .

يبدؤا الخلق ثم يعيده

اعاده حیات می رساند که هدف از آفرینش، در همین زندگی زودگذر دنیایی تکمیل نمی شود و گرنه نیازی به اعاده آن نبوده است.

محدودیت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۹

۹ زندگی انسان در دنیا ، دارای مدتی محدود و معین

يَمْتَعِكُمْ مَتًّا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

<مسمی> به معنای معین و مشخص است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۳

۳ تنگنای حیات دنیا و گنجایش محدود آن ، نمی تواند ظرفی مناسب برای تأمین پاداش نیکوکاران باشد .

و لانضیع أجر المحسنين. و لأجر الأخره خير للذين ... و كانوا يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۱۲

۱۲- زندگی انسان در دنیا ، محدود و بهره‌وری او از نعمت های دنیوی ، اندک و تا زمان معین است .

أثثًا و متعًا إلى حين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۸

۸- مجال زندگی دنیا ، ناکافی برای برخورداری انسان از نتایج کامل همه اعمال خویش و نفی هرگونه ظلم

و لیوفیهم أعمالهم و هم لایظلمون

از این که خداوند، استیفای همه اعمال و نفی هرگونه ظلم را به مجال آخرت محوّل ساخته است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

محرومان از لذت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۳

۳- اهل دوزخ ، هرگز لذت زندگی را نخواهند چشید .

و لایحیی

مراد از نفی حیات به قرینه <لایموت> نفی حیات مطلوب است.

محرومیت در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۳ - ۶

۶- زندگی دنیوی انسان ها ، آمیزه ای از برخورداری از نعمت و محرومیت

و ما بکم من نعمه فمن الله ثم إذا مسکم الضرّ

مدت زندگی دنیوی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳

۴ - > قال رسول الله (ص) إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَدخَلَ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَأَهْلَ النَّارِ النَّارَ قَالَ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ : > كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ؟ قَالُوا : لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ لَنَعْمَ مَا أَتَجَرْتُمْ فِي يَوْمٍ أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ رَحْمَتِي وَرِضْوَانِي وَجَنَّتِي أُسْكِنُوا فِيهَا خَالِدِينَ مَخْلُودِينَ ثُمَّ يَقُولُ : يَا أَهْلَ النَّارِ > كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ < فيقول : بُئْسَ مَا أَتَجَرْتُمْ فِي يَوْمٍ أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ نَارِي وَسَخَطِي أَمْكثُوا فِيهَا خَالِدِينَ ;

رسول خدا(ص) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می دهند: <لبثنا يوماً أو بعض يوم>. خدا می فرماید: چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می دهند: <لبثنا يوماً أو بعض يوم>. پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید.<

مدت زندگی دنیوی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۲ - ۴

۴ - > قال رسول الله (ص) إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَدخَلَ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَأَهْلَ النَّارِ

النار قال لأهل الجنة : > كم لبثتم في الأرض عدد سنين ؟ قالوا : لبثنا يوماً أو بعض يوم قال لنعم ما اتجرتم في يوم أو بعض يوم رحمتي و رضواني و جنتي أسكنوا في ها خالدین مخلصین ثم يقول : يا أهل النار > كم لبثتم في الأرض عدد سنين قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم < فيقول : بس ما اتجرتم في يوم أو بعض يوم ناري و سخطي أمكنوا فيها خالدین ;

رسول خدا(ص) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می دهند: <لبثنا يوماً أو بعض يوم>. خدا می فرماید: چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می دهند: <لبثنا يوماً أو بعض يوم>. پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۳

۳ - دوزخیان تعیین دقیق مدت درنگ در دنیا را ، به فرشتگان حسابگر ارجاع خواهند داد .

قالوا لبثنا .. فسئل العادین

مراد از اعتدال در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۷ - ۵

> محمد بن سنان عن أبي الحسن (ع) في قول الله عزوجل > و كان بين ذلك قواماً < قال القوام هو المعروف > علي الموسع قدره و علي المقتدره متاعاً بالمعروف حقاً علي المحسنين < علي قدر عياله و مؤونتهم التي هي صلاح له و لهم ... ;

محمد بن سنان از امام رضا(ع) در باره قول خدای عزوجل > و كان بين ذلك قواماً < روایت نموده است که فرمود: <قوام> همان <معروف> است که در این آیه آمده است: <علي الموسع قدره و علي المقتدره متاعاً بالمعروف.. > [یعنی، خرج کردن] باید به میزان عائله و مخارج آنها باشد، که در جهت صلاح خرج کننده و عائله او است.

مراد از زندگی سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۲

۱۲ - > عن أمير المؤمنين ين (ع) : و إنّ المعشيه الضنك التي حذر الله منها عدوّه عذاب القبر انه يسأط على الكافر في قبره تسعه و تسعين تئناً فينهش لحمه و يكسرن عظمه و يترددن عليه كذلك إلى يوم يبعث ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده: همانا <معیشت ضنک> که خداوند دشمنان خود را از آن برحذر داشته عذاب قبر است. خدا بر کافر در قبرش ۹۹ مار بزرگ مسلط می کند که گوشت او را می گزند و استخوان وی را می شکنند و همین طور بر روی او رفت و آمد می کنند تا روزی که برانگیخته شود.

مشرکان و زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه -

۷- زندگی و مرگ در نگاه مشرکان ، پدیده ای طبیعی و بی ارتباط با اراده الهی و وجود خداوند

و ما يهلكنا إلا الدهر

مشرکان و زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۵

۵- اشتیاق یهود به زندگی دنیا ، حتی از مشرکان فزونتر است .

و لتجدنهم أحرص الناس .. و من الذين أشركوا

<من الذين > عطف بر <الناس > می باشد؛ یعنی: <و لتجدنهم أحرص من الذين أشركوا> می یابی آنها را که از مشرکان به زندگی در دنیا دل بسته ترند.>

مشکلات زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۶

۶ دشواریهای زندگی و رفاه و گشایش در آن، در اختیار خداوند است.

فأخذنهم بالبأساء والضراء .. فتحنا عليهم أبواب كل شيء

چون گشایش در زندگی و معیشت (فتحنا) و سختی و تنگنا (فأخذناهم)، هر دو با ضمیر <نا> به خداوند نسبت داده شده است، معلوم می شود که هر دو حالت با اراده خداوند صورت می پذیرد.

مشکلات زندگی سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۳

۱۳- ناتوانی منافقان و افراد سست ایمان ، از توجیه آیات جهاد ، تنگ کننده عرصه حیات بر آنان *

فإذا أنزلت سورة محكمة و .. ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت

از ارتباط <سوره محكمه> با <ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت>، می توان استفاده کرد که انسان های سست ایمان یا منافق، در سایر تکالیف که

به گونه ای قابل توجه است با ترفندی، خویش را آسوده می کنند؛ اما در مورد جهاد چون آیاتش محکم، قاطع و توجیه ناپذیر است، خود را در بن بست دیده و شدیداً نگران می شوند.

مشکلات زندگی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۳

۱۳- ناتوانی منافقان و افراد سست ایمان ، از توجیه آیات جهاد ، تنگ کننده عرصه حیات بر آنان *

فإذا أنزلت سوره محكمه و .. ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت

از ارتباط <سوره محكمه> با <ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت>، می توان استفاده کرد که انسان های سست ایمان یا منافق، در سایر تکالیف که به گونه ای قابل توجه است با ترفندی، خویش را آسوده می کنند؛ اما در مورد جهاد چون آیاتش محکم، قاطع و توجیه ناپذیر است، خود را در بن بست دیده و شدیداً نگران می شوند.

معرضان از زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰ - ۱۷

۱۷- اصحاب كهف ، از جلوه های ناپایدار زندگی گریختند و در میدان آزمون الهی پیروز شدند .

إنّا جعلنا ما على الأرض زينه لها .. إذ أوى الفتيه إلى الكهف فقالوا ... و هبّيء

از نکاتی که می توان درباره ارتباط این آیه با آیات قبل مطرح کرد، سرفرازی اصحاب كهف در امتحان به وسیله زینت های دنیا (زینه لها) و حرکت آنان برای تحقّق دادن عمل نیکو (أحسن عملاً) است.

مکان زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - اعراف - ۷ - ۲۵ - ۱

۱ زمین عرصه حیات و مرگ آدمیان

قال فیها تحبون و فیها تموتون

مکان زندگی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۶

۶ فرزندان یعقوب در کنار پدر و پیرامون او زندگی می کردند .

و لما فتحوا متعهم .. قالوا یاأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردت إلینا

مکان زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۴

۴- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحی ربّک إلی النحل أن اتخذی من الجبال بیوتاً و من الشجر و ممّا یعرشون

مکان زندگی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۵ - ۲

۲ زمین، عرصه حیات و مرگ شیاطین نیست.

قال فیها تحبون و فیها تموتون و منها تخرجون

تکرار کلمه <قال> (قال اهبطوا .. قال فیها تحبون) می تواند اشاره به تغییر مخاطب در دو جمله <اهبطوا ... > و <فیها

تحيون < داشته باشد. در آيه قبل انسانها و نيز شيطان مورد خطاب بودند و در اين آيه تنها انسانها مخاطب هستند. و شياطين مورد خطاب نيستند. بنا بر اين مي توان گفت زمين عرصه حيات و مرگ شياطين نيست.

ملاك ارزش زندگي دنيايي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۱

۱- زندگي دنيايي ، بدون ايمان و تقوا ، چيزي جز بازي و سرگرمي نيست

إِنَّمَا الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ إِن تَوَّمنُوا وَ تَتَّقُوا

از این که خداوند، پس از توصیف زندگی دنیوی، سخن از ارزش ایمان و تقوا به میان آورده؛ استفاده می شود که اوصاف یاد شده برای حیات دنیا، در صورتی است که ایمان و تقوا در آن مطرح نباشد.

منشأ زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۳

۱۳ - < زندگی و مرگ > و < خواب و بیداری > انسان ها ، تحت تدبیر خداوند قرار دارد .

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا .. وَ يَرْسِلُ الْأُخْرَى إِلَى أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۸ - ۳

۳- زندگی و مرگ ، تنها در قلمرو اراده خداوند یکتا است .

یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۳ - ۲، ۳، ۱

۱ - حیات و مرگ آدمیان ، تنها به دست خداوند است .

إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي وَ نَمِيتُ

۲ - عوامل و وسایط الهی ، دارای نقش در شکل گیری مرگ و حیات موجودات *

إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي وَ نَمِيتُ

برداشت بالا- بدان احتمال است که ضمیر جمع در <إِنَّا>، از جهت تعظیم نباشد؛ بلکه از آن جهت باشد که نقش عوامل و اسباب را در تحقق اراده الهی بنمایاند.

۳- قدرت و مشیت خداوند ، حاکم بر تمام عوامل و وسایط مؤثر در مرگ و حیات موجودات

إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي وَنُمِيتُ

خداوند از یک سو مرگ موجودات را تنها به خود نسبت می دهد و از سوی

دیگر انسان شاهد دخالت عوامل متعدد طبیعی در مرگ و حیات است. جمع میان این دو مستلزم نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲ - ۴،۶

۴ - مرگ و حیات ، در اختیار خداوند بوده و او است که می میراند و زنده می گرداند .

یحیی و یمیت

۶ - در دست داشتن حیات و مرگ موجودات ، جلوه فرمانروایی انحصاری خداوند بر عالم است .

یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدیر

<احیاء> و <إماتة>، از مظاهر فرمانروایی مطلق خداوند است. اختصاص به ذکر یافتن آن به خدا، می تواند برای بیان دو مصداق و جلوه از فرمانروایی او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، تقدیرکننده مرگ و حیات انسان ها

الذی خلق الموت و الحیوه

<خلق> در اصل به معنای <تقدیر> است (قاموس المحيط و مفردات راغب) و در آیه ۶۰ سوره <واقعه> به همین معنا به کار رفته است <نحن قدرنا بینکم الموت و ما نحن بمسبوقین>.

منشأ زندگی در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۵

۵ - آمادگی کره خاکی به اراده خداوند برای زندگی انسان ها دلیل شایستگی یگانه او برای پرستش

جعل الأرض قرارًا و جعل خللها أنهرًا .. أءله مع الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- قدرت و دانایی آفریدگار هستی ، پشتوانه پیدایش شرایط زیست در کره زمین

العزیز العلیم

الذی جعل لکم الأرض مهذاً و جعل لکم فیها سبلاً لعلکم تهتدون .

منشأ زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۴ - ۲

۲- رحمت خدا و تقدیر زندگی محدود و موقت دنیا ، فلسفه استمرار حیات بشر و نجات او از عوامل مرگ و نابودی است .

و لا هم ینقذون . إلا رحمه منا و متعاً إلى حین

منشأ زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۷

۷- نشان دادن راه زندگی طبیعی (حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبل ربک ذللاً

ناپایداری زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۲، ۱۵، ۸، ۷

۷- رشد انبوه گیاهان با نزول باران و زوال سریع آن با خزان ، نمودی از سرخوشی های ناپایدار زندگی دنیا است .

الحویه الدنیا کما أنزلنه من السماء فاختلط به نبات الأرض فأصبح هشیماً تذروه الری

۸- توجه به سرعت زوال زندگی دنیا ، مایه هشدار و عبرت رفاه مندان و دنیا طلبان است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا کما أنزلنه .. تذروه الریح

با توجه به ارتباط آیه با آیات قبل که در زمینه نشان دادن اندیشه های رفاه مندان مغرور و فرجام آنان بود، نکته بالا فهمیده می شود.

۱۲- زندگی دنیا ، غیرقابل اتکا و همواره در معرض حوادث است .

كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ .. فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ

۱۵- تحولات هستی و زوال

حیات دنیا ، جلوه ای از قدرت مطلقه خداوند است .

مثل الحیوه الدنیا کما أنزلنه .. تذروه الريح و كان الله علی کل شیء مقتدرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۱

۱- مال و فرزند ، جلوه ها و زینت های زندگی ناپایدار دنیاند .

المال و البنون زینه الحیوه الدنیا

<بنون> گرچه جمع <ابن> است، ولی تغلیباً می تواند شامل هر دو جنس مذکر و مؤنث شود، همانگونه که در <بنی آدم> و امثال آن، مقصود، تنها فرزندانِ ذکور آدم نیست، بلکه مطلق فرزند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۴ - ۱

۱- خداوند ، حیات جاویدان در دنیا را ، برای هیچ انسانی مقرر نکرده است .

و ما جعلنا لبشر من قبلك الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۵ - ۲

۲- زندگی دنیوی ، موقت و ناپایدار است .

ثم إنکم بعد ذلك لمیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۸

۲۸- زندگی دنیایی ، بی ثبات و ناپایدار است .

عرض الحیوه الدنیا

>عرض < به هر شیء ناپایدار و بی ثبات، گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۶ - ۱

۱ - هشدار صالح (ع) به ثمودیان ، درباره پایدار نبودن زندگی دنیوی و نعمت ها و آسایش آن

أترکون فی ما ههنا ءامنین

استفهام در آیه بالا، انکاری و مفاد آن نفی است؛ یعنی، >أترکون فی

ما ههنا آمینیم؛ شما در نعمتهای این جا آسوده رها نخواهید شد. مقصود این است که این برخورداری ها شما را نفریبد و از مرگ غافل نکند؛ زیرا روزی پنجه های مرگ گریبان تان را خواهد گرفت و شما را از آنها جدا خواهد کرد. همچنین بر فرض که مرگ در نرسد، خود رفاه و امنیت این جا، پایدار نیست و ممکن است ناگهان اوضاع دگرگون شود و همه آنچه که از آن برخوردار هستید، از دستتان برود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۴

۴ - حیات اخروی ، بهتر و پایدارتر از حیات دنیوی

و ما عند الله خیر و ابقى

<ما> در <ما عند الله> به قرینه <الحیاه الدنیا> کنایه از حیات اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۴ - ۳

۳ - زندگی انسان و بهرهوری او از دنیا ، موقت و ناپایدار است .

و متعاً إلى حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۱ - ۲

۲ - زندگی دنیایی ، انسان ناپایدار است .

و لن يؤخر الله نفساً إذا جاء أجلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۵

۵ - زندگی دنیایی ، ناپایدار است .

الذی خلق الموت و الحیوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۸

۸- زندگی دنیوی ، گذرگاهی است برای عبور به عالم آخرت .

و إليه النشور

یادآوری نشر و رستخیز انسان ها

پس از بیان آفرینش زمین و تأمین نیازمندی های بشر در آن می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

ناپایداری زندگی دنیوی هدایت ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۷

۷ - بهره مندی انسان های هدایت ناپذیر از متاع دنیا ، هم چون خود زندگی دنیوی ناپایدار و فانی است .

کمن متعنه متع الحیوه الدنیا

ناپسندی زندگی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۵

۵ زندگی در جوار کافران ، امری نامطلوب و هجرت از بلاد کفر ، امری پسندیده است .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

ناپسندی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۱ - ۳

۳ - زندگی دنیایی ، توأم با ناخوشایندی و ناپسندی است .

فی عیشه راضیه

این که در آیه شریفه، زندگی اخروی با رضایت مندی توصیف شده است، می تواند اشاره به عیب و کاستی زندگی دنیوی داشته باشد.

نارضایتی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- زندگی دنیایی، توأم با ناخوشایندی و ناپسندی است.

فی عیشه راضیه

این که در آیه شریفه، زندگی اخروی با رضایت مندی توصیف شده است، می تواند اشاره به عیب و کاستی زندگی دنیوی داشته باشد.

ناملایمات در زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۶

۶- زندگانی انسان ها در دنیا، آمیزه ای

از ناملایمات و برخورداری از نعمت ها است .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله .. فلما نجّيهم إلى البرّ ... ليكفروا بما ءاتي

نجات از زندگی ذلت بار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۰ - ۱

۱- نجات بنی اسرائیل از زندگی سخت و خفتّ بار به اراده الهی

و لقد نجّينا بنی إسرئیل من العذاب المهین

نجات از زندگی سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۰ - ۱

۱- نجات بنی اسرائیل از زندگی سخت و خفتّ بار به اراده الهی

و لقد نجّينا بنی إسرئیل من العذاب المهین

نظم زندگی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۲

۲ - قریش ، به برنامه ای منظم در اداره زندگانی خود خو گرفته بودند .

لایلف قریش

برای <ایلاف> معانی گوناگونی ذکر شده است؛ از جمله: الفت یافتن، الفت دادن (قاموس)؛ مهیا و مجهز ساختن (تاج العروس)؛ عهد بستن و امان گرفتن (نهایه ابن کثیر). برداشت یاد شده ناظر به معنای نخست (الفت یافتن) است. چیزی که قریش با آن الفت یافته بودند به قرینه آیه بعد کوچ تابستانی و زمستانی بوده است. این برداشت، با معنای <الفت دادن> نیز سازگار است. در آن صورت <الله> (فاعل <ایلاف>) در کلام ذکر نشده است و <قریش> و <رحله> مفعول اول و

دوم می باشد.

نعمت در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۳ - ۶

۶- زندگی دنیوی انسان ها ، آمیزه

ای از برخورداری از نعمت و محرومیت

و ما بکم من نعمه فمن الله ثم إذا مسکم الضرّ

نعمت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۱

۱۱ آمادگی زمین برای سکونت انسان ها و آگاهی آنان به خانه سازی ، از مواهب و نعمت های بزرگ الهی

و بؤکم فی الأرض تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بیوتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۴

۴ برخورداری مؤمنان از مسکن مناسب و کیفیت خوب زندگی ، در دیدگاه ادیان الهی ، امری پسندیده و نعمت خدادادی است .

و لقد بؤنا بنی اسرائیل مبوءاً صدق و رزقنهم من الطیبت

نعمت زندگی با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۰

۲۰ زندگی خویشاوندان و بستگان در کنار یکدیگر بدون کدورت و تباهی ، از نعمت های خداوند است .

قد أحسن بی إذ .. جاء بکم من البدو

چنانچه منظور یوسف (ع) در <جاء بکم من البدو> تنها رها شدن خاندانش از صحرائشینی بود و به حضور آنان در کنار خویش نظر نداشت، فعل <جاء بکم> را به کار نمی برد بلکه مثلاً می گفت: <إذ أنجاکم من البدو> قید <من بعد أن نزع ..> گویای این است که حسن زندگانی جمعی بستگان منوط به نبود فساد و تباهی در میان آنان است.

نعمت زندگی با فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۳ - ۴

۴ - حضور فرزندان

نزد پدر و مادر و زندگی در جوار آنان ، از نعمت های الهی است .

و بنین شهودًا

<شهود> به معنای حضور است. این قید می رساند که حضور فرزندان در نزد پدر و مادر، نعمتی افزون بر وجود آنان برای والدین است.

نعمتها در زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۶

۶ - زندگانی انسان ها در دنیا ، آمیزه ای از ناملایمات و برخورداری از نعمت ها است .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله .. فلما نجّيهم إلى البرّ... ليكفروا بما ءاتي

نقش زندگی اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ زندگی و سیر و سلوک فردی و اجتماعی پیشین افراد ، وسیله ای برای شناخت شخصیت آنان

فقد لبثت فيكم عمراً من قبله أفلا تعقلون

نقش زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۵

۵ - زندگی دنیوی ، تنها فرصت عمل و کسب ارزش ها

قال ربّ ارجعون . لعلّی أعمل صلحاً فیما ترکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ رستگاری اخروی مردمان ، وامدار چگونگی سیر و سلوک آنها در دنیا

یلتنی اتخذت مع الرسول سیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ - زندگی دنیوی ، مجال عمل و انتخاب است ؛ اما همراه با مسؤولیت و دریافت نتایج .

اعملوا ما شئتم

از تقابل < یلقى فی النار >

و <اعملوا ما شئتم> استفاده می شود که تحریف گران آیات الهی، تنها در مجال دنیا حق انتخاب دارند و در آخرت مجبور به ورود در آتش اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۳

۳ - زندگانی محدود دنیا، تنها فرصت انسان برای هدایت و اجابت دعوت الهی است.

استجیبوا لرّبکم من قبل أن یأتی یوم لا مردّ له من اللّٰه

نقش زندگی فردی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - زندگی و سیر و سلوک فردی و اجتماعی پیشین افراد، وسیله ای برای شناخت شخصیت آنان

فقد لبث فیکم عمراً من قبله أفلا تعقلون

ویژگیهای زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۸ - ۳

۳ - حیات آخرت، حیاتی است جاودانه و به دور از مرگ و نیستی.

أفما نحن بمیتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۷

۷ - حیات انسان در آخرت، حیات مادی و جسمانی است؛ و نه صرفاً معنوی و روحانی.

و یدخلکم جنّت تجری... و مسکن طیّبه

بهره گیری از لذت های مادی (چون باغ های پوشیده از درختان و خانه های دلپذیر در سرای آخرت) مستلزم وجود مادی و جسمانی انسان نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۴

۴ - جهان آخرت ، زندگی حقیقی انسان است و دنیا در مقایسه با

آن ، فاقد ویژگی های زندگانی است .

لحياتی

تعبير <حياتی>، بیانگر آن است که گوینده آن، حیات را به آخرت اختصاص داده، آن گونه که گویا حیات او در دنیا، حیات نبوده است.

ویژگیهای زندگی اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۵ - ۲

۲- زندگی پیشتازان راه خدا (سابقون) در بهشت ، در اوج شکوه و جلال

علی سرر موضوعه

وجود تخت های جواهر نشان در قصرهای پیشتازان، نشان از زندگی بسیار با شکوه آنان در سرای بهشت دارد.

ویژگیهای زندگی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۲

۲ فرعون و اطرافیاننش ، از زندگی اشرافی و زینت های خیره کننده و امکانات اقتصادی عظیمی برخوردار بودند .

إنك ءاتيت فرعون و ملاء زينه و أمولا في الحيوه الدنيا

نکره بودن <زینه و أموال> دلالت بر <تفخیم> و <تعظیم> می کند و چون فخامت و بزرگی در هر چیزی متناسب با آن چیز می باشد، در تفخیم زینت، خیره کنندگی و در تفخیم اموال، فراوانی و عظمت آورده شده است.

ویژگیهای زندگی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۷

۷- در زندگی بهشتیان ، تنوع زمان (بامداد و پسين) وجود دارد .

لهم رزقهم فيها بكرة و عشياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۶۲ - ۱

۱ - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران

زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست.

أذلك خير نزلًا أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

ویژگیهای زندگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۱ - ۲

۲- زندگی در بهشت، زندگی کاملاً رضایت بخش و دل پسند

فی عیشه راضیه

به قرینه آیه بعد (فی جنّه عالیه) زندگی رضایت بخش، در بهشت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۲ - ۲

۲- زندگی در بهشت، برترین زندگی است.

فی عیشه راضیه . فی جنّه عالیه

ویژگیهای زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۵

۱۵- درگیری و اختلاف مستمر آدمیان، در زندگی دنیوی

و لیبتنن لکم یوم القیمه ما کتم فیہ تختلفون

آمدن فعل <کتم> و نظایر آن بر سر فعل دیگر، بیانگر استمرار مضمون آن فعل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۴۵ - ۷

۷- رشد انبوه گیاهان با نزول باران و زوال سریع آن با خزان ، نمودی از سرخوشی های ناپایدار زندگی دنیا است .

الحيوه الدنيا كما أنزلنه من السماء فاختلط به نبات الأرض فأصبح هشيماً تذروه الرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ -

۱۳ - زندگی دنیوی ، مجال عمل و انتخاب است ؛ اما همراه با مسؤولیت و دریافت نتایج .

اعملوا ما شئتم

از تقابل < یلقى فى النار > و < اعمالوا ما شئتم > استفاده می شود که تحریف گران آیات الهی، تنها در مجال دنیا حق انتخاب دارند و در آخرت مجبور به ورود در آتش اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۱ - ۳

۳ - زندگی دنیایی ، توأم با ناخوشایندی و ناپسندی است .

فى عیشه راضیه

این که در آیه شریفه، زندگی اخروی با رضایت مندی توصیف شده است ؛ می تواند اشاره به عیب و کاستی زندگی دنیوی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۴

۴ - جهان آخرت ، زندگی حقیقی انسان است و دنیا در مقایسه با آن ، فاقد ویژگی های زندگانی است .

لحیاتی

تعبیر < حیاتی >، بیانگر آن است که گوینده آن، حیات را به آخرت اختصاص داده، آن گونه که گویا حیات او در دنیا، حیات نبوده است.

هدافداری زندگی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۵ - ۴

۴ - هدفمند و جدی بودن زندگی آدمی

و کُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ

هدفداری زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۱۰

۱۰ - زندگی انسان ها ، هدفمند و دارای غایت و مقصد نهایی است .

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که هر راهی، مقصود و غایتی دارد و نشان دادن

راه، بدون نشان دادن غایت و مقصود نهایی ممکن نیست.

هدفداری زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۱۴

۱۴- زندگی اخروی ، به دور از بیهودگی و پوچی *

إنما الحیوه الدنیا لعب و لهو

مقید شدن <الحیاه> به وصف <الدنیا> در صورتی که احترازی به شمار آید می رساند که <لعب و لهو> مخصوص زندگی دنیایی است و در جهان آخرت راه ندارد.

هدفداری زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۶ - ۳،۴،۵

۳- زندگی انسان ، دارای فلسفه و هدفمند است .

أیحسب الإنسان أن یترک سدی

۴- ترغیب خداوند ، به مطالعه درباره آفرینش انسان و هدف و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسان أن یترک سدی

۵- آفرینش انسان و هدفمندی زندگی او ، نشانه برپایی قیامت

و تذرون الآخره . وجوه یومئذ ناضره ... أیحسب الإنسان أن یترک سدی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره معاد و اثبات برپایی قیامت برای کیفر و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۳

۳- هدف داری آفرینش و زندگی انسان ، دلیل وجود قیامت

أحسب الإنسان أن يترك سدى .. أليس ذلك بقدر على أن يحيى الموتى

یادآوری توانایی خداوند بر احیای مردگان پس از طرح مسأله بی هدف نبودن زندگی انسان می تواند بیانگر این حقیقت باشد که هدفدار بودن آفرینش و زندگی بشر، اقتضا دارد که انسان ها دوباره

زنده شوند و به کردار آنان رسیدگی شود؛ زیرا جز این، آفرینش و زندگی بشر، پوچ و بی هدف خواهد بود.

زندگان

زندگان واقعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۴

۴ اجابت کنندگان دعوت پیامبر(ص) و مؤمنان به او، زندگانند.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يعثهم الله

زنده از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

زنده

اخراج زنده از مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۱۱، ۱۰

۱۰ پیدایش مستمر و بیوقفه موجودات جاندار از پدیده های بی جان و موجودات بی جان از پدیده های جاندار، از نشانه های ربوبیت خدا

و من يخرج الحي من الميت و يخرج الميت من الحي .. فسيقولون الله

۱۱ خداست که پیوسته موجود زنده را از جسم مرده و مرده را از جسم زنده پدید می آورد.

و من يخرج الحي من الميت و يخرج الميت من الحي .. فسيقولون الله

به کارگیری فعل مضارع در <يخرج الحي> و <يخرج الميت> بیانگر استمرار پیدایش مرگ و حیات است.

اخراج مرده از زنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ پیدایش مستمر و بیوقفه موجودات جاندار از پدیده های بی جان و موجودات بی جان از پدیده های جاندار ، از نشانه های ربوبیت خدا

و من یرج الحی من المیت و یرج المیت من الحی . . . فسیقولون الله

۱۱ خداست که پیوسته موجود زنده را از جسم مرده و مرده را از جسم زنده پدید می آورد .

و من یرج الحی من المیت

و يخرج الميت من الحي . . . فسيقولون الله

به کارگیری فعل مضارع در <يخرج الحي> و <يخرج الميت> بیانگر استمرار پیدایش مرگ و حیات است.

پیدایش زنده از مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۱۰، ۶، ۲، ۱

۱ - پدید آورنده موجود زنده از مرده و میراننده موجود زنده ، خداوند است .

يخرج الحي من الميت و يخرج الميت من الحي

۲ - پدید آمدن موجود زنده از موجود بی جان و موجود مرده از زنده ، مستمر و همیشگی است .

يخرج الحي من الميت و يخرج الميت من الحي

جمله های فعلی <يخرج الحي . . . و يخرج الميت...> با فعل مضارع آمده است و می تواند بر استمرار و دوام دلالت کند.

۶ - حیات بخشی به زمین های موات و مرده ، نمودی از پدید آوردن جان داران از دل طبیعت مرده و بی جان است .

و يخرج الحي من الميت . . . و يحي الأرض بعد موتها

<و يحي الأرض> می تواند به منزله ذکر خاص بعد از عام، و در نتیجه <و يخرج الميت من الحي> نمودی از آن باشد.

۱۰ - پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان و موجود بی جان از جان دار ، نشانه قدرت مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

يخرج الحي من الميت . . . و كذلك تخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۹، ۶، ۴

۴ - پدید آمدن انسان های زنده از دل خاک مرده ، نمودی از پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان

به دست خداوند است .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ . . . و من آيته أن خلقكم من تراب

۶ - پدید آوردن موجودی زنده مانند انسان از دل خاک مرده ، از نشانه های توان مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

و كذلك تخرجون . و من آيته أن خلقكم من تراب

از این آیه به بعد، چندین آیه، در صدد شمارش آیات الهی است. از میان آن آیات، ذکر مناسب ترین آیه با <و كذلك تخرجون> پس از آن، می تواند در ضمن بیان آیات الهی، اشاره به نکته فوق باشد.

۹ - پدید آمدن موجودی زنده به نام انسان از خاک مرده ، امری غیر منتظره و سزاوار تأمل است .

أن خلقكم من تراب ثم إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا> فجایه در آیه، می تواند حکایت از این حقیقت باشد.

پیدایش مرده از زنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۱۰، ۲، ۱

۱ - پدید آورنده موجود زنده از مرده و میراننده موجود زنده ، خداوند است .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

۲ - پدید آمدن موجود زنده از موجود بی جان و موجود مرده از زنده ، مستمر و همیشگی است .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

جمله های فعلی <يُخْرِجُ الْحَيَّ . . . و يَخْرِجُ الْمَيِّتَ...> با فعل مضارع آمده است و می تواند بر استمرار و دوام دلالت کند.

۱۰ - پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان و موجود بی جان از جان دار ، نشانه قدرت مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

يُخْرِجُ الْحَيَّ

من المیت . . . و كذلك تخرجون

تاریخ پیدایش موجودات زنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۵

۵- جهان طبیعت ، دارای مراحل و دوره هایی در آفرینش

أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا

جامعه زنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۵

۵ جامعه ای از حیات واقعی برخوردار است که به دعوت پیامبران پاسخ مثبت دهد.

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ

حقیقت زنده بگوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۴

۴ - زنده به گور کردن ، فجیع ترین نوع قتل کودکان

و إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ . بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ

فعل <قتلت>، بیانگر این است که مؤاخذه به جهت قتل است. بنابراین کلمه <موءوده> که نوع خاصی از قتل را مطرح کرده حاکی از منفورتر بودن آن است.

زنده بگوری دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- دودلی و تحیر مشرکان در نگهداری از نوزادان دختر به حالت ذلت و یا در گور کردن آنان

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب

مرجع ضمير در <يمسكه>، مبشربه است و منظور از آن نوزاد دختر می باشد و <على هون> حال برای ضمير مفعولی <يمسكه> است. <هون> به معنای خواری و ذلت است و <يدس> (از مصدر دس) به معنای پنهان کردن آمده است.

زننده بگوری دختران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - زنده به گور کردن دختران ، از رفتار های ناپسند برخی از اعراب جاهلی

و إذا الموءودة سئلت

ظاهر آیه شریفه این است که بین مردم دوران بعثت، نمونه هایی از دفن دختران زنده پدیدار شده بود و این آیه در صدد بازداشتن مردم از ارتکاب آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۱

۱ - برخی از اعراب جاهلی ، دختران خود را بی هیچ گناه و جرمی زنده به گور می کردند .

بأی ذنب قتلت

استفهام تقریری در آیه شریفه، متوجه مقتول شده است؛ با آن که مراد از آن مؤاخذه قاتل است. این گونه بیان، تأکید بر نبود عذر و بهانه برای قاتل است.

قوای ادراکی موجودات زنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۴ - ۳

۳ - اندیشه در چگونگی پیدایش حیات و نیروی حس و ادراک در موجودات زنده ، زمینه ره یابی به نشانه های متقن الهی

و فی خلقکم و ما ... آیت لقوم یوقنون

طرح خلقت انسان و جنبندگان، به عنوان زمینه ره یابی به یقین، می تواند نظر به جنبه زنده بودن و حس و شعور داشتن آنها داشته باشد؛ چه این که پیدایش این امور، در متن نظام مادی طبیعت، آیتی بزرگ است.

قیاس زنده به مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۱

۱- زندگان با مردگان برابر نیستند .

و ما یستوی الأحياء و لا الأموات

موجودات زنده آسمان ها

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۴،۵

۴ - آسمان ها ، دربردارنده موجودات زنده و جاندار

و ما بئ فیهما من دابّه

برداشت یاد شده با توجه به معنای <دابّه> است که به موجود زنده و دارای حرکت، اطلاق می شود.

۵ - جانداران موجود در آسمان ها ، فراوان و گسترده اند ؛ نه اندک و استثنایی

و ما بئ فیهما من دابّه

با توجه به واژه <بئ> که به معنای پراکندگی است فراوانی موجودات زنده در آسمان هارا می توان استفاده کرد؛ زیرا با توجه به فراخنای آسمان ها، اگر موجودات زنده اندک باشند، تعبیر <بئ> مناسب نمی باشد.

مؤاخذه اخروی زنده بگوری دختران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۱

۱ - در قیامت ، کسانی که دختران را زنده به گور کرده اند ، مؤاخذه خواهند شد .

و إذا الموءوده سئلت

<موءوده> یعنی، دختری که زنده به گور شود. (لسان العرب) مسؤول بودن دختر با آن که باید قاتل او مسؤول باشد یا به خاطر زمینه سازی است، تا او از خداوند درخواست انتقام کند و یا مجاز عقلی است؛ یعنی، از قاتل، درباره او مؤاخذه خواهد شد.

مؤاخذه اخروی زنده بگوری فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۳

۳ - قیامت روز مؤاخذه و محکومیت کسانی که فرزندان خود را کشته اند .

بأى ذنب قتلت

فعل <قتلت>، گویای این است که کشتن فرزند گرچه دختر نباشد و یا او را زنده به گور نکرده باشند

مؤاخذه اخروی را در پی دارد.

ناپسندی زنده بگوری دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱۱

۱۱- تصمیم مشرکان به نگهداری ذلیلانه نوزادان دختر و یا در گور کردن آنان ، تصمیمی بس ناروا و زشت

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب ألا ساء ما يحكمون

زنده بگوری

حقیقت زنده بگوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۴

۴- زنده به گور کردن ، فجیع ترین نوع قتل کودکان

و إذا الموءودة سئلت . بأى ذنب قتلت

فعل <قتلت>، بیانگر این است که مؤاخذه به جهت قتل است. بنابراین کلمه <موءوده> که نوع خاصی از قتل را مطرح کرده حاکی از منفورتر بودن آن است.

زنده بگوری دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۴

۴- دودلی و تحیر مشرکان در نگهداری از نوزادان دختر به حالت ذلت و یا در گور کردن آنان

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب

مرجع ضمیر در <یمسکه>، مبشربه است و منظور از آن نوزاد دختر می باشد و <علی هون> حال برای ضمیر مفعولی <یمسکه> است. <هون> به معنای خواری و ذلت است و <یدس> (از مصدر دس) به معنای پنهان کردن آمده است.

زننده بگوری دختران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۲

۲ - زننده به گور کردن دختران ، از رفتار های ناپسند برخی از اعراب جاهلی

و إذا الموءودة سئلت

ظاهر آیه شریفه این است که بین مردم دوران

بعثت، نمونه هایی از دفن دختران زنده پدیدار شده بود و این آیه در صدد بازداشتن مردم از ارتکاب آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۱

۱ - برخی از اعراب جاهلی، دختران خود را بی هیچ گناه و جرمی زنده به گور می کردند.

بأی ذنب قتلت

استفهام تقریری در آیه شریفه، متوجه مقتول شده است؛ با آن که مراد از آن مؤاخذه قاتل است. این گونه بیان، تأکید بر نبود عذر و بهانه برای قاتل است.

مؤاخذه اخروی زنده بگوری دختران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۱

۱ - در قیامت، کسانی که دختران را زنده به گور کرده اند، مؤاخذه خواهند شد.

و إذا الموءودة سئلت

<موءوده> یعنی، دختری که زنده به گور شود. (لسان العرب) مسؤول بودن دختر با آن که باید قاتل او مسؤول باشد یا به خاطر زمینه سازی است، تا او از خداوند درخواست انتقام کند و یا مجاز عقلی است؛ یعنی، از قاتل، درباره او مؤاخذه خواهد شد.

مؤاخذه اخروی زنده بگوری فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۳

۳ - قیامت روز مؤاخذه و محکومیت کسانی که فرزندان خود را کشته اند.

بأی ذنب قتلت

فعل <قتلت>، گویای این است که کشتن فرزند گرچه دختر نباشد و یا او را زنده به گور نکرده باشند مؤاخذه اخروی را در

پی دارد.

نایسندی زنده بگوری دختر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱۱

۱۱- تصمیم مشرکان به نگهداری ذلیلانه نوزادان دختر و یا در گور کردن آنان ، تصمیمی بس ناروا و زشت

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب ألساء ما يحكمون

زوجیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

زوجیت

آثار زوجیت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۵

۵ - حاکمیت قانون زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دار جهان ، دلیل کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزوج کلها . . و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دار جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

الوهیت و زوجیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - مقام الوهیت ، مبرّا و پیراسته از زوجیت و داشتن همانند

جعل لکم من أنفسکم أزوجًا . . لیس کمثله شیء

ذکر <لیس کمثله شیء> پس از طرح مسأله زوجیت برخی موجودات، می تواند اشعار به نفی همسر داشتن خدا داشته باشد.

اهمیت نظام زوجیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۹ - ۴

۴ - اهمیت نظام زوجیت ، در جهان

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

از این که خداوند، مسأله زوجیت را به رخ بشر کشیده است، اهمیت آن استفاده می شود؛ زیرا چه بسا اصولاً زاینده گی و حیات متوالی بر پهنه زمین، معلول نظام زوجیت باشد.

حاکمیت نظام زوجیت

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۹ - ۲

۲ - زوجیت ، قانونی حاکم بر نظام جهان و همه مظاهر آن

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

زوجیت از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۸

۸ - نوع حیات و حاکمیت قانون زوجیت (نر و ماده بودن) ، از آیات خداوند و از نشانه های قدرت او است .

و ءایه لهم الأرض .. سبحن الذی خلق الأزواج کلّها... و ممّا لایعلمون

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه، در ضمن سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان نشانه های قدرت خداوند است.

زوجیت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۲

۲ - پیدایش زوجین (نر و ماده) ، از آبی اندک (نطفه) ، شایان تأمل و درس آموزی

و أنّه خلق الزوجین الذکر و الأنثی . من نطفه

<نطفه> در اصل به آب اندکی گفته می شود که ته ظرف باقی مانده باشد (قاموس المحيط).

زوجیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۶ - ۵

۵- همسری و زوجیت مرد با زن ، به تدبیر الهی و جلوه ای از ربوبیت او است .

خلق لکم ربکم من أزواجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۱۴، ۱۵، ۱۶

۶ - خداوند ، انسان ها را زوج زوج (زن و مرد) آفرید .

ثم

جعلکم أزواجًا

۱۴ - آفرینش انسان در قالب مرد و زن و آگاهی از بارداری و زایمان زنان و مقدار عمر آدمی ، کاری آسان برای خداوند

و الله خلقکم من تراب ثم من نطفه .. و ما یعمّر من معمر و لا ینقص من عمره إلاّ

۱۵ - آفرینش انسان در قالب زن و مرد و آگاهی از بارداری و زایمان زنان و مقدار عمر آدمی ، نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و احیای مجدد انسان ها

و الله خلقکم من تراب ثم من نطفه .. إنّ ذلک علی الله یسیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، در سلسله آیاتی قرار دارد که در صدد اثبات قدرت مطلق خدا و نیز توانایی او بر احیای مردگان می باشد. مانند آیه <و الله الذی أرسل الریح.. فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النشور>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۷

۷ - زوجیت و همسری ، امری الهی و در راستای منافع انسان

جعل لکم من أنفسکم أزواجًا

زوجیت بز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۱

۱ خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

<ثمنیه أزواج> می تواند بدل برای <حموله و فرشا> باشد که خود مفعول <أنشأ> می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <أنشأ من الأنعام ثمنیه أزواج>.

زوجیت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - حاکمیت قانونِ زوجیت (نر و ماده بودن) بر تمامی موجوداتِ دارای حیات (گیاهان ، حیوانات و ...)

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها .. و ممّا لایعلمون

۷ - جهان ، دارای پدیده های جان داری است که چگونگی حاکمیت قانون زوجیت بر آنها ، برای بشر ناشناخته است .

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها .. و ممّا لایعلمون

متعلق علم در <لایعلمون> ذکر نشده است؛ ولی به تناسب این که آیه شریفه درصدد بیان حاکمیتِ قانونِ زوجیت بر پدیده های جان دار جهان است، می تواند حاکمیت همین قانون باشد.

زوجیت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۹

۹ - آفرینش چهارپایان و جفت قرار دادن آنها ، در خدمت منافع آدمی

جعل لکم .. و من الأنعم أزواجًا

زوجیت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۷

۷ نوح (ع) ، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند .

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

مضاف الیه <کل> کلمه ای همانند <حیوان> است؛ یعنی: من کل حیوان ... کلمه <اثنین> تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان ، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۴

تمامی موجوداتِ دارای حیات (گیاهان ، حیوانات و ...)

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها .. و ممّا لایعلمون

زوجیت حیوانات کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۹،۱۱

۹ - نوح (ع) ، طبق دستور الهی می بایست از هر حیوان ، تنها یک نر و یک ماده را وارد کشتی کند .

فاسلک فیها من کلّ زوجین اثنین

۱۱ - کشتی نوح ، ظرفیت بیش از یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان مورد نیاز را نداشت .

فاسلک فیها من کلّ زوجین اثنین

تأکید خداوند بر این که از هر حیوان تنها یک نر و یک ماده و نه بیشتر را در کشتی جای دهند (من کلّ زوجین اثنین)، بیانگر مطلب فوق است.

زوجیت در گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ - حاکمیت قانون زوجیت در گیاهان

فأخرجنا به أزواجًا من نبات شتى

زوجیت درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۲ - ۳

۳- درختان و گیاهان محصول دهنده ، مشمول قانون زوجیت هستند و نر و ماده دارند . *

و أرسلنا الريح لوقح

زوجيت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۱

۱ خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

<ثمانیه أزواج> می تواند بدل برای <حموله و فرشا> باشد

که خود مفعول <أنشأ> می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <أنشأ من الأنعام ثمانية أزواج>.

زوجیت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۱

۱ خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

<ثمانیه أزواج> می تواند بدل برای <حموله و فرشا> باشد که خود مفعول <أنشأ> می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <أنشأ من الأنعام ثمانية أزواج>.

زوجیت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۱

۱ خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

<ثمانیه أزواج> می تواند بدل برای <حموله و فرشا> باشد که خود مفعول <أنشأ> می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <أنشأ من الأنعام ثمانية أزواج>.

زوجیت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۴،۶

۴ گیاهان و میوه جات هر یک دارای دو نوع نر و ماده

و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنین

<زوج> در لغت به معنای یک جفت و نیز به معنای یک تایی از یک جفت است. تشبیه آن (زوجین) به اعتبار معنای دوم

است. بنابراین <زوجین> یعنی ، دو چیز که هر یک زوج و همتای دیگری است و <اثنین> تأکید برای زوجین است.

۶ زمین و گسترش آن ، کوه های ثابت و استوار ، رودخانه ها

، گیاهان مزدوج و تداوم شب و روز ، از نشانه های خدا و از دلایل یکتایی او در تدبیر هستی است .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۲ - ۳

۳- درختان و گیاهان محصول دهنده ، مشمول قانون زوجیت هستند و نر و ماده دارند . *

و أرسلنا الريح لوقح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۴

۴- قانون زوجیت ، حاکم بر نظام نباتات

من کلّ زوج کریم

از معانی <زوج>، جفت است. برخی از مفسران واژه <زوج> را در آیه یاد شده به همین معنا گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱۸

۱۸- وجود قانون زوجیت ، در گیاهان

فأنتننا فیها من کلّ زوج کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۴

۴- حاکمیت قانون زوجیت (نر و ماده بودن) بر تمامی موجودات دارای حیات (گیاهان ، حیوانات و ...)

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها .. و ممّا لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۵

۵ وجود زوجیت ، در نباتات و گیاهان

و أنبتنا فیها من کلّ زوج بهیج

زوجیت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱۵

۱۵ - آفرینش جهان و ایجاد نظام زوجیت ، تجلی ربوبیت بی همتای خداوند

ذلکم الله ربّی

... جعل لكم من أنفسكم أزواجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۹ - ۱

۱ - خداوند، اشیا را جفت (نر و ماده) آفریده است.

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۵ - ۲

۲ - نظام <زوجیت> در حیات بشر، نمودی از ربوبیت یگانه خداوند

و أنّ إلی ربّک المنتهی ... و أنّه خلق الزوجین الذکر و الأنثی

از ارتباط بین این آیه و آیه <و أنّ إلی ربّک ...>، مطلب بالا استفاده می شود.

زوجیت میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۴

۴ گیاهان و میوه جات هر یک دارای دو نوع نر و ماده

و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنین

<زوج> در لغت به معنای یک جفت و نیز به معنای یک تایی از یک جفت است. تشبیه آن (زوجین) به اعتبار معنای دوم است. بنابراین <زوجین> یعنی، دو چیز که هر یک زوج و همتای دیگری است و <اثنین> تأکید برای زوجین است.

عبرت از زوجیت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۹ - ۳

۳- حاکمیت قانون زوجیت بر موجودات جهان ، به تدبیر الهی و شایان تأمل و درس آموزی

و من کلّ شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکّرون

فواید زوجیت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ - خداوند

، از هر گیاهی ، زوج سودمند و دارای فایده آفریده است .

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

صفت <کریم>، درباره اشیا و مفاهیم به معنای <سودمندی و دارای نفع بودن> است (مفردات راغب).

منشأ زوجیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۷

۷- زوجیت و همسری ، امری الهی و در راستای منافع انسان

جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

منشأ زوجیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، تمامی جهان هستی را زوج و دارای جفت آفریده است .

و الذی خلق الأزواج کلّها

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از <آزواج>، تمامی مخلوقات الهی باشد. ذکر <آزواج> اشاره به این است که پدیده های جهان، دارای جفت می باشند.

منشأ زوجیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۲

۲ - خداوند تمامی رویدنی های زمین ، انسان و پدیده های ناشناخته در نزد بشر را به صورت زوج (نر و ماده) آفریده است

سَبَّحَانَ الذی خلق الأزواج کلّها ممّا تنبت الأرض و من أنفسهم و ممّا لایعلمون

<زوج> (مفرد <أزواج>) برای دو معنا به کار می رود: ۱. مقابل طاق و مرادف جفت; ۲. به معنای نوع و صنف گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ - ۲

۲ - پیدایش دو جنس مرد و زن در نوع انسان ، کار خداوند

و نشان قدرت او است .

أزواجاً

<أزواجاً> حال برای ضمیر <کم> در <خلقناکم> است. در این صورت مفاد آیه چنین می شود: خداوند شما را با حالت زوجیت و دو جنس بودن آفرید.

منشأ زوجیت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۲

۲ - خداوند تمامی رویدنی های زمین ، انسان و پدیده های ناشناخته در نزد بشر را به صورت زوج (نر و ماده) آفریده است .

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها ممّا تنبت الأرض و من أنفسهم و ممّا لایعلمون

<زوج> (مفرد <أزواج>) برای دو معنا به کار می رود: ۱ مقابل طاق و مرادف جفت؛ ۲ به معنای نوع و صنف گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

منشأ زوجیت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۲

۲ - خداوند تمامی رویدنی های زمین ، انسان و پدیده های ناشناخته در نزد بشر را به صورت زوج (نر و ماده) آفریده است .

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها ممّا تنبت الأرض و من أنفسهم و ممّا لایعلمون

<زوج> (مفرد <أزواج>) برای دو معنا به کار می رود: ۱ مقابل طاق و مرادف جفت؛ ۲ به معنای نوع و صنف گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

منشأ زوجیت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - حاکمیت قانون زوجیت بر موجودات جهان ، به تدبیر الهی و شایان تأمل و درس آموزی

و من کلّ شیء خلقنا

زوجین لعلکم تذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۵ - ۱

۱ - قانون < زوجیت > در نظام طبیعت ، پدید آمده به اراده یگانه خداوند

و أنه خلق الزوجین

نعمت زوجیت انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۲

۲ - زوجیت در نظام زندگی انسان ها ، نعمتی است در جهت منافع و مصالح آنان .

و الله جعل لکم من أنفسکم أزواجًا

برداشت فوق با استفاده از <لام> در <لکم> است که برای انتفاع می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۲

۱۲ - بقای نسل انسان از طریق زوجیت و همسر داری ، نشانه قدرت خدا و از نعمت های الهی

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها .. یخلقکم فی بطون أمهتکم خلقًا من بعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ - ۳

۳ - وجود دو جنس مرد و زن در نوع انسان ، از نعمت های خداوند به او است .

و خلقنکم أزواجًا

نعمت زوجیت بز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۷

۷ - آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

<أنعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این

آیه چنین است. <آزواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

نعمت زوجیت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۷

۷- آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

<انعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. <آزواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

نعمت زوجیت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۷

۷- آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

<انعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. <آزواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

نعمت زوجیت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹

۷- آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

<انعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. <آزواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

نعمت زوجیت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۷

۷- آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

<انعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. <آزواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

نقش زوجیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۵ - ۳

۳- زوجیت (مردی و زنی) در میان بشر ، دارای اهمیت و زمینه سازی بردن به خالقیت یگانه خداوند

و أنه خلق الزوجین الذکر و الأنثی

از این که خداوند، مسأله زوجیت را به انسان تذکر داده و وحدت خالق رادر

این زمینه یادآوری نموده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

زهد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۶ - ۲

۲ سعادت اخروی ، در گرو دل نبستن به دنیا و جاذبه های آن است .

من كان يريد الحيوه الدنيا .. أولئك الذين ليس لهم في الآخرة إلا النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۸

۸ - آخرت اندیشی و دنیاگریزی ، موجب قدرت و توانایی و کمال بصیرت و روشن بینی است .

أولى الأيدي والأبصر . إنا أخلصناهم بخالصة ذكرى الدار

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <إنا أخلصناهم..> تعلیل برای اوصافی باشد که برای پیامبران ذکر شده است (أولى الأيدي والأبصار).

آثار زهد بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۲ - ۸

۸ - رهبانیت و زهدورزی های بی جا ، ارتکاب اعمال ناشایست و شرک ورزی در عبادت ، انحراف از طریقه پیامبران

يَأْتِيهَا الرِّسْلُ كُلُّوَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ .. و إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّه وَحَدَه وَ أَنَا رَبُّكُمْ

ارزش زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - آخرت اندیشی و دوری از دنیا طلبی ، از ارزش های بس والا و مهم

إِنَّا أَخْلَصْنَهُمْ بِخَالَصِهِ ذِكْرِي الدار

اهمیت زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲۵

۲۵ وابسته نبودن به مظاهر دنیا و دوری از کسب مال از راه

های نامشروع ، نشانه تقوایبشگی است .

يأخذون عرض هذا الأذنى و يقولون سيغفر لنا .. للذين يتقون أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۲۰

۲۰ از امام صادق (ع) روایت شده است : > إياك أن تطمح نفسك إلى من فوقك و كفى بما قال الله عز و جل لرسوله (ص) < فلا تعجبك اموالهم و لا اولادهم > ... ;

مبادا دلباخته كسانی شوی که از نظر دنیایی برتر از تو هستند و مال و منال آنان را آرزو کنی! در این مورد سخن خدای عز و جل کافی است که به رسول خود می فرماید: مبادا اموال و اولاد آنان تو را مجذوب کند ... < .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۷

۷- چشم ندوختن به اموال و مکنت های افراد ثروتمند و مرفه ، از وظایف رهبران اسلامی

لاتمدنّ عينيك إلى ما متّعنا به أزوجًا منهم و لاتحزن عليهم و اخفض جناحك للمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۸

۸- لزوم بسنده کردن انسان به سهم خویش از امکانات دنیوی و خرج کردن ما زاد آن در راه خدا

و لاتنس نصيبك من الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۵، ۱۳

۱۳ - دل نبستن به دنیا ، آخرت خواهی ، ترك رفتار زشت و نيك كرداری ، بخشی از اهداف ادیان الهی

إنّما هذه الحيوه الدنيا

متع ... من عمل سیئه ... و من عمل صلحا ... یرزقون ف

۱۵ - رهایی از وابستگی به دنیا ، آخرت خواهی ، ترک رفتار زشت و انجام عمل صالح ، از نشانه های دستیابی به راه درست در زندگی

اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ .. إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ ... من عمل سیئه ..

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که یادشدن مسأله زندگی دنیا و آخرت، ترک رفتار زشت و انجام عمل صالح پس از طرح مسأله هدایت به راه درست زندگی می تواند به عنوان مصداق و مظهر این هدایت باشد.

تشویق به زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۳ - ۸

۸- تشویق به دل نبستن به امکانات دنیوی ، در عین خلق شدن آنها برای انسانها

و أرسلنا الريح لوقح فأنزلنا من السماء ماء فأسقينكموه و ما أنتم له بخزنین . و

ذکر <نحن الوارثون>، پس از آیاتی که در آنها امکانات خدادادی برای انسان مطرح شده است، می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ - مؤمن آل فرعون ، مردم را به دل نبستن به دنیا ، آخرت خواهی ، ترک رفتار زشت و انجام عمل صالح توأم با ایمان ، ترغیب می کرد .

يقوم إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ ... من عمل سیئه ... و من عمل صلحا ... یر

گفته های مؤمن آل فرعون با مردم و فرعونیان، در مقام دعوت و تبلیغ بود؛ چنان که آیه بعد

(مالی أَدْعُوكُمْ إِلَى النِّجَاهِ ..) تأیید کننده همین مطلب است.

ذکر زهد ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۷

۷ - صفت آخرت اندیشی و دنیاگریزی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) شایان یاد و یادآوری است .

و اذکر عبدنا .. إنا أخلصنهم بخالصة ذکری الدار

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <إنا أخلصناهم..> تعلیل برای <أذکر...> باشد؛ یعنی، سرگذشت ابراهیم(ع) و... را یاد کن؛ چون آنان را به آخرت اندیشی خالص گردانیدیم.

ذکر زهد اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۷

۷ - صفت آخرت اندیشی و دنیاگریزی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) شایان یاد و یادآوری است .

و اذکر عبدنا .. إنا أخلصنهم بخالصة ذکری الدار

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <إنا أخلصناهم..> تعلیل برای <أذکر...> باشد؛ یعنی، سرگذشت ابراهیم(ع) و... را یاد کن؛ چون آنان را به آخرت اندیشی خالص گردانیدیم.

ذکر زهد یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۷

۷ - صفت آخرت اندیشی و دنیاگریزی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) شایان یاد و یادآوری است .

و اذکر عبدنا .. إنا أخلصنهم بخالصة ذکری الدار

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <إنا أخلصناهم..> تعلیل برای <أذکر...> باشد؛ یعنی، سرگذشت

ابراهیم(ع) و... را یاد کن؛ چون آنان را به آخرت اندیشی خالص گردانیدیم.

زمینه زهد

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۴

۴ ایمان به روز رستاخیز و امید دیدار با خدا ، مایه پیراستگی از دلخوش بودن به مظاهر فریبنده دنیا و آرامش یافتن به آن

إن الذین لا یرجون لقاءنا و رضوا بالحوه الدنیا و اطمأنوا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۳

۳- لازمه پابندی به ایمان ، عدم دل بستگی به دنیا و منافع مادی است .

ذلک بأنهم استحبوا الحیوه الدنیا علی الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۴

۴ - تقوا ، عامل رهایی انسان ها از دل بستگی به مادیات (همچون اموال ، اولاد و ...) است .

إنما أموالکم و أولدکم فتنه .. فاتقوا الله

توصیه به رعایت تقوای الهی پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

زهد ابوذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۲۲

۲۲ تصمیم و عزم برخی از اصحاب پیامبر (ص) (علی (ع) ، ابوذر ، ابوبکر ، سلمان ، معقل بن مقرن و عثمان بن مظعون و .

..) برای دوری جستن از برخی مواهب دنیوی

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبیت ما احل الله لکم

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که در برخی تفاسیر همانند مجمع البیان و درالمنثور آمده است.

زهد امام علی (ع)

جلد - نام سوره - سوره -

۲۲ تصمیم و عزم برخی از اصحاب پیامبر (ص) (علی (ع)، ابوذر، ابوبکر، سلمان، معقل بن مقرن و عثمان بن مظعون و ..) برای دوری جستن از برخی مواهب دنیوی

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبیت ما احل الله لکم

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که در برخی تفاسیر همانند مجمع البیان و درالمنثور آمده است.

زهد انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۸

۸ - گرایش باطنی پیامبران به ترک دنیا و پرهیز از لذت های آن

يَأْتِيهَا الرِّسْلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ

این که خدا، به پیامبران توصیه می کند که از غذاهای لذیذ استفاده کنید، نشان می دهد که در بین آن بزرگواران، نوعی گرایش به ترک دنیا و اجتناب از لذات آن وجود داشته است؛ که ممکن بود در صورت نبود این توصیه الهی، به نوعی رهبانیت کشیده شوند.

زهد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۲

۱۲ - ساحران در پاسخ فرعون، خداوند را برتر از او و وصول به خدا را، ارجمندتر از آسایش دنیوی و پاینده تر از زندگانی در دنیا معرفی کردند.

إِنَّمَا تَقْضَىٰ هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا .. وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

زهد حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۱

۱۱ محروم نمودن خویش و یا دیگران از حلال های الهی به نام

دین و دینداری ، حرام و ناپسند است .

ما جعل الله من بحيره ... و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

زهد رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۷

۷- چشم ندوختن به اموال و مکنت های افراد ثروتمند و مرفّه ، از وظایف رهبران اسلامی

لا تتمدّن عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم و لاتحزن علیهم و اخفض جناحک للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۶

۶- لزوم پرهیز رهبران الهی ، از دنیاطلبی و توجه به دنیاگرایان

لا تتمدّن عینیک إلی ما متّعنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۲

۲- تلاش رهبران الهی برای هدایت خلق ، تنها برای خدا و به دور از مطامع مادی

و ما أسئلكم علیه من أجر إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۲

۲- تلاش رهبران الهی برای هدایت خلق ، تنها برای خدا و به دور از مطامع مادی است .

و ما أسئلكم علیه من أجر إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - تلاش رهبران الهی برای هدایت خلق ، تنها برای خدا و به دور از مطامع مادی است .

و ما أسئلكم عليه من أجر .. إلاّ على ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - تلاش رهبران الهی برای هدایت خلق ، تنها برای خدا و به دور از مطامع مادی

و ما أسئلكم عليه من أجر .. إلا على ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۴

۴ - آخرت اندیشی و دوری از دنیا طلبی ، از خصوصیات رهبران الهی

إِنَّا أَخْلَصْنَهُمْ بِخَالَصِهِ ذِكْرِي الدار

زهد سلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۲۲

۲۲ - تصمیم و عزم برخی از اصحاب پیامبر (ص) (علی (ع) ، ابوذر ، ابوبکر ، سلمان ، معقل بن مقرن و عثمان بن مظعون و .

..) برای دوری جستن از برخی مواهب دنیوی

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبیت ما احل الله لکم

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که در برخی تفاسیر همانند مجمع البیان و درالمنثور آمده است.

زهد سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۹،۱۲

۹ - افتخار سلیمان (ع) به مقام نبوت و رسالت الهی خود و نه مال و قدرت مادی

فما ءاتین الله خیر ممّا ءاتیکم

مراد از < ما آتان الله > حقیقتی متفاوت با امکانات مادی است؛ چرا که اولاً دربار سبأ نیز از آن امکانات مادی برخوردار بود

ثانیاً بجای < خیر > باید می فرمود < ما آتانی الله أكثر ممّا آتاکم > .

۱۲ - مقام سلیمان ، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدّونن بمال .. بل أنتم

بهدیتکم تفرحون

زهد عثمان بن مظعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۲۲

۲۲ تصمیم و عزم برخی از اصحاب پیامبر (ص) (علی ع)، ابوذر، ابوبکر، سلمان، معقل بن مقرن و عثمان بن مظعون و .. برای دوری جستن از برخی مواهب دنیوی

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیب ما احل الله لکم

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که در برخی تفاسیر همانند مجمع البیان و درالمنثور آمده است.

زهد علمای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۴،۷

۴ - بی اعتنایی فرزندان بنی اسرائیل به کوبه قارون و جلوه نداشتن ثروت افسانه ای وی در چشم و دل ایشان

فخرج علی قومه فی زینته .. و قال الذین اوتوا العلم ویلکم ثواب الله خیر

۷ - ثروت افسانه ای قارون، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی در دیدگاه فرزندان بنی اسرائیل

و قال الذین اوتوا العلم ویلکم ثواب الله خیر

زهد علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۵

۵ وارثان کتاب های آسمانی باید از دلبستگی به مظاهر ناپایدار دنیا پیراسته باشند و از چنگ اندازی به مال و منال دنیا از راه های ناصواب بپرهیزند .

ورثوا الکتب یاخذون عرض هذا الأدنی

زهد علمای ربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۱

۳۱ اجبار و ربانیون ، عالمانی خداترس

، بی طمع و دل بریده از دنیا

الربنيون و الاحبار .. فلاتخشوا الناس و اخشون

زهد علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۱

۳۱ احبار و ربانیون ، عالمانی خداترس ، بی طمع و دل بریده از دنیا

الربنيون و الاحبار .. فلاتخشوا الناس و اخشون

زهد مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۶

۶ چشم ندوختن به مال و دارایی مردم ، از نشانه های صداقت مصلحان جامعه و مبلغان راستین دین است .

و يقوم لا أسئلكم عليه مالاً إن أجرى إلا على الله

زهد مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۳

۳ آخرت اندیشی و وارستگی از دل بستن به دنیا ، ویژگی مجاهدان در راه خدا

فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحيوة الدنيا بالآخرة

زهد مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۶

۶ چشم ندوختن به مال و دارایی مردم ، از نشانه های صداقت مصلحان جامعه و مبلغان راستین دین است .

و يقوم لا أسئلكم عليه مالاً إن أجرى إلا على الله

زهد معقل بن مقرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۲۲

۲۲ تصمیم و عزم برخی از اصحاب پیامبر (ص) (علی (ع) ، ابوذر ، ابوبکر ، سلمان ، معقل بن مقرن و عثمان بن مظعون و .

..

(برای دوری جستن از برخی مواهب دنیوی

یا یها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبیت ما احل الله لکم

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که در برخی تفاسیر همانند مجمع البیان و درّالمنثور آمده است.

زهد منفی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۸

۸ تحریم خودسرانه روزیهای الهی (زهد نامشروع) حرام و افترا به خداوند است.

قد خسر الذین . . . و حرموا ما رزقهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۶

۶ امساک بی بدیل از خوردن گوشت چهارپایان (زهد بیجا) پیروی از راه شیطان است.

و من الأنعم . . . کلوا ... و لا تتبعوا خطوت الشیطن

زهد ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۷

۷ - انسان ها نباید خویشتن را به بهانه های واهی از قبیل: زهدگرایی، آداب و رسوم قومی و . . . از امکانات و نعمت های زمین محروم سازند .

کلوا مما فی الأرض حللاً طیباً

هر چند مقصود از امر (کلوا) - چنانچه مفسران برآند - بیان اباحه است نه وجوب، ولی آوردن صیغه امر برای بیان اباحه می تواند اشاره به این نکته باشد که: متکلم در صدد ترغیب است و خودداری از آن مباح را شایسته نمی شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - زهد گرایبی با تحریم طیبات و مواهب الهی بر خویش ، امری نابجا و ناشایست .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن

طیبت . .. إن كنتم إياه تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۱

۱۱- اعراض از تشکیل خانواده ، فرزندداری ، تعاون اجتماعی و بهرهوری از روزی های حلال الهی ، شیوه ای باطل و نادرست است . *

و الله جعل لكم من أنفسكم أزواجاً .. أفالبطل يؤمنون

بدان احتمال که "و الله جعل لكم.." در مقام بیان ارزش دادن به موضوع همسری و ... باشد و در پایان بیان اعتراض آمیز "أفالبطل يؤمنون" در ردّ کسانی باشد که از پذیرش این ارزشها روی گردانند، این برداشت به دست می آید.

زهد یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ حضرت یحیی ، بزرگوار و شریف و دوری گزین از زنان ، به جهت پاکدامنی و عفت ، و پیامبری از تبار صالحان

إنّ الله یشرک بیحیی . .. و سیداً و حصوراً و نبیاً من الصالحین

<حصور> به کسی گفته می شود که از زنان دوری گزیند، یا بجهت ناتوانی جنسی و یا بجهت عفت و کنترل تمایلات جنسی. (مفردات راغب) و چون آیه در مقام ستایش از یحیی (ع) است دوری وی از زنان بجهت پاکدامنی بوده و نه ناتوانی. برداشت فوق را روایت امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: <وسیداً و حصوراً> و الحصور الذی یأبی النساء ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۵؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ -

۱۶- > قال رسول الله (ص) : ... قال الله تعالى : < و آتيناہ الحکم صبياً > یعنی الزهد فی الدنيا ... ;

از رسول خدا(ص) روایت شده: .. خدای تعالی فرموده است: < و آتیناه الحکم صبياً > ; یعنی زهد در دنیا را (به او دادیم)...<.

سرزنش زهد بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۱۱

۱۱- روزی های پاکیزه ، برای بهره برداری انسان آفریده شده است نه زهدورزی های بی مورد

و رزقنهم من الطیبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۳

۳- رهبانیت (ترک دنیا و زهدورزی های بی جا) ، انحراف از سیره پیامبران الهی است .

يَأْتِيهَا الرِّسْلُ كُلُّهَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ

با توجه به این که جمله <كلوا من الطيبات> بعد از یاد عیسی و مادرش، مطرح شده است، می تواند به اندیشه نادرست رهبانیت در مسیحیت، اشاره داشته باشد.

گرایش به زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۸

۸- گرایش باطنی پیامبران به ترک دنیا و پرهیز از لذت های آن

يَأْتِيهَا الرِّسْلُ كُلُّهَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ

این که خدا، به پیامبران توصیه می کند که از غذاهای لذیذ استفاده کنید، نشان می دهد که در بین آن بزرگواران، نوعی

گرایش به ترک دنیا و اجتناب از لذات آن وجود داشته است؛ که ممکن بود در صورت نبود این توصیه الهی، به نوعی رهبانیت کشیده شوند.

محدوده زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - > حفص بن غیاث عن أبي عبد الله (ع) قال : قلت : جعلت فداك فما حدّ الزهد في الدنيا ؟ قال : فقال : قد حدّ الله في كتابه فقال عزوجلّ : > لكيلا تأسوا على ما فاتكم ولا تفرحوا بما آتاكم < ;

حفص بن غیاث می گوید: به امام صادق(ع) گفتم: فدای شما گردم، حدّ زهد در دنیا کدام است؟ امام(ع) فرمود: خداوند حدّ آن را در قرآن بیان نموده و فرموده: لكيلا تأسوا على ما فاتكم ولا تفرحوا بما آتاكم.

ناپسندی زهد افراطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۷

۷ - تحریم نعمت ها و موهبت های الهی بر خویش ، عملی ناروا و پرهیزی نابه جا است .

كلوا من طيبات ما رزقنكم

توصیه به استفاده کردن از طیبات، برتری این کار را در برابر ریاضت های افراطی نشان می دهد.

زیاده طلبی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

زیاده طلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۲

۲ - انسان ، موجودی بی نهایت طلب و افزون خواه ، در به چنگ آوردن ثروت و قدرت

ثمّ يطمع أن أزيد

زیاده طلبی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۳،۶،۲،۱

۱ - جهنم ، در برگیرنده انبوه مجرمان و دارای اشتهایی سیری ناپذیر

یوم نقول لجهنم هل امتلأت و تقول هل من مزید

۲ - جهنم ، تقاضامند دریافت مجرمان هر چه بیشتر

و تقول هل من مزید

۳ - گنجایش و سیری ناپذیری دوزخ ، تهدیدی

برای کافران با همه انبوهی و کثرت آنان

یوم نقول لجهنم هل امتلأت و تقول هل من مزید

از این که خداوند، اشتهای سیری ناپذیر دوزخ را تذکر داده است؛ استفاده می شود که نباید کافران، کثرت و انبوهی خویش را مانعی در راه اجرای احکام و کیفرهای الهی بدانند؛ بلکه جهنم بیش از آنچه آنان تصور کنند، گنجایش و پذیرش دارد.

۶- طبع دوزخ، همچون طبع دنیاطلبان، فزون طلب و زیاده خواه *

یوم نقول... و تقول هل من مزید

با توجه به این که دوزخ و بهشت، مقام ظهور و تجلی حقایقی است که آدمی در عالم <ناسوت> تدارک دیده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیاداران دوزخی باشد.

زیاده طلبی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۶

۶- طبع دوزخ، همچون طبع دنیاطلبان، فزون طلب و زیاده خواه *

یوم نقول... و تقول هل من مزید

با توجه به این که دوزخ و بهشت، مقام ظهور و تجلی حقایقی است که آدمی در عالم <ناسوت> تدارک دیده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیاداران دوزخی باشد.

زیاده طلبی مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۴

۴- مخالفان قرآن و رسالت پیامبر (ص)، از قشر مرفّه، قدرتمند و افزون خواه بودند.

و جعلت له مالا ممدودا. و بنین شهودا. و مهّدت له تمهيدا. ثمّ یطمع أن أزید

زیاده طلبی مخالفان محمد(ص)

- فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۴

۴ - مخالفان قرآن و رسالت پیامبر (ص)، از قشر مرفّه، قدرتمند و افزون خواه بودند.

و جعلت له مالاً ممدوداً. و بنین شهوداً. و مهّدت له تمهیداً. ثمّ يطمع أن أزيد

زیاده طلبی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۱

۱ - ولید بن مغیره، فردی طمع کار و افزون خواه

و جعلت له مالاً ممدوداً... ثمّ يطمع أن أزيد

منشأً زیاده طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۵

۵ - جهالت، ریشه برترنمایی و مسابقه رقیبان در کسب مال و مقام

کلاً سوف تعلمون

مفعول محذوف <تعلمون> چه عام (پوچی افتخارات مادی) باشد و چه خاص (پوچی افتخار به عدد افراد قبیله) بی ارزشی تکاثر را شامل می شود.

زیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

زیان

آثار زیان به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸- آسیب رساندن به مؤمنان ، حتی از روی ناآگاهی ، دارای مسئولیت است .

و لولا رجال .. لم تعلموهم أن تطوهم فتصيبكم منهم معرّه بغير علم

آثار زیان تجاوز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۹

۹ زیان بیدادگری و خودکامگی ، گریبانگیر خودکامگان و بیدادگران در جهان پس از مرگ

إنما بغیکم علی أنفسکم .. ثم إلینا مرجعکم

آثار زیان گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - ضرر و زیان گناه و نافرمانی مردم از اطاعت خدا و رسول او ، به خود آنان بازمی گردد نه به پیامبر (ص)

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا فإنّما علیه ما حمّل و علیکم ما حملتم

آرزوی زیان برای دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۱ - ۷

۷ - آرزوی مرگ و زیان کاری برای دشمن دین و نفرین بر او ، کاری پسندیده است .

تبت یداً ابی لهب و تبّ

ابتلا به زیان جانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۴

۴ - مبتلا شدن به پیکار با دشمنان و پیامد های آن (ترس ، گرسنگی ، زیان های مالی و جانی و کم محصولی) از مشکلات راه ایمان است .

لا تقولوا لمن یقتل ... و لنبلونکم بشيء من الخوف

بیان کردن آزمون با ترس ، گرسنگی و ... پس از مطرح کردن جهاد و کشته شدن در راه خدا ، گویای این است که: مقصود از <الخوف و ...> ترسها و گرسنگیهایی است که از مبتلا شدن به دشمنان دین به وجود می آید یعنی ، ایمان به رسالت مستلزم پیکار با دشمنان دین است و پیامد پیکار ترس ، گرسنگی و ... می باشد.

ابتلا به زیان مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۴

۴ - مبتلا شدن به پیکار با دشمنان و پیامد های آن (ترس ، گرسنگی ، زیان

های مالی و جانی و کم محصولی (از مشکلات راه ایمان است .

لا تقولوا لمن يقتل... و لنبلونکم بشيء من الخوف

بیان کردن آزمون با ترس، گرسنگی و ... پس از مطرح کردن جهاد و کشته شدن در راه خدا، گویای این است که: مقصود از <الخوف و ...> ترسها و گرسنگیهایی است که از مبتلا شدن به دشمنان دین به وجود می آید، یعنی، ایمان به رسالت مستلزم پیکار با دشمنان دین است و پیامد پیکار ترس، گرسنگی و ... می باشد.

اعلان زیان بی دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۶ - ۵

۵- آگاه کردن مردم به سودمندی دین داری و یا زیان بی دینی، روشی پسندیده و مفید در تبلیغ دین و هدایت انسان ها

قال أفتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم شيئاً ولا يضركم

امتحان با زیان جانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۳

۳ - خداوند با گرفتار ساختن مؤمنان به چیزهایی که زیان مالی و جانی و کمبود محصول را در پی داشته باشد، آنان را می آزماید .

و لنبلونکم بشيء من... نقص من الأموال و الأنفس و الثمرت

امتحان با زیان مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۳

۳ - خداوند با گرفتار ساختن مؤمنان به چیزهایی که زیان مالی و جانی و کمبود محصول را در پی داشته باشد، آنان را می آزماید .

و لنبلونكم بشيء من .. . نقص من الأموال

و الأنفس و الثمرت

اهمیت تشخیص زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۱

۱- پیامبر (ص) مأمور توجه دادن مردم به ضرورت شناخت سود و زیان واقعی شان بود .

قل هل ننبئکم بالأخسرین أعملاً

اهمیت جبران زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۹ - ۱۰

۱۰ - گروهی باغی و متجاوز ، موظف به جبران خسارت های وارد شده بر گروه دیگر

فأصلحوا بینهما بالعدل

از این که پس از تسلیم شدن گروه باغی، دستور به صلح عادلانه میان آنان داده شده است؛ استفاده می شود که تنها تسلیم گروه باغی کافی نیست؛ بلکه باید خسارت های ناشی از تجاوز گریش را نیز بپردازد تا صلح عادلانه تحقق یابد.

اهمیت زیان اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۸

۱۸ - تنها آنچه به خسران انسان در آخرت می انجامد ضرر و زیان واقعی است .

إِنَّ الْخُسْرَيْنِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

با توجه به این که الف و لام در <الخاصرین> دلالت بر کمال می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- زیان های دنیوی ، امری ناچیز در قبال ضرر اخروی انسان

یومئذ یخسر المبطلون

تقدیم ظرف <یوم تقوم> بر <یخسر>، افاده حصر می کند و مفاد آیه این است که <هر زیانی در مقاسیه با زیان آخرت، گویی زیان نیست.>

بدترین زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۰ - ۶

۶- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی ، از زیان بارترین کارها است .

و أرادوا به کیداً فجعلنهم الأخسرین

بزرگترین زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۰

۱۰ - از کف دادن سرمایه های وجودی ، بزرگ ترین زیان آدمی در زندگی است .

إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ

بشارت تجارت بی زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - بشارت به عالمان خدا ترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار ، مبنی بر تجارتی از بین

نرفتنی (بهشت برین) از ناحیه خداوند

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

<بوار> (ریشه <لن تبور>) به معنای شدت کسادی است و از آن جا که کسادی شدید موجب فساد و نابودی می شود، این

واژه در معنای <هلاک> به کار می رود (برگرفته از مفردات راغب).

پیشگیری از زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۱ - ۶

۶- صرف ترس از وقوع ضرر و زیان ، مجوز گناه و خلاف کاری برای پیشگیری از آن نمی شود .

و لا تقتلوا أولادكم خشية إملق

ترس از زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۱ - ۶

۶- صرف ترس از وقوع ضرر و زیان ، مجوز گناه و خلاف کاری برای پیشگیری از آن

نمی شود .

و لا تقتلوا أولادكم خشية إملق

جبران زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۴

۴ تأمین خسارت های ناشی از دزدی ، شرط پذیرش توبه سارق *

فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فإن الله يتوب عليه

مصدق مورد نظر از اصلاح و درستکاری، به مناسبت مورد، تأمین خسارتهایی است که دزد به صاحبان کالا وارد ساخته است.

جبران زیان مالی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۶

۶ - جامعه اسلامی ، موظف به جبران خسارت های مالی وارد شده بر مؤمنان ، در طریق ایمان *

و إن فاتكم شيء من أزواجكم .. فاتوا الذين ذهب

حرمت زیان به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۲

۲ حرمت انجام هر گونه عملی که مایه تأیید کفر و نفاق و تقویت کافران و منافقان محارب و زمینه زیان و تفرقه مؤمنان باشد .

و الذين اتخذوا مسجداً .. لا تقم فيه أبداً

خدا و زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - شرک و ورزی و پرستش غیر خدا ، ضرر و زیانی را متوجه خداوند نخواهد کرد .

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

دفع زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۹

۹ دفع زیان و جلب منفعت ، انگیزه ای برای پرستش

اتعبدون من دون الله ما لا یملک لکم ضرراً و لانفعاً

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۶ - ۳

۳ جلب منفعت و دفع ضرر، از انگیزه های عبادت و پرستش است .

و لاتدع من دون الله ما لا ينفعك ولا يضرک

دفع زیان از مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۵

۵ مشرکان به امید جلب منفعت و دفع ضرر از خویش، به بت پرستی روی آورده بودند .

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم

یادآوری بی تأثیر بودن معبودها از سودرسانی و دفع ضرر از پرستندگان، می تواند گویای این حقیقت باشد که مشرکان، به همین انگیزه به بت پرستی و شرک روی آورده بودند.

دفع زیان در الوهیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۲

۲- قدرت و توانایی دفع هرگونه ضرر از خویش، لازمه الوهیت است .

لو كان هؤلاء ءالهه ما وردوها

برداشت یاد شده به خاطر این است که خداوند برای عدم الوهیت معبودهای مشرکان، ناتوانی آنان از دفع آتش دوزخ از خویش را دلیل قرار داد.

دفع زیان معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳ - ۶

۶ مخلوق نبودن ، قدرت بر آفرینندگی ، جلب منفعت ، دفع ضرر ، میراندن ، حیات بخشیدن و احیای مردگان ، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

و اتخذوا من دونه ءالهه لایخلقون شیئا و هم یخلقون .. و لانشورا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۶

۶ توانایی بر رساندن سود و دور ساختن زیان ، از نشانه های معبود حقیقی و راستین

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم

برداشت فوق، به خاطر دو نکته است: ۱ آیه شریفه در مقام بیان ناتوانی معبودهایی جز خدا است. ۲ این آیه به دنبال سلسله آیاتی آمده که بیانگر قدرت بی انتهای خدا است.

دلایل زیان ناپذیری خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۷

۷- بی نیازی و ستودگی خداوند ، دلیل زیان ندیدن او از کفر مردم

إِن تَكْفُرُوا أَنتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ

<إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ> در مقام تعلیل جزای شرط محذوف است . در این صورت، معنا چنین می شود: چون خداوند بی نیاز است، کفران شما به او ضرری نمی رساند.

روشنترین زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - خسران اخروی همراه با تباهی دنیوی ، از بارزترین انواع خسران ها

خسر الدنيا و الآخره ذلك هو الخسران المبین

زمینه زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۸ - ۹

۹ دنیادوستی و هواپرستی ، زمینه ساز گمراهی و زیانکاری است .

و لكنه أخلد إلى الأرض . . . و من يضل فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۲

۱۲ جهل ، زمینه ساز روی آوری زیان ها و مشکلات در زندگانی

آدمی است .

لو كنت أعلم الغيب .. ما مسنى السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۵ - ۳

۳ - انسان ، من های ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر روبه رو خواهد شد .

قل إنما أنا منذر

از این که خداوند پیامبر(ص) را منذر و اخطارگر معرفی کرد، روشن می شود که بر سر راه انسان ها، خطرها و آسیب های بسیاری وجود دارد و اگر انسان ها از رهنمودهای آن حضرت بهره نگیرند و به ایشان ایمان نیاورند، گرفتار آنها خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۰ - ۴

۴ - انسان ، من های ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر رو به رو خواهد شد .

إنما أنا نذير

از این که خداوند پیامبراسلام(ص) را منذر و اخطارگر معرفی کرد، روشن می شود که بر سر راه انسان ها، خطرها و آسیب های بسیاری وجود دارد که اگر انسان ها از رهنمودهای آن حضرت بهره نگیرند و به ایشان ایمان نیاورند، گرفتار آنها خواهند شد.

زمینه زیان به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۷

۷ - شیطان بدون اذن خداوند ، نمی تواند کمترین آسیبی به مؤمنان برساند .

و ليس بضارهم شيئاً إلا بإذن الله

زمینه مصونیت از زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ اندیشه و تعقل درباره دنیا

و آخرت و ارزش و جایگاه هر یک، زمینه مصون ماندن از زیان و حسرت در قیامت

قد خسر الذین کذبوا .. و ما الحیوه الدنیا إلا ... أفلا تعقلون

زیان آخرت فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۷

۴۷ - دستیابی به منافع دنیا در مقابل از دست دادن آخرت ، سودایی زیانبار است .

لبس ماشروا به أنفسهم

زیان اجتماعی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۷

۷- عمل ناشایست زنا ، دارای فرجامی بد و ناگوار برای فرد و جامعه

و ساء سبیلاً

از جمله <راههای بد> راهی است که منتهی الیه و فرجام آن، ناشایست باشد. بنابراین <ساء سبیلاً> می تواند مشعر به این معنا باشد که: زنا نه تنها خود فاحشه است؛ بلکه راهی است بد که فرجام و پیامد آن برای فرد و جامعه نیز، بد و ناپسند است.

زیان اجتماعی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۹

۹ - کفر ، موجب خسارت جامعه بشری بوده و حاصلی جز آن ندارد .

و لایزید الکفرین کفرهم إلا خساراً

زیان احیای مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۲ - ۲

۲ - منکران معاد ، حیات دوباره انسان ها را پس از مرگ ، حیاتی بی ثمر و سراسر زیان وانمود می کنند .

قالوا تلک إذا کزه خاسره

<کزه> یعنی، رجوع. نسبت دادن زیان کاری به رجوع نه رجوع کنندگان مبالغه در ترسیم زیان

کاری است.

زیان اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - خسران اخروی همراه با تباهی دنیوی ، از بارزترین انواع خسران ها

خسر الدنيا و الآخره ذلك هو الخسران المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، صحنه بروز و ظهور سعادت واقعی و سودبخشی و یا خسارت آفرینی عمر آدمی

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه ألا ذلك هو الخسران المبین

زیان اخروی دوستی با بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۴

۴ - آشکار شدن آثار زیانبار دوستی و موذت بی تقوایان در روز قیامت

الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلا المتّقین

دوستانی که دوستی خویش را بر غیر تقوا بنا نهاده اند، در قیامت خواهند فهمید که چه اثرات شومی را به واسطه آن متحمل شده اند و در نتیجه با یکدیگر دشمن خواهند شد.

زیان اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۵ - ۶

۶ مردمی که بر انکار معاد پای فشردند و از این گمراهی دست برنداشتند ، در قیامت مردمی زیانکار و ورشکسته خواهند بود .

و یوم یحشرهم .. قد خسر الذین کذبوا بقاء اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۲ - ۳

۳ - منکران معاد در قیامت ، زیان کاری خود را مشاهده کرده و به یکدیگر بازگو خواهند کرد .

قالوا تلک

إِذَا كَرَّهَ خَاسِرَةٌ

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال صدور سخن منکران معاد در قیامت است.

زیان استمداد از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۱۵

۱۵ استمداد از خدایان دروغین نه تنها سودی برای استمداد کنندگان ندارد؛ بلکه بر خسارت و تباهی آنان نیز می افزاید.

و ما زادوهم غیر تتیب

در جمله <و ما زادوهم...> نسبت افزودن خسارت به بتها داده شده است؛ ولی از آن جا که بتها بر خسارت زدن ناتوانند، مراد از <ما زادوهم...> به قرینه <التي يدعون...> این است که: اعتقاد به بتها مایه خسارت است و خواندن آنها و استمداد از آنها به هنگام نزول عذاب الهی، موجب افزایش خسارت استمداد کنندگان خواهد شد.

زیان اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۹

۹ اعراض مردم از دین و معارف الهی، هیچ ضرری متوجه خداوند نخواهد کرد.

فإن تولّوا... و لا تضرونه شيئاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <لا تضرونه> نیز جواب شرط (فإن تولّوا) باشد. قابل ذکر است که مجزوم نشدن <تضرون> به خاطر عطف شدن آن بر فعل ماضی <قد أبلغتكم> می باشد.

زیان اقتصادی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲ - واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشارهای ناگهانی اقتصادی، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است.

لو نشاء .. فظلمت تفكّهون . إنا لمغرمون

زیان اقتصادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲ - واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

لو نشاء .. فظلمت تفکھون . إنا لمغرمون

زیان انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۷

۷ - شرک ، بی تردید به زیان انسان ها است .

لئن أشركت .. و لتكوننَّ من الخسرین

<نون> در <لتكوننَّ> برای تأکید و رفع تردید است.

زیان ایثار در غیر سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۷

۷ ایثار مال و جان در راه غیر خدا و در قبال بهایی جز بهشت ، زیان و خسران است .

إن الله اشترى .. بأن لهم الجنة

خداوند، با پیشنهاد بهای بزرگی چون بهشت در قبال جان و مال مؤمنان، در حقیقت بیان داشته است که فروختن جان و مال به چیزی جز بهشت، مایه خسران است.

زیان با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۲

۲- متاع دنیا، هر چند به ظاهر بزرگ و بسیار باشد، در قبال ضرر و زیان نقض عهد و پیمان الهی، ناچیز و بی ارزش است.

و لا تشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً

زیان بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۰ - ۶

۶- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی، از زیان بارترین کارها است.

و

أرادوا به كيدًا فجعلناهم الأخرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۳ - ۲

۲ - بت پرستی ، پیش از آن که برای اهل شرک سودمند باشد ، برای آنان زیان آور است .

يدعوا لمن ضربه أقرب من نفعه

زیان بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۳

۱۳ آویخته شدن دارایی های بخیلان در قیامت بر گردن آنان ، تبلور شرّ و زیان بخلورزی ایشان

بل هو شرّ لهم سیطوّقون ما بخلوا به يوم القیمه

جمله <سیطوّقون ما بخلوا .. > ، تفسیر کلمه <شرّ> است: یعنی به دوش کشی تمام داراییها در قیامت شرّی است که دامنگیر بخیلان خواهد شد. برداشت فوق بر این اساس است که معنای ظاهری <سیطوّقون ... > مراد باشد.

زیان بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۷ - ۱

۱- سود به دست آمده از راه بدعت گذاری در دین ، در مقایسه با زیان های آن ، بسیار ناچیز است .

و لاتقولوا .. هذا حلال و هذا حرام لتفتروا علی الله الکذب ... لایفلحون . متع

آیه شریفه ممکن است پاسخ به سؤالی مقدر باشد بدین صورت که: چرا کافران و بدعت گذاران در دین، از متاعهای دنیوی برخوردارند و چرا دنیا از آنان ستانده نمی شود.

زیان بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - بی ایمانی و ترک عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر ، زیان

بزرگی است .

لفی خسر

نکره آمدن کلمه <خسر>، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

زیان به خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۶

۱۶ - ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إِنَّ الْخُسْرَيْنِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <خسروا.. اهلیم> به معنای از دست دادن خانواده باشد.

زیان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۳، ۱۴، ۱۵

۱۳ بی تقوایی و کافر شدن مردم ، هیچ ضرری را متوجه خداوند نخواهد کرد .

وإن تكفروا فإن لله ما فى السموت و ما فى الأرض و كان الله غنياً حميداً

۱۴ مالکیت انحصاری خداوند بر تمامی هستی و غنای وی ، دلیل مصونیت او از هرگونه خسارت و آسیب از کفر کافران

وإن تكفروا فإن لله .. و كان الله غنياً حميداً

۱۵ بازگشت زیان کفر و بی تقوایی ، به خود انسان نه به خداوند

وإن تكفروا فإن لله ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - ناتوانی کافران از زیان رساندن به خدا و مقهور ساختن او با کفرورزی و حق ستیزی خویش

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

طرح عزت و قاهریت شکست ناپذیر الهی، تعریضی است به آنان که با حق ستیزی به مبارزه با خدا

برخاستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱

۱- کافران ، با کفر و حق ستیزی و مخالفتشان با پیامبر (ص) ، ناتوان از رسانیدن کمترین زیان به خداوند

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۶

۶- حریم پاک خداوندگار جهان ، ایمن از هرگونه تأثر و زیان پذیری

هو الله .. السلم

وصف <السلام>، می تواند نظر به امنیت ذات قدوس و پاک الهی، از هر گونه حادثه و آفت خارجی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۶ - ۷

۷- روی گردانان از شیوه براءت و عبادت ابراهیمی ، ناتوان از آسیب رسانی به خدای بی نیاز و ستوده

و من يتولّ فإنّ الله هو الغنيّ الحميد

زیان به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۲۱ - ۴،۲،۱

۱ دروغ بستن به خدا و بازداری مردم از راه او ، موجب خسارت و تباه کردن سرمایه عمر است .

و من أظلم ممن افترى على الله كذبًا .. أولئك الذين خسروا أنفسهم

۲ تلاش برای منحرف نشان دادن راه خدا و انکار سرای آخرت ، موجب خسارت و تباهی سرمایه عمر است .

الذین . . . یبغونها عوجًا و هم بالأخره هم کفرون ... أولئک الذین خسروا أنفسهم

۴ باور به معبودهایی غیر از خدای یکتا ، باوری واهی و مایه خسران و تباهی است .

أولئک الذین خسروا أنفسهم و ضلّ

عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۵

۵- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد .

لئن شكرتم لأزيدنکم و ... إن تكفروا أنتم و من فی الأرض جميعاً فإن الله لغنی حمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۷

۷- ضرر و زیان نقض سوگند و فریب دادن مردمان ، دامنگیر خود نقض کنندگان سوگند و فریب دهندگان خواهد شد .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلاً بینکم فترلاً قدم بعد ثبوتها و تذوقوا السوء

از اینکه خداوند، ضرر و زیان حث سوگند و فریب را به خود کسانی که سوگند خود نقض می کنند داده و آنان را مخاطب قرار داده است (و تذوقوا السوء) مطلب فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۱

۱- نفع هدایت و ضرر گمراهی هر کسی متوجه خود اوست .

من اهتدی فإنما یهتدی لنفسه و من ضلّ فإنما یضلّ علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۵ - ۵

۵- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال ... أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً ... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۵

۱۵ - پیامد گناه هر کسی ، گریبان گیر خود او است .

لکلّ امری منهم ما

اكتسب من الإثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۴

۴ - ضرر و زیان گناه و نافرمانی مردم از اطاعت خدا و رسول او ، به خود آنان بازمی گردد نه به پیامبر (ص)

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا فإنّما علیه ما حمّل و علیکم ما حملتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۱،۴

۱ - کفر ، امری خسارت بار است و بازتاب خسارت آن ، برای خود کافر است .

من کفر فعليه كفرة

<علیه> جار و مجرور و متعلق به <کفره> است. مقدم شدن آن، برای بیان این نکته است که پیامدهای ناگوار کفر، به خود کافران اختصاص دارد.

۴ - بازتاب خسارت کفر ، از آن کافر ، و پیامد فواید ایمان و عمل صالح ، فراگیر است . *

من کفر فعليه كفرة و من عمل صلحاً فلا لنفسهم يمهدون

احتمال دارد این که در جواب شرط جمله نخست، ضمیر مفرد آورده شده و در جواب شرط جمله دوم، به رغم مفرد بودن اسم شرط، ضمیر جمع آورده شده است، اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - خسارت کفران نعمت الهی ، به خود کفران کننده بازمی گردد .

و من کفر فإنّ الله غنیّ

به قرینه مقابله، <و من یشکر..> جواب شرط <من کفر> حذف شده است و <إنّ الله...> تعلیل برای جواب مقدر است؛ یعنی، هر کس کفران نعمت کند ضررش به خودش برمی گردد؛ چون

خداوند نیازی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۳

۳ - گمراهی ، دارای ضرر و خسارت برای خود گمراه است .

قل إن ضللت فإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۵

۵ - پی آمد زیان بار کفر ، متوجه خود انسان ها است .

فمن كفر فعليه كفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۴،۵،۶

۴ - خسارت و پی آمد سوء مکر ها و حيله ها ، تنها دامنگير صاحبان آن خواهد شد .

و لا يحق المکر السّيِّ إلا بأهله

۵ - خسارت و پی آمد سوء مکر و حيله مخالفان دين اسلام ، دامنگير خود آنان خواهد گشت .

فلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نَفُورًا. .. و مکر السّيِّ و لا يحق المکر السّيِّ

۶ - برگشت مکر مکاران مخالف با اديان الهی به خود آنان ، سنت الهی است .

فهل ينظرون إلا سنّت الأوّلين

جمله <فهل ينظرون..> هم می تواند ناظر به بازگشت مکر مکاران علیه خود آنان باشد و هم می تواند اشاره به كيفر الهی درباره مکاران گذشته داشته باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ - ضرر و زیان گمراهی ، تنها متوجه خود گمراهان است .

و من ضلّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۶

۶ - ضرر و زیان

گناه و اسراف ، متوجه خود انسان است .

الذین أسرفوا علی أنفسهم

برداشت یاد شده از آمدن لفظ <علی> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۳ - ۵

۵ - کفر و انکار آیات الهی ، بی تردید به زیان انسان ها است .

و الذین کفروا بأیت الله أولئک هم الخسرون

<خسارت> ضد ربح (سود) به معنای ضرر و زیان است و آمدن ضمیر فصل (هم)، دلالت بر حصر و تأکید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۶

۱۶ - زیان دروغ ، بیشتر از همه ، به خود دروغ گو باز می گردد .

وإن یک کذبًا فعلیه کذبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ - توطئه ها و نیرنگ های فرعون علیه موسی (ع) ، سرانجام به زیان و نابودی او انجامید .

و ما کید فرعون إلا فی تباب

<تباب> به معنای خسارت و هلاکت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۶

۱۶ - ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <خسروا.. أهليهم> به معنای از دست دادن خانواده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۷

۷- بخل از انفاق در راه خدا ، مایه خسارت خود انسان

و من يبخل

فإنما يبخل عن نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۸

۸ - نتایج ناگوار پیمان شکنی با پیامبر (ص) و رهبری الهی، تنها متوجه خود انسان است.

فمن نكث فإنما ينكث على نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۴ - ۸

۸ - کسانی که از انفاق کردن روی برمی گردانند، به خود ضرر وارد می کنند؛ نه به خداوند.

و من يتولّ فإنّ الله هو الغنيّ الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۷

۱۷ - ضرر و زیان عمل نکردن به احکام الهی و شکستن مرزهای دینی، به خود متجاوزان بازمی گردد.

و من يتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

زیان به خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۴

۱۴ محروم نمودن خویش از مواهب پاکیزه و حلال الهی، زیان رسانی به خود آدمی است.

ولا تحرموا طيبات ما احل الله لكم ولا تعتدوا

چنانچه تحریم طیبات به معنای محروم ساختن خویش از مواهب الهی گرفته شود جمله <لا تعتدوا> می تواند بیانگر فلسفه ای برای جمله <لا تحرموا...> باشد یعنی مبادا طیبات را از خود دریغ دارید چرا که این کار تعدی به خود و پایمال کردن حقوق خویش است.

زیان به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۸

۸ لزوم ادای شهادت به حق ،

گر چه به ضرر خود یا پدر و مادر و نزدیکان باشد .

کونوا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

<شهداء>، خبر دوم برای <کونوا> است. بنابراین شهادت به حق تکلیفی لازم الاجرا است. گفتنی است که متعلق شهادت در برداشت فوق به قرینه <ولو علی أنفسکم> کلمه <بالحق> گرفته شده است.

زیان به دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۷

۱۷ - وارد گشتن خسارت سنگین (مانند قتل، جرح و...) به دشمن از ره آورد های جهاد

فیه بأس شدید

<بأس> عبارت از عذاب و آسیب های جدی است که در میدان نبرد، برطرف وارد می شود.

زیان به دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۱

۱۱- زیان رساندن به مال غیر، به منظور دفع زیان حتمی و بزرگ تر، جایز است .

فأردت أن أعيبها و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

زیان به شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۳ - ۴

۴ - قطعی شدن عذاب بر ثمودیان، پس از آسیب رساندن به ناقه صالح

و فی ثمود إذ قیل لهم تمتعوا حتی حین

زیان به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۴، ۱۵

۱۴ بازگشتی برای تقدیر الهی بر آسیب دیدن گمراهان و تبه کاران نیست .

و إذا أراد الله بقوم سوءاً فلا مردّ له

مراد از <قوم> در آیه شریفه

به مناسبت حکم و موضوع ، قوم گنه کار می باشد. <مرد> مصدر میمی و به معنای بازگرداندن است.

۱۵ هیچ کس و هیچ چیز حتی فرشتگان محافظ نمی تواند گمراهان و گنه کاران را در برابر گزندگی که خداوند برای آنان تقدیر کرده ، یاری رساند و آنان را مصون دارد .

و ما لهم من دونه من وال

جمله <فلامرد له> می رساند که تقدیر الهی بر گزندرسانی بازگشتی نیست و جمله <و ما لهم ..> بیانگر آن است که پس از آمدن ، هیچ کس نمی تواند مشمولان آن را یاری دهد و ایشان را نجات بخشد.

زیان به گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۴،۱۵

۱۴ بازگشتی برای تقدیر الهی بر آسیب دیدن گمراهان و تبه کاران نیست .

و إذا أراد الله بقوم سوءاً فلا مرد له

مراد از <قوم> در آیه شریفه به مناسبت حکم و موضوع ، قوم گنه کار می باشد. <مرد> مصدر میمی و به معنای بازگرداندن است.

۱۵ هیچ کس و هیچ چیز حتی فرشتگان محافظ نمی تواند گمراهان و گنه کاران را در برابر گزندگی که خداوند برای آنان تقدیر کرده ، یاری رساند و آنان را مصون دارد .

و ما لهم من دونه من وال

جمله <فلامرد له> می رساند که تقدیر الهی بر گزندرسانی بازگشتی نیست و جمله <و ما لهم ..> بیانگر آن است که پس از آمدن ، هیچ کس نمی تواند مشمولان آن را یاری دهد و ایشان را نجات بخشد.

زیان به محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آسیب دیدن محصولات کشاورزی ، یأس آور برای انسان ها و باعث احساس حرمان برای آنان

لو نشاء .. فظلمتم تفكّهون ... بل نحن محرومون

زیان به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۷

۷ - تلاش شدید فردی حسود ، برای رساندن شرّ به پیامبر (ص)

و من شرّ حاسد إذا حسد

چنانچه آمدن <حاسد>، برای بیان شدت حسدی باشد که از فرد حسود سر زده بود، ناشناخته بودن او از آیه استفاده نمی شود؛ مؤید این احتمال شأن نزول آیه شریفه است که در آن آمده: آن فرد <لَیْدِ بْنِ أَعْصَمٍ> نام داشته است.

زیان به مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۶

۶ - استفاده جبهه کفر از تمامی روش های عملی و تبلیغی ، برای زیان رساندن به مسلمانان

إن یتقفوکم یكونوا لکم أعداء و یسطوا إلیکم ایدیههم و ألسنتهم بالسوء

تعبیر <أیدیههم و ألسنتهم..>، بیانگر به کارگیری تمامی امکانات از سوی کافران است.

زیان به مسلمانان ناشناخته مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - آسیب دیدن مؤمنان ناشناخته شهر مکه ، در صورت وقوع جنگ میان مسلمانان و مکیان در حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون .. أن تطوهم

زيان به مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - طلاق - ٦٥ - ٦ - ١٧

١٧ - > عن أبي عبدالله (ع) قال : لا يضارّ الرجل امرأته إذا

طَلَّقَهَا فَيُضَيِّقُ عَلَيْهَا حَتَّى تَنْتَقِلَ قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ نَهَى عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ : > وَ لَا تَضَارَّوْهُنَّ لِتَضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ
< ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: مرد نباید به همسر مطلقه خود ضرر برساند و او را [از نظر مسکن و نفقه] در مضیقه قرار دهد تا [مجبور شود] قبل از تمام شدن عده، از خانه شوهر به جای دیگر انتقال یابد؛ زیرا خداوند از این کار نهی کرده و فرموده است: وَ لَا تَضَارَّوْهُنَّ لِتَضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ <.

زیان به معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۸

۸ - تنها موجود ایمن از زیان پذیری و زیان رسانی ، شایسته مقام خداوندی است .

هو الله الذی .. السلام

وصف <السلام>، اشعار به علیت برای انحصار الوهیت در <الله> دارد.

زیان به منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۹

۹ - منافقان ، هر فریادی را علیه خود و هر حرکتی را به ضرر خویش می پندارند .

یحسبون کلَّ صبیحه علیهم

زیان به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۸

۸ لزوم ادای شهادت به حق ، گر چه به ضرر خود یا پدر و مادر و نزدیکان باشد .

کونوا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

<شهداء>، خبر دوم برای <کونوا> است. بنابراین شهادت به حق تکلیفی لازم الاجرا است. گفتنی است که متعلق شهادت در برداشت فوق به قرینه <ولو علی انفسکم>

کلمه <بالحق> گرفته شده است.

زیان بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۵

۱۵ بازگشت زیان کفر و بی تقوایی ، به خود انسان نه به خداوند

و إن تکفروا فان لله ما فی السموت و ما فی الأرض

زیان ترک تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۲ - ۳

۳ - بی ایمانی و ترک عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر ، زیان بزرگی است .

لفی خسر

نکره آمدن کلمه <خسر>، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

زیان ترک تبلیغ صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۲ - ۳

۳ - بی ایمانی و ترک عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر ، زیان بزرگی است .

لفی خسر

نکره آمدن کلمه <خسر>، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

زیان ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۴

۴ فرمان جهاد و شرکت همگان در آن ، در جهت منافع مؤمنان و زیان تخلف از جهاد ، تنها متوجه خود آنان است ؛ نه خداوند .

إلا تنفروا يعذبكم عذاباً أليماً .. ولا تضروه شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۸

۸ زیان

ناشی از شرکت نکردن در جهاد ، بسی افزون تر از خطرات شرکت در آن است .

و منهم من يقول ائذن لي و لا تفتني ألا في الفتنة سقطوا

زیان ترك عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۲ - ۳

۳- بی ایمانی و ترك عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر ، زیان بزرگی است .

لفی خسر

نکره آمدن کلمه <خسر>، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

زیان تعدد معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۲ - ۴

۴- وجود خدایان متعدد ، مستلزم رقابت و درگیری حتمی برای تصاحب قدرت و حاکمیت جهان

قل لو كان .. إذا لابتغوا إلى ذی العرش سبیلاً

خدایی، مظهر قدرت و حاکمیت بر جهان است و وجود چند خدا، به معنای وجود چند قدرت و حاکمیت می باشد و این مستلزم رقابت و برخورد بر سر تصاحب قدرت و حاکمیت بر جهان (عرش) است.

زیان تکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۸

۸- عجب و غرور و فریفتگی در برابر اعمال خویش ، امری نکوهیده و زیانبار است .

الأخسرین أعملاً. .. و هم يحسبون أنهم يحسنون صنعا

زیان توطئه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ - توطئه ها و نیرنگ های فرعون علیه موسی (ع) ، سرانجام به زیان و نابودی او

انجامید .

و ما کید فرعون إلا فی تباب

<تباب> به معنای خسارت و هلاکت است.

زیان جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۶

۲۶ - تأثیر سحر و زیان رسانی آن ، به اذن خدا و خواست اوست .

و ما هم بضارین به من أحد إلا بإذن الله

زیان جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲۴

۲۴ - گرفتار شدن به آتش و عذاب ابدی ، خسران واقعی است .

إنّ الخسرین الذین .. فی عذاب مقیم

زیان جدایی از همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۰

۳۰ - جدایی زن و شوهر در بر دارنده زیان برای ایشان است .

ما یفرقون به بین المرء و زوجته و ما هم بضارین .. إلا بإذن الله

زیان حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی ، از زیان بارترین کارها است .

و أرادوا به کیداً فجعلنهم الأخسرین

زیان حث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۴ - ۷

۷- ضرر و زیان نقض سوگند و فریب دادن مردمان ، دامنگیر خود نقض کنندگان سوگند و فریب دهندگان خواهد شد .

و لاتتخذوا أیمنکم دخلاً بینکم فتزلّ قدم بعد ثبوتها و تذوقوا السوء

از اینکه خداوند، ضرر و زیان حث سوگند و فریب را به خود

کسانی که سوگند خود نقض می کنند داده و آنان را مخاطب قرار داده است (و تذوقوا السوء) مطلب فوق استفاده می شود.

زیان خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۸،۱۰

۸ - نقش ویرانگر منابع خبری فاسد ، در مناسبات و امنیت جوامع

إن جاءكم فاسق بنبأ .. أن تصیبوا قومًا بجهله

از تعلیل <أن تصیبوا قومًا بجهاله> و متفرع شدن آن بر فسق مخبر، مطلب بالا نتیجه گیری می شود.

۱۰ - جامعه صدر اسلام در معرض خطر ، از ناحیه گزارش های برخی از افراد فاسق

إن جاءكم فاسق .. أن تصیبوا قومًا بجهله

با توجه به شأن نزول هایی که مفسران ذکر کرده اند، هشدار خداوند در آیه شریفه، هنگامی صورت گرفت که نشانه های خطر یاد شده در جامعه به نوعی رخ نموده بود.

زیان خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۷ - ۳

۳ - شراب ، مایه ضرر و زیان و آسیب رسان به عقل و هوش آدمی

لا فیها غول و لا هم عنها ینزفون

برداشت یاد شده از مفهوم آیه شریفه به دست می آید.

زیان خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۱ - ۳

۳ آثار زیانبار خیانت به دیگران ، دامنگیر خود خیانتکار خواهد شد .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا .. و من یکسب اثمًا فانما یکسبه علی نفسه

به مقتضای آیات گذشته، مصداق مورد نظر از <اثمًا>، همان خیانتکاری است.

زیان در بینش مکذبان معاد

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۶ - ۳

۳ - مصرف ثروت برای رفع نیازمندی های مردم ، در دیدگاه منکران معاد ، خسارتی سنگین و جبران ناپذیر است .

أهلكت مالا لبداً

انتخاب تعبیر <أهلكت> و پرهیز از گفتن <أنفقت> و نظایر آن، بیانگر این است که گوینده، مال های مصرف شده را <هلاک شده> می پندارد. این بینش ممکن است برخاسته از انکار پاداش انفاق، بر اثر انکار معاد باشد.

زیان دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۶، ۱۴

۱۴ - اطمینان دادن مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از آسیب دیدن موسی (ع) در صورت دروغ گو بودن ایشان در ادعا های خود

وإن يك كذبًا فعليه كذبه

۱۶ - زیان دروغ ، بیشتر از همه ، به خود دروغ گو باز می گردد .

وإن يك كذبًا فعليه كذبه

زیان دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۴

۴ تأمین خسارت های ناشی از دزدی ، شرط پذیرش توبه سارق *

فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فإن الله يتوب عليه

مصدق مورد نظر از اصلاح و درستکاری، به مناسبت مورد، تأمین خسارتهایی است که دزد به صاحبان کالا وارد ساخته است.

زیان دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۵

۵ بیان خسارت های دشمن در جنگ ، زمینه ای برای تقویت روحیه مجاهدان در رویارویی با آنان

ان تکونوا تالمون فانهم یالمون کما تالمون

زیان دشمنان ادیان آسمانی

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۶

۶ - برگشت مکر مکاران مخالف با ادیان الهی به خود آنان ، سنت الهی است .

فهل ينظرون إلاَّ سنَّت الأولین

جمله <فهل ينظرون..> هم می تواند ناظر به بازگشت مکر مکاران علیه خود آنان باشد و هم می تواند اشاره به کیفر الهی درباره مکاران گذشته داشته باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

زیان دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۵

۵ - خسارت و پی آمد سوء مکر و حيله مخالفان دین اسلام ، دامنگیر خود آنان خواهد گشت .

فلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نَفُورًا.. و مکر السَّيِّئِ و لا یحیق المکر السَّيِّئِ

زیان دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۷

۴۷ - دستیابی به منافع دنیا در مقابل از دست دادن آخرت ، سودایی زیانبار است .

لبسوا ماشرؤا به أنفسهم

زیان دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - خسران اخروی همراه با تباهی دنیوی ، از بارزترین انواع خسران ها

خسر الدنيا و الآخره ذلك هو الخسران المبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جاثيه - ۴۵ - ۲۷ - ۷

۷- زیان های دنیوی ، امری ناچیز در قبال ضرر اخروی انسان

یومئذ یخسر المبطلون

تقدیم ظرف <یوم تقوم> بر <یخسر>، افاده حصر می کند و مفاد آیه این است که <هر زیانی در مقاسیه با زیان آخرت، گویی زیان

نیست <.

زیان دنیوی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۵

۵- هر جَبَّار منحرفی دچار خسارت دنیوی است .

و خاب کَلَّ جَبَّار عنید

<خاب> در لغت به معنای <خسر> و <عنید> به معنای عدول کننده از درستی آمده است.

زیان دنیوی منحرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۵

۵- هر جَبَّار منحرفی دچار خسارت دنیوی است .

و خاب کَلَّ جَبَّار عنید

<خاب> در لغت به معنای <خسر> و <عنید> به معنای عدول کننده از درستی آمده است.

زیان دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۷

۱۷ ناکامی و زیانکاری ، فرجام شوم و پذیرش محبت و ولایت کافران

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرين

زیان دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ هر بهایی که در قبال سوداگری با آیات الهی قرار گیرد، اندک و ناچیز است .

لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

معمولاً افرادی که بر سر آیات الهی سوداگری می کنند به قصد رسیدن به بهره های فراوان دنیوی است، ولی خداوند آنها را در مقابل از دست دادن دین و محرومیت از مواهب اخروی اندک می شمارد.

زیان رسانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۳ - ۱

۱ - یادآوری ابراهیم (ع) به قوم خویش ، مبنی بر ناتوانی بت ها در رساندن سود یا زیان به انسان

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ

زیان رسانی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۷

۷- قدرت گسترده و اراده مطلق خداوند ، در رساندن سود و زیان و رحمت و نعمت به انسان ها

قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ .. . إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُهَا

زیان رسانی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۴

۴- قدرت بر پاسخ گویی و اجابت خواسته ها و توان نفع و ضرر رسانی ، از جمله ویژگی های لازم برای معبود حقیقی است .

أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا

<برگرداندن قول>، مفهومی است که شامل اجابت دعا نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۳ - ۳

۳- لازمه معبود راستین ، در دست داشتن عوامل و اسباب سود و زیان انسان

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۸

۸- تنها موجود ایمن از زیان پذیری و زیان رسانی ، شایسته مقام خداوندی است .

هو الله الذی .. السلم

وصف <السلام>، اشعار به علیت برای انحصار الوهیت در <الله> دارد.

زیان رسانی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۱،۴

۱ مشرکان ، در عصر بعثت ، موجوداتی را می پرستیدند که از رساندن نفع و یا دفع ضرر ، ناتوان بودند .

و یعبدون

من دون الله ما لا ينجيهم ولا يضرمهم

۴ معبود های مشرکان ، ناتوان از سودرساندن و یا دور کردن زیان از عبادت کنندگان خویش

و يعبدون من دون الله ما لا ينجيهم ولا يضرمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۲ - ۱

۱ - در روز قیامت معبود های مشرکان ، نمی توانند هیچ سود و زیانی را برای کسی عهده دار شوند .

فاليوم لا يملك بعضكم لبعض نفعاً ولا ضرراً

زیان رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۹

۹ - خطرساز بودن رهبران متکبر و منکر قیامت و روز حساب برای جامعه

كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب

پناه بردن موسی(ع) از شر متکبران منکر قیامت (چون فرعونیان)، گویای مطلب یاد شده است.

زیان رهبران متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۹

۹ - خطرساز بودن رهبران متکبر و منکر قیامت و روز حساب برای جامعه

كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب

پناه بردن موسی(ع) از شر متکبران منکر قیامت (چون فرعونیان)، گویای مطلب یاد شده است.

زیان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۴

۴ - شرک و رزی و پرستش غیر خدا ، ضرر و زیانی را متوجه خداوند نخواهد کرد .

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۷

۱۷ - ناآگاهی بیشتر مردم از شایستگی انحصاری خداوند به عبادت و پرستش و ضرر و زیان شرک

ضرب الله مثلاً

رجلاً .. بل أكثرهم لا يعلمون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که متعلق جهل، مسأله برابر نبودن دو مثل مربوط به مؤمن و مشرک و سرنوشت ایمان و شرک باشد؛ یعنی، <بل أكثرهم لا يعلمون أنّهما لا یتویان>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۷

۷ - شرک ، بی تردید به زیان انسان ها است .

لئن أشركت .. و لتكوننّ من الخسرین

<نون> در <لتكوننّ> برای تأکید و رفع تردید است.

زیان عجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۸

۸- عجب و غرور و فریفتگی در برابر اعمال خویش ، امری نکوهیده و زیانبار است .

الأخسرین أعمالاً.. و هم یحسبون أنّهم یحسنون صنعاً

زیان عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۴

۴ - ضرر و زیان گناه و نافرمانی مردم از اطاعت خدا و رسول او ، به خود آنان بازمی گردد نه به پیامبر (ص)

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا فإنّما علیه ما حمل و علیکم ما حملتم

زیان عصیان از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - ضرر و زیان گناه و نافرمانی مردم از اطاعت خدا و رسول او ، به خود آنان بازمی گردد نه به پیامبر (ص)

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا فإنّما علیه ما حمّل و علیکم ما حملتم

زیان عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۵

۵ - > عن أبي جعفر و عن أبي عبدالله (ع) ... في قوله : < وقد خاب من دسّاهها > قال : قد خاب من عصي ;

از امام باقر و امام صادق (ع) .. درباره سخن خداوند <وقد خاب من دسّاهها> روایت شده که فرمود: [یعنی] به تحقیق زیان دید کسی که نافرمانی کرد.

زیان علوم غریبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۱

۲۱ - تعلیم دهندگان علوم غریبه ، باید ضرر های آن علوم را به متعلمان گوشزد کرده و آنان را از سوء استفاده بر حذر دارند .

و ما يعلمان من أحد حتى يقولوا إنما نحن فتنه فلا تكفر

زیان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۸

۸ - سود و زیان عمل هر کس ، تنها به خود وی بازمی گردد .

لنا أعملنا و لكم أعملكم

زیان عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - تبیین پیامد های سوء اعمال ناپسند ، و جدایی نهی از آنها از روش های هدایتی تبلیغی قرآن

و لا تقربوا الزنى إنه كان فحشه و ساء سيلاً

زیان فردی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۷

۷- عمل ناشایست زنا، دارای فرجامی بد و ناگوار برای فرد و جامعه

و ساء سییلاً

از جمله <راههای بد> راهی است که منتهی الیه و فرجام

آن، ناشایست باشد. بنابراین <ساء سبیلاً> می تواند مشعر به این معنا باشد که: زنا نه تنها خود فاحشه است؛ بلکه راهی است بد که فرجام و پیامد آن برای فرد و جامعه نیز، بد و ناپسند است.

زیان فرزند کشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۳

۳ کشتن فرزند (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای الهی، نشانه بارز زیانکاری است.

قد خسر الذین... و حرموا ما رزقهم الله

زیان قطع صلّه رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: <قال لی ابي علی بن الحسین... إياک و مصاحبه القاطع لرحمه... قال الله عز و جل > الذین... یقطعون ما امر الله به أن یوصل... أولئک هم الخاسرون >؛

پدرم، امام سجاد (ع)، به من فرمود: .. از همنشینی با کسی که قطع رحم می کند بپرهیز... خدای عز و جل فرمود: <آنان که ... قطع می کنند آنچه را که خدا امر به وصل آن نموده ... اینانند زیانکاران.>

زیان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۳

۳ آسیب ها و صدمات متقابل مجاهدان و کافران در نبرد احد

ان تکونوا تألمون فانهم یألمون

بنابر آنچه در شأن نزول آیه آمده، مراد از آسیبهای متقابل، مسائلی است که در جنگ احد پیش آمد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

زیان کشتزار قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۵

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم و کنا لحکمهم شهیدین

نوع مفسران بر آنند که <فَفَهَّمْنَاهَا> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ> و <وَ كَلَّا آتَيْنَا حُكْمًا و عَلَمًا> می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

زیان کشتزار قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۵

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم و کنا لحکمهم شهیدین

نوع مفسران بر آنند که <فَفَهَّمْنَاهَا> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کُنَّا

لحکمهم شاهدین < و کلاً آتینا حکماً و علماً > می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۱

۱- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان، با الهام خداوند بود.

فَفَهَّمْنَهَا سَلِيمًا

<فا> در <فَفَهَّمْنَهَا> برای تعقیب است و ضمیر <ها> به حکومت (قضاوت) بازمی گردد؛ یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان (ع) حکم واقعی را به سلیمان فهماندیم.

زِيَانِ كُفْرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۵

۱۵ بازگشت زیان کفر و بی تقوایی، به خود انسان نه به خداوند

وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۹

۹ بازگشت سود و زیان ایمان به خود انسان نه خداوند

فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جواب شرط <ان تکفروا> به قرینه <خیراً لکم> و نیز جمله <فان لله...> می تواند به این گونه باشد <یکن شرّاً لکم و لایضر الله شیئاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - پی آمد زیان بار کفر ، متوجه خود انسان ها

است .

فمن كفر فعليه كفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۷

۷- نفع و ضرر < ایمان و کفر > و < شکر و ناسپاسی > ، دامنگیر خود انسان ها است ؛ نه خداوند .

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ .. و إِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۱۱

۱۱- هدر دادن امکانات زندگی در مسیر کفر و گمراهی ، زیان و زمینه ساز عذاب الهی است .

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ .. إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ

تعبیر <إِنَّ> در صورتی که علیت را برساند، نشان می دهد که نفس همین خسران، باعث شده تا عده ای گرفتار عذاب حتمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۲ - ۳

۳- بی ایمانی و ترک عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر ، زیان بزرگی است .

لفی خسر

نکره آمدن کلمه <خسر>، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

زیان کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۵

۵- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد .

لئن شکرتم لأزیدنکم و ... إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعاً فإن الله لغنی حمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ -

۵- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً ... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - خسارت کفران نعمت الهی ، به خود کفران کننده بازمی گردد .

و من كفر فإنّ الله غنيّ

به قرینه مقابله، <و من یشکر..> جواب شرط <من كفر> حذف شده است و <إنّ الله...> تعلیل برای جواب مقدر است؛ یعنی، هرکس کفران نعمت کند ضررش به خودش برمی گردد؛ چون خداوند نیازی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۷

۷- نفع و ضرر <ایمان و کفر> و <شکر و ناسپاسی> ، دامنگیر خود انسان ها است ؛ نه خداوند .

إن تكفروا فإنّ الله غنيّ عنكم ... و إن تشكروا یرضه لكم

زیان کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۵

۵- کم فروشی و خیانت اقتصادی ، به گمان جلب منافع بیشتر ، بد فرجام و عملی زیان آور و نامیمون است .

و أوفوا الكیل .. و وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلك خیر و أحسن تأویلاً

زیان گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - زیان واقعی انسان ، در ضلالت و از دست دادن هدایت است .

اشتروا الضلله بالهدی فما ربحت تجارتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۹

۹ ضرر و زیان گمراهی ، تنها متوجه خود گمراهان است .

و من ضلّ فإِنما یضلّ علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۱،۲

۱- نفع هدایت و ضرر گمراهی هر کسی متوجه خود اوست .

من اهتدی فإِنما یهتدی لِنفسه و من ضلّ فإِنما یضلّ علیها

۲- هدایت ، دربردارنده سود و منافع و گمراهی در پی دارنده زیان و ضرر

من اهتدی فإِنما یهتدی لِنفسه و من ضلّ فإِنما یضلّ علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۳

۳ - گمراهی ، دارای ضرر و خسارت برای خود گمراه است .

قل إن ضللت فإِنما أضلّ علی نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ - ضرر و زیان گمراهی ، تنها متوجه خود گمراهان است .

و من ضلّ فإِنما یضلّ علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۱۱

۱۱- هدر دادن امکانات زندگی در مسیر کفر و گمراهی ، زیان و زمینه ساز عذاب الهی است .

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ . . . إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ

تعبیر <إِنَّ> در صورتی که علیت را برساند، نشان می دهد که نفس همین خسران، باعث شده تا عده ای گرفتار عذاب حتمی شوند.

زیان گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۸

۱۸ - بازگشت زیان معصیت به گنهکار است نه متوجه ساحت قدس خداوند

و

ما ظلمونا و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۱ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ آثار زیانبار گناه ، دامنگیر خود انسان

و من یکسب ائماً فانما یکسبه علی نفسه

۲ توجه آدمی به بازگشت آثار زیانبار گناه به خود ، زمینه گرایش به توبه و استغفار

ثم یتستغفر الله یجد الله .. و من یکسب ائماً فانما یکسبه علی نفسه

خداوند پس از ارائه راه آمرزش، این حقیقت را بیان کرده که آثار گناه و خیانت، دامنگیر خود گناهکار خواهد شد، تا او را از خیانت و گناه باز دارد و در صورت ارتکاب، به توبه و استغفار روی آورد.

۴ خداوند بازگرداننده آثار زیانبار گناه به گنهکاران

فانما یکسبه علی نفسه و کان الله علیماً حکیماً

جمله <کان الله علیماً حکیماً> می رساند که تحمیل آثار سوء آدمی به دست خداوند است.

۵ خداوند ، آثار سوء گناه آدمی را بر اساس علم خویش و بدور از هرگونه خطا به وی باز می گرداند .

و من یکسب ائماً فانما یکسبه علی نفسه و کان الله علیماً حکیماً

توصیف خداوند به <علیماً> برای رساندن این معناست که در بازگرداندن آثار سوء گناه، هیچ خطایی رخ نخواهد داد.

۶ بازگرداندن آثار زیانبار گناه به گنهکاران ، کاری حکیمانه

فانما یکسبه علی نفسه و کان الله علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ مغفرت و رحمت الهی تنها امید و وسیله رهایی گنهکاران از خسران گناه است.

وإن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرين

زیان گناهکاران

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۱ - ۴

۴ خداوند بازگرداننده آثار زیانبار گناه به گنهکاران

فانما یکسبه علی نفسه و کان الله علیماً حکیماً

جمله <کان الله علیماً حکیماً> می رساند که تحمیل آثار سوء آدمی به دست خداوند است.

زیان مبارزه با رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۰ - ۶

۶- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی ، از زیان بارترین کارها است .

و أرادوا به کیداً فجعلنهم الأخرین

زیان مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۳

۳ آسیب ها و صدمات متقابل مجاهدان و کافران در نبرد احد

ان تکنونوا تألمون فانهم یألمون

بنابر آنچه در شأن نزول آیه آمده، مراد از آسیبهای متقابل، مسائلی است که در جنگ احد پیش آمد.

زیان محرومیت از حمایتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۷

۱۷ - از دست دادن پشتیبانی و حمایت خدا ، خسران واقعی برای انسان است .

و من یضلل الله فما له من ولی من بعده .. . إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أه

زیان مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۱

۱ قیامت روز ظهور و بروز خسارت و زیانکاری تکذیب کنندگان آیات خداوند است.

و من خفت موزینه فأولئك الذین خسروا أنفسهم بما كانوا بآیتنا یظلمون

زیان مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۴،۵

۴ کسانی که علی رغم تکذیب انبیا ، خویشتن را از عذاب الهی مصون می پندرانند ، زیانکار هستند .

و لكن كذبوا .. فلا يأمن مكر الله إلا القوم الخسرون

۵ تکذیب کنندگان انبیا ، زیانکار هستند .

و لكن كذبوا .. فلا يأمن مكر الله إلا القوم الخسرون

زیان مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۹

۹ - خطرساز بودن رهبران متکبر و منکر قیامت و روز حساب برای جامعه

كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب

پناه بردن موسی (ع) از شر متکبران منکر قیامت (چون فرعونیان)، گویای مطلب یاد شده است.

زیان مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۴

۴ - خسارت و پی آمد سوء مکرها و حيله ها ، تنها دامنگیر صاحبان آن خواهد شد .

ولا يحق المكر السيي إلا بأهله

زیان منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶ - ۴

۴ - منافقان ، به سود و زیان واقعی خویش آگاهی ندارند .

و ما کانوا مهتدین

متعلق <مهتدین> به دلیل جمله های قبل، سود و زیان واقعی است، یعنی: و ما کانوا مهتدین الی منافعهم و مضارهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

زیان ناپذیری خدا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۱،۳

۱- موسی (ع) در راستای رسالت خویش به بنی اسرائیل اعلام کرد که کفر آنان و تمامی ساکنان زمین \$ زیانی به خداوند نمی رساند .

و قال موسی إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جميعًا فإن الله لغنی حمید

<إن> در <إن تکفروا> شرطیه است و جواب آن <لم يتضرر هو> می باشد که محذوف است و <فإن الله لغنی> تعلیل جزای شرط محذوف می باشد.

۳- کفران نعمت های خداوند هیچگونه زیانی به او نمی رساند .

إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جميعًا

مراد از <إن تکفروا> به قرینه <و لئن کفرتم> که به معنای کفران بود، می تواند ناسپاسی در برابر نعمتهای خدا باشد.

زیان واقعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۷، ۱۸، ۲۴

۱۷ - از دست دادن پشتیبانی و حمایت خدا ، خسران واقعی برای انسان است .

و من یضلل الله فما له من ولی من بعده .. إن الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أه

۱۸ - تنها آنچه به خسران انسان در آخرت می انجامد ضرر و زیان واقعی است .

إن الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

با توجه به این که الف و لام در <الخاسرین> دلالت بر کمال می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

۲۴ - گرفتار شدن به آتش و عذاب ابدی ، خسران واقعی است .

إن الخسرین الذین .. فی عذاب مقیم

شدت زیان اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۲

۲ تباهی و

زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیاست .

لاجرم انهم فی الآخره هم الأخسرون

<أخسِرَ> (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیاست. براین اساس جمله <لاجرم انهم...> دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتر و سنگین تر است.

عالم به زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۳

۳- خداوند به دلیل حاکمیت بر رستاخیز و نظام کیفری انسان ها ، تنها منبع آگاه از سود و زیان واقعی آنان است .

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ .. هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا

خداوند پس از این که موضع قیامت و کیفر کافران را در آیات قبل یادآور شده، در مقام اخبار از سود و زیان واقعی انسان ها برآمده است. این نکته نشانه آن است که در شناخت سود و زیان، تنها، گفته های او ملاک است چرا که فرجام انسان ها را، او رقم می زند.

عوامل زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶ - ۶

۶- زیان واقعی انسان ، در ضلالت و از دست دادن هدایت است .

اشتروا الضلله بالهدی فما ریحت تجربتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۷ - ۱۱

۱۱- شکستن پیمان های الهی ، گسستن روابطی که خداوند به برقراری آنها فرمان

داده و فسادگری در زمین ، زیان واقعی انسان را در پی دارد .

الذین ینقضون عهد الله .. أولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۶،۸،۹

۶ - بنی اسرائیل بر اثر شکستن پیمان الهی ، در آستانه زیانکاری و تباه کردن هستی خویش ، قرار گرفتند .

فلولا فضل الله علیکم و رحمته لکنتم من الخسرين

۸ - شکستن پیمان های الهی ، مایه زیانکار شدن آدمی و تباه کردن هستی خویش است .

ثم تولیتم من بعد ذلك فلولا فضل الله .. لکنتم من الخسرين

<ذلك> اشاره به پیمان و التزام به پذیرش کتاب آسمانی و تنظیم کردن عقاید و معارف بر اساس آن است.

۹ - اعراض از معارف و احکام کتاب های آسمانی ، مایه خسارت و تباه کردن هستی خویش

خذوا ما أتینکم بقره .. ثم تولیتم من بعد ذلك فلولا ... لکنتم من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۲

۱۲ - ترک دستورات قرآن و پیامبر (ص) ، موجب تباهی و خسران است .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

چنانچه مراد از تلاوت در جمله <یتلونه> پیروی کردن باشد، می توان گفت: مراد از کفر در <و من یکفر>، به قرینه مقابله،

ترک دستورات قرآن - که از آن به <کفر عملی> تعبیر می کنیم - باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۱ - ۱

۱ آثار زیانبار گناه ، دامنگیر خود انسان

و من يكسب ائماً فانما يكسبه على

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۹

۱۹ پذیرندگان ولایت شیطان ، مردمی زیانکار با خسارتی آشکار

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۰ - ۵

۵ دلخوشی به وعده ها و آرزو های شیطانی ، زیانی آشکار

فقد خسر خسراناً مبيناً. يعدهم و يمنيهم و ما يعدهم الشيطان الا غروراً

جمله <يعدهم و يمنيهم> دليل برای جمله <فقد خسر خسراناً مبيناً> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۳، ۱۴، ۱۵

۱۳ زیانکاری قابیل ، پیامد کشتن برادرش هابیل

فقتله فاصبح من الخسرین

۱۴ آدمکشی ، در پی دارنده زیان و تباهی

فقتله فاصبح من الخسرین

۱۵ پیروان هوای نفس ، در معرض خسارت و زیان

فطوعت له نفسه قتل اخيه فقتله فاصبح من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۴

۱۴ محرومان از هدایت الهی ، در خطر تباهی اعمال نیک و زیان دیدن از کردار خویش

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ .. حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۳

۳ شناخت برخی مجهولات آثار ناخوشایند و زیانباری دارد .

لا تسئلوا عن اشیاء ان تبدلکم تسؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۴،۵

۴ جهل و سفاهت، عامل انحراف و زیانکاری است.

قد خسر الذین قتلوا اولدهم

۵ قوانین و مقررات غیر متکی بر علم، زیان آور خواهد بود.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

وصف <بغیر> بیان ریشه و سبب اصلی کارهای جاهلانه مشرکان است و به همین جهت که سبب بیان گردید، قابل تعمیم است. یعنی هر قانون و رسمی که مبتنی بر علم نباشد، زیان در پی خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۴

۴ استمرار انکار و تکذیب آیات الهی عامل خسارت و از دست دادن سرمایه جان

و من خفت موزینه .. بما کانوا بآیتنا یظلمون

<بایاتنا> متعلق به <یظلمون> است و چون <یظلمون> به وسیله حرف <باء> متعدی شده، متضمن معنای تکذیب است یعنی: یکذبون بایاتنا حالکونهم ظالمین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۷

۷ آدم و حوا خویشان را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنکونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۳،۴،۷

۳ اشراف کفرپیشه مدین با یاد کردن سوگند، پذیرش رسالت شعیب و پیروی از دستورات او را، امری زیان آور معرفی می کردند.

لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذا لخسرون

۴ گرایش به توحید و رعایت عدل در خرید و فروش و امور اقتصادی، مایه خسارت در دیدگاه اشراف کفرپیشه قوم مدین

لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

برداشت فوق با توجه به آیه ۸۵، که بیانگر پیامهای شعیب است، به دست می آید.

۷ اشراف کفرپیشه مدین

با تأکید بر خسارتبار بودن همراهی شعیب (ع)، در تلاش برای بازداشتن مؤمنان از متابعت او و خارج شدن از شهر مدین

و قال المأثم... لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذا لخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۲ - ۴

۴ هلاکت به عذاب های الهی موجب خسارت انسان

کأن لم یغنوا فیها... کانوا هم لخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۵ - ۵،۶

۵ تکذیب آیات الهی، در پی دارنده خسران و بر باد رفتن سرمایه سعادت انسان است.

و لاتکونن من الذین کذبوا بأیت اللّٰه فتکونن من الخسرين

۶ تکذیب قرآن، مایه خسران و از دست دادن سرمایه سعادت است.

و لاتکونن من الذین کذبوا بأیت اللّٰه فتکونن من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۱ - ۱،۲،۴

۱ دروغ بستن به خدا و بازداری مردم از راه او، موجب خسارت و تباه کردن سرمایه عمر است.

و من أظلم ممن افتری علی الله کذباً... أولئک الذین خسروا أنفسهم

۲ تلاش برای منحرف نشان دادن راه خدا و انکار سرای آخرت، موجب خسارت و تباهی سرمایه عمر است.

الذین... یبغونها عوجاً و هم بالأخره هم کفرون... أولئک الذین خسروا أنفسهم

۴ باور به معبودهایی غیر از خدای یکتا، باوری واهی و مایه خسران و تباهی است.

أولئک الذین خسروا أنفسهم و ضلّ عنهم ما کانوا یفترون

۱۵ صالح (ع)، توجه کردن به درخواست کافران قومش (ترک ابلاغ توحید) را، مایه خسارت و تباهی خویش دانست.

فما تزیدوننی غیر تخسیر

<تخسیر> به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

۱۶ ترک وظایف الهی به خاطر خوشایند کافران، مایه خسارت و تباهی است.

فما تزیدوننی غیر تخسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۵

۵- کم فروشی و خیانت اقتصادی، به گمان جلب منافع بیشتر، بد فرجام و عملی زیان آور و نامیمون است.

و أوفوا الكيل .. وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلك خیر و أحسن تأویلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۴

۴- کفرپیشگی، عامل زیان آدمی به رغم کار و تلاش بسیار است.

للكفرین نزلاً . قل هل ننبئكم بالأخسرین أعمالاً

<أعمالاً> تمیز برای <أخسرین> است. به گفته اهل ادب، اصل در تمیز، مفرد بودن است، ولی در این آیه، جمع آمده است. جمع آمدن <أعمالاً> می تواند برای اشاره به تنوع اعمال کافران باشد، یعنی، کافران، اگر چه عمل های متنوع و بسیار داشته باشند، ولی برخلاف تصوّرشان سودی نخواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۰ - ۲

۲- توطئه و نیرنگ بت پرستان علیه ابراهیم (ع)، عامل خسران و زیان کاری کامل آنان شد.

و أرادوا به کیداً فجعلنهم الأخسرین

۲ - عقاید باطل و کردار های بد ، مایه وارد شدن زیان به سرمایه های وجودی انسان

و من خفت موزینه فأولئك الذين خسروا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - ایمان به باطل و کفر به خدا ، خسارتبار است .

و الذين ءامنوا بالباطل .. أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۱

۱ - کفر ، امری خسارت بار است و بازتاب خسارت آن ، برای خود کافر است .

من كفر فعليه كفره

<علیه> جار و مجرور و متعلق به <کفره> است. مقدم شدن آن، برای بیان این نکته است که پیامدهای ناگوار کفر، به خود کافران اختصاص دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۲۱

۲۱ - گوش نسپردن به سخنان و پیروی نکردن از بهترین آنها ، موجب خسران و تباهی عمر و خانواده است .

إنَّ الخسرين الذين خسروا أنفسهم و أهليهم .. الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه

آیات گذشته در توصیف خاسران بود و آیه مورد بحث، درباره کسانی است که در قطب مخالف زیان کنندگان قرار داشته و در سایه گوش فرا دادن به سخنان و گزینش بهترین آنها، به سعادت نایل شده اند. بنابراین از ارتباط میان آیات یاد شده، به دست می آید که استماع سخنان و گزینش بهترین آنها موجب سعادت و ترک آن سبب خسران و بدبختی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۳ - ۵

۵ - کفر و انکار آیات الهی ، بی تردید به زیان انسان ها است .

و الذين كفروا بأيت الله أولئك هم الخسرون

<خسارت> ضد ربح (سود) به معنای ضرر و زیان است و آمدن ضمیر فصل (هم)، دلالت بر حصر و تأکید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۵

۵ - کفر و شرک به خدا ، مایه خسارت و از کف دادن سرمایه ها ، توانمندی ها و تمدن ها است .

كانوا أكثر منهم و أشدّ قوه و ءاثارًا في الأرض .. كُتِبَ به مشرکین ... و خسر هنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۳ - ۶،۷

۶ - گمان های بی جا و ناروا نسبت به خداوند ، عامل هلاکت و خسران آدمی

ذلکم ظنکم .. بر بکم اُردیکم فأصبحتم من الخسرين

۷ - تکیه بر گمان و پندار ، در زمینه مسائل اعتقادی ، مایه زیان و خسران آدمی

و ذلکم ظنکم .. فأصبحتم من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - انکار معاد ، عامل خسران و زیان انسان

قالوا ائتوا بآبائنا إن كنتم صدقین .. يومئذ يخسر المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- بخل از انفاق در راه خدا ، مایه خسارت خود انسان

و من يبخل فإنَّما يبخل عن نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۷

۷ - تحمیل آرا و تمایلات سطحی مردم ، به رهبری الهی (پیامبر (ص)) ، مایه مشقت و زیان حتمی خود آنان

لو یطیعکم فی کثیر من الأمر لعنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۹ - ۸

۸ - غفلت از یاد خدا و بیگانگی با آن در زندگی ، از عوامل خسران انسان ها

فأنسهم ذکر الله . . . إن حزب الشیطن هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۹ - ۷

۷ - دل بستگی به مال و اولاد و غفلت از یاد خدا ، موجب خسران برای انسان

و من یفعل ذلك فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۴

۴ - دوری از تعالیم دین و سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، پیامدار سرنوشتی شوم و خسارت بار

عتت عن أمر ربها . . . فذاقت وبال أمرها و كان عقبه أمرها خسراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - ثروت و قدرت بدون ایمان ، سعادت بخش و سودمند به حال بشر نیست ؛ بلکه موجب خسارت و بدبختی است .

و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلا خساراً

عوامل زیان اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۵

۵ نقش اعمال خود انسان در زیانکاری و سعادت‌مندی اخروی وی

الذین خسروا أنفسهم بما

كانوا بأيتنا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۹ - ۲،۴،۵

۲- ورشکستگی و زیان اخروی انسان ، نتیجه قهری و اجتناب ناپذیر دنیاگرایی و غفلت زدگی اوست .

استحبوا الحیوه الدنیا .. القوم الکفرین ... و أولئک هم الغفلون . لاجرم أنه

۴- بهره نگرفتن از ابزار شناخت در جهت فهم حقایق معنوی ، مایه زیان واقعی انسان در آخرت است .

طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصرهم .. لاجرم أنهم فی الآخره هم الخسرون

۵- ترجیح زندگی دنیا بر آخرت ، موجب زیان و ورشکستگی واقعی انسان در آخرت است .

ذلک بأنهم استحبوا الحیوه الدنیا علی الآخره .. لاجرم أنهم فی الآخره هم الخسرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۸

۸- ظلم ، موجب زیان کاری و محرومیت انسان ، در قیامت خواهد شد .

و قد خاب من حمل ظلماً

<خیه> یعنی، از کف دادن مطلوب (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۹

۹- پایبندی به دین به خاطر سود مادی و رها کردن آن (ارتداد) به وقت دشواری ها و محرومیت ها ، مایه خسران و تباهی

دنیا و آخرت

و إن أصابته فتنه انقلب علی وجهه خسر الدنیا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - بی اعتقادی به آخرت ، مایه از دست رفتن گران بهاترین سرمایه ها و زیان شدید انسان در روز جزا

و

هم في الآخره هم الأخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۴

۴ - آيين شرك و عبادت غير خدا ، مایه خسارت و از كف دادن سرمایه عمر آدمی و محرومیت از بهره های بایسته از خانواده در عرصه قیامت

فاعبدوا ما شئتم من دونه قل إنَّ الخسرين الذين خسروا أنفسهم و أهليهم يوم القيمه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ - فراهم کردن زمینه های گمراهی خود و خانواده خویش ، مایه خسران و سرزنش در صحنه قیامت

و قال الذين ءامنوا إنَّ الخسرين الذين خسروا أنفسهم و أهليهم

عوامل زیان به جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۲ - ۱

۱ - برخورد دوگانه تاجران ، هنگام فروش کالا و خرید آن و به کار بردن سنجش دقیق با پیمانانه کامل تنها به هنگام خرید ، مایه زیان جامعه و زمینه ساز عذاب الهی است .

ويل للمطففين . الذين إذا اکتالوا علی الناس یستوفون

<اكتالوا> یعنی ، با پیمانانه کالا را دریافت کردند. حرف <علی> در آیه شریفه جایگزین حرف <من> شده است تا نشانگر متضرر شدن مردم از این گونه تجارت باشد.

عوامل زیان به عقل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۷ - ۳

۳- شراب ، مایه ضرر و زیان و آسیب رسان به عقل و هوش آدمی

لا فیها غول و لا هم عنها ینزفون

برداشت یاد شده از مفهوم آیه شریفه به دست می آید.

عوامل زیان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۱

۱۱- کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنين ولايزيد الظلمين إلا خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

عوامل زیان دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۹

۹ - پابیندی به دین به خاطر سود مادی و رها کردن آن (ارتداد) به وقت دشواری ها و محرومیت ها ، مایه خسران و تباهی دنیا و آخرت

و إن أصابته فتنة انقلب على وجهه خسر الدنيا والأخره

عوامل زیان ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۰

۱۰- ظالمان نه تنها از رحمت و شفای قرآن بهره ای نمی گیرند ؛ بلکه تنها ، مایه خسران و زیان آنان می شود .

ولايزيد الظلمين إلا خسارًا

عوامل زیان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۱

۱۱- کافران حق ناپذیر، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند.

شفاء و رحمه للمؤمنين ولايزيد الظلمين إلا خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

عوامل نجات از زیان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۹،۱۰

۹ آدم و حوا آموزش خدا و رحمت وی را تنها عامل نجات خویش از زیانکاری دانستند.

و إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرين

۱۰ مغفرت و رحمت الهی تنها امید و وسیله رهایی گنهکاران از خسران گناه است.

و إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۸

۸ نوح (ع)، رهایی خویش از زیان کاری را در گرو مغفرت و رحمت الهی می دانست .

إلا تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرين

مراتب زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۲

۲ تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیاست .

لاجرم أنهم فی الآخره هم الأخسرون

<أخسیر> (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیاست. براین اساس جمله <لاجرم أنهم...> دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتر و سنگین تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۰ - ۶

۶- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی، از زیان بارترین کارها است .

و أرادوا به كيدًا فجعلناهم الأخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵ - ۶

۶ - تفاوت میزان زیان کاری خطاکاران در قیامت

و هم فی الآخره هم الأخسرون

تعبیر <الأخسرون> (زیانکارترین ها) می رساند که گناه کاران به طور یکسان در آخرت زیان نمی بینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۸،۲۴

۱۸ - تنها آنچه به خسران انسان در آخرت می انجامد ضرر و زیان واقعی است .

إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

با توجه به این که الف و لام در <الخاسرين> دلالت بر کمال می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

۲۴ - گرفتار شدن به آتش و عذاب ابدی ، خسران واقعی است .

إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ .. فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ

مصونیت از زیان اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ اندیشه و تعقل درباره دنیا و آخرت و ارزش و جایگاه هر یک، زمینه مصون ماندن از زیان و حسرت در قیامت

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا .. وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا ... أَفَلَا تَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۶

۶ مؤمنان دارای اعمال شایسته ، تنها انسانهایی که سرمایه عمر خویش را تباه نساخته و از زیان کاری در دنیا و آخرت مصونند

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ . . . إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا . . . أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

مصونیت از زیان دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۶

۶ مؤمنان دارای اعمال شایسته ،

تنها انسانهایی که سرمایه عمر خویش را تباه نساخته و از زیان کاری در دنیا و آخرت مصونند .

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ . . . إِنْ الَّذِينَ ءَامَنُوا ... أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

معبود راستین و دفع زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ - موجود ناتوان از رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از وی ، شایسته پرستش نیست .

قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ . . . هَلْ مِنْ كُشْفٍ ضَرِّهِ ... بِرَحْمَةِ هَلْ مِنْ مَمْسُوكٍ

معبودان باطل و تبدیل زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۶ - ۹

۹- خدایان و معبود های مشرکان ، از دفع ضرر و نیز متوجه ساختن آن از فردی به فرد دیگر و یا تبدیل وضعیت محنت زا به حالت دیگر ، ناتوانند .

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا

مراد از <تحویلاً> می تواند رفع گرفتاری از کسی و متوجه ساختن آن به دیگری و یا تبدیل وضعیت ناگوار به وضعیت خوب باشد.

معبودان باطل و دفع زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۶ - ۹

۹- خدایان و معبود های مشرکان ، از دفع ضرر و نیز متوجه ساختن آن از فردی به فرد دیگر و یا تبدیل وضعیت محنت زا به حالت دیگر ، ناتوانند .

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا

مراد از <تحویلاً> می تواند رفع گرفتاری از کسی و متوجه ساختن آن به دیگری

و یا تبدیل وضعیت ناگوار به وضعیت خوب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳ - ۴

۴ معبود های مشرکان ، ناتوان از جلب هر گونه سود و نفعی برای خویش و دفع ضرر و زیان از خود

ءالهه. .. لا یملکون لأنفسهم ضرًا و لانفعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۴،۶،۹

۴ - معبود های مورد پرستش مشرکان ، ناتوان از برطرف کردن هر گونه گزند از انسان

قل أفرءیتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله بضر هل هنّ کشف ضرّه أو أراد

۶ - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از رساندن سود به انسان ها و یا دفع گزند از آنان و نیز مقهور بودنشان در برابر اراده و قدرت خداوند ، با اندک تأمل و دقت نظر روشن می شود .

قل أفرءیتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله . .. برحمه هل هنّ ممسکت رحمته

طرح مسأله ناتوانی معبودها در قالب استفهام و سؤال، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

۹ - مشرکان ، معتقد به حاجت دادن معبودهایشان و رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از آنان

أفرءیتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله بضر . .. برحمه هل هنّ ممسکت رحمت

مقصود از <دعاء> در <ماتدعون>، حاجت بردن و استعانت جستن است.

ملاک تشخیص زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۲ - ۵

۵ فرجام هر قوم و ملتی تعیین کننده زیانکاری و یا رستگاری آنان است .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ كَذَبُوْا شَعِيْبًا كَانُوْا هُمْ لَخٰسِرِيْنَ

خداوند، زیانکار بودن کفرپیشگان قوم شعیب را پس از تبیین فرجام شومشان بیان داشت تا به این نکته اشاره کند که فرجام هر قوم و ملتی تعیین کننده زیانکاری و یا رستگاری آن است.

ملاک زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۴ - ۲

۲ - پیروی از پیامبر ، کاری زیانبار در بینش اشراف و عناصر رفاه زده

و لئن اطعتم .. انکم اذا لخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۳

۳ - اعتقاد ساحران مؤمن به زیان نکردن انسان از تحمل دشواری ها در راه خدا

قالوا لاضير انا اِلى ربنا منقلبون

جمله <اِنَّا اِلى ربنا..> تعلیل برای <لاضیر> و بیانگر مطلب یاد شده است.

ملاکهای زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱۵

۱۵ خداوند حضور مسلمانان فقیر و ضعیف را در اطراف پیامبر اکرم(ص) برای پیامبر(ص) و اسلام زیانبار نمی داند.

ما علیک من حسابهم من شیء

مرجع ضمیر در <حسابهم> می تواند معنوی باشد ؛ یعنی کسانی که خواهان طرد مؤمنان فقیر از اطراف پیامبر(ص) بودند. و مقصود از <ما علیک> یعنی چیزی به ضرر تو از ناحیه محاسبات کافران اتفاق نخواهد افتاد.

منشأ زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۱۱، ۱۳، ۸، ۶، ۵، ۴

۴ کسی جز خداوند قادر بر نفع و زیان رسانی نیست .

اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً

۵ مسیح (ع)

و مادرش مریم ، مالک هیچ سود و زیانی برای مردم نیستند .

اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً

۶ تنها کسی شایسته پرستش است که زمام زیان و نفع مردم به دست اوست .

اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً

۸ شرک و پرستش غیر خدا ، برخاسته از ناآگاهی به مالک حقیقی سود و زیان و سرچشمه قدرت در هستی

اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً

۱۱ تنها خداوند ، شنوای درخواست ها و آگاه به سود و زیان انسانهاست .

ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً و الله هو السميع العليم

۱۳ شنوایی و دانایی مطلق ، شرط توانایی بر سود و زیان رسانی به مردم

ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً و الله هو السميع العليم

به نظر می رسد جمله <و الله ..> برهانی است بر دو حقیقتی که در فراز قبل بیان شد، یکی توان خداوند به ضرر و نفع رسانی و دیگر، ناتوانی غیر خدا بر آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۵

۵ خداوند یگانه، توانا بر رساندن نفع و ضرر به آدمیان، شایسته پرستش است.

قل أئذعوا من دون الله ما لا ينفعنا ولا يضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۸ - ۶

۶ سود و زیان آدمیان ، تنها در دست خداوند است .

و يعبدون من دون الله ما لا يضرهم ولا ينفعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ -

۲ هیچ معبودی به جز خداوند ، قادر بر رساندن سود و زیان به آدمیان نیست .

و لاتدع من دون الله ما لا ينفعك و لا يضرک

۴ سود و زیان آدمیان ، تنها به دست خداوند است .

و لاتدع من دون الله ما لا ينفعك و لا يضرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۶ - ۳

۳- نفع و ضرر آدمی ، در انحصار خداوند است .

أفتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم شيئاً و لا يضرکم

بیان این حقیقت که معبودها هیچ سود و زیانی به حال انسان ها ندارند، می تواند اشاره و تعریض به این نکته باشد که سود و زیان تنها در دست خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۲ - ۲

۲ - سود و زیان آدمیان ، تنها در دست خداوند است .

یدعوا من دون الله ما لا يضره و ما لا ينفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱۰، ۷

۷- قدرت گسترده و اراده مطلق خداوند ، در رساندن سود و زیان و رحمت و نعمت به انسان ها

قل أفرءیتم .. . إن أرادنی الله بضرٍ هل هنّ کشفتم ضرّه أو أرادنی برحمه هل هنّ م

۱۰ - تنها حقیقتی که نفع و زیان انسان ها به دست او است ، شایسته حاجت خواهی و یاری جستن از او است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله . . . أو أرادني برحمه هل هنَّ مم

ذكر خالقیت خدا، پیش از طرح مسأله ناتوانی معبودها از

سود رسانی و یا بر طرف کردن گزند از انسان ها، می تواند گویای این حقیقت باشد که توانایی بر انجام چنین کاری، تنها از عهده خدا برمی آید و هر کس چنین باشد، شایسته حاجت بردن به درگاه او است، نه معبودهای ناتوان مشرکان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - تحقّق حتمی اراده الهی ، در صورت تعلّق اراده او به سود و زیان آدمی

قل فمّن يملك لکم من اللّٰه شیئًا إنّ اراد بکم ضرًّا أو اراد بکم نفعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۱ - ۳،۴

۳ - پیامبر (ص) ، مالک نفع و ضرر و سود و زیان مردمان نیست .

قل إنّی لا املك لکم ضرًّا و لا رشداً

۴ - سود و زیان و هدایت شدن و یا گمراه گشتن انسان ها ، تنها به دست خداوند است .

قل انّی لا املك لکم ضرًّا و لا رشداً

آیه بعد که در آن از ناتوانی پیامبر(ص) در برابر خداوند مطرح شده است قرینه است بر این که اعلام مالک نبودن پیامبر(ص) نسبت به سود و زیان و هدایت شدن و گمراه گشتن انسان ها، بیانگر انحصار این مالکیت برای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۴

۴ - کفرورزی ، ترک عمل صالح و بی اعتنایی به ترویج حق و صبر ، زیان کاری است .

لفی خسر . إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۵،۱۹

۱۵ وانهادن ولایت خداوند و پذیرش ولایت شیطان ، زیان آشکار

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

۱۹ پذیرندگان ولایت شیطان ، مردمی زیانکار با خسارتی آشکار

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۳

۳ ورود به جهنم ، زیانی آشکار است .

فقد خسر خسراناً مبيناً .. أولئك ماويهم جهنم

جمله <أولئك ..> می تواند بیان خسارتی باشد که در جمله <فقد خسر ...> به آن تصریح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ هشدار موسی (ع) به زیانکاری قوم خویش در صورت فرار و عقب نشینی به هنگام رویارویی با جباران سرزمین مقدس

ولا تردوا علی اذبارکم فتنقلبوا خسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۵

۱۵ تباهی کردار نیک آدمی ، خسران و زیانکاری است .

حیطت اعمالهم فاصبحوا خسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ آنان که سرمایه جان به خسارت از کف داده اند، رسالت پیامبر(ص) را انکار می کنند.

الذین خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ زندگی منهای دین و اعتقاد به

قیامت زیانبار و تباهگر سرمایه عمر آدمی است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله .. يحسرتنا علی ما فرطنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۸

۸ زیان حقیقی انسان به دوزخی شدن اوست .

فیجعلہ فی جہنم أولئک ہم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۷

۱۷ ایثار مال و جان در راه غیر خدا و در قبال بهایی جز بهشت ، زیان و خسران است .

إن الله اشتری .. بأن لهم الجنة

خداوند، با پیشنهاد بهای بزرگی چون بهشت در قبال جان و مال مؤمنان، در حقیقت بیان داشته است که فروختن جان و مال به چیزی جز بهشت، مایه خسران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ زیان کاری و خسارت واقعی انسان ، در عدم آموزش گناهان و شامل نشدن رحمت خداوند بر اوست .

و إلا تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۳

۳ کاری که نه سودآور باشد و نه دور کننده زیان ، عملی ناپسند و ناشایست است .

و یعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لایضرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۷

۷ - شرک ، بی تردید به زیان انسان ها است .

لئن أشركت .. و لتكوننَّ من الخسرين

<نون> در <لتكوننَّ> برای تأکید و رفع تردید است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۰

۱۰ - از کف دادن سرمایه های وجودی ، بزرگ ترین زیان آدمی در زندگی است .

إِنَّ الْخٰسِرِينَ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنفُسَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۱

۱ - از بین رفتن محصولات کشاورزی ، خسارتی سنگین و تکان دهنده برای انسان ها

لو نشاء .. فظلمتم تفكّهون . إِنَّا لَمَغْرُمُونَ

موانع تشخیص زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۶

۶- شتابزدگی انسان ، عامل اشتباه وی در شناخت سود و زیان واقعی خود

و يدع الإنسان بالشرّ دعاءه بالخیر و كان الإنسان عجولاً

جمله <و كان الإنسان عجولاً> در مقام تعلیل برای <و يدع الإنسان ..> است ، یعنی ، چون انسان عجول است ، شر و خیر و سود و زیان خویش را یکسان می بیند و به دنبال هر دو می شتابد.

موانع زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۴

۴- زیانکار نبودن انسان ، منوط به انجام اعمالی ماندگار و ثمربخش تا ابدیت هستی است .

الأخسرین أعملاً الذين ضلّ سعيهم في الحيوة الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ - پیروی از دستورات وحی و رهنمود های پیامبر (ص) ، هیچگاه به خسران و گمراهی انسان نخواهد انجامید .

و إنك لتهدى إلى صراط مستقيم

از تأکید خداوند بر نقش هدایت گری پیامبر(ص)، این نکته استفاده می شود که

تعالیم وحی هیچ گاه به خسران و گمراهی انسان منتهی نخواهد شد.

موانع زیان به مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - نقش بارز صلح حدیبیه ، در کوتاه شدن دست دشمنان از ضربه زدن به مسلمانان

فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَ كَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ

ممکن است <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد و <كفّ..> مترتب بر آن بوده و نتیجه آن به شمار آید.

موجبات زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ فرار از جنگ و جهاد ، ممنوع و زیانبار است .

و لا ترتدوا علی اذبارکم فتنقلبوا خسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۸

۸ عصیان پروردگار، موجب زیان و خسران آدمی است.

ظلمنا انفسنا .. لنكونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۸ - ۷

۷ تکذیب آیات الهی موجب زیان و ضایع کردن سرمایه عمر است .

من یضلل فأولئک هم الخسرون

از مصادیق مورد نظر برای گمراهان، به قرینه آیه قبل، تکذیب کنندگان آیات الهی هستند.

موجبات زیان اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۳۷، ۳۳، ۳۰

۳۰ کفر به احکام الهی ، موجب حبط عمل و زیان اخروی است .

و من یکفر بالایمن فقد حبط عمله و هو فی الآخره من الخسرین

منظور از <ایمان> می تواند به معنای مصدری آن (باورها) باشد و نیز می تواند معارف و

مسائلی باشد که ایمان به آنها لازم است، مراد از آن معارف، به قرینه فراهای پیشین آیه، احکام دینی است.

۳۳ ارتداد ، موجب حبط عمل و زیان اخروی است .

و من یکفر بالایمن فقد حبط عمله و هو فی الآخره من الخسرین

ظاهر جمله <من یکفر بالایمن> این است که ایمان تحقق یابد و آنگاه به آن کفر ورزیده شود و مورد انکار قرار گیرد، چنین کفری را ارتداد می گویند.

۳۷ حبط اعمال ، موجب زیان در آخرت خواهد شد .

فقد حبط عمله و هو فی الآخره من الخسرین

مؤمنان و زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱

۱ - تنها مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده و یکدیگر را به پذیرش حق و شکیبایی توصیه می کنند ، گرفتار خسارت نخواهند شد .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا

ناپسندی زیان رسانی به مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۱ - ۹

۹- آسیب رساندن به جان مردم ، امری بس نکوهیده و ناروا است .

أخرقتها لتغرق أهلها لقد جئت شيئًا إمراً

نجات از زیان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱۰

۱۰ شمول رحمت خدا و آمرزش او تنها راه نجات از زیان گناه و گرایش های شرک آلود است .

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

نجات از زیان گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ شمول رحمت خدا و آمرزش او تنها راه نجات از زیان گناه و گرایش های شرک آلود است .

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

نشانه های زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۳

۳ کشتن فرزند (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای الهی، نشانه بارز زیانکاری است.

قد خسر الذین . . و حرموا ما رزقهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۲

۲ سبکی و بیوزنی اعمال آدمی در قیامت نشانه زیانکاری است.

و من خفت موزینه فأولئك الذین خسرو أنفسهم

نشانه های زیان اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۳ - ۱

۱ - سبکی کفه ترازوی عمل ، نشان خسران و زیان کاری واقعی انسان در قیامت

و من خفت موزینه فأولئك الذین خسرو أنفسهم

نوح(ع) و نجات از زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۸

۸ نوح (ع)، رهایی خویش از زیان کاری را در گرو مغفرت و رحمت الهی می دانست .

إِلَّا تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي أَكُنَ مِنَ الْخَسِرِينَ

نهی از زیان به دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۱ - ۴

۴ - ممنوعیت ضرر زدن به دیگران ، در بینش ادیان آسمانی

و لا تَكُونُوا مِنَ الْمَخْسِرِينَ

وضوح زیان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - ضرر و زیان کفر و شرک ، امری روشن و شناخته شده

و ظالم لنفسه مبین

وضوح زیان کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۶

۶ - ضرر و زیان کفر و شرک ، امری روشن و شناخته شده

و ظالم لنفسه مبین

زیانکاران

{زیانکاران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۷ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - فاسقان ، مردمی زیانکارند .

أولئك هم الخسرون

۱۲ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: > قال لی ابي علی بن الحسین ... إياک و مصاحبه القاطع لرحمه ... قال الله عز و جل > الذین ... یقطعون ما امر الله به أن یوصل ... أولئك هم الخاسرون < ;

پدرم، امام سجاد (ع)، به من فرمود: .. از همنشینی با کسی که قطع رحم می کند بپرهیز ... خدای عز و جل فرمود: > آنان که ... قطع می کنند آنچه را که خدا امر به وصل آن نموده ... اینانند زیانکاران < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۶

۶ - بوزینه شدگان بنی اسرائیل از زمره خاسران و زیانکاران

لكنتم من الخسرین. و لقد علمتم الذین اعتدوا منكم فی السبیت

آیه مورد بحث اشاره به نوع خسارت و زیانی دارد که در ذیل آیه قبل مطرح شد؛ یعنی، خسارتی که آدمی بر اثر گناه و تجاوز در خطر آن است، از قبیل خسارت اصحاب سبت

می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۰

۱۰ - کافران به قرآن و پیامبر (ص) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند.

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۵ - ۷

۷ توجه به بهره مندی مسلمانان در آخرت و زیان دیگران، انگیزه ای برای پذیرش اسلام

و من یتبغ ... و هو فی الاخره من الخاسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ قابیل، از زمره زیانکاران

فاصبح من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ کافران به معاد و رسالت پیامبر(ص)، زیانکار، تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسل ... کتب علی نفسه الرحمه ... الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

با توجه به اینکه رحمت الهی فراگیر است، ممکن است زیان کافران به جهت محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱،۵

۱ تکذیب کنندگان معاد و حضور در پیشگاه خداوند بی تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله

۵ کسانی که تا قبل از مرگ منکر ملاقات خدا و معاد هستند، بدون تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله حتی إذا جاءتهم الساعه بغته

مراد از <الساعه> می تواند مرگ و یا قیامت باشد. در برداشت فوق

<الساعة> به معنی مرگ گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۷

۷ آدم و حوا خویشان را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۴،۵

۴ کسانی که علی رغم تکذیب انبیا ، خویشان را از عذاب الهی مصون می پندراند ، زیانکار هستند .

و لكن كذبوا .. فلا يأمن مكر الله إلا القوم الخسرون

۵ تکذیب کنندگان انبیا ، زیانکار هستند .

و لكن كذبوا .. فلا يأمن مكر الله إلا القوم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۴،۷

۴ آنانکه دارایی های خویش را برای مبارزه علیه اسلام هزینه کنند ، از ناپاکان و زیانکاران هستند .

فسينفقونها .. و الذين كفروا إلى جهنم يحشرون. ليميز الله الخبيث من الطيب

۷ کافران حق ستیز ، زیانکاران واقعی هستند .

أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ منافقان و کافران ، زیانکاران واقعی تاریخند .

وعد الله المنفقين . . أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۳، ۲، ۱

۱ کفرپیشگان ، مردمی تباه شده و زیانکار ، در عرصه دنیا و صحنه آخرت

لاجرم أنّهم فی الآخره هم الأخرسون

۲ تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر از خسارت و

تباهی آنان در دنیا است .

لاجرم انهم فی الآخره هم الأخسرون

<أخسیر> (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیا است. براین اساس جمله <لاجرم انهم...> دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتیر و سنگین تر است.

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم .. الذین یصدون ... لاجرم انهم فی الآخره هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند؛ ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۷

۱۷ افزایش اطمینان صالح (ع) به زیان کاری کافران نمود، تنها دستاورد اصرار آنان بر انصراف او از دعوت به توحید

فما تزیدوننی غیر تخسیر

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <تخسیر> به معنای نسبت دادن خسارت و تباهی باشد، همانند تکفیر و تفسیق که به معنای نسبت دادن کفر و فسق می باشد. بر این مبنا، فاعل <تخسیر> حضرت صالح(ع) است و مفاد جمله <فما تزیدوننی...> چنین خواهد

شد: آنچه اصرار شما بر ترک دعوت به توحید، بر من می افزاید این است که شما را در خسارت و تباهی بینم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ پرستش کنندگانِ خدایان دروغین، مردمانی تباه شده و خسارت دیده اند.

و ما زادوهم غیر تیبیب

<تییب> در لغت به معنای خسارت دیدن، خسارت زدن، هلاکت ساختن و نیز نفرین و درخواست هلاکت و خسارت، آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۵

۵- هر جبار منحرفی دچار خسارت دنیوی است.

و خاب کلّ جبار عنید

<خاب> در لغت به معنای <خسر> و <عنید> به معنای عدول کننده از درستی آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۹

۹ - باطل باوران و کافران به خدا، قطعاً، زیان کارند.

و الذین ءامنوا بالباطل و کفروا باللّٰه أولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۳ - ۴

۴ - کافران و منکران آیات الهی، مردمی زیانکار و خسارت دیده اند.

و الذین کفروا بآیت اللّٰه أولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۶

۶ - مشرکان ، از زیانکاران و خسارت دیدگان اند .

لئن أشركت .. و لتكوننَّ من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - مخالفان پیامبران

، مردمانی زیان کاراند .

إِنَّهُمْ كَانُوا خُسْرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۹ - ۸

۸ - دل‌بستگان به مال و اولاد ، غافل از یاد خدا و دارای فرجامی خسارت بار

و من يفعل ذلك فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۱

۱ - کسانی که نفس خود را در گناه مدفون ساخته ، آن را به سقوط و تباهی می کشانند ، محروم و زیانکاراند .

و قد خاب من دسّیها

<خاب> یعنی، محروم شد، خسارت دید و به آنچه خواست، نرسید (قاموس). <دسّها> یعنی، آن را ساقط کرد و از بهره آن کاست. <دسّیت> یعنی، گمراه و فاسد کردم (لسان العرب). این فعل که <دسّس> بوده و حرف <سین> در آن به <یاء> تبدیل شده است، مبالغه در <دسّ> (دفن کرد) است. مراد از <دسّها> به قرینه <ألهمها فجورها> مدفون ساختن نفس در معصیت ها و کشاندن آن به سقوط و گمراهی و فساد است.

زیانکاران اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۹ - ۳، ۱

۱- کافران دنیاگرای غافل (مرتدان) ، بی تردید در آخرت ورشکسته و زیانکارند .

استحبوا الحیوه الدنیا .. القوم الکفرین ... هم الغفلون . لاجرم أنهم فی الآخر

۳- محرومان از هدایت الهی در دنیا ، زیانکاران و سرمایه باختگان واقعی در آخرتند .

و أن الله لا یهدی القوم الکفرین .. لاجرم أنهم فی الآخره هم الخسرون

زیانکاران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- بوزینه شدگان بنی اسرائیل از زمره خاسران و زیانکاران

لكنتم من الخسرین. و لقد علمتم الذین اعتدوا منكم فی السب

آیه مورد بحث اشاره به نوع خسارت و زیانی دارد که در ذیل آیه قبل مطرح شد؛ یعنی، خسارتی که آدمی بر اثر گناه و تجاوز در خطر آن است، از قبیل خسارت اصحاب سبت می باشد.

زیانکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۱

۱ - صورت زیان کاران دوزخی ، مواجه با هجوم مداوم شعله های آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار

<لَفَحَ> (مصدر <تلفح>) به معنای سوزاندن است؛ یعنی، <آتش، چهره های آنها را می سوزاند>. گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (تلفح)، بیانگر هجوم پی در پی شعله های آتش دوزخ می باشد.

زیانکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۶

۶ قیامت، هنگامه ظهور زیانکاری منکران معاد و ملاقات پروردگار است.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد <نداء> قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۱

۱ قیامت روز ظهور و بروز خسارت و زیانکاری تکذیب کنندگان آیات خداوند است.

و من خفت موزينه فأولئك الذين خسروا أنفسهم بما كانوا بآيتنا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس - ١٠ - ٤٥ - ٦

مردمی که بر انکار معاد پای فشردند و از این گمراهی دست برنداشتند ، در قیامت مردمی زیانکار و ورشکسته خواهند بود .

و یوم یحشرهم .. . قد خسر الذین کذبوا بقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۷ - ۵

۵ - روز قیامت ، هنگامه خسران و زیان دیدن باطل گرایان و منکران معاد

و یوم تقوم الساعه یومئذ یخسر المبطلون

<مبطلون>، به معنای واردشوندگان در باطل است.

فرجام زیانکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۳ - ۴

۴ - جاودانگی در عذاب دوزخ ، فرجام زیان کاران فاقد عمل صالح و گران وزن

و من خفت موزینه .. . فی جهنم خلدون

کیفر اخروی زیانکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۵

۵ - آتش ، وسیله اصلی عذاب و کیفر زیانکاران در قیامت

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

محرومیت زیانکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۶ - ۴

۴ زیانکاران ، محرومان از ایمان به آیات الهی

الخصرین. إن الذین حقت علیهم کلمت ربک لایؤمنون

ملاک تشخیص زیانکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۲ - ۶

۶ بیان فرجام شوم کفرپیشگان و تکذیب کنندگان رسولان الهی ، روشی برای مبلغان دین برای شناساندن زیانکاران واقعی

الذین کذبوا شعباً کانوا هم لخصرین

خداوند با بیان فرجام شوم کفرپیشگان، زیانکاران واقعی را به مردم معرفی کرد. بنابراین از راههای معرفی کردن

زیانکاران واقعی بیان فرجام شوم آنان است.

زیانکاری

زمینه زیانکاری قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، نتیجه ای جز خسارت و بدبختی برای آنان در برنداشت .

من لم یزده ماله و ولده إلا خسارًا

زیانکاری آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۷

۷ آدم و حوا خویشان را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

زیانکاری اخروی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۹ - ۱

۱- کافران دنیاگرای غافل (مرتدان) ، بی تردید در آخرت ورشکسته و زیانکارند .

استحبوا الحیوه الدنیا .. القوم الکفرین ... هم الغفلون . لاجرم أنهم فی الآخر

زیانکاری اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم پیشگان و گمراهان

إِنَّ الْخُسْرَيْنَ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

زیانکاری اخروی غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۹ - ۱

۱- کافران دنیاگرای غافل (مرتدان) ، بی تردید در آخرت ورشکسته و زیانکارند .

استحبوا الحیوه الدنیا .. القوم الکفرین ... هم الغفلون . لاجرم أنهم فی الآخر

زیانکاری اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ کفرپیشگان ، مردمی تباه شده و زیانکار ، در عرصه دنیا و صحنه آخرت

لاجرم أنهم فی الآخره هم الأخسرون

۲ تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیاست .

لاجرم أنهم فی الآخره هم الأخسرون

<أخسیر> (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیاست. براین اساس جمله <لاجرم أنهم...> دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتر و سنگین تر است.

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم .. الذین یصدون ... لاجرم أنهم فی الآخره هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۹ - ۱

۱- کافران دنیاگرای غافل (مرتدان) ، بی تردید در آخرت ورشکسته و زیانکارند .

استحبوا الحیوه الدنیا .. القوم الکفرین ... هم الغفلون . لاجرم أنهم فی الآخر

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۵

۵ - قیامت ، روز ظهور و بروز غبن و خسارت کافران

ذلك يوم التغابن

زیانکاری اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم پیشگان و گمراهان

إن الخسرین الذین خسرو أنفسهم و أهلیهم يوم القیمه

زیانکاری اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵ - ۶

۶ - تفاوت میزان زیان کاری خطاکاران در قیامت

و هم فی الآخره هم الأخسرون

تعبیر <الأخسرون> (زیانکارترین ها) می رساند که گناه کاران به طور یکسان در آخرت زیان نمی بینند.

زیانکاری اخروی مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۳

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم .. الذين يصدون ... لاجرم أنهم في الآخرة هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

زیانکاری اخروی مرتدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۹

۱- کافران دنیاگرای غافل (مرتدان) ، بی تردید در آخرت ورشکسته و زیانکارند .

استحبوا الحیوه دنیا .. القوم الکفرین ... هم الغفلون . لاجرم أنهم فی الآخر

زیانکاری اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵ - ۷

۷- مشرکان و منکران قیامت ، زیان کارترین مردم در قیامت

و هم فی الآخره هم الأخسرون

زیانکاری اخروی مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۳

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم .. الذین یصدون ... لاجرم أنهم فی الآخره هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

زیانکاری اخروی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۳

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از

دیگر کافران و گنهکاران ، تباہ تر و زیانکارترند .

و من أظلم .. الذین یصدون ... لاجرم أنهم فی الآخره هم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵ - ۷

۷ - مشرکان و منکران قیامت ، زیان کارترین مردم در قیامت

و هم فی الآخره هم الأخسرون

زیانکاری اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۵

۵ - روز قیامت ، هنگامه خسران و زیان دیدن باطل گرایان و منکران معاد

و یوم تقوم الساعه یومئذ یخسر المبطلون

<مبطلون>، به معنای واردشوندگان در باطل است.

زیانکاری انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۲ - ۱،۲

۱ - عموم انسان ها ، سرمایه خویش را از کف داده ، در زیان بزرگی فرورفته اند .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خَسْرٍ

<انسان> اسم جنس و حرف <ال> در آن، برای استغراق افراد است. تعمیم خسارت بر تمامی انسان ها و آنگاه استثناي مؤمنان (در آیه بعد)، بیانگر آن است که اکثریت چشمگیری از انسان ها، دچار خسارت اند.

۲ - خداوند ، در تأکید بر خسارت بار بودن وضع انسان ها ، به عصر پیامبر (ص) سوگند یاد کرده است .

و العصر . إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ

زیانکاری اهل باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - قیامت

، روز کشف زیان کاری اهل باطل

و خسر هنالك المبطلون

۱۳ - خسارت و زیان باری اهل باطل ، به هنگام نزول عذاب استیصال

و خسر هنالك المبطلون

زیانکاری اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۸

۸- امت های محکوم به کیفر حتمی الهی ، مردمی سرمایه باخته و زیانکار

حقّ علیهم القول ... إنهم كانوا خسرين

زیانکاری برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۴ - ۵

۵ برادران یوسف در حضور پدر نابودی یوسف (ع) را برای خود ، امری خسارت بار و تباه کننده قلمداد کردند .

إنا إذا لخسرون

زیانکاری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۶،۷

۶ - بنی اسرائیل بر اثر شکستن پیمان الهی ، در آستانه زیانکاری و تباه کردن هستی خویش ، قرار گرفتند .

فلولا فضل الله عليكم و رحمته لکنتم من الخسرين

۷ - فضل و رحمت الهی بر بنی اسرائیل ، نجات دهنده آنان از زیان و خسران شد .

فلولا فضل الله عليكم و رحمته لکنتم من الخسرین

زیانکاری ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ - ۵

۵- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً ... و هو ظالم لنفسه

زیانکاری ثروتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ -

۱۳ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع)، نتیجه ای جز خسارت و بدبختی برای آنان در بر نداشت .

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

زیانکاری جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۲،۳

۲ - جوامعی که از فرمان های خدا و پیامبران سرباز زدند ، به فرجامی خسارت بار گرفتار شدند .

و کان عقبه أمرها خسرًا

۳ - جوامع عصیانگر و متمرّد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامدهای سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت وبال أمرها و کان عقبه أمرها خسرًا

زیانکاری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۸

۸ زیان حقیقی انسان به دوزخی شدن اوست .

فیجعله فی جهنم أولئک هم الخسرون

زیانکاری حزب شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۹ - ۶

۶ - حزب و دار و دسته شیطان ، فرجامی جز خسران و زیان ندارند .

ألا إنّ حزب الشيطان هم الخسرون

زیانکاری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۴

۴ - آشکار شدن خسارت و زیان کاری مشرکان و کافران قدرتمند و حق ناپذیر ، به وقت نزول عذاب الهی بر ایشان در دنیا

لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا .. و خسرو هنالك الكفرون

زیانکاری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷

۷ آدم و حوا خویشتن را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَسِرِينَ

زیانکاری دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۱،۲

۱ کفرپیشگان ، مردمی تباه شده و زیانکار ، در عرصه دنیا و صحنه آخرت

لَا جْرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْآخِسُونَ

۲ تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیاست .

لَا جْرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْآخِسُونَ

<أَخْسِرَ> (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیاست. براین اساس جمله <لَا جْرَمَ أَنَّهُمْ...> دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتر و سنگین تر است.

زیانکاری فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - فاسقان ، مردمی زیانکارند .

أُولَئِكَ هُمُ الْخَسِرُونَ

زیانکاری قایبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۲،۱۳

۱۲ قابیل ، از زمره زیانکاران

فاصبح من الخسرین

۱۳ زیانکاری قابیل ، پیامد کشتن برادرش هابیل

فقتله فاصبح من الخسرین

زیانکاری قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، نتیجه ای جز خسارت و

بدبختی برای آنان در برنداشت .

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

زیانکاری قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۰ - ۲،۴

۲- توطئه و نیرنگ بت پرستان علیه ابراهیم (ع) ، عامل خسران و زیان کاری کامل آنان شد .

و أرادوا به کیدًا فجعلنهم الأخرین

۴- قوم بت پرست ابراهیم ، از زیان کارترین مردم جهان بودند .

فجعلنهم الأخرین

زیانکاری قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۷

۱۷ افزایش اطمینان صالح (ع) به زیان کاری کافران ثمود ، تنها دستاورد اصرار آنان بر انصراف او از دعوت به توحید

فما تزیدوننی غیر تخسیر

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <تخسیر> به معنای نسبت دادن خسارت و تباهی باشد، همانند تکفیر و تفسیق که به معنای نسبت دادن کفر و فسق می باشد. بر این مبنا، فاعل <تخسیر> حضرت صالح(ع) است و مفاد جمله <فما تزیدوننی...> چنین خواهد شد: آنچه اصرار شما بر ترک دعوت به توحید، بر من می افزاید این است که شما را در خسارت و تباهی ببینم.

زیانکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۰

۱۰ - کافران به قرآن و پیامبر (ص) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند .

و من یکفر به فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ کافران به معاد و رسالت پیامبر(ص) ، زیانکار،

تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسل .. کتب علی نفسه الرحمه ... الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

با توجه به اینکه رحمت الهی فراگیر است، ممکن است زیان کافران به جهت محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۷

۷ کافران حق ستیز، زیانکاران واقعی هستند.

أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ منافقان و کافران، زیانکاران واقعی تاریخند.

وعد الله المنافقین .. أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۲

۲- واقعیت زندگی کافران، چیزی جز پوچی و بی فرجامی و زیانکاری نیست.

ذلک

<ذلک> ممکن است که خبر مبتدای محذوف و تأکید بر محتوای آیات قبل باشد، یعنی، واقعیت این است و جز این نیست. (الأمر ذلک و لا غیر) و می تواند مبتدا باشد و <جزاؤهم> خبر آن و <جهنم> عطف بیان برای مبتدا یا خبر. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۹، ۱۰

۹ - باطل باوران و کافران به خدا، قطعاً، زیان کارند.

و الذين ءامنوا بالباطل و كفروا بالله أولئك هم الخسرون

۱۰ - ایمان به باطل و کفر به خدا ، خسارتبار است .

و الذين ءامنوا بالباطل .. أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - کفر، امری خسارت بار است و بازتاب خسارت آن، برای خود کافر است.

من کفر فعلیه کفره

<علیه> جار و مجرور و متعلق به <کفره> است. مقدم شدن آن، برای بیان این نکته است که پیامدهای ناگوار کفر، به خود کافران اختصاص دارد.

۴ - بازتاب خسارت کفر، از آن کافر، و پیامد فواید ایمان و عمل صالح، فراگیر است. *

من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحاً فلاًنفسهم یمهدون

احتمال دارد این که در جواب شرط جمله نخست، ضمیر مفرد آورده شده و در جواب شرط جمله دوم، به رغم مفرد بودن اسم شرط، ضمیر جمع آورده شده است، اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۳ - ۴

۴ - کافران و منکران آیات الهی، مردمی زیانکار و خسارت دیده اند.

و الذین کفروا بأیت الله أولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۴

۴ - آشکار شدن خسارت و زیان کاری مشرکان و کافران قدرتمند و حق ناپذیر، به وقت نزول عذاب الهی بر ایشان در دنیا

لما رأوا بأسنا .. و خسرونا الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۳

۳ - احساس خسارت و زیانباری کافران در قیامت، به سبب بهره نگرفتن از تعالیم قرآن در زندگی

و إنه لحسره علی الکفرین

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <حسرت> به معنای

اندوه برای آنچه از دست رفته است، می باشد (لسان العرب). این در جایی است که انسان از آن چیز، بهره لازم نبرده و نسبت به آن احساس خسارت کرده باشد.

زیانکاری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۸ - ۵

۵ گمراه شدگان به دست خدا، زیانکار و تباه کننده سرمایه عمر خویشند .

من یضلل فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۹

۹ ضرر و زیان گمراهی، تنها متوجه خود گمراهان است .

و من ضل فإنما یضل علیها

زیانکاری گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۳۲

۳۲ بازگشت زیان گناه به گناهکار است، نه متوجه ساحت قدس خداوند

و ما ظلمونا و لكن كانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۱،۴

۱ - کسانی که نفس خود را در گناه مدفون ساخته، آن را به سقوط و تباهی می کشانند، محروم و زیانکاراند .

و قد خاب من دسیها

<خاب> یعنی، محروم شد، خسارت دید و به آنچه خواست، نرسید (قاموس). <دَسَاهَا> یعنی، آن را ساقط کرد و از بهره آن کاست. <دَسَيْتُ> یعنی، گمراه و فاسد کردم (لسان العرب). این فعل که <دَسَسَ> بوده و حرف <سین> در آن به <یاء> تبدیل شده است، مبالغه در <دَسَّ> (دفن کرد) است. مراد از <دَسَاهَا> به قرینه <أَلْهَمَهَا فَجُورَهَا> مدفون ساختن نفس در معصیت‌ها و کشاندن

آن به سقوط و گمراهی و فساد است.

۴ - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشَّمْسُ . . . و قد خاب من دسَّيها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

زیانکاری مخالفان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - مخالفان پیامبران ، مردمانی زیان کاراند .

إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ

زیانکاری مرتدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۷

۷ زیانکاری ، فرجام حتمی مشرکان و مرتدان

لنكونن من الخسرین

زیانکاری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۷

۷ زیانکاری ، فرجام حتمی مشرکان و مرتدان

لنكونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ پرستش کنندگانِ خدایانِ دروغین ، مردمانی تباه شده و خسارت دیده اند .

و ما زادوهم غیر تتیب

<تتیب> در لغت به معانی خسارت دیدن ، خسارت زدن ، هلاکت ساختن و نیز نفرین و درخواست هلاکت و خسارت ، آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۹ - ۵

۵ معبود های اهل شرک ، ارمغانی جز خسارت و تباهی برای

پرستشگران خویش ندارند .

فلاتک فی مریه مما یعبدهؤلاء ما یعبدون إلا کما یعبدهاباؤهم

چنان چه <کما> در آیه شریفه برای تشبیه باشد، جمله <فلاتک ..> به ضمیمه <إنا لموفوهم...> می رساند که: روا نبودن شک و تردید به این جهت است که همان طور که معبودهای مشرکان پیشین، دستاوردی جز خسارت و تباهی برای پرستش کنندگان خود نداشتند (و ما زادوهم غیر تتیب، آیه ۱۰۱) معبودهای اهل شرک در زمان تو نیز این چنینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۳ - ۲

۲ - بت پرستی ، پیش از آن که برای اهل شرک سودمند باشد ، برای آنان زیان آور است .

یدعوا لمن ضرّه أقرب من نفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۶

۶ - مشرکان ، از زیانکاران و خسارت دیدگان اند .

لئن أشركت .. و لتكوننّ من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۴

۴ - آشکار شدن خسارت و زیان کاری مشرکان و کافران قدرتمند و حق ناپذیر ، به وقت نزول عذاب الهی بر ایشان در دنیا

لما رأوا بأسنا .. و خسرهنا لك الكفرون

زیانکاری مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۹

۹ - گرفتار شدن به دوزخ نمود زیانکاری تکذیب کنندگان آیات الهی است .

فأولئك هم الخسرون. و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

آیه مورد بحث می تواند توضیح زیانی باشد که

در ذیل آیه قبل برای گمراهان بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱

۱- کافران به آیات پروردگار و منکران قیامت ، زیانکارترین مردم اند .

الأخسرین أعملاً .. أولئك الذين كفروا بأيت ربهم و لقاءه

کفر به لقای پروردگار، تعبیری دیگر از کفر به قیامت است، از آن جهت که ملاقات با پروردگار (با حساب و جزا و پاداش او) در قیامت صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۳ - ۴

۴ - کافران و منکران آیات الهی ، مردمی زیانکار و خسارت دیده اند .

و الذين كفروا بأيت الله أولئك هم الخسرون

زیانکاری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعمل غير الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جمله <قد خسروا .. > و <ضل عنهم ... > به منزله تعلیلی است برای <نرد فنعمل ... > یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

زیانکاری مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- كافرانِ به آیات پروردگار و منكرانِ قیامت ،

زیانکارترین مردم اند .

الأخسرین أعملاً .. أولئك الذین کفروا بأیت ربهم و لقاءه

کفر به لقای پروردگار، تعبیری دیگر از کفر به قیامت است، از آن جهت که ملاقات با پروردگار (با حساب و جزا و پاداش او) در قیامت صورت می گیرد.

زیانکاری مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱،۵

۱ تکذیب کنندگان معاد و حضور در پیشگاه خداوند بی تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله

۵ کسانی که تا قبل از مرگ منکر ملاقات خدا و معاد هستند، بدون تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله حتی إذا جاءتهم الساعة بغته

مراد از <الساعة> می تواند مرگ و یا قیامت باشد. در برداشت فوق <الساعة> به معنی مرگ گرفته شده است.

زیانکاری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱،۵

۱ تکذیب کنندگان معاد و حضور در پیشگاه خداوند بی تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله

۵ کسانی که تا قبل از مرگ منکر ملاقات خدا و معاد هستند، بدون تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله حتی إذا جاءتهم الساعة بغته

مراد از <الساعة> می تواند مرگ و یا قیامت باشد. در برداشت فوق <الساعة> به معنی مرگ گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۱۰

۱۰- زندگی منکران معاد ، سراسر زیان کاری است .

إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ

تعبیر <کانوا خاسرین>، دال بر استمرار و فراگیری خسران نسبت به سراسر زندگی منکران معاد است.

زیانکاری منافقان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ منافقان و کافران ، زیانکاران واقعی تاریخند .

وعد الله المنفقين .. أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۹ - ۷

۷ - منافقان ، محکوم به فرجامی شوم و عاقبتی خسارت بار

أولئك حزب الشيطان ألا إنَّ حزب الشيطان هم الخسرون

زیانکاری مؤمنان به باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۹،۱۰

۹ - باطل باوران و کافران به خدا ، قطعاً ، زیان کارند .

و الذين ءامنوا بالباطل و كفروا بالله أولئك هم الخسرون

۱۰ - ایمان به باطل و کفر به خدا ، خسارتبار است .

و الذين ءامنوا بالباطل .. أولئك هم الخسرون

زیانکاری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۶

۴۶ - یهودیان ، ناآگاه به سودای زیانبار خویش (از دست دادن آخرت و دستیابی به منافع سحر)

لبسوا ماشروا به أنفسهم لو كانوا يعلمون

مفعول <يعلمون> - به دلیل قبل - زیانباری فروختن مواهب آخرت در مقابل منافع دنیوی است، یعنی، ای کاش! می دانستند که این داد و ستد برای آنان زیانبار است.

عوامل زیانکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۵ - ۹، ۱۰

۹ پذیرش آیینی غیر از اسلام، موجب زیان و خسران در آخرت

و من یتبع غیر الاسلام دیناً... و هو فی الاخره من الخاسرین

۱۰ تسلیم نبودن در برابر خداوند،

موجب زیان و خسران در آخرت

و من یتبع غیر الاسلام دیناً .. و هو فی الآخره من الخاسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۴

۱۴ زیان ترک حج، متوجه خود انسان

و من کفر فان الله غنی عن العالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۷

۷ نبرد احد، نمونه ای از بی صبری و بی تقوایی دو گروه از مسلمانان و زیان دیدن از توطئه های دشمنان

و ان تصبروا و تتقوا لا یضرکم کیدهم شیئاً .. اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۷

۷ ارتداد و واپسگرایی جامعه ایمانی و پیروی آنان از کفرپیشگان، حرکتی زیانبار و خسارت آفرین

ان تطیعوا الذین کفروا یردوکم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرین

عوامل زیانکاری خانواده ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۶

۱۶ - ستمکاران، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إن الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <خسروا.. أهلیهم> به معنای از دست دادن خانواده باشد.

عوامل زیانکاری ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۶

۱۶ - ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

برداشت یاد شده بدان احتمال

است که <خسروا.. اهلیم> به معنای از دست دادن خانواده باشد.

عوامل زیانکاری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۳ - ۵

۵ - خسارت و زیان کاری مشرکان ، نتیجه پندار های ناروای آنان درباره خداوند

ذلكم ظنكم .. فأصبحتم من الخسرین

موارد زیانکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۶

۶- شخصیت آرایی با دروغ و نادرستی زیانکاری است .

خاب كل جبار عنید

راغب می نویسد: کاربرد صفت <جبار> در انسان، درباره کسی است که دارای نقیصه ای می باشد و می خواهد با ادعا، منزلت و جایگاهی را که شایسته آن نیست به دست آورد. این صفت درباره انسان فقط برای مذمت به کار می رود.

موانع زیانکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۹

۹ پذیرش ولایت خداوند و اعتقاد به یاری حتمی او ، مانع واپسگرایی و زیانکاری جامعه ایمانی و باعث رشد و سعادت

یردوكم على اعقابكم فتنقلبوا خاسرین. بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

پیامد پذیرش ولایت کافران، واپسگرایی و خسارت است. بنابراین پذیرش ولایت خداوند به قرینه مقابله آن با پذیرش ولایت کافران باعث رشد و سعادت خواهد بود.

مؤمنان و زیانکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۶

۶ مؤمنان دارای اعمال شایسته ، تنها انسانهایی که سرمایه عمر خویش را تباه نساخته و از زیان کاری در دنیا و آخرت مصونند

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ ..

إن الذين ءامنوا ... أولئك أصحاب الجنة

نشانه های زیانکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۹

۹- انجام تلاش های بی فرجام و دل خوش بودن به آنها، نشانی از زیانکاری عمیق کافران است .

الأخسرین أعمالاً . الذين ضلّ سعيهم في الحيوه الدنيا و هم يحسبون أنهم يحسنون صنع

جمله حالیه <و هم يحسبون .. > بیانِ عِلّت <أخسرین > بودن کافران است؛ زیرا، این گمان که انسان، آنچه را انجام داده، از نوع بهترین ها است، سبب می شود که هرگز به فکر جبران خسارت خویش بر نیاید.

نشانه های زیانکاری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ - هلاکت و نابودی جوامع شرک پیشه ، نمودی از زیانباری و خسران آنان

و حقّ عليهم القول .. إنهم كانوا خسرين

زیبایی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

زیبایی

آثار زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۵

۵ - تأثیر شگرف قیافه زیبا و کلام شیوا ، در جذب و جلب افراد

و إذا رأيتهم تعجبك أجسامهم و إن يقولوا تسمع لقولهم

آثار زیبایی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۷

۷ هدایت گری مظاهر هستی به سوی خداوند ، آمیخته با زیبایی و سرور آفرینی

بنینها و زینّها .. من کلّ زوج بهیج

خداوند در این آیه ها، نمودهای علم، قدرت و نشانه های وجود خویش را گاه به زینت و زیبایی توصیف کرده و گاه به بهجت و سرور آفرینی. این می نمایاند که کار

هدایت، باید با جاذبه و شور و شوق انجام گیرد؛ نه تحمیل و خشونت.

آثار زیبایی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - خوب و زیبا دیدن، از عوامل برانگیزنده انسان به اقدام هر کاری

و کذلک زین لفرعون سوء عمله

برداشت یاد شده از آن جا است که فرعون، پس از زیبا جلوه گر شدن عمل زشتش، به آن اقدام کرده بود.

آثار مطالعه زیبایی آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۲

۲ تأمل و اندیشه در کیفیت آفرینش، زیبایی و اتقان بنای آسمان، زمینه ره جویی به حق

بل کذبوا بالحقّ .. أفلم ينظروا إلى السماء ... و ما لها من فروع

واژه <ینظر>، به معنای تأمل و نگاه از روی دقت و تحقیق است.

ابزار زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۷

۷ - ستارگان، چراغ های آسمان اول و زیبایی بخش آن

و زینا السماء الدنیا بمصباح

<مصباح> (مفرد <مصباح>) به معنای چراغ است و مراد از آن ستاره می باشد.

ارزش زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۵،۱۲

۵ برتری ارزش ایمان ، نسبت به ظواهر دنیوی (زیبایی ، ثروت و ...)

و لامة مؤمنه خير من مشرکه و لو اعجبتکم

۱۲ لزوم مقدم داشتن ارزش های الهی ، در برابر جاذبه های مادی و ظواهر دنیوی (زیبایی ، ثروت و ...)

و لا تنكحوا المشركات حتى يؤمنَّ و لامه مؤمنه خير من مشرکه و لو اعجبتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۶ - ۴

۴- زیبایی و آراستگی ، امری مطلوب و پسندیده

و زینها للنظرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۶

۶- زینت و زیبایی ، امری مطلوب و پسندیده در نگاه دین

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصِيحٍ

ارزش زیبایی همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۳

۳- ارزش زیبایی و جذابیت همسر ، در پرتو عفت و پاکدامنی او است . *

لم يطمئننَّ إنس قبلهم و لاجانَّ ... كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند نخستین وصف حوریان را مصونیت آنان از بیگانگان بیان داشته و پس از آن به زیبایی و جذابیت آنان اشاره کرده است.

استفاده از زیبایی های آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۵

۵- جواز بهره بردن انسان از زیبایی های طبیعت و ارضای غریزه زیبایی خواهی خویش

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

امتحان با زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ - خوردن ، آشامیدن ، تجمل ، زیبایی ، داشتن همدم و همراهانی موافق ، از مهم ترین جاذبه و دلبرستی های انسان و

وسیله آزمون او

یطاف علیهم بصحاف . . . و فیها ما تشتهیه الأنفس

برداشت یاد شده

با توجه به دو نکته است: الف) موارد بالا در این آیات بیان شده و تخصیص به ذکر یافته است. ب) خداوند به اهل تقوا نوید داده است که اگر در این زمینه ها کنترل و تقوا داشته باشند و از حدود الهی نگذرند، در بهشت به همه آنها دست خواهند یافت.

اهمیت ذکر زیبایی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۳

۳ - خداوند ، خواهان توجه جن و انس به مظاهر جمال و زیبایی در هستی و آموختن درس توحید از آن

يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ . فَبَأَىءَ الْآءِ رَبُّكُمَا تَكْذِبَانَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیات شریفه، در مقام توجه دادن جن و انس به مبدأ ربوبی است. تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس یا مرد و زن باشد.

اهمیت زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ عن خثیمه قال: كان الحسن بن علی (ع) إذا قام إلى الصلوة لبس اجود ثیابه فقیل له: یا بن رسول الله لم تلبس اجود ثیابك؟ قال: ان الله تعالى جمیل يحب الجمال فاتجمل لربی و هو يقول: <خذوا زینتکم عند کل مسجد> . . .

از خثیمه نقل شده که امام مجتبی (ع) به هنگام نماز، بهترین لباس خود را می پوشید. پرسیدند چرا بهترین لباس را می پوشی؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، من برای خدا خود را به زیبایی آراسته می کنم، زیرا او فرمود: <زینت خود را

هنگام هر عبادتی بر گیرید ...>.

اهمیت زیبایی طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۴

۴- غذا و پوشاک ، نیازی مقدم بر زیبایی خواص و جمال طلبی است . *

لکم فیها دفء و منفع و منها تأکلون . و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

با توجه به اینکه حیوانات هم باعث جمال و هم تأمین کننده غذا و پوشاکنند، تقدّم ذکری لباس و غذا در مقام امتنان، ممکن است اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

تحلیل زیبایی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۴

۴ نقش جهانی در توجیه و تعیین زشتی و زیبایی عمل *

و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل أولدهم شرکاًؤهم

جایگاه درک زیبایی ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - قلب ، جایگاه ادراک و اساس زیبایی ایمان و زشتی کفر

و زینه فی قلوبکم و کرّه إلیکم الکفر

زیبایی آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - جلوه زیبای آسمان ، نشان دیگری از ربوبیت یگانه خدا

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ . رَبِّ السَّمَوَاتِ ... إنا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إنا زينا السماء..> به منزله تعلیل برای جملات پیشین است که در آنها از معبود واحد و توحید ربوبی خداوند، سخن به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت

۱۲ - زیبایی و ایمنی آسمان ، نشانی از عزت و علم الهی است .

و زینا السماء .. و حفظاً ذلك تقدير العزيز العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۳

۳ آفرینش شگفت ، زیبا و متقن آسمان ، نشانی از قدرت خداوند بر احیای مجدد مردگان

ذلك رجع بعيد .. أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم كيف بنينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۲

۲ - جلوه زیبای آسمان ، نشان دیگری از ربوبیت یگانه خداوند

تبرک الذي بیده الملك .. و لقد زيننا السماء الدنيا بمصبيح

برداشت یاد شده، از آن جا است که این آیه، در توضیح و تبیین آیات گذشته است. گفتنی است که در آن آیات درباره فرمان رویی و قدرت بی همتای خداوند سخن به میان آمده است.

زیبایی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۲ - ۶

۶ - جهان هستی سراسر زیبا و تدبیر آن تدبیری نیکو و جمیل است .

الحمد لله رب العالمين

<رب العالمين> به منزله دلیل برای <الحمد لله> است؛ یعنی، چون خداوند مدبر هستی است همه ستایشها از آن اوست و از آنجا که حمد و ستایش، همواره برای کمال و زیباییهاست، نتیجه می گیریم که: همه هستی زیبا و برخوردار از تدبیری نیکوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۸۲ - ۶

۶ - جهان هستی ، سراسر زیبا و تدبیر آن تدبیری نیکو

و زیبا است .

الحمد لله رب العالمين

<رب العالمين> به منزله دلیل برای <الحمد لله> است؛ یعنی، چون خداوند مدبر هستی است، همه ستایش ها از آن او است و از آن جا که حمد و ستایش همواره برای کمال و زیبایی ها است، نتیجه می گیریم که همه هستی، زیبا و برخوردار از تدبیری نیکو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۱۷

۱۷ - جهان هستی ، سراسر زیبا و تدبیر آن تدبیری نیکو و جمیل است .

وقالوا الحمد لله .. و قيل الحمد لله رب العالمين

<رب العالمين> به منزله دلیل برای <الحمد لله> است؛ یعنی، چون خداوند مدبر و مالک هستی است، پس همه ستایش ها از آن او است و از آن جا که حمد و ستایش، همواره برای کمال و زیبایی ها است، نتیجه می گیریم که همه هستی، زیبا و برخوردار از تدبیری نیکو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۱۵

۱۵ - جهان هستی ، سراسر زیبا و تدبیر آن تدبیری نیکو و جمیل است .

الحمد لله رب العالمين

<رب العالمين> به منزله دلیل برای <الحمد لله> است؛ یعنی، از آن جایی که خداوند مدبر و مالک هستی است، همه ستایش ها از آن او است و از آن جا که حمد و ستایش، همواره برای کمال و زیبایی ها است، نتیجه می گیریم که: همه هستی زیبا و برخوردار از تدبیری نیکو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱

۳ زیبایی، شگفتی و ثمربخشی، آمیخته به هم در مظاهر طبیعت و آفریده های خدا *

زوج بهیج . تبصره و ذکری ... ماء میرگا ... والنخل باسقت لها طلع نضید . رزقاً ل

خداوند در این آیات، با یادآوری هر یک از نعمت ها و مظاهر طبیعت و صفی حاکی از زیبایی و شگفتی علمی نیز برای آن آورده است و در پایان به ثمر بخشی عینی آنها که تغذیه خلق باشد اشاره کرده است؛ یعنی، رزق های آفریده خداوند یک بُعدی نیست و خداوند به وسیله آنها تنها تغذیه نمی کند؛ بلکه این روزی را با هنر و اسرار در می آمیزد.

زیبایی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۶،۸

۶ - انسان، برخوردار از بهترین شکل و شمایل و اندامی موزون

و صورکم فأحسن صورکم

۸ - آفرینش انسان خوش اندام و سرشار از استعداد ها و کمالات، جلوه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند .

و صورکم فأحسن صورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۶،۸

۶ - انسان، در مقایسه با دیگر موجودات، موجودی زیباتر، برتر و کامل تر است .

خلق السموت و الأرض بالحق و صورکم فأحسن صورکم

اختصاص به ذکر یافتن انسان با وصف <فأحسن صورکم> - پس از یادآوری آفرینش آسمان ها و زمین می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

۸ - زیبایی و کمال، از ویژگی های انسان و از نعمت های الهی برای او است .

خلق السموت . . .

برداشت یاد شده از آنجا که آیه شریفه در مقام امتنان و برشمردن نعمت های اعطایی به انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۲

۲ - ساختار وجودی انسان ، استوارترین و زیباترین ساختار و در اوج اعتدال است .

لقد خلقنا الإنسان فی أحسن تقویم

<قوام> (به فتح قاف) یعنی، <عدل> و به کسر قاف یعنی، نظام و رکن و آنچه مایه قیام چیزی باشد (صحاح). <تقویم>، یا از اوّلی گرفته شده و به معنای تعدیل است و یا از دوّمی مشتق شده و به معنای <قوام دادن> و <عنصرهای چیزی را سامان بخشیدن> است. در این صورت مفاد آیه این می شود که نظام خلقت انسان، در اوج حُسن و نیکویی است. حُسن هر چیز در عرف مردم، به زیبایی حسیّی آن است و ولی بیشتر موارد آن در قرآن، ناظر به نوعی از زیبایی است که با بصیرت درک می شود.

زیبایی بازگشت چهارپایان از چراگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۱،۳

۱- بردن دام ها در صبحگاهان به چرا و باز گرداندن آنان در پایان روز ، دارای منظره ای زیبا و بهجت انگیز

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

۳- زیبایی و جمال دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) در شبانگاه به هنگام بازگشت از چراگاه ، بیشتر از صبحگاهان به هنگام رفتن به آن جاست .

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

روشن است که حیوانات، صبحگاهان خارج می شوند و شامگاهان برمی گردند

و ترتیب ذکر معمولاً مناسب با ترتیب خارجی است؛ ولی در این جا ترتیب ذکر برخلاف ترتیب خارجی است و شاید نکته اش همان برداشت فوق باشد؛ خصوصاً که کلمه <حین> تکرار شده و آهنگ لفظ <تریحون> و <تسرحون> با آیات قبل و بعد سازگار است.

زیبایی باغ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۳ - ۲

۲- جریان نهر آب از میان باغ و کشتزار ها ، صحنه ای دل انگیز و تماشایی است .

كَلَّا الْجَنَّتِينَ اِنَّهِنَّ اَكَلْنَ مِنْهُ وَ شَبِهْنَ اَنْهَارًا فَجِئْنَا بِهِنَّ نَهْرًا

زیبایی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۸

۸- اهمیت نقش نهر های بهشت ، در زیبایی و جذابیت آن

جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ

از این که خداوند، تنها وصفی را که برای باغ های بهشت یاد کرده وصف <تجری..> است؛ مطلب یاد شده استفاده می شود.

زیبایی پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۲

۲ - پادشاه های موعود الهی ، نیکو و تکذیب آن ناروا است .

و کذب بالحسنى

معنای کلمه <الحسنى> (زیبایتر)، در خود تمجید و مطلوبیت را گنجانده است. بنابراین وصفی است که خود بیانگر نامطلوب

بودن تکذیب آن است و تهدید به فرجام دشوار (در آیه بعد) نیز بر ناروا بودن آن تأکید کرده است.

زیبایی پشتی های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۶ - ۱

۱ - بهشتیان ، در بزم با شکوه خویش

، تکیه زده بر پشتی های سبز و فرش های بی نظیر در جنس و زیبایی

متکین علی رفرف خضر و عبقری حسان

زیبایی تاجستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۳

۳- در اختیار داشتن باغ هایی از انواع انگور ، محصور شده در میان نخل ها و کشت زارهایی در پیرامون آن ، از دلرباترین صحنه ها برای آدمی است .

زیبایی تدبیر آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸۲ - ۶

۶ - جهان هستی ، سراسر زیبا و تدبیر آن تدبیری نیکو و زیبا است .

الحمد لله رب العالمین

<رب العالمین> به منزله دلیل برای <الحمد لله> است؛ یعنی، چون خداوند مدبر هستی است، همه ستایش ها از آن او است و از آن جا که حمد و ستایش همواره برای کمال و زیبایی ها است، نتیجه می گیریم که همه هستی، زیبا و برخوردار از تدبیری نیکو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۱۵

۱۵ - جهان هستی ، سراسر زیبا و تدبیر آن تدبیری نیکو و جمیل است .

الحمد لله رب العالمین

<رب العالمین> به منزله دلیل برای <الحمد لله> است؛ یعنی، از آن جایی که خداوند مدبر و مالک هستی است، همه ستایش ها از آن او است و از آن جا که حمد و ستایش، همواره برای کمال و زیبایی ها است، نتیجه می گیریم که: همه هستی زیبا و برخوردار از تدبیری نیکو است.

زیبایی جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۲

۲ - قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و ...) ، در صفا و شفافیت ، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی ، همچون نقره است .

کانت قواریرا . قواریرا من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه بلیغ دانسته اند؛ نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و در عین حال نقره است.

زیبایی جوشش چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۶ - ۲

۲ - زیبایی فزاینده مناظر بهشت ، با فوران آب چشمه ها

فیهما عینان نضّاختان

زیبایی چشم زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۶

۶ - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۵

۵ - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۴

۴ - زیبایی و جذابیت چشم ، از کمالات زن

حور مقصورت فی الخیام

زیبایی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۱

۱ - حوریان زیبا ، جذاب و پاکدامن بهشت ، نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهنَّ قصرت الطرف .. فبأیء آلاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، موجوداتی زیبا و جذاب همچون یاقوت و مرجان

کأنهنَّ الیاقوت و المرجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۱

۱ - زیبایی و جذابیت حوریان ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

کأنهنَّ الیاقوت و المرجان . فبأیء آلاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۵،۱

۱ - حوریان بهشتی ، علاوه بر صورت زیبا ، برخوردار از اخلاق و سیرتی بس نیک

<خیرات> وصف حوریان بهشتی و بیانگر ارزش های اخلاقی و معنوی است. <حسان> نیز وصف دیگر و بیانگر ارزش های صوری و ظاهری است.

۵- < قال رسول الله (ص) :... > فیهنّ خیرات حسان < یعنی خیرات الأخلاق حسان الوجوه... > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: .. <...خیرات حسان> ; یعنی، نیک خویان و زیبا صورتان...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۱،۲

۱ - حوریان نیک سیرت

و زیباصورت بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ - خلق حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشتی ، جلوه ای از ربوبیت پروردگار نسبت به جن و انس

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، دارای چشمانی سیاه و بسیار جذاب

حور مقصورت فی الخیام

<حوراء> (جمع <حور>) در وصف چشم آورده می شود؛ چشمی که سفیدی آن در نهایت سفیدی و سیاهی آن در نهایت سیاهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۱

۱ - حوران بهشتی ، در اوج زیبایی و کمال

إنا أنشأنهنّ إنشاءً

نسبت دادن <إنشاء> به ضمیر متکلم مع الغیر که برای بیان عظمت است و نیز نکره آوردن <إنشاء> که آن نیز دلالت بر عظمت دارد حاکی از آن است که خداوند، با قدرت بی مانند خود در زیبایی و کمال حوران بهشتی از چیزی فروگذاری نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۲

۲ - حوریان بهشتی ، در زیبایی بر یکدیگر برتری ندارند .

أترابًا

<أتراب>، جمع <ترب> بر وزن <مصر> است. کسانی که تولد هم زمان داشته باشند، <ترب> یکدیگرند و چون حوریان بهشتی تولد ندارند، مراد از <ترب> در مورد آنان، همسانی در شمایل و صفات جذاب است. (اقتباس از لسان العرب)

زیبایی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹

۱۱ - خداوند ، دارنده کمال ها و زیبایی است .

الحمد لله

حمد، در برابر کمال و زیبایی صورت می گیرد. جمله <الحمد لله> دلالت می کند که خداوند، واجد صفات یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۷

۷ - خداوند ، واجد کمال ها و زیبایی ها است .

بحمد ربهم

حمد در برابر کمال و زیبایی است و این نشان دهنده این است که خداوند کمال و زیبایی دارد.

زیبایی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۴ - ۱،۴

۱ - خدمت کاران جوان و زیبارو ، در طواف متقین بهشتی برای پذیرایی از آنان

و يطوف عليهم غلمان لهم

<غلام> (مفرد <غلمان>) به نوجوانی گفته می شود که تازه پشت لبش سبز شده باشد.

۴ - خدمت نوجوانان زیباروی بهشتی ، برای تقوای پیشگان از سرشوق و پروانهوار

و يطوف عليهم غلمان لهم

تعبیر <یطوف>، حرکت پروانهوار و مشتقانه را افاده می کند.

زیبایی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انسان ها ، از نظر ظاهر و باطن و صورت و سیرت ، زیبا و نیکو آفریده شده اند .

فأحسن صورکم

<صورت> عبارت است از هیئت هر شیئی که با آن، از دیگر اشیا جدا و ممتاز می گردد و شامل شکل ظاهری و هویت باطنی آن می شود (اقتباس از مفردات راغب).

زیبایی درختان انار بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۸ - ۳

- زیبایی ویژه منظره درختان نخل و انار در میان دیگر درختان بهشت

فیهما فکھه و نخل و رمان

اختصاص به ذکر یافتن نخل و انار، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

زیبایی رفتن چهارپایان به چراگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۱،۳

۱- بردن دام ها در صبحگاهان به چرا و باز گرداندن آنان در پایان روز ، دارای منظره ای زیبا و بهجت انگیز

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

۳- زیبایی و جمال دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) در شبانگاه به هنگام بازگشت از چراگاه ، بیشتر از صبحگاهان به هنگام رفتن به آن جاست .

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

روشن است که حیوانات، صبحگاهان خارج می شوند و شامگاهان برمی گردند و ترتیب ذکر معمولاً مناسب با ترتیب خارجی است. ولی در این جا ترتیب ذکر برخلاف ترتیب خارجی است و شاید نکته اش همان برداشت فوق باشد. خصوصاً که کلمه <حین> تکرار شده و آهنگ لفظ <تریحون> و <تسرحون> با آیات قبل و بعد سازگار است.

زیبایی رنگ سبز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۶ - ۳

۳ - رنگ سبز ، از رنگ های زینت بخش امکانات تجملی بهشت

متکین علی رفرف خضر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۳

۳- تأثیر رنگ سبز، در زیبایی و نشاط آوری

علیهم ثیاب سندس خضر و استبرق

این آیه، درصدد بیان لباس هایی است که مطلوب انسان

ها و فاخر و زیبا است؛ از این رو می تواند به عنوان پاداش آدمیان و مشوق آنان به دینداری به شمار آید. بر این اساس تصریح به رنگ سبز، می تواند بیانگر برآشت یاد شده باشد.

زیبایی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۲

۲ - زیبایی و جذابیت ، از کمالات زن

كَأَنَّهِنَّ الْيَاقُوتَ وَ الْمَرْجَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۳

۳ نیک سیرتی و نیک رویی ، از اوصاف پسندیده و کمالات زن

فِيهِنَّ خَيْرٌ حَسَانٌ

زیبایی زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۴

۱۴- ثروت ، مکنث ، خوش نمایی و آراستگی زندگی کافران ، استدراج است .

هَمْ أَحْسَنُ أَثْنًا وَ رَعِيًّا .. فليمدد له الرحمن مَدًّا حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ

<استدراج> یعنی، کسی را آهسته آهسته و به آرامی نزدیک چیزی بردن (لسان العرب) در این آیه <مَدًّا> که مفعول مطلق است بیان نوعی خاصی از امهال است که مقصود از آن به قرینه <حَتَّى إِذَا..>، نزدیک ساختن کافران به عذاب موعود الهی است.

زیبایی ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - ستارگان پرفروغ و زیبا ، از نعمت های الهی برای بشر

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصِيحٍ

زیبایی صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۸ - ۳

۳ - هنگام دمیدن صبح ، لحظه ای

جالب و رضایت بخش

و الصبح إذا تنفس

سوگند خداوند، حاکی از عظمت چیزی است که به آن یاد می شود. عظمت صبحدم در رابطه با انسان ها، فرحناک و به کام بودن آن است.

زیبایی صورت ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۴ - ۲

۲ - تلاً نور و زیبایی در رخسار نیکوکاران بر اثر نعمت های آخرت ، بر هر بیننده ای آشکار و مشهود است .

تعرف فی وجوههم نصره النعیم

<تعرف>، خطاب به نوع است و هر مخاطبی را شامل می شود.

زیبایی طبیعت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۱۴

۱۴- > عن أبي جعفر (ع) قال : الأثاث المتاع و أما رثياً فالجمال والمنظر الحسن ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: <أثاث> به معنای متاع و <رثياً> به معنای نیکویی و منظره زیبا است.<

زیبایی طلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۱۴

۱۴ انسان فطرتاً به زیباییها گرایش دارد.

كذلك زينا لكل أمه عملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۶

۶- گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

فعل مضارع <تلبسونها> حکایت از واقعیت خارجی می کند و آن استفاده از زیورآلات است. از طرفی، تزئین جزء نیازهای ضروری انسان نیست و در عین حال در کنار آن نیازها ذکر شده است و این حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۵

۵- گرایش و تمایل انسان به زیبایی و گریز از زشتی

فَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ

از اینکه شیطان اعمال زشت مردم را تزئین کرد و آنان را به وسیله همان عمل گمراه ساخت، نشان دهنده نکته فوق است.

زیبایی طلبی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۶

۶- لذت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لِيَدْخُلَ .. جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

نوید بودن <جَنَّاتٍ تَجْرِي..>، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی و لذّت جویی در انسان اخروی است.

زیبایی طلوع ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵ - ۹

۹- جلوه زیبای طلوع پیوسته ستارگان در شب ، نشان ربوبیت یگانه خداوند است .

رَبِّ الْمَشْرِقِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <مشارق> طلوع خورشید و نیز طلوع ستارگان در شب باشد؛ نه خصوص طلوع خورشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۰ - ۶

۶ - جلوه زیبای طلوع ستارگان در شب و غروب آنها، نشانه ربوبیت یگانه خداوند

برَبّ المشرق و المغرب

برداشت یاد شده، مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <مشارق> و <مغارب>، اعم از طلوع و غروب خورشید و همه ستارگان باشد؛ نه خصوص خورشید.

زیبایی عجله اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۶

۶ - منظره حرکت

شتابان زنان و مردان مؤمن در قیامت ، به سوی بهشت با چهره هایی چونان چراغ فروزان ، بس زیبا و چشم نواز برای بینندگان

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین أیدیهم و بأیمنهم

در صورتی که مراد <تری> هر فرد بیننده باشد، به نظر می رسد آیه شریفه در مقام تصویر صحنه ای است که نظر هر بیننده ای را در آن روز به خود جلب می کند.

زیبایی غروب ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۰ - ۶

۶ - جلوه زیبای طلوع ستارگان در شب و غروب آنها ، نشانه ربوبیت یگانه خداوند

بربّ المشرق و المغرب

برداشت یاد شده، مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <مشارق> و <مغارب>، اعم از طلوع و غروب خورشید و همه ستارگان باشد؛ نه خصوص خورشید.

زیبایی فرشهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۶ - ۱

۱ - بهشتیان ، در بزم با شکوه خویش ، تکیه زده بر پستی های سبز و فرش های بی نظیر در جنس و زیبایی

متکین علی رفرف خضر و عبقری حسان

زیبایی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۵

۵- قرآن ، کتابی با عظمت و در اوج زیبایی و کمال است .

الحمد لله الذی أنزل علی عبده الکتب

<ال> در <الكتاب> برای استغراق صفات است؛ یعنی، تمام اوصافی که یک کتاب، در حد کامل می تواند داشته باشد، در این کتاب متبلور است و این، حاکی از عظمت قرآن است. و چون حمد

در برابر زیبایی و کمال است و در آیه بالا خداوند، به سبب نزول قرآن، تمام حمدها و ستایش‌ها را از آن خویش دانسته، استفاده می‌شود که قرآن، در نهایت کمال و زیبایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۵

۵- زیبایی و گیرایی قرآن، پذیرفته شده و مسلّم در نظر مشرکان مکه

بل هو شاعر

از آن جایی که شعر از زیبایی و گیرایی خاصی برخوردار است، بدین سبب مشرکان، پیامبر(ص) را شاعر می‌دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۴

۴- قرآن، حتی در دیدگاه کافران، ظاهری زیبا و آراسته دارد.

أسطیر الأولین

در صورتی نوشته افسانه‌ای را <اسطوره> می‌گویند که زیبا باشد.

زیبایی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۴،۵

۴ داستان یوسف (ع) بهترین و زیباترین داستان

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

۵ خداوند، داستان یوسف را با بهترین و زیباترین بیان نقل کرده و گزارش داده است.

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

زیبایی کشتزارها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۳۳ - ۲

۲- جریان نهر آب از میان باغ و کشتزارها ، صحنه ای دل انگیز و تماشایی است .

كلتا الجنتين ءاتت أكلها ولم تظلم منه شيئاً و فجرنا خللها نهرًا

زیبایی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۱

۱ - رویش گیاهان

و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از قدرت خدا برای ایجاد رستاخیز و احیای مجدد مردگان .

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا .. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

واژه <ذَلِكَ> اشاره به رویش گیاهان و انواع متنوع آن دارد. چنان که در آیه پیش گفته شد، این آیات درصدد ارائه نشانه های امکان معاد و برطرف کردن استبعاد کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹ - ۲

۲- رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از عزّت و شکست ناپذیری خداوند

أَوَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَنْبَتْنَا .. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً... و إِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ

زیبایی لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۱ - ۷

۷- بهشتیان ، به هنگام تکیه زدن بر تخت های خود ، لباس های فاخر دیا بر تن دارند .

و يَلْبَسُونَ ثِيَابًا خَضْرَاءَ مِنْ سُنْدُسٍ وِ اسْتَبْرَقٍ مَتَّكَيْنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ

زیبایی لباس حریر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۱ - ۴

۴- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

يَلْبَسُونَ ثِيَابًا خَضْرَاءَ مِنْ سُنْدُسٍ

<سندس> به <پارچه دیبای نازک> گفته می شود نکره بودن واژه های <ثياباً> و <خضراً> و <سندس> دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید <کمال ظرافت و لطافت> آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و

رسمی یاد گردیده است.

زیبایی مرجان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۱

۱ - جلوه های زیبایی در موجودات دریایی (چون مروارید و مرجان) ، نعمت انکارناپذیر الهی برای آدمیان و غیر قابل تکذیب

يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ . فَبَأَىءَ الْآءِ رَبُّكُمَا تَكْذِبَانَ

زیبایی مروارید ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۱

۱ - جلوه های زیبایی در موجودات دریایی (چون مروارید و مرجان) ، نعمت انکارناپذیر الهی برای آدمیان و غیر قابل تکذیب

يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ . فَبَأَىءَ الْآءِ رَبُّكُمَا تَكْذِبَانَ

زیبایی معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۲ - ۳

۳ - تجهیز موسی (ع) از سوی خدا به معجزه ای بیم آفرین و معجزه ای زیبا و پرجاذبه

و أَلْقَ عَصَاكَ .. وَلَّىٰ مَدْبِرًا ... و أَدْخَلَ يَدَكَ ... بِيضَاءَ مَنْ غَيْرِ سَوْءٍ

زیبایی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۷

۲۷ مصریان عصر یوسف (ع)، معتقد به وجود فرشتگان و زیبایی آنها

إِن هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

زیبایی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۱،۶

۱ - منافقان، دارای ظاهری فریبنده و قیافه ای زیبا

و إِذَا رَأَيْتَهُمْ تَعَجَّبَكُ أَجْسَامُهُمْ

۶ - منافقان، به رغم ظاهر فریبنده و سخنان زیبایشان، چونان چوب های تکیه شده بر دیوار، خشک و بی روح

اند .

کأنهم خشب مسنده

زیبایی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۶

۶ - آفریده های خداوند ، زیباترین و نیکوترین آفریده های ممکن

أحسن الخلقین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که وقتی خداوند نیکوترین خالق باشد، قهراً مخلوقات او نیز نیکوترین مخلوق خواهند بود و چون خالق جز او در جهان هستی وجود ندارد، طبیعتاً آنچه آفریده است، نیکوترین مخلوقاتی است که ممکن بود در عالم هستی پدید آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۵

۵ - تمام آفریده های الهی ، نیکو و دارای ساختاری منظم اند . *

أحسن تقویم

<أحسن>، اسم تفضیل است و اثبات برترین قوام برای انسان، نیکو بودن قوام دیگر موجودات را در مفهوم خود گنجانیده است.

زیبایی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۲ - ۱

۱ - مؤمنان ، دارای چهره هایی شاداب و زیبا در عرصه قیامت

وجوه یومئذ ناضره

<ناضره> در معانی زیبایی و نعمت به کار می رود (قاموس المحيط). <ناضره> (مؤنث <ناضر>) به معنای زیبا و برخوردار از نعمت است و مقصود از آن به قرینه مقام شادابی و درخشندگی چهره های مؤمنان در عرصه قیامت است.

زیبایی نخلستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۳

۳- در اختیار داشتن باغ هایی از انواع انگور ، محصور شده در میان نخل ها و کشت زارهایی در پیرامون آن ، از دلرباترین صحنه ها برای آدمی است .

زیبایی نخلستانهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۸ - ۳

۳ - زیبایی ویژه منظره درختان نخل و انار در میان دیگر درختان بهشت

فیهما فکھه و نخل و رمان

اختصاص به ذکر یافتن نخل و انار، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

زیبایی نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۳ - ۲،۳

۲ - چشم نیکوکاران در آخرت ، بی نیاز از خواب است و حتی به هنگام آرمیدن بر تختخواب ، نظاره گر زیبایی نعمت ها است . *

علی الأرائک ینظرون

<أرائک> (تخت خواب ها)، به معنای محل خوابیدن است که در آیه شریفه محل نظاره گری معرفی شده است. شاید این تعبیر، به نبود خواب در بهشت اشاره داشته باشد.

۳ - نعمت های آخرت ، زیبا و تماشایی است .

لفی نعیم . . . ینظرون

زیبایی نورانیت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۶

۶ - منظره حرکت شتابان زنان و مردان مؤمن در قیامت ، به سوی بهشت با چهره هایی چونان چراغ فروزان ، بس زیبا و چشم نواز برای بینندگان

يوم ترى المؤمنين و المؤمنات يسيروا فى نورهم بين ايديهم و بايمانهم

در صورتی که مراد <تری> هر فرد بیننده باشد، به نظر می رسد آیه شریفه در مقام تصویر صحنه ای است که نظر هر بیننده ای را در آن روز به خود جلب می کند.

زیبایی نهرهای آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸

۲- جریان نهر آب از میان باغ و کشتزارها، صحنه ای دل انگیز و تماشایی است.

كلتا الجنتین ءات اكلها ولم تظلم منه شیئا و فجرنا خللها نهرًا

زیبایی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۲،۴

۲ - بندگان مخلص خدا، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مراد از <قاصرات الطرف> کوتاه کردن از نگاه و فروهستن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهستن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

۴ - زنان بهشتی، زنانی بس زیبا و جذاب اند.

و عندهم قصرت الطرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۲،۴

۲ - تقوایشگان در بهشت، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که مراد از <قاصرات الطرف>، کوتاه کردن از نگاه و فروهستن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهستن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

۴ - زنان بهشتی، زنانی بس زیبا و جذاب اند.

و عندهم قصرت الطرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بهشتیان ، دارای همسرانی نیکو ، با چشمانی سیاه و زیبا

و زوْجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء>) به معنای سیاه چشمان و <عین> جمع <عیناء> و به معنای زیبا چشمان

است.

۳ - همسران زیبا ، نمود لطف الهی به بهشتیان

و زَوْجِنَهُمْ بِحُورِ عَيْنٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۶

۶ - > قال الصادق (ع) الخيرات الحسان من نساء أهل الدنيا و هنّ أجمل من الحورالعین ;

امام صادق(ع) فرمود: <خیرات حسان> (زنان نیک خو و زیبا صورت بهشت) از زنان اهل دنیا هستند و آنان از <حورالعین> زیباتراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۲ - ۲

۲ - پیشتازان در بهشت ، دارای همسرانی با چشم های سیاه و زیبا

و حور عین

<حور> جمع <حوراء> است و <حوراء> به چشمی گفته می شود که سیاهی آن بسیار سیاه و سفیدی آن بسیار سفید باشد. <عین> جمع <عیناء> است و <عیناء> در وصف چشم زیبا آورده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۴ - ۳

۳ - همخوابگان اصحاب الیمین در بهشت ، زنانی در اوج شکوه و جلال مادی و معنوی (عقل ، کمال و جمال)

و فرش مرفوعه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <فرش> در آیه شریفه به قرینه آیه بعد (إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً) همسران و همخوابگان می باشد. بر این اساس وصف <مرفوعه> اشاره به مطلبی دارد که در برداشت بالا آمده است.

زیبایی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۲، ۲۰، ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۱۵

۱۵ زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع)، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما رأينه أكبرنه و

<إِكْبَار> (مصدر أِكْبَرَن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

۱۶ زنان اشراف با دیدن یوسف (ع)، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند.

فلما رأينه أكبرنه و قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ

۱۷ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع)، به جای خوردنیها، کارد بر دست های خویش نهاده، آن را چاک چاک کردند.

فلما رأينه أكبرنه و قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ

استفاده از ماده <قطع> که به معنای بریدن و جدا ساختن است در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قَطَّعْنَ) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

۱۹ اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

فلما رأينه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۲۰ جمال یوسف (ع)، جمالی بی نظیر، دلربا و در اوج زیبایی و ملاحظت بود.

فلما رأينه أكبرنه و قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ و قلن حش لله ما هذا بشرًا

نقل این قسمت از داستان یوسف (فلما رأينه ..) برای بیان اوج زیبایی و دلربایی یوسف (ع) است. علاوه بر این، محتمل است اشاره به معذور بودن زلیخا در عشقش به یوسف (ع) باشد. مؤید این احتمال، این است که قرآن از او مذمت نکرده و یوسف (ع) نیز او را در مراحل مرادده، به عذابهای الهی هشدار نداده است.

۲۲ جمال بی مانند یوسف (ع)، موجب

اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد .

حش لله ما هذا بشرًا

علاقه به زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ - خوردن ، آشامیدن ، تجمل ، زیبایی ، داشتن همدم و همراهانی موافق ، از مهم ترین جاذبه و دل بستگی های انسان و وسیله آزمون او

یطاف علیهم بصحاف . . . و فیها ما تشتهیه الأنفس

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) موارد بالا در این آیات بیان شده و تخصیص به ذکر یافته است. ب) خداوند به اهل تقوا نوید داده است که اگر در این زمینه ها کنترل و تقوا داشته باشند و از حدود الهی نگذرند، در بهشت به همه آنها دست خواهند یافت.

فلسفه زیبایی آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۴

۴ زینت و زیبایی آسمان ، به تدبیر الهی و در جهت ره یابی انسان به حق

أفلم ینظروا . . . و زینّھا

گرایش به زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۹

۹ انسان دارای گرایش فطری به سوی نیکیها و زیباییهاست.

و زین لهم الشیطن ما كانوا یعملون

حرکت انسان به دنبال شیطان، پس از زینت و زیبا جلوه دادن اعمال، بیانگر این نکته است که آدمی زیباییها را می طلبد و خواهان حرکت به دنبال آن است. از این روست که شیطان همان زشتیها را زیبا جلوه می دهد و آدمی را می فریبد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۱۰

۱۰ زیبا پنداشتن اعمال و افکار از مهمترین عوامل انگیزش آدمی است.

كذلك زين للكفرين ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۵

۵ بهره گیری از گرایش انسان به زیبایی و جاودانگی ، در جهت هدایت وی به ایمان و جهاد ، امری است شایسته و بایسته .

جهدوا بأمولهم .. أعد الله لهم جنت تجري من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ گرایش انسان به زیباییها

بل زين للذين كفروا مكرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۸

۸- گرایش به زیبایی ها ، از جمله گرایش های انسانهاست .

لأزينن لهم

از اینکه ابلیس، از طریق تزئین اعمال به گمراهی انسانها می پردازد، به دست می آید که انسانها به زیبایی و زینت علاقه مند هستند و این علاقه مندی باعث و انگیزه آنها در رفتارشان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۲

۲- انسان ، موجودی زیباپسند است .

و لکم فیها جمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۶

۶- گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

فعل مضارع <تلبسونها> حکایت از واقعیت خارجی می کند و آن استفاده از زیورآلات است. از طرفی، تزئین جزء نیازهای ضروری انسان نیست و در عین حال در کنار آن نیازها

ذکر شده است و این حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۵

۵- گرایش و تمایل انسان به زیبایی و گریز از زشتی

فزیّن لهم الشیطن أعملهم

از اینکه شیطان اعمال زشت مردم را تزئین کرد و آنان را به وسیله همان عمل گمراه ساخت، نشان دهنده نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۱۳

۱۳- گرایش به زیبایی ها ، در سرشت انسان نهفته است .

جعلنا ما علی الأرض زینه لها لنبلوهم

آفرینش زیبایی ها به منظور آزمایش انسان، در صورتی معنا خواهد داشت که گرایش به زیبایی در وجود انسان نهفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ - انسان ها ، طبعاً ، به زیبایی و خوبی گرایش دارند .

و زیّن لهم الشیطن أعملهم

این که شیطان، کارهای ناروا را خوب جلوه می دهد، تا مردم را از راه خدا باز دارد، حکایت از این حقیقت می کند که مردم، به زیبایی و خوبی گرایش دارند و شیطان از این گرایش، استفاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۶

۶ - گرایش درونی انسان به زیبایی ها

فَرِّينُوا لَهُمْ . . . وَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ

از این که اعمال ناشایست انسان ها را برایشان خوب و نیک جلوه می دادند، می توان استفاده کرد که طبیعت انسان از بدی گریزان است و به خوبی تمایل دارد.

مطالعه زیبایی آسمان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۱

۱ نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن در عظمت ، زیبایی و اتقان نظام آسمان

أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم .. و ما لها من فوج

منشأ زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۲ - ۲

۲ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیباییهاست .

الحمد لله

حمد در برابر زیباییها و کمالهاست و به مقتضای جمله <الحمد لله>، هر ستایشی از آن خداست. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ خداوند سرچشمه همه کمالها و زیباییهاست.

و الحمد لله رب العلمین

چون تمامی ستایشها مخصوص خداوند است و ستایش همواره در برابر کمال و زیبایی است، پس همه کمالها و زیباییها از آن خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۵

۱۵- هر ارزش و زیبایی در نظام هستی ، نشأت یافته از جانب خداوند است .

الحمد لله

انحصار ستایش به خداوند از آن جهت است که زیبایی و منشأ هر ستایش در انحصار اوست و مؤید این مطلب جمله >ضرب الله مثلاً عبداً..< است که در صدد مقایسه میان خدا و مخلوقات می باشد، یعنی، تمامی آنچه که مخلوقات دارند از خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۲

۲- خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال

ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۹

۹ - خدا ، سرچشمه همه کمال ها و زیبایی ها است .

فقل الحمد لله

ستایش در برابر کمال ها و زیبایی ها انجام می گیرد و به مقتضای <الحمد لله> (همه ستایش ها از آن خدا است)، نتیجه می گیریم که خدا، منشأ همه کمالات و زیبایی ها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۵

۵ - خدا ، سرچشمه همه خوبی ها و زیبایی ها است .

وقالا الحمد لله

ستایش، همواره در برابر کمال ها و زیبایی ها واقع می شود و به مقتضای <الحمد لله> که هر ستایشی را مخصوص خدا قرار داده، استفاده می شود که هر خوبی و حسن از آن او و او سرچشمه همه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۹ - ۴

۴ - خدا ، سرچشمه کمالات و زیبایی ها است .

الحمد لله

ستایش در برابر کمال و زیبایی انجام می شود و به مقتضای <الحمد لله> هر ستایشی در حقیقت، ستایش خدا است. بنابراین تمام کمال ها و زیبایی ها از او نشأت گرفته و او منشأ و سرچشمه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- زیبایی ، طراوت و نشاط آفرینی گیاهان برای انسان ، امری مهم و براساس تقدیر و برنامه الهی

فأنبئنا به حدائق ذات بهجه

تذکر خداوند به بهجت

آفرینی بوستان ها برای آدمیان، نشانگر اهمیت آن و تدبیر و تقدیر الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۲

۲ - خدا، سرچشمه هر کمال و زیبایی است.

و قل الحمد لله

ستایش، در برابر کمال و زیبایی است و مقتضای <الحمد لله> که در آن هر ستایشی از آن خداوند شمرده شده این است که هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۴

۴ - خداوند، سرچشمه همه کمال ها و زیبایی ها است.

له الحمد

حمد و ستایش همواره در برابر کمال و زیبایی صورت می گیرد و به مقتضای جمله <له الحمد> که همه ستایش ها از آن خداوند شمرده شده است به دست می آید که همه کمال ها و زیبایی ها از آن ذات مقدس سرچشمه می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۲

۲ - خداوند، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است.

الحمد لله

حمد در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <الحمد لله> هر ستایشی از آن خدا است. بنابراین هر کمالی و زیبایی، از او نشأت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۴ - ۶

۶ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

حمد در برابر زیبایی ها و کمال ها است

و به مقتضای جمله <الحمد لله> هر ستایشی از آن خدا است. بنابراین هر کمال و زیبایی، از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۸۲ - ۲

۲ - خداوند، سرچشمه و منشأ همه کمال‌ها و زیبایی‌ها است.

الحمد لله

<حمد> در برابر زیبایی‌ها و کمال‌ها است و به مقتضای جمله <الحمد لله>، هر ستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی، از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ - خداوند، سرچشمه و منشأ همه کمال‌ها و زیبایی‌ها است.

الحمد لله

حمد، در برابر زیبایی‌ها و کمال‌ها است و به مقتضای جمله <الحمد لله>، هر ستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ - خداوند، سرچشمه و منشأ همه کمال‌ها و زیبایی‌ها است.

و قالوا الحمد لله .. و قيل الحمد لله

حمد در برابر زیبایی‌ها و کمال‌ها است و به مقتضای جمله <الحمد لله>، هر ستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

<حمد> در برابر زیبایی ها و کمال ها است

و به مقتضای جمله <الحمد لله> ثابت می شود که هر ستایشی از آن خداوند است. بنابراین کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۹

۹ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

له الحمد

<حمد> در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <له الحمد> هر ستایشی، به خداوند اختصاص دارد. بنابراین هر زیبایی و کمالی، از او نشأت گرفته است.

منشأ زیبایی آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۷

۷ - ستارگان ، چراغ های آسمان اول و زیبایی بخش آن

و زینا السماء الدنيا بمصباح

<مصباح> (مفرد <مصباح>) به معنای چراغ است و مراد از آن ستاره می باشد.

منشأ زیبایی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۴

۴ - وجود جلوه گری جهان آفرینش ، پرتوی از نور خداوند است .

الله نور السموت و الأرض

منشأ زیبایی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- آفرینش انسان زیبا صورت و نیکو سیرت ، مظهر و مصداق روشن آفرینش بحق خدا است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ و صورکم فأحسن صورکم

منشأً زیبایی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳۳

۳۳ - گیاهان ، مایه زیبایی و خرمی زمین

من کلّ زوج بهیج

<بهجه و بهاجه> به معنای حسن و

خرمی است. بنابراین <بهیج> یعنی، نیکو و خرم.

منشأ زیبایی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۶

۶ - زیبایی موجود در انواع گیاهان جلوه هنرنمایی خداوند

من کل زوج کریم

قید <کریم> بیانگر برداشت یاد شده است.

نشانه های زیبایی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ - مدیریت یگانه خداوند بر جهان ، جلوه ای از جمال هستی و شایسته حمد و ستایش

فَللهِ الحمد ربَّ السموت و ربَّ الأرض ربَّ العلمین

ذکر وصف <ربَّ السماوات و ..> در پی تأکید بر ربوبیت عام، فراگیر و یگانه خداوند، می تواند بیانگر این نکته باشد که گردش نظام هستی با مدیریت واحد، خود جمال و زیبایی دیگری برای هستی است و در نتیجه خالق و مدیر هستی، شایسته حمد و سپاس است.

نشانه های زیبایی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۲

۲ - گیاهان و سبزی های خوشبو و معطر ، نمودی از آراستگی زمین برای انسان

و الأرض وضعها للأنام . فیها ... و الریحان

واژه <ریحان>، به هر گیاه خوشبو گفته می شود (قاموس المحيط).

نقش زیبایی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۱

۲۱ قوای ادراکی بشر ، تحت تأثیر مشاهده اوج زیبایی و جلوه های جمال ، کارآیی خود را از دست می دهد .

و قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۶

- خوب و زیبا دیدن ، از عوامل برانگیزنده انسان به اقدام به هر کاری

أفمن زين له سوء عمله فرءاه حسناً

زیباطلبی

جاودانگی زیباطلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۶

۶- لذت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لیدخل .. جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

نوید بودن <جنت تجری..>، متوقف بر وجود حس زیبایی پسندی و لذت جویی در انسان اخروی است.

زیباطلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷ - ۱۳

۱۳- گرایش به زیبایی ها ، در سرشت انسان نهفته است .

جعلنا ما علی الأرض زینه لها لنبلوهم

آفرینش زیبایی ها به منظور آزمایش انسان، در صورتی معنا خواهد داشت که گرایش به زیبایی در وجود انسان نهفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ - انسان ها ، طبعاً ، به زیبایی و خوبی گرایش دارند .

وزین لهم الشیطن أعملهم

این که شیطان، کارهای ناروا را خوب جلوه می دهد، تا مردم را از راه خدا باز دارد، حکایت از این حقیقت می کند که مردم،

به زیبایی و خوبی گرایش دارند و شیطان از این گرایش، استفاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۵

۵ - گرایش و تمایل انسان به زیبایی و گریز وی از زشتی

أفمن زين له سوء عمله فرءاه حسناً

از این که شیطان برای گمراه کردن مردم، از

راه زیبا جلوه دادن اعمال زشت آنان وارد می شود، می توان مطلب یاد شده را استنباط کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۷

۷ - گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

و تستخرجون حلیه تلبسونها

آیه شریفه در صدد گزارش از یک واقعیت خارجی است و آن استفاده مدام انسان ها از زیورآلات دریایی است. این کار حکایت از تمایل و گرایشی است که در درون انسان ها وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶ - ۶

۶ - انسان ، موجودی زیباشناس و زیبایی خواه

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند در آیه شریفه، درصدد بیان جلوه های ربوبیت بی همتای خود در طبیعت است و اگر زیبایی آسمان پرستاره برای بشر محسوس و مطلوب نباشد، این بیان بیهوده خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۶

۶ - گرایش درونی انسان به زیبایی ها

فَزَيِّنُوا لَهُمْ... وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ

از این که اعمال ناشایست انسان ها را برایشان خوب و نیک جلوه می دادند، می توان استفاده کرد که طبیعت انسان از بدی گریزان است و به خوبی تمایل دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۲ - ۲

۲- تزئین و تجمل ، امری طبیعی و ارزشی در زندگی انسان

يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُوْا وَالْمَرْجَانُ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که

یکی از کاربردهای عمده مروارید و مرجان، تزیین و تجمل با آن دو است و خداوند به خاطر اعطای آنها به انسان ها، بر ایشان منت نهاده و آن را منفعتی برای آنان شمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۴

۴ - علاقه و گرایش به زنان زیبا ، امری فطری و اصیل در نهاد بشر و جن

فیهنّ قصرت الطرف ... کأنهنّ الياقوت والمرجان

از این که خداوند، به عنوان نویدی بزرگ به خلق، بشارت همسران زیبا و جذاب را می دهد، استفاده می شود که تمایل به آنان، امری طبیعی و اصیل در نهاد انسان و جن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۲

۲ - انسان ، فطرتاً مجذوب زیبایی صورت و سیرت

فیهنّ خیرت حسان

از این که خداوند به عنوان نویدی بزرگ به خلق، بشارت به زیبایی صورت و سیرت حوریان بهشتی می دهد، استفاده می شود که تمایل به زیبایی ظاهری و باطنی، خواسته ای اصیل و نهاده شده در فطرت بشر است، نه گرایشی تلقینی و زاییده فرهنگ و محیط.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۵

۵ - انسان ، موجودی زیباشناس و زیبایی خواه

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصِيحٍ

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان جلوه های فرمان روایی و قدرت بی همتای خداوند در طبیعت است و اگر زیبایی آسمان پرستاره برای بشر محسوس و مطلوب نباشد، بیان این مطلب بیهوده خواهد

بود.

زیباطلبی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۴

۴ - علاقه و گرایش به زنان زیبا ، امری فطری و اصیل در نهاد بشر و جن

فیهنَّ قصرت الطرف .. کأنَّهنَّ الیاقوت و المرجان

از این که خداوند، به عنوان نویدی بزرگ به خلق، بشارت همسران زیبا و جذاب را می دهد، استفاده می شود که تمایل به آنان، امری طبیعی و اصیل در نهاد انسان و جن است.

فطرت زیباطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۴

۴ - علاقه و گرایش به زنان زیبا ، امری فطری و اصیل در نهاد بشر و جن

فیهنَّ قصرت الطرف .. کأنَّهنَّ الیاقوت و المرجان

از این که خداوند، به عنوان نویدی بزرگ به خلق، بشارت همسران زیبا و جذاب را می دهد، استفاده می شود که تمایل به آنان، امری طبیعی و اصیل در نهاد انسان و جن است.

زیبارویان

زیبارویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۱

۱ - در قیامت ، چهره گروهی از مردم زیبا و درخشان خواهد بود .

وجوه یومئذ مسفره

<وجه مسفر> چهره ای است که به جهت شادمانی، درخشان شده باشد (مقایس اللغه) و یا زیبایی آن را فرا گرفته باشد.
(مصباح)

سرور اخروی زیبارویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۲

۲ - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره

ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

>إستبشار< یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). >بشر و استبشر< به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

نشاط اخروی زیبارویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عیس - ۸۰ - ۳۹ - ۲

۲ - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

>إستبشار< یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). >بشر و استبشر< به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

زیبایی طلبی

اهمیت زیبایی طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۴

۴- غذا و پوشاک ، نیازی مقدم بر زیبایی خواص و جمال طلبی است . *

لکم فیها دفء و منفع و منها تأکلون . و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

با توجه به اینکه حیوانات هم باعث جمال و هم تأمین کننده غذا و پوشاکنند، تقدّم ذکری لباس و غذا در مقام امتنان، ممکن است اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

زیبایی طلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۱۴

۱۴ انسان فطرتاً به زیباییها گرایش دارد.

كذلك زينا لكل أمه عملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل

۶- گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

فعل مضارع <تلبسونها> حکایت از واقعیت خارجی می کند و آن استفاده از زیورآلات است. از طرفی، تزئین جزء نیازهای ضروری انسان نیست و در عین حال در کنار آن نیازها ذکر شده است و این حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۵

۵- گرایش و تمایل انسان به زیبایی و گریز از زشتی

فزیّن لهم الشیطن أعملهم

از اینکه شیطان اعمال زشت مردم را تزئین کرد و آنان را به وسیله همان عمل گمراه ساخت، نشان دهنده نکته فوق است.

زیبایی طلبی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۶

۶ - لذت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لیدخل .. جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

نوید بودن <جنت تجری..>، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی و لذت جویی در انسان اخروی است.

زیبایی ها

آثار زیبایی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - خوب و زیبا دیدن ، از عوامل برانگیزنده انسان به اقدام هر کاری

و کذلک زین لفرعون سوء عمله

برداشت یاد شده از آن جا است که فرعون، پس از زیبا جلوه گر شدن عمل زشتش، به آن اقدام کرده بود.

نقش زیبایی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۱

قوای ادراکی بشر ، تحت تأثیر مشاهده اوج زیبایی و جلوه های جمال ، کارآیی خود را از دست می دهد .

و قَطْعَن أَيْدِيهِنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۶

۶ - خوب و زیبا دیدن ، از عوامل برانگیزنده انسان به اقدام به هر کاری

أفمن زين له سوء عمله فرءاه حسناً

زیتون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

زیتون

آثار ذکر رویش درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۳

۳ - توجه به رویدن درختان زیتون و خرما و تأثیر آنها در تغذیه انسان ، زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است .

ما أكفركه .. و زيتوناً و نخلاً

ارزش زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۵

۵- زیتون ، خرما و انگور دارای ارزشی ویژه

ينبت .. و الزيتون و النخيل و الأعناب و من كل الثمرت

نامبردن از این سه میوه در بین انبوه میوه ها، می تواند به جهت ارزش ویژه این میوه ها از نظر خواص نسبت به میوه های دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۱ - ۲

۲ - انجیر و زیتون ، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و التین و الزیتون

اهمیت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۰ - ۴

۴ - خرما ، انگور و زیتون ، اهمیت ویژه ای در تغذیه انسان دارند .

فَأَنشَأْنَا لَكُمْ

... من نخيل و أعنب ... و شجره ... صیغ للأکلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۱ - ۴

۴ - اهمیت غذایی انجیر ، بیش از زیتون است . *

و التین و الزیتون

تقدم ذکری، ممکن است نشانگر تقدم رتبی باشد.

باغ زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۸

۸ خداوند با آب باران تاکستانهای انگور و باغهای زیتون و انار را پدیدار می سازد.

و جنت من أعناب و الزیتون و الرمان

برکت درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۹

۹ - زیتون ، از درختان پر برکت است .

شجره مبرکه زیتونه

پیدایش درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۶

۶ خداوند، پدید آورنده درختان همگون و ناهمگون زیتون و انار است.

و هو الذى أنشأ .. و الزيتون و الرمان متشبهها و غير متشبهه

تعقل در درخت زيتون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۳

۱۳ دوران ثمردهی تا رسیدن میوه اصله نخل و تاک انگور و درخت زيتون و انار، شایان مطالعه و تأمل و راهی برای خداشناسی است.

و من النخل .. من أعناب و الزيتون و الرمان ... أنظروا إلى ثمره إذا أثمر و ینعه

مرجع ضمیر <ثمره> می تواند <الرمان> باشد و نیز می تواند <النخل> <اعناب> <الزيتون> به صورت بدل باشد. برداشت فوق بر این مبنا صورت

گرفته است. لذا فرمان <انظروا> شامل تمامی موارد مذکور در آیه است.

خالق زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا .. زَيْتُونًا وَنَخْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَمِكُمْ

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خورشت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۰ - ۳

۳ - درختان زیتون ، با میوه های روغنی و نان خورش سفره آدمیان ، نمودی دیگر از تدبیر الهی

تَنْبِتُ بِالذَّهْنِ وَصَبْغٌ لِلْأَكْلِينِ

<صبغ> به معنای خورش عطف بر <الدهن> و تنوین آن برای تنويع است یعنی <درختی که میوه آمیخته به روغن و نوعی خورش برای خورندگان می رویاند>

درختان زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۰ - ۳

۳ - درختان زیتون ، با میوه های روغنی و نان خورش سفره آدمیان ، نمودی دیگر از تدبیر الهی

تنبت بالدهن و صبغ للأکلین

<صبغ> به معنای خورشت عطف بر <الدهن> و تنوین آن

برای تنويع است يعنى <درختى كه ميوه آميخته به روغن و نوعى خورشت براى خورندگان مى روايند>

روياننده درخت زيتون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۱

۱- خداوند ، رواينده كشتزارها و درختان زيتون ، خرما و انگور و تمامى محصولات كشاورزى است .

ينبت لكم به الزرع و الزيتون و النخيل و الأعنب و من كل الثمرت

رويش درخت زيتون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۷

۷- رويش گياهان و درختان زيتون ، نخل و تاك به وسيله آب ، زمينه اى براى انديشيدن و راهى براى خداشناسى است .

ينبت لكم به .. . إن فى ذلك لآيه لقوم يتفكرون

رويش درختان زيتون در كوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - رويش درختان زيتون در ارتفاعات كوه سينا به وسيله باران ، كارى خدايى است .

و شجره تخرج من طور سيناء

<شجره> عطف بر <جَبَّات> است. <طور> به معنای كوه و <سيناء> شبه جزيره اى در مصر است. اضافه <طور> به

<سيناء> اضافه ظرفيه و به تقدير <طور فى سيناء> مى باشد؛ يعنى: [با آن آب باران] درختى كه از طور سينا بر مى آيد [پديد

آورديم].

۲ - طور سينا ، مركز رويش درختان زيتون

و شجره تخرج من طور سيناء

زمینه رشد درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۴

۴ - باران و زمین مناسب ، دو عنصر اصلی در رشد و باروری درختان

زیتون و خرما است .

صببنا الماء .. ثم شققنا ... و زيتوناً و نخلاً

سوگند به زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به انجیر و زیتون

و التین و الزیتون

۲ - انجیر و زیتون ، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و التین و الزیتون

عوامل ثمردهی درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - درخت زیتون ، در صورت تابش مستقیم نور خورشید بر آن در طول روز ، پربارتر و مرغوب تر خواهد شد .

من شجره مبرکه زيتونه لاشرقیه و لاغریه یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسه نار

برداشت یاد شده بر این اساس است که عبارت <لا- شرقیه و لا غربیه> این گونه تفسیر شود که: درخت زیتون نه فقط در ناحیه شرق است که تنها به وقت عصر از شعاع خورشید بهره گیرد و نه فقط در ناحیه غرب است که تنها در صبح از شعاع خورشید بهره مند باشد؛ بلکه از مزایای هر دو جهت و از تابش نور مستقیم خورشید از صبح تا به غروب استفاده می کند و روشن است که چنین درختی، از ثمره ای فراوان تر و مرغوب تر برخوردار خواهد بود.

فلسفه سوگند به زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۴

۴- برخورداری انسان از خلقت برتر، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر،

زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

و التین .. لقد خلقنا الإنسان في أحسن تقويم

فواید زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۰ - ۳

۳ - درختان زیتون ، با میوه های روغنی و نان خورش سفره آدمیان ، نمودی دیگر از تدبیر الهی

تنبت بالدهن و صبغ للأکلین

<صبغ> به معنای خورش عطف بر <الدهن> و تنوین آن برای تنويع است یعنی <درختی که میوه آمیخته به روغن و نوعی خورش برای خورندگان می رویند>

مراد از زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۱ - ۵

۵ - > عن أبي الحسن الاوّل قال : قال رسول الله (ص) : إنّ الله تبارك و تعالی . . . اختار من البلدان أربعة فقال عزّوجلّ : > و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأّمین < فالتین المدینه ، و الزیتون بیت المقدّس ، و طور سینین الکوفه و هذا البلد الأّمین مکّه ;

از امام موسی بن جعفر(ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا(ص) فرمود: خداوند تبارک و تعالی .. از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او که عزیز و جلیل است فرمود: < و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأّمین >. پس <تین> مدینه و <زیتون> بیت المقدس و <طور سینین> کوفه و <هذا البلد الأّمین> مکه است.<

منشأ رویش درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا .. زَيْتُونًا وَنَخْلًا

نعمت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۲

۲ - بهره مندی انسان از زیتون و از منافع گوناگون درخت خرما ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس گذاری است .

مَا أَكْفَرَهُ .. وَ زَيْتُونًا وَنَخْلًا

<زیتون>، میوه ای معروف (مصباح) و درختی معروف است و می تواند جمع <زیتونه> باشد که گاه بر درخت و گاه بر میوه آن اطلاق می گردد (لسان العرب). تعبیر <نخل> به جای نام میوه آن ممکن است ناظر به این باشد که انسان علاوه بر خرما، از اجزای دیگر نخل (از قبیل شاخ، برگ، تنه و لیف آن) نیز بهره می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۱ - ۲

۲ - انجیر و زیتون ، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و التین و الزیتون

زید بن حارثه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آمیزش زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۱۷

۱۷ - زید بن حارثه ، پس از کام گیری از همسرش ، او را طلاق داد و از وی جدا شد .

فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطْرًا زَوَّجْنَاهَا

<وטר> در لغت <نیاز مهم> را گویند (مفردات راغب). در آیه، <قضی ... و طراً> کنایه از به پایان رسیدن حاجت زید از نکاح با زینب و به اتمام رسیدن زمان مجاز زناشویی

آن دو است.

احسان به زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۳

۳ - پیامبر اکرم (ص) به زید بن حارثه ، انعام و احسان کرده بود .

و إذ تقول للذی . . . و أنعمت علیه

اسلام زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۵

۵ - اسلام آوردن زید بن حارثه ، نعمتی اعطایی از جانب خداوند برای وی بود .

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه

در این که <مراد از <أنعم الله > چه چیزی است؟> ، اختلاف است. مفسران، از مصداق های بارز آن، اسلام آوردن زید را شمرده اند.

بردگی زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۴

۴ - زید بن حارثه ، برده آزاد شده پیامبر (ص) بود .

و إذ تقول للذی . . . و أنعمت علیه

این که <مراد از <أنعمت علیه > چیست؟> ، نوع مفسران بر آن اند که مراد، آزاد شدن زید از سوی پیامبر(ص) است.

توصیه به زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۳۲، ۹، ۸، ۱

۱ - پیامبر (ص) به زید بن حارثه، برای ادامه زندگی با همسرش و طلاق ندادن وی، سفارش کرد.

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه .. أمسک علیک زوجک

طبق شأن نزول، این آیه درباره زید بن حارثه و تصمیم اش برای طلاق همسر خود، زینب است. لازم به ذکر است که تعدیه فعل <أمسک> با

<علی> متضمن معنای حبس و نگهداری است.

۸- دعوت پیامبر (ص) از زید بن حارثه، برای رعایت تقوای الهی درباره همسرش زینب

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه .. و اتق الله

۹- سفارش پیامبر (ص) به زید، برای نگهداری همسرش و نیز رعایت تقوای الهی، امری شایسته یاد و یادآوری است.

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه .. و اتق الله

<إذ> متعلق به <أذكر> مقدر است و در نتیجه، نکته یاد شده، از آن فهمیده می شود.

۳۲- <عن أبي جعفر (ع) .. ان رسول الله خطب علی زید بن حارثه، زینب بنت جحش ... فزوجها إياه فمكثت عند زید ماشاء الله، ثم إنهما تشاجرا فی شیء إلى رسول الله ... فقال زید: یا رسول الله! تأذن لی فی طلاقها فإن فیها کبراً و إنهما لتؤذینی بلسانها، فقال رسول الله (ص): اتق الله و أمسک علیک زوجک ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که رسول خدا(ص)، زینب دختر جحش را برای زید خواستگاری کرد .. و او را به عقد وی در آورد. سپس مدتی را که خدا مقدر کرده بود، زینب، پیش زید بود. آن گاه میان زید و زینب، مشاجره ای رخ داد و هر دو پیش رسول خدا، شکوه بردند. زید گفت: ای رسول خدا! آیا اجازه می دهی او را طلاق بدهم. به خاطر این که او متکبر است و با زبانش مرا اذیت می کند؟ رسول خدا فرمود: از خدا بترس

و همسرت را نگه دار...>.

زید بن حارثه و زینب بنت جحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۸،۹

۸ - دعوت پیامبر (ص) از زید بن حارثه، برای رعایت تقوای الهی درباره همسرش زینب

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه .. و اتق الله

۹ - سفارش پیامبر (ص) به زید، برای نگهداری همسرش و نیز رعایت تقوای الهی، امری شایسته یاد و یادآوری است.

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه .. و اتق الله

<إذ> متعلق به <أذكر> مقدر است و در نتیجه، نکته یاد شده، از آن فهمیده می شود.

طلاق همسر زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۶

۶ - همسر زید بن حارثه، با وی ناسازگار بود و زید، تصمیم گرفت از او جدا شود.

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه .. أمسك عليك زوجك

در شأن نزول آیه آورده اند که زینب، همسر زید، به خاطر این که زید، برده ای آزاد شده است، با او ناسازگاری می کرد و این، بر زید ناگوار بود و از این رو تصمیم گرفت زینب را طلاق دهد. امر <أمسك>، به این مطلب اشاره دارد و نیز فرمانی است به زید از عملی ساختن تصمیم اش.

عتق زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۴

۴ - زید بن حارثه، برده آزاد شده پیامبر (ص) بود.

تقول للذی .. و أنعمت علیه

این که <مراد از <أنعمت علیه> چیست؟>، نوع مفسران بر آن اند که مراد، آزاد شدن زید از سوی پیامبر(ص) است.

فرزند خواندگی زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۲۴

۲۴ - زید بن حارثه ، پسر خوانده پیامبر (ص) بود .

لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزواج أذعیائهم

ناسازگاری همسر زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۶

۶ - همسر زید بن حارثه ، با وی ناسازگار بود و زید ، تصمیم گرفت از او جدا شود .

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه .. أمسک علیک زوجک

در شأن نزول آیه آورده اند که زینب، همسر زید، به خاطر این که زید، برده ای آزاد شده است، با او ناسازگاری می کرد و این، بر زید ناگوار بود و از این رو تصمیم گرفت زینب را طلاق دهد. امر <أمسک>، به این مطلب اشاره دارد و نیز فرمانی است به زید از عملی ساختن تصمیم اش.

نعمتهای زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۲،۵

۲ - زید بن حارثه ، از نعمت های الهی برخوردار بود .

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه

۵ - اسلام آوردن زید بن حارثه ، نعمتی اعطایی از جانب خداوند برای وی بود .

و إذ تقول للذي أنعم الله عليه

در این که <مراد از <أنعم الله> چه چیزی است؟>، اختلاف است. مفسران، از مصداق های بارز آن، اسلام آوردن

زید را شمرده اند.

همسر زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۱۸، ۱۹، ۱۷

۱۷ - زید بن حارثه ، پس از کام گیری از همسرش ، او را طلاق داد و از وی جدا شد .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها

<و طراً> در لغت <نیاز مهم> را گویند (مفردات راغب). در آیه ، <قضی ... وطراً> کنایه از به پایان رسیدن حاجت زید از نکاح با زینب و به اتمام رسیدن زمان مجاز زناشویی آن دو است.

۱۸ - پیامبر (ص) با زینب ، مطلقه زید ، پس از جدا شدن او از زید ازدواج کرد .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها

۱۹ - ازدواج پیامبر (ص) با زینب ، مطلقه زید به امر خداوند بود .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها

زیرکی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار زیرکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۲۵

۲۵ شکست زبونه کافران ، در گرو کوشش مجاهدان برای فراهم سازی تجهیزات و هوشیاری آنان در برابر هجوم غافلگیرانه دشمن

و لیاخذوا حذرهم .. و خذوا حذرکم إنّ اللّٰه اعد للكفرین عذاباً مهیناً

جمله <ان اللّٰه ..> می تواند تعلیل برای فرمان خداوند به گرفتن اسلحه و حفظ هوشیاری باشد، بر این مبنا مراد از عذاب مهین، شکست زبونه دشمنان خواهد بود.

اهمیت زیر کی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۸

۱۸ لزوم هشجاری در قبال زندگانی دنیا

و ما الحیوه الدنیا الا متاع الغرور

خداوند حیات دنیا را به فریندگی توصیف کرد

تا به انسانها بفهماند که مبدا ظاهر فریبنده حیات دنیا، شما را از بهشت که فوز و سعادت است، غافل سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ لزوم هشیاری جامعه ایمانی در مقابل تلاش برای گمراه ساختن مسلمانان

الم تر الى الذين .. ان تضلوا السبيل

هدف از بیان تصمیم عالمان یهود، هشیار ساختن مسلمانان نسبت به تلاش پیگیر آن عالمان برای گمراه ساختن جامعه ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ لزوم هشیاری پیامبر و رهبران الهی ، در برخورد با شگرد های منافقان

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً. اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم فاعرض عنهم

خداوند قبل از دستور به گذشت و موعظه، به پیامبر (ص) می آموزد که عذر منافقان دروغ و بی پایه است تا به این وسیله وی را متوجه شگردهای آنان سازد و موعظه را بر این اساس، پایه ریزی نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۴

۴ لزوم هشیاری در برابر ادعا های صلحجویانه بیگانگان

ستجدون اخرين يريدون ان يامنوكم و يامنوا قومهم كلما ردوا الى الفتنه اركسوا في

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۸

۸ لزوم هوشیاری مسلمانان در برابر فتنه های دشمنان

ان خفتم ان يفتنكم الذين كفروا ان الكافرين كانوا لكم عدواً مبيناً

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۱،۱۲

لزوم بستن راه بهره برداری دشمن از فرصت ها ، با هوشیاری و احتیاط بیشتر

و لیأخذوا اسلحتهم . . . و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

۱۲ برابری نقش هوشیاری و آمادگی های لازم نظامی در جنگ ، با سلاح و تجهیزات

و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

مراد از <حذر> احتراز از دشمن است که از آن به هوشیاری نظامی تعبیر شده است. و چون هوشیاری در برابر دشمن را در کنار آمادگی تسلیحاتی آورده و هر دو را با کلمه <اخذ> (گرفتن) تعبیر کرده، دلالت بر کارسازی یکسان آنها دارد؛ بلکه تقدم <حذر> می تواند حاکی از اهمیت بیشتر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۵

۵ لزوم هشیاری مسلمان در قبال ترفند ها و شگرد های منافقان

الذین یتربصون بکم فإن کان لکم فتح من الله . . . و نمنعکم من المؤمنین

از اهداف افشای منافقان و بر شمردن ویژگیهای آنان، آگاه کردن مؤمنان به حيله ها و مکرهای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۱ - ۶

۶ ضرورت هشیاری مؤمنان در برابر اهل کتاب به هنگام تظاهر آنان به اسلام

و إذا جاءوكم قالوا ءامنا . . . و الله اعلم بما كانوا یکتُمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ جامعه ایمانی وظیفه دار هشیاری در برابر موضعگیری های گمراه کننده کافران

یا ایها الذین ءامنوا علیکم انفسکم لا یضرکم من ضل إذا هتدیتم

<لا> در لا یضرکم می تواند نافیه باشد بر این مبنا مراد از جمله

<لايضرکم... > این است که چنانچه از ایمان خود مراقبت کنید از دام گمراهان می رهید و می تواند <لا> ناهیه باشد، یعنی ای مؤمنان مبدا گمراهان شما را از راه بدر برده و ایمان شما را برابیند برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. گفتنی است که مراد از <من ضل> به قرینه <ءامنوا> کفرپیشگان می باشد.

اهمیت زیرکی رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۹،۲۹

۹ ضرورت هشیاری حاکمان و قاضیان نسبت به تزویر دسیسه گران، برای منحرف ساختن آنان از حکم و داوری بر پایه تعالیم قرآن

و احذرهم ان يفتنوك عن بعض ما أنزل الله إليك

۲۹ ضرورت هشیاری، آمادگی و پایداری رهبران الهی در برابر انبوه فاسقان و شکنندگان حریم دین

و إن احکم بینهم بما أنزل الله و لاتتبع اهواءهم... و إن كثيراً من الناس لفسقون

یادآوری فسق بسیاری از مردم در پی نهی از پیروی هواپرستان، می تواند به منظور هشدار به قاضیان و رهبران الهی ایراد شده باشد؛ یعنی باید متوجه باشند که فاسقان بسیاری برای بازداشتن آنان از اجرای احکام الهی در تلاش هستند.

اهمیت زیرکی قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۹

۹ ضرورت هشیاری حاکمان و قاضیان نسبت به تزویر دسیسه گران، برای منحرف ساختن آنان از حکم و داوری بر پایه تعالیم قرآن

و احذرهم ان يفتنوك عن بعض ما أنزل الله إليك

زیرکی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف -

۲ ساحران مؤمن به موسی (ع)، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند.

رب موسی و هرون

به نظر می رسد از اهداف ساحران در تفسیر <رب العلمین> به <رب موسی و هرون> این باشد که مبادا فرعونیان پس از خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را <رب العلمین> خواندند. و این معنا حکایت از هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون دارد.

زیرکی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۲۴، ۱۲، ۱۰، ۹

۹ و جوب همراه داشتن سلاح و حفظ هوشیاری و احتی اط، به هنگام ادای نماز خوف

و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم .. و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

ظاهراً مراد از ضمیر در <لیأخذوا> همان کسانی هستند که به نماز ایستاده اند، نه آن گروهی که مشغول پاسداری هستند.

۱۰ لزوم احتی اط و هوشیاری بیشتر مجاهدان، به هنگام تعویض و جابجایی در نماز خوف *

و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

تصریح به لزوم هوشیاری در مورد دسته دوم (و لیأخذوا حذرهم)، بیانگر ضرورت احتی اط بیشتر در تعویض و جابجایی دارد.

۱۲ برابری نقش هوشیاری و آمادگی های لازم نظامی در جنگ، با سلاح و تجهیزات

و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

مراد از <حذر> احتراز از دشمن است که از آن به هوشیاری نظامی تعبیر شده است. و چون هوشیاری در برابر دشمن را در کنار آمادگی تسلیحاتی آورده و هر دو را با کلمه <اخذ> (گرفتن) تعبیر کرده، دلالت بر

کارسازی یکسان آنها دارد؛ بلکه تقدم <حذر> می تواند حاکی از اهمیت بیشتر آن باشد.

۲۴ کسانی که در نماز خوف مجاز به زمین گذاشتن سلاح خویش هستند، باید همچنان هوشیار و مراقب باشند.

و لاجناح علیکم .. ان تضعوا اسلحتکم و خذوا حذرکم

زیرکی رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ لزوم هشیاری پیامبر و رهبران الهی، در برخورد با شگرد های منافقان

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً. اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم فاعرض عنهم

خداوند قبل از دستور به گذشت و موعظه، به پیامبر (ص) می آموزد که عذر منافقان دروغ و بی پایه است تا به این وسیله وی را متوجه شگردهای آنان سازد و موعظه را بر این اساس، پایه ریزی نماید.

زیرکی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ زلیخا، زنی زیرک، طراح و هوشیار بود.

فلما سمعت بمكرهنَّ أرسلت إليهنَّ .. و آتت كل وحده منهنَّ سكيناً ... فلما رأينه

زیرکی قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۶

۶ ضرورت هوشیاری قاضی در برابر نیرنگ ها و صحنه سازیها

لتحكم بين الناس .. و لاتجدل عن الذين يختانون انفسهم

زیرکی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۱ - ۶

۶ ضرورت هشیاری مؤمنان در برابر اهل کتاب به هنگام تظاهر آنان به اسلام

و إذا جاءوكم قالوا ءامنا ..

و الله اعلم بما كانوا يكتُمون

زیرکی و تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱۳

۱۳ تقوا و پرهیزگاری همسو و هماهنگ با تیزهوشی و خردمندی

فاتقوا الله يا اولی الالب

منافقان و زیرکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۶

۶ کنار کشیدن از مسئولیت و مشکلات جامعه در بینش منافقان ، تیزهوشی و کیاست است .

و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فرحون

زینب بنت جحش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ازدواج زینب بنت جحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۳۱، ۲۷، ۲۰، ۱۹، ۱۸

۱۸ - پیامبر (ص) با زینب ، مطلقه زید ، پس از جدا شدن او از زید ازدواج کرد .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها

۱۹ - ازدواج پیامبر (ص) با زینب ، مطلقه زید به امر خداوند بود .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها

۲۰ - پیامبر (ص) ، تصمیم و رغبت برای ازدواج با زینب ، مطلقه زید ، نداشت و آن ازدواج ، تنها برای اجرای فرمان خداوند

بود .

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه .. أمسک علیک زوجک ... فلما قضی زید منها وطراً ز

توصیه پیامبر(ص) به زید، مبنی بر ادامه زندگی با زینب، حاکی از این است که پیامبر(ص)، در تلاش بود تا آن دو، به زندگی خود ادامه دهند و پس از طلاق هم، نگران پیامدهای احتمالی ازدواج اش با زینب بوده است. از فعل <زوّجناکها> استفاده می شود که چنین امری،

به خواست و فرمان خداوند بوده است.

۲۷ - فلسفه ازدواج پیامبر (ص) با مطلقه پسرخوانده خویش، شکستن سنتی جاهلی و هموار کردن راه برای دیگران بود.

زَوْجِنَكهَا لَكِي لَا يَكُونُ عَلَي الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ

۳۱ - رخداد مطلقه شدن زینب و ازدواج اش با پیامبر (ص) از جمله حوادثی است که براساس خواست خداوند، تحقق پیدا کرده است.

فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاهَا... وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۸ - ۹،۱۰

۹ - صدور فرمان ازدواج پیامبر (ص) با زینب، مطلقه پسرخوانده اش، امری حساب شده بوده است.

زَوْجِنَكهَا... مَا كَانَ عَلَي النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ... وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدْرًا

۱۰ - > عن الرضا (ع) (في قصه زيدبن حارثه مع امرأته): إِنَّ زَيْدِ بْنِ حَارِثَةَ طَلَّقَهَا وَ اعْتَدَتْ مِنْهُ فَزَوَّجَهَا اللَّهُ تَعَالَى مِنْ نَبِيِّهِ (ص) وَ أَنْزَلَ بِذَلِكَ قُرْآنًا فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: > فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا... < ثُمَّ عَلِمَ عَزَّوَجَلَّ أَنَّ الْمُنَافِقِينَ سَيَعْيِبُونَهُ بِتَزْوِيجِهَا فَأَنْزَلَ > مَا كَانَ عَلَي النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ... < ;

از امام رضا(ع) (در داستان زیدبن حارثه با همسرش) روایت شده که زیدبن حارثه، همسرش را طلاق داد. پس از این که عدّه او تمام شد، خدا، او را به ازدواج پیامبر درآورد و در این باره، آیه ای نازل کرد و فرمود: >فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ...<. خدا می دانست که

منافقان، به خاطر ازدواج او با همسر مطلقه زید، به عیب گویی از او خواهند پرداخت، از این رو، این آیه را نازل کرد: ما کان علی النبی من حرج...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۰ - ۴

۴ - جواز ازدواج پیامبر (ص) با زینب، مطلقه زید، به دلیل نبود رابطه نسبی میان پیامبر (ص) و زید است.

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها .. ما کان محمّد أباً أحد من رجالکم

احتمال دارد که <ما کان محمّد أباً أحد من رجالکم> اشاره به نفی خویشاوندی پیامبر(ص) با زید و در نتیجه، اثبات جایز بودن ازدواج آن حضرت با مطلقه زید باشد.

زید بن حارثه و زینب بنت جحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۸،۹

۸ - دعوت پیامبر (ص) از زید بن حارثه، برای رعایت تقوای الهی درباره همسرش زینب

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه .. و اتق الله

۹ - سفارش پیامبر (ص) به زید، برای نگهداری همسرش و نیز رعایت تقوای الهی، امری شایسته یاد و یادآوری است.

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه .. و اتق الله

<إذ> متعلق به <أذکر> مقدر است و در نتیجه، نکته یاد شده، از آن فهمیده می شود.

طلاق زینب بنت جحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۱۷،۳۱

۱۷ - زید بن حارثه، پس از کام گیری از همسرش، او

را طلاق داد و از وی جدا شد .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها

<وطر> در لغت <نیاز مهم> را گویند (مفردات راغب). در آیه، <قضی ... وطراً> کنایه از به پایان رسیدن حاجت زید از نکاح با زینب و به اتمام رسیدن زمان مجاز زناشویی آن دو است.

۳۱ - رخداده مطلقه شدن زینب و ازدواج اش با پیامبر (ص) از جمله حوادثی است که براساس خواست خداوند، تحقق پیدا کرده است .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها ... و كان أمر الله مفعولاً

محمد(ص) و زینب بنت جحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - خداوند، پنهان کاری پیامبر (ص) را درباره فرمان الهی به ازدواج آن حضرت با همسر مطلقه زید، بر ملا ساخت .

و تخفی فی نفسک ما الله مبديه

زینت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۸

۸ - خوبی هر کار، علاوه بر صدور آن به نیت خیر، در گرو هماهنگی آن با سایر خواسته ها و دستورات خداوند است .

و ما أعجلک ... و عجلت إلیک ربّ لترضی

با وجود آن که موسی(ع) در تعجیل خود، نیت خیر داشته است، ولی بازخواست شدن او دال بر این مطلب است که صرف داشتن نیت خیر، برای برتری یافتن عمل کافی نیست، بلکه باید با ادله دیگر آن عمل را سنجید. اگر در تعارض نبود، آن گاه بدان اقدام کرد.

آثار زینت با طلا

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۳ - ۳

۳ - زینت و تجمل مردان به طلا ، ارزشی فرعونی *

قال .. فلولا ألقى عليه أسوره من ذهب

آثار زینت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۲۳

۲۳ - بازی ، سرگرمی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی ، از مظاهر و جلوه های فریبندگی دنیا

أما الحيوه الدنيا لعب .. و تكاثر ... و ما الحيوه الدنيا إلا متع الغرور

معرفی دنیا به متاع فریبنده، در پایان آیه شریفه پس از آن که در آغاز آن با پنج ویژگی شناسانده شده است می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

ابزار زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۶

۶ - ستارگان ، زینت بخش آسمان دنیا (نزدیک ترین آسمان به زمین)

و زینا السماء الدنيا بمصباح

اجتناب از زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۲

۲ - اجتناب از آرایش و خودآرایی ، شرط جواز حجاب نداشتن زنان سالخورده و نا امید از زناشویی است .

و القواعد من النساء التي لا يرجون نكاحًا فليس عليهنّ جناح أن يضعنّ ثيابهنّ غير مت

اجتناب از زینت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۴

۴ - دنیا ، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است ؛ نه میدان بازی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی .

سابقوا إلى مغفرة

من ربکم و جنّه

احکام زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۳، ۲۷

۱۳ - زینت کردن برای زنان ، کاری مشروع و جایز است .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

۲۷ - هر گونه حرکت و رفتاری که موجب آگاهی نامحرمان از زینت های زنان مؤمن شود ، بر آنان حرام است .

و لا یضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

احکام زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۳

۳ - آرایش و خودآرایی زنان حتی سالخوردگان نا امید از زناشویی در برابر نامحرمان ممنوع است .

و القواعد من النساء الّتی لایرجون نکاحا . . غیر متبرّجت بزینة

استخراج زینت های دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۵

۵- جواز غواصی و استخراج اشیای قیمتی و زینتی دریا

و تستخرجوا منه حلیه

استفاده از زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیورآلات مباح است .

لتأكلوا منه لحمًا طرياً و تستخرجوا منه حليه تلبسونها

استفاده از زینت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱۲، ۱۰، ۹، ۳

۳ هدف از آفرینش زینتها و روزیها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست.

زینة الله التي أخرج لعبادة

۹ جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هي للذين ءامنوا في الحيوة الدنيا خالصه يوم القيمة

کلمه

<خالصه> حال است برای <هی> و <یوم القیامه> متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد <الحیاه الدنیا> حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هی للذین آمنوا و لغيرهم فی الحیاه الدنیا و لهم خالصه یوم القیامه.

۱۰ استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هی للذین آمنوا فی الحیوه الدنیا

ذکر نکردن <لغيرهم> پس از <للذین آمنوا>، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصاله برای مؤمنان آفریده شده است.

۱۲ استفاده از زینتها و روزیها در دنیا، همواره آمیخته با رنجها و کدورتهاست.

قل هی للذین .. خالصه یوم القیمه

برخی برآنند که <خالصه> در آیه مورد بحث به معنای خلوص از ناملایمات و کدورتها است. بر این مبنا چون این قید برای قیامت ذکر نشده، مفهومی این است که در دنیا مواهب خدادادی آمیخته با رنجها و ناملایمات است.

استفاده از زینت های دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۳

۳- تغذیه با گوشت های تازه ، استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریاست .

سُخِرَ الْبَحْرُ لَتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيه تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفَلَکَ

<طری> به معنای جدید و تازه و <حلیه> به معنای زیور است.

اسراف در زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ - ۶۸

۶ حرمت اسراف در بهره گیری از زینتها

خذوا زینتکم . . . و لاتسرفوا

برداشت فوق مبتنی بر این است که < و لاتسرفوا >، علاوه

بر <کلوا و اشربوا>، ناظر به جمله <خدوا زینتکم> نیز باشد. ذیل آیه (إنه ...) این احتمال را تأیید می کند.

۸- زیاده روی در زینت دادن خویش، و اسراف در خوردن و آشامیدن، موجب محرومیت از محبت خداوند است.

خدوا زینتکم . . . و لاتسرفوا إنه لایحب المسرفین

اهمیت زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۵

۵ آراسته ساختن خویش با پوشاکهای زیبا، مطلوب و محبوب خداوند است.

قد أنزلنا علیکم . . . و ریشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶ - ۷

۷- زینت و زیبایی، امری مطلوب و پسندیده در نگاه دین

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ

بهترین زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۸ - ۵

۵ - یکتاپرستی، بهترین و زیباترین زینت و صبغه برای انسانهاست.

و من أحسن من الله صبغه و نحن له عبدون

بی رغبتی به زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۶

۶- بی رغبتی به زیورآلات ، توان مندی و فرادستی در میدان بحث و درگیری ، خصلت های دیرینه مردان

أو من ینشؤا فی الحلیه

با توجه به قرینه مقابله، استفاده می شود که مردان نوعاً دارای ویژگی های ذکر شده در آیه نسبتند.

پوشش زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۹،۱۲

۹- زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها

(بدن) از دید نامحرمان اند ؛ جز آنچه که خود به خود آشکاراست (مثل سرمه ، انگشتر ، حنا و ...) .

و قل للمؤمنت . . . و لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

درباره مقصود از <زینتهنّ> (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: ۱- مقصود محل زینت آلات است؛ زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. ۲- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در <إلاّ ما ظهر منها>، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود؛ مثل: انگشتر، سرمه، حنا و

۱۲- پوشاندن زینت هایی که به طور متعارف و خودبه خود آشکار است (مانند انگشتر ، سرمه ، حنا و ...) بر زنان ، واجب نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

پوشش محل زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۹،۳۹

۹- زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرمان اند ؛ جز آنچه که خود به خود آشکاراست (مثل سرمه ، انگشتر ، حنا و ...) .

و قل للمؤمنت . . . و لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

درباره مقصود از <زینتهنّ> (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: ۱- مقصود محل زینت آلات است؛ زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. ۲- مراد

خود زینت آلاست، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در <إلا ما ظهر منها>، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود؛ مثل: انگشتر، سرمه، حنا و... .

۳۹ - > عن فضیل بن یسار قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن الذراعین من المرأه أهما من الزینة التي قال الله تبارک و تعالی > و لا یبدین زینتهنّ إلا لبعولتهنّ < قال : نعم و مادون الخمار من الزینة و ما دون السوارین ۱

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: آیا ذراعین زن از (آرنج تا مچ دستهای او) جزء زینتی است که خداوند فرموده است: <و لا یبدین زینتهنّ إلا لبعولتهنّ>؟ فرمود: آری و نیز آنچه [از سرو گردن] زیر پوشش مقنعه و [از مچ دست] زیر دست بند قرار دارد، از همان زینت است.<

تبیین احکام زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ بیان احکام خوراکیها، نوشیدنیها، زینتها و تعیین حد و مرز حلیت آنها، نمونه ای از تبیین احکام و آیات الهی از سوی خداوند است.

خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربوا و لاتسرفوا... کذلک نفصل الأیت

تحریم زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۲

۲ تحریم کنندگان زیباینها و زینتهای خدادادی و روزیهای پاکیزه، مورد نکوهش و توبیخ خداوند هستند.

قل من حرم... والطیبت من الرزق

استفهام در جمله >من

حرم . . . < استفهام انکار توییخی است. یعنی خداوند علاوه بر این که تحریم طیبات را صحیح نمی داند، تحریم کننده را نیز سرزنش می کند.

تحریم زینت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ حرام شمردن زینتها و روزیهای حلال و پاکیزه، افترا بر خداوند است.

قل من حرم زینه الله . . . أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون

از مصادیق مورد نظر برای افترا، به قرینه آیه قبل، تحریم زینتها و روزیهای پاکیزه است.

حرمت اظهار زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۷، ۱۰

۱۰ - حرمت آشکار ساختن زینت ها و محل های آنها (بدن) بر زنان ، جز آنچه که ثخود به خود آشکار است (مانند انگشتر ، سرمه ، حنا و . . .) .

لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها

۲۷ - هر گونه حرکت و رفتاری که موجب آگاهی نامحرمان از زینت های زنان مؤمن شود ، بر آنان حرام است .

ولا یضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

حلیت زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۶

۶ حلیت، قانون اولی و اصل کلی در بهره گیری از زینتها، خوراکیها و نوشیدنیهاست.

قل من حرم زینه الله التی أخرج لعباده

استفهام انکاری در <من حرم .. > دلالت می کند بر این که اگر دلیلی برای حرمت اشیای ذکر شده یافت نشد، باید آنها را حلال دانست و منتظر دلیل خاص نبود، و این معنای اصل

کلی و قانون اولی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ زینتها و روزیهای پاکیزه بیرون از دایره محرومات الهی (کردار زشت و ..)

قل من حرم زینه الله .. قل إنما حرم ربی الفوحش

زینت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶ - ۴

۴ - ستارگان ، زینت بخش آسمان

إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۴

۴ - ستارگان ، زینت بخش آسمان

إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ

زینت آسمان اول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۷

۷ - از میان مجموعه آسمان ها ، تنها نزدیک ترین آسمان ها به اهل زمین ، مزین به ستارگان است . *

إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ

<الدنيا>، صفت برای <السماء> است. این وصف می تواند قید احترازی و گویای این حقیقت باشد که نزدیک ترین آسمان

نه همه آسمان ها به زیور ستارگان آراسته شده است.

زینت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱۳

۱۳ استفاده از زینتها و روزیهای پاکیزه در حیات آخرت در انحصار اهل ایمان خواهد بود.

قل هی للذین ءامنوا .. خالصه یوم القیمه

زینت بودن اسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۲

۲- اسب ، استر و الاغ به منظور سوار شدن ،

زینت بودن و تجمل آفریده شده است .

و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها و زینه

زینت بودن استر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۲

۲- اسب ، استر و الاغ به منظور سوار شدن ، زینت بودن و تجمل آفریده شده است .

و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها و زینه

زینت بودن الاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۲

۲- اسب ، استر و الاغ به منظور سوار شدن ، زینت بودن و تجمل آفریده شده است .

و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها و زینه

زینت پیرزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۳

۳- آرایش و خود آرایی زنان حتی سالخوردگان نا امید از زناشویی در برابر نامحرمان ممنوع است .

و القواعد من النساء اللّٰی لایرجون نکاحًا .. غیر متبرّجت بزینه

زینت خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۷ - ۳

۳ - خدمت گذاران پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در بهشت جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

یطوف علیهم ولدن مَخْلُدون

برخی احتمال داده اند که <مَخْلُدون> مشتق از <خُلد> به معنای گوشواره باشد. بنابراین عبارت <ولدان مَخْلُدون>؛ یعنی، جوانانی که بر گوش آنها، گوشواره آویخته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۹ - ۴

۴ - خدمت گزاران ابرار در بهشت ، جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

و یطوف

عليهم ولدن مخلصون

برخی احتمال داده اند که <مخلصون>، مشتق از <خلص> به معنای گوشواره باشد. بنابراین <ولدان مخلصون>، یعنی، جوانانی که گوشواره، بر گوششان آویخته شده است.

زینت در برابر نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۵

۵ - آرایش و خودآرایی زنان در برابر نامحرمان ، امری مهم و غیر قابل اغماض در نظام اسلامی

و القواعد من النساء التي لا يرجون نکاحًا .. غیر متبرجت بزینة

ممنوعیت زنان سالخورده و بی میل به امور جنسی از خودآرایی، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

زینت در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ - ۱۰، ۲

۲ جمال و آراستگی ظاهر به هنگام نماز و عبادت، محبوب خداوند است.

خذوا زینتکم عند کل مسجد

برداشت فوق بر این اساس است که کلمه <مسجد> اسم زمان و یا اسم مکان، و نه خصوص مساجد رسمی، باشد. در این صورت مراد از سجده، پرستش خدا و خضوع در برابر اوست که نماز و پیشانی بر خاک ساییدن مصداق تام و جلوه کامل آن است.

۱۰ عن خثیمه قال: کان الحسن بن علی(ع) إذا قام إلى الصلوة لبس اجود ثیابه فقيل له: یا بن رسول الله لم تلبس اجود ثیابک؟ قال: ان الله تعالی جمیل يحب الجمال فاتجمل لربی و هو يقول: <خذوا زینتکم عند کل مسجد> . . .

از خثیمه نقل شده که امام مجتبی(ع) به هنگام نماز، بهترین لباس خود را می پوشید. پرسیدند چرا بهترین لباس را می پوشی؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، من برای

خدا خود را به زیبایی آراسته می کنم، زیرا او فرمود: <زینت خود را هنگام هر عبادتی بر گیرید...>.

زینت در مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ - ۱

۱ ضرورت آراسته ساختن خویش با زینتها، هنگام حضور در مساجد

بینی ءادم خذوا زینتکم عند کل مسجد

زینت در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ - ۲

۲ جمال و آراستگی ظاهر به هنگام نماز و عبادت، محبوب خداوند است.

خذوا زینتکم عند کل مسجد

برداشت فوق بر این اساس است که کلمه <مسجد> اسم زمان و یا اسم مکان، و نه خصوص مساجد رسمی، باشد. در این صورت مراد از سجده، پرستش خدا و خضوع در برابر اوست که نماز و پیشانی بر خاک ساییدن مصداق تام و جلوه کامل آن است.

زینت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱،۲

۱ آراستگی زندگانی دنیا، در دیدگاه کافران

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

۲ زینت زندگانی دنیا در نظر کافران، واقعیت آن را پوشانده است.

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - زینت کردن برای زنان ، کاری مشروع و جایز است .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

زینت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۳

۳ - حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش

نیست: بازی، لهو و سرگرمی، زینت و آرایش، تفاخر و فخرفروشی، و فزون طلبی.

أئما الحیوه الدنیا .. و تکاثر فی الأموال و الأولد

واژه <أئما> (به فتح همزه) نظیر <إئما> (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین <أئما الحیوه الدنیا...> معادل <ما الحیاه الدنیا إلاّ لهو و لعب...> است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از <لعب>، <لهو>، <زینت>، <تفاخر> و <تکاثر> نمی باشد.

زینت طلبی در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۷

۷- انسان در دوران جوانی، طالب زینت و آرایش دادن خویش است.

أئما الحیوه الدنیا .. و زینه

زینت فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۱

۱- مال و فرزند، جلوه ها و زینت های زندگی ناپایدار دنیاند.

المال و البنون زینه الحیوه الدنیا

<بنون> گرچه جمع <ابن> است، ولی تغلیباً می تواند شامل هر دو جنس مذکر و مؤنث شود، همانگونه که در <بنی آدم> و امثال آن، مقصود، تنها فرزندانِ ذکور آدم نیست، بلکه مطلق فرزند است.

زینت مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۱

۱- مال و فرزند، جلوه ها و زینت های زندگی ناپایدار دنیاند.

<بنون> گرچه جمع <ابن> است، ولی تغلیباً می تواند شامل هر دو جنس مذکر و مؤنث شود، همانگونه که در <بنی آدم> و امثال آن، مقصود، تنها فرزندانِ ذکور آدم نیست، بلکه مطلق فرزند است.

زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۳ - ۳

۳ - زینت و تجمل مردان به طلا، ارزشی فرعونی *

قال .. فلولا ألقى عليه أسوره من ذهب

زینت مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۹ - ۱

۱ - مردم مصر در عصر فرعون دارای سنت تزئین و تجمل در روزی مخصوص (عید) و اجتماع در مکانی معین

موعد کم یوم الزینه و أن يحشر الناس ضحی

فرعون در سخن خود با موسی(ع) دو درخواست را مطرح کرد: ۱ تعیین زمان مقابله، ۲ تعیین مکان مقابله. آن حضرت نیز <یوم الزینه> را به عنوان زمان موعود مطرح کرد. به نظر می رسد به خاطر معین بودن مکان اجتماع روز عید، دیگر نیازی به ذکر خصوص مکان نبوده است.

زینت مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۸

۲۸ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : المطلقة تكتحل و تختضب و تطيب و تلبس ما شاءت من الثياب لأن الله عزوجل يقول : >
لعل الله يحدث بعد ذلك أمراً > لعلها أن تقع في نفسه فيراجعها ;

از امام صادق(ع) روایت شده: زن مطلقه [رجعی] خوب است سر مه کشد و خضاب کند و خود را خوشبو نماید و آنچه دوست دارد، از لباس ها بپوشد ; چون خدای عزوجل فرمود است: <لعل الله يحدث بعد ذلك أمراً>. شاید آن زن در دل شوهرش [محبوب] واقع شود و شوهر به او رجوع کند.

زینت های دریایی

- سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۸

۸- گوشت های تازه دریایی و اشیای تزئینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های خداوند است .

و هو الذی سخر البحر لتأکلوا منه لحمًا طریًّا و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها و تر

زینت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۱

۱ تلاش برای رسیدن به موهبت های دنیا و زینت های آن ، در همین دنیا نتیجه بخش بوده و ثمره آن بدون هیچ کاستی ، نصیب انسان می شود .

من کان یرید الحیوه الدنیا و زینتها نوّفّ إلیهم أعمالهم فیها و هم فیها لایبخسون

توفیه (مصدر نوّفّ) به معنای به تمام و کمال پرداختن و ادا کردن است. مراد از <اعمال> نتیجه و ثمره اعمال می باشد. <بخش> به معنای نقص است و <لایبخسون> یعنی ، در ادای حقشان ، کمی و کاستی رخ نخواهد داد.

زینت های زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۸

۸ گیاهان ، زینت بخش زمینند .

فاختلط به نبات الأرض . . . حتی إذا أخذت الأرض زخرفها و ازینت

علاقه به زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۲

۲ - شیفتگی به تجمل و زینت ، علاقه طبیعی زنان

أَوْ مِنْ يَنْشُؤْا فِي الْحَلِيه

تعبیر < يَنْشُؤْا فِي الْحَلِيه > که به معنای پرورش یافتن در زینت است، اشاره به علاقه طبیعی و وابستگی زنان به آرایش و زیور دارد.

فلسفه خلقت زینت ها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۳،۱۰

۳ هدف از آفرینش زینتها و روزیها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست.

زینة الله التي أخرج لعبادة

۱۰ استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هي للذين ءامنوا في الحيوه الدنيا

ذکر نکردن <لغيرهم> پس از <للذين ءامنوا>، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصالة برای مؤمنان آفریده شده است.

مبدأ زینت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱

۱ خداوند، پدیدآورنده زینتها و روزیهای پاکیزه

زینة الله التي أخرج لعبادة

محرومیت از زینت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ کافران در قیامت از زینتهای خدادادی و روزیهای پاکیزه محروم خواهند بود.

قل هي للذين ءامنوا .. خالصه يوم القيمه

مراد از زینت ظاهری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳۶ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < ولاییدین زینتھنّ إلّا ما ظهر منها > فہی الثیاب و الکحل و الخاتم و خضاب الکف و السوار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا <ولاییدین زینتھنّ إلّا ما ظهر منها> روایت شده است کہ فرمود: [زینت ظاہر] جامہ، سرمہ [چشم]، انگشتر، خضاب دست و دستبند است.<

موارد جواز اظهار زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ - پوشاندن زینت ها و مواضع آنها (بدن

(از خدمت کاران بی نیاز به زن و بی رغبت به زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، بر زنان مؤمن لازم نیست .

و لا یبیدین زینتهنَّ إلاَّ.. أو التبیین غیر اُولی الإربہ من الرجال أو الطفل الذی

واژه <الإربہ> به معنای حاجت است و در آیه شریفه به مناسبت این که در بیان مسائل محرم و نامحرم است مقصود، نیاز به زن و تمایل جنسی به زنان است.

موارد جواز اظهار زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۴، ۲۰، ۱۹، ۱۸

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و ...) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لا یبیدین زینتهنَّ إلاَّ لبعولتهنَّ أو ءابائهنَّ أو ءاباءِ بعولتهنَّ أو أبنائهنَّ

۱۹ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لا یبیدین زینتهنَّ إلاَّ.. وؤ أبناءِ بعولتهنَّ أو أخونهنَّ أو بنی إخوانهنَّ أو بنی أخ

۲۰ - بر زنان مؤمن ، پوشاندن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) ، بر دیگر زنان مؤمن و بردگان خود لازم نیست .

و لا یبیدین زینتهنَّ إلاَّ.. أو نسائهنَّ أو ما ملکت أیمنهنَّ

۲۴ - پوشاندن زینت و مواضع آنها (بدن) از خدمت کارانی که ساده لوح اند و از بصیرت و عقل کامل برخوردار نیستند ، بر زنان مؤمن

واجب نیست .

و لا یبدین زینتھنَّ إِلَّا .. أو التبیین غیر اُولی الإربہ

یکی از معانی و موارد کاربرد واژه <إربہ> بصیرت در امور و عقل است (لسان العرب و قاموس المحيط). بنابراین <غیر اُولی الإربہ> یعنی، کسانی که ساده لوح اند و از عقل و بصیرت کافی، از جمله در امور جنسی، برخوردار نیستند و از چنین اموری کاملاً بی خبراند.

ناپایداری زینت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۲

۲ - متاع دنیا و زینت های آن ، چونان خود دنیا ناپایدار و زوال پذیر است .

و ما أوتیتم من شیء فمتع الحیوه الدنیا و زینتها

نیاز به زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۵

۵ زینت و زیبایی، همچون غذای پاکیزه، بخشی از نیازهای آدمیان می باشد.

قل من حرم زینه الله التی أخرج لعباده و الطیبیت من الرزق

ذکر کردن خوراکیها و زینتها در یک جمله و برخورد مساوی در بیان حلیت آنها، حاکی از نیاز همسان آدمی به آنهاست.

زینت طلبی

آثار زینت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۲۳

۲۳ - بازی ، سرگرمی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی ، از مظاهر و جلوه های فریبندگی دنیا

أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ . . . وَتَكَاثَرُوا... وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

معرفی دنیا به متاع فریبنده، در پایان آیه شریفه پس از آن که در آغاز آن با پنج ویژگی شناسانده شده است می تواند اشاره به

مطلب

یاد شده باشد.

اجتناب از زینت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۴

۴ - دنیا ، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است نه میدان بازی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی .

سابقوا إلى مغفرة من ربكم و جنّه

زینت طلبی در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۷

۷ - انسان در دوران جوانی ، طالب زینت و آرایش دادن خویش است .

أنا الحیوه الدنیا .. و زینه

زینت ها

استفاده از زینت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱۲، ۱۰، ۹، ۳

۳ هدف از آفرینش زینتها و روزیها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست.

زینه الله التي أخرج لعباده

۹ جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا خالصه یوم القیمه

کلمه <خالصه> حال است برای <هی> و <یوم القیامه> متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد <الحیاه الدنیا> حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هی للذین آمنوا و لغيرهم فی الحیاه الدنیا و لهم خالصه یوم القیامه.

۱۰ استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هی للذین آمنوا فی الحیوه الدنیا

ذکر نکردن <لغيرهم> پس از <للذین آمنوا>، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصاله برای مؤمنان آفریده شده است.

۱۲ استفاده از زینتها و روزیها

در دنیا، همواره آمیخته با رنجها و کدورتهاست.

قل هی للذین . . . خالصه یوم القیمه

برخی برآنند که <خالصه> در آیه مورد بحث به معنای خلوص از ناملايمات و کدورتها است. بر این مبنا چون این قید برای قیامت ذکر نشده، مفهومی این است که در دنیا مواهب خدادادی آمیخته با رنجها و ناملايمات است.

فلسفه خلقت زینت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱۰، ۳

۳ هدف از آفرینش زینتها و روزیها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست.

زینة الله التي أخرج لعبادة

۱۰ استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا

ذکر نکردن <لغیرهم> پس از <للذین ءامنوا>، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالاصاله برای مؤمنان آفریده شده است.

مبدأ زینت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱

۱ خداوند، پدیدآورنده زینتها و روزیهای پاکیزه

زینة الله التي أخرج لعبادة

زیورآلات

استخراج زیورآلات دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۵،۶

۵ - وجود جواهر و زیور آلات قابل استخراج در دریاها

و تستخرجون حلیه تلبسونها

<حلیه> به معنای زیور است.

۶ - جواز غواصی و استخراج اشیای قیمتی و زینتی دریاها

و تستخرجون حلیه تلبسونها

استفاده از زیورآلات دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - تغذیه با گوشت های تازه و استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریا ها

است .

و من کلّ تأکلون لحماً طریّاً .. و تری الفلک فیہ موآخر

دوراندازی زیورآلات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۷۸،۹،۱۰

۷ - بنی اسرائیل ، در زمان غیبت موسی (ع) و رفتن او به میقات ، زیورآلات غنیمتی خود را دور انداختند .

حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا

<قذف> به معنای پرتاب کردن و دور انداختن است. با توجه به جمله <حَمَلْنَا أَوْزَارًا> به نظر می رسد، بنی اسرائیل زیورآلات به غنیمت گرفته شده را به این خاطر که گناه و آلودگی است، به دور انداختند. و یا به جهت بی قدر و قیمت شدن آنها در شرایط صحرا و زندگی بیابانی، تصمیم به دور انداختن آنها گرفتند.

۸ - سامری ، سردمدار جریان به دورافکندن زیورآلات به وسیله بنی اسرائیل

فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكِ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

مشخص کردن سامری در بین مجموعه ای که زیورآلات را به دور افکندند، نشان دهنده جلودار بودن او در این قضیه است.

۹ - بنی اسرائیل ، شاهد دست زدن سامری به اقدامی مشابه با حرکت عمومی بنی اسرائیل در به دور افکندن غنیمت های به جا مانده از فرعونیان

فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكِ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

<كذلك>؛ یعنی، مانند آنچه ما انجام دادیم. این توصیف گویای آن است که سامری در حضور بنی اسرائیل و همانند آنان، عمل کرده و چیزهایی را دور انداخته بود.

۱۰ - اقدام سامری در دور افکندن اشیای خویش ، پس از آن بود که بنی اسرائیل غنیمت های همراه خویش را دور ریخته بودند .

فَكَذَلِكِ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

دوراندازی زیورآلات سامری

۹ - بنی اسرائیل ، شاهد دست زدن سامری به اقدامی مشابه با حرکت عمومی بنی اسرائیل در به دور افکندن غنیمت های به جا مانده از فرعونیان

فقدنہا فکذلک ألقى السامری

< کذلک > ؛ یعنی، مانند آنچه ما انجام دادیم. این توصیف گویای آن است که سامری در حضور بنی اسرائیل و همانند آنان، عمل کرده و چیزهایی را دور انداخته بود.

۱۰ - اقدام سامری در دور افکندن اشیای خویش ، پس از آن بود که بنی اسرائیل غنیمت های همراه خویش را دور ریخته بودند .

فکذلک ألقى السامری

روش ساخت زیورآلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۵

۵ تهیه زیورآلات و وسایل زندگی از اهداف گداختن فلزات در کوره های آتش است .

و مما یوقدون علیہ فی النار ابتغاء حلیہ أو متع

< ابتغاء > به معنای طلب کردن است و این کلمه مفعول له برای < یوقدون > می باشد. < حلیه > چیزی است که وسیله زینت قرار می گیرد و < متاع > به چیزی گفته می شود که در زندگی مورد بهره برداری است.

زیورآلات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۴،۵،۶

۴ - بنی اسرائیل بخش قابل توجهی از زیورآلات فرعونیان را با خود به همراه آورده بودند .

و لَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ

مراد از <القوم> بر حسب ظاهر فرعونیان هستند. و <وزر> به معنای <ثقل> است. از همین رو به گناه نیز <وزر و ثقل> اطلاق می گردد؛ چرا که بر دوش گنه کار سنگینی می کند. استعمال این

واژه احتمالاً اشاره به آن است که بنی اسرائیل، همراه داشتن زیور آلات فرعونیان را بر خود جایز نمی شمردند.

۵ - بنی اسرائیل در به همراه آوردن زینت آلات فرعونیان نیز خود را بی اختیار قلمداد می کردند .

و لَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ

آمدن <حَمَلْنَا> به صیغه مجهول، در ادامه توجیه بنی اسرائیل از عملکرد خویش است؛ یعنی، ما در حمل زینت های فرعونیان نیز ناخواسته آن را انجام دادیم و به ما تحمیل شد.

۶ - اقدام بنی اسرائیل در به همراه آوردن زینت آلات فرعونیان و مصادره آنها، بدون صدور دستوری از جانب موسی (ع) صورت گرفته بود .

و لَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ

تعبیر <حَمَلْنَا> و کلمه <وزر>، حکایت از آن دارد که موسی(ع) در این زمینه دستوری صادر نکرده بوده، و بنی اسرائیل، خودسرانه این کار را انجام داده بودند.

زیورآلات دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ - گوشت های تازه دریایی و اشیای تزینی آن و سهولت کشتیرانی، از نعمت های الهی برای بشر

مِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُونَ حَلِيهَ تَلْبَسُونَهَا وَ تَرَى الْفَلَكَ فِيهِ مُوَآخِر

زیورآلات فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۷ - ۹، ۱۱، ۶، ۵، ۴

۴ - بنی اسرائیل بخش قابل توجهی از زیور آلات فرعونیان را با خود به همراه آورده بودند .

و لَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ

مراد از <القوم> بر حسب ظاهر فرعونیان هستند. و <وزر> به معنای <ثقل> است. از همین رو به گناه نیز <وزر و ثقل>

گردد؛ چرا که بر دوش گنه کار سنگینی می کند. استعمال این واژه احتمالاً اشاره به آن است که بنی اسرائیل، همراه داشتن زیور آلات فرعونیان را بر خود جایز نمی شمردند.

۵ - بنی اسرائیل در به همراه آوردن زینت آلات فرعونیان نیز خود را بی اختیار قلمداد می کردند .

و لَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ

آمدن <حَمَلْنَا> به صیغه مجهول، در ادامه توجیه بنی اسرائیل از عملکرد خویش است؛ یعنی، ما در حمل زینت های فرعونیان نیز ناخواسته آن را انجام دادیم و به ما تحمیل شد.

۶ - اقدام بنی اسرائیل در به همراه آوردن زینت آلات فرعونیان و مصادره آنها، بدون صدور دستوری از جانب موسی (ع) صورت گرفته بود .

و لَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ

تعبیر <حَمَلْنَا> و کلمه <وزر>، حکایت از آن دارد که موسی(ع) در این زمینه دستوری صادر نکرده بوده، و بنی اسرائیل، خودسرانه این کار را انجام داده بودند.

۹ - بنی اسرائیل، شاهد دست زدن سامری به اقدامی مشابه با حرکت عمومی بنی اسرائیل در به دور افکندن غنیمت های به جا مانده از فرعونیان

فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

<كذلك>؛ یعنی، مانند آنچه ما انجام دادیم. این توصیف گویای آن است که سامری در حضور بنی اسرائیل و همانند آنان، عمل کرده و چیزهایی را دور انداخته بود.

۱۱ - بنی اسرائیل، غنیمت های به جا مانده از فرعونیان را، تأمین کننده هزینه ساخت گوساله خواننده و خود را از هرگونه کمک مالی به آن تبرئه کردند .

مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَ لَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا

یکی از معانی ذکر شده برای <ملک>، <مملوک> است (قاموس). مفاد

آیه با توجه به این معنا چنین می شود: ما به وسیله اموال خودمان، خود را در این انحراف سهیم نساختیم؛ بلکه سامری از اموالی که ما به دور ریخته بودیم، این فتنه را به بار آورد.

زیورآلات مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۹

۹ - استفاده از مظاهر طبیعت، برای خوراک، پوشاک و زیورآلات، مجاز و روا است.

و من کلّ تأکلون لحمًا طریًّا و تستخرجون حلیه تلبسونها

علاقه به زیورآلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۸

۸ - علاقه و تمایل طبیعی همه انسان ها، به زیورآلات و پوشیدن لباس های ابریشمین

یحلّون فیها من اساور من ذهب و لؤلؤا و لباسهم فیها حریر

گرایش به زیورآلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۶

۶ - گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

فعل مضارع <تلبسونها> حکایت از واقعیت خارجی می کند و آن استفاده از زیورآلات است. از طرفی، تزئین جزء نیازهای ضروری انسان نیست و در عین حال در کنار آن نیازها ذکر شده است و این حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۷

۷- گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

و تستخرجون حلیه تلبسونها

آیه شریفه در صدد گزارش از یک واقعت خارجی است و آن استفاده مدام انسان ها از زیورآلات دریایی است. این

کار حکایت از تمایل و گرایش است که در درون انسان ها وجود دارد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

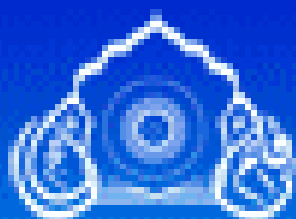
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹